

دنیا و آخرت

از نگاه قرآن و حدیث

محمدی امی شهری

جلد دوم

با همکاری: سید رسول موسوی

مترجم

حمیدرضا شیفی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی



مآذان چاپخانه

مرکز تحقیقات دارالحدیث: ۱۱۵



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

محمّدی ری شهری، محمّد، ۱۳۲۵ -
دنیا و آخرت از نگاه قرآن و حدیث / تألیف محمّد محمّدی ری شهری با همکاری سید رسول موسوی؛
مترجم حمیدرضا شیخی. — قم: دارالحدیث، ۱۳۸۴.
ج ۲. — (مرکز بحوث دارالحدیث: ۱۱۵)
دوره ۶۰/۰۰۰ ریال
ISBN(set): 964 - 493 - 113 - 0
ISBN: 964 - 493 - 112 - 2

کتابنامه ج ۲. ص ۴۱۹-۴۲۷؛ همچنین به صورت زیر نویس.
۱. دنیا - احادیث. ۲. آخرت - احادیث. ۳. احادیث شیعه - قرن ۱۴. ۴. احادیث اهل سنت - قرن ۱۴.
الف. موسوی، سید رسول، ۱۳۴۰ - شیخی، حمیدرضا، ۱۳۳۷ - ب. عنوان.
BP ۱۴۱/۵/۵۸ م ۳۱۳۸۴

فهرست نویسی پیش از انتشار، در کتابخانه تخصصی حدیث / قم.

دنیا و آخرت

از نگاه قرآن و حدیث

محمدی ای سہری

مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

با همکاری

سید رسول موسوی

مترجم

حمید رضا شیخی

جلد دوم

دنیا و آخرت از نگاه قرآن و حدیث / ج ۲

محمد محمدی ری شهری

همکار: سید رسول موسوی

مترجم: حمیدرضا شیخی

بازبین علمی: عبدالهادی محمودی، سید رضا حسینی، علی عباسی

بازبین ترجمه: محمد مرادی

مصدریاب احادیث: محمدرضا وفایی، رسول آفتی، محمدحسین صالح آبادی، محمدرضا سبحانی‌نیا

مقابله گر با مصادر: رعد بیهانی، حیدر واتلی

سروراستار: محمدهادی خالقی

ویراستار عربی: عبدالکریم مسجدی، عادل اسدی

ویراستار فارسی: سید محمد دلال موسوی، محمد باقری‌زاده اشعری

اعراب‌گذار: مرتضی خوش‌نصیب

فهرست‌ساز: رعد بیهانی

نمونه‌خوان: علی نقی نگران، سید هاشم شهرستانی، مهدی جوهرچی

خوش‌نویس: حسن فرزندگان

صفحه‌آرا: سید علی موسوی‌کیا

ناشر: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث

نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۴

چاپ‌خانه: دارالحدیث

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت دوره: ۶۰۰۰ تومان



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی



سازمان چاپ و نشر

قم، خیابان معلم، نبش کوچه ی ۱۲، پلاک ۱۲۵

تلفن: ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۵۲۳ / فاکس: ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۵۷۱ / ص.پ ۲۴۶۸ / ۳۷۱۸۵

نمایشگاه دائمی علوم حدیث (قم، خیابان معلم): ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۵۴۵

فروشگاه شماره «۲» (قم، خیابان ارم): ۰۲۵۱ ۷۷۴۱۶۵۰

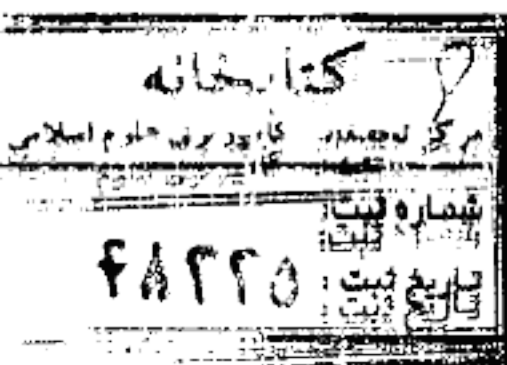
فروشگاه شماره «۳» (شهر ری، صحن کاشانی): ۵۵۹۵۲۸۶۲

<http://www.hadith.net>

hadith@hadith.net

ISBN(set): 964 - 493 - 113 - 0

ISBN: 964 - 493 - 112 - 2



فهرست اجمالی

- فصل پنجم: ریشه‌های دنیادوستی ۷
- فصل ششم: نشانه‌های بندگان دنیا و روش رویارویی با آنان ۱۱

بخش سوم: زهد به دنیا

- فصل یکم: تعریف زهد و تحریف آن ۴۱
- فصل دوم: ارزش زهد ۷۱
- فصل سوم: برکت‌های زهد ۹۹
- فصل چهارم: زمینه‌های زهد ۱۳۳
- فصل پنجم: رهنمودهایی برای رسیدن به زهد ۱۶۳
- فصل ششم: نمونه‌های زهد ۲۱۳

بخش چهارم: آخرت

- فصل یکم: آخرت‌شناسی ۲۵۷
- فصل دوم: اهتمام به آخرت ۲۸۳
- فصل سوم: یاد آخرت ۳۲۵
- فصل چهارم: آباد کردن آخرت ۳۴۳
- فصل پنجم: سودای آخرت ۳۶۳

الفصل الخامس

مبادئ حب الدنيا

١/٥

الجهل

٧٧٣ . الإمام علي عليه السلام: غري يا دنيا من جهل حيلك، وخفي عليه حبايل^١ كيدك^٢.

٧٧٤ . عنه عليه السلام: الركون إلى الدنيا مع ما يُعائِنُ منها جهل^٣.

٧٧٥ . عنه عليه السلام: الركون إلى الدنيا مع ما يُعائِنُ من غيرها جهل^٤.

٧٧٦ . عنه عليه السلام: الركون إلى الدنيا مع ما يُعائِنُ من سوء ثقلها جهل^٥.

راجع: ص ١٤٦ (مبادئ الزهد / اليقين).

٢/٥

الخوف

٧٧٧ . الإمام علي عليه السلام: العاجلة غرور الحمقى^٦.

١ . حبايل: جمع حباله؛ وهي المضيئة (تاج العروس: ج ١٤ ص ١٣٤ «حبل»).

٢ . غرر الحكم: ح ٦٤١٣، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٤٩ ح ٥٩٤٥.

٣ . نهج البلاغة: الحكمة ٢٨٤، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢٩٧، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ١٩٠ ح ٥٦؛ مطالب السؤول: ص ٥٧.

٤ . غرر الحكم: ح ١٩٧٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٩ ح ١٥٠٨.

٥ . غرر الحكم: ح ٢٠٣٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ٦٢ ح ١٦١١.

٦ . غرر الحكم: ح ٨٩٦.

فصل پنجم ریشه های دنیا دوستی

۱/۵

نادانی

۷۷۳. امام علی علیه السلام: ای دنیا! کسی را بفریب که حیل‌های تو را نمی‌شناسد، و دام‌های

نیرنگ تو بر او پوشیده است.

۷۷۴. امام علی علیه السلام: دل‌بستگی به دنیا، با وجود آنچه از آن می‌بینی، نادانی است.

۷۷۵. امام علی علیه السلام: دل‌بستگی به دنیا، با وجود مشاهده دگرگونی‌های (پیشامدهای)

آن، نادانی است.

۷۷۶. امام علی علیه السلام: دل‌بستگی به دنیا، با وجود مشاهده دگرگونی‌های نابه‌جایش،

نادانی است.

ر. ک: ص ۱۴۷ (زمینه‌های زهد / یقین).

۲/۵

کم‌خردی

۷۷۷. امام علی علیه السلام: دنیا، مایه فریب کم‌خردان است.

۷۷۸. عنه علیه السلام: الْإِغْتِرَارُ بِالْعَاجِلَةِ خُرْقٌ ۱.

۷۷۹. عنه علیه السلام: الدُّنْيَا غَنِيمَةُ الْحَمَقِ ۲.

۷۸۰. عنه علیه السلام: الْفَرَحُ بِالدُّنْيَا حُمَقٌ ۴.

۳/۵

طَوَّلُ الْأَمَلِ

۷۸۱. الإمام علي علیه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ الدُّنْيَا تَغُرُّ الْمُؤْمِلَ لَهَا وَالْمُخْلِذَ إِلَيْهَا، وَلَا تَنْفَسُ بِمَنْ

نَافَسَ فِيهَا ۵، وَتَغْلِبُ مَنْ غَلَبَ عَلَيْهَا ۶.

۷۸۲. عنه علیه السلام: مَا أَطَالَ عَبْدُ الْأَمَلِ إِلَّا أَسَاءَ الْعَمَلِ وَطَلَبَ الدُّنْيَا ۷.

راجع: ص ۲۳۰ (ما ينسي الآخرة / طول الأمل).

مرکز تحقیق و ترویج علوم و معارف اسلامی

۱. الخُرْق - بالضم - : الجهل والحُمَق (النهاية: ج ۲ ص ۲۶ «خرق»).

۲. غرر الحكم: ح ۴۵۵، عیون الحكم والمواعظ: ص ۳۱ ح ۵۰۲.

۳. غرر الحكم: ح ۱۱۱۰، عیون الحكم والمواعظ: ص ۴۴ ح ۱۰۸۱.

۴. غرر الحكم: ح ۴۵۴، عیون الحكم والمواعظ: ص ۳۱ ح ۵۰۱.

۵. لَا تَنْفَسُ بِمَنْ نَافَسَ فِيهَا: لَا تَضُنَّ [أَي لَا تَبْخُلْ] بِهِ: أَي مِنْ نَافَسَ فِي الدُّنْيَا فَإِنَّ الدُّنْيَا تُهَيِّنُهُ وَلَا تَضُنُّ بِهِ كَمَا يُضُنُّ بِالْعَلَقِ النَّفِيسُ (شرح نهج البلاغة: ج ۱۰ ص ۶۱).

۶. نهج البلاغة، الخطبة ۱۷۸، بحار الأنوار: ج ۷۳ ص ۳۶۴ ح ۹۶.

۷. الدعوات: ص ۲۳۶ ح ۶۵۵، بحار الأنوار: ج ۸۲ ص ۱۷۲ ح ۶.

۷۷۸. امام علی علیه السلام: فریفته شدن به دنیا، حماقت است.

۷۷۹. امام علی علیه السلام: دنیا، غنیمت کم خردان است.

۷۸۰. امام علی علیه السلام: شاد شدن به دنیا، کم خردی است.

۳/۵ درازی آرزو

۷۸۱. امام علی علیه السلام: ای مردم! دنیا کسی را که آرزومندش باشد و به آن بگراید، فریب می‌دهد، و کسی را که عزیزش بدارد، عزیز نمی‌دارد، و کسی را که بر آن چیره شود (/ چیرگی بجوید)، مغلوب می‌کند.

۷۸۲. امام علی علیه السلام: هیچ بنده‌ای آرزو را دور و دراز نکرد، مگر این که کردار را بد کرد و در پی دنیا بر آمد.

مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی
کتاب: ۲۳۱ (عوامل از یاد بردن آخرت / آرزوی نرازی)

الفصل السادس

علامات عبادة الدنيا وأدب مواجهم

١/٦

صفات أهل الدنيا

٧٨٣ . الإمام علي عليه السلام: إِنَّ النَّبِيَّ ﷺ سَأَلَ رَبَّهُ سُبْحَانَهُ لَيْلَةَ الْمِعْرَاجِ فَقَالَ: ... يَا رَبِّ وَمَنْ أَهْلُ الدُّنْيَا وَمَنْ أَهْلُ الْآخِرَةِ؟

قال: أهل الدنيا مَنْ كَثُرَ أَكْلُهُ وَضَحْكُهُ وَنَوْمُهُ وَغَضَبُهُ، قَلِيلُ الرِّضَا، لَا يَعْتَذِرُ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْهِ، وَلَا يَقْبَلُ عُذْرَ مَنْ اعْتَذَرَ إِلَيْهِ، كَسْلَانٌ عِنْدَ الطَّاعَةِ، شُجَاعٌ عِنْدَ الْمَعْصِيَةِ، أَمَلُهُ بَعِيدٌ وَأَجَلُهُ قَرِيبٌ، لَا يُحَاسِبُ نَفْسَهُ، قَلِيلُ الْمَنْفَعَةِ، كَثِيرُ الْكَلَامِ، قَلِيلُ الْخَوْفِ، كَثِيرُ الْفَرَحِ عِنْدَ الطَّعَامِ، وَإِنَّ أَهْلَ الدُّنْيَا لَا يَشْكُرُونَ عِنْدَ الرِّخَاءِ، وَلَا يَصِيرُونَ^١ عِنْدَ الْبَلَاءِ، كَثِيرُ النَّاسِ عِنْدَهُمْ قَلِيلٌ، يَحْمَدُونَ أَنْفُسَهُمْ بِمَا لَا يَفْعَلُونَ وَيَدَّعُونَ بِمَا لَيْسَ لَهُمْ، وَيَتَكَلَّمُونَ بِمَا يَتَمَنُّونَ، وَيَذْكُرُونَ مَسَاوِيَّ النَّاسِ وَيُخْفُونَ حَسَنَاتِهِمْ.

فَقَالَ: يَا رَبِّ، كُلُّ هَذَا الْعَيْبِ فِي أَهْلِ الدُّنْيَا؟!

١. في المصدر «لَا يُصِيرُونَ» والأصح ما أثبتناه كما في بحار الأنوار.

فصل ششم

نشانه‌های بندگان دنیا و روش رویارویی با آنان

۱/۶

ویژگی‌های اهل دنیا

۷۸۳. امام علی علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله در شب معراج از پروردگار پاکش پرسید: ای پروردگار

من! اهل دنیا چه کسی است و اهل آخرت کیست؟

فرمود: «اهل دنیا، کسی است که: خوراک و خنده و خواب و خشمش

بسیار است؛ خشنودی‌اش اندک است؛ نه از کسی که به وی بدی کرده است،

پوزش می‌طلبد، و نه پوزش کسی را که از او پوزش می‌طلبد، می‌پذیرد؛ در

طاعت، تنبل است، و در معصیت، گستاخ؛ آرزویش دور و دراز است و

اجلش نزدیک؛ از نفس خویش حساب نمی‌کشد؛ کم‌خیر است؛ پُرگوست؛

کم‌ترس [از خدا] است؛ و هنگام غذا خوردن، بسیار شاد است.

اهل دنیا در هنگام آسایش، سپاس‌گزار نیستند، و هنگام بلا (سختی)

شکیبا نیستند؛ زیادِ مردم، در نظر آنان اندک است؛ خویشان را به کارهای

ناکرده می‌ستایند، و ادعای چیزهایی را می‌کنند که ندارند، و از چیزهایی

سخن می‌گویند که آرزو دارند؛ و بدی‌های مردم را می‌گویند و خوبی‌های

آنان را پوشیده می‌دارند».

[قال:]^١ يا أحمَدُ، إِنَّ أَهْلَ الدُّنْيَا كَثِيرٌ فِيهِمُ الْجَهْلُ وَالْحُمَقُ، لَا يَتَوَاضَعُونَ لِمَنْ يَتَعَلَّمُونَ مِنْهُ، وَهُمْ عِنْدَ أَنْفُسِهِمْ عُقْلَاءُ، وَعِنْدَ الْعَارِفِينَ حُمَقَاءُ.^٢

٧٨٢. عنه عليه السلام: حُكِمَ عَلَى مُكْثِرِي أَهْلِ الدُّنْيَا بِالْفَاقَةِ، وَأُعِينَ مَنْ غَنِيَ عَنْهَا بِالرَّاحَةِ.^٣

٧٨٥. عنه عليه السلام - مِنْ خُطْبَةٍ لَهُ يُبَيِّنُ فِيهَا عِصْيَانَ الْخَلْقِ - : سُبْحَانَكَ خَالِقاً وَمَعْبُوداً! يَحْسُنُ بِلَايِكَ عِنْدَ خَلْقِكَ خَلَقْتَ دَاراً، وَجَعَلْتَ فِيهَا مَادَّةً؛ مَشْرَباً وَمَطْعَماً، وَأَزْوَاجاً وَخُدَمَاءَ، وَقُصُوراً، وَأَنْهَاراً، وَزُرُوعاً وَثِمَاراً، ثُمَّ أَرْسَلْتَ دَاعِياً يَدْعُو إِلَيْهَا، فَلَا الدَّاعِيَ أَجَابُوا، وَلَا فِيمَا رَغَّبْتَ رَغِبُوا، وَلَا إِلَى مَا شَوَّقْتَ إِلَيْهِ اسْتَأْقُوا.

أَقْبَلُوا عَلَى جِيفَةٍ قَدْ افْتَضَحُوا بِأَكْلِهَا، وَاصْطَلَحُوا عَلَى حُبِّهَا، وَمَنْ عَشِقَ شَيْئاً أَعْسَى^٤ بَصَرَهُ، وَأَمْرَضَ قَلْبَهُ؛ فَهُوَ يَنْظُرُ بِعَيْنٍ غَيْرِ صَاحِحَةٍ، وَيَسْمَعُ بِأُذُنٍ غَيْرِ سَمِيعَةٍ، قَدْ خَرَقَتِ الشَّهَوَاتُ عَقْلَهُ، وَأَمَاتَتِ الدُّنْيَا قَلْبَهُ، وَوَلِهَتْ^٥ عَلَيْهَا نَفْسَهُ، فَهُوَ عَبْدٌ لَهَا، وَلَمْ يَنْ يَدِيهِ شَيْءٌ مِنْهَا، حَيْثُمَا زَالَتْ زَالَ إِلَيْهَا، وَحَيْثُمَا أَقْبَلَتْ أَقْبَلَ عَلَيْهَا، وَلَا يَزْدَجِرُ مِنَ اللَّهِ بِزَاجِرٍ وَلَا يَتَّعِظُ مِنْهُ بِوَاعِظٍ.^٦

٧٨٦. عنه عليه السلام - فِي وَصْفِ الظَّلْمَةِ - : يَتَنَافَسُونَ فِي دُنْيَا دَنِيَّةٍ، وَيَسْتَكَالِبُونَ^٧ عَلَى

١. ما بين المعقوفين أئبتهاء من بحار الأنوار.

٢. إرشاد القلوب: ص ١٩٩ - ص ٢٠١، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٣ ح ٦.

٣. غرر الحكم: ح ٤٩٢٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٣٣ ح ٤٢٧ وفيه «بالقناعة بالراحة».

٤. العَسَى: سوء البصر، وقيل: هو ذهاب البصر (لسان العرب: ج ١٥ ص ٥٦ «عشا»).

٥. وَلِهَتْ: ذهاب العقل والتحرير من شدة الوجد (المصباح: ج ٦ ص ٢٢٥٦ «وله»).

٦. نهج البلاغة: الخطبة ١٠٩.

٧. يتكالبون: أي يتوالبون (المصباح المنير: ص ٥٣٧ «كلب»).

پیامبر ﷺ گفت: ای پروردگار من! همه این عیب‌ها، در اهل دنیا است؟! [فرمود:] «ای احمد! در اهل دنیا، نادانی و کم‌بخردی‌های بسیار است: در برابر کسی که از او دانش می‌آموزند، فروتنی نمی‌کنند، و خویشان را عاقل می‌پندارند، در حالی که به نزد فهمیدگان، مردمانی کم‌خردند».

۷۸۴. امام علی علیه السلام: ثروتمندان اهل دنیا، محکوم به نیازمندی‌اند، و هر که از دنیا بی‌نیازی بجوید، آسایش به یاری او می‌آید.

۷۸۵. امام علی علیه السلام - در خطبه‌ای که در آن، نافرمانی خلق را توضیح می‌دهد - : پاکی تو، ای آفریدگار و معبودی که از سرِ عنایت به بندگان، سرایی (آخرت) آفریدی و در آن، خوانی از انواع نوشیدنی و خوردنی، و همسران و چاکران، و کاخ‌ها و رودها، و محصولات و میوه‌ها گسترانیدی، و سپس دعوتگری فرستادی تا [مردم را] به سوی آن [سرای و خوان گسترده] فرا بخواند؛ اما نه دعوتگر را اجابت کردند و نه به آنچه تو ترغیبشان کردی، رغبت نمودند، و نه بر آنچه تشویقشان کردی، شوقی نشان دادند!

[آنان] به لاشه‌ای روی آوردند که با خوردن آن رسوا گشتند، و در دوستی آن، با یکدیگر سازش کردند. و هر که عاشق چیزی شود، آن چیز، چشم او را کور و دلش را بیمار می‌گرداند، و چنین کسی با چشمی ناسالم می‌نگرد، و با گوشی ناشنوا می‌شنود.

[عاشق دنیا،] شهوات، خرد او را از هم دریده، دنیا دلش را میرانده، و جانش سرگشته دنیا شده است. از این رو، بنده دنیا و بنده کسی است که از دنیا چیزی دارد. به هر سو که دنیا برود، او نیز می‌رود، و به هر طرف که دنیا رو کند، او نیز رو می‌کند. نه با بازدارنده‌ای از سوی خدا باز می‌ایستد و نه از هیچ پندآموزی از سوی او، پند می‌گیرد.

۷۸۶. امام علی علیه السلام - در توصیف ستمگران - : در دنیایی پست رقابت می‌کنند، و بر سر لاشه‌ای گندیده [همچون سگان] به جان یکدیگر می‌افتند؛ اما زودا که پیرو از

جيفة مريخة^١، وعن قليل يتبرأ التابع من المتبوع، والقائد من المقود،
فيتزايلون بالبغضاء، ويتلاعنون عند اللقاء^٢.

٧٨٧. الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ ثَقَلَ الْخَيْرَ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا كَثَقْلِهِ فِي مَوَازِينِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ،
وَإِنَّ اللَّهَ تعالى خَفَّفَ الشَّرَّ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا كَخِفَّتِهِ فِي مَوَازِينِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ^٣.

راجع: ص ٢٩٢ (خصائص أبناء الآخرة)

وص ٣٣٢ ح ١٣٤٨.

٢/٦

مَثَلُ عَبْدِ الدُّنْيَا

٧٨٨. الإمام علي عليه السلام - فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ - : يَا عَبْدَ الدُّنْيَا، كَيْفَ تُخَالِفُ فِرْعَوْنَكُمْ
أَصُولَكُمْ، وَعُقُولَكُمْ أَهْوَاءَكُمْ، قَوْلَكُمْ شِفَاءُ يَبْرئِ الدَّاءِ، وَعَمَلَكُمْ دَاءٌ لَا يَقْبَلُ الدَّوَاءُ؛
وَلَسْتُمْ كَالْكَرْمَةِ^٤ الَّتِي حَسَنَ وَرَقُهَا، وَطَابَ ثَمَرُهَا، وَسَهَّلَ مَرْقَاهَا؛ وَلَكِنَّكُمْ كَالشَّجَرَةِ
الَّتِي قَلَّ وَرَقُهَا، وَكَثُرَ شَوْكُهَا، وَخَبِثَ ثَمَرُهَا، وَصَعِبَ مَرْقَاهَا.

جَعَلْتُمْ الْعِلْمَ تَحْتَ أَقْدَامِكُمْ، وَالدُّنْيَا فَوْقَ رُؤُوسِكُمْ؛ فَالْعِلْمُ عِنْدَكُمْ مُذَالٌ مُمْتَهَنٌ^٥،
وَالدُّنْيَا لَا يُسْتَطَاعُ تَنَاوُلُهَا؛ فَقَدْ مَنَعْتُمْ كُلَّ أَحَدٍ مِنَ الْوُصُولِ إِلَيْهَا، فَلَا أَحْرَارَ كِرَامَ أَنْتُمْ،
وَلَا عِبِيدَ أَتْقِيَاءَ.

وَيَحْكُمُ يَا أَجْرَاءَ السَّوْءِ! أَمَّا الْأَجْرُ فَتَأْخُذُونَ، وَأَمَّا الْعَمَلُ فَلَا تَعْمَلُونَ؛
إِنْ عَمِلْتُمْ فَلِلْعَمَلِ تُفْسِدُونَ، وَسَوْفَ تَلْقَوْنَ مَا تَفْعَلُونَ، يَوْشِكُ رَبُّ الْعَمَلِ أَنْ

١. أَرَاخَ اللَّحْمِ: أَيِ أَنْتَنَ، وَأَرَوْحَ الْمَاءِ وَغَيْرِهِ: تَغَيَّرَتْ رِيحُهُ (الصحاح: ج ١ ص ٣٤٩ «روح»).

٢. نهج البلاغة: الخطبة ١٥١.

٣. الكافي: ج ٢ ص ١٤٣ ح ١٠. الخصال: ص ١٧ ح ٦١ كلاهما عن محمد بن مسلم، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٢٢٥ ح ٣٩.

٤. الكرّم: العنب (القاموس المحيط: ج ٤ ص ١٧٠ «كرم»).

٥. امْتَهَنَتِ الشَّيْءَ: ابْتَدَلَتْهُ. وَرَجُلٌ مَهِينٌ: أَيِ حَقِيرٍ (الصحاح: ج ٦ ص ٢٢٠ «مهين»).

رهبر، و رهبر از پیرو بیزاری بجوید، و با نفرت، از یکدیگر جدا شوند، و هنگام دیدار، یکدیگر را لعنت کنند.

۷۸۷. امام باقر علیه السلام: خداوند، خوبی را بر اهل دنیا سنگین ساخت، همچنان که روز قیامت در ترازوهایشان سنگین است، و خداوند تعالی بدی را بر اهل دنیا سبک ساخت، همچنان که روز قیامت در ترازوهایشان سبک است.

ر.ک: ص ۲۹۳ (ویژگی‌های آخرت‌گرایان)

و ۳۳۵ ح ۱۲۶۸.

۲/۶

مثل بندگان دنیا

۷۸۸. امام علی علیه السلام - در سخنان کوتاه منسوب به ایشان -: ای بندگان دنیا! چرا شاخه‌هایتان با ریشه‌هایتان، و نجرده‌هایتان با هوس‌هایتان ناسازگار است؟ گفتارتان، دارویی است که درد را شفا می‌بخشد؛ ولی کردارتان، دردی است که درمان نمی‌پذیرد. شما نه چون تاکید که برگ‌هایش نیکو و میوه‌اش خوش و بالا رفتن از آن، آسان است؛ بلکه چون درختی هستید که کم برگ و پر خار است و میوه‌اش غیر قابل خوردن، و بالا رفتن از آن، دشوار است.

شما دانش (معرفت) را زیر پاهایتان نهادید، و دنیا را بالای سرهایتان. از این رو، دانش در نزد شما خوار و بی‌مقدار است. و [با شما] به دنیا هم نمی‌توان رسید، که شما هر کسی را از رسیدن به آن، مانع می‌شوید. پس، شما نه آزادگانی آقامنشید و نه بردگانی پرهیزگار.

بدا به حالتان، ای مزدوران بدا! مزد را می‌گیرید و کار نمی‌کنید. اگر هم کار کنید، کار را تباه می‌کنید. به زودی، کردار خود را می‌بینید، و کارفرما به کار تباهی که برایش کرده‌اید و به مزدی که از او گرفته‌اید، رسیدگی خواهد کرد!

يَنْظُرُ فِي عَمَلِهِ الَّذِي أَفْسَدْتُمْ، وَفِي أَجْرِهِ الَّذِي أَخَذْتُمْ.
يا غُرَمَاءَ السَّوِّءِ، تَبْدَوْنَ بِالْهَدْيَةِ قَبْلَ قَضَاءِ الدِّينِ، تَتَطَوَّعُونَ بِالنَّوَافِلِ وَلَا
تُؤَدُّونَ الْفَرَائِضَ، إِنَّ رَبَّ الدِّينِ لَا يَرْضَى بِالْهَدْيَةِ حَتَّى يُقْضَى دِينُهُ.^١

٣/٦

التَّهْنِئَةُ عَنْ تَعْظِيمِ صَاحِبِ الدُّنْيَا

٧٨٩. رسول الله ﷺ: مَنْ عَظَّمَ صَاحِبَ دُنْيَا وَأَحَبَّهُ لَطَمَ دُنْيَاهُ، سَخَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ.^٢
٧٩٠. عنه ﷺ: لَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَكْرَمَ الْغَنِيِّ لِيُغْنَاهُ.^٣
٧٩١. عنه ﷺ: مَنْ تَضَعَّضَ لِغَنِيٍّ لِيَتَالَ مِمَّا فِي يَدَيْهِ، أَسَخَطَ اللَّهُ ﷻ عَلَيْهِ.^٤
٧٩٢. عنه ﷺ: مَنْ أَتَى غَنِيًّا فَتَضَعَّضَ لَهُ، ذَهَبَ ثُلَاثَا دِينِهِ.^٥
٧٩٣. الإمام علي عليه السلام: لَا تَضَعُّوا مَنْ رَفَعَتْهُ التَّقْوَى، وَلَا تَرْفَعُوا مَنْ رَفَعَتْهُ الدُّنْيَا.^٦
٧٩٤. نهج البلاغة: قَالَ [عَلِيٌّ] ﷺ: وَقَدْ لَقِيتُ عِنْدَ مَسِيرِهِ إِلَى الشَّامِ ذَهَاقِينَ^٧ الْأَنْبَارِ

مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی

١. شرح نهج البلاغة: ج ٢٠ ص ٣٢٤ ح ٧١٩.
٢. ثواب الأعمال: ص ٣٣١ ح ١ عن ابن عباس وأبي هريرة، أعلام الدين: ص ٤١١ عن ابن عباس، بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٣٦٠ ح ٣٠.
٣. إرشاد القلوب: ص ١٩٤.
٤. المعجم الصغير: ج ١ ص ٢٥٧، شعب الإيمان: ج ٧ ص ٢١٣ ح ١٠٠٤٤، تنبيه الغافلين: ص ٢٥٧ ح ٢٤١ كلها عن أنس، البداية والنهاية: ج ٩ ص ٢٧٧ عن وهب وكلها نحوه.
٥. تحف العقول: ص ٨، نهج البلاغة: الحكمة ٢٢٨ عن الإمام علي عليه السلام، تفسير العياشي: ج ١ ص ١٢٠ ح ٣٧٩ عن عمرو بن جميع رفعه عن الإمام علي عليه السلام وكلاهما نحوه، الأمالي للمفيد: ص ١٨٨ ح ١٥، الاختصاص: ص ٢٢٦ وفيه «تضعض له شيء يصيبه منه» وكلاهما عن رفاعة عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٧٠ ح ٧: تاريخ بغداد: ج ٤ ص ٣٦٨ عن ابن مسعود، تذكرة الخواص: ص ١٣٤ عن الإمام علي عليه السلام نحوه.
٦. نهج البلاغة: الخطبة ١٩١، غرر الحكم: ص ١٠٢٢٨ و ١٠٢٢٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥١٨ ح ٩٣٩٢ و ٩٣٩٣ وفيه «تضع ... ترفع» بدل «تضعوا ... ترفعوا».
٧. الذّهقان: التاجر، وزعيم فلاحى المجمع، ورئيس الإقليم، مُعَرَّب، جمعه ذهاقنة وذهاقين (القماموس المحيط: ج ٤ ص ٢٢٤ «دهقن»).

ای بدهکاران بدا! دین خود را نمی‌پردازید و هدیه می‌دهید؛ مستحبات را به جا می‌آورید و واجبات را نمی‌گذارید. بستانکار، هدیه را نمی‌پذیرد تا آن که طلب او پرداخت شود.

۳/۶ نبی از بزرگداشت دنیا دار

۷۸۹. پیامبر خدا ﷺ: هر که دنیاداری را بزرگ بدارد و به طمع دنیای او دوستش بدارد، خداوند بر او خشم می‌گیرد.

۷۹۰. پیامبر خدا ﷺ: خداوند، کسی را که ثروتمند را به خاطر ثروتش احترام نهد، از رحمتش دور می‌کند.

۷۹۱. پیامبر خدا ﷺ: هر کس برای رسیدن به ثوابی از ثروتمندی، خود را در برابر او پست کند، خداوند ﷻ بر او خشم می‌گیرد.

۷۹۲. پیامبر خدا ﷺ: هر کس بر توانگری در آید و خود را در برابر او پست کند، دو سوم دینش می‌رود.

۷۹۳. امام علی علیه السلام: آن کس را که پرهیزگاری بالا برده است، پست شمارید، و آن کس را که دنیا بالا برده است، بلندمرتبه شمارید.

۷۹۴. نهج البلاغه: در مسیر امام علی علیه السلام به شام، بزرگان انبار، به دیدارش رفتند و از مرکب‌های خویش پیاده شده، پیشاپیش او دوان دوان حرکت کردند. فرمود: «این چه کاری است که می‌کنید؟!»

فَتَرَجَّلُوا لَهُ وَاسْتَدُوا^١ بَيْنَ يَدَيْهِ، فَقَالَ: مَا هَذَا الَّذِي صَنَعْتُمُوهُ؟! فَقَالُوا: خُلِقُ مِنَّا نُعَظَّمُ بِهِ أُمَرَاءَنَا.

فَقَالَ: وَاللَّهِ مَا يَنْتَفِعُ بِهَذَا أُمَرَاؤُكُمْ، إِنَّكُمْ لَتَشُقُّونَ عَلَى أَنْفُسِكُمْ فِي دُنْيَاكُمْ، وَتَشُقُّونَ بِهِ فِي آخِرَتِكُمْ. وَمَا أَخْسَرَ الْمَشَقَّةَ وَرَاءَهَا الْعِقَابُ، وَأَرَبَحَ الدَّعَةَ مَعَهَا الْأَمَانُ مِنَ النَّارِ^٢.

٤/٦

الْأَمْرُ بِالْإِعْزَازِ عَنْ أُنْبَاءِ الدُّنْيَا

الكتاب

«فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا * ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدَى»^٣.

الحديث

٧٩٥. الإمام علي عليه السلام: خُلِطَةُ أُنْبَاءِ الدُّنْيَا تَشِينُ^٤ الدِّينَ وَتُضَعِفُ الْيَقِينَ^٥.

٧٩٦. عنه عليه السلام: خُلِطَةُ أُنْبَاءِ الدُّنْيَا رَأْسُ الْبُلُوْءِ وَفَسَادُ التَّقْوَى^٦.

٧٩٧. عنه عليه السلام: وَدُّ أُنْبَاءِ الدُّنْيَا يَنْقَطِعُ لِانْقِطَاعِ أَسْبَابِهِ^٧.

١. الشَّدُّ: الْعَدُو؛ اِشْتَدَّ: أَيَّ عَدَا (الصحاح: ج ٢ ص ٤٩٣ «شدد»).

٢. نهج البلاغة: الحكمة ٣٧.

٣. النجم: ٢٩ و ٣٠.

٤. الشَّيْنُ: الْعَيْبُ، وَقَدْ شَانَهُ يَشِينُهُ (النهاية: ج ٢ ص ٥٢١ «شين»).

٥. غرر الحكم: ح ٥٠٧٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٤٢ ح ٤٦١٣.

٦. غرر الحكم: ح ٥٠٦٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٤١ ح ٤٥٩٨.

٧. غرر الحكم: ح ١٠١١٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٠٥ ح ٩٢٧٢.

گفتند: رسمی است که با آن، فرمان‌روایان خود را احترام می‌نهم.
فرمود: «به خدا سوگند که فرمان‌روایان شما از این کار، سودی نمی‌برند و شما نیز با آن، در دنیایتان، خود را به زحمت می‌افکنید و در آخرتتان به رنج می‌افتید، و چه زیانبار است زحمتی که در پی آن، عذاب باشد، و چه پر سود است آسایشی که با ایمنی از آتش [دوزخ] همراه باشد!».

۴/۶

دستور به روی کردن از فرزندان دنیا

قرآن

«پس، از هر که از یاد ما روی برتافته و جز زندگی دنیا را خواستار نبوده است، روی برتاب. این، منتهای دانش آنان است. پروردگار تو، خود، به حال کسی که از راه او منحرف شده، داناتر است، و او به کسی که راه یافته، آگاه‌تر است».

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

حدیث

۷۹۵. امام علی علیه السلام: آمیزش با فرزندان دنیا (دنیا پرستان)، دین را زشت، و یقین را سست می‌کند.

۷۹۶. امام علی علیه السلام: معاشرت با فرزندان دنیا، منشأ گرفتاری و تباه‌کننده پرهیزگاری است.

۷۹۷. امام علی علیه السلام: دوستی فرزندان دنیا، با قطع شدن اسباب آن، قطع می‌شود.

٧٩٨. عنه عليه السلام: مَوَدَّةُ أبنَاءِ الدُّنْيَا تَزُولُ لِأَدْنَى عَارِضٍ يَعْرِضُ^١.

٧٩٩. الإمام الكاظم عليه السلام - في وصيته لهشام بن الحكم -: احذر هذه الدنيا واحذر أهلها^٢.

٥/٦

مَا يَتَّبِعُ مِنَ الدُّعَاءِ عِنْدَ النَّظَرِ إِلَى أَصْحَابِ الدُّنْيَا

٨٠٠. الإمام زين العابدين عليه السلام - من دُعَائِهِ فِي الرِّضَا إِذَا نَظَرَ إِلَى أَصْحَابِ الدُّنْيَا -: الْحَمْدُ لِلَّهِ رِضَى بِحُكْمِ اللَّهِ، شَهِدْتُ أَنَّ اللَّهَ قَسَمَ مَعَاشَ عِبَادِهِ بِالْعَدْلِ، وَأَخَذَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ بِالْفَضْلِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَلَا تَفْتِنِّي بِمَا أُعْطِيَتْهُمْ، وَلَا تَفْتِنَهُمْ بِمَا مَنَعْتَنِي؛ فَأَحْسُدْ خَلْقَكَ، وَأَغْمِطْ^٣ حُكْمَكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَطَيِّبْ بِقَضَائِكَ نَفْسِي، وَوَسِّعْ بِمَوَاقِعِ حُكْمِكَ صَدْرِي، وَهَبْ لِي الثَّقَةَ لِأَقِرَّ مَعَهَا بِأَنَّ قَضَاءَكَ لَمْ يَجِرْ إِلَّا بِالْخَيْرَةِ، وَاجْعَلْ شُكْرِي لَكَ عَلَى مَا زَوَيْتَ عَنِّي أَوْفَرَ مِنْ شُكْرِي إِيَّاكَ عَلَى مَا خَوَّلْتَنِي^٤.

وَاعِصْمْنِي مِنْ أَنْ أَظُنَّ بِذِي عَدَمٍ خَسَاسَةً، أَوْ أَظُنَّ بِصَاحِبِ ثَرَوَةٍ فَضْلاً، فَإِنَّ الشَّرِيفَ مَنْ شَرَّفَتْهُ طَاعَتُكَ، وَالْعَزِيزَ مَنْ أَعَزَّتْهُ عِبَادَتُكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَمَتَّعْنَا بِثَرْوَةٍ لَا تَنفَدُ، وَأَيَّدْنَا بِعِزٍّ لَا يُفْقَدُ، وَاسْرَحْنَا فِي مُلْكِكَ الْأَبَدِ، إِنَّكَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ، الَّذِي لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَكَ كُفُؤاً أَحَدٌ^٥.

١. غرر الحكم: ح ٩٨٢٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٨٧ ح ٩٠٠٣.

٢. تحف العقول: ص ٤٠٠، بحار الأنوار: ج ١، ص ١٥٧، ر ٣٠.

٣. غَمِطَ النَّاسَ - كَفَرَبَ وَسَمِعَ -: اسْتَحَقَرَهُمْ، وَالْعَافِيَةُ: لَمْ يَشْكُرْهَا، وَالنِّعْمَةُ: يَطِيرُهَا (القاموس المحيط: ج ٢ ص ٣٧٦ «غمط»).

٤. دَقَّقَ أَهْلُ الْقَارِئِ الْعَزِيزُ فِي الْعِبَارَةِ، فَهِيَ فِي غَايَةِ الدَّقَّةِ وَاللِّطَافَةِ.

٥. الصحيفة السجادية: ص ١٣٩ الدعاء ٣٥.

۷۹۸. امام علی علیه السلام: دوستی فرزندان دنیا، با بروز کوچک‌ترین پیشامدی، از بین می‌رود.

۷۹۹. امام کاظم علیه السلام: در توصیه‌هایش به هشام بن حکم - از این دنیا بر حذر باش و از اهل آن حذر کن.

۵/۶

دعای بایسته در هنگام دیدن دنیا داران

۸۰۰. امام زین العابدین علیه السلام: در دعا در مقام رضا، هنگامی که چشمش به دنیا داران می‌افتاد - : ستایش، خداوند را از سر خشنودی به حکم خدا. گواهی می‌دهم که خداوند، روزی‌های بندگان را به عدالت تقسیم کرده، و با همه آفریدگانش به احسان، رفتار نموده است.

بار خدایا! بر محمد و آل او درود فرست، و مرا با آنچه به دنیا داران داده‌ای، در بوته امتحان می‌فکن، و آنان را به خاطر آنچه به من نداده‌ای [و به آنان داده‌ای]، میازمای، که در نتیجه بر آفریدگانت رشک برم و تقدیر تو را به دیده حقارت بنگرم. بار خدایا! بر محمد و آل او درود فرست، و جان مرا به قضای خودت شاد بدار، و سینه‌ام را برای [پذیرش] جایگاه‌های حکمت (تقدیرت) بگشای، و مرا چنان اعتمادی [به خودت] ببخش تا به سبب آن، اقرار کنم که قضای تو، جز به نیکی روان نگشته است، و مرا بر نداده‌هایت به من، سپاس‌گزار تر از داده‌هایت به من، قرار ده.^۱ و مرا از این که به خاطر ناداری، گمان پستی برم، یا دارایی را برتر بپندارم، مصون بدار؛ زیرا بزرگ، کسی است که طاعت تو بزرگش کرده است، و عزیز، کسی است که عبادت تو عزتش بخشیده است. پس بر محمد و آل او درود فرست، و مرا از ثروتی پایان‌ناپذیر برخوردار کن، و با عزتی از دست‌ناشدنی، تأییدمان فرما، و ما را در ملک جاویدان رهاگردان، که تویی خدای یگانه یکتای بی‌نیاز، که نه فرزندی داری و نه فرزند کسی هستی، و تو را هیچ همتایی نیست.

۱. خواننده عزیز! در این جمله دقت کن که در نهایت عمق و زیبایی است.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

بخش سوم

زهد به دنیا



مرکز تحقیقات کلامی و فقهی علوم اسلامی

شامل:

درآمد	
فصل یکم	: تعریف زهد و تحریم آن
فصل دوم	: ارزش زهد
فصل سوم	: برکت های زهد
فصل چهارم	: زینت های زهد
فصل پنجم	: رهنمودهایی برای رسیدن به زهد
فصل ششم	: نمونه های زهد



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

درآمد

زهد، در لغت

کلمه «زهد» در اصل به معنای «اندک بودن» و «کم ارزش بودن» چیزی است و از آن جا که این معنا غالباً ملازم با بی رغبتی به آن چیز است، این کلمه در بی رغبتی نیز به کار می رود. ابن فارس در تبیین معنای «زهد» می گوید:

الزَّاءُ وَالْهَاءُ وَالْدَّالُ أَصْلُ يَدُلُّ عَلَى قَلَّةِ الشَّيْءِ، وَالزَّهْدُ: الشَّيْءُ الْقَلِيلُ، وَهُوَ مُزْهِدٌ: قَلِيلُ الْمَالِ، وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «أَفْضَلُ النَّاسِ مُؤْمِنٌ مُزْهِدٌ»، هُوَ الْمَقْلُ.^۱

ماده زاء و هاء و دال (زهد)، بر اندک بودن چیزی دلالت می کند. «زهد»، یعنی چیز اندک و «مُزهِد» یعنی دارای مال اندک. پیامبر خدا فرمود: «برترین مردم، مؤمنِ مُزهد است» یعنی آن که دارایی اندک دارد.

جوهری، «زهد» را چنین معنا کرده است:

۱. معجم مقاییس اللغة: ج ۳ ص ۳۰.

الزَّهْدُ خِلَافُ الرِّغْبَةِ... وَالتَّزْهِيدُ فِي الشَّيْءِ وَعَنِ الشَّيْءِ: خِلَافُ التَّرْغِيبِ فِيهِ.^۱

زهد، خلاف رغبت است «... التزهيد في الشيء و عن الشيء»
یعنی در فلان چیز یا نسبت به آن، زهد (بی رغبتی) ورزیدن.
و راغب اصفهانی در المفردات آورده است:

الزَّهْدُ: الشَّيْءُ الْقَلِيلُ وَالزَّاهِدُ فِي الشَّيْءِ الرَّاْغِبُ عَنْهُ وَالرَّاضِي مِنْهُ بِالزَّهْدِ أَيْ الْقَلِيلِ.^۲

زهید: چیز اندک «الزاهد في الشيء» یعنی بی اعتنا به آن چیز و رضایت دادن به اندک از آن.

بنا بر این، هر چند کلمه زهد، هم در قِلَّت و هم در بی رغبتی کاربرد دارد، اما تأمل در کلمات واژه‌شناسان نشان می‌دهد که معنای نخست، اصل و معنای دوم، فرع آن است.

زهد، در قرآن و حدیث

مادّه «زهد» در قرآن، تنها یک بار، در داستان حضرت یوسف علیه السلام به کار رفته است:

﴿وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ.^۳

و او را به بهای ناچیزی، به چند درهم، فروختند و به او بی رغبت بودند﴾.

یعنی فروشندگان یوسف، به دلیل زهد (بی رغبتی) به وی، او را به بهای اندکی فروختند. در این آیه، «زهد» در بی «رغبتی» به کار رفته است و ارتباط آن با بهای اندک، نشان دهنده معنای اصلی و فرعی آن است.

۱. الصحاح: ج ۲ ص ۴۸۱.

۲. مفردات ألفاظ القرآن: ص ۳۸۴.

۳. یوسف: آیه ۲۰.

در احادیث اسلامی غالباً ماده «زهد» در «بی‌رغبتی» به کار رفته و به ندرت در معنای «قِلّت» استعمال شده است. در این بخش، رهنمودهای پیشوایان اسلام درباره زهدورزی نسبت به دنیای نکوهیده و سیره عملی آنان در برخورد با آن، در شش فصل خواهد آمد؛ اما برای آن که پژوهشگران، با بصیرت بیشتری مباحث آینده را ملاحظه کنند، با تکیه بر متون این بخش، توضیحات کوتاهی درباره تعریف زهد، نشانه‌های آن، تفاوت زهد اسلامی و رهبانیت مسیحی، حکمت زهد و راه‌های دستیابی به آن، ارائه می‌گردد:

یک. تعریف زهد

امام صادق علیه السلام ضمن تبیین سپاهیان خرد و نادانی، «زهد نسبت به دنیا» را از سپاهیان خرد می‌شمارد و آن را به نقطه مقابل «رغبت به دنیا» تعریف می‌نماید و می‌فرماید:

الزُّهْدُ وَضِدُّهُ الرِّغْبَةُ.^۱

زهد، ضدش رغبت است.

با در نظر گرفتن این رهنمود بنیادی که «زهد» از جنود خرد و تحت فرمان قوه عاقله است، به دو نکته مهم در تبیین زهد اسلامی می‌توان دست یافت:

نکته اول، این است که زهدی که اسلام انسان را بدان دعوت می‌کند، خاستگاه عقلی و علمی دارد. به همین جهت، صد در صد منطبق با خرد و منطق است و اگر پیامبر درونی (خرد) مقصود آن را بداند، پیش از پیامبران بیرونی، انسان را بدان دعوت می‌نماید.

نکته دوم، این است که بی‌میلی، دو گونه است:

الف. بی میلی طبیعی

بی میلی طبیعی، آن است که طبع انسان نسبت به چیزی میل نداشته باشد، چنان که بیمار، تمایلی به خوردن و نوشیدن ندارد.

ب. بی میلی قلبی

بی میلی قلبی، آن است که روح انسان نسبت به چیزی تمایل نداشته باشد، هر چند طبع او مایل به آن باشد، مانند بیماری که غذایی را دوست دارد؛ ولی به دلیل این که می داند خوردن آن برای او خطرناک است، نه تنها در خود میلی نسبت به آن احساس نمی کند؛ بلکه قلباً از آن نفرت دارد.

با عنایت به این مقدمه می توان دریافت که زهد اسلامی، به معنای بی میلی طبیعی به دنیا نیست (زیرا بی رغبتی طبیعی نسبت به لذایذ مادی، ارزش نیست و در واقع، نوعی بیماری است)؛ بلکه زهد اسلامی، عبارت است از بی رغبتی قلبی نسبت به لذایذی که برای انسان زیانباراند. *مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی*

توضیح مطلب، این که: گاه انسان طبعاً مایل به کاری است؛ اما خرد، او را به دلیل زیانبار بودن آن کار منع می کند و انسان نیز با وجود علاقه قلبی به آن، از انجام دادن آن خودداری می ورزد. این اقدام، «صبر» نامیده می شود و کسی که خوشتنداری می کند، «صابر» نامیده می شود؛ چرا که در برابر رغبت طبیعی و میل قلبی خود مقاومت کرده است و این، ارزشی است بسیار والا، چنان که از امام علی علیه السلام روایت شده که می فرماید:

مَا أَحْسَنَ بِالْإِنْسَانِ أَنْ يَصْبِرَ عَمَّا يَشْتَهِي^۱.

برای انسان، چه زیباست که در برابر خواسته [های نفسانی اش] صبر کند.

۱. غرر الحکم: ج ۹۶۴۸، عیون الحکم والمواعظ: ص ۴۷۹ ح ۸۱۰۵.

امام علی علیه السلام در رهنمودی دیگر، در پاسخ کسی که از ایشان موعظه خواست، می‌فرماید:

أَتْرَكَ لِمَا تَبَقِيَ مَا تَشْتَهِي أَبَدًا كَفَى بِمَنْ عَفَّ عَمَّا يَشْتَهِي كَرَمًا^۱

از خواهش‌های خود به خاطر آنچه جاویدان است، دست بشوی /

در کرامت آدمی، همین بس که از خواهش‌های خویش، خویشتن نگه دارد.

البته باید توجه داشت که چنین شخصی از فضیلت صبر برخوردار است، نه از فضیلت زهد. زهد - که یک درجه بالاتر از صبر است - آن است که بی میلی قلبی نسبت به لذایذ زیانبار، چنان بر انسان چیره شود که رغبت طبیعی او تحت سیطره آن قرار گیرد، به گونه‌ای که خودداری از لذایذ زیانبار، نیازی به صبر و مقاومت نداشته باشد؛ بلکه انسان، دیگر میلی نسبت به آنها در وجود خود، احساس نکند. امام علی علیه السلام در اشاره به این حالت زیبا می‌فرماید:

مَا أَحْسَنَ بِالْإِنْسَانِ إِلَّا يَشْتَهِي مَا لَا يَتَّبَعِي^۲

برای انسان، چه زیباست که آنچه را شایسته نیست، نخواهد!

هنگامی که انسان به این مرتبه والا دست یافت و زاهد شد، نسبت به اقبال و ادبار دنیا بی تفاوت می‌گردد؛ نه اقبال دنیا او را شادمان می‌کند و نه ادبار دنیا او را اندوهناک می‌نماید، چنان که امام علی علیه السلام در تبیین خصلت «زهد» می‌فرماید:

الرُّهْدُ كُلُّهُ بَيْنَ كَلِمَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ، قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: ﴿لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ﴾^۳.

زهد، در دو جمله از قرآن جمع شده است. خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿تا برای

۱. شرح الأخبار: ج ۲ ص ۳۸۳.

۲. غرر الحکم: ح ۹۶۴۹، عیون الحکم و الموعظ: ص ۴۷۹ ح ۸۱۰۶.

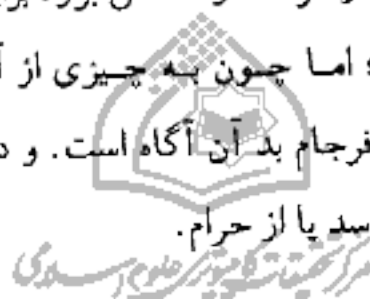
۳. ر.ک: ص ۴۲ ح ۸۰۳.

آنچه از دست شما می‌رود، افسوس نخورید و برای آنچه به شما می‌دهد، شادمان نشوید. ﴿

و آنچه در تبیین زهد و تفاوت آن با صبر گفتیم، در این سخن نورانی امیر مؤمنان علیه السلام خلاصه شده است:

إِنَّمَا النَّاسُ ثَلَاثٌ: زَاهِدٌ، وَرَاغِبٌ، وَصَابِرٌ. فَأَمَّا الزَّاهِدُ فَلَا يَفْرَحُ بِالدُّنْيَا إِذَا أَتَتْهُ، وَلَا يَحْزَنُ عَلَيْهَا إِذَا فَاتَتْهُ، وَأَمَّا الصَّابِرُ فَيَتَمَنَّاها بِقَلْبِهِ، فَإِنْ أَدْرَكَ مِنْهَا شَيْئاً صَرَفَ عَنْهَا نَفْسَهُ لِعِلْمِهِ بِسُوءِ الْعَاقِبَةِ، وَأَمَّا الرَّاغِبُ فَلَا يُبَالِي مِنْ حِلِّ أَصَابِهَا أَمْ مِنْ حَرَامِ.^۱

مردم، سه دسته‌اند: دنیا‌گریز و دنیاخواه و شکیبیا. دنیا‌گریز، هر گاه دنیا به او برسد، شاد نمی‌شود، و هر گاه از دستش برود برایش غم نمی‌خورد. شکیبیا، دنیا را قلباً آرزو می‌کند؛ اما چون به چیزی از آن برسد، جاننش از آن روی برمی‌گرداند؛ زیرا از فرجام بد آن آگاه است. و دنیا خواه اهمیتی نمی‌دهد که از طریق حلال به دنیا برسد یا از حرام.



دو. نشانه‌های زهد

احادیث اسلامی، برای آن که هر کس نتواند ادعای زهد (بی‌رغبتی) نسبت به دنیا کند و مدعیان دروغین از زاهدان راستین باز شناخته شوند، چنان اهمیت قائل‌اند که با وجود این که حقیقت زهد، بی‌رغبتی است،^۲ بجز در مواردی نادر، این صفت را از طریق آثار آن، تعریف و تبیین کرده‌اند.^۳

ساده‌ترین نشانه زهد (بی‌رغبتی)، مصرف اندک است. نمی‌توان باور کرد که کسی از غذایی که میل ندارد، فراوان مصرف کند. در بحث از مفهوم لغوی «زهد» نیز گذشت که قِلْتُ، در معنای زهد، تنیده شده است. بنا بر این، هر چند حقیقت

۱. ر.ک: ص ۴۲ ح ۸۰۵.

۲. ر.ک: ص ۲۵ (نشانه‌های زهد).

۳. ر.ک: ص ۴۱ (فصل یکم: تعریف زهد و تعریف آن / بی‌رغبتی).

زهد، بی میلی روانی است، اما بی تردید، جلوه این خصلت روحی، باید در زندگی به صورت ساده زیستی و پرهیز از اسراف، تجمل گرایی، تشریفات (و حد اقل، اجتناب از محرمات) نمایان باشد.

بر این پایه، زهد، تنها جنبه اخلاقی و روانی ندارد؛ بلکه بُعد عملی نیز دارد و زاهد، کسی است که اعراض روانی از دنیای نکوهیده را با اعراض عملی، همراه نموده است.

سه. مراتب زهد

اشاره کردیم که پایین ترین مراتب زهد، بی رغبتی روانی همراه با اجتناب از محرمات است؛ اما بالاترین درجه زهد، نقطه ای است که حجاب های شناخت، به کلی از جلوی دیده دل برداشته می شوند و سالک به مرتبت یقین واصل می گردد. با وصول به این مرتبت است که باطن دنیای نکوهیده برای زاهد کشف می شود و در این هنگام، انسان نه تنها نسبت به دنیا بی میل می گردد، بلکه به آن نفرت نیز پیدا می کند، چنان که امام علی علیه السلام در توصیف پیامبر خدا می فرماید:

عُرِضَتْ عَلَيْهِ الدُّنْيَا فَأَبَى أَنْ يَقْبَلَهَا، وَعَلِمَ أَنَّ اللَّهَ أَبْغَضُ شَيْئًا فَأَبْغَضَهُ.^۱

دنیا به او پیشنهاد شد؛ اما از پذیرفتن آن خودداری کرد، و دانست که خدا چه چیزی را دشمن می دارد؛ او هم آن را دشمن داشت.

امام علی علیه السلام نفرت خود از دنیای نکوهیده را با جملاتی مانند:

«أَمَرْتُ عَلَى قَوَادِي مِنْ حَنْظَلَةٍ يَلُوكُهَا ذُؤُوقُ»^۲ دنیا در مذاق من، تلخ تر از حنظلی

است که شخص بیمار [، با کراهت] می مکد» و یا «أَهْوَنُ فِي عَيْنِي مِنْ عِرَاقٍ خَنْزِيرٍ

۱. ر.ک: ص ۲۱۸ ح ۱۱۶۵.

۲. ر.ک: ج ۱ ص ۳۴۲ ح ۵۱۱.

فی یدِ مَجْذُوم^۱؛ دنیا در چشم من، بی ارزش تر از استخوان یک خوک در دست فردی جذامی است»، بیان نموده است.

چهار. تفاوت زهد اسلامی و رهبانیت مسیحیت

معلوم شد که زهد اسلامی، هم بُعد درونی دارد و هم بُعد بیرونی، و زاهد، هم در درون، احساس بی رغبتی به دنیا می کند و هم در بیرون، بی علاقه ای او در زندگی آشکار می گردد. در این جا این سؤال پیش می آید که با این تعریف ارائه شده از زهد، چه تفاوتی میان زهد اسلامی و رهبانیت مسیحیت وجود دارد؟ و چرا روایات احادیث به شدت از رهبانیت نهی کرده اند؟^۲

پاسخ، این است که زهد اسلامی و رهبانیت مسیحیت، دو مقوله اند و با هم تفاوت های فراوانی دارند. اصلی ترین و مهم ترین خصوصیت زهد اسلامی که سایر ویژگی ها به آن باز می گردد، این است که زهد اسلامی، بر منطق و برهان روشن، استوار است؛ اما رهبانیت مسیحیت، توجیه علمی و منطقی ندارد.

زهد اسلامی، چشم پوشی از مطلق لذایذ مادی نیست، بلکه - همان طور که توضیح دادیم - تنها چشم پوشی از لذایذ زیانبار است؛ اما رهبانیت مسیحیت، مردم را به چشم پوشی از مطلق لذایذ مادی دعوت می کند.

به سخن دیگر، اسلام، لذایذ مادی را به دو بخش تقسیم کرده است: لذایذ سودمند و لذایذ زیانبار. زهد اسلامی، شامل لذایذ سودمند نمی شود و این، همان چیزی است که خرد و منطق، انسان را بدان دعوت می کند. اسلام، هرگز نمی گوید که انسان باید از لذایذی که برای زندگی او سودمندند، چشم پوشی کند یا نسبت به آنها بی رغبت باشد. پیامبر خدا، برای این که زهد اسلامی با رهبانیت مسیحی اشتباه

۱. ر.ک: ج ۱ ص ۳۴۲ ح ۵۱۰.

۲. ر.ک: ص ۱۲۷ (نهی از رهبانیت و از حرام شمردن آنچه خدا حلال کرده است).

نشود و برای این که از تحریف مفهوم «زهد» پیشگیری نماید، تصریح می فرماید:

لَيْسَ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا تَحْرِيمَ الْحَلَالِ، وَلَا إِضَاعَةَ الْمَالِ، وَلَكِنَّ الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا الرِّضَا بِالْقَضَاءِ ...^۱

زهدورزی نسبت به دنیا، حرام کردن حلال [بر خود] و یا ترک ثروت نیست؛ بلکه زهدورزی نسبت به دنیا، عبارت است از: راضی بودن به قضای خدا ...

همه احادیثی که تحت عنوان: «هشدار درباره تحریف زهد» و نیز تحت عنوان: «نهی از رهبانیت و از حرام شمردن آنچه خدا حلال کرده است» آمده اند، در واقع، برای تبیین تفاوت های زهد اسلامی و رهبانیت مسیحی اند.

اسلام، اجازه نمی دهد که انسان، هیچ کاری را بدون شناخت انجام دهد.^۲ زهد ورزیدن نسبت به دنیا نیز از این قانون، مستثنا نیست و به این جهت امام علی (ع) می فرماید:

لَا تَزْهَدَنَّ فِي شَيْءٍ حَتَّى تَعْرِفَهُ.^۳

هرگز در چیزی زهد موز تا آن گاه که آن را بشناسی.

بر این پایه، پیشوایان اسلام، با همه هشدارهایی که درباره دنیاگرایی داده اند، هنگامی که می بینند افرادی، بدون شناخت، از دنیا مذمت می کنند و دیگران را به زهدورزی دعوت می نمایند، به شدت با آنها برخورد می کنند.^۴

به بیان روشن تر، اسلام، دین دنیا و آخرت و تأمین کننده منافع مادی و معنوی،

۱. ر.ک: ص ۶۲ ح ۸۴۹.

۲. «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ؛ از آنچه بدان علم نداری، پیروی مکن» (اسراء: آیه ۳۶).

۳. غرر الحکم: ح ۱۰۱۶۸، عیون الحکم والمواعظ: ص ۵۲۰ ح ۹۴۴۸.

۴. ر.ک: ج ۱ ص ۱۲۱ (نهی از ناسزاگویی به دنیا و نکوهش آن).

و دنیوی و اخروی جامعه است. امام علی علیه السلام در به تصویر کشیدن جامعه مطلوبی که اسلام مردم را بدان دعوت می‌کند، می‌فرماید:

إِعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ الْمُتَّقِينَ حَازُوا عَاجِلَ الْخَيْرِ وَآجِلَهُ، شَارَكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ، وَلَمْ يُشَارِكْهُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا فِي آخِرَتِهِمْ ... سَكَنُوا الدُّنْيَا بِأَفْضَلِ مَا سُكِنَتْ، وَأَكَلُوا بِأَفْضَلِ مَا أُكِلَتْ ... أَصَابُوا لَذَّةَ الدُّنْيَا مَعَ أَهْلِ الدُّنْيَا، وَهُمْ عَدَا جَبِرَانُ اللَّهِ ...^۱

ای بندگان خدا! بدانید که تقوایندگان، به خیر دنیا و آخرت دست یافتند. آنان با اهل دنیا در دنیایشان شریک شدند؛ اما اهل دنیا در آخرت آنان با آنان شریک نیستند در دنیا به بهترین وجه زیستند و از آن به بهترین وجه خوردند همراه با اهل دنیا به لذت‌های دنیا رسیدند و فردای قیامت هم در جوار خداوند هستند.

بر این پایه، در اسلام راستین، بر خلاف مسیحیت تحریف شده امروز، دنیا و آخرت در تضاد نیستند؛ بلکه با تأمل در رهنمودهای اسلام می‌توان دریافت که در این آیین، مادیّت از درون معنویت، و معنویت از درون مادیّت می‌جوشد و زهد اسلامی، تنها در جایی مفهوم پیدا می‌کند که لذا ید مادی، برای فرد یا جامعه و یا هر دو، زیانبار باشند.

پنج. حکمت زهد

زهد اسلامی در همه عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی، دارای نقش مثبت و سازنده است. از این رو، تحصیل آن فوق العاده مورد تأکید احادیث اسلامی است، تا آن جا که این خصلت، زیباترین زیور انسان نزد خداوند متعال شمرده شده است.^۲

زهد، در حوزه معرفت‌شناختی، آسیب‌های فردی را از انسان دور می‌کند و با

۱. ر.ک: ج ۱ ص ۱۰۰ ح ۱۴۲.

۲. ر.ک: ص ۸۵ (ارزش زهد / زیباترین زیور).

برداشتن حجاب از دیده عقل و قلب، زشتی‌های دنیای نکوهیده را به انسان نشان می‌دهد و زمینه را برای رسیدن به حکمت حقیقی و نور علم - که از باطن جان سرچشمه می‌گیرند - فراهم می‌سازد و در بالاترین مراتب آن است که زاهد، با ملکوت عالم، پیوند برقرار می‌کند و از اسرار جهان هستی آگاه می‌گردد.^۱

زهد، در عرصه تکامل معنوی، فرصت لازم را برای خودسازی فراهم می‌کند، جان را از بردگی هوس‌ها رهایی می‌بخشد، ایمان و عبادت را در کام جان شیرین می‌کند، انسان را به آفریدگار خود نزدیک می‌نماید و سرانجام، او را به قلّه تکامل انسانی صعود می‌دهد.^۲

زهد، تنها در عرصه معرفت و معنویت، کارساز نیست و آسایش و آرامش زندگی مادی نیز در گرو زهد است. زهد، مشکلات زندگی را آسان می‌کند، به انسان عزّت می‌بخشد و دنیا را در خدمت او قرار می‌دهد.^۳

زهد، بیش از آنچه در عرصه زندگی فردی کارساز است، در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کارایی دارد. فرهنگ زهد، ریشه ظلم و تجاوز به حقوق دیگران را می‌سوزاند و زمینه را برای اِثَار و مَوَاسَات (سهیم کردن دیگران در داشته‌های خود) فراهم می‌سازد. همه اختلاف‌های سیاسی و اقتصادی، و همه جنگ‌ها و خونریزی‌ها، ریشه در دنیاگرایی دارند. امام علی علیه السلام در تبیین انگیزه مخالفت‌ها و جنگ‌هایی که در دوران کوتاه حکومت او اتفاق افتاد، در خطبه معروف «شقشقیه» می‌فرماید:

فَلَمَّا نَهَضْتُ بِالْأَمْرِ نَكَلْتُ طَائِفَةً، وَمَرَقْتُ أُخْرَى وَقَسَطَ آخَرُونَ كَأَنَّهُمْ لَمْ يَسْمَعُوا

۱. ر.ک: ص ۹۹ (برکت‌های زهد / کمال یافتن شناخت).

۲. ر.ک: ص ۱۰۳ (دوستی و پاکی نفس) و ۱۰۵ (چشیدن شیرینی ایمان) و ۱۰۷ (درستی دین).

۳. ر.ک: ص ۱۰۹ (برکت‌های زهد / آسایش زندگی).

اللَّهُ سُبْحَانَهُ يَقُولُ ﴿تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾^۱ بَلَىٰ! وَاللَّهُ لَقَدْ سَمِعُوهَا وَوَعَوْهَا، وَلَكِنَّهُمْ خَلَّتِ الدُّنْيَا فِي أَغْنِيَتِهِمْ، وَزَافَتْهُمْ زِينَتُهَا.^۲

چون زمام خلافت را به دست گرفتم، گروهی پیمان شکستند، گروهی از فرمان برون شدند، و گروهی راه ستم پیمودند، و گویا نشنیدند که خداوند سبحان می‌فرماید: ﴿آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که خواهان برتری و تباهی در زمین نیستند و عاقبت، از آن پرهیزکاران است﴾. آری، به خدا سوگند که این آیه را شنیدند و فهمیدند؛ اما دنیا در چشمانشان زیبا آمد و زیب و زیور آن، خیره‌شان کرد.

آنچه می‌تواند به جنگ‌های خانمانسوز در جهان پایان دهد و زندگی را برای جهانیان شیرین کند، زهدورزی رهبران سیاسی است و بدون آن، همه تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌ها برای تأمین حقوق بشر، عقیم خواهد ماند، چنان‌که تجربه تاریخ نیز این مدعا را اثبات می‌نماید.

شش. راه تحصیل زهد

پیشوایان اسلام برای تحصیل صفت «زهد» و گسترش این فرهنگ در جامعه، رهنمودهای ارزشمندی ارائه کرده‌اند که در فصل چهارم خواهند آمد. این رهنمودها را می‌توان در پنج عنوان خلاصه کرد:

۱. قصص: آیه ۸۳.

۲. ر.ک: ج ۱ ص ۴۱۶ ح ۶۷۵.

۱. تقویت بنیادهای معرفتی

هر چه قوه عاقله انسان نیرومندتر گردد و او خدا، دنیا و آخرت را بهتر بشناسد، از علاقه‌اش به دنیای نکوهیده کاسته می‌گردد. به گفته امام علی علیه السلام:

الْعَاقِلُ مَنْ يَزْهَدُ فِيمَا يَرْغَبُ فِيهِ الْجَاهِلُ.^۱

خردمند به آنچه نادان رغبت دارد، بی‌رغبت است.

در بالاترین مراتب شناخت، انسان، نه تنها به دنیا علاقه‌ای ندارد، بلکه نسبت به آن نفرت نیز پیدا می‌کند.^۲

۲. تقویت ارزش‌های دینی

تقویت ایمان و برنامه‌های دینی در زندگی، به تدریج، موجب زهدورزی در دنیای نکوهیده می‌گردد، چنان که در سخنی از امام علی علیه السلام آمده است:

الزَّهْدُ ثَمَرَةُ الدِّينِ.^۳

زهد، میوه دین است.

۳. تقویت شخصیت اخلاقی

بزرگواری روحی، یکی از موانع گرفتار شدن در دام دنیای نکوهیده و هوس‌های پست است. به گفته امام علی علیه السلام:

مَنْ كَرُمَتْ نَفْسُهُ صَغُرَتْ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ.^۴

کسی که برای خویش ارج قائل باشد، دنیا در چشمش کوچک می‌آید.

هر چه انسان در خود بیشتر احساس شخصیت و کرامت کند، از علاقه او نسبت

۱. ر.ک: ص ۱۳۲ ح ۱۰۱۶.

۲. ر.ک: ج ۱ ص ۳۴۷ (مطلقة زیرکان) و ۳۹۵ (تشویق به نفرت از دنیا).

۳. ر.ک: ص ۱۴۶ ح ۱۰۵۱.

۴. ر.ک: ص ۱۵۴ ح ۱۰۶۴.

به هوس‌های زیانباری که به کرامت او ضربه می‌زنند، کاسته می‌گردد. از این رو، یکی از راه‌های گسترش فرهنگ زهد در جامعه، زمینه‌سازی برای تقویت کرامت انسانی در یکایک مردم است.

۴. ساده‌زیستی

یکی از رهنمودهای اهل بیت علیهم‌السلام برای تحصیل صفات نیک، تمرین کردن و عادت دادن خود به آثار آن صفات است. برای مثال، کسی که عصبانی مزاج است، اگر تمرین کند و مدّتی خود را وادارد که مانند افراد بردبار عمل نماید، به تدریج، بردباری برای او عادت می‌شود و بردبار می‌گردد. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

إِنْ لَمْ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ، فَإِنَّهُ قَلٌّ مَنْ تَشَبَّهَ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ.^۱

اگر بردبار نیستی، خود را به بردباری بزن؛ زیرا کمتر کسی است که خود را به قومی مانند کند، مگر آن که به زودی، جزو آنان خواهد شد.

برای کسب صفت زهد نیز می‌توان از همین رهنمود استفاده کرد؛ یعنی همان‌طور که واداشتن خود به بردباری، به تدریج، موجب بردبار شدن می‌گردد، واداشتن خود به زهدورزی نیز به زهد می‌انجامد، چنان‌که در روایتی دیگر، از آن امام علی علیه‌السلام نقل شده است:

التَّزَهُدُ يُوَدِّي إِلَى الزُّهْدِ.^۲

واداشتن خود به زهد، به زهد [واقعی] می‌انجامد.

بنابر این، ساده‌زیستی و اجتناب از تجمل‌گرایی و تشریفات در زندگی، هر چند به معنای زهد (بی‌رغبتی) در دنیا نیست، ولی یکی از راه‌های مهم کسب آن است، و ترویج فرهنگ ساده‌زیستی در جامعه، به تقویت فرهنگ زهدگرایی می‌انجامد. در

۱. نهج البلاغة: حکمت ۲۰۷.

۲. ر.ک: ص ۱۵۴ ح ۱۰۶۶.

این باره، مطالعه سیره عملی پیشوایان دین - که در فصل ششم آمده است^۱ - بسیار آموزنده است.

۵. استمداد از خداوند

در کنار تلاش برای تحصیل چهار عنوان گذشته، «استمداد از خداوند متعال» برای رسیدن به صفت والای زهد و تداوم آن، جایگاه ویژه‌ای دارد. از این رو، یکی از خواسته‌های پیشوایان دین - که خود، زاهدان نمونه بودند - در دعاهايشان، زهد در دنیا بوده است و شگفت‌آور، این که امام زاهدان، علی علیه السلام، پیش از واقعه جمل، ضمن دعایی، به خداوند متعال، عرض می‌کند:

إِنْ لَمْ تُعِنِّي عَلَى دُنْيَايَ بِزُهْدٍ وَعَلَى آخِرَتِي بِتَقْوَى هَلَكَتُ.^۲

اگر مرا در کار دنیا با «زهد»، و در کار آخرتم با «تقوا» کمک نکنی، هلاک می‌شوم.

این سخن، نشان می‌دهد که اگر عنایت و امداد سائل خداوند متعال نباشد، هیچ کس از آلودگی به دنیای نکوهیده و گرفتاری در دام هوس‌ها مصونیت ندارد.

۱. ر.ک: ص ۲۱۳ (فصل ششم: نمونه‌های زهد).

۲. ر.ک: ص ۱۵۶ ح ۱۰۷۱.

الفصل الأول تعريف الزهد وتحريفه

١/١
ضد الرغبة

الكتاب

«وَشَرُّهُ بِثَمَنِ بَخْسِ دَرْهَمٍ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ»^١.

الحديث

٨٠١. الإمام علي عليه السلام: زهدك في راعب فيك نقصان حظ، ورعبتك في زاهد فيك ذل نفس.^٢

٨٠٢. الإمام الصادق عليه السلام - في ذكر جنود العقل والجهل - : الزهد ضد الرغبة.^٣

٢/١
تعريف الزهد

الكتاب

«لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ»^٤.

١. يوسف: ٢٠.

٢. نهج البلاغة: الحكمة ٤٥١، بحار الأنوار: ج ٦٧، ص ١٩٥.

٣. الكافي: ج ١ ص ٢١ ح ١٤، النخلة: ص ٥٨٩ ح ١٢، علل الشرائع: ص ١١٤ ح ١٠، المحاسن: ج ١ ص ٢١٢ ح ٦٢٠ كلها عن سماعة بن مهران، بحار الأنوار: ج ١ ص ١١٠ ح ٧.

٤. الحديد: ٢٣.

فصل یکم تعریف زهد و تحریف آن

۱/۱



قرآن

﴿و او (یوسف) را به بهای ناچیزی، به چند درهم، فروختند، و در او بی رغبت بودند﴾.

حدیث

۸۰۱. امام علی علیه السلام: بی رغبتی تو به کسی که به تو راغب است، کم بختی است، و رغبت تو به کسی که به تو بی رغبت است، [مایه] خواری نفس است.
۸۰۲. امام صادق علیه السلام - در یادکرد از سربازان خرد و نابخردی - : زهد که ضد آن، رغبت است.

۲/۱

تعریف زهد

قرآن

﴿تا بر آنچه از دست شما رفته، افسوس نخورید و برای آنچه [خداوند] به شما داده است، شادمانی نکنید؛ و خدا هیچ خودپسند فخر فروشی را دوست ندارد﴾.

الحديث

٨٠٣. الإمام علي عليه السلام: الزُّهْدُ كُلُّهُ بَيْنَ كَلِمَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ، قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: ﴿لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ﴾، وَمَنْ لَمْ يَأْسَ عَلَى الْمَاضِي وَلَمْ يَفْرَحْ بِالْآتِي فَقَدْ أَخَذَ الزُّهْدَ بِطَرَفَيْهِ.^١

٨٠٤. الأُمَالِي عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ: قُلْتُ لِلصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام: مَا الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا؟ فَقَالَ: قَدْ حَدَّثَ اللَّهُ ﷻ ذَلِكَ فِي كِتَابِهِ، فَقَالَ: ﴿لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ﴾.^٢

٨٠٥. الإمام علي عليه السلام: إِنَّمَا النَّاسُ ثَلَاثَةٌ: زَاهِدٌ وَرَاغِبٌ وَصَابِرٌ. فَأَمَّا الزَّاهِدُ فَلَا يَفْرَحُ بِشَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا آتَاهُ وَلَا يَحْزَنُ عَلَى شَيْءٍ مِنْهَا فَاتَهُ، وَأَمَّا الصَّابِرُ فَيَسْتَمْنَاهَا بِقَلْبِهِ، فَإِنْ أَدْرَكَ مِنْهَا شَيْئاً صَرَفَ عَنْهَا نَفْسَهُ لِمَا يَعْلَمُ مِنْ سُوءِ عَاقِبَتِهَا، وَأَمَّا الرََّاغِبُ فَلَا يُبَالِي مِنْ حِلِّ أَصَابِهَا أَمْ مِنْ حَرَامِ.^٣

٨٠٦. عنه عليه السلام: النَّاسُ ثَلَاثَةٌ أَصْنَافٍ: زَاهِدٌ مُعْتَرِمْ، وَصَابِرٌ عَلَى مُجَاهَدَةِ هَوَاهُ، وَرَاغِبٌ مُنْقَادٌ لِسَهَوَاتِهِ. فَالزَّاهِدُ لَا يُعْظَمُ مَا آتَاهُ اللَّهُ فَرَحاً بِهِ، وَلَا يُكْثَرُ عَلَى مَا فَاتَهُ أَسْفاً....^٤

٨٠٧. عنه عليه السلام: الزُّهْدُ أَلَّا تَطْلُبَ الْمَفْقُودَ حَتَّى يَعدَمَ الْمَوْجُودُ.^٥

١. نهج البلاغة: الحكمة ٤٣٩. مشكاة الأنوار: ص ٢٠٧ ح ٥٦٣. روضة الواعظين: ص ٤٧٥. بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٣١٧ ح ٢٣ وراجع غرر الحكم: ح ٨٥٨٦.

٢. الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ: ص ٧١٢ ح ٩٨٤، تفسیر القمّي: ج ٢ ص ١٤٦، بزيادة «إِنَّ أَعْلَمَ النَّاسِ بِاللَّهِ أَخْوَفُهُمْ لِلَّهِ، وَأَخْوَفُهُمْ لَهُ أَعْلَمُهُمْ بِهِ، وَأَعْلَمُهُمْ بِهِ أَزْهَدُهُمْ فِيهَا» روضة الواعظين: ص ٤٧٥، مشكاة الأنوار: ص ٢٠٨ ح ٥٦٥.

٣. التوحيد: ص ٣٠٧ عن الأصمعي بن نباتة، الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ: ص ٤٢٤ ح ٥٦٠، الاختصاص: ص ٢٣٧، بحار الأنوار: ج ١٠ ص ١٢٠. وراجع: ح ٧٢٥ تحت عنوان (خسران الدنيا والآخرة).

٤. دستور معالم الحكم: ص ١٢٠.

٥. غرر الحكم: ح ١٢٥٩.

حدیث

۸۰۳. امام علی علیه السلام: تمام زهد، در دو جمله از قرآن [گرد آمده] است. خداوند سبحان فرموده است: ﴿تا بر آنچه از دست شما رفته، افسوس نخورید و برای آنچه به شما داده است، شادمان نشوید﴾. کسی که بر گذشته افسوس نخورد و برای آنچه به دستش می‌رسد، شاد نشود، هر دو جانب زهد (زهد کامل) را گرفته است.

۸۰۴. الامالی، صدوق - به نقل از حفص بن غیاث - : به امام صادق علیه السلام گفتم: زهد به دنیا چیست؟

فرمود: «خداوند تعالی آن را در کتابش تعریف کرده است: ﴿تا بر آنچه از دست شما می‌رود، افسوس نخورید و برای آنچه به شما می‌دهد، شادمان نشوید﴾».

۸۰۵. امام علی علیه السلام: مردم، سه دسته‌اند: زاهد، دنیاخواه و شکیب. زاهد، هرگاه چیزی از دنیا به او برسد، بدان شاد نمی‌شود و برای از دست دادن چیزی از آن نیز اندوهگین نمی‌شود. شکیب، در دل تمنای دنیا را دارد، اما اگر به چیزی از آن دست یابد، چون عاقبت بدش را می‌داند، از آن روی بر می‌تابد. دنیاخواه، اهمیتی نمی‌دهد که از حلال به دنیا برسد یا از حرام.

۸۰۶. امام علی علیه السلام: مردم، سه گروه‌اند: زاهد ثابت قدم، شکیبای در مبارزه با هوای نفس، و دنیاخواه پیرو خواهش‌های خویش. زاهد، نه برای آنچه خداوند به او می‌دهد، شادمانی بسیار می‌کند، و نه بر آنچه از دستش می‌رود، افسوس بسیار می‌خورد....

۸۰۷. امام علی علیه السلام: زهد، آن است که تا آنچه داری تمام نشود، در طلب آنچه نداری بر نیایی.

٨٠٨. الإمام الحسن عليه السلام - لَمَّا قِيلَ لَهُ: مَا الزُّهْدُ؟ -: الرَّغْبَةُ فِي التَّقْوَى. ١

٨٠٩. الكافي عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: قُلْتُ لَهُ: مَا الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا؟ قَالَ:

وَيْحَكَ! حَرَامُهَا فَتَنَكَّبَهُ ٢.

٨١٠. الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام: سَأَلْتُ الْعَالِمَ عليه السلام عَنْ أَزْهَدِ النَّاسِ، فَقَالَ: الَّذِي

لَا يَطْلُبُ الْمَعْدُومَ حَتَّى يَنْفَدَ الْمَوْجُودُ. ٣

راجع: ص ٩٠ ح ٩٢٢.

٣/١

عَلَامَاتُ الزُّهْدِ



أ - اجْتِنَابُ الْحَرَامِ

٨١١. رسول الله صلى الله عليه وآله: اجْتَنِبِ الْمَحَارِمَ تَكُنْ زَاهِدًا. ٥

٨١٢. عنه عليه السلام: أَزْهَدُ النَّاسِ مَنْ اجْتَنَبَ الْحَرَامَ. ٦

١. تحف العقول: ص ٢٢٥، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٠٢ ح ٢.

٢. تَنَكَّبَهُ: تَجَنَّبَهُ (المصباح: ج ١ ص ٢٢٨ «نكب»).

٣. الكافي: ج ٥ ص ٧٠ ح ١، معاني الأخبار: ص ٢٥١ ح ١ عن السكوني عن الإمام الصادق عن الإمام علي عليه السلام

نحوه. الزهد للحسين بن سعيد: ص ٤٩ ح ١٣٠ عن إسماعيل بن أبي زياد رفعه إلى الإمام علي عليه السلام،

بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٣١٧ ح ٢٤.

٤. الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام: ص ٣٧١، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٣١٥ ح ١٩.

٥. مسند أبي يعلى: ج ٥ ص ٣٣١ ح ٥٨٣٩ عن أبي هريرة.

٦. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٩٥ ح ٥٨٤٠، الأمالي للصدوق: ص ٧٢ ح ٤١ كلاهما عن يونس بن

ظبيان عن الإمام الصادق عن آبائه عليه السلام. معاني الأخبار: ص ١٩٥ ح ١ عن أبي حمزة الثمالي عن الإمام الصادق

عن آبائه عليه السلام عنه عليه السلام، تحف العقول: ص ٤٨٩ عن الإمام العسكري عليه السلام وفيهما «ترك» بدل «اجتنب»،

كنز القوائد: ج ١ ص ٢٩٩ عن الإمام علي عليه السلام، أعلام الدين: ص ٣٢٢ وفيهما «المحارم» بدل «الحرام»،

بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١١٢ ح ٢.

۸۰۸. امام حسن علیه السلام - در پاسخ به این سؤال که: زهد چیست؟ - : رغبت به تقواست.

۸۰۹. الکافی - به نقل از سکونی - : به امام صادق علیه السلام گفتم: [معنای] زهد در دنیا چیست؟

فرمود: «زهی تو! از حرامش دوری کن».

۸۱۰. الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام: از عالم (امام کاظم علیه السلام) درباره زاهدترین مردم پرسیدم. فرمود: «کسی که تا آنچه دارد، تمام نشود، در پی آنچه ندارد، بر نیاید».

ر.ک: ص ۹۱ ح ۹۲۲.



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

الف - دوری کردن از حرام

۸۱۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از حرامها دوری کن تا زاهد باشی.

۸۱۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زاهدترین مردم، کسی است که از حرام، دوری کند.

٨١٣. الإمام علي عليه السلام: لا زُهدَ كَالْكَفِّ عَنِ الْحَرَامِ.^١

٨١٤. عنه عليه السلام: لا زُهدَ كَالزُّهْدِ فِي الْحَرَامِ.^٢

٨١٥. عنه عليه السلام: الزَّاهِدُ فِي الدُّنْيَا مَنْ لَمْ يَغْلِبِ الْحَرَامُ صَبْرَهُ، وَلَمْ يَشْغَلِ الْحَلَالُ شُكْرَهُ.^٣

٨١٦. كتاب من لا يحضره الفقيه: سئل الصادق عليه السلام عَنِ الزَّاهِدِ فِي الدُّنْيَا، قَالَ: الَّذِي يَتْرُكُ حَلَالَهَا مَخَافَةَ حِسَابِهِ، وَيَتْرُكُ حَرَامَهَا مَخَافَةَ عَذَابِهِ.^٤

راجع: ص ٢٢ ح ٨٠٥.

ب - قَصْرُ الْأَمَلِ

٨١٧. رسول الله صلى الله عليه وآله: الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا قَصْرُ الْأَمَلِ، وَشُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ، وَالْوَرَعُ عَنِ كُلِّ مَا حَرَّمَ اللَّهُ.^٥

٨١٨. الإمام علي عليه السلام: أُيُّهَا النَّاسُ، الزَّهَادَةُ قَصْرُ الْأَمَلِ، وَالشُّكْرُ عِنْدَ النَّعْمِ، وَالتَّوَرُّعُ عِنْدَ الْمَحَارِمِ. فَإِنْ عَزَبَ ذَلِكَ عَنْكُمْ فَلَا يَغْلِبِ الْحَرَامُ صَبْرَكُمْ، وَلَا تَنْسُوا عِنْدَ النَّعْمِ شُكْرَكُمْ.^٦



١. غرر الحكم: ح ١٠٥٤٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٢٢ ح ٩٧٠٨.
٢. نهج البلاغة: الحكمة ١١٣، مشكاة الأنوار: ص ٢٠٧ ح ٥٦٣، روضة الواعظين: ص ٤٧٥، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٣١٧ ح ٢٣.
٣. تحف العقول: ص ٢٠٠، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٣٧ ح ٣ وراجع نهج البلاغة: الخطبة ٨١.
٤. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٤٠٠ ح ٥٨٦١، معاني الأخبار: ص ٢٨٧ ح ١، عيون أخبار الرضا: ج ٢ ص ٥٢ ح ١٩٩، الأمالي للصدوق: ص ٤٣٩ ح ٥٨٠، كَلَّهَا عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ النَّاصِرِ «الناصري» عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْإِمَامِ الْجَوَادِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ جَدِّهِ عليه السلام، مشكاة الأنوار: ص ٢٠٨ ح ٥٦٥، روضة الواعظين: ص ٤٧٥ وفيهما «الزهد» بدل «الزاهد»، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٣١١ ح ٦.
٥. تحف العقول: ص ٥٨ و ص ٢٢٠ عَنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عليه السلام، الكافي: ج ٥ ص ٧١ ح ٣، معاني الأخبار: ص ٢٥١ ح ٢ كلاهما عَنْ أَبِي الطَّيْفِيلِ عَنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عليه السلام.
٦. نهج البلاغة: الخطبة ٨١، الكافي: ج ٥ ص ٧١ ح ٣، معاني الأخبار: ص ٢٥١ ح ٢ كلاهما عَنْ أَبِي الطَّيْفِيلِ، الخصال: ص ١٤ ح ٥٠، تحف العقول: ص ٢٢٠ و ص ٥٨ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَكَلَّهَا عَنْهُ، روضة الواعظين: ص ٤٧٦، إرشاد القلوب: ص ١٩، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٣١٧ ح ٢٣.

۸۱۳. امام علی علیه السلام: زهدی چون خویشتنداری از حرام نیست.
۸۱۴. امام علی علیه السلام: هیچ زهدی مانند ترک حرام نیست.
۸۱۵. امام علی علیه السلام: زاهد در دنیا، کسی است که حرام، بر شکیبایی اش چیره نگردد و حلال، او را سرگرم و از شکرگزاری غافل نسازد.
۸۱۶. کتاب من لایحضره الفقیه: از امام صادق علیه السلام درباره زاهد در دنیا سؤال شد. فرمود: «زاهد، کسی است که حلال دنیا را از بیم حسابش ترک می کند و حرام آن را از ترس کیفرش».

ر.ک: ص ۴۲ ح ۸۰۵

ب - کوتاهی آرزو

۸۱۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زهد به دنیا، عبارت است از: کوتاه کردن آرزو، گزاردن شکر هر نعمتی، و پرهیز از هر آنچه خداوند، حرام کرده است.
۸۱۸. امام علی علیه السلام: ای مردم! زهد، کوتاه کردن آرزو، گزاردن شکر نعمت ها، و خویشتنداری از حرام ها است. اگر از عهده این هر سه بر نیامدید، [لا اقل] بکوشید که [در برابر حرام، صبر خویشتن را از دست ندهید و سپاسگزاری از نعمت ها را فراموش نکنید].

٨١٩. عنه عليه السلام: الزُّهْدُ قَصْرُ الْأَمَلِ^١.

٨٢٠. عنه عليه السلام: الزُّهْدُ تَقْصِيرُ الْأَمَالِ وَإِخْلَاصُ الْأَعْمَالِ^٢.

٨٢١. الإمام الباقر عليه السلام: لَا زُهْدَ كَقَصْرِ الْأَمَلِ^٣.

ج - مُخَالَفَةُ الْهَوَى

٨٢٢. الإمام علي عليه السلام: ظَلَفُ^٤ النَّفْسِ عَنِ لَذَاتِ الدُّنْيَا هُوَ الزُّهْدُ الْمَحْمُودُ^٥.

٨٢٣. عنه عليه السلام: هِمَّةُ الزَّاهِدِ مُخَالَفَةُ الْهَوَى، وَالسُّلُوءُ^٦ عَنِ الشَّهَوَاتِ^٧.

٨٢٤. عنه عليه السلام: كَيْفَ يَصِلُ إِلَى حَقِيقَةِ الزُّهْدِ مَنْ لَمْ يُمِتْ شَهْوَتَهُ؟^٨

د - الرِّضَا بِالْقَضَاءِ

٨٢٥. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِرْضَ بِقِسْمِ اللَّهِ تَكُنْ زَاهِدًا^٩.

٨٢٦. عنه عليه السلام: أَشْرَفُ الزُّهْدِ أَنْ يَسْكُنَ قَلْبُكَ عَلَى مَا رُزِقْتَ^{١٠}.

٨٢٧. عنه عليه السلام: قَالَ الْخَضِرُ عليه السلام: ... مَنْ يُحَقِّرْ حَالَهُ وَيَتَّهِمُ اللَّهَ بِمَا قَضَى لَهُ، كَيْفَ يَكُونُ زَاهِدًا؟^{١١}

مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی علوم اسلامی

١. غرر الحکم: ج ٨٧٢، عیون الحکم والمواعظ: ص ٣١ ح ٥٣٣.
٢. غرر الحکم: ج ١٨٤٤، عیون الحکم والمواعظ: ص ٢١ ح ١٤١.
٣. تحف العقول: ص ٢٨٦ عن جابر بن یزید الجعفی، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٦٥ ح ١.
٤. ظَلَفَ نَفْسَهُ عَنِ الشَّيْءِ يَظْلِفُهَا ظَلْفًا: أَي مَنَعَهَا مِنْ أَنْ تَفْعَلَهُ أَوْ تَأْتِيَهُ (الصَّحاح: ج ٢ ص ١٣٩٨ «ظلف»).
٥. غرر الحکم: ج ٦٠٧١، عیون الحکم والمواعظ: ص ٣٢٤ ح ٥٦٠٢.
٦. سَلَوْتُ عَنْهُ سُلُوءًا: صَبَرْتُ (المصباح المنیر: ص ٢٨٧ «سلا»).
٧. كنز الفوائد: ج ١ ص ٣٥٠، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٩٢ ح ٩٨.
٨. غرر الحکم: ج ٧٠٠٠، عیون الحکم والمواعظ: ص ٣٨٣ ح ٦٤٧٢ وفيه «من أطاع في الأصل» بدل «من لم يُمت».
٩. مسند الشهاب: ج ١ ص ٣٧٢ ح ٦٤٢ عن أبي هريرة.
١٠. كنز العمال: ج ١ ص ٣٧ ح ٦٥ نقلًا عن ابن النجار في تاريخه عن ابن عمر.
١١. المعجم الأوسط: ج ٧ ص ٧٩ ح ٦٩٠٨، البداية والنهاية: ج ١ ص ٣٢٩ كلاهما عن عمر بن الخطاب، كنز العمال: ج ١٦ ص ١٤٥ ح ٤٤١٧٦؛ منية المريد: ص ١٤١، بحار الأنوار: ج ١ ص ٢٢٧ ح ١٨.

۸۱۹. امام علی علیه السلام: زهد، کوتاه کردن آرزوست.

۸۲۰. امام علی علیه السلام: زهد، کوتاه کردن آرزوها و اخلاص در اعمال است.

۸۲۱. امام باقر علیه السلام: زهدی چون کوتاهی آرزو نیست.

ج - مخالفت با هوای نفس

۸۲۲. امام علی علیه السلام: بازداشتن نفس از لذت‌های دنیا، همان زهد پسندیده است.

۸۲۳. امام علی علیه السلام: همت زاهد، مخالفت کردن با هوای نفس است و شکیبایی در برابر خواهش‌ها.

۸۲۴. امام علی علیه السلام: چگونه به حقیقت زهد برسد کسی که شهوت خویش را نگشته است؟



د - راضی بودن به قضای الهی:

۸۲۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به قسمت خدا راضی باش تا زاهد باشی.

۸۲۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برترین زهد، آن است که دلت به آنچه روزی تو شده است، آرام گیرد.

۸۲۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خضر علیه السلام گفت: «...کسی که از وضع خود ناخشنود باشد و خدا را در آنچه برای او حکم کرده است، متهم سازد، چگونه زاهد است؟».

٨٢٨. عنه عليه السلام - لِأَبِي ذَرٍّ الْغِفَارِيِّ -: يَا أَبَا ذَرٍّ، إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَمْ يَجْزَعْ مِنْ ذُلِّ الدُّنْيَا، وَلَمْ يُبَلِّ^١ مِنْ أَهْلِهَا وَعِزِّهَا^٢.

هـ - تِلْكَ الصِّفَاتُ

٨٢٩. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَمَّا عَلَامَةُ الرَّاهِدِ فَعَشْرَةٌ؛ يَزْهَدُ فِي الْمَحَارِمِ، وَيَكُفُّ نَفْسَهُ، وَيُقِيمُ فَرَائِضَ رَبِّهِ، فَإِنْ كَانَ مَمْلُوكًا أَحْسَنَ الطَّاعَةَ، وَإِنْ كَانَ مَالِكًا أَحْسَنَ الْمَمْلَكَةَ، وَلَيْسَ لَهُ حَمِيَّةٌ وَلَا حِقْدٌ، يُحْسِنُ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْهِ، وَيَنْفَعُ مَنْ ضَرَّهُ، وَيَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَهُ، وَيَتَوَاضَعُ لِحَقِّ اللَّهِ^٣.

٨٣٠. مكارم الأخلاق عن أبي ذر: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَنْ أَزْهَدُ النَّاسِ؟ فَقَالَ صلى الله عليه وآله: مَنْ لَمْ يَنْسَ الْمَقَابِرَ وَالْبَلَى^٤، وَتَرَكَ فَضْلَ زِينَةِ الدُّنْيَا، وَآثَرَ مَا يَبْقَى عَلَى مَا يَفْنَى، وَلَمْ يَعُدَّ غَدًا مِنْ أَيَّامِهِ، وَعَدَّ نَفْسَهُ فِي الْمَوْتَى^٥.

٨٣١. رسول الله صلى الله عليه وآله - فِي وَصِيَّتِهِ لِأَبِي ذَرٍّ -: يَا أَبَا ذَرٍّ، طُوبَى لِلزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا، الرَّاغِبِينَ فِي الْآخِرَةِ، الَّذِينَ اتَّخَذُوا أَرْضَ اللَّهِ بِسَاطًا، وَتُرَابَهَا فِرَاشًا، وَمَاءَهَا طَبِيبًا، وَاتَّخَذُوا الْكِتَابَ شِعَارًا، وَالْدُّعَاءَ لِلَّهِ دِثَارًا^٦، وَقَرَضُوا

١. ما أباليه: أي ما أكرّث له، وإذا قالوا: لم أبُل، حذفوا تخفيفاً لكثرة الاستعمال (الصحيح: ج ٦ ص ٢٢٨٥ «بلا»).

٢. حلية الأولياء: ج ٦ ص ٢٥٣ عن ابن عمر وراجع كشف الخفاء: ج ١ ص ٤١١.

٣. تحف العقول: ص ٢١، بحار الأنوار: ج ١ ص ١٢١ ح ١١.

٤. يَلِي الْمَيِّتَ: أفتته الأرض (المصباح المنيّر: ص ٦٢ «بلي»).

٥. مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٦٩ ح ٢٦٦١، الأمالي للطوسي: ص ٥٣١ ح ١١٦٢، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٢٨٤ كلاهما نحوه: كنز العمال: ج ٣ ص ١٨٨ ح ٦٠٩٢ تقلأ عن شعب الإيمان عن الضحاك.

٦. الشُّعَار: الثوب الذي يلي الجسد؛ لآته يلي شُعره. والدُّثَار: الثوب الذي فوق الشُّعَار (النهاية: ج ٢ ص ٤٨٠ «شعر»). قال العلامة المجلسي رحمته الله: أي يلازمون القرآن والدعاء كلزوم الدُّثَار والشُّعَار للإنسان (بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٢٧٦).

۸۲۸. پیامبر خدا ﷺ - به ابو ذر غفاری - : ای ابو ذر! مؤمن از خواری خود در دنیا بی تابی نمی کند و به دنیاپرستان و عزت دنیا، اهمیتی نمی دهد.

ه - مجموعه این صفات

۸۲۹. پیامبر خدا ﷺ: نشانه زهد ده تاست: به حرام‌ها بی رغبت است؛ خوشتندار است؛ واجبات پروردگارش را به جا می آورد؛ اگر مملوک است، فرمان‌بردار خوبی است؛ اگر مالک است، ملکدار خوبی است؛ تندخو و کینه توز نیست؛ به کسی که به او بدی کرده است، خوبی می کند؛ به کسی که به او زیان زده است، سود می رساند؛ از کسی که به او ستم کرده است، گذشت می کند؛ و در برابر حق خداوند، فروتن است (یا: به خاطر خدا فروتنی می کند).

۸۳۰. مکارم الأخلاق - به نقل از ابو ذر - : گفتم: ای پیامبر خدا! زاهدترین مردم کیست؟

فرمود: کسی که قبرستان و پوشیده شدن را فراموش نکند، از مازاد زیور دنیا، چشم بپوشد، آنچه را ماندنی است، بر آنچه از بین رفتنی است، ترجیح دهد، فردا را از روزهای [عمر] خود نشمارد و خویشان را در شمار مردگان به حساب آورد.

۸۳۱. پیامبر خدا ﷺ - در سفارش به ابو ذر - : ای ابو ذر! خوشا به حال دل‌بریدگان از دنیا و دل‌دادگان به آخرت؛ آنان که زمین خدا را فرش خود قرار داده‌اند و خاکش را بستر و آبش را شربت گوارا؛ کتاب خدا را [چونان] جامه زیرین

الدنيا قرضاً ١.

٨٣٢. عنه عليه السلام - مِمَّا أَوْصَى بِهِ عَلِيّاً عليه السلام - : يَا عَلِيُّ، مَثَلُ الْآخِرَةِ فِي قَلْبِكَ وَالْمَوْتُ نَصَبٌ عَيْنِيكَ، وَلَا تَنْسَ مَوْقِفَكَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ، وَكُنْ مِنَ اللَّهِ عَلَى وَجَلٍ، وَادْكُرْ نِعَمَ اللَّهِ، وَاكْفُفْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ، وَنَابِذْ هَوَاكَ، وَاعْزِلِ الشُّكَّ وَالطَّمَعِ وَالْجِرْصَ، وَاسْتَعْمِلِ التَّوَاضُّعَ وَالْعِفَّةَ وَحُسْنَ الْخُلُقِ وَلِينِ الْكَلَامِ، وَاتَّبِعْ قَوْلَ الْحَقِّ مِنْ حَيْثُ وَرَدَ، وَاجْتَنِبِ الْبُخْلَ وَالْكَذِبَ وَالرِّيَاءَ وَالْعُجْبَ، وَلَا تَسْتَصْغِرْ نِعْمَةَ اللَّهِ وَجَاوِزَهَا بِالشُّكْرِ، وَادْكُرْ اللَّهَ فِي كُلِّ وَقْتٍ وَاحْمَدُهُ عَلَى كُلِّ حَالٍ، وَاعْفُ عَمَّنْ ظَلَمَكَ وَصِلْ مَنْ قَطَعَكَ وَأَعْطِ مَنْ حَرَمَكَ، وَلْيَكُنْ صَمْتُكَ فِكْراً وَكَلَامُكَ ذِكْراً وَنَظْرُكَ اعْتِبَاراً، وَتَحَبَّبْ مَا اسْتَطَعْتَ، وَبَاشِرِ النَّاسَ بِالْحُسْنَى، وَاصْبِرْ عَلَى النَّازِلَةِ ٢، وَلَا تَسْتَهِنْ بِالْمُصِيبَةِ، وَأُطِلِ الْفِكْرَ فِي الْمَعَادِ، وَاجْعَلْ شَوْقَكَ إِلَى الْجَنَّةِ، وَاسْتَعِذْ مِنَ النَّارِ، وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَلَا تَأْخُذَكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ، وَخُذْ مِنَ الْحَلَالِ مَا شِئْتَ إِذَا امْكَنَكَ، وَاعْتَصِمْ بِالْإِخْلَاصِ وَالتَّوَكُّلِ، وَدَعْ الظَّنَّ وَابْنِ عَلَى الْأَسَاسِ، وَكُنْ مَعَ الْحَقِّ حَيْثُ كَانَ، وَمَيِّزْ مَا اشْتَبَهَ عَلَيْكَ بِعَقْلِكَ؛ فَإِنَّهُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْكَ، وَدِيعةٌ ٣ فِيكَ، وَبَرَكَاتُهُ عِنْدَكَ، فَذَلِكَ أَعْلَامُ الزُّهْدِ وَمِنْهَا جُهُ، وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ٥.

١. الأمالي للطوسي: ص ٥٣٢ ح ١١٦٢، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٧٠ ح ٢٦٦١ كلاهما عن أبي ذر، نهج البلاغة: الحكمة ١٠٤، الأمالي للمفيد: ص ١٣٣ ح ١، الخصال: ص ٣٢٧ ح ٤٠، خصائص الأنحة عليه السلام: ص ٩٧ كلها عن نوف البكالي عن الإمام علي عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٣١٦ ح ٢٢ وراجع الكافي: ج ٢ ص ١٣٢ ح ١٥ و تحف العقول: ص ٢٨١.

٢. نبذت الشيء: إذا ألقيته من يدك (الصحاح: ج ٢ ص ٥٧١ «نبذ»).

٣. النازلة: المصيبة الشديدة (المصباح المنير: ص ٦٠١ «نزل»).

٤. كذا في المصدر، والظاهر أن الصواب: «ووديعته».

٥. الفردوس: ج ٥ ص ٣١٧ ح ٨٣٠٧ عن الإمام علي عليه السلام: تيسير المطالب: ص ٣٦٧ عن أبي إسماعيل العتكي عن الإمام الصادق عن آبائه عليه السلام نحوه.

خود گرفتند و دعا به درگاه خدا را جامهٔ رویین،^۱ و دنیا را به کلی پشت سر انداختند.

۸۳۲. پیامبر خدا ﷺ از سفارش‌های ایشان به علی علیه السلام - ای علی! پیوسته آخرت را در دلت مجسم بدار و مرگ را نصب العین خود، قرار ده. حضورت را در پیشگاه خداوند، فراموش مکن و از خدا ترسان باش و نعمت‌های خدا را به یاد داشته باش. از حرام‌های خدا، باز ایست، هوس را به دور افکن و از دودلی و طمع و آزمندی، کناره گیر و فروتنی و خویش‌انداری و خوش‌خویی و نرم‌گویی را در پیش گیر و پیرو سخن حق باش از هر که باشد. از بخل و دروغ و ریا و خودپسندی دوری کن و نعمت خدا را کوچک بشمار و همواره، شکر آن را به جای آور و همیشه به یاد خدا باش و در همه حال، او را سپاس و ستایش گوی و از کسی که به تو ستم کرده است، درگذر و با کسی که از تو بُریده است، پیوند برقرار کن و به کسی که از تو مضایقه کرده است، عطا کن. سکوت توأم با اندیشیدن باشد و گفتارت، ذکر خدا و نگاه کردنت عبرت آموختن. تا می‌توانی، دوستی بورز و با مردم به خوبی رفتار کن و در مصائب و سختی‌ها صبور باش و مصیبت‌ها را دست کم مگیر. دربارهٔ قیامت، بسیار اندیشه کن و به بهشت، شوق بورز و از آتش، به خدا پناه ببر، امر به معروف و نهی از منکر کن و در راه خدا، سرزنش هیچ سرزنشگری در تو اثر نکند. از حلال، هرگاه برایت فراهم شد، هر اندازه که خواستی، [بدون اسراف و تبذیر] استفاده کن. به اخلاص و توکل، چنگ در زن و گمان را رها کن و بر شالوده بنا کن. با حق باش، هر جا که بود. آنچه را بر تو مشتبّه می‌شود، با کمک عقلت تمیز بده؛ زیرا که عقل، حجت خدا بر تو و سپرده‌ای [الهی] در وجود توست و برایت برکت‌ها دارد. اینهاست نشانه‌های زهد و راه و روش آن، و عاقبت از آن پرهیزگاران است.

۱. علامه محمد باقر مجلسی گوید: [یعنی] ملازمت با قرآن و دعا دارند، چنان که لباس انسان، مدام با انسان است (بحار الأنوار: ج ۶۹ ص ۲۷۶).

٨٣٣. عنه عليه السلام - في حديث له مع جبرئيل عليه السلام :- قُلْتُ: يَا جَبْرَائِيلُ فَمَا تَفْسِيرُ الزُّهْدِ؟ قَالَ: الزَّاهِدُ يُحِبُّ مَنْ يُحِبُّ خَالِقَهُ، وَيُبْغِضُ مَنْ يُبْغِضُ خَالِقَهُ، وَيَتَخَرَّجُ مِنْ حَلَالِ الدُّنْيَا وَلَا يَلْتَفِتُ إِلَى حَرَامِهَا؛ فَإِنَّ حَلَالَهَا حِسَابٌ وَحَرَامُهَا عِقَابٌ، وَيَرْحَمُ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ كَمَا يَرْحَمُ نَفْسَهُ، وَيَتَخَرَّجُ مِنَ الْكَلَامِ كَمَا يَتَخَرَّجُ مِنَ الْمَيْتَةِ الَّتِي قَدْ اشْتَدَّ نَتْنُهَا، وَيَتَخَرَّجُ عَنْ حُطَامِ الدُّنْيَا وَزِينَتِهَا كَمَا يَتَجَنَّبُ النَّارَ أَنْ تَغْشَاهُ، وَأَنْ يُقْصَرَ أَمَلُهُ وَكَأَنَّ بَيْنَ عَيْنَيْهِ أَجَلُهُ^١.

٨٣٤. الإمام علي عليه السلام: إِنَّ الزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا تَبْكِي قُلُوبُهُمْ وَإِنْ ضَحِكُوا، وَيَشْتَدُّ حُزْنُهُمْ وَإِنْ فَرَحُوا، وَيَكْثُرُ مَقْتُهُمْ أَنْفُسُهُمْ وَإِنْ اغْتَبَطُوا بِمَا رَزَقُوا^٢.

٨٣٥. عنه عليه السلام: الزَّاهِدُ عِنْدَنَا مَنْ عَلِمَ فَعَمِلَ، وَمَنْ أَيْقَنَ فَحَذَرَ، وَإِنْ أَمْسَى عَلَى عُسْرِ حَمِدَ اللَّهَ، وَإِنْ أَصْبَحَ عَلَى يُسْرِ شَكَرَ اللَّهَ، فَهُوَ الزَّاهِدُ^٣.

٨٣٦. عنه عليه السلام - في صِفَةِ الزَّاهِدِ -: كَانُوا قَوْمًا مِنْ أَهْلِ الدُّنْيَا وَلَيْسُوا مِنْ أَهْلِهَا، فَكَانُوا فِيهَا كَمَنْ لَيْسَ مِنْهَا، عَمِلُوا فِيهَا بِمَا يُبْصِرُونَ، وَبَادَرُوا فِيهَا مَا يَحْذَرُونَ، تَقَلَّبُ أَبْدَانُهُمْ بَيْنَ ظَهْرَانِي أَهْلِ الْآخِرَةِ، وَيَزُونَ أَهْلَ الدُّنْيَا يُعْظَمُونَ مَوْتَ أَجْسَادِهِمْ وَهُمْ أَشَدُّ إِعْظَامًا لِمَوْتِ قُلُوبِ أَحْيَائِهِمْ^٤.

٨٣٧. عنه عليه السلام: الزَّاهِدُ فِي الدُّنْيَا مَنْ وَعِظَ فَاتَّعَظَ، وَمَنْ عَلِمَ فَعَمِلَ، وَمَنْ أَيْقَنَ فَحَذَرَ، فَالزَّاهِدُونَ فِي الدُّنْيَا قَوْمٌ وَعِظُوا فَاتَّعَظُوا، وَأَيْقَنُوا فَحَذَرُوا وَعَلِمُوا فَعَمِلُوا، إِنْ

١. معاني الأخبار: ص ٢٤١ ح ١، مشكاة الأنوار: ص ٢٢٣ ح ١٤١٩ وفيه «كثرة الأكل» بدل «الكلام»، عدة الداعي: ص ٨٥ عن الإمام الصادق عليه السلام رُفِعَ إِلَيْهِ نَحْوُهُ، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٣٧٣ ح ١٩: كنز العمال: ج ٢ ص ٢٠٨ ح ٦١٩١ نقلاً عن الديلمي عن أبي هريرة.

٢. نهج البلاغة: الخطبة ١١٣، غرر الحكم: ح ٢٥٥٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٥٢ ح ٣٣٢٢.

٣. الجعفریات: ص ٢٣٢ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليه السلام.

٤. نهج البلاغة: الخطبة ٢٣٠، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٣٢٠ ح ٣٦.

۸۳۳. پیامبر خدا ﷺ - در گفتگویی با جبرئیل علیه السلام - گفت: ای جبرئیل! تفسیر زهد چیست؟ گفت: «زاهد، کسی [و آنچه] را که آفریدگارش دوست دارد، دوست می‌دارد و کسی را که آفریدگارش او را ناخوش دارد، ناخوش می‌دارد و از حلال دنیا می‌پرهیزد و به حرام آن، توجه نمی‌کند؛ زیرا حلال آن، حساب دارد و حرامش کیفر. [زاهد،] همچنان که به خویشتن رحم می‌کند، به همه مسلمانان، رحم می‌کند و همان گونه که از لاشه گندیده بسیار بدبو، دوری می‌کند، از سخن [بیجا] می‌پرهیزد و همان گونه که از آتش دوری می‌کند که مبادا او را فراگیرد، از خطام دنیوی و زرق و برق آن، دوری می‌کند؛ آرزویش کوتاه است، انگار که مرگ خود را پیش چشم دارد».

۸۳۴. امام علی علیه السلام: زاهدان به دنیا، دل‌هایشان گریان است، اگرچه [در ظاهر] بخندند و سخت اندوهناک‌اند، اگرچه [در ظاهر] شادی نمایند و از خود بسیار در خشم‌اند، اگرچه به واسطه آنچه روزی شده‌اند، مورد غبطه دیگران‌اند.

۸۳۵. امام علی علیه السلام: از نظر ما، زاهد کسی است که دانست و عمل کرد، و کسی که یقین داشت و حذر کرد، و اگر در سختی و تنگ‌دستی بام خود را به شام رساند، حمد خدا را به جای آورد، و اگر در آسایش و رفاه شام خویش را به بام رساند، شکر خدای را بگزارد. چنین کسی زاهد است.

۸۳۶. امام علی علیه السلام - در وصف زاهدان - : آنان، گروهی از مردم دنیا هستند؛ ولی اهل دنیا (دنیا دوست) نیستند. در این دنیا، همچون کسانی هستند که از آن نیستند. در دنیا، بر اساس بینش و بصیرت عمل می‌کنند و از آنچه می‌ترسند (یعنی: مرگ) پیشی گرفتند؛^۱ پیکرهایشان در میان اهل آخرت می‌گردد (جز با اهل آخرت نمی‌آمیزند)؛ اهل دنیا را می‌بینند که مرگ تن‌هایشان را بزرگ می‌شمارند، در حالی که آنان، مرگ دل‌های زندگانشان را بزرگ‌تر می‌شمارند.

۸۳۷. امام علی علیه السلام: زاهد به دنیا، کسی است که پند داده شد و پند گرفت، و کسی است که علم آموخت و به کار بست، و کسی است که یقین یافت و حذر کرد. پس، زاهدان به دنیا، آن مردمانی‌اند که پند داده شدند و پند گرفتند، و یقین کردند

۱. یعنی برای چاره‌جویی آنچه از آن بیم دارند، از دنیا پیشی می‌گیرند.

أَصَابَهُمْ يُسْرٌ شَكَرُوا، وَإِنْ أَصَابَهُمْ عُسْرٌ صَبَرُوا.^١

٨٣٨. عنه عليه السلام: الزَّاهِدُ فِي الدُّنْيَا كُلَّمَا ازْدَادَتْ لَهُ تَحَلُّياً ازْدَادَ عَنْهَا تَوَلَّياً.^٢

٨٣٩. عنه عليه السلام - فِي صِفَاتِ الْمُتَّقِينَ -: أَرَادَتْهُمْ الدُّنْيَا فَلَمْ يُرِيدُوهَا، وَأَسْرَتْهُمْ فَفَقَدُوا أَنْفُسَهُمْ مِنْهَا.^٣

٨٤٠. عنه عليه السلام: أَفْضَلُ الزُّهْدِ إِخْفَاءُ الزُّهْدِ.^٤

٨٤١. عنه عليه السلام - فِي ذِكْرِ حَدِيثِ مِعْرَاجِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله -: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ... يَا أَحْمَدُ، وَجُوهُ الزَّاهِدِينَ مُصَفَّرَةٌ مِنْ تَعَبِ اللَّيْلِ وَصَوْمِ النَّهَارِ، وَالسِّنْتُهُمْ كِلَالٌ^٥ إِلَّا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى، قُلُوبُهُمْ فِي صُدُورِهِمْ مَطْعُونَةٌ مِنْ كَثَرَةِ صَمْتِهِمْ، قَدْ أَعْطُوا الْمَجْهُودَ فِي أَنْفُسِهِمْ لَا مِنْ خَوْفِ نَارٍ وَلَا مِنْ شَوْقِ جَنَّةٍ، وَلَكِنْ يَنْظُرُونَ فِي مَلَكَوَتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَهْلٌ لِلْعِبَادَةِ.^٦

٨٤٢. عنه عليه السلام: الزَّهْدُ فِي الدُّنْيَا ثَلَاثَةٌ أَحْرَفٍ: زَاءٌ وَهَاءٌ وَدَالٌ؛ فَأَمَّا الزَّاءُ فَتَرْكُ الزَّيْنَةِ، وَأَمَّا الهَاءُ فَتَرْكُ الْهَوَى، وَأَمَّا الدَّالُّ فَتَرْكُ الدُّنْيَا.^٧

٨٤٣. الإمام الحسين عليه السلام: بَيْنَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - ذَاتَ يَوْمٍ جَالِسٌ مَعَ

١. الجعفریات: ص ٢٣٣ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢١٣، إرشاد القلوب: ص ١٤ كلاهما نحوه.

٢. الإرشاد: ج ١ ص ٢٩٨، كنز الفوائد: ج ١ ص ٣٤٥ وفيه «تخلّياً» بدل «تولّياً»، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٨١ ح ٤٣.

٣. نهج البلاغة: الخطبة ١٩٣، روضة الواعظين: ص ٤٨٠، تحف العقول: ص ١٥٩ وفيه «طلبتهم فأعجزوها» بدل «وأسرتهم...»، التمهيد: ص ٧١ ح ١٧٠ وفيه «طلبتهم فأعجزوها» بعد «فلم يريدوها»، بحار الأنوار: ج ٦٧ ص ٣١٥ ح ٥٠.

٤. نهج البلاغة: الحكمة ٢٨، مشكاة الأنوار: ص ٢٠٧ ح ٥٦٣، روضة الواعظين: ص ٤٧٥.

٥. كَلَّ يَكِلُ كِلَالَةً: تَعَبَ وَأَعْيَا (المصباح المنير: ص ٥٣٨ «كَلَّ»).

٦. إرشاد القلوب: ص ١٩٩ - ص ٢٠٢، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٦ ح ٦.

٧. جامع الأخبار: ص ٢٩٧ ح ٨١١.

و حذر کردند، و علم آموختند و عمل کردند؛ اگر آسایش به آنان برسد، شکر می‌گویند و اگر به سختی در افتند، شکیبایی می‌ورزند.

۸۳۸. امام علی علیه السلام: کسی که به دنیا بی‌اعتناست، هرچه دنیا بیشتر خود را برایش بیاراید، او بیشتر از آن روی می‌گرداند.

۸۳۹. امام علی علیه السلام - در بیان صفات پرهیزگاران - : دنیا آنها را خواست؛ اما آنها دنیا را نخواستند و دنیا اسیرشان کرد؛ اما آنان، سر بها دادند و خود را از بند دنیا رهانیدند.

۸۴۰. امام علی علیه السلام: برترین زهد، پنهان داشتن زهد است.

۸۴۱. امام علی علیه السلام - در حدیث معراج - : خدای متعال فرمود: «... ای احمد! رخسار زاهدان از رنج شب‌خیزی و روزه‌داری زرد است و زبان‌هایشان جز از ذکر خدای متعال، در مانده است؛ دل‌هایشان، از کثرت خاموشی، در سینه‌هایشان ریش است؛ خویشان را رنج کرده‌اند، نه از ترس آتش و از شوق بهشت، بلکه در ملکوت آسمان‌ها و زمین، اندیشه و نظر می‌کنند و درمی‌یابند که خداوند سبحان، عبادت است.»

۸۴۲. امام علی علیه السلام: زهد به دنیا، از سه حرف تشکیل شده است: زاء و هاء و دال. زاء، یعنی ترک زینت؛ هاء، یعنی ترک هوا؛ و دال، یعنی ترک دنیا.

۸۴۳. امام حسین علیه السلام: روزی امیر مؤمنان - که دروذهای خداوند بر او باد - با یارانش نشسته بود و آنها را برای جنگ، بسیج می‌کرد که پیرمردی، در حالی که رنج

أَصْحَابِهِ يُعَبِّتُهُمْ لِلْحَرْبِ، إِذْ أَتَاهُ شَيْخٌ عَلَيْهِ شَحْبَةٌ^١ السَّفَرِ، فَقَالَ: أَيْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ؟ فَقِيلَ: هُوَ ذَا. فَسَلَّمَ عَلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ:

يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، إِنِّي أَتَيْتُكَ مِنْ نَاحِيَةِ الشَّامِ، وَأَنَا شَيْخٌ كَبِيرٌ قَدْ سَمِعْتُ فِيكَ مِنَ الْفَضْلِ مَا لَا أَحْصِي، وَإِنِّي أَظُنُّكَ سَتُعْتَالُ^٢ فَعَلَّمَنِي مِمَّا عَلَّمَكَ اللَّهُ.

قَالَ: نَعَمْ يَا شَيْخُ... إِنَّ اللَّهَ ﷻ خَلَقَ خَلْقاً ضَيَّقَ الدُّنْيَا عَلَيْهِمْ نَظَرًا لَهُمْ فَزَهَّدَهُمْ فِيهَا وَفِي حُطَامِهَا، فَرَغِبُوا فِي دَارِ السَّلَامِ الَّتِي دَعَاهُمْ إِلَيْهَا وَصَبَرُوا عَلَى ضَيْقِ الْمَعِيشَةِ، وَصَبَرُوا عَلَى الْمَكْرُوهِ وَاشْتَقَوْا إِلَى مَا عِنْدَ اللَّهِ ﷻ مِنَ الْكَرَامَةِ، بَذَلُوا أَنْفُسَهُمْ ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ، وَكَانَتْ خَاتِمَةُ أَعْمَالِهِمُ الشَّهَادَةُ، فَلَقُوا اللَّهَ ﷻ وَهُوَ عَنْهُمْ رَاضٍ، وَعَلِمُوا أَنَّ الْمَوْتَ سَبِيلٌ مَنْ مَضَى وَمَنْ بَقِيَ، فَتَزَوَّدُوا لِآخِرَتِهِمْ غَيْرَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ، وَلَبَسُوا الْحَشِينَ، وَصَبَرُوا عَلَى الْبَلَوَى، وَقَدَّمُوا الْفَضْلَ، وَأَحَبُّوا فِي اللَّهِ، وَأَبْغَضُوا فِي اللَّهِ ﷻ، أُولَئِكَ الْمَصَابِيحُ وَأَهْلُ النِّعَمِ فِي الْآخِرَةِ، وَالسَّلَامُ.^٣

٨٤٢. الإمام زين العابدين ﷺ: إِنَّ عَلَامَةَ الزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا الرَّاغِبِينَ فِي الْآخِرَةِ: تَرْكُهُمْ كُلَّ خَلِيطٍ وَخَلِيلٍ، وَرَفْضُهُمْ كُلَّ صَاحِبٍ لَا يُرِيدُ مَا يُرِيدُونَ. أَلَا وَإِنَّ الْعَامِلَ لِثَوَابِ الْآخِرَةِ هُوَ الزَّاهِدُ فِي عَاجِلِ زَهْرَةِ الدُّنْيَا.^٤

٨٤٥. مصباح الشريعة - فيما نسبته إلى الإمام الصادق ﷺ - : الزَّاهِدُ: الَّذِي يَخْتَارُ

١. الشَّاحِبُ: المتغير اللون والجسم لعارض من سفر أو مرض ونحوهما (النهاية: ج ٢ ص ٤٤٨ «شحب»).

٢. اغتاله: قتله على غيرته (المصباح المنير: ص ٤٥٧ «غول»).

٣. كتاب من لا يخضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٨١ ح ٥٨٣٣، معاني الأخبار: ص ١٩٨ ح ٤، الأمالي للصدوق: ص ٤٧٧ ح ٦٤٤، الأمالي للطوسي: ص ٢٣٥ ح ٩٧٤ كلها عن عبد الله بن بكر المرادي عن الإمام الكاظم عن آبائه ﷺ.

جامع الأحاديث للقمي: ص ١٧٣ عن الإمام الكاظم عن آبائه عن الإمام الحسين ﷺ، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٧٣ عن الإمام زين العابدين عن الإمام علي ﷺ، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٢٧٢ ح ٤.

٤. تحف العقول: ص ٢٧٢، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٢٨ ح ١ وراجع ذم الدنيا لابن أبي الدنيا: ص ٨٧ ح ٢٢٥.

و خستگی سفر در چهره‌اش نمایان بود، بر او وارد شد و گفت: امیر مؤمنان کجاست؟

ایشان را به او نشان دادند. پیرمرد بر او سلام کرد و آن گاه گفت: ای امیر مؤمنان، من از منطقهٔ شام آمده‌ام. پیری سالخورده‌ام که دربارهٔ تو فضایل بی‌شماری شنیده‌ام و گمان می‌کنم به زودی ترور خواهی شد. پس، از آنچه خداوند به تو آموخته است، مرا چیزی بیاموز.

امام علیه السلام فرمود: «باشد، ای پیرمرد! ... خداوند تعالی عده‌ای را آفرید و از سر لطف، دنیا را بر آنان تنگ کرد و ایشان را به زهد و بی‌رغبتی به دنیا و حطام دنیوی ترغیب فرمود و آنان، به سرای سلامت (بهشت) که خدا بدان فرایشان خوانده بود، رغبت کردند و بر سختی معیشت، صبر کردند و ناملایمات را تحمل نمودند و به کرامت و پاداشی که نزد خداوند تعالی است، شوق ورزیدند. برای جلب خشنودی خداوند، فداکاری کردند و عاقبت زندگی‌شان، شهادت شد. پس، خداوند تعالی را در حالی ملاقات کردند که از ایشان، خشنود بود، دانستند که مرگ، راهی است که گذشتگان پیمودند و ماندگان، خواهند پیمود. از این رو، برای آخرت خویش، توشه‌ای غیر از زر و سیم بر گرفتند، جامه خشن پوشیدند و در گرفتاری‌ها شکیبایی نمودند. مازاد [نیاز خود را برای آخرت] پیش فرستادند، از برای خدا، دوستی ورزیدند و از برای خدا، دشمنی نمودند. اینان، چراغ‌های تابان‌اند و در آخرت، برخوردار از نعمت. والسلام!

۸۴۴. امام زین العابدین علیه السلام: نشانهٔ دنیاگریزان آخرت‌گرای، ترک هر معاشر و دوستی، و طرد هر هم‌صحبتی است که خواسته‌اش با خواستهٔ آنان، یکی نیست. آگاه باشید آن که برای پاداش و آخرت کار کند، به زیب و زیور نقد دنیا، بی‌رغبت است.

۸۴۵. مصباح الشریعة - در آنچه به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده - : زاهد، کسی است که آخرت را بر دنیا بر می‌گزیند و خواری [و گم‌نامی] را بر عزت [و جاه

الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا، وَالذَّلَّ عَلَى الْعِزِّ، وَالْجَهْدَ عَلَى الرَّاحَةِ، وَالْجُوعَ عَلَى الشَّبَعِ،
وَعَاقِبَةَ الْآجِلِ عَلَى مَحَبَّةِ الْعَاجِلِ، وَالذَّكْرَ عَلَى الْعَقْلَةِ، وَيَكُونُ نَفْسُهُ فِي الدُّنْيَا
وَقَلْبُهُ فِي الْآخِرَةِ.^١

٨٢٦. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الزُّهَادَ فِي الدُّنْيَا نُورُ الْجَلَالِ عَلَيْهِمْ، وَأَثَرُ الْخِدْمَةِ بَيْنَ
أَعْيُنِهِمْ، وَكَيْفَ لَا يَكُونُونَ كَذَلِكَ؟ وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَنْقَطِعُ إِلَى بَعْضِ مُلُوكِ الدُّنْيَا
فَيُرَى عَلَيْهِ أَثَرُهُ، فَكَيْفَ يَمُنُّ بِنَقْطِئِهِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى لَا يَرَى أَثَرَهُ عَلَيْهِ؟^٢

٨٢٧. الإمام الرضا عليه السلام - لَمَّا سُئِلَ عَنْ صِفَةِ الزَّاهِدِ - : مُتَبَلِّغٌ^٣ بِدُونِ قُوَّتِهِ، مُسْتَعِدٌّ لَيَوْمِ
مَوْتِهِ، مُتَبَرِّمٌ^٤ بِحَيَاتِهِ.^٥



٨٢٨. الإمام زين العابدين عليه السلام - لَمَّا سُئِلَ عَنِ الزُّهْدِ - : عَشْرَةُ أَشْيَاءَ: فَأَعْلَى دَرَجَةِ الزُّهْدِ
أَدْنَى دَرَجَةِ الْوَرَعِ، وَأَعْلَى دَرَجَةِ الْوَرَعِ أَدْنَى دَرَجَةِ الْيَقِينِ، وَأَعْلَى دَرَجَةِ
الْيَقِينِ أَدْنَى دَرَجَةِ الرِّضَا.

أَلَا وَإِنَّ الزُّهْدَ فِي آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ ﷻ ﴿لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا

١. مصباح الشريعة: ص ١٩٢، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٣١٥ ح ٢٠.
٢. أعلام الدين: ص ٣٠٤، نزهة الناظر: ص ١١٩ ح ٦٧ وفيه «إلى ملك الملوك» بدل «إلى الله»، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٧٨ ح ١١٣.
٣. تَبَلَّغَ بِكَذَا: أَيِ اكْتَفَى بِهِ (الصَّحاح: ج ٤ ص ١٣١٧ «بلغ»).
٤. تَبَرَّمَ بِهِ: إِذَا سَتَمَهُ. وَتَبَرَّمَ بِهِ مِثْلُهُ (الصَّحاح: ج ٥ ص ١٨٦٩ «برم»).
٥. نثر الدر: ج ١ ص ٣٦١، العدد القوي: ص ٢٩٨ ح ٣٠، الدرّة الباهرة: ص ٣٨، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢٣٧
عن الإمام زين العابدين عليه السلام وليس فيه «متبرم بحياته»، أعلام الدين: ص ٣٠٧، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٣١٩
ح ٣٣: تاريخ دمشق: ج ٤١ ص ٢٠٣ عن ابن عائشة عن الإمام زين العابدين عليه السلام.

و جلال]، و رنج و زحمت را بر تن آسایی، و گرسنگی را بر سیری، و سعادت آخرت را بر محبت دنیا، و یاد [خدا بودن] را بر غفلت؛ و پیکرش در دنیاست و دلش در آخرت.

۸۴۶. امام صادق علیه السلام: زاهدان به دنیا، از نور جلال و عظمت، منورند و نشانه چاکری بر پیشانی آنان، هویدا است. چگونه چنین نباشند؟ آدمی، وقتی خود را وقف چاکری حکمرانی از حکمرانان دنیا می‌کند، آثار آن در او دیده می‌شود. پس چگونه ممکن است کسی خود را وقف خدمت به خدای متعال کند و اثر آن بر وی دیده نشود؟!

۸۴۷. امام رضا علیه السلام - در پاسخ به پرستش از ویژگی زاهد - : به کمتر از قوت خویش بسنده می‌کند، برای روز مرگش آماده است، و از زنده ماندن خود، دل‌تنگ است.

مرکز تحقیقات و نشر علوم اسلامی
۴/۱
درجات زهد

۸۴۸. امام زین العابدین علیه السلام - در پاسخ به سؤال از زهد - : زهد، ده درجه دارد: بالاترین درجه زهد، پایین‌ترین درجه ورع است، و بالاترین درجه ورع، پایین‌ترین درجه یقین است، و بالاترین درجه یقین، پایین‌ترین درجه رضا است.

آگاه باشید که زهد در یک آیه از کتاب خداوند جل و جلال خلاصه شده است: ﴿تَا

بِمَاءِ أَنْتُمْ^١.

٥/١

التَّائِبُ عَلَى تَحْرِيفِ الزُّهْدِ

٨٤٩. رسول الله ﷺ: لَيْسَ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا تَحْرِيمَ الْحَلَالِ، وَلَا إِضَاعَةَ الْمَالِ، وَلَكِنَّ الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا الرِّضَا بِالْقَضَاءِ، وَالصَّبْرُ عَلَى الْمَصَائِبِ، وَالْيَأْسُ عَنِ النَّاسِ^٢.

٨٥٠. عنه ﷺ: لَيْسَ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا لُبْسُ الْخَشَنِ وَأَكْلُ الْجَشَبِ^٣، وَلَكِنَّ الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا قَصْرُ الْأَمَلِ^٤.

٨٥١. عنه ﷺ: الزُّهَادَةُ فِي الدُّنْيَا لَيْسَتْ بِتَحْرِيمِ الْحَلَالِ، وَلَا إِضَاعَةِ الْمَالِ، وَلَكِنَّ الزُّهَادَةَ فِي الدُّنْيَا أَلَّا تَكُونَ بِمَا فِي يَدَيْكَ أَوْ تَقَى مِمَّا فِي يَدَيِ اللَّهِ، وَأَنْ تَكُونَ فِي ثَوَابِ الْمُصِيبَةِ إِذَا أَصَبَتْ بِهَا أَرَعْتَ فِيهَا لَوْ أَنَّهَا أَبْقَيْتَ لَكَ^٥.

٨٥٢. الكافي عن محمد بن علي رفعه: مَرَّ سُفْيَانُ الثَّوْرِيُّ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَرَأَى أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وعليه ثياب كثيرة القيمة حسنة، فقال: وَاللَّهِ لَا تَبْتَئُهُ وَلَا وَبَّخْتُهُ.

١. الحديد: ٢٣.

٢. الكافي: ج ٢ ص ١٢٨ ح ٤ وص ٤٢ ح ١٠ وليس فيه ذيله، الغصن: ص ٤٣٧ ح ٢٦، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٩١ كلها عن هاشم بن البريد، معاني الأخبار: ص ٢٥٢ ح ٤ عن هاشم بن بريد عن الإمام الباقر عليه السلام، تحف العقول: ص ٢٧٨، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٥٠ ح ٢٢.

٣. مستدرک الوسائل: ج ١٢ ص ٥١ ح ١٣٤٨٨ نقلاً عن القطب الراوندي في لبّ اللباب.

٤. الجشب: الغليظ الخشن من الطعام، وكلّ بشع الطعم جشب (النهاية: ج ١ ص ٢٧٢ «جشب»).

٥. مشكاة الأنوار: ص ٢٠٧ ح ٥٥٩، مستدرک الوسائل: ج ١٢ ص ٤٤ ح ١٣٤٧١ وراجع بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٣١٠ ح ٤.

٦. سنن الترمذي: ج ٤ ص ٥٧١ ح ٢٣٤٠، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٣٧٣ ح ٤١٠٠، الفردوس: ج ٣ ص ٤٠٣ ح ٥٢٢٨ كلها عن أبي ذر، المعجم الأوسط: ج ٨ ص ٥٧ ح ٧٩٥٤، حلية الأولياء: ج ٩ ص ٣٠٣ كلاهما عن أبي الدرداء، كنز العمال: ج ٣ ص ١٨١ ح ٦٠٥٩ وراجع أعلام الدين: ص ٢٩٣.

بر آنچه از دست می‌دهید، افسوس نخورید و برای آنچه خدا به شما می‌دهد، شادمان نشوید.

۵/۱

هشدار درباره تحریف زهد

۸۴۹. پیامبر خدا ﷺ: زهد به دنیا، به حرام کردن حلال [بر خود] و یا ترک دارایی نیست؛ بلکه زهد به دنیا، عبارت است از: راضی بودن به قضا [ی الهی] و صبر در مصائب، و چشم‌امید بر گندن از مردم.

۸۵۰. پیامبر خدا ﷺ: زهد به دنیا، پوشیدن جامه درشت و خوردن غذای خشک نیست؛ بلکه زهد به دنیا، عبارت از کوتاه کردن آرزوست.

۸۵۱. پیامبر خدا ﷺ: زهد به دنیا، به حرام کردن حلال و یا ترک مال نیست؛ بلکه زهد به دنیا آن است که به آنچه در دست توست، مطمئن‌تر از آنچه در دست خداست، نباشی و به ثواب مصیبتی که به تو می‌رسد، چندان راغب باشی که آرزو کنی آن مصیبت برایت باقی بماند.

۸۵۲. الکافی - به نقل از محمد بن علی، که سند آن را به معصوم ﷺ می‌رساند - :
سفیان ثوری از مسجد الحرام می‌گذشت که امام صادق ﷺ را با جامه‌هایی زیبا و قیمتی دید. گفت: والله که نزد او می‌روم و ملامتش می‌کنم.

فَدَنَا مِنْهُ فَقَالَ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، مَا لَيْسَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِثْلَ هَذَا اللَّبَاسِ وَلَا عَلَيَّ ﷺ وَلَا أَخَذُ مِنْ آبَائِكَ!

فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي زَمَانٍ قَتَرَ مُقْتَرٍ^١، وَكَانَ يَأْخُذُ لِقَتَرِهِ وَاقْتِدَارِهِ^٢، وَإِنَّ الدُّنْيَا بَعْدَ ذَلِكَ أَرْخَتْ عَزَالِيهَا^٣، فَأَحَقُّ أَهْلِهَا بِهَا أَبْرَارُهَا. ثُمَّ تَلَا: ﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ﴾^٤ وَنَحْنُ أَحَقُّ مَنْ أَخَذَ مِنْهَا مَا أَعْطَاهُ اللَّهُ، غَيْرَ أَنِّي يَا ثَوْرِي مَا تَرَى عَلَيَّ مِنْ ثَوْبٍ إِلَّا مَا أَلْبَسُهُ لِلنَّاسِ.

ثُمَّ اجْتَذَبَ يَدَ سُفْيَانَ فَجَرَّهَا إِلَيْهِ، ثُمَّ رَفَعَ الثَّوْبَ الْأَعْلَى وَأَخْرَجَ ثَوْبًا تَحْتَ ذَلِكَ عَلَى جِلْدِهِ غَلِيظًا، فَقَالَ: هَذَا الْبِسُّ لِنَفْسِي، وَمَا رَأَيْتُهُ لِلنَّاسِ. ثُمَّ جَذَبَ ثَوْبًا عَلَى سُفْيَانَ أَعْلَاهُ غَلِيظٌ خَشِينٌ وَدَاخِلُ ذَلِكَ ثَوْبٌ لَيِّنٌ، فَقَالَ: لَيْسَتْ هَذَا الْأَعْلَى لِلنَّاسِ، وَلَيْسَتْ هَذَا لِنَفْسِكَ تَشْرُهَا^٥!

راجع: ج ١ ص ١٢٦ (النهي عن الترهّب وتحريم ما أحل الله)
و ١٤٦ (الاحتجاج على من يدعوا إلى ترك الدنيا).

١. الإقتار: التضييق على الإنسان في الرزق، وقد أقتَر الرجل فهو مُقْتَر (النهاية: ج ٤ ص ١٢ «قتر»).
٢. قَدِرَ عَلَى الْإِنْسَانِ رِزْقُهُ: مِثْلُ قُتِرَ (الصحاح: ج ٢ ص ٧٨٧ «قدر»). وقوله ﷺ: «وكان يأخذ» أي يأخذ من نفقته فلا يوسع لقتر الزمان (مرآة العقول: ج ٢٢ ص ٣١٧).
٣. يقال للسحابة إذا انهمرت بالمطر الجود: أُرْسِلَتْ عَزَالِيهَا (تاج العروس: ج ١٥ ص ٤٨٣ «عزل»).
٤. الأعراف: ٣٢.
٥. الكافي: ج ٦ ص ٤٢٢ ح ٨، بحار الأنوار: ج ٤٧ ص ٣٦٠ ح ٧١ وراجع تحف العقول: ص ٣٤٨ ورجال الكشي: ج ٢ ص ٦٩١ ح ٧٤٠.

پس، به نزدیک امام علیه السلام رفت و گفت: ای پسر پیامبر خدا! نه پیامبر خدا چنین لباسی پوشید، نه علی و نه هیچ یک از پدران! امام صادق علیه السلام به او فرمود: «پیامبر خدا، در روزگاری سخت و در تنگنای معیشت به سر می برد و از این رو، با سختی زندگی می کرد؛ اما بعداً دنیا، خیرات و برکات خود را فرو ریزاند. پس، سزاوارترین مردم دنیا به برخورداری از این نعمت ها، نیکان هستند» و سپس، این آیه را تلاوت کرد: «به گو: چه کسی زیورهای خدا را که برای بندگانش پدید آورده، و نیز روزی های پاک را حرام گردانیده است؟» [و افزود:] ما به استفاده از این نعمت های خدادادی، از هر کس دیگر سزاوارتریم. با این حال، ای ثوری! من، این جامه ای را که بر تنم می بینی، برای مردم پوشیده ام.»

امام علیه السلام سپس، دست سفیان را گرفت و به طرف خود کشید و لباس رویی خود را بالا زد و جامه زیری را که زیر آن پوشیده بود و با بدن ایشان تماس مستقیم داشت، نشان داد و فرمود: «این را برای خودم می پوشم و آنچه را دیدی (لباس رویی را) برای مردم». آن گاه، لباس رویی سفیان را که زیر و درشت بود، کنار زد و زیر آن، جامه نرمی بود. فرمود: «تو این رویی را برای چشم مردم پوشیده ای و این زیری را برای خوشایند نفس است!».

ر. ک: ج ۱ ص ۱۲۷ (نهی از رهبانیت و از حرام شمردن آنچه خدا حلال کرده است)

و ۱۴۷ (اعتراض به دعوت کنندگان به ترک دنیا).

٦/١

التَّحْذِيرُ مِنَ الزَّهْدِ زَاءً

٨٥٣. رسول الله ﷺ: لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَكُونَ الزَّهْدُ رِوَايَةً، وَالْوَرَعُ تَصْنَعًا.^١
٨٥٤. عنه ﷺ: يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ يَلْبَسُونَ الصُّوفَ فِي صَيْفِهِمْ وَشِتَائِهِمْ، يَرُونَ أَنَّ لَهُمُ الْفَضْلَ بِذَلِكَ عَلَى غَيْرِهِمْ، أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمْ مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.^٢
٨٥٥. عنه ﷺ: يَأْتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَنَاسٌ مِنْ أُمَّتِي يَأْتُونَ الْمَسَاجِدَ يَقْعُدُونَ فِيهَا حَلَقًا، ذَكَرَهُمُ الدُّنْيَا وَحُبُّ الدُّنْيَا، لَا تُجَالِسُوهُمْ فَلَيْسَ لِلَّهِ بِهِمْ حَاجَةٌ.^٣
٨٥٦. الإمام علي عليه السلام: لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُو الْآخِرَةَ بِغَيْرِ الْعَمَلِ، وَيُرْجَى^٤ الثَّوْبَةُ بِطُولِ الْأَمَلِ، يَقُولُ فِي الدُّنْيَا يَقُولُ الزَّاهِدِينَ وَيَعْمَلُ فِيهَا بِعَمَلِ الرَّاغِبِينَ.^٥
٨٥٧. عنه عليه السلام: - فِي أَصْنَافِ الْمُسْلِمِينَ -: وَمِنْهُمْ مَنْ أَبْعَدَهُ عَنِ طَلَبِ الْمُلْكِ ضُوءُ لُفَّةِ نَفْسِهِ، وَانْقِطَاعُ سَبَبِهِ، فَقَصَرَتْهُ الْحَالُ عَلَى حَالِهِ، فَتَحَلَّى بِاسْمِ الْقَنَاعَةِ، وَتَزَيَّنَ بِلِبَاسِ أَهْلِ الزَّهَادَةِ، وَلَيْسَ مِنْ ذَلِكَ فِي مَرَاحٍ وَلَا مَغْدَى.^٦
٨٥٨. عنه عليه السلام: إِذَا هَرَبَ الزَّاهِدُ مِنَ النَّاسِ فَاطْلُبْهُ، وَإِذَا طَلَبَ الزَّاهِدُ النَّاسَ

١. حلية الأولياء: ج ٣ ص ١١٩، الفردوس: ج ٥ ص ٩٠ ح ٧٥٥٧ كلاهما عن أبي هريرة.

٢. الأُمالي للطوسي: ص ٥٣٩ ح ١١٦٢، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٨١ ح ٢٦٦١ كلاهما عن أبي ذر، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٩١ ح ٣.

٣. جامع الأخبار: ص ١٧٩ ح ٢٣٥، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٦٩ وفيه «ناس» بدل «أناس من أمتي»، بحار الأنوار: ج ٨٣ ص ٣٦٨ ح ٢٧.

٤. أَرْجَأْتُ الْأَمْرَ وَأَرْجَيْتُهُ: إِذَا أَخَّرْتَهُ (النهاية: ج ٢ ص ٢٠٦ «رجا»).

٥. نهج البلاغة: الحكمة ١٥٠، خصائص الأئمة عليه السلام: ص ١٠٩، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ١٩٩ ح ٣٠.

٦. نهج البلاغة: الخطبة ٣٢، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٥: مطالب السؤول: ص ٣٢.

۶/۱

بر خذر داشتن از زهد ریایی

۸۵۳. پیامبر خدا ﷺ: قیامت برپا نمی شود تا آن که زهد، قصه سر زبان ها می شود و پارسایی، تظاهر.
۸۵۴. پیامبر خدا ﷺ: در آخر زمان، جماعتی می آیند که در تابستان و زمستان، پشمینه می پوشند و این را برای خود، مایه برتری بر دیگران می دانند. فرشتگان آسمان ها و زمین، اینان را لعنت می کنند.
۸۵۵. پیامبر خدا ﷺ: در آخر زمان، مردمی از امت من می آیند که به مساجد می روند و گرد هم می نشینند و از دنیا و دوستی دنیا سخن می گویند. با آنان ننشینید؛ چرا که خداوند را با این افراد، کاری نیست.
۸۵۶. امام علی علیه السلام: از آنانی مباش که بدون عمل، به آخرت امید می بندد و بر اثر داشتن آرزوی دراز، توبه را به تأخیر می اندازد؛ از دنیا همچون زاهدان سخن می گوید، ولی در عمل، چون دنیاخواهان رفتار می کند.
۸۵۷. امام علی علیه السلام: درباره گروه های مسلمانان - گروهی از مردم رابی لیاقتی ذاتی و نداشتن اسباب و امکانات، از طلب حکومت، باز داشته است. از این رو، به وضعی که دارند، تن داده اند و خود را به نام خوش قناعت، آراسته اند و جامه زیبای اهل زهد پوشیده اند، در حالی که لحظه ای از شب و روز، چنین نبوده اند.
۸۵۸. امام علی علیه السلام: هرگاه زاهد از مردم گریزان شد، در طلب او بر آی و هرگاه زاهد در طلب مردم برآمد، از او گریزان شو.
۸۵۹. امام صادق علیه السلام: در حال طواف بودم که دیدم مردی لباس مرا می کشد. نگاه کردم، دیدم عبّاد بن کثیر بصری است. گفت: ای جعفر بن محمد! در یک

فَاهَرَبَ مِنْهُ.^١

٨٥٩. الإمام الصادق عليه السلام: بَيْنَا أَنَا فِي الطَّوَافِ وَإِذَا بِرَجُلٍ يَجْدِبُ ثَوْبِي، وَإِذَا هُوَ عَبَادُ بْنُ كَثِيرٍ الْبَصْرِيُّ، فَقَالَ: يَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، تَلْبَسُ مِثْلَ هَذِهِ الثِّيَابِ وَأَنْتَ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ مَعَ الْمَكَانِ الَّذِي أَنْتَ فِيهِ مِنْ عَلِيِّ عليه السلام؟!؟

فَقُلْتُ: ثَوْبٌ فُرْقَبِي^٢ اشْتَرَيْتُهُ بِدِينَارٍ، وَكَانَ عَلِيٌّ عليه السلام فِي زَمَانٍ يَسْتَقِيمُ لَهُ مَا لَيْسَ فِيهِ، وَلَوْ لَيْسَتْ مِثْلَ ذَلِكَ اللَّبَاسِ فِي زَمَانِنَا لَقَالَ النَّاسُ: هَذَا مُرَاءٍ مِثْلُ عَبَادٍ.^٣



مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

١. غرر الحکم: ح ٤٠٧٨ وح ٤٠٧٩، عیون الحکم والمواعظ: ص ١٢٦ ح ٢٠٨٧ وح ٢٠٨٨.

٢. ثَوْبٌ فُرْقَبِي: هو ثوب مصري أبيض من كتان (النهاية: ج ٣ ص ٢٢٠ «فرقب»).

٣. الکافی: ج ٦ ص ٤٤٣ ح ٩، مکارم الأخلاق: ج ١ ص ٢١٩ ح ٦٤٥، رجال الکشي: ج ٢ ص ٦٨٩ الرقم ٧٣٦
کُلُّهَا عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانٍ، دَعَا نِمْ الْإِسْلَامَ: ج ٢ ص ١٥٦ ح ٥٥٤ کُلُّهَا نَحْوَهُ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج ٧٩ ص ٣٠٨ ح ٢٣.

چنین جایی، آن هم با نسبتی که با علی داری، یک چنین جامه‌هایی می‌پوشی؟!

گفتم: «از جنس کتان مصری است و به یک دینار خریده‌ام. علی علیه السلام در زمانی زندگی می‌کرد که پوشیدن آن چنان جامه‌هایی برایش ایرادی نداشت. اگر من در این زمان، چنان لباس‌هایی بپوشم، مردم خواهند گفت: این هم مثل عباد، ریاکار است».



مرکز تحقیقات و توسعه علوم اسلامی

الفصل الثاني

فضل الزهد

١/٢

الحث على الزهد

الكتاب

﴿لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَخَفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾^١

الحديث

٨٦٠. رسول الله ﷺ: قَالَ مُوسَىٰ عليه السلام [لِلْخَضِرِ عليه السلام]: أُرِيدُ أَنْ تَوْصِيَنِي بِوَصِيَّةٍ يَنْفَعُنِي اللَّهُ بِهَا

بَعْدَكَ، فَقَالَ الْخَضِرُ عليه السلام: ... يَا مُوسَىٰ بْنُ عِمْرَانَ، اجْعَلِ الزُّهْدَ وَالتَّقْوَىٰ لِبَاسَكَ^٢.

٨٦١. عنه عليه السلام: يَا بَنَ آدَمَ، مَا تَصْنَعُ الدُّنْيَا؟^٣ حَلَالُهَا حِسَابٌ، وَحَرَامُهَا عَذَابٌ!^٤

٨٦٢. عنه عليه السلام: مَنْ أَخَذَ مِنَ الدُّنْيَا مِنَ الْحَلَالِ حَاسِبُهُ اللَّهُ، وَمَنْ أَخَذَ مِنَ الدُّنْيَا مِنْ

١. الحجر: ٨٨.

٢. المعجم الأوسط: ج ٧ ص ٧٩ ح ٦٩٠٨. البداية والنهاية: ج ١ ص ٣٢٩ كلاهما عن عمر، كنز العمال: ج ١٦ ص ١٤٥ ح ٤٤١٧٦.

٣. كذا في الفردوس، وفي كنز العمال: «بالدنيا».

٤. الفردوس: ج ٥ ص ٢٨٢ ح ٨١٩٢ عن ابن عباس، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٢٧ ح ٦٣٢٨ نقلًا عن الدارقطني.

فصل دوم ارزش زهد

۱/۲



قرآن

«و به آنچه ما دسته‌هایی از آنان (کافران) را بدان برخورداریم ساخته‌ایم، چشم مدوز و برایشان اندوه مخور، و بال خویش برای مؤمنان، فرو گستر».

حدیث

۸۶۰. پیامبر خدا ﷺ: موسی علیه السلام [به خضر علیه السلام] گفت: میل دارم به من سفارشی کنی که بعد از تو، خداوند مرا بدان سود برساند.

خضر علیه السلام گفت: «... ای موسی بن عمران! زهد و تقوا را جامه خود گردان».

۸۶۱. پیامبر خدا ﷺ: ای پسر آدم! دنیا را می‌خواهی چه کنی؟ حلالش حساب دارد و حرامش عذاب!

۸۶۲. پیامبر خدا ﷺ: هر که از حلال دنیا بگیرد، خداوند از او حساب کشد و هر که از

الْحَرَامُ عَذْبَةُ اللَّهِ، أَفَّ لِلدُّنْيَا وَمَا فِيهَا مِنَ الْبَلِيَّاتِ؛ حَلَالُهَا حِسَابٌ وَحَرَامُهَا عِقَابٌ.^١

٨٦٣. عنه عليه السلام - في مَوْعِظَتِهِ لِابْنِ مَسْعُودٍ - : يَا بْنَ مَسْعُودٍ، قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾^٢ يَعْنِي أَيُّكُمْ أَزْهَدُ فِي الدُّنْيَا....

يَا بْنَ مَسْعُودٍ، النَّارُ لِمَنْ رَكِبَ مُحَرَّمًا، وَالْجَنَّةُ لِمَنْ تَرَكَ الْحَلَالَ، فَعَلَيْكَ بِالزُّهْدِ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ مِمَّا يُبَاهِي اللَّهُ بِهِ الْمَلَائِكَةَ، وَبِهِ يُقْبَلُ اللَّهُ عَلَيْكَ بِوَجْهِهِ، وَيُصَلِّي عَلَيْكَ الْجَبَّارُ.^٣

٨٦٤. عنه عليه السلام: خِيَارُكُمْ أَزْهَدُكُمْ فِي الدُّنْيَا، وَأَرْغَبُكُمْ فِي الْآخِرَةِ.^٤

٨٦٥. عنه عليه السلام: هَاجِرُوا مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا.^٥

٨٦٦. عنه عليه السلام: أَفْضَلُ النَّاسِ مُؤْمِنٌ مُزْهَدٌ.^٦

٨٦٧. عنه عليه السلام - في مَوْعِظَتِهِ لِأَمِيرِ الْجَيْشِ - : وَلْتَكُنْ قُرَّةُ عَيْنِكَ بِالزُّهْدِ وَصَالِحِ الْأَثَارِ.^٧

١. الفردوس: ج ٣ ص ٥٨٥ ح ٥٨٣٠، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٣٦ ح ٦٣٢٥ نقلًا عن الحاكم في تاريخه وكلاهما عن أنس.

٢. الملك: ٢.

٣. مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٤٠-٣٤٢ ح ٢٦٦٠ عن ابن مسعود، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٩٣-٩٦ ح ١؛ الدر المنثور: ج ٤ ص ٤٠٤ نقلًا عن ابن أبي حاتم عن سفيان.

٤. شعب الإيمان: ج ٧ ص ٣٧٧ ح ١٠٦٦٤ عن أبي ذر، كنز العمال: ج ٣ ص ١٩٢ ح ٦١١٦؛ مستدرک الوسائل: ج ١٢ ص ٥١ ح ١٣٤٨٨ نقلًا عن القطب الراوندي في لبّ الباب.

٥. حلية الأولياء: ج ٢ ص ٢٦٠ عن عائشة، كنز العمال: ج ٣ ص ١٩٨ ح ٦١٥٠.

٦. غريب الحديث للهروي: ج ١ ص ٢٣٧، النهاية في غريب الحديث: ج ٢ ص ٣٢١، كنز العمال: ج ٣ ص ١٨٨ ح ٦٠٩٤ نقلًا عن الفردوس عن أبي هريرة وراجع غريب الحديث للزمخشري: ج ٢ ص ١٠٥.

٧. دعائم الإسلام: ج ١ ص ٣٥٣ عن الإمام علي عليه السلام.

حرام دنیا برگیرد، خداوند، او را عذاب کند. اُف به دنیا و رنج و مصیبت‌های آن. حلالش حساب دارد و حرامش کیفر.

۸۶۳. پیامبر خدا ﷺ - در اندرز به ابن مسعود - : ای پسر مسعود! این سخن خدای متعال که: «تا یازمایدتان که کدام یک از شما نیک کردارترید»، به معنای آن است که کدام یک از شما به دنیا زاهدتر و بی‌رغبت‌ترید....

ای پسر مسعود! آتش برای کسی است که مرتکب حرام شود و بهشت، از آن کسی است که حلال را واگذارد. پس، بر تو باد زهد؛ زیرا زهد، از چیزهایی است که خداوند با آن بر فرشتگان مباحات می‌کند و با زهد است که خداوند، به تو رو می‌کند و خدای جبار بر تو درود می‌فرستد.

۸۶۴. پیامبر خدا ﷺ: بهترین شما کسی است که به دنیا بی‌رغبت‌تر و به آخرت، علاقه‌مندتر است.

۸۶۵. پیامبر خدا ﷺ: از دنیا و هر آنچه در دنیا است، هجرت کنید.

۸۶۶. پیامبر خدا ﷺ: بهترین، مردمان، مؤمن کم‌دار است.

۸۶۷. پیامبر خدا ﷺ - در اندرز به فرمانده سپاه - : نور دیده‌ات در زهد و کارهای شایسته‌ای است که [از تو] برجا می‌ماند.

٨٦٨. عنه عليه السلام - لِمُعَاذٍ لَمَّا بَعَثَهُ إِلَى الْيَمَنِ - : أَدْعُهُمْ إِلَى الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا وَالرَّغْبَةِ فِي الْآخِرَةِ، وَأَنْ يُحَاسِبُوا أَنْفُسَهُمْ^١.

٨٦٩. مستدرک الوسائل: قیل: یا رسول الله، أيُّ المؤمنین أفضل؟ قال: مَنْ لَمْ يَكُنْ فِي قَلْبِهِ غِشٌّ لِمُؤْمِنٍ وَلَا حَسَدٌ لَهُ. قیل: ثُمَّ مَنْ؟ قال: الزَّاهِدُ فِي الدُّنْيَا، الرَّاعِبُ فِي الْآخِرَةِ^٢.

٨٧٠. عيسى عليه السلام - لِلْحَوَارِيِّينَ - : إِرْضُوا بِدِينِي الدُّنْيَا مَعَ سَلَامَةٍ دِينِكُمْ كَمَا رَضِيَ أَهْلُ الدُّنْيَا بِدِينِي الدِّينِ مَعَ سَلَامَةٍ دُنْيَاهُمْ، وَتَحَبَّبُوا إِلَى اللَّهِ بِالْبُعْدِ مِنْهُمْ، وَأَرْضُوا اللَّهَ فِي سَخَطِهِمْ^٣.

٨٧١. عنه عليه السلام: يَا طَالِبَ الدُّنْيَا لَتَبَرَّ! تَرَكُّكَ الدُّنْيَا أَبْرُ^٤.

٨٧٢. عنه عليه السلام: وَيَلِكُمْ يَا عَبِيدَ الدُّنْيَا، اتَّخِذُوا مَسَاجِدَ رِئِكُمْ سُجُونًا لِأَجْسَادِكُمْ، وَاجْعَلُوا قُلُوبَكُمْ بُيُوتًا لِلتَّقْوَى، وَلَا تَجْعَلُوا قُلُوبَكُمْ مَأْوًى لِلشَّهَوَاتِ^٥.

٨٧٣. الإمام علي عليه السلام: عِبَادَ اللَّهِ، أَوْصِيَكُمْ بِالرَّفْضِ لِهَذِهِ الدُّنْيَا التَّارِكَةِ لَكُمْ وَإِنْ لَمْ تُحِبُّوا تَرَكْهَا^٦.

١. مستدرک الوسائل: ج ١٢ ص ٥١ ح ١٣٤٨٨ نقلًا عن القطب الراوندي في لب اللباب.

٢. مستدرک الوسائل: ج ٨ ص ٤٤٨ ح ٩٩٦٠ نقلًا عن كتاب الأخلاق.

٣. عدّة الداعي: ص ١١١، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٣٢٢ ح ٣٨: الدرّ المنثور: ج ٢ ص ٢١٢، البداية والنهاية: ج ٢ ص ٨٩ كلاهما نحوه.

٤. تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٣٤، المحجّة البيضاء: ج ٥ ص ٣٦١، تاريخ دمشق: ج ٤٧ ص ٤٢٧ عن سفيان الثوري وفيه «إِنَّمَا تَطْلُبُ الدُّنْيَا لَتَبَرَّ فَرَكْهَا أَبْرُ».

٥. تحف العقول: ص ٥٠٩ و ص ٣٩٣ عن الإمام الكاظم عن عيسى عليه السلام نحوه. بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٣١٢ ح ١٧.

٦. نهج البلاغة: الخطبة ٩٩، مصباح المستهجد: ص ٣٨١ ح ٥٠٨ عن زيد بن وهب نحوه. بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٢٤٣ ح ٦٨.

۸۶۸. پیامبر خدا ﷺ - به معاذ، آن گاه که او را به یمن می فرستاد - : آنان را به زهد به دنیا، رغبت به آخرت و پرداختن به محاسبه نفس، دعوت کن.

۸۶۹. مستدرک الوسائل: گفته شد: ای پیامبر خدا! برترین مؤمنان کیست؟
فرمود: «کسی که در دلش نسبت به مؤمن دیگر، ناخالصی و با حسادت نباشد».

گفته شد: سپس چه کسی؟

فرمود: «آن که به دنیا بی رغبت و به آخرت، راغب باشد».

۸۷۰. عیسیٰ ﷺ - به حواریان - : با وجود سلامت دیتان، به ناچیز دنیا رضایت دهید، چنان که دنیا پرستان با وجود سلامت دنیاشان، به اندک دینداری رضایت می دهند و با دوری گزیدن از دنیا پرستان، محبوب خداوند شوید و با ناخشنود کردن آنان، خدا را خشنود گردانید.

۸۷۱. عیسیٰ ﷺ: ای که دنیا را می طلبی تا نیکی کنی! ترک دنیا کردن، خود، نیک تر است.

۸۷۲. عیسیٰ ﷺ: وای بر شما، ای بندگان دنیا! پرستشگاه های پروردگارتان را زندان تن خویش گردانید و دل هایتان را خانه تقوا کنید و دل هایتان را مأوای هوس ها قرار ندهید.

۸۷۳. امام علی ﷺ: ای بندگان خدا! شما را به ترک این دنیایی سفارش می کنم که علی رغم میلтан، شما را ترک می گوید.

٨٧٤. عنه عليه السلام: قَطُّعُوا عِلَاقَةَ الدُّنْيَا، وَاسْتَظْهَرُوا بِزَادِ التَّقْوَى. ١
٨٧٥. عنه عليه السلام: رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً غَالَبَ الْهَوَى، وَأَفْلَتَ مِنْ حَبَائِلِ الدُّنْيَا. ٢
٨٧٦. عنه عليه السلام: رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً... رَاقِبَ رَبِّهٖ، وَتَنَكَّبَ ذَنْبَهُ، وَكَابَرَ هَوَاهُ، وَكَذَّبَ مُنَاهُ... عَزُوفاً ٣ عَنِ الدُّنْيَا سَامِماً، كَدُوحاً ٥ لِآخِرَتِهِ مُتَحَافِظاً. ٦
٨٧٧. عنه عليه السلام: أَفْضَلُ الْجِهَادِ جِهَادُ النَّفْسِ عَنِ الْهَوَى، وَفِطَامُهَا عَنِ لَذَاتِ الدُّنْيَا. ٧

٨٧٨. عنه عليه السلام: خَيْرُ النَّاسِ مَنْ زَهَدَتْ نَفْسُهُ، وَقَلَّتْ رَغْبَتُهُ. ٨
٨٧٩. عنه عليه السلام: أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ تَنَزَّهَتْ نَفْسُهُ، وَزَهَدَتْ عَنْ غُنْيَةٍ ٩. ١٠
٨٨٠. عنه عليه السلام: حُسْنُ الزُّهْدِ مِنْ أَفْضَلِ الْإِيمَانِ. ١١
٨٨١. عنه عليه السلام: لَا يَزْكُو ١٢ عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانُهُ إِلَّا عَقْلٌ عَارِفٌ، وَنَفْسٌ عَزُوفٌ. ١٣
٨٨٢. عنه عليه السلام: تَعَزَّرَ عَنِ الشَّيْءِ إِذَا مُنِعْتَهُ بِقَلْبِهِ مَا يَصْحَبُكَ إِذَا أُوْتِيَتْهُ. ١٤

١. نهج البلاغة: الخطبة ٢٠٤، غرر الحكم: ح ٢٨٢٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٣٠ ح ٢٩٤٦ كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٣٤ ح ١٣٨.
٢. غرر الحكم: ح ٥٢١٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٤١ ح ٢٧٦٧.
٣. تَنَكَّبَ ذَنْبَهُ: أَي تَجَنَّبَهُ (مرآة العقول: ج ٢٦ ص ٥٠).
٤. عَزَفَتْ نَفْسِي عَنِ الشَّيْءِ تَعَزَّفُ عَزُوفاً: أَي زَهَدَتْ فِيهِ وَانصرفت عنه (الصحاح: ج ٤ ص ١٤٠٣ «عزف»).
٥. الْكَدْحُ: السَّعْيُ وَالْحِرْصُ وَالْعَمَلُ (النهاية: ج ٤ ص ١٥٥ «كدح»).
٦. الكافي: ج ٨ ص ١٧٢ ح ١٩٣ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام، تحف العقول: ص ٢٠٨ نحوه.
٧. غرر الحكم: ح ٣٢٣٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٢٢ ح ٢٧٨٣.
٨. غرر الحكم: ح ٥٠٣١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٣٩ ح ٢٥٢٣.
٩. يُقَالُ: غَنِيْتُ بِكَذَا عَنْ غَيْرِهِ: إِذَا اسْتَفْنَيْتَ بِهِ، وَالْأَسْمُ الْغُنْيَةُ، فَأَنَا غَنِيٌّ (المصباح المنير: ص ٤٥٥ «غنى»).
١٠. غرر الحكم: ح ٣١٠٣، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٢١ ح ٢٧٥٠ نحوه.
١١. غرر الحكم: ح ٤٨٣٩.
١٢. الزُّكَاةُ: النَّمَاءُ وَالزِّيَادَةُ (المصباح المنير: ص ٢٥٤ «زكا»).
١٣. غرر الحكم: ح ١٠٨٨٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٤٤ ح ١٠١٠١.
١٤. غرر الحكم: ح ٢٥٥٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٠٠ ح ٤٠٢٢.

۸۷۴. امام علی علیه السلام: دل بستگی های خود به دنیا را قطع کنید و از توشه تقوا، کمک بگیرید.

۸۷۵. امام علی علیه السلام: رحمت خدا بر آن کس که بر هوس، چیره آمد و از دام های دنیا گریخت!

۸۷۶. امام علی علیه السلام: رحمت خدا بر آن کس که... پروردگارش را پیوسته در نظر گرفت و از گناه، دوری کرد و با هوس خویش، در افتاد و آرزو را دروغ شمرد... از دنیا روی گردان و بیزار شد و برای آخرتش کوشید و طریق احتیاط و هشیاری را پیمود.

۸۷۷. امام علی علیه السلام: برترین جهاد، جهاد با هوای نفس و بازداشتن آن از لذت های دنیا است.

۸۷۸. امام علی علیه السلام: بهترین مردم، کسی است که نفّس زاهد (قانع) و خواستش اندک باشد.

۸۷۹. امام علی علیه السلام: برترین مردم، کسی است که جانش وارسته باشد و با وجود توانگری در دنیا، زهد بورزد.^۱

۸۸۰. امام علی علیه السلام: خوش زهدی، برترین درجه ایمان است.

۸۸۱. امام علی علیه السلام: نزد خداوند پاک، بالندگی نمی گیرد، مگر خرد شناسا و نفس روی گردان [از دنیا].

۸۸۲. امام علی علیه السلام: هرگاه چیزی [از دنیا] به تو داده نشد، خویشتن را به این دلداری ده که اگر به تو داده شود، مدّتی اندک با تو می ماند.

۱. آقا جمال خوانساری، مترجم و شارح غرر الحکم، برای این عبارت، چند وجه ذکر کرده است: ۱. به فقر بسازد و خواهش توانگری نداشته باشد. ۲. در دنیا از روی توانگری بی رغبت باشد؛ یعنی قناعت کند و خود را به آن، توانگر گرداند و به سبب آن، در دنیا بی رغبت شود. ۳. خود را از آن، با وجود قدرت بر سعی در آن، بی نیاز داند، نه این که در آن از راه عجز از سعی در آن بی رغبت باشد.

٨٨٣. عنه عليه السلام: إِنَّكَ لَمْ تُخْلَقْ لِلدُّنْيَا؛ فَازْهَدْ فِيهَا وَأَعْرِضْ عَنْهَا.^١
٨٨٤. عنه عليه السلام: اِزْهَدْ فِي الدُّنْيَا وَأَعْرِضْ عَنْهَا.^٢
٨٨٥. عنه عليه السلام: لَيْتُكَ زُهْدُكَ فِيمَا يَنْفَدُ وَيَزُولُ، فَإِنَّهُ لَا يَبْقَى لَكَ وَلَا تَبْقَى لَهُ.^٣
٨٨٦. عنه عليه السلام: يَا أَيُّهَا النَّاسُ، ازْهَدُوا فِي الدُّنْيَا؛ فَإِنَّ عَيْشَهَا قَصِيرٌ، وَخَيْرُهَا يَسِيرٌ.^٤
٨٨٧. عنه عليه السلام: إِنْ كُنْتُمْ فِي الْبَقَاءِ رَاغِبِينَ، فَازْهَدُوا فِي عَالَمِ الْفَنَاءِ.^٥
٨٨٨. عنه عليه السلام - فِي وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ الْحَسَنِ عليه السلام - : أَوْصِيكَ يَا بُنَيَّ بِالصَّلَاةِ عِنْدَ وَقْتِهَا... وَالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا، فَإِنَّكَ زَهْنٌ مَوْتٍ، وَغَرَضٌ^٦ بَلَاءٍ، وَطَرِيحُ^٧ سُقْمٍ.
٨٨٩. الإمام الحسن عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ بَلَاءٍ وَفِتْنَةٍ، وَكُلُّ مَا فِيهَا إِلَى زَوَالٍ، وَقَدْ تَبَيَّنَا اللَّهُ عَنْهَا كَيْمَا نَعْتَبِرُ، فَقَدَّمْ إِلَيْنَا بِالْوَعِيدِ كَيْ لَا يَكُونَ لَنَا حُجَّةٌ بَعْدَ الْإِنْذَارِ، فَازْهَدُوا فِيمَا يَفْنَى، وَارْغَبُوا فِيمَا يَبْقَى.^٨
٨٩٠. الإمام زين العابدين عليه السلام - مِمَّا كَانَ يَعْظُمُ بِهِ النَّاسَ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ - : اِزْهَدُوا فِيمَا زَهَّدَكُمُ اللَّهُ ﷻ فِيهِ مِنْ عَاجِلِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا.^٩

١. عيون الحكم والمواعظ: ص ١٧١ ح ٣٥٧٠، غرر الحكم: ح ٣٨١١.

٢. غرر الحكم: ح ٢٣٩٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٨٥ ح ٢٠٤٩.

٣. غرر الحكم: ح ٧٣٨٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٠٥ ح ٦٨٥٨.

٤. غرر الحكم: ح ١١٠٠١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٥٦ ح ١٠٢٤٣.

٥. غرر الحكم: ح ٣٧٤٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٦٢ ح ٣٤٧٣.

٦. الْقَرَضُ: الْهَدَفُ الَّذِي يُرْمَى فِيهِ (الصَّحَاحُ: ج ٣ ص ١٠٩٣ «غرض»).

٧. الْأَمَالِيُّ لِلْمَغِيد: ص ٢٢١ ح ١، الْأَمَالِيُّ لِلطُّوسِي: ص ٧ ح ٨ نحوه وكلاهما عن الفجيع العقيلي عن الإمام الحسن عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٦ ص ١٣٢ ح ٢٩.

٨. التوحيد: ص ٣٧٨ ح ٢٤ عن عبد الرحمن بن جندب عن أبيه وغيره وراجع المناقب لابن شهر آشوب: ج ٤ ص ٣١.

٩. الكافي: ج ٨ ص ٧٥ ح ٢٩، الْأَمَالِيُّ لِلصَّدُوقِ: ص ٥٩٦ ح ٨٢٢ كلاهما عن سعيد بن المسيّب، تحف العقول: ص ٢٥٢، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٤٥ ح ٦.

۸۸۳. امام علی علیه السلام: تو هرگز برای دنیا آفریده نشده‌ای. پس دل از دنیا برگن و از آن، روی بگردان.

۸۸۴. امام علی علیه السلام: دل از دنیا برگن و بدان، پشت کن.

۸۸۵. امام علی علیه السلام: به آنچه که تمام شدنی و زوال پذیر است، زهد بورز؛ چرا که نه آن برای تو می ماند و نه تو برایش می مانی.

۸۸۶. امام علی علیه السلام: ای مردم! به دنیا زهد ورزید؛ زیرا که زندگی آن، کوتاه و خیرش اندک است.

۸۸۷. امام علی علیه السلام: اگر خواهان جهان باقی هستید، پس به جهان فانی زهد بورزید.

۸۸۸. امام علی علیه السلام - در سفارش به فرزندش حسن علیه السلام - : فرزندم! تو را به خواندن نماز در وقتش... و زهد (بی اعتنائی) به دنیا سفارش می کنم؛ چرا که تو گروگان مرگ، آماج رنج (بلا)، و دست خوش بیماری هستی.

۸۸۹. امام حسن علیه السلام: دنیا، سرای رنج و گرفتاری است و هر آنچه در آن است، رو به نیستی است. خداوند، ما را از [احوال] دنیا آگاه ساخته است تا درس عبرت بیاموزیم. ما را پیشاپیش بیم داده است تا بعد از هشدار، دیگر عذر و بهانه‌ای نداشته باشیم. پس به آنچه فنا می پذیرد (یعنی دنیا) زهد بورزید و آنچه را ماندگار است، بخواهید.

۸۹۰. امام زین العابدین علیه السلام - از اندرزهای ایشان به مردم در مسجد پیامبر خدا - : از این زندگی کنونی دنیا که خداوند تعالی شما را به زهد در آن ترغیب کرده است، دل برگنید.

٨٠ دنيا وآخرت از نگاه قرآن و حدیث / ج ٢

٨٩١. عنه عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ ارْتَحَلَتْ مُدِيرَةً، وَإِنَّ الْآخِرَةَ قَدْ ارْتَحَلَتْ مُقْبِلَةً، وَلِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهَا بَنُونَ، فَكُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الْآخِرَةِ وَلَا تَكُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الدُّنْيَا، أَلَا وَكُونُوا مِنَ الزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا الزَّاعِغِينَ فِي الْآخِرَةِ.^١

٨٩٢. الكافي عن علي بن أسباط عنهم عليه السلام: فِيمَا وَعَظَ اللَّهُ ﷻ بِهِ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... يَا عِيسَى، ازْهَدْ فِي الْفَانِي الْمُنْقَطِعِ.^٢

٨٩٣. الاختصاص عن صفوان الجمال: قَالَ لِي [الصَّادِقُ عليه السلام]: يَا صَفْوَانُ، هَلْ تَدْرِي كَمْ بَعَثَ اللَّهُ مِنْ نَبِيِّ؟ قُلْتُ: مَا أَدْرِي، قَالَ: بَعَثَ اللَّهُ مِثَّةَ أَلْفِ نَبِيٍّ وَأَرْبَعَةَ وَأَرْبَعِينَ أَلْفَ نَبِيٍّ، وَمِثْلَهُمْ أَوْصِيَاءَ، بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ وَالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا.^٣



أ - أَجَلُ مَا يُعْهَدُ

٨٩٤. الإمام علي عليه السلام: الزُّهْدُ أَقَلُّ مَا يَوْجَدُ وَأَجَلُّ مَا يُعْهَدُ، وَيَمْدَحُهُ الْكُلُّ وَيَتْرُكُهُ الْجُلُّ.^٤

١. الكافي: ج ٢ ص ١٣١ ح ١٥ عن أبي حمزة عن الإمام الباقر عليه السلام، تحف العقول: ص ٢٨١، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام: ص ٢٧٠ عن العالم عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٤٣ ح ١٨؛ صحيح البخاري: ج ٥ ص ٢٣٥٩، كنز العمال: ج ٣ ص ٧١٩ ح ٨٥٦٥ كلاهما عن الإمام علي عليه السلام نحوه وراجع الاختصاص: ص ٥١ ح ٦٢ والأُمالي للمفيد: ص ٩٣ ح ١.

٢. الكافي: ج ٨ ص ١٣١ - ص ١٣٤ ح ١٠٣، الأُمالي للصدوق: ص ٦٠٩ ح ٨٤١ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٢٩٢ ح ١٤.

٣. الاختصاص: ص ٢٦٣، بحار الأنوار: ج ١١ ص ٥٩ ح ٦٧.

٤. جُلُّ الشَّيْءِ: مُعْظَمُهُ (الصَّحاح: ج ٤ ص ١٦٥٨ «جلل»).

٥. غرر الحكم: ح ٢٠٢١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٦٢ ح ١٦٠٣.

۸۹۱. امام زین العابدین علیه السلام: دنیا کوچ کرده است و می رود و آخرت، کوچ کنان می آید، و برای هریک از آن دو، فرزندانی است. پس، از فرزندان آخرت باشید و از فرزندان دنیا نباشید. هان! از دنیا گریزانِ آخرت خواه باشید.

۸۹۲. الکافی - به نقل از علی بن اسباط، از امامان علیهم السلام - : از اندرزهای خداوند جل جلاله به عیسی علیه السلام : ... ای عیسی! دل از این دنیای فانی و تمام شدنی بر کن.

۸۹۳. الاختصاص - به نقل از صفوان جمال - : [امام صادق علیه السلام] به من فرمود: «ای صفوان! آیا می دانی خداوند چند پیامبر مبعوث کرده است؟».

گفتم: نمی دانم.

فرمود: «خداوند، ۱۴۴ هزار پیامبر، و به همین اندازه، وصی برای [دعوت به] راستگویی و امانتداری و زهد به دنیا برانگیخت».



الف - ارزشمندترین سفارش

۸۹۴. امام علی علیه السلام: زهد، کمترین چیزی است که یافت می شود و ارزشمندترین چیزی است که سفارش می شود. همگان، آن را می ستایند اما بیشتر مردم به آن عمل نمی کنند.

ب - أصل الدين و عونه

- ٨٩٥ . الإمام علي عليه السلام: الزُّهْدُ أصلُ الدين^١.
 ٨٩٦ . عنه عليه السلام: سِتُّ مِنْ قَوَاعِدِ الدِّينِ ... وَالزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا^٢.
 ٨٩٧ . عنه عليه السلام: الزُّهْدُ أَساسُ الْيَقِينِ^٣.
 ٨٩٨ . عنه عليه السلام: عَلَيْكَ بِالزُّهْدِ فَإِنَّهُ عَوْنُ الدِّينِ^٤.

ج - أَشَدُّ مِنَ الْجِهَادِ

- ٨٩٩ . رسول الله صلى الله عليه وآله: تَرَكُ الدُّنْيَا أَمْرٌ مِنَ الصَّبْرِ، وَأَشَدُّ مِنْ حَطْمِ السُّيُوفِ فِي سَبِيلِ
 اللَّهِ ﷻ^٥.

- ٩٠٠ . الإمام علي عليه السلام - فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ -: الْفِطَامُ عَنِ الْحُطَامِ^٦ شَدِيدٌ^٧.

د - أَفْضَلُ عِبَادَةِ

- ٩٠١ . رسول الله صلى الله عليه وآله: مَا يُعْبَدُ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِثْلِ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا^٨.
 ٩٠٢ . الإمام علي عليه السلام: أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الزَّهَادَةُ^٩.

١ . غرر الحكم: ح ٤٨٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٥ ح ٤٩١.
 ٢ . غرر الحكم: ح ٥٤٣٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٨٧ ح ٥١٨٣.
 ٣ . غرر الحكم: ح ٥١٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٥ ح ٢٧٩.
 ٤ . غرر الحكم: ح ٦٠٩٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٣٥ ح ٥٧٤٢.
 ٥ . الفردوس: ج ٢ ص ٧٠ ح ٢٣٩٥ عن ابن مسعود، كنز العمال: ج ٣ ص ١٩٢ ح ٦١١٣.
 ٦ . حُطَامُ الدُّنْيَا: كُلُّ مَا فِيهَا مِنْ مَالٍ يَفْنَى وَلَا يَبْقَى (لسان العرب: ج ١٢ ص ١٣٨ «حطم».)
 ٧ . شرح نهج البلاغة: ج ٢٠ ص ٢٩٣ ح ٣٥١.
 ٨ . عذة الداعي: ص ١١١، التحصين لابن فهد: ص ٢٧ ح ٤٤ وفيه «تُعْبَدُ» بدل «يُعْبَدُ»، إرشاد القلوب:
 ص ١٥٨، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٢٢٢ ح ٣٨.
 ٩ . غرر الحكم: ح ٢٨٧٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ١١٣ ح ٢٤٦٧.

ب - ریشه دین و کمک آن

- ۸۹۵ . امام علی علیه السلام: زهد، ریشه دین است.
- ۸۹۶ . امام علی علیه السلام: شش چیز از پایه های دین است: ... و زهد به دنیا.
- ۸۹۷ . امام علی علیه السلام: زهد، پایه یقین است.
- ۸۹۸ . امام علی علیه السلام: بر تو باد زهد؛ زیرا که آن، کمک دین است.

ج - سخت تر از جهاد

- ۸۹۹ . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ترک دنیا کردن، از صبر زرد، تلخ تر و از در هم شکستن شمشیرها در راه خدا سخت تر است.
- ۹۰۰ . امام علی علیه السلام - در حکمت های منسوب به ایشان - : خودداری از حطام دنیا، سخت است.



مرکز تحقیقات کلامی و فلسفی اسلامی

د - برترین عبادت

- ۹۰۱ . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند به چیزی چون زهد به دنیا عبادت نشود.
- ۹۰۲ . امام علی علیه السلام: برترین عبادت، زهد است.

٩٠٣. عنه عليه السلام: أَفْضَلُ الطَّاعَاتِ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا.^١

هـ- أَحْسَنُ زِينَةٍ

٩٠٤. رسول الله صلى الله عليه وآله - فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَأَتَيْنَهُ الْكُفْمُ صَبِيحًا﴾^٢ -: يَعْنِي الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا.
وَقَالَ تَعَالَى لِمُوسَى عليه السلام: يَا مُوسَى، إِنَّهُ لَنْ يَتَزَيَّنَ الْمُتَزَيِّنُونَ بِزِينَةٍ أَزِينَ فِي عَيْنِي
مِنَ الزُّهْدِ.^٣

٩٠٥. عنه عليه السلام: مَا زَانَ اللَّهُ الْعِبَادَ بِزِينَةٍ أَفْضَلَ مِنْ زَهَادَةِ الدُّنْيَا، وَعَفَافٍ فِي بَطْنِهِ
وَفَرَجِهِ.^٤

٩٠٦. عنه عليه السلام: مَا تَزَيَّنَ الْأَبْرَارُ فِي الدُّنْيَا بِمِثْلِ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا.^٥

٩٠٧. الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ فِيمَا نَاجَى اللَّهُ بِهِ مُوسَى عليه السلام: ... مَا تَزَيَّنَ لِي الْمُتَزَيِّنُونَ بِمِثْلِ
الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا عَمَّا بِهِمُ الْغِنَى مِنْهُ.^٦

٩٠٨. الزهد عن وهب بن منبه - فِي حَدِيثِ مُوسَى عليه السلام -: فَقَالَ لَهُ اللَّهُ صلى الله عليه وآله: ... إِعْلَمْ أَنَّهُ لَمْ
يَتَزَيَّنْ لِي الْعِبَادُ بِزِينَةٍ هِيَ أَبْلَغُ مِنَ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا، فَإِنَّهَا زِينَةُ الْمُتَّقِينَ.^٧

راجع: ص ٢٣٠ ح ١١٨٣.

موسوعة الإمام علي بن أبي طالب عليه السلام: القسم العاشر / الفصل الثاني / زينة الزهد.

١. غرر الحكم: ح ٢٩٩٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ١١٨ ح ٢٦٦٠.

٢. مريم: ١٢.

٣. مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٢٤٠ ح ٢٦٦٠ عن عبدالله بن مسعود، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٩٤ ح ١.

٤. حلية الأولياء: ج ٨ ص ١٧٧ عن عبدالله بن عمر، كنز العمال: ج ٣ ص ١٩٦ ح ٦١٤٠.

٥. مسند أبي يعلى: ج ٢ ص ٢٦٥ ح ١٦١٤، الفردوس: ج ٤ ص ١٠٥ ح ٦٣٣٢ كلاهما عن عمار.

٦. ثواب الأعمال: ص ٢٠٦ عن الوصافي، بحار الأنوار: ج ١٢ ص ٢٤٩ ح ٢٧ و ج ٧٠ ص ٣١٢ ح ٧ وراجع المعجم

الكبير: ج ١٢ ص ٩٤ ح ١٢٦٥٠ والمعجم الأوسط: ج ٤ ص ١٨٨ ح ٣٩٢٧ وشعب الإيمان: ج ٧ ص ٢٤٥

ح ١٠٥٢٧ وكنز العمال: ج ٣ ص ٧٢٣ ح ٨٥٧٨.

٧. الزهد لابن حنبل: ص ٨٣، عيون الأخبار لابن قتيبة: ج ٢ ص ٢٦٦ نحوه وراجع كنز العمال: ج ١١ ص ٦٢٦

ح ٢٣٠٥٣ وبحار الأنوار: ج ٤٠ ص ٧٨ ح ١١٣.

۹۰۳. امام علی علیه السلام: برترین طاعت‌ها زهد به دنیا است.

هـ- زیباترین زیور

۹۰۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - درباره این سخن خداوند متعال که: ﴿و در کودکی به او دانایی دادیم﴾ - : یعنی زهد به دنیا. خدای متعال به موسی علیه السلام فرمود: «ای موسی! خود آرایان، هرگز نمی‌توانند خویشتن را به زیوری که در چشم من زیباتر از زهد باشد، بیارایند».

۹۰۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، بندگان را به زیوری برتر از زهد به دنیا و عفت شکم و شهوت نیازاست.

۹۰۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نیکان، در دنیا خود را به چیزی چون زهد به دنیا نیازاستند.

۹۰۷. امام باقر علیه السلام: از جمله مناجات‌های خدا با موسی علیه السلام این بود که: «... خود آرایان، خویشتن را به چیزی مانند زهد به دنیا و چشم پوشیدن از آنچه بدان نیازی ندارند، نیازاستند».

۹۰۸. الزهد - به نقل از وهب بن منبه، در حدیث موسی علیه السلام - : خداوند تعالی به او فرمود: ... بدان که بندگان، خود را برای من به زیوری رساناتر از زهد به دنیا نیازاستند؛ چرا که این زیور، زیور تقوایندگان است.

و.ک: ص ۲۳۱ ح ۱۱۸۳.

دانش‌نامه امیر المؤمنین علیه السلام: بخش دهم / فصل دوم / زیور زهد.

و - زَيْنُ الْحِكْمَةِ

٩٠٩ . الإمام علي عليه السلام: زَيْنُ الْحِكْمَةِ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا. ١.

ز - رَأْسُ السَّخَاءِ

٩١٠ . الإمام علي عليه السلام: رَأْسُ السَّخَاءِ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا. ٢.

ح - مَتَجَرُّ رَابِعٍ

٩١١ . الإمام علي عليه السلام: الزُّهْدُ مَتَجَرُّ رَابِعٍ. ٢.

٩١٢ . عنه عليه السلام: الزُّهْدُ ثَرَوَةٌ. ٤.

٩١٣ . الإمام الحسن عليه السلام: الزَّهَادَةُ فِي الدُّنْيَا هِيَ الْغَنِيمَةُ الْبَارِدَةُ. ٥.

ط - مِفْتَاحُ الْخَيْرِ

مركز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

٩١٤ . الإمام علي عليه السلام: الزُّهْدُ مِفْتَاحُ صَلَاحٍ. ٤.

٩١٥ . الإمام الصادق عليه السلام: جُعِلَ الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي بَيْتٍ وَجُعِلَ مِفْتَاحُهُ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا. ٧.

-
- ١ . غرر الحكم: ح ٥٤٧٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٧٦ ح ٥٠٢٢.
 - ٢ . غرر الحكم: ح ٥٢٥١.
 - ٣ . غرر الحكم: ح ٥٥٠ و ح ٨٧٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٣ ح ١٩٩.
 - ٤ . غرر الحكم: ح ١٤١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٨ ح ٨٠٢.
 - ٥ . المعجم الكبير: ج ٣ ص ٦٩ ح ٢٤٨٨، تاريخ دمشق: ج ١٣ ص ٢٥٦ كلاهما عن الحارث الأعور، كنز العمال: ج ١٦ ص ٢١٥ ح ٤٤٢٣٧: العدد القوية: ص ٥٣ ح ٦٤.
 - ٦ . غرر الحكم: ح ٧٤٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٠ ح ٤٩٠.
 - ٧ . الكافي: ج ٢ ص ١٢٨ ح ٢ عن حفص بن غياث، مشكاة الأنوار: ص ٤٦٢ ح ١٥٤٠، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٤٩ ح ٢٠.

و - جمال و زیبایی حکمت

۹۰۹. امام علی علیه السلام: زیبایی حکمت، در زهد به دنیا است.

ز - اوج سخاوت

۹۱۰. امام علی علیه السلام: گذشتن از دنیا، اوج سخاوت است.

ح - سودایی سودآور

۹۱۱. امام علی علیه السلام: زهد، سودایی سودآور است.

۹۱۲. امام علی علیه السلام: زهد، یک ثروت است.

۹۱۳. امام حسن علیه السلام: زهد به دنیا، غنیمتی باد آورده است.^۱

ط - کلید خوبی ها

۹۱۴. امام علی علیه السلام: زهد، کلید خوبی و پاکی است.

۹۱۵. امام صادق علیه السلام: همه خوبی ها در یک اتاق نهاده شده و کلید آن، زهد به دنیا قرار

داده شده است.

۱. غنیمۃ الباردة: غنیمتی است که بدون جنگ به دست آید [فطر المحيط] اقرب الموارد.

٩١٦ . الكافي عن عبد الله بن القاسم عن الإمام الصادق عليه السلام: إذا أراد الله بعبد خيراً زهّده في الدنيا، وفقّهه في الدين، وبصّره عيوبها، ومن أوتيتهنّ فقد أوتي خير الدنيا والآخرة.

وقال: لم يطلب أحد الحقّ بباب أفضل من الزهد في الدنيا، وهو ضدّ لما طلب أعداء الحقّ. قلت: جعلت فداك ممّاذا؟ قال: من الرّغبة فيها. وقال: ألا من صَبَّارٍ كريمٍ^١، فإنّما هي أيّامٌ قلائِلٌ؟!^٢

٩١٧ . مصباح الشريعة - فيما نسبته إلى الإمام الصادق عليه السلام -: الزّهد مفتاح باب الآخرة والبراءة من النار.^٣



ی - شیمّة المتّقين

٩١٨ . الإمام علي عليه السلام: الزّهد شيمّة المتّقين، وسجّية الأوّابين^٤.

٩١٩ . عنه عليه السلام: المؤمن دأبه زهاده^٥.

١ . قوله: «مّمّاذا» أي لأيّ علّة صار ضدّ الحقّ مطلوبهم... وقيل: أي ممّاذا طلب أعداء الحقّ مطلوبهم. والهمزة في «ألا» للاستفهام و«لا» للنفي، و«من» زائدة لعموم النفي، والمعنى: ألا يوجد صَبَّارٌ كريم النفس يصبر عن الدنيا وعلى فقرها وشدّتها ويزهد فيها؟! (مرآة العقول: ج ٨ ص ٢٧٦).

٢ . الكافي: ج ٢ ص ١٣٠ ح ١٠، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٩٢، مشكاة الأنوار: ص ٢٠٦ ح ٥٥٦ و ٥٥٧، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٥٥ ح ٢٨.

٣ . مصباح الشريعة: ص ١٩١، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٣١٥ ح ٢٠.

٤ . الأوّابون: جمع أوّاب؛ وهو الكثير الرجوع إلى الله تعالى بالتوبة، وقيل: هو المطيع (النهاية: ج ١ ص ٧٩ «أوب»).

٥ . غرر الحكم: ح ١٧١٣، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٢ ح ١٣٢٣.

٦ . غرر الحكم: ح ٢١٠٣.

۹۱۶. **الكافی** - به نقل از عبد الله بن قاسم - امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه خداوند برای بنده‌ای خیری بخواهد، او را به دنیا بی‌رغبت می‌گرداند، در دین آگاه و دانایش می‌کند و به عیب‌های دنیا بینایش می‌سازد. به هرکس این چیزها داده شود، خیر دنیا و آخرت داده شده است».

و فرمود: «هیچ کس، حق را از راهی بهتر از زهد به دنیا نجسته است و آن [زهد] ضدّ مطلوب دشمنان حقّ است».

گفتم: فدایت شوم! مطلوبشان چیست؟

فرمود: «دنیاخواهی».^۱

و فرمود: «آیا شکیبای بزرگ منشی نیست؟! زیرا دنیا چند روزی اندک بیش نیست».

۹۱۷. **مصباح الشریعة** - در آنچه به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده - : زهد، کلید درِ آخرت (بهشت)، و رهایی از آتش است.

ی - خوی پرهیزگاران

۹۱۸. امام علی علیه السلام: زهد، خوی پرهیزگاران و خصلت توبه‌کاران است.

۹۱۹. امام علی علیه السلام: مؤمن، پیشه‌اش زهد است.

۱. یا: «و آن [حقّ] ضدّ مطلوب دشمنان حقّ است». گفتم: ... از چه رو با حق دشمنی می‌کنند؟ فرمود: «به خاطر دنیاخواهی».

ك - سَجِيَّةُ الْمُخْلِصِينَ

٩٢٠ . الإمام علي عليه السلام: الزُّهْدُ سَجِيَّةُ الْمُخْلِصِينَ.^١

٣/٢

قِمَمَةُ الزَّاهِدِ

٩٢١ . رسول الله صلى الله عليه وآله: أَعْظَمُ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا خَطَرًا^٢ مَنْ لَمْ يَجْعَلْ لِلدُّنْيَا عِنْدَهُ خَطَرًا.^٣

٩٢٢ . نَوَادِرُ الْأَصُولِ عَنْ أَنَسٍ: بَيْنَمَا نَحْنُ جُلُوسٌ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَقَالَ: يَطْلُعُ عَلَيْكُمْ الْآنَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ. فَأُطْلِعَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ تَنْطِفُ^٤ لِسَحِيَّتِهِ مِنْ مَاءٍ وَضَوِيهِ، مُعَلَّقٌ نَعْلُهُ فِي يَدِهِ الشَّمَالِ.

فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْغَدِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: يَطْلُعُ عَلَيْكُمْ الْآنَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ. فَأُطْلِعَ ذَلِكَ الرَّجُلُ عَلَى مِثْلِ مَرْتَبَتِهِ الْأُولَى.

فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْغَدِ قَالَ صلى الله عليه وآله مِثْلَ ذَلِكَ، فَأُطْلِعَ الرَّجُلُ، فَلَمَّا قَامَ اتَّبَعَهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ، فَقَالَ: إِنِّي لَأَحْيَتْ^٥ أَبِي فَأَقْسَمْتُ أَلَّا أُدْخَلَ عَلَيْهِ ثَلَاثًا، فَإِنْ رَأَيْتَ أَنْ تُؤْوِيَنِي إِلَيْكَ حَتَّى يَحِلَّ يَمِينِي فَعَلْتُ، قَالَ: نَعَمْ.

١ . غرر الحكم: ج ٦٦٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٤ ج ٢٤٤.

٢ . الخطر: ارتفاع القدر والمال والشرف والمنزلة (لسان العرب: ج ٤ ص ٢٥١ «خطر»).

٣ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٩٥ ح ٥٨٤٠، الأمالي للصدوق: ص ٧٣ ح ٤١ كلاهما عن يونس بن ظبيان عن الإمام الصادق عن آبائه عليه السلام، معاني الأخبار: ص ١٩٥ ح ١ عن أبي حمزة الثمالي عن الإمام الصادق عن آبائه عليه السلام، كنز الفوائد: ج ١ ص ٣٠٠ عن الإمام الصادق عن آبائه عليه السلام، أعلام الدين: ص ٣٢٢، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٨٨ ح ٥٥.

٤ . التَّنْطِفُ: التَّقَطُّرُ. وَتَنْطَفَ الْمَاءُ وَتَنْطَفَ الْحَبُّ وَالْكُوزُ وَغَيْرُهُمَا يَنْطِفُ وَيَنْطَفُ: قَطَرٌ (لسان العرب: ج ٩ ص ٣٢٦ «نطف»).

٥ . لَأَحْيَيْتُ الرَّجُلَ: إِذَا نَازَعْتَهُ (الصحاح: ج ٦ ص ٢٤٨١ «لحي»).

ک - خصلت بندگان ناب الهی

۹۲۰. امام علی علیه السلام: زهد، خصلت بندگان ناب است.

۳/۲ ارزش زاهد

۹۲۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پُر ارج ترین مردم در دنیا، کسی است که به دنیا ارج ننهد.

۹۲۲. نوادر الاصول: به نقل از آنس: نزد پیامبر خدا نشسته بودیم که ناگاه فرمود: «هم اینک، مردی از اهل بهشت بر شما در می آید. در این هنگام، مردی از انصار - که آب وضو از ریشش می چکید و کفش خود را در دست چپش گرفته بود - وارد شد.

فردای آن روز، باز پیامبر خدا فرمود: «هم اینک، مردی از اهل بهشت بر شما در می آید» و باز، همان مرد با همان وضع، وارد شد.

فردای آن روز نیز پیامبر صلی الله علیه و آله همان سخن را فرمود و باز، همان مرد، وارد شد. چون برخاست و رفت، عبد الله بن عمرو بن عاص، در پی او روان شد و [به وی] گفت: من با پدرم مشاجره کرده ام و سوگند خورده ام که تا سه روز، نزد او نروم. بنا بر این، اگر صلاح می دانی، مرا نزد خود، جای ده تا به سوگندم عمل کنم. مرد گفت: باشد.

با او رفتم. دیدم خیمه ای و نخلی و گوسفندی دارد. شب که شد، از خیمه اش خارج شد و بز خود را دوشید و خرمایی چید و آنها را نزد من نهاد

فَإِذَا لَهُ خَيْمَةٌ، وَنَخْلٌ، وَشَاةٌ، فَلَمَّا أَمْسَى خَرَجَ مِنْ خَيْمَتِهِ، فَاحْتَلَبَ الْعَنَزَ، وَاجْتَنَى لِي رُطْبَةً، ثُمَّ وَضَعَهُ فَأَكَلْتُ، فَبَاتَ نَائِمًا وَبِثُّ قَائِمًا، وَأَصْبَحَ مُفْطِرًا وَأَصْبَحْتُ صَائِمًا، فَفَعَلَ ذَلِكَ ثَلَاثَ لَيَالٍ، غَيْرَ أَنَّهُ كَانَ إِذَا انْقَلَبَ عَلَى فِرَاشِهِ ذَكَرَ اللَّهَ تَعَالَى وَكَبَّرَ حَتَّى يَقُومَ لِصَلَاةِ الْفَجْرِ، فَيُسَبِّحُ الْوُضُوءَ، غَيْرَ أَنِّي لَا أَسْمَعُهُ يَقُولُ إِلَّا خَيْرًا.

فَلَمَّا مَضَتْ اللَّيَالِي، وَكِدْتُ أَحْقِرُ عَمَلَهُ، قُلْتُ: يَا عَبْدَ اللَّهِ، إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ بَيْنِي وَبَيْنَ وَالِدِي غَضَبٌ وَلَا هِجْرَةٌ، وَلَكِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ لَكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فِي ثَلَاثِ مَجَالِسٍ: «يَطْلُعُ عَلَيْكُمُ الْآنَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ» فَطَلَعْتُ أَنْتَ تِلْكَ الْمَرَّاتِ الثَّلَاثَ، فَأَرَدْتُ أَنْ آوِيَ إِلَيْكَ فَأَنْظُرَ مَا عَمَلُكَ، فَأَخْبِرَنِي مَا عَمَلُكَ؟! 

قَالَ: فَأَتِ الَّذِي أَخْبَرَكَ حَتَّى يُخْبِرَكَ بِعَمَلِي.
فَأَتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: إِيَّتِهِ فَمَرُهُ فَلِيُخْبِرَكَ.

فَقُلْتُ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَأْمُرُكَ أَنْ تُخْبِرَنِي.

قَالَ: أَمَّا الْآنَ فَنَعَمْ، لَوْ كَانَتْ الدُّنْيَا لِي فَأَخَذْتُ مِنْهَا لَمْ أَحْزَنْ عَلَيْهَا، وَلَوْ أُعْطِيْتُهَا لَمْ أَفْرَحَ بِهَا، وَأَبَيْتُ وَلَيْسَ عَلَيَّ أَحَدٌ فِي قَلْبِي غِلٌّ، وَلَا أَحْسَدُهُ عَلَى خَيْرٍ أَعْطَاهُ اللَّهُ إِيَّاهُ.

قَالَ عَبْدُ اللَّهِ: لَكِنِّي وَاللَّهِ أَقُومُ اللَّيْلَ، وَأَصُومُ النَّهَارَ، وَلَوْ وَهَبَتْ لِي شَاةٌ لَفَرَحْتُ بِهَا، وَلَوْ ذَهَبَتْ لَحَزِنْتُ عَلَيْهَا، وَاللَّهِ لَقَدْ فَضَّلَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا فَضْلًا بَيِّنًا.^١

١. نوادر الأصول: ج ١ ص ٣٨٥، الدر المنثور: ج ٨ ص ١١٤، وأيضاً بسند آخر عن عبد العزيز بن أبي رواد نحوه.

و من خوردم و او خودش بی شام خفت و من شب را به نماز و عبادت گذراندم. صبح که شد، او صبحانه خورد و من، روزه داشتم. سه شب به همین منوال گذشت و هرگاه در رخت خوابش از این پهلوی به آن پهلوی می شد، ذکر خدای متعال می گفت و تکبیر می گفت و صبح برای نماز، بیدار می شد و وضوی کامل می گرفت و من، جز سخن خیر از او نمی شنیدم.

چون چند شب گذشت و کار او در نظر من تقریباً ناچیز آمد، گفتم: ای بنده خدا! میان من و پدرم، نه مشاجره ای بوده و نه قهری؛ بلکه از پیامبر خدا، سه بار در سه مجلس شنیدم که فرمود: «هم اینک، مردی از اهل بهشت بر شما در می آید» و هر سه بار، تو وارد شدی. از این رو، خواستم [مرا به خانه ات ببری] تا عمل تو را ببینم. پس، به من بگو که تو چه عملی انجام می دهی [که اهل بهشت شده ای]؟

مرد گفت: به نزد همان کسی که به تو خبر داده، برو تا از عمل من به تو خبر دهد.

من نزد پیامبر خدا رفتم. ایشان فرمود: «نزد خود او برو و بگو باید حقیقت را به تو بگوید».

من نزد آن مرد رفتم و گفتم: پیامبر خدا به تو امر می کند که مرا خبر دهی. مرد گفت: حال که چنین است، می گویم. اگر دنیا از من باشد و از من گرفته شود، ناراحت نمی شوم و اگر دنیا به من داده شود، از آن شادمان نمی شوم. شب را در حالی می خوابم که از هیچ کس، کینه ای به دل ندارم، و بر نعمتی که خداوند به او داده است، حسادت نمی کنم.

عبدالله گفت: اما من، به خدا سوگند که شب ها را به عبادت می گذرانم، و روزها را روزه می گیرم؛ لیکن اگر گوسفندی به من ببخشند، خوش حال می شوم و اگر از دستم برود، ناراحت می شوم. به خدا سوگند که خداوند، تو را بر ما برتری آشکاری داده است.

٩٢٣ . الإمام علي عليه السلام: كَانَ لِي فِيْمَا مَضَى أَخٌ فِي اللَّهِ، وَكَانَ يُعْظِمُهُ فِي عَيْنِي صِغَرُ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ^١

٩٢٤ . تنبيه الخواطر: قِيلَ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام: مَنْ أَعْظَمُ النَّاسِ قَدْرًا؟ قَالَ: مَنْ لَمْ يُبَالِ الدُّنْيَا فِي يَدَي مَن كَانَتْ.^٢

٩٢٥ . الإمام علي عليه السلام - فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ - : الرَّاهِدُ فِي الدِّينَارِ وَالْدَّرْهَمِ أَعَزُّ مِنَ الدِّينَارِ وَالْدَّرْهَمِ.^٣

٩٢٦ . تاريخ دمشق عن سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ: قِيلَ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بن أبي طالب عليه السلام: مَنْ أَعْظَمُ النَّاسِ خَطَرًا؟ قَالَ: مَنْ لَمْ يَرْضَ الدُّنْيَا خَطَرًا لِنَفْسِهِ.^٤

٩٢٧ . الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي: مَنْ أَعْظَمُ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا قَدْرًا؟ فَقَالَ: مَنْ لَمْ يَجْعَلِ الدُّنْيَا لِنَفْسِهِ فِي نَفْسِهِ خَطَرًا.^٥

٩٢٨ . الإمام الكاظم عليه السلام: إِنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ قَدْرًا الَّذِي لَا يَرَى الدُّنْيَا لِنَفْسِهِ خَطَرًا.^٦

١ . نهج البلاغة: الحكمة ٢٨٩، غرر الحكم: ح ٧٢٦٤، تحف العقول: ص ٢٣٤ عن الإمام الحسين عليه السلام وفيه «كان من أعظم الناس في عيني، وكان رأس ما أعظم به في عيني صِغَرُ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ»، بحار الأنوار: ج ٦٧ ص ٣١٤ ح ٤٩.

٢ . تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢٩، جامع الأخبار: ص ٢٩٦ ح ٨٠٨، الدرّة الباهرة: ص ٢٨، أعلام الدين: ص ٣٠٢ والثلاثة الأخيرة عن الإمام الباقر عليه السلام، إرشاد القلوب: ص ٢٥ عن الإمام زين العابدين عليه السلام.

٣ . شرح نهج البلاغة: ج ٢٠ ص ٣٠١ ح ٤٣٦.

٤ . تاريخ دمشق: ج ٤١ ص ٤٠٨، البداية والنهاية: ج ٩ ص ١٠٥ وفيه «من لم ير الدنيا لنفسه قدرًا»؛ تحف العقول: ص ٢٧٨، نثر الدر: ج ١ ص ٣٣٩، نزهة الناظر: ص ٩٤ ح ٢٩ وفيها «لم ير» بدل «لم يرض»، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٣٥ ح ٣.

٥ . مستطرفات السرائر: ص ١٦٥ ح ١٠، الحكايات للمفيد: ص ٩٧ ح ١٠ عن يزيد بن خليفة وفيه «تجعل» بدل «يجعل»، كشف الغمة: ج ٢ ص ٣٦٣ عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه.

٦ . الكافي: ج ١ ص ١٩ ح ١٢ عن هشام بن الحكم، تحف العقول: ص ٣٨٩، الدرّة الباهرة: ص ٢٨ عن الإمام الباقر عليه السلام وفيه «قدرًا» بدل «خطرًا»، بحار الأنوار: ج ١ ص ١٤١ ح ٣٠.

۹۲۳. امام علی علیه السلام: در گذشته، برادری دینی داشتم که خُردی دنیا در نگاه او، وی را در نظرم بزرگ می نمود....

۹۲۴. تنبیه الخواطر: به حسین بن علی علیه السلام گفته شد: پُر ارج ترین مردم کیست؟
فرمود: «کسی که اهمّیت ندهد دنیا در دست کیست».

۹۲۵. امام علی علیه السلام: در حکمت های منسوب به ایشان - بی اعتنای به دینار و درهم، با ارزش تر از دینار و درهم است.

۹۲۶. تاریخ دمشق - به نقل از سفیان بن عُیینه - : به علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام گفته شد: مهم ترین مردم چه کسی است؟

فرمود: «کسی که دنیا در نظرش اهمّیتی نداشته باشد».

۹۲۷. امام صادق علیه السلام: مردی به پدرم گفت: پُر منزلت ترین مردم در دنیا، چه کسی است؟

فرمود: «کسی که دنیا در دل و دیده اش بی قدر و منزلت باشد».

۹۲۸. امام کاظم علیه السلام: با ارزش ترین مردم، کسی است که برای دنیا ارزشی قائل نباشد.

٩٢٩ . مُسْكَنُ الْفُؤَادِ: رُوِيَ أَنَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا مَاتَ عُثْمَانُ بْنُ مَظْعُونٍ كَشَفَ الثَّوبَ عَنْ وَجْهِهِ ، ثُمَّ قَبَّلَ مَا بَيْنَ عَيْنَيْهِ ، ثُمَّ بَكَى طَوِيلًا ، فَلَمَّا رُفِعَ السَّرِيرُ قَالَ : طُوبَاكَ يَا عُثْمَانُ لَمْ تَلْبَسَكَ الدُّنْيَا وَلَمْ تَلْبَسْهَا^١.

راجع: ص ٢٩٢ (خصائص أبناء الآخرة).

٢/٤

أَنْفَعُ الزُّهْدِ

٩٣٠ . رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الزُّهْدُ فِي زَمَانِنَا هَذَا فِي الدَّنَانِيرِ وَالْدَّرَاهِمِ ، وَلَيَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ الزُّهْدُ فِي النَّاسِ أَنْفَعُ لَهُمْ مِنَ الزُّهْدِ فِي الدَّنَانِيرِ وَالْدَّرَاهِمِ^٢.



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

١ . مُسْكَنُ الْفُؤَادِ: ص ٩٥ ، بحار الأنوار: ج ٨٢ ص ٩١ ح ٤٣ وراجع الفردوس: ج ٢ ص ٢٥١ ح ٣٩٤٥.

٢ . كنز العمال: ج ١١ ص ١٥٣ ح ٣١٠٠٢ نقلًا عن الديلمي عن ابن عباس.

۹۲۹. مسکن الفؤاد: روایت شده است که چون عثمان بن مظعون در گذشت، پیامبر خدا، پارچه را از روی او کنار زد و پیشانی اش را بوسید و آن گاه، لختی گریست و چون تابوت را برداشتند، فرمود: «خوشا به حالت، ای عثمان! نه دنیا تو را پوشید [و فریفت]، و نه تو [جامه] دنیا را پوشیدی».

ر. ک: ص ۲۹۳ (ویژگی های آخرت گرایان).

۴/۲

سودمندترین زهد

۹۳۰. پیامبر خدا ﷺ: زهد در روزگار ما، در دوری گزیدن از دینار و درهم است؛ اما روزگاری بر مردم فرامی رسد که دوری گزیدن از مردم، برایشان سودمندتر از زهد به دینار و درهم است.



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

الفصل الثالث

بَرَكَاتُ الزُّهْدِ

١/٣

كُلُّ الْعُرْفَةِ



أ - حِفْظُ الْعَقْلِ

٩٣١ . الإمام علي عليه السلام: حِفْظُ الْعَقْلِ بِمُخَالَفَةِ الْهَوَى، وَالْعُزُوفِ عَنِ الدُّنْيَا. ١

راجع: ج ١ ص ٤٠٢ (مضار حب الدنيا / فساد العقل).

ب - مَعْرِفَةُ غُيُوبِ الدُّنْيَا

٩٣٢ . الإمام علي عليه السلام: إِزْهَدْ فِي الدُّنْيَا يُبْصِرَكَ اللَّهُ عَوْرَاتِهَا، وَلَا تَغْفُلْ فَلَسْتَ بِمَغْفُولٍ عَنْكَ. ٢

ج - عِلْمٌ بِلَا تَعْلَمُ

٩٣٣ . رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا عَلَّمَهُ اللَّهُ تَعَالَى بِلَا تَعْلَمُ، وَهَدَاهُ بِلَا هِدَايَةٍ.

١ . غرر الحكم: ح ٤٩٢١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٣٣ ح ٢٤٧٩ وفيه «بقلمة» بدل «بمخالفة».

٢ . نهج البلاغة: الحكمة ٣٩١، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢٩٧، غرر الحكم: ح ٢٣٤٢، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٣١٩ ح ٣٤.

فصل سوم برکت های زهد



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

الف - نگهداری خِرد

۹۳۱. امام علی علیه السلام: نگهداری خِرد، به سرپیچی از هوس و دوری گزیدن از دنیا است.

ر. ک: ج ۱ ص ۲۰۳ (زیان های دنیا دوستی / تباهی خرد).

ب - شناخت عیب های دنیا

۹۳۲. امام علی علیه السلام: از دنیا دل بر کن تا خداوند، تو را به عیب های آن بینا گرداند، و غافل مباش که از تو غافل نیستند.

ج - دانش، بدون آموختن

۹۳۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که دل از دنیا بر کند، خداوند متعال او را دانش می آموزد، بی آن که از کسی بیاموزد، و هدایتش می کند، بی آن که کسی به هدایت او پردازد،

وَجَعَلَهُ بَصِيرًا وَكَشَفَ عَنْهُ الْعَمَى. ١.

٩٣٤. حَلِيَّةُ الْأَوْلِيَاءِ عَنِ الْحَسَنِ: خَرَجَ النَّبِيُّ ﷺ عَلَى أَصْحَابِهِ ذَاتَ يَوْمٍ فَقَالَ: هَلْ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ عِلْمًا بِغَيْرِ تَعَلُّمٍ، وَهُدًى بِغَيْرِ هِدَايَةٍ؟ هَلْ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ أَنْ يُذْهِبَ اللَّهُ عَنْهُ الْعَمَى وَيَجْعَلَهُ بَصِيرًا؟ أَلَا إِنَّهُ مَنْ رَغِبَ فِي الدُّنْيَا وَأَطَالَ أَمَلَهُ فِيهَا أَعَمَّى اللَّهُ قَلْبَهُ عَلَى قَدَرِ ذَلِكَ، وَمَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا وَقَصَّرَ أَمَلَهُ فِيهَا أَعْطَاهُ اللَّهُ عِلْمًا بِغَيْرِ تَعَلُّمٍ، وَهُدًى بِغَيْرِ هِدَايَةٍ. ٢.

٩٣٥. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا وَلَمْ يَجْزَعْ مِنْ ذُلِّهَا وَلَمْ يُنَافِسْ فِي عِزِّهَا، هَدَاهُ اللَّهُ بِغَيْرِ هِدَايَةٍ مِنْ مَخْلُوقٍ وَعَلَّمَهُ بِغَيْرِ تَعْلِيمٍ، وَاثْبَتَ الْحِكْمَةَ فِي صَدْرِهِ وَأَجْرَاهَا عَلَى لِسَانِهِ. ٣.



د - الْحِكْمَةُ

٩٣٦. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ قَدْ أُعْطِيَ زُهْدًا فِي الدُّنْيَا وَقِلَّةَ مَنْطِقٍ، فَاقْتَرِبُوا مِنْهُ فَإِنَّهُ يُلْقِي الْحِكْمَةَ. ٤.

١. حَلِيَّةُ الْأَوْلِيَاءِ: ج ١ ص ٧٢ عَنْ نَصِيرِ بْنِ حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَنِ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، كَنْزُ الْعَمَالِ: ج ٣ ص ٢٠٩ ح ٦١٩٤ نَقْلًا عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ السَّلْمِيِّ فِي كِتَابِ الْمَوَاعِظِ وَالْوَصَايَا عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ: نَحْفُ الْعُقُولِ: ص ٦٠ نَحْوَهُ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج ٧٧ ص ١٦٣ ح ١٨٧.
٢. حَلِيَّةُ الْأَوْلِيَاءِ: ج ٦ ص ٣١٢ وَج ٨ ص ١٣٥، شُعَبُ الْإِيمَانِ: ج ٧ ص ٣٦٠ ح ١٠٥٨٢ نَحْوَهُ، كَنْزُ الْعَمَالِ: ج ٣ ص ٢٠٩ ح ٦١٩٥: تَبْسِيرُ الْمَطَالِبِ: ص ٣٦٥، تَنْبِيهِ الْخَوَاطِرِ: ج ١ ص ١٣١ عَنْ أَنَسٍ نَحْوَهُ.
٣. نَحْفُ الْعُقُولِ: ص ٢٢٣، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج ٧٨ ص ٦٣ ح ١٥٥.
٤. مَنَنِ ابْنِ مَاجَةَ: ج ٢ ص ١٣٧٣ ح ٤١٠١، الْمَعْجَمُ الْكَبِيرُ: ج ٢٢ ص ٣٩٢ ح ٩٧٥، شُعَبُ الْإِيمَانِ: ج ٧ ص ٣٤٧ ح ١٠٥٣٤، حَلِيَّةُ الْأَوْلِيَاءِ: ج ١٠ ص ٤٠٥ وَفِيهِ «يُلْقَنُ» بِدَلِّ «يُلْقَى»، تَارِيخُ دِمَشْقَ: ج ١٥ ص ٨٤ ح ٣٦٧٩ كُلُّهَا عَنْ أَبِي خَلَادٍ، مَسْنَدُ أَبِي يَعْلَى: ج ٦ ص ١٩٠ ح ٦٧٧٠ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ نَحْوَهُ، أَسَدُ الْغَابَةِ: ج ٦ ص ٨٠ ح ٥٨٣٩ عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْكِنْدِيِّ، كَنْزُ الْعَمَالِ: ج ٣ ص ١٨٣ ح ٦٠٦٩، الْأَمَالِيُّ لِلطُّوسِيِّ: ص ٥٣١ ح ١١٦٢، مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ: ج ٢ ص ٣٦٩ ح ٢٦٦١ كِلَاهُمَا عَنْ أَبِي ذَرٍّ نَحْوَهُ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج ٧٧ ص ٨٠ ح ٣.

و او را بصیرت می‌بخشد و کوردلی را از او می‌زداید.

۹۳۴. **حلیة الأولیاء** - به نقل از حسن - : روزی، پیامبر ﷺ به نزد اصحابش آمد و فرمود: «آیا در میان شما کسی هست که بخواهد خداوند، او را بی‌آموختن، دانش عطا کند و بی‌هدایتگری، هدایت کند؟ آیا در میان شما کسی هست که بخواهد خداوند، کوردلی را از او ببرد و بینایش گرداند؟ بدانید که هر کس به دنیا راغب شود و آرزویش را در دنیا دور و دراز کند، خداوند به همان اندازه، دلش را کور می‌گرداند، و هر کس در دنیا زهد بورزد و آرزویش را در دنیا کوتاه کند، خداوند او را بی‌آموختن، دانش عطا می‌کند و بدون هدایتگری، هدایت می‌کند.

۹۳۵. **امام علی** علیه السلام: هر که به دنیا پشت کند و از خواری در آن، بی‌تابی نکند و برای عزتمندی در آن [یا جاه و مقام،] به رقابت نپردازد، خداوند او را بی‌هدایت مخلوقی، هدایت می‌کند و بی‌آموختن از کسی، دانشش می‌آموزد و حکمت را در سینه‌اش ثابت می‌دارد و آن را بر زبانش جاری می‌گرداند.

د - حکمت

۹۳۶. **پیامبر خدا** صلی الله علیه و آله: هر گاه مردی را دیدید که «زهد در دنیا» و «کم‌گویی» به او عطا شده است، به وی نزدیک شوید؛ چرا که چنین شخصی، حکمت می‌آموزد.

٩٣٧. عنه عليه السلام - في وصيته لأبي ذرٍّ - : يا أبا ذرٍّ، ما زهد عبدٌ في الدنيا إلا أثبت الله الحكمة في قلبه وأنطق بها لسانه، وبصره غيوب الدنيا وداءها ودواءها، وأخرجته منها سالماً إلى دار السلام.^١
٩٣٨. الإمام علي عليه السلام: بالزهد تُثمر الحكمة.^٢

٢/٣

فراغ القلب

٩٣٩. الكافي عن سُفيان بن عُيينة: سأله [أي الإمام الصادق عليه السلام] عن قول الله تعالى: ﴿إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾^٣، قال: القلب السليم الذي يلقي ربه وليس فيه أحد سواه. قال: وكل قلب فيه شرك أو شك فهو ساقط، إنما أرادوا^٤ الزهد في الدنيا لتفرغ قلوبهم للآخرة.^٥

٣/٣

صلاح النفس

٩٤٠. رسول الله صلى الله عليه وآله: صلاح أول هذه الأمة بالزهد واليقين، ويهلك آخرها

١. الأمالي للطوسي: ص ٥٣١ ح ١١٦٢، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٦٨ ح ٢٦٦١ وفيه «أثبت» بدل «أثبت» وكلاهما عن أبي ذرٍّ، الكافي: ج ٢ ص ١٢٨ ح ١، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٤١٠ ح ٥٨٩٠ كلاهما عن الهيثم بن واقد الحريري عن الإمام الصادق عليه السلام، ثواب الأعمال: ص ٢٠٠ ح ١ عن سيف عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٢ ص ٣٣ ح ٢٧، حلية الأولياء: ج ٣ ص ١٩١ عن جعفر بن محمد بن عبد الله عن الإمام الصادق عليه السلام عن آبائه عليه السلام، الفردوس: ج ٤ ص ٦٩ ح ٦٢١٥ عن أبي ذرٍّ وكلاهما نحوه.

٢. غرر الحكم: ح ٤٢٢٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٨٦ ح ٣٧٧٢.

٣. الشعراء: ٨٩.

٤. أي الأنبياء والأوصياء، وفي بعض النسخ: «أراد بالزهد» أي أراد الله. والباء زائدة: يعني أن الزهد بالدنيا ليس مقصوداً لذاته. وأما أمر الناس به لتكون قلوبهم فارغة عن محبة الدنيا، صالحة لحب الله تعالى خالصة له (مراة العقول: ج ٧ ص ٨٧).

٥. الكافي: ج ٢ ص ١٦ ح ٥، ص ١٢٩ ح ٥، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٥٩ ح ٣٩ نقلاً عن كتاب أسرار الصلاة.

۹۳۷. پیامبر خدا ﷺ - در سفارش به ابو ذر - : ای ابو ذر! هیچ بنده‌ای در دنیا زهد نوزید، مگر آن که خداوند، حکمت را در دلش ثابت کرد و زبانش را بدان گویا ساخت، عیب‌های دنیا و درد و درمان آن را به وی شناساند، و او را سالم از دنیا به سرای سلامت (بهشت) برد.

۹۳۸. امام علی علیه السلام : با زهد است که حکمت، ثمر می‌دهد.

۲/۳

خالی شدن دل از اغیار

۹۳۹. الکافی - به نقل از سفیان بن عیینه - : از امام صادق علیه السلام درباره این سخن

خداوند تعالی : «مگر کسی که با قلبی سلیم بر خدا در آید»، پرسیدم.

فرمود: «قلب سلیم، قلبی است که پروردگارش را در حالی دیدار می‌کند که هیچ کسی جز او در آن نباشد»، و فرمود: «هر دلی که در آن شرک یا شکی باشد، آن دل بی‌ارزش است. آنان (پیامبران و اوصیای آنان)^۱ از این رو خواهان زهدورزی در دنیا بودند که دل‌هایشان برای آخرت، خالی گردد.

۳/۳

دوستی و پاکی نفس

۹۴۰. پیامبر خدا ﷺ: اول این امت، با «زهد» و «یقین» ساخته شد، و آخر آن،

۱. در بعضی نسخه‌ها، «أراد بالزهد» آمده است، یعنی خداوند، خواهان زهد شد (مرآة العقول: ج ۷ ص

بِالْبُخْلِ وَالْأَمْلِ ١.

٩٣١. الإمام علي عليه السلام: سَبَبُ صَلَاحِ النَّفْسِ الْعُزُوفُ عَنِ الدُّنْيَا. ٢.
 ٩٣٢. عنه عليه السلام: مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا أَعْتَقَ نَفْسَهُ وَأَرْضَى رَبَّهُ. ٣.
 ٩٣٣. عنه عليه السلام: أَحْيِ قَلْبَكَ بِالمَوْعِظَةِ، وَأَمِتْهُ بِالرَّهَادَةِ. ٤.
 ٩٣٤. عنه عليه السلام: لَوْ زَهَدْتُمْ فِي الشَّهَوَاتِ لَسَلِمْتُمْ مِنَ الْآفَاتِ. ٥.
 ٩٣٥. عنه عليه السلام: أَعْرِضْ عَنِ الدُّنْيَا تَسْلَمْ. ٦.
 ٩٣٦. عنه عليه السلام: أَلَا وَإِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ لَا يُسَلَّمُ مِنْهَا إِلَّا بِالزُّهْدِ فِيهَا، وَلَا يُنْجَى مِنْهَا بِشَيْءٍ
 كَانَ لَهَا. ٧.

٤/٣

حَلَاوَةُ الْإِيمَانِ

٩٣٧. رسول الله صلى الله عليه وآله: حَرَامٌ عَلَى قُلُوبِكُمْ أَنْ تَعْرِفَ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى تَزْهَدَ فِي
 الدُّنْيَا. ٨.

١. الزهد لابن حنبل: ص ١٦ عن عبدالله بن عمرو، المعجم الأوسط: ج ٧ ص ٣٣٢ ح ٧٦٥٠ وفيه «هلاکها» بدل «يهلك آخرها». شعب الإيمان: ج ٧ ص ٤٢٧ ح ١٠٨٤٤ و ص ٤٢٨ ح ١٠٨٤٥ كلاهما نحوه وكلها عن شعيب عن أبيه، كنز العمال: ج ٣ ص ٤٤٩ ح ٧٣٨٨.
 ٢. غرر الحكم: ح ٥٥٢٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٨٢ ح ٥٠٨٢.
 ٣. غرر الحكم: ح ٨٨١٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٦٢ ح ٨٤٠٥.
 ٤. نهج البلاغة: الكتاب ٣١، كشف المحجّة: ص ٢٢١ عن عمر بن أبي المقدام عن الإمام الباقر عليه السلام، تحف العقول: ص ٦٩، نزهة الناظر: ص ٦١ ح ٤٢ عن ابن عباس، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢١٧ ح ٢: كنز العمال: ج ١٦، ص ١٦٨، ح ٤٤٢١٥ نقلًا عن وكيع والعسكري في المواعظ.
 ٥. غرر الحكم: ح ٧٥٨٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤١٦ ح ٧٠٦٧.
 ٦. غرر الحكم: ح ٥٨٣٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٠٤ ح ٥٤٠٨.
 ٧. غرر الحكم: ح ٢٧٦٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٠٧ ح ٢٣٦٣.
 ٨. الكافي: ج ٢ ص ١٢٨ ح ٢ عن حفص بن غياث عن الإمام الصادق عليه السلام، مشكاة الأنوار: ص ٢٠٩ ح ٥٦٨، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٤٩ ح ٢٠.

با «بخل» و «آرزو» نابود می‌شود.

۹۴۱. امام علی علیه السلام: راه پاک شدن نفس، پشت کردن به دنیا است.

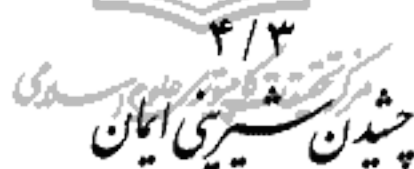
۹۴۲. امام علی علیه السلام: هر که دل از دنیا برگزند، خویش را [از اسارت دنیا] آزاد، و پروردگارش را خشنود ساخت.

۹۴۳. امام علی علیه السلام: دلت را با اندرز، زنده بدار، و آن را با زهد، بمیران.

۹۴۴. امام علی علیه السلام: اگر به خواهش‌های نفس بی‌اعتنایی کنید، از آفت‌ها به سلامت می‌مانید.

۹۴۵. امام علی علیه السلام: از دنیا روی بگردان تا به سلامت مانی.

۹۴۶. امام علی علیه السلام: هان! دنیا سرایی است که از آن، جز با زهدورزی در آن، به سلامت نمی‌توان ماند، و با چیزی از امور دنیوی نمی‌توان از دنیا رهید.



۹۴۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چشیدن شیرینی ایمان بر دل‌های شما حرام است، مگر آن‌گاه که دل‌هایتان نسبت به دنیا زهد ورزند.

٩٤٨. عنه عليه السلام: لَا يَجِدُ الرَّجُلُ خَلَاوَةَ الْإِيمَانِ فِي قَلْبِهِ حَتَّى لَا يُبَالِيَ مَنْ أَكَلَ الدُّنْيَا ١.

٥/٣ صَلَاحُ الدِّينِ

٩٤٩. الإمام علي عليه السلام - فِي ذِكْرِ حَدِيثِ مِعْرَاجِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله - : قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : ... يَا أَحْمَدُ ،
إِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ تَكُونَ أَوْرَعَ النَّاسِ فَارْزُقْ فِي الدُّنْيَا وَارْغَبْ فِي الْآخِرَةِ ٢.

٩٥٠. عنه عليه السلام : مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا حَصَّنَ دِينَهُ ٣.

٩٥١. عنه عليه السلام : وَفُورُ الْعَرَضِ بِإِتْدَالِ الْمَالِ ، وَصَلَاحُ الدِّينِ بِإِفْسَادِ الدُّنْيَا ٥.

٩٥٢. عنه عليه السلام : الْعِلْمُ يُرْشِدُكَ إِلَى مَا أَمَرَكَ اللَّهُ بِهِ ، وَالزُّهْدُ يُسَهِّلُ لَكَ الطَّرِيقَ إِلَيْهِ ٦.

٩٥٣. لقمان عليه السلام - فِيمَا وَعَظَ بِهِ وَلَدَهُ - : يَا بُنَيَّ ، ... مَنْ يَزْهَدْ فِي الدُّنْيَا يَعْمَلْ لِلَّهِ تَعَالَى ،
وَمَنْ يَعْمَلْ لِلَّهِ تَعَالَى يَأْجُرْهُ اللَّهُ ٧.

راجع: ج ١ ص ٤٢٦ (مضار حب الدنيا / فساد الدين).

١. «حَتَّى لَا يُبَالِيَ مَنْ أَكَلَ الدُّنْيَا»: يَحْتَمِلُ أَنْ يَكُونَ «مَنْ» اسْمُ مَوْصُولٍ وَ«أَكَلَ» فِعْلًا مَاضِيًا ، وَأَنْ يَكُونَ «مَنْ» حَرْفُ جَرٍّ وَ«أَكَلَ» مُصَدَّرًا ، فَعَلَى الْأَوَّلِ الْمَعْنَى: أَنَّهُ لَا يَعْنِي بِشَأْنِ الدُّنْيَا بَحِثَ لَا يَحْسَدُ أَحَدًا عَلَيْهَا ، ... وَعَلَى الثَّانِي أَيْضًا يَرْجِعُ إِلَى ذَلِكَ: أَوِ الْمَعْنَى: لَا يَعْنِي بِأَكْلِ الدُّنْيَا وَالتَّصَرُّفِ فِيهَا (مِرَاةُ الْعُقُولِ: ج ٨ ص ٢٦٩).
٢. الْكَافِي: ج ٢ ص ١٢٨ ح ٢ عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عليه السلام ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج ٧٣ ص ٤٩ ح ٢٠.
٣. إِرْشَادُ الْقُلُوبِ: ص ١٩٩ ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج ٧٧ ص ٢٢ ح ٦.
٤. غُررُ الْحِكْمِ: ح ٨٤٦٨ ، عِيُونُ الْحِكْمِ وَالْمَوَاعِظُ: ص ٤٢٩ ح ٧٩٦٠ وَفِيهِ «حَسَنَ دِينَهُ» بِدَلِّ «حَصَّنَ دِينَهُ».
٥. غُررُ الْحِكْمِ: ح ١٠١٢٥ ، عِيُونُ الْحِكْمِ وَالْمَوَاعِظُ: ص ٥٠٥ ح ٩٢٧٧.
٦. غُررُ الْحِكْمِ: ح ١٨٣٥ ، عِيُونُ الْحِكْمِ وَالْمَوَاعِظُ: ص ٢٢ ح ١٤٣.
٧. الزُّهْدُ لَابْنِ الْمُبَارَكِ: ص ٣٧٣ ح ١٠٥٩.

۹۴۸. پیامبر خدا ﷺ: آدمی، شیرینی ایمان را در دلش نمی‌یابد، مگر آن‌گاه که باکی نداشته باشد که دنیا را چه کسی می‌خورد.

۵/۳ درستی دین

۹۴۹. امام علی علیه السلام: در یادکرد حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله: خداوند متعال فرمود: «... ای احمد! اگر دوست داری که پارساترین مردم باشی، از دنیا روی برتاب و به آخرت بگرای.»

۹۵۰. امام علی علیه السلام: هر که در دنیا زهد بورزد، دین خود را نگه داشته است.

۹۵۱. امام علی علیه السلام: بسیاری آبرومندی، به بخشش مال است و درستی دین، به خراب کردن دنیا.

۹۵۲. امام علی علیه السلام: دانش، تو را به آنچه خداوند فرمانت داده است، رهنمون می‌شود، و زهد، راه رسیدن به آن را بر تو آسان می‌سازد.

۹۵۳. لقمان علیه السلام: در اندرزهایش به فرزندش: «فرزندم!... کسی که به دنیا بی‌رغبت باشد، برای خداوند متعال کار می‌کند، و کسی که برای خدای متعال کار کند، خداوند تعالی مزدش را می‌دهد.

٦/٣

رَفَاةُ الْعَيْشِ رَأً

أ - رَاةُ الْقَلْبِ وَالْبَدَنِ

٩٥٢ . رسول الله ﷺ: الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا يُرِيحُ الْقَلْبَ وَالْبَدَنَ. ١

٩٥٥ . عنه ﷺ: إِنَّ فِي الزُّهْدِ لَرَاةً. ٢

٩٥٦ . الإمام عليّ عليه السلام: الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا الرَّاةُ الْعُظْمَى. ٣

٩٥٧ . عنه عليه السلام: مَنْ أَحَبَّ الرَّاةَ فَلْيُؤَثِّرِ الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا. ٤

٩٥٨ . عنه عليه السلام: الزُّهْدُ أَفْضَلُ الرَّاَتَيْنِ. ٥

٩٥٩ . الإمام الصادق عليه السلام: طَلَبْتُ الرَّاةَ فَوَجَدْتُهَا فِي الزُّهْدِ. ٦

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

ب - طَاعَةُ الدُّنْيَا

٩٦٠ . الإمام عليّ عليه السلام: مَنْ عَصَى الدُّنْيَا أَطَاعَتْهُ. ٧

١ . الخصال: ص ٧٣ ح ١١٤ عن فاطمة بنت الحسين عن أبيها عليه السلام، روضة الواعظين: ص ٤٨٤، بحار الأنوار:

ج ٧٣ ص ١٢٠ ح ١١٠: المعجم الأوسط: ج ٦ ص ١٧٧ ح ٦١٢٠، شعب الإيمان: ج ٧ ص ٢٤٨ ح ١٠٥٣٨

كلاهما عن أبي هريرة وح ١٠٥٣٦ عن طاووس، مسند الشهاب: ج ١ ص ١٨٨ ح ٢٧٨ عن عبد الله بن عمرو،

كنز العمال: ج ٢ ص ١٨٢ ح ٦٠٦١.

٢ . أعلام الدين: ص ٢٣٦ عن ابن عباس، غرر الحكم: ح ٣٢٩ عن الإمام عليّ عليه السلام وفيه «الراحة في الزهد»،

بحار الأنوار: ج ١٠٣ ص ٢٧ ح ٣٧.

٣ . غرر الحكم: ح ١٣١٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٧ ح ١١٩٨.

٤ . غرر الحكم: ح ٨٩٤٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٢٢ ح ٧٤٨٤.

٥ . غرر الحكم: ح ١٦٥١.

٦ . مستدرک الوسائل: ج ١٢ ص ١٧٤ ح ١٣٨١٠ نقلاً عن مجموعة الشهيد.

٧ . غرر الحكم: ح ٧٧٨٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٥٢ ح ٨٠٨٥.

۶/۳ آسایش زندگی

الف - آسایش جان و تن

۹۵۴. پیامبر خدا ﷺ: دل بر کندن از دنیا، جان و تن را آسوده می‌سازد.
۹۵۵. پیامبر خدا ﷺ: به راستی که در زهد، آسایشی است.
۹۵۶. پیامبر خدا ﷺ: زهد در دنیا، بزرگ‌ترین آسایش است.
۹۵۷. پیامبر خدا ﷺ: هر که آسایش می‌خواهد، باید زهد در دنیا را برگزیند.
۹۵۸. پیامبر خدا ﷺ: زهد، برترین آسایش است.
۹۵۹. امام صادق علیه السلام: آسایش را جستیم و آن را در زهد یافتیم.



ب - فرمانبری دنیا

۹۶۰. امام علی علیه السلام: هر که دنیا را نافرمانی کند، دنیا از او فرمان می‌برد.

۹۶۱. عنه علیه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا تُدْنِي الْأَجَالَ وَتُبَاعِدُ الْأَمَالَ، وَتُبِيدُ الرُّجَالَ وَتُغَيِّرُ الْأَحْوَالَ، مَنْ غَالِبَهَا غَلَبَتْهُ، وَمَنْ صَارَعَهَا صَرَغَتْهُ، وَمَنْ عَصَاهَا أَطَاعَتْهُ، وَمَنْ تَرَكَهَا أَتَتْهُ.^۱

۹۶۲. عنه علیه السلام - فِي الْحَكَمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ - : كُلُّ شَيْءٍ يَعْصِيكَ إِذَا أَغْضَبَتْهُ إِلَّا الدُّنْيَا، فَإِنَّهَا تُطِيعُكَ إِذَا أَغْضَبَتْهَا.^۲

۹۶۳. عنه علیه السلام: مَنْ عَزَفَ عَنِ الدُّنْيَا أَتَتْهُ صَاغِرَةٌ.^۳

۹۶۴. عنه علیه السلام: مَنْ أَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيَا أَتَتْهُ.^۴

۹۶۵. عنه علیه السلام: مَنْ سَلَا^۵ عَنِ الدُّنْيَا أَتَتْهُ رَاغِمَةٌ.^۶

۹۶۶. عنه علیه السلام: مَنْ قَعَدَ عَنِ طَلَبِ الدُّنْيَا قَامَتْ إِلَيْهِ.^۷

۹۶۷. عنه علیه السلام: إِنَّكَ إِنْ أَدْبَرْتَ عَنِ الدُّنْيَا أَقْبَلْتَ.^۸

مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی

ج - مُوَافَقَةُ الدُّنْيَا

۹۶۸. رسول الله صلی الله علیه و آله: لَمَّا خَلَقَ اللهُ الدُّنْيَا أَمَرَهَا بِطَاعَتِهِ فَأَطَاعَتْ رَبَّهَا، فَقَالَ لَهَا: خَالِفِي مَنْ طَلَبَكَ وَوَافِقِي مَنْ خَالَفَكَ. فَهِيَ عَلَى مَا عَاهَدَ اللهُ إِلَيْهَا وَطَبَعَهَا عَلَيْهِ.^۹

۱. غرر الحکم: ج ۳۶۷۴، عیون الحکم والمواعظ: ص ۱۴۶ ح ۳۲۴۲.

۲. شرح نهج البلاغة: ج ۲۰ ص ۳۰۰ ح ۴۱۹.

۳. غرر الحکم: ج ۸۵۲۲، عیون الحکم والمواعظ: ص ۴۵۰ ح ۷۹۹۹ وفيه «زهد» بدل «عزف».

۴. غرر الحکم: ج ۷۷۹۰، عیون الحکم والمواعظ: ص ۴۵۲ ح ۸۰-۸۶.

۵. سَلَوْتُ عَنْهُ: صَبَرْتُ عَنْهُ (المصباح المنیر: ص ۲۸۷ «سلا»).

۶. غرر الحکم: ج ۸۰۷۹، عیون الحکم والمواعظ: ص ۴۴۱ ح ۷۶۸۷.

۷. غرر الحکم: ج ۸۵۶۳، عیون الحکم والمواعظ: ص ۴۵۷ ح ۸۲۷۲.

۸. غرر الحکم: ج ۳۲۹۹، عیون الحکم والمواعظ: ص ۱۷۱ ح ۳۵۷۴.

۹. مصباح الشریعة: ص ۱۹۴، بحار الأنوار: ج ۷۰ ص ۳۱۵ ح ۲۰.

۹۶۱. امام علی علیه السلام: دنیا، آجل‌ها را نزدیک، آرزوها را دور و دراز، مردان را نابود، و احوال (اوضاع) را دگرگون می‌کند. هر که با دنیا در افتد، دنیا بر او چیره می‌گردد، هر که با آن پنجه در افکند، دنیا به خاکش می‌افکند، هر که از دنیا نافرمانی کند، دنیا از او فرمان می‌برد، و هر که دنیا را وا نهد، دنیا خود به سراغش می‌آید.

۹۶۲. امام علی علیه السلام: در حکمت‌های منسوب به ایشان -: هر چیزی، هر گاه به خشمش آوری، از تو نافرمانی می‌کند، بجز دنیا که هر گاه به خشمش آوری، از تو فرمان می‌برد.

۹۶۳. امام علی علیه السلام: هر که از دنیا دوری کند، دنیا با زبونی نزد او می‌آید.

۹۶۴. امام علی علیه السلام: هر که از دنیا روی گرداند، دنیا نزد او می‌آید.

۹۶۵. امام علی علیه السلام: هر که از دنیا دست بشوید، دنیا به رغم میل خود نزد او می‌آید.

۹۶۶. امام علی علیه السلام: هر که از طلب دنیا فرو نشیند، دنیا پیش رویش قامت می‌افرازد.

۹۶۷. امام علی علیه السلام: تو اگر به دنیا پشت کنی، دنیا به تو رو می‌کند.

ج - سازگاری دنیا

۹۶۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون خداوند دنیا را آفرید، فرمانش داد که از او اطاعت کند و

دنیا از خداوندگارش اطاعت کرد. پس به دنیا فرمود: «با آن که تو را می‌جوید،

ناسازگاری کن، و با آن که با تو ناسازگاری می‌کند، سازگار باش».

پس، دنیا بر این دستوری است که خدا به او داد و خداوند، آن را بر همین

سرشت.

٩٦٩. الإمام علي عليه السلام: لَنْ يَفْتَقِرَ مَنْ زَهَدَ.^١

٩٧٠. عنه عليه السلام: مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا لَمْ تَقُتْهُ.^٢

د - خِدْمَةُ الدُّنْيَا

٩٧١. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَوْحَى اللَّهُ إِلَى الدُّنْيَا أَنْ اخْدُمِي مَنْ خَدَمَنِي، وَأَتَعِبِي مَنْ خَدَمَكَ.^٣

٩٧٢. عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ أَوْحَى إِلَى الدُّنْيَا أَنْ أَتَعِبِي مَنْ خَدَمَكَ، وَاخْدُمِي مَنْ رَفَضَكَ.^٤

٩٧٣. الإمام علي عليه السلام: مَنْ خَدَمَ الدُّنْيَا اسْتَخْدَمَتْهُ، وَمَنْ خَدَمَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ خَدَمَتْهُ.^٥

٩٧٤. عنه عليه السلام: الدُّنْيَا لِمَنْ تَرَكَهَا، وَالْآخِرَةُ لِمَنْ طَلَبَهَا.^٦

٩٧٥. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ يَطَّلِعُ عَلَى الدُّنْيَا فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ، فَيَقُولُ: يَا دُنْيَا... مَنْ خَدَمَكَ فَاسْتَخْدَمِيهِ، وَمَنْ خَدَمَنِي فَاخْدُمِيهِ.^٧

١. غرر الحكم: ح ٧٤٤٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٠٨ ح ٦٩٠٦.

٢. غرر الحكم: ح ٨٤٨٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٥٦ ح ٨٢٤٢.

٣. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٦٣ ح ٥٧٦٢، المواعظ للصدوق: ص ٢٧ كلاهما عن حماد بن عمر وأنس بن محمد عن أبيه جميعاً عن الإمام الصادق عن آبائه عليه السلام، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٢٧ ح ٢٦٥٦ عن الإمام الصادق عن آبائه عليه السلام، جامع الأخبار: ص ٥٠٤ ح ١٣٩٢، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٥٤ ح ٣: تاريخ بغداد: ج ٨ ص ٤٤ ح ٤١٠٠، مسند الشهاب: ج ٢ ص ٣٢٦ ح ١٤٥٤ كلاهما عن عبدالله بن مسعود، حلية الأولياء: ج ٢ ص ١٩٤ عن محمد بن بشر عن الإمام الصادق عليه السلام.

٤. الأمالي للصدوق: ص ٣٥٤ ح ٤٣٢ عن المفضل بن عمر عن الإمام الصادق عن آبائه عليه السلام، مشكاة الأنوار: ص ٤٥٠ ح ١٥٠٩، روضة الواعظين: ص ٤٨٨، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٨٧ ح ٥١.

٥. غرر الحكم: ح ٩٠٩١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٦٥ ح ٨٤٧٠.

٦. كنز الفوائد: ج ١ ص ٣٤٥، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٨١ ح ٤٣.

٧. تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢٠٠ وراجع شرح نهج البلاغة: ج ٢ ص ٩٥ و ج ٦ ص ٢٣٢.

۹۶۹. امام علی علیه السلام: آن که زهد بورزد، هرگز به فقر نمی‌افتد.

۹۷۰. امام علی علیه السلام: هر که به دنیا زهد ورزد، دنیا از دستش نمی‌رود [و به نصیب خود از دنیا خواهد رسید].

د - خدمت‌گزاری دنیا

۹۷۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند به دنیا وحی فرمود که: «هر که مرا خدمت می‌کند، خدمتش کن، و هر که تو را خدمت می‌کند، به رنجش بیفکن».

۹۷۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند تعالی، به دنیا وحی کرد که: «آن را که به خدمت تو در می‌آید، به رنج افکن، و آن را که دست از تو می‌شوید، خدمت کن».

۹۷۳. امام علی علیه السلام: هر که به خدمت دنیا در آید، دنیا او را به خدمت خویش می‌گیرد، و هر که خدمت خداوند سبحان کند، دنیا به او خدمت می‌نماید.

۹۷۴. امام علی علیه السلام: دنیا از آن کسی است که ترک آن کند، و آخرت، از آن کسی است که آن را بطلبد.

۹۷۵. امام صادق علیه السلام: خداوند تعالی در هر روز، یکی دو بار به دنیا سری می‌زند و می‌فرماید: «ای دنیا!... هر که خدمت تو می‌کند، او را به خدمت گیر، و هر که خدمت من می‌کند، خدمتش کن».

۷/۳

نَهْوُ الْمَصَائِبِ

۹۷۶. رسول الله ﷺ: مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا هَانَتْ عَلَيْهِ الْمَصَائِبُ.^۱
 ۹۷۷. الإمام علي عليه السلام: مَنْ زَهَدَ هَانَتْ عَلَيْهِ الْمِحَنُ.^۲
 ۹۷۸. الإمام الكاظم عليه السلام: إِنَّ أَصْبَرَكُمْ عَلَى الْبَلَاءِ لَأَزْهَدُكُمْ فِي الدُّنْيَا.^۳

۸/۳

التَّوَقُّبُ إِلَى اللَّهِ

۹۷۹. رسول الله ﷺ: جُلَسَاءُ اللَّهِ غَدَا أَهْلُ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا.^۴
 ۹۸۰. عنه عليه السلام: مَنْ يَشْتَهِي كَرَامَةَ الْآخِرَةِ يَدَعُ زِينَةَ الدُّنْيَا، هُنَالِكَ اسْتَحْيَا الْعَبْدُ مِنْ اللَّهِ، وَهُنَالِكَ أَصَابَ وَلَايَةَ اللَّهِ ﷻ.^۵
 ۹۸۱. عنه عليه السلام: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُحِبَّكَ اللَّهُ فَأَبْغِضِ الدُّنْيَا.^۶

۱. مكارم الأخلاق: ج ۲ ص ۳۴۱ ح ۲۶۶۰ عن عبدالله بن مسعود، الكافي: ج ۲ ص ۵۰ ح ۱ عن جابر عن الإمام الباقر عن الإمام علي عليه السلام، نهج البلاغة: الحكمة ۳۱ عن الإمام علي عليه السلام، الأمالي للمفيد: ص ۲۷۷ ح ۳ عن قبيصة بن جابر عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار: ج ۶۸ ص ۳۵۱ ح ۱۹؛ تاريخ بغداد: ج ۶ ص ۳۰۱ ح ۲۳۴۱، حلية الأولياء: ج ۵ ص ۱۰ كلاهما عن الحارث الأعور عن الإمام علي عليه السلام عنه عليه السلام، تاريخ دمشق: ج ۴۲ ص ۵۱۵ عن قبيصة بن جابر عن الإمام علي عليه السلام نحوه، كنز العمال: ج ۳ ص ۷۱۹ ح ۸۵۶۵.
 ۲. غرر الحكم: ح ۸۳۲۵، عيون الحكم والمواعظ: ص ۴۴۷ ح ۷۸۸۹.
 ۳. تحف العقول: ص ۳۹۳ عن هشام بن الحكم و ص ۵۰۹ عن عيسى عليه السلام، بحار الأنوار: ج ۱ ص ۱۴۶.
 ۴. الفردوس: ج ۲ ص ۱۰۹ ح ۲۵۷۲، كنز العمال: ج ۳ ص ۴۲۷ ح ۷۲۷۹ نقلًا عن ابن لال وكلاهما عن سلمان.
 ۵. الزهد لابن المبارك: ص ۱۰۷ ح ۳۱۷، تفسير الثعالبي: ج ۵ ص ۴۸۷ كلاهما عن الحسن، كنز العمال: ج ۱۵ ص ۹۳۸ ح ۴۳۶۱۱.
 ۶. تاريخ بغداد: ج ۷ ص ۷۰ ح ۳۷۵۴، تاريخ دمشق: ج ۶ ص ۲۹۰ ح ۱۵۴۹، البداية والنهاية: ج ۱۰ ص ۱۲۷ كلاهما عن ربعي بن خراش، كنز العمال: ج ۳ ص ۱۸۲ ح ۶۰۶۷.

۷/۳ آسان شدن مشکلات

۹۷۶. پیامبر خدا ﷺ: هر که به دنیا بی رغبت شود، سختی‌ها بر او آسان می‌گردند.
۹۷۷. امام علی علیه السلام: هر که دل از دنیا بر کند، رنج‌ها بر او آسان می‌شوند.
۹۷۸. امام کاظم علیه السلام: صبورترین شما در برابر بلا، زاهدترین شما در دنیا است.

۸/۳ نزدیک شدن به خدا

۹۷۹. پیامبر خدا ﷺ: هم‌نشینانِ خداوند در فردای قیامت، آنان‌اند که در دنیا زاهدند.
۹۸۰. پیامبر خدا ﷺ: آن که خواهان کرامت آخرت است، زیور دنیا را رها می‌کند. همین جاست که بنده از خدا حیا می‌کند، و این جاست که به [مقام] ولایت خداوند ﷻ می‌رسد.
۹۸۱. پیامبر خدا ﷺ: اگر می‌خواهی که خداوند تو را دوست بدارد، دنیا را دشمن بدار.

٩٨٢. عنه عليه السلام - في مَوْعِظَتِهِ لِرَجُلٍ - : اِرْهَدْ فِي الدُّنْيَا يُحِبَّكَ اللَّهُ تعالى، وَارْهَدْ فِيمَا فِي أَيْدِي النَّاسِ يُحِبَّكَ النَّاسُ. ١

٩٨٣. حَلِيَّةُ الْأَوْلِيَاءِ عَنْ مُجَاهِدٍ: إِنَّ رَجُلًا جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، دُلَّنِي عَلَى عَمَلٍ يُحِبُّنِي اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَيُحِبُّنِي النَّاسُ عَلَيْهِ. فَقَالَ:

أَمَّا مَا يُحِبُّكَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَالزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا، وَأَمَّا مَا يُحِبُّكَ النَّاسُ عَلَيْهِ فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ هَذَا الْغُثَاءَ. ٢

٩٨٤. الإمام علي عليه السلام - في ذِكْرِ حَدِيثِ مِعْرَاجِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله - : قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ... يَا أَحْمَدُ، أَهْلُ تَعْرِفْ مَا لِلزَّاهِدِينَ عِنْدِي؟

قَالَ: لَا يَا رَبِّ!

قَالَ: يُبْعَثُ الْخَلْقُ وَيُنَاقَشُونَ الْحِسَابَ ٣ وَهُمْ مِنْ ذَلِكَ آمِنُونَ. إِنَّ أَدْنَى مَا أُعْطِيَ الزَّاهِدِينَ فِي الْآخِرَةِ أَنْ أُعْطِيَهُمْ مَفَاتِيحَ الْجَنَانِ كُلِّهَا حَتَّى يَفْتَحُوا أَيَّ بَابٍ شَاءُوا، وَلَا أَحْجَبَ عَنْهُمْ وَجْهِي، وَلَا تُعَمَّنَّهُمْ بِالْوَانِ التَّلَذُّذِ مِنْ كَلَامِي، وَلَا جَلِيسَتَهُمْ فِي مَقْعَدِ صِدْقِي، وَأَذْكُرُهُمْ مَا صَنَعُوا وَتَعَبُوا فِي دَارِ الدُّنْيَا، وَأَفْتَحَ لَهُمْ أَرْبَعَةَ أَبْوَابٍ: بَابٌ يَدْخُلُ عَلَيْهِمُ الْهَدَايَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا مِنْ عِنْدِي، وَبَابٌ يَنْظُرُونَ مِنْهُ إِلَيَّ كَيْفَ شَاءُوا بِلا صُعُوبَةٍ، وَبَابٌ يَطَّلِعُونَ مِنْهُ إِلَى النَّارِ فَيَنْظُرُونَ

١. المستدرک علی الصحیحین: ج ٤ ص ٢٤٨ ح ٧٨٧٣. سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٢٧٢ ح ٤١٠٢ وفيه «يحبوك» بدل «يحبك الناس»، المعجم الكبير: ج ٦ ص ١٩٣ ح ٥٩٧٢، شعب الإيمان: ج ٧ ص ٢٤٤ ح ١٠٥٢٢ و ١٠٥٢٣، مسند الشهاب: ج ١ ص ٢٧٢ ح ٤٤٣ كلها عن سهل بن سعد، كنز العمال: ج ٣ ص ١٨٧ ح ٦٠٩١: الأما لي للطوسي: ص ١٤٠ ح ٢٢٨ و ص ٢٠٢ ح ٢٤٤ كلاهما عن محمد بن عيسى الكندي عن الإمام الصادق عليه السلام. بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ١٥ ح ٤.

٢. في المصدر: «الغثاء» والصحيح ما أثبتناه كما في كنز العمال.

٣. حلية الأولياء: ج ٨ ص ٤٢، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٢٤ ح ٦٢٦٣.

٤. في بحار الأنوار: «بالحساب».

۹۸۲. پیامبر خدا ﷺ - در اندرز به مردی :- نسبت به دنیا زهد بورز تا خداوند ﷻ تو را دوست بدارد، و نسبت به آنچه مردم دارند، زهد بورز تا مردم دوستت بدارند.

۹۸۳. حلیۃ الأولیاء - به نقل از مجاهد :- مردی نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای پیامبر خدا! مرا به کاری رهنمون کن که به خاطر آن، هم خداوند متعال و هم مردم مرا دوست بدارند.

فرمود: «آنچه باعث می‌شود که خداوند ﷻ تو را دوست بدارد، زهدورزی در دنیا است، و آنچه موجب می‌شود که مردم دوستت بدارند، آن است که این کف (دنیا) را پیش آنان بیفکنی».

۹۸۴. امام علی علیه السلام - در یاد کرد حدیث معراج پیامبر ﷺ :- خداوند متعال فرمود: «... ای احمد! آیا می‌دانی زاهدان، چه مقامی در نزد من دارند؟».

گفت: نه، ای پروردگارم! *از تحقیق که پیوسته مردم رسدی*
فرمود: «در روزی که مردم برانگیخته می‌شوند و به حسابشان رسیدگی می‌شود، آنان از این حسابرسی در امان‌اند. کمترین چیزی که در آخرت به زاهدان می‌دهم، این است که همهٔ کلیدهای بهشت‌ها را در اختیارشان می‌نهم تا هر دری را که می‌خواهند، باز کنند، و روی خود را از آنان پنهان نمی‌دارم، و از انواع لذت سخنم برخوردارشان می‌سازم، و آنان را بر جایگاهی راستین^۱ می‌نشانم، و کارهایی را که در دنیا کرده‌اند و رنج‌هایی را که کشیده‌اند، به یادشان می‌آورم، و چهار در را برایشان می‌گشایم: دری که از آن، در هر صبح و شام، ارمغان‌های من برایشان برده می‌شود، دری که از آن به راحتی به من، هر گونه که بخواهند، می‌نگرند، دری که از آن، آتش را می‌بینند و به

۱. اشاره است به آیه ۵۵ از سوره قمر: ﴿فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِندَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ﴾ در جایگاهی راستی، نزد فرمان‌روای توانا.

إِلَى الظَّالِمِينَ كَيْفَ يُعَذَّبُونَ، وَبَابٌ يُدْخَلُ عَلَيْهِمْ مِنْهُ الْوَصَائِفُ وَالْحَوَرُ الْعَيْنُ.^١
٩٨٥. عنه عليه السلام: الزُّهْدُ قُرْبَةٌ.^٢

٩٨٦. عنه عليه السلام: أَيْسَرُكَ أَنْ تَلْقَى اللَّهَ غَدًا فِي الْقِيَامَةِ وَهُوَ عَلَيْكَ رَاضٍ غَيْرُ غَضْبَانَ؟ كُنْ فِي الدُّنْيَا زَاهِدًا وَفِي الْآخِرَةِ رَاغِبًا.^٣

٩٨٧. الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا تَخَلَّى الْمُؤْمِنُ مِنَ الدُّنْيَا سَمًا، وَوَجَدَ خَلَاوَةَ حُبِّ اللَّهِ، وَكَانَ عِنْدَ أَهْلِ الدُّنْيَا كَأَنَّهُ قَدْ خَوَّلَ^٤، وَإِنَّمَا خَالَطَ الْقَوْمَ خَلَاوَةً حُبِّ اللَّهِ فَلَمْ يَشْتَغِلُوا بِغَيْرِهِ.^٥

٩/٣

الْمَشْيُ عَلَى الْمَاءِ

٩٨٨. تنبيه الخواطر: قَالَ الْخَوَارِثُونَ لِعِيسَى عليه السلام: مَا لَكَ تَمْشِي عَلَى الْمَاءِ وَنَحْنُ لَا نَقْدِرُ عَلَى ذَلِكَ؟

فَقَالَ لَهُمْ: وَمَا مَنَزِلَةُ الدِّينَارِ وَالذَّرْهَمِ عِنْدَكُمْ؟
قَالُوا: حَسَنٌ.

١. إرشاد القلوب: ص ٢٠٢، مستدرک الوسائل: ج ١٢ ص ٤٨ ح ١٢٤٨٣.

٢. دستور معالم الحكم: ص ٢١.

٣. غرر الحكم: ح ٢٨٢٧.

٤. يقال: خَوَّلَ فلان في عقله، إِذَا اخْتَلَّ عقله (النهاية: ج ٢ ص ٦٤ «خلط»). وقال العلامة المجلسي رحمه الله بعد نقل كلام ابن الأثير: فقولُه: «خَوَّلَ» بهذا المعنى وخالط بمعنى الممازجة، وهذا أعلى درجات المحبِّين حيث استقرَّ حبُّ الله تعالى في قلوبهم وأخرج حبَّ كلِّ شيءٍ غيره منها فلا يلتفتون إلى غيره تعالى، ويتركون معاشرَةَ عامَّةِ الخلق لمباينة طوره أطوارهم، فهم يعدّونه سفهاً مخالطاً كما نسبوا الأنبياء إلى الجنون لذلك (مرآة العقول: ج ٨ ص ٢٧٧).

٥. الكافي: ج ٢ ص ١٣٠ ح ١٠، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٩٢ وفيه «يشغلوه» بدل «يشغلوها» وكلاهما عن عبد الله بن القاسم، مشكاة الأثرار: ص ٢١٨ ح ٥٩٦، بحار الأثرار: ج ٧٣ ص ٥٦ ح ٢٨.

ستمکاران [و گنهکاران] می‌نگرند که چگونه عذاب می‌شوند، و دری که از آن، کنیزکان و حورالعین بر آنان وارد می‌شوند».

۹۸۵. امام علی علیه السلام: زهدورزی، مایه تقرب [به خداوند] است.

۹۸۶. امام علی علیه السلام: آیا خوش داری که فردای قیامت، خداوند را در حالی دیدار کنی که از تو خشنود است و در خشم نیست؟ به دنیا بی‌رغبت باش و به آخرت، راغب.

۹۸۷. امام صادق علیه السلام: هر گاه مؤمن از دنیا دست بشوید، بلندی می‌گیرد و شیرینی محبت خدا را می‌چشد، و در نظر اهل دنیا دیوانه می‌نماید، حال آن که در واقع، شیرینی محبت خداوند با [جان] آنان آمیخته است و از این رو، به غیر او نمی‌پردازند.



۹۸۸. تنبيه الخواطر: حواریان به عیسی علیه السلام گفتند: سبب چیست که تو بر آب، راه می‌روی و ما نمی‌توانیم؟

به آنان گفت: «دینار و درهم را در نزد شما، چه قدر و قیمتی است؟».

گفتند: با ارزش‌اند.

قال: لَكِنَّهُمَا عِنْدِي وَالْمَدْرُ^۱ سِوَاءَ^۲.

راجع: ص ۱۲۲ ح ۹۹۱.

۱۰/۳

زِيَارَةُ الْمَلَانِكَةِ

۹۸۹ . صحيح مُسْلِمٍ عَنْ حَنْظَلَةَ الْأُسَيْدِيِّ - وَكَانَ مِنْ كُتَّابِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ - : لَقِيتُنِي أَبُو بَكْرٍ،

فَقَالَ: كَيْفَ أَنْتَ يَا حَنْظَلَةُ؟

قُلْتُ: نَافَقٌ حَنْظَلَةُ!

قال: سُبْحَانَ اللَّهِ! مَا تَقُولُ؟

قُلْتُ: نَكُونُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يُذَكِّرُنَا بِالنَّارِ وَالْجَنَّةِ حَتَّى كَأَنَّا رَأَيْ عَيْنٍ،

فَإِذَا خَرَجْنَا مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ عَافَسْنَا^۳ الْأَزْوَاجَ وَالْأَوْلَادَ وَالضَّيْعَاتِ فَنَسِينَا كَثِيرًا.

قال أبو بَكْرٍ: فَوَاللَّهِ إِنَّا لَنَلْقَى مِثْلَ هَذَا!

فَانْطَلَقْتُ أَنَا وَأَبُو بَكْرٍ، حَتَّى دَخَلْنَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ.

قُلْتُ: نَافَقٌ حَنْظَلَةُ يَا رَسُولَ اللَّهِ!

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: وَمَا ذَاكَ؟

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، نَكُونُ عِنْدَكَ تُذَكِّرُنَا بِالنَّارِ وَالْجَنَّةِ حَتَّى كَأَنَّا رَأَيْ عَيْنٍ،

فَإِذَا خَرَجْنَا مِنْ عِنْدِكَ عَافَسْنَا الْأَزْوَاجَ وَالْأَوْلَادَ وَالضَّيْعَاتِ نَسِينَا كَثِيرًا!

۱ . الْمَدْرُ: الطَّيْنُ الْمَتَمَسِّكُ (النهاية: ج ۴ ص ۳۰۹ «مدر»).

۲ . تَنْبِيهِ الْخَوَاطِر: ج ۱ ص ۱۵۶.

۳ . الْمَعَافَسَةُ: الْمَعَاجِلَةُ وَالْمَمَارَسَةُ وَالْمَلَاعِبَةُ (النهاية: ج ۳ ص ۲۶۳ «عفس»).

عیسی گفت: «اما در نزد من، با کلوخ، یکسان‌اند».

ر.ک: ص ۱۲۲ ح ۹۹۱.

۱۰/۳ دیدار فرشتگان

۹۸۹. صحیح مسلم - به نقل از حنظله اُسیدی که از کاتبان پیامبر خدا بود - : ابو بکر به

من بر خورد و گفت: چگونه‌ای، ای حنظله؟

گفتم: حنظله، منافق گشته است!

ابو بکر گفت: سبحان الله! چه می‌گویی؟

گفتم: وقتی نزد پیامبر خدا ﷺ هستیم و برایمان از آتش و بهشت می‌گوید، چنانیم که گویا آنها را به چشم می‌بینیم؛ ولی از محضر پیامبر خدا که بیرون می‌رویم، به زن و فرزند و زندگی‌مان می‌پردازیم و بسیاری از سخنان پیامبر را فراموش می‌کنیم.

ابو بکر گفت: به خدا سوگند که ما نیز همین حال را داریم!

پس، من و ابو بکر رفتیم تا بر پیامبر خدا وارد شدیم.

من گفتم: ای پیامبر خدا! حنظله منافق گشته است!

پیامبر خدا فرمود: «چه طور؟».

گفتم: ای پیامبر خدا! آن‌گاه که نزد شما هستیم و از آتش و بهشت برایمان می‌گویی، گویا آنها را به چشم می‌بینیم؛ اما از نزد شما که می‌رویم، به زن و فرزند و زندگی خود می‌پردازیم، و بسیاری از آن سخنان را فراموش می‌کنیم! پیامبر خدا فرمود: «سوگند به آن که جانم در دست اوست، اگر بر آن حالی

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ! إِنْ لَوْ تَدُومُونَ عَلَيَّ مَا تَكُونُونَ عِنْدِي، وَفِي الذِّكْرِ، لَصَافَحْتُكُمْ الْمَلَائِكَةُ عَلَى فُرُشِكُمْ وَفِي طُرُقِكُمْ، وَلَكِنْ يَا حَنَظَلَّةُ، سَاعَةً وَسَاعَةً - ثَلَاثَ مَرَّاتٍ - ١.

٩٩٠. سنن الترمذي عن أبي هريرة: قُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا لَنَا إِذَا كُنَّا عِنْدَكَ رَقَّتْ قُلُوبُنَا وَزَهَدْنَا فِي الدُّنْيَا وَكُنَّا مِنْ أَهْلِ الْآخِرَةِ، فَإِذَا خَرَجْنَا مِنْ عِنْدِكَ فَأَنَسْنَا أَهْلِيَنَا وَشَعْمَنَا أَوْلَادَنَا أَنْكَرْنَا أَنْفُسَنَا؟!

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَوْ أَنَّكُمْ تَكُونُونَ إِذَا خَرَجْتُمْ مِنْ عِنْدِي كُنْتُمْ عَلَيَّ حَالِكُمْ ذَلِكَ، لَزَارَتْكُمْ الْمَلَائِكَةُ فِي بُيُوتِكُمْ. ٢.

٩٩١. الكافي عن سلام بن المستنير: قَالَ حُمْرَانُ بْنُ أَعْيَنَ لِأَبِي جَعْفَرٍ ﷺ: أَخْبِرْكَ - أَطَالَ اللَّهُ بَقَاءَكَ لَنَا وَامْتَعَنَا بِكَ - أَنَا نَأْتِيكَ فَمَا نَخْرُجُ مِنْ عِنْدِكَ حَتَّى تَسْرِقَ قُلُوبُنَا وَتَسْلُوَ أَنْفُسَنَا عَنِ الدُّنْيَا، وَيَهْوَنَ عَلَيْنَا مَا فِي أَيْدِي النَّاسِ مِنْ هَذِهِ الْأَمْوَالِ، ثُمَّ نَخْرُجُ مِنْ عِنْدِكَ فَإِذَا صِرْنَا مَعَ النَّاسِ وَالتُّجَّارِ أَحْبَبْنَا الدُّنْيَا!

فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ﷺ: إِنَّمَا هِيَ الْقُلُوبُ مَرَّةً تَصْعُبُ وَمَرَّةً تَسْهَلُ.

ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ﷺ: أَمَا إِنَّ أَصْحَابَ مُحَمَّدٍ ﷺ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، نَخَافُ عَلَيْنَا النِّفَاقَ! فَقَالَ: وَلَمْ تَخَافُونَ ذَلِكَ؟ قَالُوا: إِذَا كُنَّا عِنْدَكَ فَذَكَّرْتَنَا وَرَغَّبْتَنَا

١. صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢١٠-٦، سنن الترمذي: ج ٤ ص ٦٦٦ ح ٢٥١٤، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٤١٦ ح ٤٢٣٩، مسند ابن حنبل: ج ٦ ص ١٩٠ ح ١٧٦٢١ وج ٧ ص ٣٢ ح ١٩٠٦٧ كلها نحوه، كنز العمال: ج ١ ص ٣٩٥ ح ١٦٩٦.

٢. سنن الترمذي: ج ٤ ص ٦٧٢ ح ٢٥٢٦، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ١٧١ ح ٨٠٤٩، الزهد لابن المبارك: ص ٢٨٠ ح ١٠٧٥، مسند الطيالسي: ص ٢٢٧ ح ٢٥٨٢ كلها نحوه وراجع صحيح ابن حبان: ج ٢ ص ٥٥ ح ٢٢٤ ومسند أبي يعلى: ج ٣ ص ٢٥٩ ح ٣٠٢٥ وص ٢٢٧ ح ٣٢٩١ وكنز العمال: ج ١ ص ٣٩٦ ح ١٦٩٨ وبحار الأنوار: ج ٦ ص ٤٢ ح ٧٨.

که نزد من دارید، دوام آورید، ... فرشتگان در بسترهایتان و در کوی و برزن‌هایتان با شما دست می‌دهند؛ اما - ای حنظله - آدمی هر ساعتی، حالتی دارد»، و سه بار این جمله را فرمود.

۹۹۰. سنن الترمذی - به نقل از ابو هریره - : [ما اصحاب پیامبر خدا ﷺ] گفتیم: ای پیامبر خدا! ما را چه می‌شود که وقتی نزد شما هستیم، دل‌هایمان نرم می‌شود، به دنیا بی‌رغبت می‌گردیم و آخرت‌گرا می‌شویم، و چون از نزد شما خارج می‌شویم و با زن و فرزندانمان دمخور می‌شویم، خودمان را از یاد می‌بریم؟

پیامبر خدا فرمود: «اگر به همان حالی که وقتی از نزد من خارج می‌شوید، باقی می‌ماندید، فرشتگان در خانه‌هایتان به دیدار شما می‌آمدند».

۹۹۱. الکافی - به نقل از سلام بن مستنیر - : حُمران بن أعین به امام باقر ﷺ گفت: خداوند، شما را برای ما پایدار بدارد و ما را از وجودتان بهره‌مند گرداند - به اطلاع شما می‌رسانم که ما وقتی خدمت شما می‌رسیم، تا زمانی که نزد شما هستیم، دل‌هایمان نرم‌اند و جان‌هایمان از دنیا بیزاراند و به این مال و منالی که در دست مردم است بی‌اعتنا [یم]؛ اما از نزد شما که می‌رویم و با مردم و تجار و کسبه محشور می‌شویم، دنیا دوست می‌گردیم!

امام باقر ﷺ فرمود: «دل است؛ گاه، سخت می‌شود و گاه، نرم».

امام باقر ﷺ سپس فرمود: «یاران محمد ﷺ گفتند: ای پیامبر خدا! ما از نفاق، بر خود می‌ترسیم!

فرمود: «چرا از آن می‌ترسید؟».

گفتند: زمانی که نزد شما هستیم و شما ما را موعظه می‌کنید و به آخرت

وَجَلْنَا^١ وَنَسِينَا الدُّنْيَا وَزَهَدْنَا، حَتَّى كَأَنَّا نُعَايِنُ الْآخِرَةَ وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ وَنَحْنُ عِنْدَكَ، فَإِذَا خَرَجْنَا مِنْ عِنْدِكَ وَدَخَلْنَا هَذِهِ الْبُيُوتَ وَشَمِمْنَا الْأَوْلَادَ وَرَأَيْنَا الْعِيَالَ وَالْأَهْلَ، يَكَادُ أَنْ نُحَوَّلَ عَنِ الْحَالِ الَّتِي كُنَّا عَلَيْهَا عِنْدَكَ، وَحَتَّى كَأَنَّا لَمْ نَكُنْ عَلَى شَيْءٍ، أَفَتَخَافُ عَلَيْنَا أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ نِفَاقًا؟

فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: كَلَّا، إِنَّ هَذِهِ خُطُوبَاتُ الشَّيْطَانِ فَيُرَغِّبُكُمْ فِي الدُّنْيَا، وَاللَّهُ لَوْ تَدُومُونَ عَلَى الْحَالَةِ الَّتِي وَصَفْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِهَا لَصَافَحْتَكُمْ الْمَلَائِكَةُ وَمَشَيْتُمْ عَلَى الْمَاءِ^٢.

١١/٣

النَّكْرَةُ بِالْوَجْهِ

٩٩٢. مصباح الزائر - عَنْ كِتَابِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سُفْيَانَ الْبَزَوْفَرِيِّ، فِي دُعَاءِ النَّدْبَةِ، وَذَكَرَ أَنَّهُ الدُّعَاءُ لِصَاحِبِ الزَّمَانِ ﷺ: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا جَرَى بِهِ قَضَاؤُكَ فِي أَوْلِيَائِكَ، الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَدِينِكَ، إِذْ اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيلَ مَا عِنْدَكَ مِنَ النِّعَمِ الْمُقِيمِ الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ وَلَا اضْمِحَالٍ، بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا الدَّنِيَّةِ وَزَبْرِجِهَا، فَشَرَطُوا لَكَ ذَلِكَ، وَعَلِمْتَ مِنْهُمْ الْوَفَاءَ بِهِ، فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ وَقَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيِّ، وَالثَّنَاءَ الْجَلِيلِيَّ، وَأَهْبَطْتَ عَلَيْهِمُ مَلَائِكَتَكَ، وَكَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ، وَرَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِكَ^٣.

١. الْوَجَلُ: الْخَوْفُ (الصَّحاح: ج ٥ ص ١٨٤٠ «وجل»).
٢. الْكَافِي: ج ٢ ص ٤٢٣ ح ١، تَفْسِيرُ الْعِيَالِي: ج ١ ص ١٠٩ ح ٣٢٧، تَنْبِيهِ الْخَوَاطِر: ج ٢ ص ٢١٠، بَحَارُ الْأَنْوَار: ج ٦ ص ٤١ ح ٧٨.
٣. مصباح الزائر: ص ٤٤٦ نقلًا عن كتاب محمد بن الحسين بن سنان البزوفري، الإقبال: ج ١ ص ٥٠٤، بَحَارُ الْأَنْوَار: ج ١٠٢ ص ١٠٤.

تشویق می‌نمایید، می‌ترسیم و دنیا را فراموش می‌کنیم و به آن بی‌رغبت می‌شویم، تا آن جا که گویا آخرت و بهشت و دوزخ را می‌بینیم؛ اما همین که از خدمت شما می‌رویم و داخل این خانه‌ها می‌شویم و فرزندانمان را می‌بوییم و اهل و عیالمان را می‌بینیم، تقریباً از آن حالی که در نزد شما داشتیم، بر می‌گردیم، به طوری که گویی اصلاً چنان حالی نداشته‌ایم! آیا بیم آن دارید که این حالت ما، نفاق باشد؟

پیامبر خدا به آنان فرمود: «هرگز. اینها گام‌ها [و سوسه‌ها]ی شیطان‌اند که شما را به دنیا تشویق می‌کند. به خدا سوگند، اگر به همان حالی که گفتید، باقی بمانید، فرشتگان با شما دست می‌دهند و بر آب راه می‌روید».



۹۹۲. مصباح الزائر - به نقل از کتاب محمد بن حسین بن سفیان بَزوفری، در دعای ندبه، و گفته است که این، دعای صاحب الزمان علیه السلام است - : بار خدایا! سپاس، تو راست بر آنچه به قضای تو بر اولیای گذشت؛ همانان که آنان را برای خودت و دینت برگزیدی؛ چرا که نعمت‌های فراوانِ ماندگار و زوال‌ناپذیر و از بین نرفتنی را - که نزد توست - برای آنان انتخاب کردی، پس از آن که با آنان شرط کردی که از مقامات و زینت این دنیای پست، چشم‌پوشند، و آنان هم این شرط تو را پذیرفتند، و دانستی که به این شرط، وفا می‌کنند. پس، آنان را پذیرفتی و مقرب درگاه خویش نمودی و نامشان را بلند داشتی و آشکارا آنان را ستوده، فرشتگان را بر آنان فرو فرستادی، و به وحی خویش سرافرازشان نموده، از دانش خود عطایشان کردی.

١٢/٣

كَرَامَةُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

أ - الْعِزَّةُ

٩٩٣ . رسول الله ﷺ: مَا مِنْ عَبْدٍ يَدْعُ الدُّنْيَا إِلَّا لَمْ يَزَلْ عَزِيزاً فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَخَافُهُ النَّاسُ مَا دَامَ فِي حَالِهِ^١.

٩٩٤ . الإمام علي عليه السلام: مَنْ سَلَاحَ عَنْ مَوَاهِبِ الدُّنْيَا عَزَّ^٢.

ب - السَّعَادَةُ

٩٩٥ . رسول الله ﷺ: قَدْ أَفْلَحَ الْمُزْهِدُ الْمُجْهَدُ^٣ - ثَلَاثاً - : الْمُزْهِدُ فِي الْعَيْشِ الْمُجْهَدُ فِي الْعِبَادَةِ^٤.

٩٩٦ . الإمام علي عليه السلام: إِعْزَفَ عَنْ دُنْيَاكَ، تَسْعَدَ بِمُنْقَلَبِكَ وَتُصْلِحَ مَتَوَاكَ^٥.

٩٩٧ . عنه عليه السلام: أَسْعَدُ النَّاسِ بِالدُّنْيَا التَّارِكُ لَهَا، وَأَسْعَدُهُمْ بِالْآخِرَةِ الْعَامِلُ لَهَا^٦.

٩٩٨ . عنه عليه السلام: أَعْظَمُ النَّاسِ سَعَادَةً أَكْثَرُهُمْ زَهَادَةً^٧.

٩٩٩ . عنه عليه السلام: إِنَّكُمْ إِنْ زَهَدْتُمْ خَلَصْتُمْ مِنْ شَقَاءِ الدُّنْيَا، وَفُزْتُمْ بِدَارِ الْبَقَاءِ^٨.

١ . الفردوس: ج ٤ ص ٨ ح ٦٠٢٠ عن أبي هريرة.

٢ . غرر الحكم: ح ٩١٨٤.

٣ . جَهْدُ الرَّجُلِ فِي كَذَا: أَيُ جَدُّ فِيهِ وَيَأْلَعُ (لسان العرب: ج ٣ ص ١٣٣ «جهد»).

٤ . مسند ابن حنبل: ج ٧ ص ٣٠٢ ح ٢٠٣٨٢. الدر المنثور: ج ٤ ص ٢٥٣ نقلاً عن عبد الله بن أحمد في زوائد الزهد وليس فيه ذيله.

٥ . غرر الحكم: ح ٢٢٩٨. عيون الحكم والمواعظ: ص ٧٨ ح ١٨٨١ وفيه «أعزب» بدل «اعزف».

٦ . غرر الحكم: ح ٣٣١٠. عيون الحكم والمواعظ: ص ١٢٥ ح ٢٨٣٩.

٧ . غرر الحكم: ح ٣١٠٠. عيون الحكم والمواعظ: ص ١١٢ ح ٢٤٤٨.

٨ . غرر الحكم: ح ٣٨٤٦. عيون الحكم والمواعظ: ص ١٧٢ ح ٣٦٠٨.

۱۲/۳

کرامت دنیا و آخرت

الف - عزتمندی

۹۹۳. پیامبر خدا ﷺ: هیچ بنده‌ای نیست که دنیا را وانهد، مگر آن که پیوسته در دنیا و آخرت، عزتمند است و تا زمانی که بر آن حال است، هیبت او در دل مردم خواهد بود.

۹۹۴. امام علی علیه السلام: هر که از مواهب دنیا چشم بپوشد، عزت می‌یابد.

ب - نیک‌بختی

۹۹۵. پیامبر خدا ﷺ: رستگار است بی‌اعتنای سختکوش: بی‌اعتنا به زندگی، و سختکوش در عبادت (سه بار).

۹۹۶. امام علی علیه السلام: از دنیایت دل برکن تا در بازگشتگاهت نیک‌بخت شوی و خانه‌ات (آخرت) را آباد کنی.

۹۹۷. امام علی علیه السلام: بهره‌مندترین مردم از دنیا، کسی است که آن را ترک گوید، و بهره‌مندترین مردم از آخرت، کسی است که برای آن کار کند.

۹۹۸. امام علی علیه السلام: نیک‌بخت‌ترین مردم، زاهدترین آنهاست.

۹۹۹. امام علی علیه السلام: به یقین اگر زهد بورزید، از بدبختی‌های دنیا خلاص می‌شوید و به سرای جاودانگی دست می‌یابید.

١٠٠٠ . عنه عليه السلام: إِنَّ السُّعْدَاءَ بِالدُّنْيَا غَدَا هُمْ الْهَارِبُونَ مِنْهَا الْيَوْمَ.^١

ج - النَّجَاح

١٠٠١ . الإمام علي عليه السلام: فِي الْعُزُوفِ عَنِ الدُّنْيَا دَرَكُ النَّجَاحِ.^٢

١٠٠٢ . عنه عليه السلام: زُهْدُكَ فِي الدُّنْيَا يُنْجِيكَ.^٣

١٠٠٣ . الإمام الرضا عليه السلام: بِالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا أَرْجُو النَّجَاةَ مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا.^٤

د - الرَّحْمَةُ

١٠٠٤ . الإمام علي عليه السلام: إِزْهَدْ فِي الدُّنْيَا تَنْزِلَ عَلَيْكَ الرَّحْمَةُ.^٥

هـ - الْغَنِيْمَةُ

١٠٠٥ . الإمام علي عليه السلام: خَالَفَ الْهَوَى تَسَلَّمَ، وَأَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيَا تَغْنَمَ.^٦

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

و - كُلُّ دَرَجَةٍ رَفِيعَةٍ

١٠٠٦ . رسول الله صلى الله عليه وآله: عَلَامَةُ الْوَرَعِ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا، فَمَنْ تَمَسَّكَ بِالْوَرَعِ وَالزُّهْدِ بَلَغَاهُ كُلُّ

دَرَجَةٍ رَفِيعَةٍ، وَمَنْ تَخَلَّى مِنْهُمَا لَقِيتَنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى غَيْرِ مِلَّتِي.^٧

١ . نهج البلاغة: الخطبة ٢٢٣، غرر الحكم: ح ٣٥٦٢، بحار الأنوار: ج ٧ ص ١١٥ ح ٥١.

٢ . غرر الحكم: ح ٦٤٤٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٥٤ ح ٥٩٩٣.

٣ . غرر الحكم: ح ٥٤٧٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٧٦ ح ٥٠٣١.

٤ . عيون أخبار الرضا: ج ٢ ص ١٣٩ ح ٣، علل الشرائع: ص ٢٣٧ ح ١، الأمالي للصدوق: ص ١٢٥ ح ١١٥.

روضة الواعظين: ص ٢٤٦ كلها عن أبي الصلت الهروي، المناقب لابن شهر آشوب: ج ٢ ص ٣٦٢ عن

أبي الصلت وياسر وغيرهما، بحار الأنوار: ج ٤٩ ص ١٢٩ ح ٣.

٥ . غرر الحكم: ح ٢٢٧٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٨٣ ح ١٩٩٢.

٦ . غرر الحكم: ح ٥٠٦١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٤١ ح ٤٥٩٩.

٧ . الفردوس: ج ١ ص ٢٠٥ ح ٧٨٥ عن ابن مسعود.

۱۰۰۰. امام علی علیه السلام: بهره‌مندترین افراد از دنیا در فردای قیامت، کسانی هستند که امروز از آن می‌گریزند.

ج - کامیابی

۱۰۰۱. امام علی علیه السلام: کامیابی، در گرو دل بر کندن از دنیا است.
۱۰۰۲. امام علی علیه السلام: دل بر کندن تو از دنیا، تو را نجات می‌دهد.
۱۰۰۳. امام رضا علیه السلام: با زهد در دنیا است که به رهایی از شر دنیا امیدوارم.

د - رحمت دیدن

۱۰۰۴. امام علی علیه السلام: در دنیا زاهد باش تا رحمت بر تو نازل شود.

ه - غنیمت بردن:

۱۰۰۵. امام علی علیه السلام: با هوای نفس، مخالفت کن تا به سلامت بمانی، و از دنیا روی گردان تا غنیمت^۱ ببری.

و - رسیدن به همه درجات بالا

۱۰۰۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نشانه پارسایی، زهد در دنیا است. پس، هر که به پارسایی و زهد چنگ در زند، این دو او را به هر درجه بالایی می‌رسانند، و هر که از این دو، دست کشد، روز قیامت برابر غیر آیین من دیدار می‌کند.

۱. غنیمت در لغت، به معنای سود و درآمد است. در اصطلاح، به مالی گفته می‌شود که از سرزمین دشمن به دست می‌آید (غریب الحدیث، ابن قتیبه: «غنم»، مجمع البحرین: «غنم»).

ز - الجنة

١٠٠٧ . رسول الله ﷺ: إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - نَاجِي مُوسَى ﷺ فَكَانَ فِيهَا نَاجَاهُ أَنْ قَالَ:
يَا مُوسَى... أَمَّا الزَّاهِدُونَ فِي الدُّنْيَا، فَإِنِّي أَمْنَحُهُمْ جَنَّتِي يَتَبَوَّؤْنَ مِنْهَا حَيْثُ
شَاءُوا.^١

١٠٠٨ . الإمام علي عليه السلام: مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا، قَرَّتْ عَيْنُهُ بِجَنَّةِ الْمَأْوَى.^٢

١٠٠٩ . عنه عليه السلام: أَعْرِضْ عَنِ الدُّنْيَا، تَسْكُنْ جَنَّةَ الْمَأْوَى.^٣

١٠١٠ . عنه عليه السلام: مَنْ لَمْ يَزْهَدْ فِي الدُّنْيَا، لَمْ يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ فِي جَنَّةِ الْمَأْوَى.^٤

١٠١١ . عنه عليه السلام: مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا، قَرَّتْ عَيْنُهُ بِمَا يَرَى مِنْ ثَوَابِ اللَّهِ ﷻ.^٥

١٠١٢ . الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ فِيهَا نَاجِي بِهِنَّ اللَّهُ ﷻ مُوسَى ﷺ عَلَى الطَّوْرِ: أَنْ يَا مُوسَى... أَمَّا
الْمُتَّقِرُونَ إِلَيَّ بِالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا، فَإِنِّي أَمْنَحُهُمُ الْجَنَّةَ بِخِذَائِهَا يَتَبَوَّؤْنَ مِنْهَا
حَيْثُ يَشَاءُونَ.^٦

١٠١٣ . الإمام الصادق عليه السلام - فِي وَصِيَّتِهِ لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ - : يَا بْنَ جُنْدَبٍ، إِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ
تُجَاوِرَ الْجَلِيلَ فِي دَارِهِ، وَتَسْكُنَ الْفِرْدَوْسَ فِي جَوَارِهِ، فَلْتَهْنِ عَلَيْكَ الدُّنْيَا،
وَاجْعَلِ الْمَوْتَ نُصَبَ عَيْنِكَ، وَلَا تَدْخِرْ شَيْئاً لِغَدٍ، وَاعْلَمْ أَنَّ لَكَ مَا قَدَّمْتَ
وَعَلَيْكَ مَا أَخَّرْتَ.^٧

١ . شعب الإيمان: ج ٧ ص ٣٤٥ ح ١٠٥٢٧ عن ابن عباس، كنز العمال: ج ٣ ص ٧٢٣ ح ٨٥٧٨.

٢ . غرر الحكم: ج ٩٠٧٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٢٥ ح ٧٢٠٦.

٣ . غرر الحكم: ج ٥٨٣٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٠١ ح ٥٣٤٥.

٤ . غرر الحكم: ج ٩٠٩٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٦٥ ح ٨٤٦٩.

٥ . الأمالي للمفيد: ص ١١٩ ح ٣ عن الحسن بن أبي الحسن البصري، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٤٢٢ ح ٤١.

٦ . ثواب الأعمال: ص ٢٠٥ ح ١ عن الوصافي، بحار الأنوار: ج ١٣ ص ٣٤٩ ح ٢٧.

٧ . تحف العقول: ص ٣٠٤، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٨٢ ح ١.

ز - اقامت در بهشت

۱۰۰۷. پیامبر خدا ﷺ: خداوند - تبارک و تعالی - با موسی ﷺ به نجوا پرداخت و از جمله نجواهایش این بود که گفت: «ای موسی!... من بهشت خویش را تقدیم زاهدان در دنیا می‌کنم و در هر کجای آن که می‌خواهند، ساکن شوند».

۱۰۰۸. امام علی ﷺ: هر که چشم از دنیا بپوشد، چشمش به بهشت برین روشن می‌گردد.

۱۰۰۹. امام علی ﷺ: از دنیا روی بگردان تا در بهشت برین ساکن شوی.

۱۰۱۰. امام علی ﷺ: هر که دل از دنیا بر نکند، او را در بهشت برین سهمی نیست.

۱۰۱۱. امام علی ﷺ: هر که در دنیا زهد بورزد، دیده‌اش به پاداش خداوند ﷻ روشن می‌گردد.

۱۰۱۲. امام باقر ﷺ: از نجواهای خداوند با موسی ﷺ بر فراز کوه طور، این بود که: «ای موسی!... به آنان که بازهدورزی در دنیا خود را مقرب من می‌سازند، همه بهشت را عطا می‌کنم و در هر کجای آن که بخواهند، جای می‌گیرند».

۱۰۱۳. امام صادق ﷺ: در توصیه‌هایش به عبد الله بن جندب - ای پسر جندب! اگر دوست داری که همجوار خداوند باشکوه در سرایش گردی، و در بهشت در همسایگی او ساکن شوی، باید دنیا در نظرت خوار باشد، و [نیز] مرگ را در برابر چشم‌ت قرار بده، و چیزی برای فردایت پس‌انداز مکن، و بدان که آنچه را [برای قیامت] پیش بفرستی، همان از آن توست و آنچه بر جای بگذاری، به زیان توست.

الفصل الرابع مبادئ الزهد

١/٣
العقل

١٠١٤ . رسول الله ﷺ: إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - خَلَقَ الْعَقْلَ مِنْ نُورٍ مَخْزُونٍ مَكْنُونٍ^١ فِي سَابِقِ عِلْمِهِ الَّذِي لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهِ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَلَا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، فَجَعَلَ الْعِلْمَ نَفْسَهُ، وَالْفَهْمَ رُوحَهُ، وَالزُّهْدَ رَأْسَهُ^٢.

١٠١٥ . الإمام علي عليه السلام: ثَمَرَةُ الْعَقْلِ مَقْتُ الدُّنْيَا، وَقَمْعُ الْهَوَى^٣.

١٠١٦ . عنه عليه السلام: الْعَاقِلُ مَنْ يَزْهَدُ فِيمَا يَرْغَبُ فِيهِ الْجَاهِلُ^٤.

١٠١٧ . عنه عليه السلام: الْعَاقِلُ مَنْ زَهَدَ فِي دُنْيَا فَانِيَةٍ دَيِّمَةٍ، وَرَغِبَ فِي جَنَّةٍ سَنِيَّةٍ خَالِدَةٍ عَالِيَةٍ^٥.

١ . مَكْنُونٌ: أَيُّ مُسْتَوْرٍ (تاج العروس: ج ١٨ ص ٢٨٥ «كنن»).

٢ . معاني الأخبار: ص ٣١٣ ح ١ عن أبي زيد عباس بن يزيد بن الحسين الكحل عن أبيه عن الإمام الكاظم عن آبائه عليه السلام: الخصال: ص ٢٢٧ ح ٤ عن يزيد بن الحسن عن الإمام الكاظم عن آبائه عليه السلام: روضة الواعظين: ص ٧ وفيه «وجهه» بدل «روحه». بحار الأنوار: ج ١ ص ١٠٧ ح ٣.

٣ . غرر الحكم: ح ٤٦٥٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٠٨ ح ٢١٥٧.

٤ . غرر الحكم: ح ١٥٢٣، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٨ ح ١٢٢٦.

٥ . غرر الحكم: ح ١٨٦٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٦ ح ١٢٣٥.

فصل چهارم

زمینه های زهد

۱/۴

حَسْرَت

۱۰۱۴. پیامبر خدا ﷺ: خداوند - تبارک و تعالی - خِرَد را از نوری آفریده که در دانش پیشینش اندوخته و نهفته بود و هیچ پیامبر مُرْسَل و فرشته مقرب، از آن مطلع نبود. آن گاه، دانش را نفس آن، فهم را روحش، و زهد را سرش... قرار داد.

۱۰۱۵. امام علی علیه السلام: میوه خِرَد، بیزاری از دنیا و مهار کردن هوس است.

۱۰۱۶. امام علی علیه السلام: خردمند، کسی است که به آنچه نادان رغبت دارد، بی رغبت است.

۱۰۱۷. امام علی علیه السلام: خردمند، کسی است که از دنیای فناپذیر پست، چشم بپوشد و

بهشت برین جاوید و بلندمرتبه را بخواهد.

١٠١٨ . عنه عليه السلام: مَنْ سَخَتْ نَفْسُهُ عَنْ مَوَاهِبِ الدُّنْيَا، فَقَدْ اسْتَكْمَلَ الْعَقْلَ.^١

١٠١٩ . عنه عليه السلام: كُنْ زَاهِداً فِيمَا يَرْغَبُ فِيهِ الْجَهْلُ.^٢

١٠٢٠ . الإمام الكاظم عليه السلام - لهشام بن الحكم - : يا هشام، إِنَّ الْعَاقِلَ نَظَرَ إِلَى الدُّنْيَا وَإِلَى أَهْلِهَا فَعَلِمَ أَنَّهَا لَا تُنَالُ إِلَّا بِالمَشَقَّةِ، وَنَظَرَ إِلَى الْآخِرَةِ فَعَلِمَ أَنَّهَا لَا تُنَالُ إِلَّا بِالمَشَقَّةِ، فَطَلَبَ بِالمَشَقَّةِ أَبْقَاهُمَا.

يا هشام، إِنَّ الْعُقَلَاءَ زَهَدُوا فِي الدُّنْيَا وَرَغَبُوا فِي الْآخِرَةِ؛ لِأَنَّهُمْ عَلِمُوا أَنَّ الدُّنْيَا طَالِبَةٌ مَطْلُوبَةٌ، وَالْآخِرَةُ طَالِبَةٌ وَمَطْلُوبَةٌ، فَمَنْ طَلَبَ الْآخِرَةَ طَلَبَتْهُ الدُّنْيَا حَتَّى يَسْتَوْفِيَ مِنْهَا رِزْقَهُ، وَمَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا طَلَبَتْهُ الْآخِرَةُ فَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ فَيُفْسِدُ عَلَيْهِ دُنْيَاهُ وَآخِرَتَهُ.^٣

راجع: ص ٤ (مبادئ حب الدنيا / الجهل، الحمق).

مرکز تحقیقات قرآنی
٢/٤
مَعْرِفَةُ اللَّهِ

١٠٢١ . الكافي عن جميل بن دراج عن الإمام الصادق عليه السلام: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي فَضْلِ مَعْرِفَةِ اللَّهِ ﷻ مَا مَدَّوْا أَعْيُنَهُمْ إِلَى مَا مَتَّعَ اللَّهُ بِهِ الْأَعْدَاءَ مِنْ زَهْرَةِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَنَعِيمِهَا، وَكَانَتْ دُنْيَاهُمْ أَقْلَ عِنْدَهُمْ مِمَّا يَطْؤُونَهُ بِأَرْجُلِهِمْ، وَلَنَعُمُوا بِمَعْرِفَةِ اللَّهِ - جَلَّ وَعَزَّ - وَتَلَذَّذُوا بِهَا تَلَذُّذَ مَنْ لَمْ يَزَلْ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَانِ مَعَ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ. إِنَّ مَعْرِفَةَ اللَّهِ ﷻ أَنْسَ مِنْ كُلِّ وَحْشَةٍ، وَصَاحِبٌ مِنْ كُلِّ وَحْدَةٍ، وَنُورٌ مِنْ كُلِّ

١ . غرر الحكم: ح ٨٩٠٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٢٢ ح ٧٤٩٠.

٢ . غرر الحكم: ح ٧١٤٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٩٣ ح ٦٦٥٧ وفيه «الجاهل».

٣ . الكافي: ج ١ ص ١٨ ح ١٢ عن هشام بن الحكم وراجع تحف العقول: ص ٣٨٧ وبحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٣٠١ ح ١.

۱۰۱۸. امام علی علیه السلام: کسی که از مواهب دنیا سخاوتمندانه می‌گذرد، خیرد را به کمال رسانیده است.

۱۰۱۹. امام علی علیه السلام: به آنچه نادان رغبت دارد، تو بی رغبت باش.

۱۰۲۰. امام کاظم علیه السلام - به هشام بن حکم - : ای هشام! خردمند، درباره دنیا و اهل آن اندیشید و دریافت که دنیا جز با رنج به دست نمی‌آید، و درباره آخرت نیز اندیشید و دریافت که به آن نیز جز با رنج نمی‌توان رسید. پس با قبول رنج، در طلب پاینده‌تر از آن دو بر آمد.

ای هشام! خردمندان، از دنیا دل بر کنند و به آخرت، دل بستند؛ زیرا دریافتند که دنیا خواهان است و خواسته شده و آخرت نیز خواهان است و خواسته شده، و کسی که آخرت را بطلبد، دنیا در طلب او بر می‌آید تا او روزی‌اش را به طور کامل از دنیا برگیرد، و کسی که دنیا را طلب کند، آخرت در طلب او بر می‌آید. و موگش در می‌رسد و دنیا و آخرتش را بر او تباه می‌گرداند.

ر. ک: ص ۷ (ریشه‌های دنیا دوستی / نادانی، کم‌خردی).

۲/۴

شناخت خدا

۱۰۲۱. الکافی - به نقل از جمیل بن درّاج - : امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر مردم بدانند که شناخت خداوند تعالی چه ارزشی دارد، هرگز به زرق و برق و ناز و نعمت زندگی دنیا - که خداوند، دشمنان را از آنها برخوردار ساخته است - چشم نمی‌داشتند، و دنیایشان در نظرشان بی‌ارزش‌تر از خاک زیر پایشان می‌بود، و از نعمت شناخت خداوند تعالی برخوردار می‌شدند و از آن، چنان لذت می‌بردند که شخص از بودن در باغ‌های بهشت به همراه اولیای خدا لذت می‌برد. شناخت خداوند تعالی، زداینده هر دلت‌نگی، و یار هر تنهایی،

ظُلْمَةٍ، وَقُوَّةٌ مِنْ كُلِّ ضَعْفٍ، وَشِفَاءٌ مِنْ كُلِّ سَقَمٍ.

ثُمَّ قَالَ ﷺ: وَقَدْ كَانَ قَبْلَكُمْ قَوْمٌ يُقْتَلُونَ وَيُحْرَقُونَ وَيُنْشَرُونَ بِالْمَنَاشِيرِ وَتَضِيقُ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِرُحْبِهَا، فَمَا يَرُدُّهُمْ عَمَّا هُمْ عَلَيْهِ شَيْءٌ مِمَّا هُمْ فِيهِ، مِنْ غَيْرِ تَرَةٍ وَتَرَوُا مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ بِهِمْ وَلَا أَدَى، بَلْ مَا تَقَمَّوْا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ^١، فَاسْأَلُوا رَبَّكُمْ دَرَجَاتِهِمْ، وَاصْبِرُوا عَلَى نَوَائِبِ دَهْرِكُمْ؛ تُدْرِكُوا سَعْيَهُمْ^٢.

١٠٢٢. الإمام الصادق ﷺ: إِنَّ أَعْلَمَ النَّاسِ بِاللَّهِ أَخَوْفُهُمْ مِنْهُ، وَأَخْشَاهُمْ لَهُ^٣، وَأَزْهَدُهُمْ فِي الدُّنْيَا^٥.

١٠٢٣. عنه ﷺ: إِنَّ أَعْلَمَ النَّاسِ بِاللَّهِ أَخَوْفُهُمْ لِلَّهِ، وَأَخَوْفُهُمْ لَهُ أَعْلَمُهُمْ بِهِ، وَأَعْلَمُهُمْ بِهِ أَزْهَدُهُمْ فِيهَا^٦.

١٠٢٤. عنه ﷺ: مَنْ عَرَفَ اللَّهَ خَافَ اللَّهَ، وَمَنْ خَافَ اللَّهَ سَخَتْ نَفْسُهُ^٧ عَنِ الدُّنْيَا^٨.

١. الوتر: الجنایة التي يجنيها الرجل على غيره من قتل أو سبي (النهاية: ج ٥ ص ١٢٨ «وتر»).

٢. إشارة إلى الآية ٨ من سورة البروج.

٣. الكافي: ج ٨ ص ٢٤٧ ح ٣٤٧.

٤. الفرق بين الخوف والخشية: الخشية: خوف يشوبه تعظيم، وأكثر ما يكون ذلك عن علم بما يخشى منه، ولذلك خص العلماء بها. الخوف: توقع مكروه عن أماراة مظنونة أو معلومة، ويضاد الخوف الأمن (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٢٨٣ «خشى» وص ٣٠٣ «خوف»).

٥. إرشاد القلوب: ص ١٠٦.

٦. تفسير القمي: ج ٢ ص ١٤٦ عن حفص بن غياث، بحار الأنوار: ج ٢ ص ٢٧ ح ٥.

٧. سَخِيَتْ نَفْسِي عَنْ الشَّيْءِ: إِذَا تَرَكْتَهُ (الصحاح: ج ٦ ص ٢٢٧٣ «سَخَا»).

٨. الكافي: ج ٢ ص ٦٨ ح ٤ عن أبي حمزة، تحف العقول: ص ٣٦٢، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا ﷺ:

ص ٣٨١، مشكاة الأنوار: ص ٢١١ ح ٥٧٢، بحار الأنوار: ج ٧ ص ٢٥٧ ح ٣.

و روشنایی بخش هر تاریکی، و نیرو دهنده هر ضعفی، و شفای هر دردی است.»

سپس فرمود: «پیش از شما مردمانی بودند که کشته و سوزانده و آزه می‌شدند و زمین، با همه فراخی‌اش، بر آنان تنگ می‌شد؛ اما هیچ یک از این کارها آنان را از راه و عقیده‌شان باز نمی‌داشت. آن مردمان، نه جنایتی کرده بودند که چنان از آنها انتقام گرفته شود و نه آزاری رسانده بودند؛ بلکه تنها به این سبب از آنان انتقام گرفتند که به خداوند شکست‌ناپذیر ستوده، ایمان آورده بودند. پس، از پروردگارتان [برای خود،] درجات آنان را مسئلت کنید و در برابر بلاهای روزگارتان، شکیبایی ورزید تا به مقام آنان دست یابید.»

۱۰۲۲. امام صادق علیه السلام: داناترین مردم به خدا، با خوف و خشیت‌ترین مردم از او و بی‌رغبت‌ترین آنان به دنیا است.

۱۰۲۳. امام صادق علیه السلام: خداشناس‌ترین مردم، خدا ترس‌ترین آنهاست، و خدا ترس‌ترین مردم، خداشناس‌ترین آنهاست، و خداشناس‌ترین مردم، زاهدترین آنان در دنیا است.

۱۰۲۴. امام صادق علیه السلام: هر که خدا را شناخت، از خدا ترسید و هر که از خدا ترسید، دل از دنیا بر کند.

۱. فرق میان خوف و خشیت، این است که: خشیت، ترس آمیخته با تعظیم و بیشتر ناشی از شناخت است.

٣/٢

مَعْرِفَةُ الدُّنْيَا

الكتاب

﴿اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَمًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ﴾.^١

الحديث

١٠٢٥ . المُسْتَدْرَكُ عَلَى الصَّحِيحَيْنِ عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ: تَلَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: ﴿فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ، يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ﴾^٢، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ النُّورَ إِذَا دَخَلَ الصَّدْرَ انْفَسَحَ، فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَلْ لِدَٰلِكَ مِنْ عِلْمٍ يُعْرَفُ؟
قَالَ: نَعَمْ، التَّجَافِي^٣ عَنِ دَارِ الْغُرُورِ، وَالْإِنَابَةُ^٤ إِلَى دَارِ الْخُلُودِ، وَالِاسْتِعْدَادُ لِلْمَوْتِ قَبْلَ نُزُولِهِ.^٥

١٠٢٦ . رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَوْ تَعْلَمُونَ مِنَ الدُّنْيَا مَا أَعْلَمَ لَاسْتَرَأَيْتُمْ أَنْفُسَكُمْ مِنْهَا.^٦

١٠٢٧ . الْإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ: يَنْبَغِي لِمَنْ عَلِمَ سُرْعَةَ زَوَالِ الدُّنْيَا أَنْ يَزْهَدَ فِيهَا.^٧

١ . الحديد: ٢٠.

٢ . الأنعام: ١٢٥.

٣ . التَّجَافِي: هُوَ مِنَ الْجَفَاءِ: الْبُعْدُ عَنِ الشَّيْءِ (النهاية: ج ١ ص ٢٨٠ «جفا»).

٤ . الْإِنَابَةُ: الرَّجُوعُ (المصباح المنير: ص ٦٢٩ «ناب»).

٥ . الْمُسْتَدْرَكُ عَلَى الصَّحِيحَيْنِ: ج ٤ ص ٣٤٦ ح ٧٨٦٣. كُنُزُ الْعَمَالِ: ج ١ ص ٧٦ ح ٣٠٢.

٦ . شُعَبُ الْإِيمَانِ: ج ٧ ص ٢٨٦ ح ١٠٢٣٠ عَنْ عُرْوَةَ بْنِ الزُّبَيْرِ، الْمُسْتَدْرَكُ عَلَى الصَّحِيحَيْنِ: ج ٣ ص ٧٢٨ ح ٦٦٤٠ عَنْ الزُّبَيْرِ، كُنُزُ الْعَمَالِ: ج ٣ ص ١٩٤ ح ٦١٣٠.

٧ . غُرَرُ الْحِكْمِ: ح ١٠٩٣٣، عَيُونُ الْحِكْمِ وَالْمَوَاعِظُ: ص ٥٤٩ ح ١٠١٣٠.

۳/۴

شناخت دنیا

قرآن

«بدانید که زندگی دنیا چیزی جز بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشی میان شما و فزون‌جویی در اموال و فرزندان نیست. [مثل آنها] چون مثل بارانی است که رُستنی آن، کشاورزان را به شگفتی می‌اندازد. سپس [آن رُستنی]، خشک می‌شود و آن را زرد می‌بینی، آن گاه خاشاک می‌شود. و در آخرت، [دنیاپرستان را] عذابی سخت است و [مؤمنان را] از جانب خدا آمرزش و خشنودی است، و زندگی دنیا جز کالای فریبنده نیست».

حدیث

۱۰۲۵. المستدرک علی الصحیحین - به نقل از ابن مسعود -: پیامبر خدا این آیه را تلاوت فرمود: «خداوند، هر کس را که بخواهد هدایت کند، سینه او را برای اسلام می‌گشاید». سپس فرمود: «نور، هر گاه به سینه در آید، سینه گشاده می‌گردد». گفته شد: ای پیامبر خدا! آیا علامتی برای شناخت این امر، وجود دارد؟ فرمود: «آری؛ دوری گزیدن از سرای فریب و باطل، روی آوردن به سرای جاودانگی، و آماده شدن برای مرگ پیش از فرارسیدن آن».
۱۰۲۶. پیامبر خدا ﷺ: اگر آنچه را من از دنیا می‌دانم، شما می‌دانستید، جان‌هایتان از [هم و غم‌های] آن می‌آسود.
۱۰۲۷. امام علی علیه السلام: کسی که می‌داند دنیا با چه سرعتی زوال می‌یابد، سزاوار است که به آن، زهد بورزد.

١٠٢٨ . عنه عليه السلام: كُونُوا مِمَّنْ عَرَفَ فَنَاءَ الدُّنْيَا فَرَّهَدَ فِيهَا، وَعَلِمَ بَقَاءَ الْآخِرَةِ فَعَمِلَ لَهَا. ١.

١٠٢٩ . عنه عليه السلام: يَسِيرُ الْمَعْرِفَةِ يَوْجِبُ الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا. ٢.

١٠٣٠ . عنه عليه السلام: ثَمَرَةُ الْمَعْرِفَةِ الْعُزُوفُ عَنِ دَارِ الْفَنَاءِ. ٣.

١٠٣١ . عنه عليه السلام: مَنْ صَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ، انصَرَفَتْ عَنِ الْعَالَمِ الْفَانِي نَفْسُهُ وَهَمَّتُهُ. ٤.

١٠٣٢ . عنه عليه السلام: مَنْ عَرَفَ الدُّنْيَا تَزَهَّدَ. ٥.

١٠٣٣ . عنه عليه السلام: مَنْ عَرَفَ خِدَاعَ الدُّنْيَا لَمْ يَغْتَرَّ مِنْهَا بِمُحَالَاتِ الْأَحْلَامِ. ٦.

١٠٣٤ . عنه عليه السلام: أَحَقُّ النَّاسِ بِالزَّهَادَةِ مَنْ عَرَفَ نَقْصَ الدُّنْيَا. ٧.

١٠٣٥ . عنه عليه السلام: يَنْبَغِي لِمَنْ عَرَفَ الدُّنْيَا أَنْ يَزْهَدَ فِيهَا وَيَعْرِفَ عَنْهَا. ٨.

١٠٣٦ . عنه عليه السلام: مَنْ عَرَفَ الدُّنْيَا لَمْ يَحْزَنْ عَلَى مَا أَصَابَهُ. ٩.

١٠٣٧ . عنه عليه السلام: الْعَالِمُ هُوَ الْهَارِبُ مِنَ الدُّنْيَا لَا الرَّاعِبُ فِيهَا؛ لِأَنَّ عِلْمَهُ دَلَّ عَلَى أَنَّهُ سَمٌّ قَاتِلٌ فَحَمَلَهُ عَنِ الْهَرَبِ مِنَ الْهَلَكَةِ، فَإِذَا التَّقَمَّ السَّمَّ عَرَفَ النَّاسُ أَنَّهُ كَاذِبٌ فِيمَا يَقُولُ. ١٠.

١. غرر الحكم: ح ٧١٩١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٩٦ ح ٦٦٩١.

٢. غرر الحكم: ح ١٠٩٨٤.

٣. غرر الحكم: ح ٤٦٥١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٠٨ ح ٤١٥٦ نحوه.

٤. غرر الحكم: ح ٩١٤٢.

٥. غرر الحكم: ح ٧٨٣١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٥٢ ح ٨١٠٣.

٦. غرر الحكم: ح ٨٩٣٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٦٣ ح ٨٤٢٥.

٧. غرر الحكم: ح ٣٢٠٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٢٢ ح ٢٧٧٤ وفيه «أعرف» بدل «أحق».

٨. غرر الحكم: ح ١٠٩٢٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٥٥ ح ١٠٢٢٨.

٩. غرر الحكم: ح ٨٩٣٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٣٥ ح ٧٥١٦.

١٠. إرشاد القلوب: ص ١٥.

۱۰۲۸. امام علی علیه السلام: از کسانی باشید که فناپذیری دنیا را شناختند و از این روبه آن بی‌رغبت شدند، و ماندگاری آخرت را دانستند، پس برای آن کار کردند.

۱۰۲۹. امام علی علیه السلام: اندکی شناخت، موجب زهدورزی در دنیا می‌شود.

۱۰۳۰. امام علی علیه السلام: ثمره شناخت، روی‌گردانی از سرای نیستی است.

۱۰۳۱. امام علی علیه السلام: هر که شناختش درست باشد، جان و خواستش از دنیای فانی، روی‌گردان می‌شوند.

۱۰۳۲. امام علی علیه السلام: هر که دنیا را شناخت، زاهد شد.

۱۰۳۳. امام علی علیه السلام: کسی که فریبکاری دنیا را بشناسد، فریب رؤیاهای پوچ آن را نمی‌خورد.

۱۰۳۴. امام علی علیه السلام: سزاوارترین مردم به زهدورزی، کسی است که نقص دنیا را بشناسد.

۱۰۳۵. امام علی علیه السلام: سزاوار است کسی که دنیا را شناخته است، نسبت به آن، زهد بورزد و از آن، دوری گزیند.

۱۰۳۶. امام علی علیه السلام: کسی که دنیا را بشناسد، از رنج‌هایی که به او می‌رسد، اندوهگین نمی‌شود.

۱۰۳۷. امام علی علیه السلام: دانا کسی است که از دنیا بگریزد، نه آن که به دنیا بگراید؛ زیرا دانایی [و شناخت] او رهنمونش می‌سازد که دنیا زهری کشنده است و همین، او را به گریختن از مهلکه وای می‌دارد. پس، اگر زهر را بخورد، مردم می‌فهمند که او در آنچه می‌گوید، صادق نیست.

١٠٣٨ . عنه عليه السلام : إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ هُمُ الَّذِينَ نَظَرُوا إِلَى بَاطِنِ الدُّنْيَا إِذَا نَظَرَ النَّاسُ إِلَى ظَاهِرِهَا ، وَاسْتَغْلَوْا بِآجِلِهَا إِذَا اشْتَغَلَ النَّاسُ بِعَاجِلِهَا ، فَأَمَاتُوا مِنْهَا مَا خَشَوْا أَنْ يُمِيتَهُمْ ، وَتَرَكَوا مِنْهَا مَا عَلِمُوا أَنَّهُ سَيَتَرَكُهُمْ ، وَرَأَوْا اسْتِكْثَارَ غَيْرِهِمْ مِنْهَا اسْتِقْلَالًا ، وَدَرَكَهُمْ لَهَا قَوْتًا ، أَعْدَاءُ مَا سَأَلَمَ النَّاسُ ، وَسَلَمَ مَا عَادَى النَّاسُ ، بِهِمْ عُلِمَ الْكِتَابُ وَبِهِ عَلِمُوا ، وَبِهِمْ قَامَ الْكِتَابُ وَبِهِ قَامُوا ، لَا يَزُونَ مَرَجُوءًا فَوْقَ مَا يَرْجُونَ ، وَلَا مَخُوفًا فَوْقَ مَا يَخَافُونَ ١ .

١٠٣٩ . أعلام الدين عن أنس: قالوا: يا رسول الله، من أولياء الله الذين لا خوف عليهم ولا هم يحزنون؟ فقال: الَّذِينَ نَظَرُوا إِلَى بَاطِنِ الدُّنْيَا حِينَ نَظَرَ النَّاسُ إِلَى ظَاهِرِهَا ، فَاهْتَمُّوا بِآجِلِهَا حِينَ اهْتَمَّ النَّاسُ بِعَاجِلِهَا ، فَأَمَاتُوا مِنْهَا مَا خَشَوْا أَنْ يُمِيتَهُمْ ، وَتَرَكَوا مِنْهَا مَا عَلِمُوا أَنْ سَيَتَرَكُهُمْ ، فَمَا عَرَضَ لَهُمْ مِنْهَا عَارِضٌ إِلَّا رَفَضُوهُ ، وَلَا خَادَعَهُمْ مِنْ رَفَعَتِهَا خَادِعٌ إِلَّا وَضَعُوهُ .

خُلِقَتِ الدُّنْيَا عِنْدَهُمْ فَمَا يُجَدِّدُونَهَا ، وَخَرِبَتْ بَيْنَهُمْ فَمَا يَعْمُرُونَهَا ، وَمَاتَتْ فِي صُدُورِهِمْ فَمَا يُحْيَوْنَهَا ، بَلْ يَهْدِمُونَهَا فَيَبْنُونَ بِهَا آخِرَتَهُمْ ، وَيَبِيعُونَهَا فَيَشْتَرُونَ بِهَا مَا يَبْقَى لَهُمْ .

نَظَرُوا إِلَى أَهْلِهَا صَرَخَى قَدْ حَلَّتْ بِهِمُ الْمَثَلَاتُ ، فَمَا يَزُونَ أَمَانًا دُونَ مَا يَرْجُونَ ، وَلَا خَوْفًا دُونَ مَا يَجِدُونَ ٢ .

١٠٤٠ . الإمام الصادق عليه السلام : فِي مُنَاجَاةِ مُوسَى عليه السلام : ... يَا مُوسَى ، إِنَّ عِبَادِي الصَّالِحِينَ زَهَدُوا فِي الدُّنْيَا بِقَدْرِ عِلْمِهِمْ ، وَسَائَرَ الْخَلْقِ رَغِبُوا فِيهَا بِقَدْرِ جَهْلِهِمْ ، وَمَا مِنْ

١ . نهج البلاغة: الحكمة ٤٣٢ . عيون الحكم والمواعظ: ص ١٦٠ ح ٣٤٣٦ . بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٣١٩ ح ٣٦ .

٢ . أعلام الدين: ص ٣٣٨ . الأمالي للمفيد: ص ٨٦ ح ٢ عن ابن عباس عن الإمام علي عليه السلام نحوه . بحار الأنوار:

ج ٧٧ ، ص ١٨١ ح ١٠ : الزهد لابن حنبل: ص ٧٨ . حلية الأولياء: ج ١ ص ١٠ ، الأولياء لابن أبي الدنيا: ص ٤٠ ،

ح ١٨ ، تاريخ دمشق: ج ٤٧ ، ص ٤٦٦ كلها عن وهب بن منبه عن عيسى عليه السلام نحوه .

۱۰۳۸. امام علی علیه السلام: اولیای خدا کسانی هستند که به باطن دنیا نگریستند، آن گاه که مردم ظاهر آن را دیدند، و به آینده دنیا پرداختند، آن گاه که مردم به اکنون آن سرگرم شدند. از این رو، از دنیا آنچه را که ترسیدند آنان را بمیراند، میراندند، و آنچه را که دانستند به زودی ترکشان خواهد کرد، ترک گفتند، و آنچه را دیگران بسیار [و ارزشمند] شمردند، اندک [و بی ارزش] شمردند، و دستیابی شان به دنیا را از دست دادن [آخرت] دانستند. با آنچه مردم آشتی کردند، دشمنی ورزیدند، و با آنچه مردم دشمنی کردند، آشتی نمودند. قرآن، به واسطه آنان دانسته شده است و آنان، به قرآن دانایند. قرآن به وسیله آنان برپاست و آنان به قرآن برپایند. بالاتر از آنچه بدان امید دارند، چیزی را شایسته امیدواری نمی بینند، و بالاتر از آنچه از آن می ترسند، چیزی را سزاوار ترس نمی دانند.

۱۰۳۹. أعلام الدین - به نقل از آنس - گفتند: ای پیامبر خدا! آن اولیای خدا که هیچ بیم و اندوهی به آنان راه ندارد،^۱ چه کسانی هستند؟

فرمود: کسانی که وقتی مردم ظاهر دنیا را دیدند، آنها باطنش را دیدند. از این رو، وقتی مردم به اکنون دنیا اهتمام ورزیدند، آنها به آینده اش اهتمام نمودند. پس، از دنیا آنچه را که ترسیدند آنان را بمیراند، میراندند، و آنچه را که دانستند به زودی ترکشان خواهد کرد، ترک گفتند. در نتیجه، هیچ چیز دنیا خود را به آنان عرضه نکرد، مگر این که دست رد به سینه آن زدند، و هیچ رفعتی از دنیا در صدد فریب آنان بر نیامد، مگر این که آن را پست شمردند.

دنیا در نزد آنان کهنه شده است و آن را نو نمی کنند، و در میانشان خراب گشته است و آبادش نمی کنند، و در سینه هایشان مرده است و زنده اش نمی کنند؛ بلکه ویرانش می کنند و با آن، آخرتشان را می سازند، و آن را می فروشند و با آن، چیزی می خرند که برایشان می ماند.

اهل دنیا را دیدند که بر خاک در افتاده اند و انواع کیفرها [ای الهی] را چشیده اند. از این رو، امنیت را جز در آنچه امید بدان دارند (بهشت)، و ترس را جز در آنچه می یابند (دوزخ)، نمی بینند.

۱۰۴۰. امام صادق علیه السلام: در مناجات [خدا با] موسی علیه السلام است که: «ای موسی! بندگان نیک

أَحَدٍ عَظَمَهَا فَقَرَّتْ عَيْنَاهُ فِيهَا، وَلَمْ يُحَقِّرْهَا أَحَدٌ إِلَّا انْتَفَعَ بِهَا.^١

١٠٤١. الإمام الكاظم عليه السلام - عِنْدَ قَبْرِ - : إِنَّ شَيْئاً هَذَا آخِرُهُ لَحَقِيقٌ^٢ أَنْ يُزْهَدَ فِي أَوَّلِهِ، وَإِنْ شَيْئاً هَذَا أَوَّلُهُ لَحَقِيقٌ أَنْ يُخَافَ آخِرُهُ.^٣

١٠٤٢. الإمام زين العابدين عليه السلام:

وَفِي دُونِ مَا عَايَنْتَ مِنْ فُجَعَاتِهَا	إِلَى رَفَضِهَا دَاعٍ وَبِالزُّهْدِ آمِرٌ
فَجِدْ وَلَا تَغْفَلْ فَعَيْشُكَ زَائِلٌ	وَأَنْتَ إِلَى دَارِ الْمَنِيَّةِ صَائِرٌ
وَلَا تَطْلُبِ الدُّنْيَا فَإِنَّ طِلَابَهَا	وَإِنْ نِلْتَ مِنْهَا غِبُّهُ ^٤ لَكَ ضَائِرٌ ^٥

راجع: ص ١٦٢ (ما الدنيا وما عسى أن تكون).



١٠٤٣. الإمام علي عليه السلام: كَيْفَ يَزْهَدُ فِي الدُّنْيَا مَنْ لَا يَعْرِفُ قَدَرَ الْآخِرَةِ!^٦

١٠٤٤. عنه عليه السلام - فِي صِفَةِ الْجَنَّةِ - : فَلَوْ رَمَيْتَ بِبَصَرِ قَلْبِكَ نَحْوَ مَا يَوْصَفُ لَكَ مِنْهَا،

١. الكافي: ج ٢ ص ٣١٧ ح ٩، ثواب الأعمال: ص ٢٦٣ ح ١، الأمالي للصدوق: ص ٧٦٥ ح ١٠٢٨، تفسير

القمي: ج ١ ص ٢٤٣ كلها عن حفص بن غياث، مشكاة الأنوار: ص ٤٧٠ ح ١٥٧٥، روضة الواعظين: ص ٤٩٠ كلها نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٢١ ح ١٠.

٢. فَلَنْ حَقِيقٌ بِكُنَّا: أَيِ خَلِيقٍ (المصباح المنير: ص ١٤٤ «حق»).

٣. معاني الأخبار: ص ٢٤٣ ح ١ عن حفص بن غياث النخعي، تحف العقول: ص ٤٠٨، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٠٣ ح ٩١.

٤. غِبُّ كُلِّ شَيْءٍ: عَاقِبَتُهُ (المصباح: ج ١ ص ١٩٠ «غيب»).

٥. البلد الأمين: ص ٢٢١ عن الزهري، روضة الواعظين: ص ٤٩٦، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٥٩ ح ١٩: تاريخ دمشق: ج ٤١ ص ٤٠٥ عن الزهري.

٦. غرر الحكم: ج ٦٩٨٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٨٤ ح ٦٤٨٩.

من، به اندازه دانششان (معرفتشان) به دنیا زهد ورزیدند، و دیگر مردمان، به اندازه نادانی‌شان به آن راغب گشتند. و هیچ کس نیست که دنیا را بزرگ شمارد و چشمش در آن، روشن گردد؛ و هیچ کس [نیست که] آن را خرد نشمرد، مگر این که بدان بهره‌مند می‌شود».

۱۰۴۱. امام کاظم علیه السلام - بر سرگوری - : چیزی (دنیا) که انجامش این است، به راستی، سزاوار است که از همان آغاز، بدان زهد ورزیده شود، و چیزی (آخرت) که آغازش این است، هر آینه سزاوار است که از انجام آن، ترسیده شود.

۱۰۴۲. امام زین العابدین علیه السلام :

در کمترین ناملایمات دنیا که دیده‌ای /
 دعوتگری است به طرد آن، و دستور دهنده‌ای است به ترک آن
 پس، بکوش و غافل مشو؛ زیرا زندگی تو، به سر آمدنی است /
 و تـکـوینـتـهـ به سـرـای مـرگ، ره‌سپاری
 و دنیا را مَطْلَب، که طلبیدن دنیا /
 اگر چه به چیزی از آن بررسی، عاقبت برایت زیانبار است.

ر. ک. : ۱۶۲ (دنیا چیست و چه می‌تواند باشد؟).

۴/۴

شناخت دنیا

۱۰۴۳. امام علی علیه السلام : کسی که قدر آخرت را نمی‌شناسد، چگونه در دنیا زهد بورزد؟!

۱۰۴۴. امام علی علیه السلام - در وصف بهشت - : اگر با چشم دلت به آنچه از بهشت برایت وصف می‌شود، نظر افکنی، بی‌گمان جان تو از خواهش‌ها و خوشی‌های

لَعَزَفَتْ نَفْسُكَ عَنْ بَدَائِعِ مَا أُخْرِجَ إِلَى الدُّنْيَا مِنْ شَهَوَاتِهَا وَلَذَائِهَا وَزَخَارِفِ
مَنَاظِرِهَا.^۱

۱۰۴۵. عنه علیه السلام: أَصْلُ الزُّهْدِ حُسْنُ الرَّغْبَةِ فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ.^۲

۵/۴

الْيَقِينُ

۱۰۴۶. الإمام علي علیه السلام: الزُّهْدُ ثَمَرَةُ الْيَقِينِ.^۳

۱۰۴۷. عنه علیه السلام: زُهْدُ الْمَرْءِ فِيمَا يَفْنَى عَلَى قَدْرِ يَقِينِهِ بِمَا يَبْقَى.^۴

۱۰۴۸. عنه علیه السلام: الْيَقِينُ أَفْضَلُ الزَّهَادَةِ.^۵

۱۰۴۹. عنه علیه السلام: أَصْلُ الزُّهْدِ الْيَقِينُ، وَثَمَرَتُهُ السَّعَادَةُ.^۶

۱۰۵۰. عنه علیه السلام: يُسْتَدَلُّ عَلَى الْيَقِينِ بِقَصْرِ الْأَمَلِ، وَإِخْلَاصِ الْعَمَلِ، وَالزُّهْدِ فِي
الدُّنْيَا.^۷

۶/۴

الذِّينُ

۱۰۵۱. الإمام علي علیه السلام: الزُّهْدُ ثَمَرَةُ الذِّينِ.^۸

۱. نهج البلاغة: الخطبة ۱۶۵. تنبيه الخواطر: ج ۱ ص ۶۸. بحار الأنوار: ج ۸ ص ۱۶۲ ح ۱۰۴.
۲. غرر الحكم: ح ۳۰۸۶، عیون الحكم والمواعظ: ص ۱۲۱ ح ۲۷۳۹.
۳. غرر الحكم: ح ۴۵۹ وح ۴۶۰۱ نحوه، عیون الحكم والمواعظ: ص ۲۶ ح ۲۹۸.
۴. غرر الحكم: ح ۵۴۸۸، عیون الحكم والمواعظ: ص ۲۷۷ ح ۵۰۴۰.
۵. غرر الحكم: ح ۳۹۱، عیون الحكم والمواعظ: ص ۳۸ ح ۸۳۳.
۶. غرر الحكم: ح ۳۰۹۹، عیون الحكم والمواعظ: ص ۱۲۱ ح ۲۷۴۹.
۷. غرر الحكم: ح ۱۰۹۷۰، عیون الحكم والمواعظ: ص ۵۵۵ ح ۱۰۲۳۴.
۸. غرر الحكم: ح ۴۱۲، عیون الحكم والمواعظ: ص ۳۳ ح ۶۰۹.

دل‌انگیز دنیا و منظره‌های فریبای آن، دوری خواهد کرد.

۱۰۴۵. امام علی علیه السلام: ریشه زهد، رغبت شایسته است به آنچه نزد خداست.

۵/۴

یقین

۱۰۴۶. امام علی علیه السلام: زهد، ثمره یقین است.

۱۰۴۷. امام علی علیه السلام: زهد انسان نسبت به آنچه ناپایدار است، به اندازه یقین اوست به آنچه ماندگار است.

۱۰۴۸. امام علی علیه السلام: یقین، برترین زهد است.

۱۰۴۹. امام علی علیه السلام: ریشه زهد، یقین است و میوه‌اش نیک‌بختی.

۱۰۵۰. امام علی علیه السلام: نشانه‌های برخورداری از یقین، کوتاه کردن آرزو، اخلاص در

عمل، و زهدورزی در دنیا هستند.

۶/۴

دین

۱۰۵۱. امام علی علیه السلام: زهد، میوه دین است.

١٠٥٢ . عنه عليه السلام: مَنْ كَرَّمَ دِينَهُ عِنْدَهُ هَانَتْ الدُّنْيَا عَلَيْهِ ١.

٧/٤

الإخلاص

١٠٥٣ . الكافي عن السَّندِيِّ عن الإمام الباقر عليه السلام: مَا أَخْلَصَ الْعَبْدُ الْإِيمَانَ بِاللَّهِ عليه السلام أَرْبَعِينَ يَوْمًا - أَوْ قَالَ: مَا أَجْمَلَ عَبْدٌ ذَكَرَ اللَّهَ عليه السلام أَرْبَعِينَ يَوْمًا ٢ - إِلَّا زَهَّدَهُ اللَّهُ عليه السلام فِي الدُّنْيَا، وَبَصَّرَهُ دَاءَهَا وَدَوَاءَهَا؛ فَأَثْبَتَ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ وَأَنْطَقَ بِهَا لِسَانَهُ ٣.

٨/٤

ذِكْرُ الْمَوْتِ

١٠٥٤ . رسول الله عليه السلام: كَفَى بِالْمَوْتِ مُرْهَدًا فِي الدُّنْيَا وَمُرْغَبًا فِي الْآخِرَةِ ٤.

١٠٥٥ . عنه عليه السلام: أَفْضَلُ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا ذِكْرُ الْمَوْتِ ٥.

١٠٥٦ . عنه عليه السلام: أَلَا فَزُورُوا الْقُبُورَ؛ فَإِنَّهَا تُزْهَدُ فِي الدُّنْيَا وَتُذَكَّرُ الْآخِرَةَ ٦.

- ١ . غرر الحكم: ج ٨٦٠٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٦٠ ح ٨٢٥٠.
- ٢ . يؤيد الاحتمال الأول ما روي في آثار الإخلاص. راجع: موسوعة العقائد الإسلامية: مبادئ الإلهام: الإخلاص.
- ٣ . الكافي: ج ٢ ص ١٦ ح ٦، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٢٤٠ ح ٨ وراجع كلام المجلسي عليه السلام في بيانه.
- ٤ . المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٨ ص ١٢٩ ح ٢٨ عن الربيع، الفردوس: ج ٣ ص ٢٩٠ ح ٤٨٦٨ عن أنس وفيه «بذكر الموت» بدل «بالموت»، كنز العمال: ج ١٥ ص ٥٤٧ ح ١١٧ نقلاً عن الزهد لابن حنبل.
- ٥ . الفردوس: ج ١ ص ٣٥٧ ح ١٤٢١ عن أنس، كنز العمال: ج ١٥ ص ٥٤٤ ح ٤٢١٠٤؛ جامع الأخبار: ص ٤٧٣ ح ١٣٣٤، بحار الأنوار: ج ٦ ص ١٣٧ ح ٤١.
- ٦ . المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٥٣١ ح ١٣٨٧، سنن ابن ماجه: ج ١ ص ٥٠١ ح ١٥٧١، السنن الكبرى: ج ٤ ص ١٢٩ ح ٧١٩٧، أخبار مكة للأزرقي: ج ٢ ص ٢١١ كلّها عن عبد الله بن مسعود، كنز العمال: ج ١٥ ص ٤٥٣ ح ٢٥٨٩.

۱۰۵۲. امام علی علیه السلام: هر که دینش برای او ارجمند باشد، دنیا در نظرش خوار می‌آید.

۷/۴

اخلاص

۱۰۵۳. الکافی - به نقل از سندی - : امام باقر علیه السلام فرمود: «هیچ بنده‌ای چهل روز، ایمان به خداوند تعالی را خالص نگردانید» یا فرمود: «هیچ بنده‌ای چهل روز پیوسته، ذکر خداوند تعالی نگفت، مگر آن که خدای تعالی او را نسبت به دنیا زاهد گردانید و درد و داروی آن را بدو شناساند، و حکمت را در دلش نگاشت و زبانش را بدان گویا ساخت».



۱۰۵۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مرگ، بهترین عامل زهدورزی در دنیا و ترغیب به آخرت است.

۱۰۵۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین [عامل] زهدورزی در دنیا، یاد مرگ است.

۱۰۵۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هان! به زیارت قبور بروید که موجب زهدورزی در دنیا و یادآوری آخرت می‌شود.

١٠٥٧ . الإمام علي عليه السلام: مَنْ أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ، قَلَّتْ فِي الدُّنْيَا رَغْبَتُهُ. ١

١٠٥٨ . عنه عليه السلام: مَنْ صَوَّرَ الْمَوْتَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ، هَانَ أَمْرُ الدُّنْيَا عَلَيْهِ. ٢

١٠٥٩ . عنه عليه السلام: مَنْ أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ، رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا بِالْيَسِيرِ. ٣

١٠٦٠ . عنه عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ بِذِكْرِ الْمَوْتِ وَإِقْلَالِ الْعَقْلَةِ عَنْهُ، وَكَيْفَ غَفَلْتُمْ عَمَّا لَيْسَ يُغْفَلُكُمْ، وَطَمَعُكُمْ فِيمَنْ لَيْسَ يُمَهِّلُكُمْ! فَكَفَى وَاعِظًا بِمَوْتِي عَايِنْتُمُوهُمْ، حُمِلُوا إِلَى قُبُورِهِمْ غَيْرَ رَاكِبِينَ، وَأُنْزِلُوا فِيهَا غَيْرَ نَازِلِينَ، فَكَأَنَّهُمْ لَمْ يَكُونُوا لِلدُّنْيَا عُمَارًا، وَكَأَنَّ الْآخِرَةَ لَمْ تَزَلْ لَهُمْ دَارًا، أَوْحَسُوا مَا كَانُوا يُوْطِنُونَ، وَأُوْطِنُوا مَا كَانُوا يُوْحِشُونَ، وَاشْتَغَلُوا بِمَا فَارَقُوا، وَأَضَاعُوا مَا إِلَيْهِ انْتَقَلُوا، لَا عَنْ قَبِيحٍ يَسْتَطِيعُونَ انْتِقَالَ، وَلَا فِي حَسَنٍ يَسْتَطِيعُونَ ازْدِيَادًا، أُنْسُوا بِالدُّنْيَا فَغَرَّتْهُمْ، وَوَثِقُوا بِهَا فَصَرَعَتْهُمْ. ٤

١٠٦١ . الكافي عن أبي عبيدة الخدّاء: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: حَدِّثْنِي بِمَا أُنْتَفِعُ بِهِ، فَقَالَ:

يَا أَبَا عُبَيْدَةَ، أَكْثِرْ ذِكْرَ الْمَوْتِ؛ فَإِنَّهُ لَمْ يُكْثِرْ إِنْسَانُ ذِكْرَ الْمَوْتِ إِلَّا زَهَدَ فِي الدُّنْيَا. ٥

١٠٦٢ . الإمام الصادق عليه السلام - فِي حَدِيثٍ يَذْكُرُ فِيهِ قِصَّةَ دَاوُدَ عليه السلام - : إِنَّهُ خَرَجَ يَقْرَأُ الزَّبُورَ،

وَكَانَ إِذَا قَرَأَ الزَّبُورَ لَا يَبْقَى جَبَلٌ وَلَا حَجَرٌ وَلَا طَائِرٌ إِلَّا جَاوَبَتْهُ.

١ . غرر الحكم: ح ٨٧٦٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٣٨ ح ٧٦٠٠.

٢ . غرر الحكم: ح ٨٦٠٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٦٠ ح ٨٣٤٩ وفيه «خَفَّ الاهتمامُ بِأَمْرِ الدُّنْيَا» بدل «هَانَ أَمْرُ الدُّنْيَا».

٣ . نهج البلاغة: الحكمة ٣٤٩، تحف العقول: ص ٨٩ و ص ١٠٠، كنز القوائد: ج ١، ص ٦٣، روضة الواعظين: ص ٥٣٧، بحار الأنوار: ج ٧١، ص ٢٦٧، ر ١٦: دستور معالم الحكم: ص ٢٩.

٤ . نهج البلاغة: الخطبة ١٨٨.

٥ . الكافي: ج ٢ ص ١٣١ ح ١٣ و ج ٣ ص ٢٥٥ ح ١٨، الزهد للحسين بن سعيد: ص ٧٨ ح ٢١٠، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٩٣، دعائم الإسلام: ج ١ ص ٢٢١، مشكاة الأنوار: ص ٥٢٥ ح ١٧٦٧ عن الإمام الصادق عليه السلام.

۱۰۵۷. امام علی علیه السلام: هر که بسیار یاد مرگ کند، رغبتش به دنیا کم می‌شود.

۱۰۵۸. امام علی علیه السلام: هر که [پیوسته] مرگ را در برابر دیدگان خود مجسم کند، دنیا برایش بی‌اهمیت می‌شود.

۱۰۵۹. امام علی علیه السلام: هر که بسیار یاد مرگ کند، از دنیا به اندک، قناعت می‌ورزد.

۱۰۶۰. امام علی علیه السلام: شما را سفارش می‌کنم که به یاد مرگ باشید و غفلت از آن را کم کنید. چگونه غافلید از چیزی که از شما غافل نیست، و به کسی (ملک الموت) طمع بسته‌اید که شما را مهلت نمی‌دهد؟! مشاهدهٔ مردگان، خود، برای پند آموختن، بسنده است؛ مردگانی که به گورهایشان حمل شدند، بی آن که سوار بر مرکبی باشند، و در گورهایشان فرود آورده شدند، بی آن که [به اختیار] خود فرود آیند. تو گویی آبادگران [و ساکنان] دنیا نبوده‌اند، و گویی همیشه آخرت، سرای آنان بوده است! جایی را که وطن خود می‌پنداشتند، خالی کردند و در جایی وطن گزیدند که از آن می‌رمیدند [و آن را خانهٔ خود نمی‌پنداشتند]. به دنیایی که از آن جدا می‌گشتند، سرگرم شدند و آخرتی را که به آن منتقل می‌شدند، تباه نمودند، و [اکنون،] نه از کار زشتی می‌توانند برگردند، و نه بر کار نیکی می‌توانند بیفزایند. به دنیا انس گرفتند؛ ولی دنیا آنان را گول زد، و به دنیا اعتماد کردند؛ ولی دنیا آنان را به خاک افکند.

۱۰۶۱. الکافی - به نقل از ابو عبیده حذاء - : به امام باقر علیه السلام گفتم: حدیثی برایم بگویید تا از آن بهره‌مند شوم.

فرمود: «ای ابو عبیده! بسیار به یاد مرگ باش؛ زیرا هیچ انسانی از مرگ، بسیار یاد نکرد، مگر آن که در دنیا زاهد شد».

۱۰۶۲. امام صادق علیه السلام - در حدیثی که در آن، قصهٔ داود علیه السلام را فرمود - : او بیرون رفت و به خواندن زبور پرداخت، و هر گاه زبور می‌خواند، همهٔ کوه‌ها و سنگ‌ها و پرندگان، با او هم‌صدا می‌شدند.

فَانْتَهَى إِلَى جَبَلٍ، فَإِذَا عَلَى ذَلِكَ الْجَبَلِ نَبِيٌّ عَابِدٌ، يُقَالُ لَهُ: حِزْقِيلُ، فَلَمَّا سَمِعَ دَوِيَّ الْجِبَالِ وَأَصْوَاتَ السَّبَاعِ وَالطَّيْرِ عَلِمَ أَنَّهُ دَاوُدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ دَاوُدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا حِزْقِيلُ، تَأْذَنُ لِي فَأَصْعَدَ إِلَيْكَ؟ قَالَ: لَا.

فَبَكَى دَاوُدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَأَوْحَى اللَّهُ ﷻ إِلَيْهِ: يَا حِزْقِيلُ، لَا تُعَيِّرَ دَاوُدَ وَسَلِّمْنِي الْعَاقِبَةَ.

قَالَ: فَأَخَذَ حِزْقِيلُ بِيَدِ دَاوُدَ وَرَفَعَهُ إِلَيْهِ.

فَقَالَ دَاوُدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا حِزْقِيلُ، هَلْ هَمَمْتَ بِخَطِيئَةٍ قَطُّ؟

قَالَ: لَا.

قَالَ: فَهَلْ دَخَلَكَ الْعُجْبُ بِمَا أَنْتَ فِيهِ مِنْ عِبَادَةِ اللَّهِ ﷻ؟

قَالَ: لَا.

قَالَ: فَهَلْ رَكَنْتَ إِلَى الدُّنْيَا فَأَحْبَبْتَ أَنْ تَأْخُذَ مِنْ شَهَوَاتِهَا وَلَذَاتِهَا؟

قَالَ: بَلَى، رُبَّمَا عَرَضَ ذَلِكَ بِقَلْبِي.

قَالَ: فَمَا كُنْتَ تَصْنَعُ إِذَا كَانَ ذَلِكَ؟

قَالَ: أَدْخُلُ هَذَا الشُّعْبَ فَأَعْتَبِرُ بِمَا فِيهِ.

قَالَ: فَدَخَلَ دَاوُدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الشُّعْبَ، فَإِذَا سَرِيرٌ مِنْ حَدِيدٍ عَلَيْهِ جُمُجُمَةٌ بِالْيَةِ وَعِظَامٌ فَائِيَّةٌ، وَإِذَا لَوْحٌ مِنْ حَدِيدٍ فِيهِ كِتَابَةٌ، فَقَرَأَهَا دَاوُدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِذَا هِيَ:

أَنَا أَرَوَى بَنُ سَلَمٍ، مَلَكَتُ أَلْفَ سَنَةٍ، وَبَنَيْتُ أَلْفَ مَدِينَةٍ، وَافْتَضَضْتُ أَلْفَ بِكْرٍ، فَكَانَ آخِرُ عُمْرِي أَنْ صَارَ التُّرَابُ فِرَاشِي، وَالْحِجَارَةُ وِسَادَتِي، وَالذِّدَانُ وَالْحَيَاتُ جِيرَانِي، فَمَنْ رَأَنِي فَلَا يَغْتَرَّ بِالدُّنْيَا.^١

١. كمال الدين: ص ٥٢٤ ح ٦، الأمالي للصدوق: ص ١٥٩ ح ١٥٧ كلاهما عن هشام بن سالم، تفسير القمي: ج ٢ ص ٢٣١، روضة الواعظين: ص ٢٨٤ كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٢٥ ح ٣.

به کوهی رسید. بر آن کوه، پیامبری عابد بود که به او حزقیل می‌گفتند. او چون همه کوه‌ها و صدای درندگان و پرندگان را شنید، دانست که داود علیه السلام است. داود علیه السلام گفت: ای حزقیل! اجازه می‌دهی که به نزد تو فراز آیم؟

حزقیل گفت: نه.

داود علیه السلام گریست.

خداوند تعالی به حزقیل وحی فرمود که: «ای حزقیل! داود را سرزنش مکن، و از من، عافیت بخواه».

پس، حزقیل، دست داود را گرفت و به سوی خود، بالا کشید.

داود علیه السلام گفت: ای حزقیل! آیا هرگز قصد گناهی کرده‌ای؟

گفت: نه.

داود گفت: آیا از این که عبادت خدا را در پیش گرفته‌ای هرگز دچار غرور

شده‌ای؟

مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی

گفت: نه.

داود گفت: آیا هرگز میل به دنیا کرده‌ای و دوست داشته‌ای که از خواسته‌ها و

خوشی‌های آن برگیری؟

گفت: آری، گاهی به دلم خطور کرده است.

داود گفت: در این صورت، چه می‌کنی؟

گفت: به این درّه می‌آیم و از آنچه در آن است، عبرت می‌گیرم.

داود علیه السلام وارد درّه شد. تختی آهنین دید که بر آن، جمجمه‌ای فرسوده و

استخوان‌های پوسیده است، و نیز لوحی از آهن که در آن چیزی نوشته بود.

داود علیه السلام آن نوشته را خواند. چنین آمده بود:

«من آروئی پسر سلّم هستم. هزار سال پادشاهی کردم، و هزار شهر بساختم، و با

هزار دختر، عروسی کردم؛ اما سرانجام خاک، بسترم شد و سنگ، بالش‌م و کرم‌ها و

مارها همسایگانم. پس، هر که مرا می‌بیند، نباید فریب دنیا را بخورد».

۹/۴

کَرَامَةُ النَّفْسِ

۱۰۶۳. الإمام علي عليه السلام: مَا كَرُمْتَ عَلَى عَبْدٍ نَفْسَهُ إِلَّا هَانَتْ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ. ۱

۱۰۶۴. عنه عليه السلام: مَنْ كَرُمْتَ نَفْسَهُ صَغُرَتْ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ. ۲

۱۰/۴

الْحَزْمُ

۱۰۶۵. الإمام علي عليه السلام: أَحْزَمُكُمْ أَزْهَدُكُمْ. ۳



۱۰۶۶. الإمام علي عليه السلام: الزُّهْدُ يُؤَدِّي إِلَى الزُّهْدِ. ۴

۱۰۶۷. عنه عليه السلام: أَوَّلُ الزُّهْدِ الزُّهْدُ. ۵

۱۰۶۸. عنه عليه السلام - فِي ذِكْرِ حَدِيثِ مِعْرَاجِ النَّبِيِّ ﷺ - : قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ... يَا أَحْمَدُ، إِنْ

أَحْبَبْتَ أَنْ تَكُونَ أَوْرَعَ النَّاسِ فَازْهَدْ فِي الدُّنْيَا وَارْغَبْ فِي الْآخِرَةِ، فَقَالَ

[رَسُولُ اللَّهِ ﷺ]: إِلَهِي كَيْفَ أَزْهَدْ فِي الدُّنْيَا؟ فَقَالَ: خُذْ مِنَ الدُّنْيَا حَفْنًا مِنَ

الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ وَاللِّبَاسِ وَلَا تَدْخِرْ لِغَدٍ، وَدُمَ عَلَى ذِكْرِي. ۶

۱. غرر الحكم: ج ۹۸۶۱، عیون الحكم والمواعظ: ص ۴۸۲ ح ۸۸۸۹.

۲. غرر الحكم: ج ۹۱۳۰.

۳. غرر الحكم: ج ۲۸۳۲، عیون الحكم والمواعظ: ص ۱۱۳ ح ۲۴۵۸.

۴. غرر الحكم: ج ۱۱۲۰.

۵. غرر الحكم: ج ۲۹۲۲، عیون الحكم والمواعظ: ص ۱۱۸ ح ۲۶۲۹.

۶. إرشاد القلوب: ص ۱۹۹، بحار الأنوار: ج ۷۷ ص ۲۲ ح ۶.

۹/۴ کرامت نفس

۱۰۶۳. امام علی علیه السلام: هیچ بنده‌ای کرامت نفس نیافت، مگر آن که دنیا در چشمش خوار شد.

۱۰۶۴. امام علی علیه السلام: کسی که کرامت نفس داشته باشد، دنیا در نظرش کوچک می‌شود.

۱۰/۴ دوراندیشی

۱۰۶۵. امام علی علیه السلام: دوراندیش‌ترین شما، زاهدترین شماست.

۱۱/۴ خود را به زهدورزی واداشتن

۱۰۶۶. امام علی علیه السلام: خود را به زهدورزی واداشتن، به زاهد شدن می‌انجامد.

۱۰۶۷. امام علی علیه السلام: آغاز زاهد شدن، خود را به زهد واداشتن است.

۱۰۶۸. امام علی علیه السلام - یادکرد حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله - : خدای متعال فرمود: «...ای

احمد! اگر دوست داری که پارساترین مردم باشی، به دنیا زاهد و به آخرت، راغب باش».

[پیامبر خدا] گفت: معبودا! چگونه به دنیا زهد بورزم؟

فرمود: «از دنیا چند مشتی غذا و آب و پوشاک بگیر و برای فردا میندوز،

و همواره به یاد من باش».

١٢/٢

الِاسْتِعَانَةُ بِاللَّهِ

١٠٦٩. إدریس عليه السلام - مِنْ دُعَائِهِ - : اللَّهُمَّ سَلِّ قَلْبِي عَنْ كُلِّ شَيْءٍ لَا أَرْزُودُهُ إِلَيْكَ، وَلَا أَنْتَفِعَ بِهِ يَوْمَ الْقَاكَ مِنْ حَلَالٍ أَوْ حَرَامٍ.^١

١٠٧٠. الإمام علي عليه السلام - فِي الدُّعَاءِ - : وَارْزُقْنِي مِنَ الدُّنْيَا وَزَهِّدْنِي فِيهَا.^٢

١٠٧١. عنه عليه السلام - مِمَّا دَعَا بِهِ يَوْمَ الْجَمَلِ قَبْلَ الْوَاقِعَةِ - : أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَلَا أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ بِوَاجِبِ شُكْرِي نِعَمَتَكَ، رَبُّ مَا أَحْرَصَنِي عَلَى مَا زَهَّدْتَنِي فِيهِ وَخَشَّتَنِي عَلَيْهِ، إِنْ لَمْ تُعِنِّي عَلَى دُنْيَايَ بِزُهْدٍ^٣ وَعَلَى آخِرَتِي بِتَقْوَى^٤ هَلَكْتُ.

رَبِّي دَعَتْنِي دَوَاعِي الدُّنْيَا مِنْ حَرْثِ النَّسَاءِ وَالْبَنِينَ فَأَجَبْتُهَا سَرِيعاً وَرَكَنْتُ إِلَيْهَا طَائِعاً، وَدَعَتْنِي دَوَاعِي الْآخِرَةِ مِنَ الزُّهْدِ وَالْإِجْتِهَادِ فَكَبَوْتُ لَهَا، وَلَمْ أُسَارِعْ إِلَيْهَا مُسَارِعَتِي إِلَى الْخُطَامِ الْهَامِدِ وَالْهَشِيمِ^٥ الْبَائِدِ وَالسَّرَابِ الذَّاهِبِ عَنْ قَلِيلٍ.^٦

١٠٧٢. صحيح البخاري عن سعد بن أبي وقاص: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يُعَلِّمُنَا هَؤُلَاءِ الْكَلِمَاتِ كَمَا تُعَلِّمُ الْكِتَابَةَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبُخْلِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ تُرَدَّ إِلَيَّ أُرْدَلِ الْعُمَرُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْقَبْرِ.^٧

١. مصباح المتجهد: ص ٦٠٣ الرقم ٦٩٣، الإقبال: ج ١ ص ١٨٢، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٩٩ ح ٢.

٢. الكافي: ج ٢ ص ٥٩٠ ح ٣٠ عن يعقوب بن شعيب عن الإمام الصادق عليه السلام.

٣. في المصدر: «زهد»، والتصويب من بحار الأنوار.

٤. في المصدر: «بتقواي»، والتصويب في بحار الأنوار.

٥. الهشيم: النبات اليابس المتكسر (المصباح المنير: ص ٦٣٨ «هشم»).

٦. مذهب الدعوات: ص ١٢٦، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢٣٥ ح ٩.

٧. صحيح البخاري: ج ٥ ص ٢٣٤٧ ح ٦٠٢٧ و ص ٢٣٤٣ ح ٦٠١٣، سنن الترمذي: ج ٥ ص ٥٦٢ ح ٣٥٦٧،

سنن النسائي: ج ٨ ص ٢٥٦ و ص ٢٦٦، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٣٩٥ ح ١٦٢١ و ص ٢٨٧ ح ١٥٨٥ كلها

نحوه، كنز العمال: ج ٢ ص ٦٩٠ ح ٥٠٩٥ وراجع سنن أبي داود: ج ٢ ص ٩٠ ح ١٥٣٩ و سنن ابن ماجه: ج ٢

ص ١٢٦٣ ح ٣٨٤٤ والمستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٧١٢ ح ١٩٤٣.

۱۲/۴ یاری جستن از خدا

۱۰۶۹. **ادریس** علیه السلام - در دعایش - : بار خدایا! دلم را از هر چیزی (حلال یا حرام) که ره‌توشه من به سوی تو نمی‌شود و در روز دیدارم با تو، از آن سودی نمی‌برم، روی گردان کن.

۱۰۷۰. **امام علی** علیه السلام - در دعا - : روزی مرا از دنیا عطا کن و مرا به آن، بی‌رغبت گردان. ۱۰۷۱. **امام علی** علیه السلام - در دعایی در روز جَمَل، پیش از وقوع جنگ - : به حق آن نام بلندت، از تو درخواست می‌کنم که بر من منت نهی تا وظیفه شکرگزاری نعمت را به جای آورم.

پروردگارا! چه آزمندم من به آنچه تو مرا نسبت بدان ترغیب به زهد کردی و بر این، تشویق نمودی! اگر به من کمک نکنی که در دنیایم زهد بورزم و برای آخرتم تقوا بیندوزم، نابود خواهم شد.

پروردگار من! دعوتگران (انگیزه‌های) دنیا، از زن و فرزند، مرا فرا خواندند و من به سرعت، اجابتشان کردم و با میل، به دنیا گراییدم. و دعوتگران آخرت، از زهد و کوشش در عبادت، مرا فرا خواندند و من صدای آنها را خاموش کردم و آن سان که به سوی خاشاک خشکیده و خسی که بر باد می‌رود و سرابی که به زودی از میان می‌رود (دنیا) شتافتم، به سوی آن دعوتگرها نشتافتم.

۱۰۷۲. **صحيح البخاری** - به نقل از سعد بن ابی وقاص - : پیامبر صلی الله علیه و آله این جملات را، آن گونه که سواد و نوشتن یاد داده می‌شود، به ما می‌آموخت : «بار خدایا! پناه می‌برم به تو از بخل. پناه می‌برم به تو از ترسویی. پناه می‌برم به تو از این که تا فروترین (دوره) عمر (فرتوتی)، واپس برده شویم. پناه می‌برم به تو از گرفتاری دنیا و عذاب قبر».

١٠٧٣ . الإمام زين العابدين (ع) - مِنْ دُعَائِهِ يَوْمَ عَرَفَةَ - : وَأَنْزِعْ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دِينِي

تَنْهَى عَمَّا عِنْدَكَ ، وَتَصُدُّ عَنِ ابْتِغَاءِ الْوَسِيلَةِ إِلَيْكَ ، وَتَذْهَلُ عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْكَ .^١

١٠٧٤ . عنه (ع) : إِلَهِي أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ الْوَاجِبِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ ... أَنْ تُسَلِّيَ نَفْسِي عَنِ

الدُّنْيَا بِمَخَافَتِكَ ، وَأَنْ تُثَنِّينِي بِالكَثِيرِ مِنْ كَرَامَتِكَ بِرَحْمَتِكَ .^٢

١٠٧٥ . عنه (ع) : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاقْبِضْ عَلَى الصَّدَقِ نَفْسِي ، وَاقْطَعْ

مِنْ الدُّنْيَا حَاجَتِي ، وَاجْعَلْ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتِي شَوْقاً إِلَى لِقَائِكَ .^٣

١٠٧٦ . عنه (ع) - مِنْ كَلَامٍ لَهُ كَانَ يَعْظُ بِهِ النَّاسَ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ ، يَقُولُ فِي آخِرِهِ - : أَسْأَلُ

اللَّهَ الْعَوْنَ لَنَا وَلَكُمْ عَلَى تَزَوُّدِ التَّقْوَى وَالزُّهْدِ فِيهَا ، جَعَلَنَا اللَّهُ وَإِبَاكُمْ مِنْ

الرَّاهِدِينَ فِي عَاجِلِ زَهْرَةِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ، الرَّاغِبِينَ لِأَجَلِ ثَوَابِ الْآخِرَةِ ، فَإِنَّمَا

نَحْنُ بِهِ وَلَهُ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَآلِهِ وَسَلَّم .^٤

١٠٧٧ . كشف الغمّة عن عامر بن وإبلة: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (ع) إِذَا تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ «يَا أَيُّهَا

الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»^٥ يَقُولُ : اللَّهُمَّ ادْفَعْنِي فِي أَعْلَى

دَرَجَاتِ هَذِهِ النُّدْبَةِ^٦ ، وَأَعِنِّي بِعَزْمِ الْإِرَادَةِ ، وَهَبْنِي حُسْنَ الْمُسْتَعْقَبِ مِنْ

نَفْسِي ، وَخُذْنِي مِنْهَا حَتَّى تَتَجَرَّدَ خَوَاطِرُ الدُّنْيَا عَنْ قَلْبِي مِنْ بَرْدِ خَشْيَتِي

مِنْكَ ، وَارْزُقْنِي قَلْباً وَلِسَاناً يَتَجَارَيَانِ فِي ذَمِّ الدُّنْيَا وَحُسْنِ التَّجَافِي مِنْهَا ، حَتَّى

١ . الصحيفة السجّادية: ص ١٩٧ الدعاء ٤٧، الإقبال: ج ٢ ص ٩٧ نحوه.

٢ . الصحيفة السجّادية: ص ٢٢٣ الدعاء ٥٢.

٣ . الصحيفة السجّادية: ص ٢٢٨ الدعاء ٥٤.

٤ . الكافي: ج ٨ ص ٧٦ ح ٢٩، الأمالي للصدوق: ص ٥٩٦ ح ٨٢٢ كلاهما عن سعيد بن المسيّب، تحف العقول:

ص ٢٥٢ وفيه «هذه» بدل «زهرة»، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٤٦ ح ٦.

٥ . التوبة: ١١٩.

٦ . ندبته: أي بعثته ودعوته فأجاب (النهاية: ج ٥ ص ٢٤ «ندب»).

۱۰۷۳. امام زین العابدین علیه السلام - در دعایش در روز عرفه - : دوستی دنیایِ دون را از دلم بر کن که از [دستیابی به] آنچه نزد توست، باز می‌دارد، و از جستن وسیله رسیدن به تو مانع می‌شود، و از نزدیک شدن به تو غافل می‌سازد.

۱۰۷۴. امام زین العابدین علیه السلام : معبود من! به آن حقّ تو که بر همه آفریدگانت واجب است، از تو درخواست می‌کنم... که با افکندن خوفت در دلم، دنیا را از یادم ببری، و به مهربانی‌ات به کرامت (احسان) فراوانت بازم گردانی.

۱۰۷۵. امام زین العابدین علیه السلام : بار خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست، و جانم را بر راستی [در پندار و گفتار و کردار] بگیر، و نیازم را از دنیا قطع کن، و مرا به آنچه نزد توست، راغب نما تا به دیدارت مشتاق گردم.

۱۰۷۶. امام زین العابدین علیه السلام - در پایان سخنانی که هر جمعه مردم را با آنها موعظه می‌کرد - : از خداوند، درخواست می‌کنم که ما و شما را در اندوختن توشه پرهیزگاری و دل برکندن از دنیا کمک کند، و ما و شما را از زهدورزان به زرق و برق کنونی زندگی دنیا، و از راغبان به پاداش آینده آخرت قرار دهد؛ چرا که ما وابسته به او و از آن اویسیم. سلام خداوند بر محمد پیامبر و خاندان او باد!

۱۰۷۷. کشف الغمّة - به نقل از عامر بن واثله - : علی بن الحسین علیه السلام هر گاه این آیه را تلاوت می‌کرد: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا پروا کنید و با راستینان باشید»، می‌فرمود: «بار خدایا! مرا در بالاترین درجات این دعا قرار ده، و با اراده‌ای استوار کمکم کن، و عیبجویی نیکو (سازنده) از نفسم را به من ارزانی دار، و مرا از آن پستان تا با خنکای ترسم از تو، دلم از خطورات دنیوی خالی

لا أقول إلا صدقت، وأرني مصاديق إجابتك بحسن توفيقك، حتى أكون في كلِّ حالٍ حيث أردت.^۱

۱۰۷۸. الإمام زين العابدين عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنِي الرَّغْبَةَ فِي الْعَمَلِ لَكَ لِأَخِرَتِي حَتَّى أَعْرِفَ صِدْقَ ذَلِكَ مِنْ قَلْبِي، وَحَتَّى يَكُونَ الْغَالِبُ عَلَيَّ الزُّهْدُ فِي دُنْيَايَ.^۲



۱. كشف الغمّة: ج ۲ ص ۳۰۶، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۱۵۳ ح ۱۸؛ ينابيع المودة: ج ۲ ص ۳۶۷ ح ۵۰ نحوه.
وراجع الصواعق المحرقة: ص ۱۵۲.
۲. الصحيفة السجّادية: ص ۹۴ الدعاء ۲۲.

گردد، و دل و زبانی روزی‌ام کن که در نکوهیدن دنیا و دوری گزیدن شایسته از آن، همگام باشند، به طوری که جز راست نگویم، و با حُسن توفیقت، مصادیق اجابت را به من نشان بده، به طوری که در هر حال، چنان باشم که می‌خواهم».

۱۰۷۸. امام‌زین‌العابدین علیه السلام: خدایا! بر محمد و آل محمد، درود فرست و رغبت به کار خداپسندانه برای آخرتم را روزی‌ام کن، به طوری که درستی آن را با قلبم بشناسم، و به طوری که زهدورزی به دنیایم، بر من چیره باشد.



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

الفصل الخامس إرشادات لنحصيل الزهد

١/٥

مَا الدُّنْيَا وَمَا عَسَى أَنْ تَكُونَ

١٠٧٩. الإمام علي عليه السلام - في وصف الدنيا -: هل هي إلا كلعقة الآكل، ومذقة الشارب،
وخفقة الوسنان^٢.^٣

مركز تحقيقات كميته علوم و معارف

١٠٨٠. عنه عليه السلام: إنما الدنيا ستة أشياء: مطعوم ومشروب وملبوس ومركوب ومنكوح
ومشموم؛ فأشرف المطعومات العسل وهي مذقة ذبابة، وأشرف المشروبات
الماء يستوي فيه البر والفاجر، وأشرف الملبوسات الحرير وهو نسج دودة،
وأشرف المركوبات الخيل وعليها يقتل الرجال، وأشرف المنكوحات النساء
وهي مبال في مبال، وإن المرأة لتزين أحسن ما فيها ويراد أقبح ما فيها،
وأشرف المشمومات هو المسك وهو بعض دم^٥.

١. المذقة: الشربة من اللبن (النهاية: ج ٤ ص ٣١١ «مذق»).

٢. خفق فلان خفقة: إذا نام نومة خفيفة (لسان العرب: ج ١٠ ص ٨٠ «خفق»).

٣. الوسن: النعاس، وقد وسن الرجل فهو وسنان (الصحاح: ج ٦ ص ٢٢١٤ «وسن»).

٤. الكافي: ج ٨ ص ٣٠ ح ٤ عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عليه السلام، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٤١.

٥. تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٤٠، بحار الأنوار: ج ٦٤ ص ٢٤٠.

فصل پنجم

رهنمودهایی برای رسیدن به زهد

۱/۵

دنیا چیست و چه می تواند باشد؟

۱۰۷۹. امام علی علیه السلام - در وصف دنیا - : آیا دنیا جز مانند لقمه‌ای است که خورنده می خورد، و جرعه‌ای که نوشنده می نوشد، و خواب سبکی که شخص خفته دارد؟

۱۰۸۰. امام علی علیه السلام: دنیا شش چیز است: خوردنی، پوشیدنی، پوشیدنی، سوارشدنی، آمیزشی، و بوییدنی.

بهترین خوردنی‌ها، عسل است و آن، [شیره گیاهی] آمیخته با بزاق مگسی است. بهترین پوشیدنی‌ها، آب است که نیک و بد، در [استفاده از] آن یکسان‌اند. بهترین پوشیدنی‌ها، ابریشم است و آن، تار [تنیده شده به وسیله] کرمی است. بهترین سوارشدنی‌ها اسب است و بر پشت آن، مردان به قتل می‌رسند. بهترین آمیزش کردنی‌ها، زنان‌اند و آن، داخل شدن مَبالی در مَبال دیگر است. زن، بهترین عضو خود (چهره‌اش) را می‌آراید و مقصود اصلی، زشت‌ترین عضو اوست. و بهترین بوییدنی‌ها، مشک است و آن، لخته‌ای خون است.

١٠٨١ . مطالب السؤل: نُقِلَ عَنْهُ [عَلِيٍّ] أَنَّهُ رَأَى جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ وَقَدْ تَنَفَّسَ

الصُّعْدَاءُ، فَقَالَ لَهُ: يَا جَابِرُ عَلَامَ تَتَنَفَّسُ؟ عَلَى الدُّنْيَا؟

فَقَالَ جَابِرٌ: نَعَمْ.

فَقَالَ: مَلَأَ الدُّنْيَا سَبْعَةٌ: الْمَأْكُولُ وَالْمَشْرُوبُ وَالْمَلْبُوسُ وَالْمَنْكُوحُ
وَالْمَرْكُوبُ وَالْمَشْمُومُ وَالْمَسْمُوعُ؛ فَالَّذُ الْمَأْكُولَاتِ الْعَسَلُ وَهُوَ بَصَقٌ مِنْ
دُبَابَةٍ، وَأَجَلُ الْمَشْرُوبَاتِ الْمَاءُ وَكَفَى بِإِبَاحَتِهِ وَسِيَاحَتِهِ^١ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ،
وَأَعْلَى الْمَلْبُوسَاتِ الدِّيْبَاجُ وَهُوَ مِنْ لُعَابِ دَوْدَةَ، وَأَعْلَى الْمَنْكُوحَاتِ النَّسَاءُ
وَهِيَ مَبَالٌ فِي مَبَالٍ وَمِثَالٌ لِمِثَالٍ، وَإِنَّمَا يُرَادُ أَحْسَنُ مَا فِي الْمَرَأَةِ لِأَقْبَحِ مَا
فِيهَا، وَأَعْلَى الْمَرْكُوبَاتِ الْخَيْلُ وَهِيَ قَوَاتِلُ، وَأَجَلُ الْمَشْمُومَاتِ الْمِسْكُ وَهُوَ
دَمٌ مِنْ سُرَّةِ دَابَّةٍ، وَأَجَلُ الْمَسْمُوعَاتِ الْغِنَاءُ وَالتَّرْتُّمُ وَهُوَ إِيْثُ. فَمَا هَذِهِ صِفَتُهُ لَمْ
يَتَنَفَّسْ عَلَيْهِ عَاقِلٌ!

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

قَالَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ: فَوَاللَّهِ مَا خَطَرَتِ الدُّنْيَا بَعْدَهَا عَلَى قَلْبِي^٢.

١٠٨٢ . الإمام عليّ عليه السلام: الدُّنْيَا كَيَوْمٍ مَضَى، وَشَهْرٍ انْقَضَى^٣.

١٠٨٣ . الكافي عن جابر: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: يَا جَابِرُ، وَاللَّهِ إِنِّي لَمَحْزُونُ،

وَإِنِّي لَمَشْغُولُ الْقَلْبِ، قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ وَمَا شُغْلُكَ؟! وَمَا حُزْنُ قَلْبِكَ؟

فَقَالَ: يَا جَابِرُ، إِنَّهُ مَنْ دَخَلَ قَلْبُهُ صَافِي خَالِصٍ دِينَ اللَّهِ شَغَلَ قَلْبُهُ عَمَّا

سِوَاهُ. يَا جَابِرُ، مَا الدُّنْيَا وَمَا عَسَى أَنْ تَكُونَ الدُّنْيَا، هَلْ هِيَ إِلَّا طَعَامٌ أَكَلْتَهُ،

١ . في المصدر: «وسباحته».

٢ . مطالب السؤل: ص ٥٦: بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١١ ح ٦٩.

٣ . غرر الحكم: ح ١٢٠٥. عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٦ ح ١١٣٠.

۱۰۸۱. مطالب السؤل: درباره ایشان (امام علی علیه السلام) نقل شده است که دید جابر بن عبد الله، آهی بلند از دل بر کشید.

فرمود: «ای جابر! آهت برای چیست؟ برای دنیا است». جابر گفت: آری.

فرمود: «لذت‌های دنیا، هفت نوع‌اند: خوردنی، نوشیدنی، پوشیدنی، آمیزشی، سوار شدنی، بوییدنی، و شنیدنی. لذیذترین خوردنی‌ها، عسل است و آن، بزاز مگسی است. گواراترین نوشیدنی‌ها، آب است و همین بس که نوشیدنی‌اش روا و در همه جای زمین، روان است. عالی‌ترین پوشیدنی‌ها، ابریشم است و آن، از آب دهان کرمی است. عالی‌ترین آمیزش‌ها، آمیزش با زنان است و آن داخل شدن مَبالی در مَبال دیگر و نزدیک شدن دو عضوِ همانند است. زیباترین چیزی که در زن است، در واقع، برای زشت‌ترین عضو او خواسته می‌شود. بهترین سوار شدنی‌ها، اسب‌هایند که قاتل‌اند (در جنگ‌ها سوارانشان به قتل می‌رسند). ارزشمندترین بوییدنی‌ها، مشک است و آن، خون ناف حیوانی است. بالاترین شنیدنی‌ها، غنا (آواز) است که آن [هم] گناه است. پس، هیچ خردمندی برای چیزهایی با این خصوصیات، هرگز آه نمی‌کشد!». جابر بن عبد الله می‌گوید: به خدا سوگند که از آن پس، هرگز دنیا در دلم حاضر نشد.

۱۰۸۲. امام علی علیه السلام: دنیا، چونان روزی است که گذشت و ماهی که سپری گشت.

۱۰۸۳. الکافی - به نقل از جابر -: خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم.

فرمود: «ای جابر! به خدا که غمگین و دل‌مشغولم».

گفتم: فدایت شوم! گرفتاری‌ات چیست؟ غم دلت، برای چیست؟

فرمود: «ای جابر! هر کس زلالی و نابی دین خدا به دلش درآید، دلش را از غیر او باز می‌دارد. ای جابر! دنیا چیست و چه می‌تواند باشد؟ آیا جز خوراکی‌ای است که بخوری، یا جامه‌ای که بپوشی، یا زنی که بگیری؟!».

أَوْ ثَوْبٌ لِبِسْتَهُ، أَوْ امْرَأَةٌ أَصْبَتْهَا؟^١

١٠٨٤. الزهد عن داود بن فرقد: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَا يَسُرُّنِي بِحَقِّكُمْ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا. فَقَالَ: أَفَّ لِلدُّنْيَا وَمَا فِيهَا، وَمَا هِيَ يَا دَاوُدُ؟! هَلْ هِيَ إِلَّا ثَوْبَانِ، وَمِلءُ بَطْنِكَ؟^٢

١٠٨٥. تحف العقول: قَالَ لَهُ [لِلْإِمَامِ الصَّادِقِ عليه السلام] يُونُسُ: لَوْلَا نِي لَكُمْ وَمَا عَرَّفَنِي اللَّهُ مِنْ حَقِّكُمْ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا بِخَدَافِهَا. قَالَ يُونُسُ: فَتَبَيَّنْتُ الْغَضَبَ فِيهِ، ثُمَّ قَالَ عليه السلام: يَا يُونُسُ قِسْتَنَا بِغَيْرِ قِيَاسٍ، مَا الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا؟! هَلْ هِيَ إِلَّا سَدُّ فَوْرَةٍ، أَوْ سِتْرُ عَوْرَةٍ؟ وَأَنْتَ لَكَ بِمَحَبَّتِنَا الْحَيَاةُ الدَّائِمَةُ.^٣

٢/٥

لَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ

مركز تحقيقات كميته نور محمد رسودي

الكتاب

﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نُنْزِلَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾ لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ.^٤

الحديث

١٠٨٦. الإمام الصادق عليه السلام: لَمَّا أُدْخِلَ رَأْسُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام عَلَى يَزِيدَ - لَعَنَهُ اللَّهُ -

١. الكافي: ج ٢ ص ١٣٢ ح ١٦، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٩٣ كلاهما عن جابر، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٣٦ ح ١٧: البداية والنهاية: ج ٩ ص ٣١٠ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه وراجع تحف العقول: ص ٢٤٨.

٢. الزهد للحسين بن سعيد: ص ٤٦ ح ١٢٣، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٢٤ ح ١١٦.

٣. تحف العقول: ص ٢٧٩، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٤٥ ح ١٧٧.

٤. الحديد: ٢٢ و ٢٣.

۱۰۸۴. الزهد - به نقل از داوود بن فرقد - : به امام صادق علیه السلام گفتم : به حَقَّتَّان سوگند که دنیا و آنچه در آن است ، مرا خوش حال نمی کند .^۱

امام علیه السلام فرمود : «أف بر دنیا و آنچه در آن است ! مگر دنیا چیست ، ای داوود ؟ آیا جز دو جامه و پر شدن شکمت است ؟!» .

۱۰۸۵. تحف العقول - به نقل از یونس ، که به امام صادق علیه السلام گفت : ولایت شما را داشتن و شناخت حق (منزلت) شما (که خداوند ، آن را به من شناساند) ، نزد من ، محبوب تر از همه دنیا است - : آثار ناراحتی را در چهره امام علیه السلام مشاهده کردم . فرمود : «ای یونس ! درباره ما ، قیاس مع الفارق کردی .^۲ مگر دنیا و هر آنچه در آن است ، چیست ؟ آیا آن جز فرو نشاندن هیجانی [برخاسته از گرسنگی یا شهوت] ، یا پوشاندن عورتی است ؟! توبه وسیله مهرورزی ات به ما ، زندگی جاوید را به دست آورده ای .»



بر آنچه از دست داده اید ، افسوس نخورید و برای آنچه خداوند به شما داده است ، شادمانی نکنید

قرآن

«هیچ مصیبتی ، نه در زمین و نه در نفس های شما [به شما] نمی رسد ، مگر آن که پیش از این که آن را پدید آوریم ، در کتابی است ، و البته این کار ، برای خدا آسان است ، تا بر آنچه از دست شما رفته ، اندوهگین نشوید و به سبب آنچه به شما داده است ، شادمانی نکنید و خدا هیچ خودپسند فخر فروشی را دوست ندارد» .

حدیث

۱۰۸۶. امام صادق علیه السلام : چون سر حسین بن علی علیه السلام را نزد یزید - که لعنت خدا بر او

۱. یا : خوش حالم نمی کند که دنیا و هر چه را که در آن است ، با شما عوض کنم .

۲. یا : ما را به چیزی که قابل قیاس با ما نیست ، قیاس کردی .

وَأَدْخَلَ عَلَيْهِ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام ... قَالَ يَزِيدُ: يَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ»!^١

فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام: كَلَّا، مَا هَذِهِ فِينَا نَزَلَتْ، إِنَّمَا نَزَلَتْ فِينَا: «وَمَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ» * لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ»، فَنَحْنُ الَّذِينَ لَا نَأْسَى عَلَى مَا فَاتَنَا وَلَا نَفْرَحُ بِمَا آتَانَا مِنْهَا.^٢

١٠٨٧. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَسِيفَ عَلَى دُنْيَا فَاتَتْهُ، اقْتَرَبَ مِنَ النَّارِ مَسِيرَةَ شَهْرٍ.^٣

١٠٨٨. عنه عليه السلام: مَنْ أَسِيفَ عَلَى دُنْيَا فَاتَتْهُ اقْتَرَبَ مِنَ النَّارِ مَسِيرَةَ أَلْفِ سَنَةٍ، وَمَنْ أَسِيفَ عَلَى آخِرَةٍ فَاتَتْهُ اقْتَرَبَ مِنَ الْجَنَّةِ مَسِيرَةَ أَلْفِ سَنَةٍ.^٤

١٠٨٩. عنه عليه السلام: مَنْ أَصْبَحَ حَزِينًا عَلَى الدُّنْيَا، أَصْبَحَ سَاخِطًا عَلَى رَبِّهِ تَعَالَى.^٥

١٠٩٠. عنه عليه السلام: مَا زُوِيَتْ الدُّنْيَا عَنْ أَحَدٍ إِلَّا كَانَتْ خَيْرَةً لَهُ.^٦

١٠٩١. الإمام علي عليه السلام: مَنْ أَصْبَحَ عَلَى الدُّنْيَا حَزِينًا، فَقَدْ أَصْبَحَ لِقَضَاءِ اللَّهِ سَاخِطًا.^٧

١. الشورى: ٣٠.

٢. تفسير القمّي: ج ٢ ص ٢٥٢.

٣. تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٧٩، المحجّة البيضاء: ج ٦ ص ٩٦ وفيه «سنة» بدل «شهر».

٤. كنز العمال: ج ٣ ص ١٩٧ ح ٦١٤٧ نقلاً عن الرازي في مشيخته عن ابن عمر.

٥. المعجم الصغير: ج ١ ص ٢٥٧، شعب الإيمان: ج ٧ ص ٢١٣ ح ١٠٠٤٤ كلاهما عن أنس وص ٢١٤ ح ١٠٠٤٥ عن ابن مسعود، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٢٦ ح ٦٢٧١؛ الأمالي للمفيد: ص ١٨٨ ح ١٥، الأمالي

للطوسي: ص ٢٢٩ ح ٤٠٤ كلاهما عن رفاعه [بن موسى] عن الإمام الصادق عليه السلام، تاريخ اليعقوبي: ج ٢ ص ٩٥

نحوه، تفسير القمّي: ج ١ ص ٢٨١ عن المفضل بن عمر عن الإمام الصادق عليه السلام عنه عليه السلام، بحار الأنوار: ج ١٣

ص ٣٢٨ ح ٣٥.

٦. الفردوس: ج ٤ ص ٦٨ ح ٦٢١٣ عن ابن عمر، كنز العمال: ج ٣ ص ١٩٦ ح ٦١٤١.

٧. نهج البلاغة: الحكمة ٢٢٨، تحف العقول: ص ٢١٧، تفسير العياشي: ج ١ ص ١٢٠ ح ٣٧٩، بحار الأنوار:

ج ٧٢ ص ١٩٦ ح ٢١: تذكرة الخواص: ص ١٣٤.

باد - بردند و علی بن الحسین علیه السلام را نیز آوردند...، یزید گفت: ای علی بن الحسین! «و هر مصیبتی که به شما می‌رسد، به سبب اعمال خودتان است!»

علی بن الحسین علیه السلام فرمود: «هرگز! این آیه در باره ما نازل نشد؛ بلکه درباره ما این آیه دیگر نازل شده است: «هیچ مصیبتی، نه در زمین و نه در نفس‌های شما [به شما] نمی‌رسد، مگر آن که پیش از این که آن را پدید آوریم، در کتابی است، و البته این کار، برای خدا آسان است، تا بر آنچه از دست شما رفته، اندوهگین نشوید و به سبب آنچه به شما داده است، شادمانی نکنید. و خدا هیچ خودپسند فخرفروشی را دوست ندارد». ما، کسانی هستیم که برای آنچه از دست می‌دهیم، افسوس نمی‌خوریم و برای آنچه به ما می‌رسد، شادمانی نمی‌کنیم».

۱۰۸۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که برای از دست دادن چیزی از دنیا افسوس خورد، به فاصله یک ماه راه، به آتش نزدیک می‌شود.

۱۰۸۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که برای از دست دادن چیزی از دنیا افسوس خورد، به اندازه مسافت هزار سال راه، به آتش نزدیک شده است؛ و هر که برای از دست دادن چیزی از آخرتش افسوس خورد، به اندازه مسافت هزار سال راه، به بهشت نزدیک شده است.

۱۰۸۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که برای دنیا غمگین شود، از پروردگار متعال خود، خشمگین شده است.

۱۰۹۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا از هیچ کس گرفته نشد، مگر آن که خیر او در آن بود.

۱۰۹۱. امام علی علیه السلام: هر که برای دنیا اندوهناک شود، در واقع، از قضای خداوند تعالی خشمگین شده است.

١٠٩٢. عنه عليه السلام: لَا يَحِثُّ أَحَدُكُمْ حَنِينَ الْأُمَّةِ عَلَى مَا رُويَ عَنْهُ مِنَ الدُّنْيَا. ١

١٠٩٣. عنه عليه السلام - مِنْ كِتَابٍ لَهُ إِلَى ابْنِ عَبَّاسٍ - : دَعِ مَا فَاتَكَ مِنَ الدُّنْيَا فَلَا تُكْثِرْ عَلَيْهِ حَزَنًا. ٢

١٠٩٤. عنه عليه السلام: كُلُّمَا فَاتَكَ مِنَ الدُّنْيَا شَيْءٌ فَهُوَ غَنِيمَةٌ. ٣

١٠٩٥. عنه عليه السلام - مِنْ كِتَابٍ لَهُ إِلَى ابْنِ عَبَّاسٍ، وَكَانَ عَبْدُ اللَّهِ يَقُولُ: «مَا انْتَفَعْتُ بِكَلَامٍ بَعْدَ كَلَامِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله كَانْتِفَاعِي بِهَذَا الْكَلَامِ» - : أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ الْمَرْءَ قَدْ يَسْرُهُ دَرَكُ مَا لَمْ يَكُنْ لِيَفُوتَهُ، وَيَسُوؤُهُ قُوتُ مَا لَمْ يَكُنْ لِيُدْرِكَهُ، فَلْيَكُنْ سُورُوكَ بِمَا نِلْتَ مِنْ آخِرَتِكَ، وَلْيَكُنْ أَسْفُكَ عَلَى مَا فَاتَكَ مِنْهَا. وَمَا نِلْتَ مِنْ دُنْيَاكَ فَلَا تُكْثِرْ بِهِ فَرَحًا، وَمَا فَاتَكَ مِنْهَا فَلَا تَأْسَ عَلَيْهِ جَزَعًا، وَلْيَكُنْ هَمُّكَ فِيمَا بَعْدَ الْمَوْتِ. ٤

١٠٩٦. عنه عليه السلام - مِنْ كِتَابٍ لَهُ إِلَى ابْنِ عَبَّاسٍ بِرِوَايَةِ أُخْرَى - : أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ الْمَرْءَ لَيَفْرَحُ بِالشَّيْءِ الَّذِي لَمْ يَكُنْ لِيَفُوتَهُ، وَيَحْزَنُ عَلَى الشَّيْءِ الَّذِي لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبَهُ، فَلَا يَكُنْ أَفْضَلَ مَا نِلْتَ فِي نَفْسِكَ مِنْ دُنْيَاكَ بُلُوغَ لَذَّةٍ أَوْ شِفَاءٍ غَيْظٍ، وَلَكِنْ إِطْفَاءً بِاطِلٍ أَوْ إِحْيَاءً حَقًّا، وَلْيَكُنْ سُورُوكَ بِمَا قَدَّمْتَ، وَأَسْفُكَ عَلَى مَا خَلَّفْتَ، وَهَمُّكَ فِيمَا بَعْدَ الْمَوْتِ. ٥

١. غرر الحكم: ح ١٠٣٩٣، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٢٠ ح ٩٤٣٦.

٢. الكافي: ج ٨ ص ٢٤٠ ح ٣٢٧.

٣. غرر الحكم: ح ٧٢٠٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٩٥ ح ٦٦٨٩.

٤. نهج البلاغة: الكتاب ٢٢، خصائص الأئمة عليهم السلام: ص ٩٥، تاريخ اليعقوبي: ج ٢ ص ٢٠٥ نحوه، وكلاهما عن ابن عباس، غرر الحكم: ح ٢٥٨٦ وليس فيه: «وما نلت... جزعاً»، بحار الأنوار: ج ٢٣ ص ٤٩٥ ح ٧٠٠؛ تاريخ دمشق: ج ٤٢، ص ٥٠٣، دستور معالم الحكم: ص ٧٩ كلاهما عن ابن عباس نحوه.

٥. نهج البلاغة: الكتاب ٦٦، بحار الأنوار: ج ٢٣ ص ٤٩٢ ح ٦٩٨ وراجع الكافي: ج ٨ ص ٢٤٠ ح ٣٢٧ ووقعة صفين: ص ١٠٧ ومطالب السؤل: ص ٥٢.

۱۰۹۲. امام علی علیه السلام: مبدا یکی از شما برای آنچه از دنیا به او نرسیده است، مانند کنیزان، زار بزنند!

۱۰۹۳. امام علی علیه السلام - در نامه‌اش به ابن عباس - : آنچه را از دنیا از دستت رفته است، رها کن و زیاد برایش غم مخور.

۱۰۹۴. امام علی علیه السلام: هر وقت چیزی از دنیا را از دست دادی، در واقع، غنیمتی است [که آن را به دست آورده‌ای].

۱۰۹۵. امام علی علیه السلام - در نامه‌اش به عبد الله ابن عباس، و عبد الله می‌گفت: «بعد از سخن پیامبر خدا، از هیچ سخنی به اندازه این سخن، بهره نبردم» - : اما بعد؛ آدمی گاه، از رسیدن به چیزی شادمان می‌شود که حتماً به او می‌رسیده است، و از نرسیدن به چیزی ناراحت می‌شود که هرگز به آن دست نمی‌یافت. پس، شادمانی تو، باید برای رسیدن به چیزی باشد که به آخرت مربوط می‌شود، و اندوهت نیز باید برای از دست دادن چیزی از آخرت باشد. برای آنچه از دنیایت به دست آورده‌ای، زیاد شاد مشو، و برای آنچه از آن از دست داده‌ای، ناراحتی و بی‌تابی مکن؛ بلکه باید غمت، برای پس از مرگ باشد.

۱۰۹۶. امام علی علیه السلام - در نامه‌اش به ابن عباس، به روایتی دیگر - : اما بعد؛ آدمی از رسیدن به چیزی شاد می‌شود که برایش از دست رفتنی نیست، و برای [نداشتن] چیزی غم می‌خورد که هرگز به آن نمی‌رسد. پس، نباید بهترین چیز در نزد تو از دنیایت، رسیدن به لذتی و یا گرفتن انتقامی باشد؛ بلکه باید خاموش ساختن باطلی و یا زنده ساختن حقی باشد. و باید خوش‌حالی‌ات برای چیزی باشد که [برای فردایت] پیش فرستاده‌ای، و افسوست به خاطر چیزی باشد که به جا گذاشته‌ای تا دیگری بهره‌مند گردد [و تو حسابش را پس بدهی]، و غمت برای پس از مرگ باشد.

١٠٩٧ . عنه عليه السلام - مِنْ كِتَابٍ لَهُ إِلَى مُعَاوِيَةَ - : فَاحْذَرِ الدُّنْيَا ، فَإِنَّهُ لَا فَرْحَ فِي شَيْءٍ وَصَلَتْ إِلَيْهِ مِنْهَا .^١

١٠٩٨ . الإمام زين العابدين عليه السلام : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاجْعَلْ ثَنَائِي عَلَيْكَ وَمَدْحِي إِيَّاكَ وَحَمْدِي لَكَ فِي كُلِّ حَالَاتِي ، حَتَّى لَا أَفْرَحَ بِمَا آتَيْتَنِي مِنَ الدُّنْيَا ، وَلَا أُحْزَنَ عَلَى مَا مَنَعْتَنِي فِيهَا .^٢

١٠٩٩ . نثر الدر: نَظَرَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام إِلَى سَائِلٍ يَبْكِي ، فَقَالَ : لَوْ أَنَّ الدُّنْيَا فِي يَدِ هَذَا ثُمَّ سَقَطَتْ مِنْهُ ، مَا كَانَ يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَبْكِيَ عَلَيْهَا .^٣

١١٠٠ . الإمام زين العابدين عليه السلام : اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ صُحْبَةَ الْفُقَرَاءِ ، وَأَعِنِّي عَلَى صُحْبَتِهِمْ بِحُسْنِ الصَّبْرِ ، وَمَا زَوَيْتَ عَنِّي مِنْ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْفَاتِيَةِ فَادْخِرْهُ لِي فِي خَزَائِنِكَ الْبَاقِيَةِ .^٤

١١٠١ . الإمام الصادق عليه السلام : كَانَ فِيمَا وَعَظَ بِهِ لُقْمَانُ ابْنَهُ : يَا بُنَيَّ ... لَا تَأْسَ عَلَى مَا فَاتَكَ مِنَ الدُّنْيَا ؛ فَإِنَّ قَلِيلَ الدُّنْيَا لَا يَدُومُ بَقَاؤُهُ ، وَكَثِيرُهَا لَا يُؤْمَنُ بِلَاؤُهُ .^٥

١١٠٢ . الإمام الرضا عليه السلام : قَالَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - لِلْحَوَارِيِّينَ : يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ ، لَا تَأْسُوا عَلَى مَا فَاتَكُمْ مِنَ الدُّنْيَا كَمَا لَا يَأْسَى أَهْلُ الدُّنْيَا عَلَى مَا فَاتَهُمْ مِنْ دِينِهِمْ إِذَا أَصَابُوا دُنْيَاهُمْ .^٦

١ . وقعة صفين : ص ٤٩٣ ، بحار الأنوار : ج ٣٢ ص ٥٣٧ ح ٤٥١ .

٢ . الصحيفة السجادية : ص ٩١ الدعاء ٢١ .

٣ . نثر الدر: ج ١ ص ٣٣٨ ، بحار الأنوار : ج ٧٨ ص ١٥٨ ح ١٠ ؛ الفصول المهمة : ص ٢٠٣ .

٤ . الصحيفة السجادية : ص ١٢٢ الدعاء ٣٠ .

٥ . الكافي : ج ٢ ص ١٣٣ ح ٢٠ ، تنبيه الخواطر : ج ٢ ص ١٩٤ كلاهما عن يحيى بن عقبة الأزدي ، بحار الأنوار : ج ١٣ ص ٤٢٥ ح ١٩ .

٦ . الكافي : ج ٢ ص ١٣٧ ح ٢٥ عن الوشاء ، الأمالي للصدوق : ص ٥٨٥ ح ٨٠٥ ، الزهد للحسين بن سعيد : ص ٥١ ح ١٣٧ كلاهما عن الحسن بن علي الغزالي ، مشكاة الأنوار : ص ٢٤٩ ح ١٥٦٨ كلها نحوه ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٨٠ ح ٤١ .

۱۰۹۷. امام علی علیه السلام - در نامه‌اش به معاویه - : از دنیا بر حذر باش؛ چرا که رسیدن به هیچ چیز دنیا، جای شادی ندارد.

۱۰۹۸. امام زین العابدین علیه السلام : خدایا! بر محمد و آل او درود فرست، و مرا در همه حال به تمجید و ستایش و سپاس‌گزاری از خودت بگمار تا برای آنچه از دنیا به من داده‌ای، شادمان نگردم، و برای آنچه از دنیا به من نداده‌ای، اندوهگین نشوم.

۱۰۹۹. نثر الدر: علی بن الحسین علیه السلام گدایی را دید که می‌گریه. فرمود: «اگر [همه] دنیا در دست این مرد بود و از دستش می‌افتاد، سزاوارش نبود که برای آن بگیرد».

۱۱۰۰. امام زین العابدین علیه السلام : بار خدایا! مرا دوستدار همنشینی با فقیران گردان، و کمکم کن که در همنشینی با آنان خوب شکیبایی کنم، و آنچه را از متاع دنیای فانی از من دریغ کرده‌ای، در گنجینه‌های جاویدانت برایم اندوخته کن.

۱۱۰۱. امام صادق علیه السلام : از جمله پندهای لقمان به فرزندش، این بود که: «فرزندم!... برای از دست دادن چیزی از دنیا افسوس مخور؛ چرا که اندک دنیا بقایش دوام ندارد، و بسیار آن، خالی از رنج نیست».

۱۱۰۲. امام رضا علیه السلام : عیسی بن مریم - که درودهای خداوند بر او باد به حواریان گفت: «ای بنی اسرائیل! برای از دست دادن چیزی از دنیا افسوس مخورید، چنان که دنیا پرستان هر گاه به دنیایشان می‌رسند، برای از دست دادن چیزی از دینشان افسوس نمی‌خورند».

٣/٥

لَا تَنْظُرُوا إِلَى الدُّنْيَا نَظَرَ الْعَاشِقِ

الكتاب

﴿وَلَا تَمُدَّنْ عَيْنَكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَبَرِّقَ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾^١.

الحديث

١١٠٣. الإمام الباقر عليه السلام: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: ﴿وَلَا تَمُدَّنْ عَيْنَكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾ اسْتَوَى رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله جَالِسًا، ثُمَّ قَالَ: مَنْ لَمْ يَتَعَزَّ بِعِزَاءِ اللَّهِ تَقَطَّعَتْ نَفْسُهُ حَسَرَاتٍ عَلَى الدُّنْيَا.^٢

١١٠٤. الإمام علي عليه السلام: أَنْظِرْ إِلَى الدُّنْيَا نَظَرَ الزَّاهِدِ الْمُفَارِقِ، وَلَا تَنْظُرْ إِلَيْهَا نَظَرَ الْعَاشِقِ الْوَاقِعِ.^٣

١١٠٥. عنه عليه السلام: أَنْظُرُوا فِي الدُّنْيَا نَظَرَ الزَّاهِدِ الْمُفَارِقِ لَهَا، فَإِنَّهَا تُرِيْلُ الثَّائِي السَّاكِنِ وَتَفْجَعُ الْمُتَرَفَّ الْآمِنَ، لَا يُرْجَى مِنْهَا مَا تَوَلَّى قَادِرٌ، وَلَا يُدْرَى مَا هُوَ آتٍ مِنْهَا فَيَنْتَظِرُ، وَصِلَ الْبَلَاءُ مِنْهَا بِالرَّخَاءِ، وَالْبَقَاءُ مِنْهَا إِلَى فَنَاءٍ، فَسُرُورُهَا مَشُوبٌ بِالْحُزْنِ، وَالْبَقَاءُ فِيهَا إِلَى الضَّعْفِ وَالْوَهْنِ.^٥

١. طه: ١٣١.

٢. الزهد للحسين بن سعيد: ص ٤٦ ح ١٢٥ عن ميسر، تفسير القمي: ج ٢ ص ٦٦ عن الإمام الصادق عليه السلام وج ١ ص ٢٨١ عن المفضل بن عمير عن الإمام الصادق عليه السلام، تحف العقول: ص ٥١ كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٣١٧ ح ٢٥ وراجع الكافي: ج ٢ ص ٣١٥ ح ٥ والنخبال: ص ٦٤ ح ٩٥ ومشكاة الأنوار: ص ١٤١ ح ٣٢٧.
٣. ومقّة: أحبه، فهو وامق (الصحيح: ج ٤ ص ١٥٦٨ «ومق»).

٤. غرر الحكم: ح ٢٣٨٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ٨٢ ح ١٩٧١، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٠٩ ح ١٠٩.

٥. الكافي: ج ٨ ص ١٧ ح ٣، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٣٩ نحوه وكلاهما عن محمد بن إسماعيل الهمداني عن الإمام الكاظم عليه السلام، تحف العقول: ص ٢٠٢، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٣٩ ح ١٦ وراجع نهج البلاغة: الخطبة ١٠٣ وإرشاد القلوب: ص ٣٤ ومطالب السؤل: ص ٥١.

۳/۵ به دنیا عاشقانه منگریه

قرآن

«و دیدگانت را به سوی آنچه گروه‌هایی از آنان را از آن برخوردار کرده‌ایم، مدوز که [فقط] زیور زندگی دنیاست تا آنان را در آن بیازماییم و [بدان که] روزی پروردگار تو، بهتر و پایدارتر است».

حدیث

۱۱۰۳. امام باقر علیه السلام: چون این آیه نازل شد که: «و دیدگانت را به سوی آنچه اصنافی از آنان را از آن برخوردار کرده‌ایم، مدوز که [فقط] زیور زندگی دنیاست»، پیامبر خدا راست نشست و سپس فرمود: «هر که به دلداری خدا آرام نگیرد، جان‌ش از حسرت‌های دنیا متلاشی می‌شود».
۱۱۰۴. امام علی علیه السلام: به دنیا چون زاهد دنیا‌گریز بنگر، و به آن، چونان عاشق شیدا منگر.
۱۱۰۵. امام علی علیه السلام: به دنیا چونان زاهد دنیا‌گریز بنگر؛ چرا که دنیا مقیم و ساکن خود را می‌کوچاند، و مرفه آسوده‌خاطر را دردمند می‌سازد. آنچه از دنیا پشت کرد و رفت، دیگر به بازگشتش امیدی نیست، و آنچه می‌آید، دانسته نیست تا بتوان در انتظارش نشست. رنج دنیا، با خوشی پیوسته است، و بقای آن به فنا می‌انجامد. شادی‌اش با اندوه آمیخته است، و زندگی در آن، به ناتوانی و سستی منتهی می‌شود.

١١٠٦ . عنه عليه السلام - فِي الدِّيَّانِ الْمَنْسُوبِ إِلَيْهِ - :

يَا عَاشِقَ الدُّنْيَا لِغَيْرِكَ وَجْهَهَا وَلَسْتَنْدِمَنَّ إِذَا أَرْتَكَ قَسْفَهَا^١

٤/٥

لَا تَشْغَلُوا قُلُوبَكُمْ بِذِكْرِ الدُّنْيَا

١١٠٧ . رَسُولُ اللَّهِ ﷺ : لَا تَشْغَلُوا قُلُوبَكُمْ بِذِكْرِ الدُّنْيَا.^٢

١١٠٨ . الْإِمَامُ عَلِيُّ ﷺ : ذِكْرُ الدُّنْيَا أَدْوَأُ الْأَدْوَاءِ.^٣

١١٠٩ . الْإِمَامُ الْحَسَنُ ﷺ - مِنْ كَلَامِهِ عِنْدَ وَدَاعِ أَبِي ذَرٍّ - : يَا عَمَّاهُ ؛ إِنَّ الْقَوْمَ قَدْ أَتَوْا إِلَيْكَ

مَا قَدْ تَرَى ، وَإِنَّ اللَّهَ ﷻ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى ، فَدَعِ عَنْكَ ذِكْرَ الدُّنْيَا بِذِكْرِ فِرَاقِهَا ،

وَشِدَّةَ مَا يَرِدُ عَلَيْكَ لِإِرْخَاءِ مَا بَعْدَهَا.^٤

٥/٥

لَا تُظِلُّوا فِي الدُّنْيَا أَمَالَكُمْ

١١١٠ . رَسُولُ اللَّهِ ﷺ : طَوْلُ الْأَمَلِ يَصْرِفُ هِمَمَكُمْ إِلَى الدُّنْيَا.^٥

١١١١ . الْإِمَامُ عَلِيُّ ﷺ : مَنْ يَأْمُلُ أَنْ يَعِيشَ غَدًا فَإِنَّهُ يَأْمُلُ أَنْ يَعِيشَ أَبَدًا ، وَمَنْ يَأْمُلُ

أَنْ يَعِيشَ أَبَدًا يَقْسُو قَلْبُهُ ، وَيَرْغَبُ فِي دُنْيَاهُ ، وَيَزْهَدُ فِي الَّذِي وَعَدَهُ رَبُّهُ

١ . الدِّيَّانِ الْمَنْسُوبِ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ ﷺ : ص ٢٨ الرقم ٩ .

٢ . شُعَبُ الْإِيمَانِ : ج ٧ ص ٣٦١ ح ١٠٥٨٤ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ النَّظِيرِ الْحَارِثِيِّ ، كَنْزُ الْعَمَالِ : ج ٣ ص ١٩٨ ح ٦١٥٣ ؛ تَنْبِيهِ الْخَوَاطِرِ : ج ١ ص ١٢٣ .

٣ . غُرَرُ الْحِكْمِ : ح ٥١٧٦ ، عِيُونُ الْحِكْمِ وَالْمَوَاعِظِ : ص ٢٥٥ ح ٤٧٢١ وَفِيهِ «الدَّاءُ» بِدَلِ «الْأَدْوَاءِ» .

٤ . الْكَافِي : ج ٨ ص ٢٠٧ ح ٢٥١ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْخَشَمِيِّ ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج ٢٢ ص ٤٣٦ ح ٥١ وَرَاجِعُ شَرْحِ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ : ج ٨ ص ٢٥٣ .

٥ . أَعْلَامُ الدِّينِ : ص ٣٤٥ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج ٧٧ ص ١٨٨ ح ٣٩ .

۱۱۰۶. امام علی علیه السلام - در دیوان منسوب به ایشان -:

ای عاشقِ دنیا! دنیا رو به دیگری دارد /

و هر گاه پشتش را به تو نشان دهد، هر آینه پشیمان خواهی شد.

۴/۵

دل‌هایتان را به ذکر دنیا مشغول نسازید

۱۱۰۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دل‌هایتان را به ذکر دنیا (یاد کردن از دنیا) مشغول نسازید.

۱۱۰۸. امام علی علیه السلام: ذکر دنیا، بدترین دردهاست.

۱۱۰۹. امام حسن علیه السلام - در گفتاری در هنگام بدرود با ابوذر -: عمو جان! این مردم، با تو

آن کردند که می‌بینی، و البته خداوند تعالی در منظر برین است [و ناظر بر همه

این کارهاست]. پس، با یاد کردن از جدایی دنیا، یاد دنیا را از دل برون کن، و

به خاطر آسایش پس از آن، سختی‌هایی را که به تو می‌رسند، تحمل کن.

۵/۵

آرزوهای خود را در دنیا کوتاه کنید

۱۱۱۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آرزوی دور و دراز، همت‌های شما را مصروف دنیا می‌کند.

۱۱۱۱. امام علی علیه السلام: هر که آرزو دارد که فردا [نیز در این دنیا] زندگی کند، در واقع،

آرزو دارد که تا ابد زندگی کند، و هر که آرزوی زندگی کردن تا ابد را داشته

باشد، دلش سخت می‌گردد، و به دنیا راغب می‌شود، و به آنچه پروردگارش

تَبَارَكَ وَتَعَالَى.^١

٥/٦

كُونُوا فِي الدُّنْيَا أَضْيَافًا

١١١٢. رسول الله ﷺ: كُونُوا فِي الدُّنْيَا أَضْيَافًا، وَاتَّخِذُوا الْمَسَاجِدَ بُيُوتًا، وَعَوَّدُوا قُلُوبَكُمْ الرِّقَّةَ، وَاكْثَرُوا التَّفَكُّرَ وَالْبُكَاءَ، وَلَا تَخْتَلِفَنَّ بِكُمْ الْأَهْوَاءُ، تَبْنُونَ مَا لَا تَسْكُنُونَ، وَتَجْمَعُونَ مَا لَا تَأْكُلُونَ، وَتَأْمُلُونَ مَا لَا تُدْرِكُونَ.^٢

٥/٧

كُنْ فِي الدُّنْيَا غَرِيبًا

١١١٣. سنن الترمذي عن ابن عمر: أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِبَعْضِ جَسَدِي، فَقَالَ: كُنْ فِي الدُّنْيَا كَأَنَّكَ غَرِيبٌ أَوْ عَابِرُ سَبِيلٍ، وَعُدَّ نَفْسَكَ فِي أَهْلِ الْقُبُورِ.^٣

٥/٨

أَخْرِجُوا مِنَ الدُّنْيَا قُلُوبَكُمْ

١١١٤. الإمام علي عليه السلام: أَخْرِجُوا مِنَ الدُّنْيَا قُلُوبَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَخْرُجَ مِنْهَا أَبْدَانُكُمْ، فَفِيهَا

١. الجعفریات: ص ٢٤٠ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليه السلام، كنز الفوائد: ج ١ ص ٦٢ عن رسول الله ﷺ وفيه صدره، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٦٧ ح ٣١.

٢. كنز الفوائد: ج ١ ص ٣٤٤، أعلام الدين: ص ١٤٦ و ص ٣٦٥ عن أبي سعيد الخدري، إرشاد القلوب: ص ٩٤ كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٨١ ح ٤٣؛ حلية الأولياء: ج ١ ص ٣٥٨، مسند الشهاب: ج ١ ص ٤٢٦ ح ٧٣١، تفسير القرطبي: ج ١٢ ص ٢٧٧ كلها عن الحكم بن عمير.

٣. سنن الترمذي: ج ٤ ص ٥٦٧ ح ٢٣٣٣، صحيح البخاري: ج ٥ ص ٢٢٥٨ ح ٦٠٥٣ وليس فيه ذيله، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٢٧٨ ح ٤١١٤، مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٢٩٠ ح ٥٠٠٢، كنز العمال: ج ٣ ص ١٩٤ ح ٦١٢٧، الأمالي للطوسي: ص ٣٨١ ح ٨١٩، مشكاة الأنوار: ص ٥٢٤ ح ١٧٦١، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٥٢ عن أبي ذر، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٩٩ ح ٨٥.

- تبارک و تعالی - به او وعده داده است، بی رغبت می گردد.

۶/۵

«دنيا خود را میهمان بدانید»

۱۱۱۲. پیامبر خدا ﷺ: در دنیا [چون] میهمان باشید، و مسجدها را خانه خود بگیرید، و دل‌هایتان را به نازکی، عادت دهید، و زیاد اندیشه و گریه کنید، و هوس‌های گونه‌گون را به خود راه مدهید، به این که: آنچه را در آن ساکن نمی‌شوید، بنا کنید و آنچه را که نمی‌خورید، گرد آورید و آنچه را که بدان نمی‌رسید، آرزو کنید.



«دنيا غریب و از زندگی کنید»

۱۱۱۳. سنن الترمذی - به نقل از ابن عمر -: پیامبر خدا، جایی از بدنم را گرفت و فرمود: «در دنیا چنان باش که گویی غریبی یا رهگذری، و خویشتن را در زمره خفتگان گورها به شمار آور.»

۸/۵

«دل‌هایتان را از دنیا بیرون ببرید»

۱۱۱۴. امام علی علیه السلام: پیش از آن که بدن‌هایتان از دنیا بروند، دل‌هایتان را از آن بیرون

اخْتَبِرْتُمْ وَلَغَيْرَهَا خُلِقْتُمْ^١.

١١١٥. عنه عليه السلام: كُنْ فِي الدُّنْيَا بِبَدَنِكَ، وَفِي الْآخِرَةِ بِقَلْبِكَ^٢.

٩/٥

فِرَوا مِنْ فُضُولِ الدُّنْيَا

١١١٦. رسول الله صلى الله عليه وآله: فِرَوا مِنْ فُضُولِ الدُّنْيَا كَمَا تَفِرُونَ مِنَ الْحَرَامِ، وَهَوِّنُوا عَلَى أَنْفُسِكُمُ الدُّنْيَا كَمَا تَهَوِّنُ الْجِيفَةَ، وَنُورُوا قُلُوبَكُمْ بِتَفَكُّرِ الْآخِرَةِ، وَتَوَبُّوا إِلَى اللَّهِ مِنْ فُضُولِ الدُّنْيَا وَسَيِّئَاتِ أَعْمَالِكُمْ؛ حَتَّى تَنْجُوا مِنْ شِدَّةِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ^٣.

١١١٧. الإمام علي عليه السلام: إِنَّمَا يَنْظُرُ الْمُؤْمِنُ إِلَى الدُّنْيَا بِعَيْنِ الْإِعْتِبَارِ، وَيَقْنَأُ مِنْهَا بِبَطْنِ الْإِضْطِرَارِ، وَيَسْمَعُ فِيهَا بِأُذُنِ الْمَقْتَبِ وَالْإِبْغَاضِ^٤.

١١١٨. الإمام الصادق عليه السلام: تَشَوَّقَتْ^٥ الدُّنْيَا لِقَوْمٍ حَلَالاً مَحْضاً فَلَمْ يُرِيدُوا فَدَرَجُوا^٦، ثُمَّ تَشَوَّقَتْ لِقَوْمٍ حَلَالاً وَشُبْهَةً، فَقَالُوا: لَا حَاجَةَ لَنَا فِي الشُّبْهَةِ وَتَوَسَّعُوا مِنْ

١. نهج البلاغة: الخطبة ٢٠٣. عيون أخبار الرضا: ج ١ ص ٢٩٨ ح ٥٦. الأمالي للصدوق: ص ١٧٢ ح ١٧٢ كلاهما عن أحمد بن الحسن الحسيني عن الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام، مشكاة الأنوار: ص ٤٦٨ ح ١٥٦٧. تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢١٨، روضة الواعظين: ص ٤٨٥ كلها نحوه؛ تذكرة الخواص: ص ١٣٢ عن ابن عجلان عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عنه عليه السلام.

٢. حلية الأولياء: ج ٢ ص ٣٧؛ كشف الغمّة: ج ٢ ص ١٩٣ كلاهما عن أبان بن الطفيل، غرر الحكم: ح ٧١٦٤ وفيه «بقلبك وعملك».

٣. الفردوس: ج ٣ ص ١٤٩ ح ٤٤٠١ عن جابر بن عبد الله؛ مستدرک الوسائل: ج ١٢ ص ٥٤ ح ١٣٩٦ نقلاً عن القطب الراوندي في لبّ اللباب وليس فيه «ونوروا قلوبكم بتفكير الآخرة».

٤. نهج البلاغة: الحكمة ٣٦٧، غرر الحكم: ح ٢١٢٦، تحف العقول: ص ٢٢٢ وفيه «النفت» بدل «المقت والإبغاض»، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٣١ ح ١٢٥.

٥. تَشَوَّقَتْ الجارية: أي تَرَبَّت (الصحيح: ج ٤ ص ١٢٨٣ «شوف»).

٦. دَرَجَ: مات (النهاية: ج ٢ ص ١١١ «درج»).

ببرید؛ زیرا دنیا آزمایشگاه شماسست و برای غیر آن، آفریده شده‌اید.

۱۱۱۵. امام علی علیه السلام: با بدنت، در دنیا باش و با دلت، در آخرت.

۹/۵ از فزونی های دنیا بگریزید

۱۱۱۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همچنان که از حرام می‌گریزید، از فزونی های دنیا نیز بگریزید، و همچنان که مردار را خوار می‌شمارید، دنیا را نیز در نظرتان خوار گردانید، و با اندیشیدن درباره آخرت، دل‌هایتان را نورانی کنید، و از فزونی های دنیا و کردارهای بدتان، به درگاه خدا توبه برید تا از سختی روز قیامت برهید.

۱۱۱۷. امام علی علیه السلام: مؤمن به دنیا با دیده عبرت می‌نگرد، و از آن به اندازه ضرورت می‌خورد، و با گوش نفرت و دشمنی، به آن گوش می‌دهد.

۱۱۱۸. امام صادق علیه السلام: دنیا برای عده‌ای، به صورت حلال محض خودنمایی کرد؛ ولی آنها آن را نخواستند و مردند. سپس برای عده‌ای به صورت حلال و شبهه‌ناک نمایان شد و آنها گفتند: «ما را به [مال] شبهه‌ناک، نیازی نیست» و از حلال، تا توانستند، برگرفتند. سپس برای عده‌ای دیگر به صورت حرام و شبهه‌ناک خودنمایی نمود و آنها گفتند: «ما را به حرام نیازی نیست» و در [مال]

الْحَلَالِ، ثُمَّ تَشَوَّفَتْ لِقَوْمٍ آخَرِينَ حَرَاماً وَشُبْهَةً، فَقَالُوا: لَا حَاجَةَ لَنَا فِي الْحَرَامِ وَتَوَسَّعُوا فِي الشُّبْهَةِ، ثُمَّ تَشَوَّفَتْ لِقَوْمٍ حَرَاماً مَحْضاً؛ فَيَطْلُبُونَهَا فَلَا يَجِدُونَهَا. وَالْمُؤْمِنُ فِي الدُّنْيَا يَأْكُلُ بِمَنْزِلَةِ الْمُضْطَرِّ.^١

۱۰/۵

اجْعَلِ الدُّنْيَا شَوْكاً

۱۱۱۹. الإمام علي عليه السلام: اجْعَلِ الدُّنْيَا شَوْكاً وَانْظُرْ أَيْنَ تَضَعُ قَدَمَكَ مِنْهَا، فَإِنَّ مِنْ رَكَنٍ إِلَيْهَا خَذَلْتَهُ، وَمِنْ أُنْسٍ بِهَا أَوْحَشْتَهُ، وَمِنْ رَغَبٍ فِيهَا أَوْهَنْتَهُ، وَمِنْ انْقِطَاعٍ إِلَيْهَا قَتَلْتَهُ، وَمِنْ طَلَبِهَا أَرْهَقْتَهُ، وَمِنْ فَرَحٍ بِهَا أَتْرَحْتَهُ^٢، وَمِنْ طَمَعٍ فِيهَا صَرَعْتَهُ، وَمِنْ قَدَمِهَا أَخْرَجْتَهُ، وَمِنْ أَكْرَمِهَا أَهَانْتَهُ، وَمِنْ آثَرِهَا بَاعَدْتَهُ مِنَ الْآخِرَةِ، وَمِنْ بَعْدٍ مِنَ الْآخِرَةِ قَرَّبَ مِنَ النَّارِ.^٣

۱۱/۵

اجْعَلِ الدُّنْيَا بِمَنْزِلَةِ مَا يَصَابُ فِي الْمَنَامِ

۱۱۲۰. تنبيه الغافلين عن جابر بن عبد الله: شَهِدْتُ مَجْلِساً مِنْ مَجَالِسِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، إِذْ أَتَاهُ رَجُلٌ أَبْيَضُ الْوَجْهِ، حَسَنُ الشَّعْرِ وَاللَّوْنِ، عَلَيْهِ ثِيَابٌ بَيَضُ، فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ.

فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ.

۱. الكافي: ج ۵ ص ۱۲۵ ح ۶، تهذيب الأحكام: ج ۶ ص ۳۶۹ ح ۱۰۶۶ وفيه «تشوّفت» بدل «تشوّفت» وكلاهما عن عبد الله بن القاسم الجعفري.

۲. التّرح: ضدّ الفرح. وهو الهلاك والانتقطاع أيضاً (النهاية: ج ۱ ص ۱۸۶ «ترح»).

۳. مطالب السّؤل: ص ۵۲؛ بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۲۲ ح ۸۴.

شبهه‌ناک، غوطه‌ور شدند. و سپس برای عده‌ای، به صورت حرام محض نمایان خواهد گردید و آنان آن را می‌طلبند؛ اما آن را نمی‌یابند. مؤمن در دنیا از سرِ ناچاری می‌خورد.

۱۰/۵

دنیا را بوثه‌خاری بدان

۱۱۱۹. امام علی علیه السلام: دنیا را بوثه‌خاری بدان و بنگر که پای خود را در کجای آن می‌نهی؛ زیرا هر که به دنیا تکیه کند، دنیا او را وا می‌نهد، و هر که به آن انس گیرد، دنیا تنهایش می‌گذارد، و هر که آن را بخواهد، دنیا او را خوار می‌گرداند، و هر که خود را وقف آن کند، دنیا او را می‌کشد، و هر که آن را بجوید، دنیا او را به سختی می‌اندازد، و هر که به آن شاد گردد، دنیا او را اندوهناک می‌کند، و هر که به آن طمع کند، دنیا او را به خاک می‌افکند، و هر که آن را پیش افکند، دنیا او را پس می‌افکند، و هر که به آن احترام بگذارد، دنیا به او اهانت روا می‌دارد، و هر که آن را ترجیح دهد، دنیا او را از آخرت دور می‌گرداند، و هر که از آخرت دور شود، به آتش نزدیک می‌گردد.

۱۱/۵

دنیا را به سان چیزی بدان که در فایه‌آن، دست می‌یابی

۱۱۲۰. تنبیه الغافلین - به نقل از جابر بن عبد الله - : در مجلسی از مجلس‌های پیامبر خدا حضور داشتم که مردی سفیدرو و خوش مو و رنگ، در حالی که جامه‌هایی سپید بر تن داشت، وارد شد و گفت: سلام بر شما، ای پیامبر خدا! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «وعلیک السلام ورحمة الله».

فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الدُّنْيَا؟

قَالَ: حُلُمُ الْمَنَامِ، وَأَهْلُهَا مُجَازُونَ وَمُعَاقِبُونَ.

قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا الْآخِرَةُ؟

قَالَ: الْأَبَدُ؛ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ.

فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا الْجَنَّةُ؟

قَالَ: بَذْلُ الدُّنْيَا لِتَارِكِهَا بِنَعِيمِهَا أَبَدًا.

قَالَ: فَمَا جَهَنَّمُ؟

قَالَ: بَذْلُ الدُّنْيَا لِطَالِبِهَا لَا يُفَارِقُهَا أَهْلُهَا أَبَدًا.

قَالَ: فَمَنْ خَيْرُ هَذِهِ الْأُمَّةِ؟

قَالَ: الَّذِي يَعْمَلُ فِيهَا بِطَاعَةِ اللَّهِ تَعَالَى.

قَالَ: فَكَيْفَ يَكُونُ الرَّجُلُ فِيهَا؟

قَالَ: مُشَمَّرًا كَطَالِبِ الْقَافِلَةِ.

قَالَ: فَكَمْ الْقَرَارُ بِهَا؟

قَالَ: كَقَدْرِ الْمُتَخَلِّفِ عَنِ الْقَافِلَةِ.

قَالَ: فَكَمْ مَا بَيْنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؟

قَالَ: كَغَمَضَةِ عَيْنٍ.

قَالَ: فَذَهَبَ الرَّجُلُ فَلَمْ يُرَ.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: هَذَا جِبْرِيلُ؛ أَتَاكُمْ لِيُزَهِّدَكُمْ فِي الدُّنْيَا، وَيُرَغِّبَكُمْ فِي

الْآخِرَةِ.^١

١. تنبيه الغافلين: ص ٢٣٩ ح ٣١١ وراجع روضة الواعظين: ص ٤٩٠ وبحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٢٢.

گفت: ای پیامبر خدا! دنیا چیست؟

فرمود: «رؤیایی که در خواب می بینند، و البته اهل دنیا، پاداش و کیفر خواهند دید».

گفت: ای پیامبر خدا! آخرت چیست؟

فرمود: «جاودانگی: گروهی در بهشت و گروهی در دوزخ».

گفت: ای پیامبر خدا! بهشت چیست؟

فرمود: «ناز و نعمت ابدی که دنیا به ترک کننده خود می بخشد».

گفت: دوزخ چیست؟

فرمود: «بخشش دنیا به دنیا طلب. و اهل آن، هرگز از آن خارج نمی شوند».

گفت: بهترین این امت کیست؟

فرمود: «کسی که کارش در دنیا، اطاعت خداوند متعال باشد».

گفت: آدمی در دنیا باید چگونه باشد؟

فرمود: «کمر همت بر بسته، همانند جوینده قافله».

گفت: چند در دنیا می ماند؟

فرمود: «به اندازه عقب مانده از قافله».

گفت: فاصله میان دنیا و آخرت، چه قدر است؟

فرمود: «به اندازه چشم بر هم زدن».

آن مرد رفت و دیگر دیده نشد. پیامبر خدا فرمود: «این، جبرئیل بود. آمده

بود تا شما را نسبت به دنیا زاهد، و به آخرت راغب گرداند».

١١٢١. تنبيه الخواطر: قال جابر الجعفي لجعفر بن محمد عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ عِظْنِي!
قال: يا جابر، اجعل الدنيا مالا أصبته في منامك ثم انتبهت وليس معك
منه شيء. هل هو إلا ثوب تلبسه فتبليه، أو طعام يعود بعد إلى ما تعلم؟!
فالعجب لِقَوْمٍ حُبِسَ أَوْلُهُمْ عَنْ آخِرِهِمْ، ثُمَّ نُودِيَ فِيهِمْ بِالرَّحِيلِ وَهُمْ فِي
غَفْلَةٍ يَلْعَبُونَ.^١

١١٢٢. الإمام الباقر عليه السلام - لجابر -: يا جابر... أنزل الدنيا كمنزل نزلته ثم ارتحلت عنه،
أو كمال وجدته في منامك فاستيقظت وليس معك منه شيء. إني إنما ضربت
لك هذا مثلاً؛ لأنها عند أهل اللب والعلم بالله كفيء الظلال.^٢

١١٢٣. الإمام الصادق عليه السلام: أنزل الدنيا كمنزل نزلته فارتحلت عنه، أو كمال أصبته في
منامك فاستيقظت وليس في يدك شيء منه. فكم من حريص على أمر قد
شقي به حين أتاه، وكم من تارك لأمر قد سعاد به حين أتاه.^٣

راجع: ج ١ ص ٦٨ (مثل الدنيا / مثل الحلم).

١٢/٥

اجْعَلِ الدُّنْيَا بِمَنْزِلَةِ قَنْطَرَةٍ

١١٢٤. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ فِيمَا وَعَظَ بِهِ لُقْمَانُ ابْنَهُ: يَا بُنَيَّ... اجْعَلِ الدُّنْيَا بِمَنْزِلَةِ

١. تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٣٠.

٢. الكافي: ج ٢ ص ١٣٣ ح ١٦ عن جابر، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٩٤، بحار الأنوار: ج ٢٣ ص ٣٦ ح ١٧: حلية
الأولياء: ج ٣ ص ١٨٧ عن جابر وراجع الأمالي للطوسي: ص ٢٩٦ ح ٥٨٢ والزهد للحسين بن سعيد: ص ٥٠
ح ١٣٣ ومشكاة الأنوار: ص ٤٧٠ ح ١٥٧٤ وبشارة المصطفى: ص ١٨٩ والفضائل: ص ٧ وكشف الغمّة: ج ٢
ص ٣٣٤.

٣. تحف العقول: ص ٣٧٧ عن سفيان الثوري و ص ٢٨٧.

۱۱۲۱. تنبیه الخواطر - به نقل از جابر جعفی که به امام صادق علیه السلام گفت: فدایت شوم! مرا موعظه کن -

جعفر بن محمد (امام صادق علیه السلام) فرمود: «ای جابر! دنیا را مانند مالی بدان که در عالم خواب به دست می آوری و چون بیدار می شوی، خبری از آن نیست. آیا دنیا، جز جامه ای است که می پوشی و کهنه اش می کنی، یا غذایی که می خوری و بعد تبدیل به چیزی می شود که می دانی؟!»

پس، تعجب است از مردمی که پیشینیانشان نگه داشته شده اند و مستظر پسینیانشان هستند. و در این حال، در میان نشان بانگی رفتن سر داده شده است؛ اما آنان همچنان سرگرم بازی اند!

۱۱۲۲. امام باقر علیه السلام - به جابر - : ای جابر!... دنیا را چون منزلگاهی بدان که در آن فرود آمده ای و سپس از آن می کوچی، یا مانند مالی بدان که در عالم خواب یافته ای و چون بیدار می شوی، خبری از آن نیست. من این را تنها از این رو برای تو مثال آوردم که دنیا در نزد خردمندان و خداشناسان همانند، جا به جا شدن سایه هاست.

۱۱۲۳. امام صادق علیه السلام: دنیا را به سان منزلگاهی بدان که در آن فرود می آیی و سپس از آن می کوچی، یا مانند مالی بدان که در خوابت می یابی و چون بیدار می شوی، اثری از آن نمی بینی. ای بسا آزمند چیزی که چون بدان رسید، مایه بدبختی او گردید، و ای بسا ترک کننده چیزی که چون آن چیز به او رسید، مایه خوشبختی اش گردید!

ر. ک: ج ۱ ص ۶۹ (مثل دنیا / مثل رؤیا).

۱۲/۵

دنیا را به سان پلی بدان

۱۱۲۴. امام صادق علیه السلام: از اندرزه های لقمان به فرزندش، این بود که: «فرزندم!... دنیا را

قَنْطَرَةٌ عَلَى نَهْرٍ جُزَتْ عَلَيْهَا وَتَرَكْتُهَا وَلَمْ تَرْجِعْ إِلَيْهَا آخِرَ الدَّهْرِ^١.

١٣/٥

اجْعَلِ الدُّنْيَا سِجْنَكَ

١١٢٥. لقمان عليه السلام - فيما وَعَظَ بِهِ وَلَدَهُ - : يَا بُنَيَّ، اجْعَلِ الدُّنْيَا سِجْنَكَ فَتَكُونَ الْآخِرَةَ جَنَّتَكَ^٢.

راجع: ج ١ ص ٢٨٢ (خصائص الدنيا / سجن المؤمن وجنة الكافر).

١٤/٥

كُونُوا فِي الدُّنْيَا كَسْفَرٍ

١١٢٦. الإمام علي عليه السلام - في خُطْبَةٍ يَوْمَ الْفِطْرِ - : إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ رَضِيَ اللَّهُ لِأَهْلِهَا الْفَنَاءَ، وَقَدَّرَ عَلَيْهِمْ بِهَا الْجَلَاءَ، فَكُلُّ مَا فِيهَا نَافِدٌ، وَكُلُّ مَنْ يَسْلُكُهَا بَائِدٌ، وَهِيَ مَعَ ذَلِكَ حُلُوةٌ غَضِرَةٌ^٣، رَائِقَةٌ نُصْرَةٌ^٤، قَدْ رُبِّتْ لِلطَّالِبِ، وَلَا طُتْ^٥ بِقَلْبِ الرَّاعِبِ، يُطَيِّبُهَا الطَّامِعُ، وَيَجْتَوِيهَا^٥ الْوَجِلُ الْخَائِفُ، فَارْتَحِلُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ مِنْهَا بِأَحْسَنِ مَا بِحَضْرَتِكُمْ مِنَ الزَّادِ، وَلَا تَطْلُبُوا مِنْهَا سِوَى الْبُلْغَةِ، وَكُونُوا فِيهَا كَسْفَرٍ نَزَلُوا مَنَزِلًا فَتَمَتَّعُوا مِنْهُ بِأَدْنَى ظِلٍّ ثُمَّ ارْتَحِلُوا لِشَأْنِهِمْ، وَلَا تَمُدُّوا أَعْيُنَكُمْ فِيهَا إِلَى مَا مُتَّعَ بِهِ الْمُتَرْفُونَ، وَأَضَرُّوا فِيهَا بِأَنْفُسِكُمْ، فَإِنَّ ذَلِكَ أَخَفُّ لِلْحِسَابِ،

١. الكافي: ج ٢ ص ١٣٥ ح ٢٠، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٩٤ كلاهما عن يحيى بن عقبة الأزدي، بحار الأنوار: ج ١٣ ص ٤٢٥ ح ١٩.

٢. الاختصاص: ص ٣٣٧ عن الأوزاعي، بحار الأنوار: ج ١٣ ص ٤٢٨ ح ٢٣.

٣. عَيْشٌ غَضِرٌ: نَاعِمٌ رَاقٍ (ناج العروس: ج ٧ ص ٣١٢ «غضر»). وفي بعض نسخ المصدر: «خَصِرَةٌ» بدل «غضرة».

٤. لَا طَ بِهِ: لَصِقَ بِهِ (النهاية: ج ٤ ص ٢٧٧ «لوط»).

٥. اجْتَوَيْتِ الْبَلَدَ: إِذَا كَرِهْتَ الْمَقَامَ فِيهِ وَإِنْ كُنْتَ فِي نِعْمَةٍ (النهاية: ج ١ ص ٣١٨ «جوا»).

به سان پلی بر رودخانه‌ای بدان که از آن، گذشته‌ای و آن را پشت سر نهاده‌ای
و دیگر هرگز به سوی آن بر نمی‌گردی».

۱۳/۵

دنیا را زندان خود بشمار

۱۱۲۵. لقمان علیه السلام - در اندرزهایش به فرزندش - : فرزندم! دنیا را زندان خود قرار ده تا
آخرت، بهشت تو باشد.

و. ک: ج ۱ ص ۲۸۲ (ویژگی‌های دنیا / زندان مؤمن و بهشت کافر).

۱۴/۵

«دنیا چون ساغرانی باشد»

۱۱۲۶. امام علی علیه السلام - در خطبه روز فطر: دنیا سرایی است که خداوند برای اهل آن،
فنا خواسته، و کوچیدن از آن را برایشان مقدر ساخته است. بنا بر این، هر
آنچه در دنیا است، تمام شدنی است، و هر که در آن گام نهد، از بین رفتنی. با
وجود این، دنیا شیرین و لذیذ است، و خوشایند و دل‌نشین. خود را برای
طالبش آرایش کرده است، و به دل خواهانش می‌چسبد. شخص آزمند، آن را
خوش می‌یابد، و انسان بیمناک ترسان، از آن بیزار است.

پس - خدایتان رحمت کند - از دنیا با بهترین توشه‌ای که در اختیار
شماست، کوچ کنید، و جز به قدر کفاف، از آن مجوید، و در دنیا چونان
مسافرانی باشید که در منزلی فرود آمدند و از کمترین سایه آن استفاده کردند
و سپس در پی کار خویش رفتند. در دنیا به ناز و نعمتی که مرفهان از آن

وَأَقْرَبُ مِنَ النَّجَاةِ.^١

١١٢٧. عنه عليه السلام: اَعْلَمُوا - عِبَادَ اللَّهِ - أَنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يُصْبِحُ وَلَا يُمَسِي إِلَّا وَنَفْسُهُ ظَنُونٌ^٢ عِنْدَهُ، فَلَا يَزَالُ زَارِيًا عَلَيْهَا وَمُسْتَرِيدًا لَهَا، فَكُونُوا كَالسَّابِقِينَ قَبْلَكُمْ وَالْمَاضِينَ أَمَامَكُمْ؛ قَوَّضُوا^٣ مِنَ الدُّنْيَا تَقْوِيضَ الرَّاحِلِ، وَطَوَّوْهَا طَيَّ الْمَنَازِلِ.^٤

١٥/٥

كُونُوا عَنِ الدُّنْيَا نَزَاهًا

١١٢٨. الإمام علي عليه السلام - فِي وَصِيَّتِهِ بِالزُّهْدِ وَالتَّقْوَى - : كُونُوا عَنِ الدُّنْيَا نَزَاهًا وَإِلَى الْآخِرَةِ وُلَاهًا^٥، وَلَا تَضَعُوا مَن رَفَعْتُهُ التَّقْوَى، وَلَا تَرْفَعُوا مَن رَفَعْتُهُ الدُّنْيَا، وَلَا تَشِيمُوا^٦ بَارِقِهَا، وَلَا تَسْمَعُوا نَاطِقِهَا، وَلَا تُجِيبُوا نَاعِقِهَا^٧، وَلَا تَسْتَضِيئُوا بِإِسْرَاقِهَا، وَلَا تُفْتِنُوا بِأَعْلَاقِهَا^٨؛ فَإِنَّ بَرَقَهَا خَالِبٌ^٩، وَنُطْقَهَا كَاذِبٌ، وَأُمُومَالُهَا

مرکز تحقیقات کتب و تفسیر علوم اسلامی

١. مصباح المتهجد: ص ٦٦٠ ح ٧٢٨ عن جندب بن عبد الله الأزدي عن أبيه. بحار الأنوار: ج ٩١ ص ٣٠ ح ٥ وراجع نهج البلاغة: الخطبة ٢٥ وروضة الواعظین: ص ٤٨٢.
٢. ظَنُونٌ عنده: أي متهمته لديه بالخيانة والتقصير في طاعة الله تعالى (مجمع البحرين: ج ٢ ص ١١٢٤ «ظنن»).
٣. قَوَّضَ البناء: قَلَعَهُ وَأَزَالَهُ، ومنه «تقويض الخيام» (أنظر النهاية: ج ٤ ص ١٢١ «قوض»). وقال ابن أبي الحديد في شرحه: أمرهم بالتأسي بمن كان قبلهم، وهم الذين قَوَّضُوا مِنَ الدُّنْيَا خِيَامَهُمْ: أي تقضوها، وطووا أيام العمر كما يطوي المسافر منازل طريقه (شرح نهج البلاغة: ج ١٠ ص ١٨).
٤. نهج البلاغة: الخطبة ١٧٦، عذة الداعي: ص ٢٢٤، غرر الحكم: ح ٣٤٩٣ وليس فيه ذيل من «فكونوا كالسابقين...»، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٧٨ ح ١٢.
٥. الْوَلَهُ: ذَهَابُ الْعَقْلِ، وَالتَّحِيرُ مِنْ شِدَّةِ الْوَجْدِ (النهاية: ج ٥ ص ٢٢٧ «وله»).
٦. شِمَتِ الْبَرَقُ: إِذَا نَظَرَتْ إِلَى سَحَابَتِهِ أَيْنَ تَطَرَّ (الصحيح: ج ٥ ص ١٩٦٣ «شيم»).
٧. نَعَقَ: أَي صَاحَ وَزَجَرَ (الصحيح: ج ٤ ص ١٥٥٩ «نعق»).
٨. الْأَعْلَاقُ: أَي نَفَاسُ الْأُمُومَالِ، الْوَاحِدُ: عِلْقٌ، قِيلَ: سُمِّيَ بِهِ لِتَعَلُّقِ الْقَلْبِ بِهِ (النهاية: ج ٣ ص ٢٩٠ «علق»).
٩. يُقَالُ لِلسَّحَابِ يَوْمَضٌ بَرَقَهُ حَتَّى يُرْجَى مَطَرُهُ ثُمَّ يُخْلَفُ وَيَقْلَعُ وَيَنْقَشِعُ: الْخُلْبُ؛ وَكَأَنَّهُ مِنَ الْخِلَابَةِ؛ وَهِيَ الْخُدَاعُ بِالْقَوْلِ اللَّطِيفِ (أنظر النهاية: ج ٢ ص ٥٨ «خلب»).

برخوردارند، چشم مدوزید، و در آن به خویشتن محرومیت دهید؛ چرا که این کار، حساب [روز قیامت] را سبک تر می کند و به نجات، نزدیک تر است. ۱۱۲۷. امام علی علیه السلام: بدانید - ای بندگان خدا - که مؤمن، شب را به روز و روز را به شب نمی رساند، مگر آن که نفسش در نزد او متهم است؛^۱ پیوسته آن را سرزنش می کند و از آن، [کار و عبادت] بیشتر می طلبد. پس، همچون کسانی باشید که پیش از شما رفتند و کسانی که پیش روی شما در گذشتند. آنان، همانند کوچ کنندگان، خیمه خویش را از دنیا برچیدند و آن را منزل به منزل، پیچیده داشتند.



۱۱۲۸. امام علی علیه السلام - در سفارش به زهد و رزی و پرهیزگاری - : از دنیا وارسته و به آخرت، دل باخته باشید، و آن را که پرهیزگاری، بلندمرتبه اش ساخته است، پست بشمارید، و آن را که دنیا رفعت بخشیده، بلندمرتبه بشمارید.

به آذرخش دنیا امید مبنید، و به گوینده اش گوش مسپارید، و به دعوتش پاسخ مدهید، و از تابشش روشنایی مجوید، و به کالاهای نفیس آن، فریفته نشوید؛ چرا که آذرخش دنیا، بی باران و گفتارش دروغ است، و دارایی هایش تاراج و کالاهای نفیس آن [از کف شما] رفته می شود.

۱. یعنی آن را متهم به خیانت و کوتاهی در طاعت خداوند متعال می کند (مجمع البحرین: ج ۲ ص ۱۴۴ «ظن»).

مَحْرُوبَةٌ^١، وَأَعْلَاقُهَا مَسْلُوبَةٌ.

أَلَا وَهِيَ الْمُتَصَدِّقَةُ الْعَنُونُ^٢، وَالْجَامِحَةُ^٣ الْحَرُونُ^٤، وَالْمَائِنَةُ^٥ الْخَوُونُ،
وَالْجَحُودُ الْكَنُودُ^٦، وَالْعَنُودُ الصَّدُودُ، وَالْحَيُودُ^٧ الْمَيُودُ^٨.

حَالُهَا انْتِقَالٌ، وَوُطْأَتُهَا زِلْزَالٌ، وَعِزُّهَا ذُلٌّ، وَجِدُّهَا هَزْلٌ، وَعُلُوُّهَا سُفْلٌ.
دَارُ حَرْبٍ وَسَلْبٍ، وَنَهَبٍ وَعَطَبٍ. أَهْلُهَا عَلَى سَاقٍ وَسِيَاقٍ، وَلِحَاقٍ وَفِرَاقٍ.

قَدْ تَحَيَّرَتْ مَذَاهِبُهَا، وَأَعْجَزَتْ مَهَارِيبُهَا، وَخَابَتْ مَطَالِبُهَا؛ فَأَسْلَمَتْهُمْ
الْمَعَاقِلُ، وَلَفَظَتْهُمْ الْمَنَازِلُ، وَأَعْيَتْهُمْ الْمَحَاوِلُ؛ فَمِنْ نَاجٍ مَعْقُورٍ^٩، وَلَحِمٍ
مَجْزُورٍ، وَشِلْوٍ^{١٠} مَذْبُوحٍ، وَدَمٍ مَسْفُوحٍ، وَعَاضٌ عَلَى يَدَيْهِ، وَصَافِقٍ بِكَفِّهِ،
وَمُرْتَفِقٍ بِخَدَّيْهِ، وَزَارٍ^{١١} عَلَى رَأْيِهِ، وَرَاجِعٍ عَنْ عَزْمِهِ؛ وَقَدْ أَدْبَرَتِ الْحِيلَةُ،
وَأَقْبَلَتِ الْغِيلَةُ^{١٢}، وَلَاتَ حِينَ مَنَاصٍ^{١٣}.

هِيَاهُ هِيَاهُ! قَدْ فَاتَ مَا فَاتَ، وَذَهَبَ مَا ذَهَبَ، وَمَضَتْ الدُّنْيَا لِحَالٍ

١. الْمَحْرُوبُ: الْمَسْلُوبُ الْمَنْهُوبُ (النهاية: ج ١ ص ٢٥٨ «حرب»).
٢. الْمُتَصَدِّقَةُ الْعَنُونُ: أَيِ الَّتِي تَتَعَرَّضُ لِلنَّاسِ (النهاية: ج ٣ ص ٣١٣ «عنن»).
٣. جَمَعَ: أَيِ أَسْرَعَ إِسْرَاعًا لَا يَرُدُّهُ شَيْءٌ (النهاية: ج ١ ص ٢٩١ «جمع»).
٤. فَرَسٌ حَرُونٌ: لَا يَنْقَادُ، وَإِذَا اشْتَدَّ بِهِ الْجَرِي وَقَفَ (الصحاح: ج ٥ ص ٢٠٩٧ «حرن»).
٥. الْمَيِّنُ: الْكَذِبُ (النهاية: ج ٤ ص ٢٨٣ «مين»).
٦. الْكَنُودُ: كَفَرَانُ النِّعْمَةِ (القاموس المحيط: ج ١ ص ٣٣٣ «كند»).
٧. حَادَ عَنْ الطَّرِيقِ يَحِيدُ: إِذَا عَدَلَ. وَالْحَيُودُ مِنْ أُنْبِيَاءِ الْمُبَالْغَةِ (النهاية: ج ١ ص ٤٦٦ «حيد»).
٨. مَادَ: مَالَ وَتَحَرَّكَ (النهاية: ج ٤ ص ٣٧٩ «ميد»).
٩. الْعَقْرُ: الْجَرْحُ (القاموس المحيط: ج ٢ ص ٩٣ «عقر»).
١٠. الشَّلْوُ: الْعَضْوُ، الْقِطْعَةُ (النهاية: ج ٢ ص ٤٩٨ «شلا»).
١١. زَارَ: أَيِ عَاتَبَ سَاخِطٌ غَيْرَ رَاضٍ (الصحاح: ج ٦ ص ٢٣٦٨ «زرى»).
١٢. الْغِيلَةُ: الشَّقِيقَةُ وَالْخَدِيعَةُ وَالْإِغْتِيَالُ (القاموس المحيط: ج ٤ ص ٢٧ «غيل»).
١٣. وَلَاتَ حِينَ مَنَاصٍ: وَلَيْسَ سَاعَةٌ مَهْرَبٍ أَوْ مُلْجَأٌ (لسان العرب: ج ٧ ص ١٠٢ «نوص»).

آگاه باشید که دنیا [چونان مرکب،] آزار دهنده است، و [چون اسپ] خودسر و سرکش است، و دروغگو و خیانت پیشه است، و حق ناشناس و ناسپاس است، و ناسازگار و روی گردان است، و پیوسته کژراهه می رود و طریق انحراف می پوید.

خاصیت آن، جا به جا شدن است، و گام هایش لرزان، و عزتش ذلت، و جدی اش شوخی، و بلندی اش پستی. سرای هجوم و ربودن و غارت و ویرانی است. اهل آن، همواره آماده رفتن و پیوستن [به رفتگان] و جدا شدن [از مال و اولاد] اند. راه هایش همه سرگردانی اند، گریزگاه هایش مایه درماندگی اند، و خواسته هایش ناکام کننده (دست نیافتنی). در هایش اهل خود را تسلیم [دشمن] می کنند، و خانه هایش آنان را از خود بیرون می افکنند، و چاره گیری هایش ناتوانشان می گردانند. پس، برخی از آنان، رهیده ای زخم آلودند، عده ای گوشتی پاره پاره، عده ای پیکری بی سر، و عده ای خونی ریخته شده. یکی دست به دندان می گزد، دیگری کف بر کف می زند، یکی زانوی غم در بغل می گیرد، و دیگری اندیشه خویش را سرزنش می کند، و آن دیگری، از تصمیم خویش بر می گردد. چاره اندیشی، بی حاصل گشته، و مرگ غافلگیرانه روی آورده است و دیگر، فرصت گریختن نیست.

بِهَا ، ﴿فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنظَرِينَ﴾^١ . ٢

١٦/٥

لَنَكُنَّ الدُّنْيَا فِيْ عَيْنِكُمْ أَصْغَرَ مِنْ حُثَالَةِ الْقَرْظِ

١١٢٩ . الإمام علي عليه السلام : فَلَتَكُنِ الدُّنْيَا فِيْ أَعْيُنِكُمْ أَصْغَرَ مِنْ حُثَالَةِ الْقَرْظِ^٢ ، وَقُرَاضَةِ الْجَلَمِ^٤ . ٥

١٧/٥

ارْضُوا هَذِهِ الدُّنْيَا الدِّمِيَّةَ

١١٣٠ . الإمام علي عليه السلام : أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ ، وَاعْتِنَامِ مَا اسْتَطَعْتُمْ عَمَلًا بِهِ مِنْ طَاعَتِهِ فِي هَذِهِ الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ ، وَبِالرَّفْضِ لِهَذِهِ الدُّنْيَا التَّارِكَةِ لَكُمْ وَإِنْ لَمْ تَكُونُوا تُحِبُّونَ تَرْكَهَا ، وَالْمُبِيلَةِ^٦ لَكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ تَجْدِيدَهَا^٧ .
١١٣١ . عنه عليه السلام : ارْضُوا هَذِهِ الدُّنْيَا التَّارِكَةَ لَكُمْ وَإِنْ لَمْ تُحِبُّوا تَرْكَهَا ، وَالْمُبِيلَةَ أَجْسَادَكُمْ

١ . الدخان: ٢٩ .

٢ . نهج البلاغة: الخطبة ١٩١ .

٣ . حُثَالَةُ الْقَرْظِ : نغايته . وَالْقَرْظُ : شَجَرٌ يُدْبِغُ بِهِ ، وَقِيلَ : هُوَ وَرَقُ السَّلَمِ يُدْبِغُ بِهِ الْأَدَمُ (لسان العرب: ج ١١ ص ١٤٢ «حثل» و ج ٧ ص ٤٥٤ «قرظ»).

٤ . الْقُرَاضَةُ : مَا سَقَطَ بِالْقَرْضِ (لسان العرب: ج ٧ ص ٢١٦ «قرض»). وَالْجَلَمُ : الَّذِي يُجَزَّ بِهِ الشَّعْرُ وَالصُّوفُ (النهاية: ج ١ ص ٢٩٠ «جلم»).

٥ . نهج البلاغة: الخطبة ٣٢ ، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٨ وفيه «من حُثَالَةِ الْقَرْصِ وَقُرَاضَةِ الشَّلْجِمِ» ، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٥٥ ح ٥٤ ، وراجع مطالب السؤول: ص ٣٢ .

٦ . بَلَى : خَلِقَ فَهُوَ بِالِ (المصباح المنير: ص ٦٢ «بلى»).

٧ . كِتَابُ مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيهَ : ج ١ ص ٤٢٩ ح ١٢٦٣ ، نهج البلاغة: الخطبة ٩٩ ، مصباح المستهجد: ص ٣٨١ ح ٥٠٨ عَنْ زَيْدِ بْنِ وَهْبٍ ، تَنْبِيهِ الْخَوَاطِرِ : ج ٢ ص ٢٥٣ كُلُّهَا نَحْوَهُ ، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١١٢ ح ١٠٩ تَقْلَاعُ عَنْ عِيُونِ الْحَكَمِ وَالْمَوَاعِظِ : دَسْتُورُ مَعَالِمِ الْحَكَمِ : ص ٤٥ نَحْوَهُ .

هیئات، هیئات! گذشته‌ها گذشتند، و رفته‌ها رفتند، و دنیا از پس کار خویش رفت و آسمان و زمین برایشان نگریست و مهلت داده نشدند.

۱۶/۵

دنیا، در چشمتان، خردتر از تفاله برگ درخت قرظ^۱ باشد

۱۱۲۹. امام علی علیه السلام: باید دنیا در چشمتان، خردتر از تفاله برگ درخت قرظ^۱ و خرده‌ریزهایی باشد که از قیچی پشم‌زنی می‌افتند.

۱۷/۵

این دنیای نکوهیده را رها کنید!

۱۱۳۰. امام علی علیه السلام: ای بندگان خدا! شما را سفارش می‌کنم به پروا کردن از خداوند و این که تا می‌توانید، این ایام زودگذر عمر را عنیمت بشمرید و به طاعت خدا پردازید، و رها کنید این دنیایی را که شما را ترک می‌کند - هر چند دوست ندارید شما را ترک گوید -، و پیکر شما را فرسوده می‌گرداند - هر چند شما دوست دارید که آن را نو گردانید -.

۱۱۳۱. امام علی علیه السلام: رها کنید این دنیایی را که شما را ترک می‌کند، هر چند ترک گفتن آن را دوست ندارید، و جسم‌های شما را فرسوده می‌گرداند، هر چند دوست دارید آن را تازه گردانید.

۱. قرظ: درختی که از آن برای دباغی استفاده می‌شود. به قولی، برگ درخت سلّم را گویند که برای دباغی پوست به کار می‌رود (لسان العرب: ج ۱۱ ص ۱۴۲ «حئل» و ج ۷ ص ۴۵۴ «قرظ»).

عَلَىٰ مَحَبَّتِكُمْ لِتَجْدِيدِهَا. ۱

۱۱۳۲. عنه علیه السلام: اِرْفُضُوا هَذِهِ الدُّنْيَا ذَمِيمَةً، فَقَدْ رَفَضَتْ مَنْ كَانَ أَشْعَفَ^۲ بِهَا مِنْكُمْ^۳.

۱۱۳۳. عنه علیه السلام: أَحْسَنُ مِنْ مُلَابَسَةِ الدُّنْيَا رَفْضُهَا^۴.

۱۱۳۴. عنه علیه السلام: صَلَاحُ الْآخِرَةِ رَفْضُ الدُّنْيَا^۵.

۱۸/۵

أَعْرِضُوا عَمَّا يُعْجِبُكُمْ فِي الدُّنْيَا

۱۱۳۵. الإمام علي علیه السلام: أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ وَطَاعَتِهِ؛ فَإِنَّهَا النَّجَاةُ غَدًا وَالْمَنْجَاةُ

أَبَدًا، رَهَبٌ فَأَبْلَغُ، وَرَغَبٌ فَأَسْبَغُ، وَوَصَفٌ لَكُمْ الدُّنْيَا وَانْقِطَاعُهَا وَزَوَالُهَا

وَانْتِقَالُهَا، فَأَعْرِضُوا عَمَّا يُعْجِبُكُمْ فِيهَا لِقَلَّةِ مَا يَصْحَبُكُمْ مِنْهَا، وَأَقْرَبُ دَارٍ مِنْ

سَخَطِ اللَّهِ وَأَبْعَدُهَا مِنْ رِضْوَانِ اللَّهِ.

فَقُضُوا (ارْفُضُوا) عَنْكُمْ - عِبَادَ اللَّهِ - غُمُومُهَا وَأَشْغَالُهَا، لِمَا قَدْ أَيْقَنْتُمْ بِهِ مِنْ

فِرَاقِهَا وَتَصَرُّفِ حَالَاتِهَا، فَاحْذَرُوهَا حَذَرَ الشَّفِيقِ النَّاصِحِ، وَالْمُجِدِّ الْكَادِحِ^۶.

۱۱۳۶. عنه علیه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا لَا تَقِي لِصَاحِبٍ وَلَا تَصْفُو لِشَارِبٍ، نَعِيمُهَا يَنْتَقِلُ وَأَحْوَالُهَا

تَتَبَدَّلُ، وَلَذَاتُهَا تَفْنِي وَتَبِعَاتُهَا تَبْقَى، فَأَعْرِضْ عَنْهَا قَبْلَ أَنْ تُعْرِضَ عَنْكَ،

۱. غرر الحکم: ح ۲۵۷۷، عیون الحکم والمواعظ: ص ۸۸ ح ۲۰۹۶.

۲. الشَّعْفُ: شِدَّةُ الْحَبِّ وَمَا يَغْشَى قَلْبَ صَاحِبِهِ (النَّهَایَةُ: ج ۲ ص ۴۸۱ «شَعْف»).

۳. غرر الحکم: ح ۲۴۹۶، عیون الحکم والمواعظ: ص ۸۸ ح ۲۰۸۷ وفيه «أَشْعَفُ» بدل «أَشْعَفُ»، تنبيه الخواطر: ج ۲ ص ۸ وفيه «أَشْفَقُ» بدل «أَشْعَفُ».

۴. غرر الحکم: ح ۳۰۲۳، عیون الحکم والمواعظ: ص ۱۱۹ ح ۲۷۰۰.

۵. غرر الحکم: ح ۵۸۰۶، عیون الحکم والمواعظ: ص ۳۰۳ ح ۵۳۹۹.

۶. نهج البلاغة: الخطبة ۱۶۱.

۱۱۳۲. امام علی علیه السلام: این دنیای نکوهیده را رها کنید؛ چرا که کسانی از شما را که به آن دل بسته بودند، رها کرد.

۱۱۳۳. امام علی علیه السلام: از صمیمیت با دنیا، بهتر رها کردن آن است.

۱۱۳۴. امام علی علیه السلام: آبادانی آخرت، در ترک دنیا است.

۱۸/۵ از جاذبه‌های دنیا روی گردانید

۱۱۳۵. امام علی علیه السلام: ای بندگان خدا! شما را به پروا کردن از خدا و فرمان برداری از او سفارش می‌کنم؛ چرا که [مایه] نجات در فردا [ای قیامت] و رهایی ابدی [از عذاب الهی] اند. خداوند در تهدید و ترغیب شما ذره‌ای فروگذار نکرده، و دنیا و ناپایداری و زوال و انتقال آن [به دیگری] را به شما شناسانده است. پس، از آنچه در دنیا خوشایند شماست، روی گردانید؛ چرا که [فقط] اندکی از آن را با خود می‌برید.

دنیا نزدیک‌ترین جا به خشم خدا و دورترین جا از خشنودی اوست. پس، ای بندگان خدا! غم‌ها و گرفتاری‌های دنیا را از خود دور کنید - چرا که به جدایی دنیا و دگرگونی حالات آن، یقین دارید - و از آن حذر کنید، همچون حذر کردن دلسوز خیرخواه، و کوشای رنجبر.

۱۱۳۶. امام علی علیه السلام: دنیا با هیچ یاری وفانمی‌کند، و برای هیچ آشامنده‌ای زلال نیست. نعمتش جا به جا می‌گردد و حالاتش دگرگون می‌شوند و لذت‌هایش از بین می‌روند و پیامدهای آنها باقی می‌مانند. پس، پیش از آن که دنیا از تو روی

وَاسْتَبْدِلَ بِهَا قَبْلَ أَنْ تَسْتَبْدِلَ بِكَ.^١

١١٣٧. عنه عليه السلام: طوبى لِمَنْ رَكِبَ الطَّرِيقَةَ الْغَرَاءَ، وَلَزِمَ الْمَحَجَّةَ الْبَيْضَاءَ، وَتَوَلَّى بِالْآخِرَةِ وَأَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيَا.^٢

١٩/٥

أَعْزُبُوا عَنِ الدُّنْيَا كَأَشَدِّ مَا عَنَهُ تَعْزُبُونَ

١١٣٨. الإمام علي عليه السلام: أَعْزُبُوا عَنِ الدُّنْيَا كَأَشَدِّ مَا أَنْتُمْ عَنْ شَيْءٍ تَعْزُبُونَ، فَإِنَّهَا غُرُورٌ وَصَاحِبُهَا مِنْهَا فِي غِطَاءٍ مُعْنَى^٣.

٢٠/٥

أَهْنُوا الدُّنْيَا فَإِنَّهَا أَهْنَاءُ

١١٣٩. عيسى عليه السلام: تَهَاوَنُوا بِالدُّنْيَا تَهْنِ عَلَيْكُمْ، وَأَهْنُوا تَكْرُمِ الْآخِرَةُ إِلَيْكُمْ، وَلَا تُكْرِمُوا الدُّنْيَا فَتَهْوَنَ الْآخِرَةُ عَلَيْكُمْ، فَلَيْسَتْ الدُّنْيَا بِأَهْلِ كَرَامَةٍ، فِي كُلِّ يَوْمٍ تَدْعُو إِلَى فِتْنَةٍ وَخَسَارٍ، وَمَا الدُّنْيَا إِلَّا كَحُلْمِ الْمَنَامِ، وَالْمَرءُ بَيْنَ أَيْقَاطٍ وَنِيَامٍ.^٥

١١٤٠. الإمام الكاظم عليه السلام: أَهْنُوا الدُّنْيَا وَتَهَاوَنُوا بِهَا؛ فَإِنَّهَا مَا أَهَانَهَا قَوْمٌ إِلَّا هَنَأَهُمُ اللَّهُ الْعَيْشَ، وَمَا أَعَزَّهَا قَوْمٌ إِلَّا تَعَبُوا وَذَلُّوا.^٦

١. غرر الحكم: ج ٣٦٨٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٤٤ ح ٣٢١٩ وليس فيه «لا تغي لصاحب، ولا تصفو لشارب».

٢. غرر الحكم: ج ٥٩٧٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣١٤ ح ٥٤٨٧.

٣. عناء: حبسه وأسرته (الصحيح: ج ٦ ص ٢٤٤٠ «عنا»).

٤. الغارات: ج ٢ ص ٦٣٤، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٣٥ ح ١١٧.

٥. أعلام الدين: ص ٢٧٩، الدرر المشور: ج ٢ ص ٢٠٥ نقلًا عن عبد الله بن أحمد عن عمران بن سليمان نحوه.

٦. أعلام الدين: ص ٢٨٠ وراجع شرح نهج البلاغة: ج ١٩ ص ٣٢٧ ومسير أعلام النبلاء: ج ٤ ص ٥٧٩.

گرداند، تو از آن روی بگردان، و پیش از آن که او کسی دیگر را جایگزین تو کند، تو دیگری (آخرت) را جایگزین آن کن.

۱۱۳۷. امام علی علیه السلام: خوشا به حال کسی که راه روشن را در پیش گرفت، و از مسیر درست جدا نشد، و شیفته آخرت شد و از دنیا روی گرداند!

۱۹/۵

از دنیا، با شدت تمام، دوری کنید

۱۱۳۸. امام علی علیه السلام: از دنیا به شدیدترین وجهی که از یک چیز دوری می کنید، دوری نمایید؛ زیرا دنیا فریبنده است و دنیا دار در پرده ای از آن، اسیر است.

۲۰/۵

دنیا را سبک بگیرید که این، گوارا تر است

۱۱۳۹. عیسی علیه السلام: دنیا را آسان بگیرید تا بر شما آسان شود، و آن را خوار بدانید تا آخرت در نظرتان ارجمند گردد، و دنیا را ارج ننهید، که آخرت در نظرتان بی ارج می شود. دنیا شایسته احترام نیست: هر روز، گرفتاری و زیانی به بار می آورد، و دنیا نیست، مگر به سان رؤیایی در خواب، و آدمی، در میان بیداری و خواب!

۱۱۴۰. امام کاظم علیه السلام: دنیا را سبک بدانید و آن را دست کم بگیرید؛ چرا که هیچ مردمی دنیا را سبک نداشتند، مگر آن که خداوند تعالی زندگی را برایشان گوارا ساخت؛ و هیچ مردمی دنیا را ارج ننهادند، مگر این که به زحمت و خواری افتادند.

١١٤١ . عنه عليه السلام: ما أهان الدنيا قوم قط إلا هتأهم الله إياها وبارك لهم فيها، وما أعزها قوم قط إلا نغصهم الله إياها. ١

١١٤٢ . عنه عليه السلام: أهينوا الدنيا فإنه أهنأ ما يكون عليكم؛ فإنه ما أهان قوم الدنيا إلا هتأهم الله العيش، وما أعزها قوم إلا ذلوا وتعبوا وكانت عاقبتهم الندامة. ٢

٢١/٥

طَلَقُوا الدُّنْيَا ثَلَاثًا

١١٤٣ . الإمام علي عليه السلام: الدنيا مُطْلَقَةٌ الْأَكْيَاسِ ٢.٣

١١٤٢ . عنه عليه السلام - فِي الدِّيَوَانِ الْمَنْسُوبِ إِلَيْهِ - :

طَلَقُوا الدُّنْيَا ثَلَاثًا وَاطْلُبْنَ زَوْجًا سِوَاهَا
إِنَّهَا زَوْجَةٌ سَوِيءٌ لَا تُبَالِي مَنْ أَتَاهَا
وَإِذَا نَسَلَتْ مُسَاهَا مِنْهُ وَلَّتْهُ قَفَاهَا ٥

راجع: ج ١ ص ٢٤٦ (مُطْلَقَةُ الْأَكْيَاسِ)

موسوعة الإمام علي بن أبي طالب عليه السلام: القسم التاسع / الفصل السابع / ضرار بن ضمرة
والقسم العاشر / الفصل الثاني / زينة الزهد.

٢٢/٥

كَانَ الدُّنْيَا لَمْ تَكُنْ

١١٤٥ . رسول الله صلى الله عليه وآله: أَيُّهَا النَّاسُ! اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَاسْعَوْا فِي مَرْضَاتِهِ، وَأَيِّقِنُوا مِنْ

١ . تاريخ اليعقوبي: ج ٢ ص ٤١٤ عن الحسن بن أسد.

٢ . إرشاد القلوب: ص ١٨.

٣ . الكيس: العاقل [والجمع: أكياس] (النهاية: ج ٤ ص ٢١٧ «كيس»).

٤ . غرر الحكم: ح ٤٤١.

٥ . الديوان المنسوب إلى الإمام علي عليه السلام: ص ٣٦ الرقم ٨، المناقب لابن شهر آشوب: ج ٢ ص ١٠٢ وليس فيه البيت الأخير، بحار الأنوار: ج ٤٠ ص ٣٢٨ ح ١٠.

۱۱۴۱. امام کاظم علیه السلام: هرگز هیچ مردمی دنیا را سبک نداشتند، مگر این که خداوند تعالی آن را برایشان گوارا ساخت و در آن برکتشان داد؛ و هرگز هیچ قومی دنیا را عزیز نداشتند، مگر این که خداوند تعالی آن را به کامشان تلخ ساخت.
۱۱۴۲. امام کاظم علیه السلام: دنیا را کم اهمیت شمارید؛ زیرا این، گواراترین چیز بر شماست؛ چرا که هیچ مردمی دنیا را سبک نشمرند مگر این که خداوند تعالی زندگی را برایشان گوارا گردانید، و هیچ مردمی دنیا را عزیز نداشتند، مگر این که خوار و خسته شدند و عاقبتشان پشیمانی بود.

۲۱/۵

دنیا را سه طلاق کنید

۱۱۴۳. امام علی علیه السلام: دنیا، مُطْلَقُهُ زیرکان است.

۱۱۴۴. امام علی علیه السلام - در دیوان منسوب به ایشان - :

دنیا را سه طلاق کن / و جفتی دیگر بجوی
که دنیا زن بدی است / برایش مهم نیست چه کسی شوی اوست
کامش را که از او برگرفت / در پی شوهر دیگری می رود.

ر.ک: ج ۱ ص ۳۴۶ (مُطْلَقُهُ زیرکان)

دانش نامه امیر المؤمنین علیه السلام: بخش نهم / فصل هفتم / ضرار بن ضمره

و بخش دهم / فصل دوم / زیفت زهد.

۲۲/۵

کوبی هرگز دنیایی نبوده است!

۱۱۴۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای مردم! از خدا، چنان که باید، بترسید و در جلب خشنودی او بکوشید. به فناپذیری دنیا و جاودانگی آخرت، یقین کنید، و برای پس از

الدُّنْيَا بِالْفَنَاءِ وَمِنْ الْآخِرَةِ بِالْبَقَاءِ، وَاعْمَلُوا لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ، فَكَأَنَّكُمْ بِالدُّنْيَا لَمْ تَكُنْ وَبِالْآخِرَةِ لَمْ تَزَلْ.^١

١١٤٦. الإمام علي عليه السلام - فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ - : كَأَنَّكَ بِالدُّنْيَا لَمْ تَكُنْ، وَكَأَنَّكَ بِالْآخِرَةِ لَمْ تَزَلْ.^٢

١١٤٧. عنه عليه السلام: كُلُّ مَاضٍ فَكَأَنَّ لَمْ يَكُنْ.^٣

١١٤٨. عنه عليه السلام: كَانَ مَا هُوَ كَائِنٌ مِنَ الدُّنْيَا عَنْ قَلِيلٍ لَمْ يَكُنْ، وَمَا هُوَ كَائِنٌ مِنَ الْآخِرَةِ لَمْ يَزَلْ.^٤

١١٤٩. الإمام الباقر عليه السلام: كَتَبَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ كَرَبَلَاءَ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، مِنَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَمَنْ قَبْلَهُ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ، أَمَّا بَعْدُ، فَكَأَنَّ الدُّنْيَا لَمْ تَكُنْ وَكَأَنَّ الْآخِرَةَ لَمْ تَزَلْ، وَالسَّلَامُ.^٥

١١٥٠. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ أَبُو ذَرٍّ يَقُولُ فِي خُطْبَتِهِ: يَا مُبْتَغِي الْعِلْمِ، كَأَنَّ شَيْئاً مِنَ الدُّنْيَا لَمْ يَكُنْ شَيْئاً إِلَّا مَا يَنْفَعُ خَيْرُهُ وَيَضُرُّ شَرُّهُ، إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ.^٦

١١٥١. عنه عليه السلام - أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ - :

إِعْمَلْ عَلَى مَهَلٍ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ وَاخْتَرِ لِنَفْسِكَ أَيُّهَا الْإِنْسَانُ

١. أعلام الدين: ص ٣٤٤ عن أنس. بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٨٧ ح ١٠.

٢. شرح نهج البلاغة: ج ٢٠ ص ٣٠٩ ح ٥٤٠: تفسير التبيان: ج ٦ ص ٤٨٨.

٣. غرر الحكم: ح ٦٨٤٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٧٥ ح ٦٣٣٨.

٤. مطالب السؤل: ص ٥٢؛ عيون الحكم والمواعظ: ص ٩١ ح ٢١٤٥، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢١ ح ٨١.

٥. يعني محمد بن الحنفية.

٦. كامل الزيارات: ص ١٥٨ ح ١٩٦ عن ميسر بن عبد العزيز، بحار الأنوار: ج ٤٥ ص ٨٧ ح ٢٣.

٧. الكافي: ج ٢ ص ١٣٤ ح ١٨ عن أبي بصير، الأمالي للمفيد: ص ١٧٩ ح ١ وفيه «عملاً ينفع» بدل «ما ينفع»، الأصول الستة عشر: ص ٣٥ كلاهما عن أبي بصير عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٢٢ ص ٤٠١ ح ١١.

مرگ، کار کنید، چنان که گویی هرگز در دنیا نبوده‌اید و پیوسته در آخرت زیسته‌اید.

۱۱۴۶. امام علی علیه السلام - در حکمت‌های منسوب به ایشان - : گویا اصلاً در دنیا نبوده‌ای، و گویا که پیوسته در آخرت بوده‌ای!

۱۱۴۷. امام علی علیه السلام : هر سپری شونده‌ای، مثل این است که [اصلاً] نبوده است.

۱۱۴۸. امام علی علیه السلام : آنچه از دنیا وجود دارد، تو گویی اصلاً نبوده است، و آنچه از آخرت وجود دارد، تو گویی همواره بوده است!

۱۱۴۹. امام باقر علیه السلام : حسین بن علی علیه السلام از کربلا به محمد بن علی^۱ نوشت: «به نام خداوند رحمتگر مهربان. از حسین بن علی به محمد بن علی و دیگر فرزندان هاشم. اما بعد: دنیا چنان است که گویی هرگز نبوده است و آخرت، چنان است که گویی همواره بوده است! بدرود».

۱۱۵۰. امام صادق علیه السلام : ابوذر، در سخنرانی خود می‌گفت: ای جوینده دانش! گویا هیچ چیز دنیا، چیزی نبوده است، جز این که خوبی‌اش سود می‌رساند و بدی‌اش زیان می‌زند، مگر کسی که خدا به او رحم کند.

۱۱۵۱. امام صادق علیه السلام - می‌فرمود - :

در مهلتی که داری، بکوش؛ چرا که تو مردنی هستی /

و برای خودت - ای انسان - نیکی برگزین

۱. مقصود، محمد بن حنفیه است.

فَكَانَ مَا قَدْ كَانَ لَمْ يَكْ إِذْ مَضَى وَكَانَ مَا هُوَ كَائِنْ قَدْ كَانَ^١

٢٣/٥

فَحَلَالُهَا حِسَابٌ فِي حَرَامِهَا عِقَابٌ

١١٥٢. الإمام الصادق عليه السلام: قِيلَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: عِظْنَا وَأَوْجِزْ، فَقَالَ: الدُّنْيَا حَلَالُهَا حِسَابٌ، وَحَرَامُهَا عِقَابٌ.^٢

١١٥٣. الإمام علي عليه السلام - فِي وَصْفِ الدُّنْيَا - مَا أَصِفُ مِنْ دَارٍ أَوَّلُهَا عَنَاءٌ وَآخِرُهَا فَنَاءٌ، فِي حَلَالِهَا حِسَابٌ وَفِي حَرَامِهَا عِقَابٌ، مَنْ اسْتَغْنَى فِيهَا فُتِنَ، وَمَنْ افْتَقَرَ فِيهَا حَزِنَ، وَمَنْ سَاعَاها^٣ فَاتَتْهُ، وَمَنْ قَعَدَ عَنْهَا وَاتَتْهُ، وَمَنْ أَبْصَرَ بِهَا بَصَرَتَهُ، وَمَنْ أَبْصَرَ إِلَيْهَا أَعْمَتَهُ.^٤



٢٣/٥

تَشَوُّبٌ نَعِيمٌ بِبُؤْسٍ^٥

١١٥٤. الإمام علي عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا خَيْرُهَا زَهِيدٌ، وَشَرُّهَا عَتِيدٌ^٥، وَلَذَّتُهَا قَلِيلَةٌ، وَحَسَرَتُهَا طَوِيلَةٌ، تَشَوُّبٌ^٦ نَعِيمٌ بِبُؤْسٍ، وَتَقَرُّنُ سُعُودَهَا بِنُحُوسٍ، وَتَصِلُ نَفْعُهَا بِضُرٍّ،

١. الأُمَلِيُّ لِلصَّدُوقِ: ص ٥٧٨ ح ٧٩٣ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ، الْمُنَاقِبُ لِابْنِ شَهْرَآشُوبٍ: ج ٤ ص ٢٧٦، رَوْضَةُ الْوَاعِظِينَ: ص ٥٢٨، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج ٧١ ص ١٧٢ ح ٣.

٢. الْكَافِي: ج ٢ ص ٤٥٩ ح ١٣، تَنْبِيهِ الْخَوَاطِرِ: ج ١ ص ١٣٧ نَحْوَهُ.

٣. سَاعَاها: سَابَقَهَا (الْنَهَايَةُ: ج ٢ ص ٣٧٠ «سَعَى»).

٤. نَهْجُ الْبَلَاغَةِ: الْخُطْبَةُ ٨٢، خَصَائِصُ الْأَثْمَةِ عليه السلام: ص ١١٨، مَشْكَاةُ الْأَنْوَارِ: ص ٤٦٩ ح ١٥٧٠، نَزْهَةُ النَّاظِرِ: ص ٦٦ ح ٥٦، تَحْفُ الْعُقُولِ: ص ٢٠١ نَحْوَهُ بَرِيادَةُ «مَنْ صَحَّ فِيهَا أَمِنَ، وَمَنْ مَرَضَ فِيهَا نَدِمَ» بَعْدَ «وَفِي حَرَامِهَا عِقَابٌ».

عِقَابٌ». رَوْضَةُ الْوَاعِظِينَ: ص ٤٨٨ وَفِيهَا «أَتَتْهُ» بِدَلِّ «وَاتَتْهُ»، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج ٧٣ ص ١٣٣ ح ١٣٦: الْمُنَاقِبُ لِلْخَوَارِزْمِيِّ: ص ٣٦٤ ح ٣٧٩، كَنْزُ الْعَمَالِ: ج ٣ ص ٧٢٠ ح ٨٥٦٧ نَقْلًا عَنْ ابْنِ أَبِي الدُّنْيَا وَالدِّينَوْرِيِّ.

٥. الْعَتِيدُ: الْحَاضِرُ الْمُهَيَّأُ (الْقَامُوسُ الْمَحِيطُ: ج ١ ص ٣١٢ «عَتَدَ»).

٦. التَّشَوُّبُ: الْخَلْطُ (الصَّحَاحُ: ج ١ ص ١٥٨ «شَوَّبَ»).

آنچه بود و گذشت، گویا اصلاً نبوده است / و هر آینده‌ای، گویا از ابتدا بوده است!

۲۳/۵

حلال دنیا حساب دارد و حرامش کیفر

۱۱۵۲. امام صادق علیه السلام: به امیر مؤمنان علیه السلام گفته شد: ما را اندرزی کوتاه ده.

فرمود: «دنیا، حلالش حساب دارد و حرامش کیفر».

۱۱۵۳. امام علی علیه السلام - در توصیف دنیا - : چه بگویم در وصف دنیایی که آغازش رنج

است و انجامش نابودی، و در حلالش حساب است و در حرامش کیفر؟ هر

که در دنیا بی‌نیاز شد، گرفتار گردید، هر که فقیر شد، اندوه دامگیرش شد،

هر که در پی دنیا دوید، به آن نرسید، هر که از طلب آن باز ایستاد، دنیا خود به

سراغش رفت، هر که با دنیا دید، دنیا او را بینا گردانید، و هر که به دنیا

نگریست، دنیا نابینایش گردانید.

۲۴/۵

خوشی دنیا، بارنج آمیخته است

۱۱۵۴. امام علی علیه السلام: دنیا خوبش ناچیز است و بدش حاضر و آماده. لذتش اندک است

و افسوسش طولانی. خوشی‌اش با رنج آمیخته است، خوش‌بختی‌اش با

وَتَمَزْجُ حُلُوهَا بِمُرٍّ^١.

١١٥٥. عنه عليه السلام: إِنَّهُ لَمْ يُصِبْ امْرُؤٌ مِنْكُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَبْرَةً^٢ إِلَّا أَوْرَثَتْهُ عِبْرَةٌ^٣، وَلَا يُصْبِحُ فِيهَا فِي جَنَاحِ آمِنٍ إِلَّا وَهُوَ يَخَافُ فِيهَا نُزُولَ جَائِحَةٍ^٤، أَوْ تَغْيِيرَ نِعْمَةٍ، أَوْ زَوَالَ عَافِيَةٍ^٥.

١١٥٦. عنه عليه السلام - فِي ذِمِّ الدُّنْيَا - : لَمْ يَكُنْ امْرُؤٌ مِنْهَا فِي حَبْرَةٍ إِلَّا أَعْقَبَتْهُ بَعْدَهَا عِبْرَةٌ، وَلَمْ يَلْقَ فِي سَرَائِهَا بَطْنًا إِلَّا مَنَحَتْهُ مِنْ ضَرَائِهَا ظَهْرًا، وَلَمْ تَطْلُفْ فِيهَا دِيْمَةٌ رَخَاءٍ إِلَّا هَتَّتْ^٦ عَلَيْهِ مُرْتَةً بَلَاءٍ، وَحَرِيٌّ إِذَا أَصْبَحَتْ لَهُ مُنْتَصِرَةٌ أَنْ تُمْسِيَ لَهُ مُنْكَرَةٌ، وَإِنْ جَانِبٌ مِنْهَا اعْدَوْذَبَ وَاحْلَوْلَى، أَمَرَّ مِنْهَا جَانِبٌ فَأَوْبَى^٧، لَا يَنَالُ امْرُؤٌ مِنْ غَضَارَتِهَا رَغْبًا إِلَّا أَرْهَقَتْهُ مِنْ نَوَائِبِهَا تَعَبًا، وَلَا يُمْسِي مِنْهَا فِي جَنَاحِ آمِنٍ إِلَّا أَصْبَحَ عَلَى قَوَادِمٍ^٨ خَوْفٍ^٩.

١١٥٧. عنه عليه السلام: كَانَ مَا هُوَ كَائِنٌ مِنَ الدُّنْيَا عَنْ قَلِيلٍ لَمْ يَكُنْ، وَمَا هُوَ كَائِنٌ مِنَ الْآخِرَةِ لَمْ يَزَلْ. إِي وَاللَّهِ، عَنْ قَلِيلٍ تُشْقِي الْمُتَرَفِّ، وَتُحَرِّكُ السَّاكِنَ، وَتُزِيلُ الشَّائِي.

١. غرر الحكم: ح ٣٦٧٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٤٦ ح ٣٢٢٥.
٢. الحَبْرَةُ: النعمة وسعة العيش، وكذلك الحبور (النهاية: ج ١ ص ٣٢٧ «حبر»).
٣. العِبْرَةُ: الدمعة قبل أن تفيض، أو تردد البكاء في الصدر، أو الحزن بلا بكاء (القاموس المحيط: ج ٢ ص ٨٣ «عبر»).
٤. الجَائِحَةُ: هي الآفة التي تهلك الثمار والأموال وتستأصلها (النهاية: ج ١ ص ٣١١ «جوح»).
٥. الكافي: ج ٨ ص ١٧٤ ح ١٩٤ عن محمد بن النعمان أو غيره عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٣٥١ ح ٣١: مطالب السؤول: ص ٥١ نحوه.
٦. هَتَّتِ السَّمَاءُ: صَبَّتْ. وَمَطَرَتْ هَتُونٌ: هَطُولٌ (لسان العرب: ج ١٢ ص ٤٣٠ «هتن»).
٧. التَّوْبَاءُ: المرض العام (النهاية: ج ٥ ص ١٤٤ «وبا»).
٨. قَوَادِمُ الطَّيْرِ: مقادير ريشه، وهي عشرة في كل جناح (الصحاح: ج ٥ ص ٢٠٧ «قدم»).
٩. نهج البلاغة: الخطبة ١١١، تحف العقول: ص ١٨٠ نحوه وفيه «هتفت» بدل «هتنت». بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٩٧ ح ٨٢: مطالب السؤول: ص ٥٠ نحوه.

بدبختی قرین است، سودش به زیان پیوسته است، و شیرینی اش با تلخی ممزوج است.

۱۱۵۵. امام علی علیه السلام: هیچ فردی از شما در این دنیا به شادی ای نرسید، مگر این که دنیا برای او اشکی به بار آورد، و شبی را در پناه ایمنی به صبح نمی‌رساند، مگر این که از فرود آمدن بلایی یا از دست رفتن نعمتی یا از بین رفتن سلامتی بیمناک است.

۱۱۵۶. امام علی علیه السلام: در نکوهش دنیا - هیچ انسانی در دنیا به شادی ای نرسید، مگر این که در پی آن، دنیا به او اشک [و اندوه] داد، و از خوشی‌های دنیا به نوایی نرسید، مگر این که دنیا از سختی‌هایش به او چشاند، و در آن، بارانی از آسایش او را تر نکرد، مگر این که ابر رنج بر او فرو بارید.

این، رسم دنیا است که هر گاه صبحگاهان یا ور انسان شود، شامگاهان به دشمن بدل می‌گردد، و اگر بخشی از آن گوارا و شیرین باشد، بخش دیگرش تلخ و ناگوار است. هیچ کس از خوشی‌های آن به مرادی نمی‌رسد، مگر آن که دنیا با مصیبت‌های خود، او را به ستوه می‌آورد، و [هیچ کس] روز را با آسودگی خیال، به شب نمی‌رساند، مگر آن که شب را بر بال‌های ترس به روز می‌رساند.

۱۱۵۷. امام علی علیه السلام: آنچه از دنیا وجود دارد، [چنان می‌شود که] پس از اندکی گویا نبوده، و آنچه از آخرت وجود دارد، [گویا] از آغاز بوده است. آری، به خدا! زودا که دنیا، برخوردارِ مرفه را به روز سیاه نشاند، و آرام گرفته را حرکت

صَفُوهَا مَشُوبٌ بِالْكَدَرَةِ، وَسُرُورُهَا مَنْسُوجٌ بِالْحُزَنِ، وَآخِرُ حَيَاتِهَا مُقْتَرِنٌ بِالضَّعْفِ، فَلَا يُعْجِبُكُمْ مَا يُغَيِّرُنَّكُمْ مِنْهَا، فَعَن كَثِبٍ تُنْقَلُونَ عَنْهَا، وَكُلُّ مَا هُوَ آتٍ قَرِيبٌ وَ﴿هَذَا لِك تَبْلُوا كُلُّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ وَرُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمْ الْحَقَّ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ﴾ ١. ٢.

١١٥٨. عنه ﷺ - فِي خُطْبَةٍ لَهُ -: أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّمَا أَنْتُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا غَرَضٌ تَنْتَضِلُ فِيهِ الْمَنَایَا؛ مَعَ كُلِّ جُرْعَةٍ شَرَقٌ ٢، وَفِي كُلِّ أَكْلَةٍ غَصَصٌ ٣؛ لَا تَنَالُونَ مِنْهَا نِعْمَةً إِلَّا بِفِرَاقٍ أُخْرَى، وَلَا يُعَمَّرُ مُعَمَّرٌ مِنْكُمْ يَوْمًا مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا يَهْدِمَ آخَرَ مِنْ أَجَلِهِ، وَلَا تُجَدِّدُ لَهُ زِيَادَةٌ فِي أَكْلِهِ إِلَّا يَنْقَادِ مَا قَبْلَهَا مِنْ رِزْقِهِ، وَلَا يَحْيَا لَهُ أَثَرٌ إِلَّا مَاتَ لَهُ أَثَرٌ، وَلَا يَتَجَدَّدُ لَهُ جَدِيدٌ إِلَّا بَعْدَ أَنْ يَخْلُقَ لَهُ جَدِيدٌ، وَلَا تَقُومُ لَهُ نَابِتَةٌ إِلَّا وَتَسْقُطُ مِنْهُ مَحْصُودَةٌ، وَقَدْ مَضَتْ أَصُولُ لَحْنٍ فُرُوعُهَا، فَمَا بَقَاءُ فَرْعٍ بَعْدَ ذَهَابِ أَصْلِهِ! ٥

١١٥٩. عنه ﷺ: مِنْ نَكْدِ الدُّنْيَا تَنْغِيصُ الْإِجْتِمَاعِ بِالْفُرْقَةِ، وَالسُّرُورِ بِالْغُصَّةِ ٧.

١١٦٠. عنه ﷺ: الدُّنْيَا لَا تَصْفُو لِشَارِبٍ، وَلَا تَقِي لِصَاحِبٍ ٨.

١. یونس: ٣٠.

٢. مطالب السؤل: ص ٥٢؛ بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢١ ح ٨١.

٣. الغرض: الهدف الذي يرمى إليه. وتناضل القوم: تراموا للسبق (المصباح المنير: ص ٤٤٥ «غرض» و ص ٦١٠ «نضل»).

٤. شرق: غص (النهاية: ج ٢ ص ٤٦٥ «شرق»).

٥. نهج البلاغة: الخطبة ١٤٥ وراجع الحكمة ١٩١ والكافي: ج ٨ ص ٢٣ ح ٤ والإرشاد: ج ١ ص ٢٣٨ والأمالی للطوسي: ص ٢١٦ ح ٣٧٩ وتحف العقول: ص ٢٩٩ وتبیه الخواطر: ج ١ ص ٧٦ وغرر الحکم: ح ٢٦٨٨.

٦. النكد: الشؤم واللؤم (لسان العرب: ج ٣ ص ٤٢٧ «نكد»).

٧. غرر الحکم: ح ٩٣٢٦، عیون الحکم والمواعظ: ص ٤٧٢ ح ٨٦٥٤.

٨. غرر الحکم: ح ١٧٢١، عیون الحکم والمواعظ: ص ٢٣ ح ١٧٣ و ص ١٤٤ ح ٣٢١٨.

دهد، و اقامت گزیده را بکوچاند. زلالی دنیا، آمیخته به تیرگی، شادی‌اش بافته با اندوه، و پایان زندگی‌اش همراه با ناتوانی است. پس مبادا فریبندگی‌های دنیا شما را خوش آید؛ چرا که به زودی از آن می‌روید، و هر آنچه آمدنی است، نزدیک است و [آن جاست که هر کس آنچه را از پیش فرستاده است، می‌آزماید و [همگان] به سوی خدا، مولای حقیقی خود، باز گردانیده می‌شوند و آنچه به دروغ بر می‌ساخته‌اند، از دستشان به در می‌رود].

۱۱۵۸. امام علی علیه السلام - در یکی از خطبه‌هایش - ای مردم! شما در این دنیا آماج تیرهای مرگ هستید: با هر جرعه‌ای، در گلو جستی هست، و با هر لقمه‌ای، گلوگیر شدنی. از دنیا به هیچ نعمتی نمی‌رسید، مگر با از دست دادن نعمتی دیگر، و هیچ یک از شما روزی به عمرش افزوده نمی‌گردد، مگر با کم شدن روزی از اجلش، و هیچ خوراکی نوبه او افزوده نمی‌شود، مگر با از بین رفتن چیزی از روزی قبل او، و هیچ رد و نشانی برایش زنده نمی‌شود، مگر با از بین رفتن رد و نشانی دیگر، و هیچ چیز تازه‌ای برایش به وجود نمی‌آید، مگر پس از کهنه شدن چیز تازه‌ای از او، و هیچ خوشه‌ای برای او نمی‌روید، مگر آن که خوشه‌ای دیگر قابل درویدن شود. ریشه‌هایی که ما شاخه‌های آنها هستیم، رفتند، و با رفتن ریشه، آیا شاخه‌ای باقی می‌ماند؟!

۱۱۵۹. امام علی علیه السلام: از شومی دنیا، این است که لذت گرد هم آمدن را با پراکندن، و شادی را با غصه مکدر می‌کند.

۱۱۶۰. امام علی علیه السلام: دنیا برای هیچ نوشنده‌ای زلال نمی‌شود و به هیچ یاری وفا نمی‌کند.

٢٥/٥

حُلُوها مَرُّ

١١٦١. الإمام علي عليه السلام - في خطبة العيدين - : أوصيكم عباد الله بتقوى الله وكثرة ذكر الموت، والزهد في الدنيا التي لم يتمتع بها من كان فيها قبلكم، ولن تبقى لأحد من بعدكم، وسيلكم فيها سبيل الماضين. ألا ترون أنها قد تصرمت وأذنت بانقضاء، وتتكبر معروفها وأدبرت خذاء^١؟! فهي تُخبر بالفناء، وساكينها يُحدي بالموت، فقد أمر منها ما كان حلواً، وكدر منها ما كان صفواً، فلم يبق منها إلا سملة كسملة الإداوة^٢، وجُرعة كجرعة الإناء، يتمزرها الصديان^٣ لم تنفع غلته.

فأزمعوا عباد الله بالرحيل من هذه الدار المقدور على أهلها الزوال، الممنوع أهلها من الحياة، المذلة أنفسهم بالموت، فلا حي يطمع في البقاء، ولا نفس إلا مدعنة بالمنون، فلا يغلبنكم الأمل، ولا يطل عليكم الأمد، ولا تغتروا فيها بالآمال^٤.

راجع: ج ١ ص ٣٧٠ (التحذير من لذات الدنيا)

و ٢٨٠ (التحذير من حب الدنيا)

و ٣٩٨ (الفصل الرابع: مضار حب الدنيا).

١. خذاء: أي خفيفة سريعة (النهاية: ج ١ ص ٣٥٦ «خذذ»).

٢. سملة الإداوة: الماء القليل يبقى في أسفل الإناء (النهاية: ج ٢ ص ٤٠٤ «سمل»).

٣. الصدى: العطش (النهاية: ج ٣ ص ١٩ «صدا»).

٤. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٥١٨ ح ١٤٨٤، الأمالي للمفيد: ص ١٥٩ ح ٢ عن مجاهد نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٠٧ ح ١٠٨ وراجع نهج البلاغة: الخطبة ٥٢ وإرشاد القلوب: ص ٣٥ و مصباح المتعبد: ص ٦٦٣ ح ٧٣٠.

۲۵/۵

شیرین دنیا، تلخ است

۱۱۶۱. امام علی علیه السلام - در خطبه نماز عید قربان و عید فطر - : ای بندگان خدا! شما را سفارش می‌کنم به پروا کردن از خدا، و یاد کردن بسیار از مرگ، و دل برکندن از دنیا؛ دنیایی که پیشینیان شما از آن بهره‌ای (لذتی) نبردند، و بعد از شما نیز برای هیچ کس باقی نمی‌ماند، و راه شما در دنیا، همان راهی است که گذشتگان پیمودند. آیا نمی‌بینید که دنیا سپری گشته، و اعلام به سر آمدن کرده، و خوبی‌هایش دگرگون گشته، و شتابان، پشت کرده است و می‌رود؟ دنیا از نیست شدن، خبر می‌دهد و [چون ساریان که برای راندن شتران حُدی می‌خواند،] برای ساکنان خود، آواز مرگ سر می‌دهد. شیرینی‌های آن تلخ شده و زلالی‌هایش تیره گشته است، و از دنیا جز ته مانده‌ای به اندازه ته مانده آب در ته مشک، و جرعه‌ای مانند جرعه باقی مانده و در ته ظرفی که تشنه کامی آن را می‌مکد، اما عطش او را فرو نمی‌نشاند، باقی نمانده است.

پس، ای بندگان خدا! عزم رفتن از این سرایی کنید که «رفتن» برای اهل آن، رقم خورده و زندگی در آن برای مردمانش قدغن شده، و جان‌هایشان مقهور مرگ گشته است، چندان که هیچ زنده‌ای طمع ماندگاری ندارد، و هیچ جانی نیست، مگر این که به مرگ اذعان دارد [و طعم آن را می‌چشد]. پس مبادا آرزو بر شما چیره آید، و مدت عمر برایتان طولانی نماید، و در دنیا فریفته آرزوها شوید!

ر.ک: ج ۱ ص ۲۷۱ (برخیز داشتن از لذت‌های دنیا)

و ۲۸۱ (برخیز داشتن از دنیا دوستی)

و ۳۹۹ (فصل چهارم: زیان‌های دنیا دوستی).

الفصل السادس

أماثل الزهاد

١/٦

الأنبياء



١١٦٢ . رسول الله ﷺ: مَا اتَّخَذَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا زَاهِدًا. ١

١١٦٣ . الإمام علي عليه السلام: مِمَّا يَدُلُّكَ عَلَى دَنَاءَةِ الدُّنْيَا أَنَّ اللَّهَ - جَلَّ ثَنَاؤُهُ - زَوَّاهَا عَنْ أَوْلِيَائِهِ وَأَحِبَّائِهِ نَظْرًا وَاخْتِيَارًا، وَبَسَطَهَا لِأَعْدَائِهِ فِتْنَةً وَاخْتِبَارًا، فَأَكْرَمَ عَنْهَا مُحَمَّدًا نَبِيَّهُ ﷺ حِينَ عَصَبَ عَلَى بَطْنِهِ مِنَ الْجُوعِ، وَحَمَاهَا مُوسَى نَجِيَّهُ الْمُكَلَّمِ، وَكَانَتْ تُرَى خُضْرَةُ الْبَقْلِ مِنْ صِفَاقٍ^٢ بَطْنِهِ مِنَ الْهُزَالِ، وَمَا سَأَلَ اللَّهُ - جَلَّ ثَنَاؤُهُ - يَوْمَ أَوَى إِلَى الظِّلِّ إِلَّا طَعَامًا يَأْكُلُهُ لِمَا جَهْدَهُ مِنَ الْجُوعِ، وَلَقَدْ جَاءَتْ الرِّوَايَةُ عَنْهُ أَنَّهُ كَانَ أُوحِيَ إِلَيْهِ: إِذَا رَأَيْتَ الْغِنَى مُقْبِلًا فَقُلْ: ذَنْبٌ عُسِّجَلَتْ عُقُوبَتُهُ، وَإِذَا رَأَيْتَ الْفَقْرَ مُقْبِلًا فَقُلْ: مَرَحَبًا بِشَعَارِ الصَّالِحِينَ.

وصاحب الروح والكَلِمَةِ عيسى بن مريم عليه السلام إذ قال: أدمي^٣ الجوعُ،

١ . مستدرک الوسائل: ج ١٢ ص ٥١ ح ١٣٤٨٨ نقلًا عن القطب الراوندي في لبّ اللباب.

٢ . الصَّفَاقُ: الجلد الذي عليه الشَّعْر (الصحاح: ج ٤ ص ١٥٠٨ «صفق»).

٣ . الأَدمُ والإِدام: ما يؤتَدَمُ به، تقول منه: أَدَمَ الْخَبِيزَ بِاللَّحْمِ يَأْدِمُهُ (الصحاح: ج ٥ ص ١٨٥٩ «أدم»).

فصل ششم نمونه های زهد

۱/۶
پیامبران

۱۱۶۲. پیامبر خدا ﷺ: خداوند، هیچ پیامبری را برنگزید، مگر این که زاهد بود.

۱۱۶۳. امام علی علیه السلام: از نشانه هایی که تو را به پستی دنیا رهنمون می شود، این است که خداوند ﷻ آن را، از روی التفات و نیکخواهی، از اولیا و دوستانش گرفت، و آن را برای دشمنانش، به قصد امتحان و آزمایش، گسترانید.

[مثلاً] پیامبرش محمد ﷺ را از دنیا وارسته داشت، به طوری که از شدت گرسنگی، شکم خود را می بست.

نیز آن را از هم راز و هم سخن خود، موسی، باز داشت، به طوری که از شدت لاغری، سبزی علف ها از زیر پوست شکمش دیده می شد و با این حال، آن روز که به سایه ای پناه برد، از خداوند ﷻ جز غذایی برای خوردن، چیزی نخواست؛^۱ چرا که گرسنگی، او را بی تاب کرده بود. درباره او روایت رسیده است که به وی وحی می شد: «هر گاه دیدی «توانگری» روی کرده است، بگو: [اثر] گناهی است که در کیفرش شتاب شده است، و هر گاه دیدی

۱. اشاره است به آیه ۲۴ از سوره قصص.

وَشِعَارِي الْخَوْفِ، وَلِبَاسِي الصَّوْفِ، وَدَائِي رِجْلَايَ، وَسِرَاجِي بِاللَّيْلِ الْقَمَرِ،
وَصَلَاتِي^١ فِي الشِّتَاءِ مَشَارِقُ الشَّمْسِ، وَفَاكِهَتِي مَا أَنْبَتِ الْأَرْضُ لِالْتِعَامِ،
أَبَيْتُ وَلَيْسَ لِي شَيْءٌ، وَلَيْسَ أَحَدٌ أَغْنِي مِنِّي.

أَوْ سُلَيْمَانَ بْنَ دَاوُدَ عليه السلام وَمَا أُوتِيَ مِنَ الْمُلْكِ؛ إِذْ كَانَ يَأْكُلُ خُبْزَ الشَّعِيرِ،
وَيُطْعِمُ أَهْلَهُ الْحِنْطَةَ، وَإِذَا جَنَّهُ اللَّيْلُ لَيْسَ الْمُسُوحَ، وَعَلَّ يَدَهُ إِلَى عُنُقِهِ، وَبَاتَ
بَاكِياً حَتَّى يُصْبِحَ، وَيُكْثِرُ أَنْ يَقُولَ: رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي كَثِيراً، وَإِلَّا تَغْفِرَ لِي
وَتَرْحَمَنِي أَكُنَ مِنَ الْخَاسِرِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ.
فَهَؤُلَاءِ أَنْبِيَاءُ اللَّهِ وَأَصْفِيَائُهُ وَأَوْلِيَائُهُ، تَزَهَّوْا عَنِ الدُّنْيَا، وَزَهَّدُوا فِيهَا
زَهْدَهُمُ اللَّهُ - جَلَّ ثَنَاؤُهُ - فِيهِ مِنْهَا، وَأَبْغَضُوا مَا أَبْغَضَ، وَصَغَّرُوا مَا صَغَّرَ، ثُمَّ
اِقْتَصَصَ الصَّالِحُونَ آثَارَهُمْ وَسَلَكُوا مَنَاجِيَهُمْ، وَالطَّفُّوا الْفِكَرَ، وَانْتَفَعُوا بِالْعِبَرِ،
وَصَبَرُوا فِي هَذَا الْعُمُرِ الْقَصِيرِ عَنْ مَتَاعِ الْغُرُورِ الَّذِي يَعُودُ إِلَى الْفَنَاءِ، وَيَصِيرُ
إِلَى الْحِسَابِ.

نَظَرُوا بِعُقُولِهِمْ إِلَى آخِرِ الدُّنْيَا وَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى أَوَّلِهَا، وَإِلَى بَاطِنِ الدُّنْيَا وَلَمْ
يَنْظُرُوا إِلَى ظَاهِرِهَا، وَفَكَّرُوا فِي مَرَارَةِ عَاقِبَتِهَا، فَلَمْ تَسْتَهْزِهِمْ حَلَاوَةُ عَاجِلِهَا،
ثُمَّ أَلْزَمُوا أَنْفُسَهُمُ الصَّبْرَ، وَأَنْزَلُوا الدُّنْيَا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَالْمَيْتَةِ الَّتِي لَا يَحِلُّ لِأَحَدٍ
أَنْ يَشَبَعَ مِنْهَا إِلَّا فِي حَالِ الضَّرُورَةِ إِلَيْهَا، وَأَكَلُوا مِنْهَا بِقَدْرِ مَا أَبْقَى لَهُمُ النَّفْسَ
وَأَمْسَكَ الرُّوحَ، وَجَعَلُوا بِمَنْزِلَةِ الْجِيْفَةِ الَّتِي اشْتَدَّ نَتْنُهَا، فَكُلُّ مَنْ مَرَّ بِهَا
أَمْسَكَ عَلَى أَنْفِهِ مِنْهَا، فَهُمْ يَتَبَلَّغُونَ مِنْهَا بِأَدْنَى الْبَلَاغِ، وَلَا يَنْتَهَوْنَ إِلَى الشَّبَعِ
مِنَ النَّتَنِ، وَيَتَعَجَّبُونَ مِنَ الْمُتَمَلِّئِ مِنْهَا شَبَعاً، وَالرَّاضِي بِهَا نَصِيباً^٢.

١. الصَّلَاةُ: حَرَّ النَّارِ (المصباح المنير: ص ٣٤٦ «صَلَّيْتُ»).

٢. دستور معالم الحكم: ص ٤٠: بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١١٠ ح ١٠٩.

که «فقر» روی کرده است، بگو: خوش آمدی، ای نشانه نیکان!». و نیز از صاحب روح و کلمه [ای الهی]، عیسی بن مریم علیه السلام، [دنیا را باز داشت]، آن گاه که گفت: «نانخورش من، گرسنگی است، و جامه زیرینم، ترس [از خدا]، و جبهه‌ام پشمینه، و ستورم دو پایم، و چراغ شبم، ماه، و وسیله گرم کردنم در زمستان، آفتاب، و میوه‌ام، آنچه زمین برای حیوانات می‌رویاند. شب را به صبح می‌رسانم، در حالی که هیچ چیز ندارم، و با این همه، هیچ کسی توانگرتر و بی‌نیازتر از من نیست».

و یا سلیمان بن داود علیه السلام، با آن سلطنتی که به او داده شد، نان جو می‌خورد و به کسانش نان گندم می‌خوراند، و چون شب می‌شد، پلاس می‌پوشید و دستش را به گردنش می‌بست و تا صبح می‌گریست و پیوسته می‌گفت: «پروردگارا! من به خویشتم ستم بسیار کرده‌ام و اگر مرا نیامرزی و به من رحم نکنی، از زیانکاران خواهم بود. معبودی جز تو نیست. منزهی تو، و من از ستمکارانم». آری! اینان، پیامبران خدا و برگزیدگان و اولیای او بودند که از دنیا وارسته گشتند و از آن به آنچه خداوند تعالی آنان را به زهد ترغیب کرده، قناعت ورزیدند، و آنچه را او دشمن می‌داشت، دشمن داشتند، و آنچه را او خرد می‌شمرد، خرد شمردند. سپس مردان نیک، از آنان پیروی کردند و راه‌هایشان را پیمودند، و دقیق اندیشیدند، و از عوامل عبرت‌آموز، بهره بردند، و در این عمر کوتاه، از کالای فریبنده دنیا - که از کف می‌رود، اما باید برایش حساب پس داد - صبورانه چشم پوشیدند.

با خیردهای خویش به پایان دنیا نگریستند نه به آغاز آن، و به باطن دنیا نگریستند نه به ظاهر آن، و در تلخی فرجام آن اندیشیدند و در نتیجه، شیرینی اکنون آن، تکانشان نداد. صبر را به جان خریدند، و دنیا را چون مردار دانستند که خوردن از آن، جز در حال اضطرار، حرام است، و از آن به اندازه‌ای که رفع گرسنگی کنند و زنده بمانند، خوردند، و دنیا را به منزله لاشه‌ای گرفتند که بوی تعفنش همه جا را گرفته است، به طوری که هر کس از کنارش می‌گذرد، بینی‌اش را می‌گیرد. از این لاشه گندیده، به کمترین قوت، بسنده می‌کنند و هرگز سیر نمی‌خورند، و از کسی که از آن سیر می‌خورد و بدان چنان نصیبی رضایت می‌دهد، تعجب می‌کنند.

١١٦٢ . ربیع الأبرار: كان نوح عليه السلام في بيت من شعر ألفاً وأربعمئة سنة، فكلما قيل له: يا رسول الله، لو اتخذت بيتاً من طين تأوي إليه! قال: أنا ميت غداً فتاركه. فلم يزل فيه حتى فارق الدنيا.^١

١١٦٥ . الإمام علي عليه السلام - في خطبة له - : ولقد كان في رسول الله صلى الله عليه وآله كافٍ لك في الأسوة، ودليل لك على ذم الدنيا وعيوبها، وكثرة مخازيها ومساوئها، إذ قبضت عنه أطرافها، ووطئت لغيره أكنافها^٢، وقطعت عن رضاها، وزوي عن زخارفها. وإن شئت ثبثت بموسى كليم الله - صلى الله عليه وسلم - إذ يقول: «رب إني لما أنزلت إلي من خير فقير»^٣، والله ما سألته إلا خبزاً يأكله؛ لأنه كان يأكل بقلّة الأرض. ولقد كانت خضرة البقل تُرى من شفيف صفاق بطنه؛ لهزاله وتشذب لحمه.

وإن شئت ثلثت بداوود - صلى الله عليه وسلم - صاحب المزامير وقارئ أهل الجنة، فلقد كان يعمل سفائف الخوص بيده، ويقول لجلسائه: أيكم يكفيني بيعها؟ ويأكل قرص الشعير من ثمنها.

وإن شئت قلت في عيسى بن مريم عليه السلام، فلقد كان يتوسد الحجر ويلبس الخشن ويأكل الجشب. وكان إدامه الجوع، وسراجُه بالليل القمر، وظلاله في الشتاء مشارق الأرض ومغاربها، وفاكهته وريحانه ما تُبِت الأرض للبهائم. ولم تكن له زوجة تفتنه، ولا ولد يحزنه، ولا مال يلفته، ولا طمع يذله. دابته رجلاه، وخادمه يداؤه.

١ . ربیع الأبرار: ج ١ ص ٢٣٧.

٢ . الكنف: الجانب (الصحيح: ج ٤ ص ١٤٢٤ «كنف»).

٣ . القصص: ٢٤.

۱۱۶۴. ربیع الأبرار: نوح علیه السلام هزار و چهارصد سال در سیاه‌چادری زندگی کرد و هر وقت به او گفته شد: «ای پیامبر خدا! کاش خانه‌ای گیلی بسازی و در آن به سربری»، می‌گفت: من فردا می‌میرم و این سیاه‌چادر را ترک می‌کنم. و همچنان در آن خیمه بود تا از دنیا رفت.

۱۱۶۵. امام علی علیه السلام - در یکی از خطبه‌هایش - : [زندگی] پیامبر خدا، خود، برای تو الگویی بسنده است، و دلیلی برای تو بر نکوهیدگی و عیناکی دنیا، و انبوهی ننگ‌ها و بدی‌های آن؛ چرا که دنیا از ایشان گرفته شد و برای دیگران فراهم گشت، از شیر [مادر] دنیا باز گرفته شد و از زرق و برق آن، دور نگه داشته شد.

و اگر بخواهی، به عنوان دومین الگو، از موسی کلیم الله - که درود و سلام خدا بر او باد - یاد می‌کنم که گفت: «پروردگارا! من به خیری که برایم فرو می‌فرستی، نیاز مندم». به خدا سوگند، او از خداوند، جز نانی برای خوردن چیزی نخواست؛ چرا که [پیوسته] از رستنی‌های زمین می‌خورد، به طوری که از شدت لاغری و آب شدن گوشت بدنش، سبزی علف‌ها از زیر پوست شکمش نمایان بود.

و اگر بخواهی، به عنوان سومین الگو، از داوود - که درود و سلام خدا بر او باد - آن صاحب مزامیر و قاری اهل بهشت، یاد می‌کنم که با دست خود، از لیف خرما زنبیل می‌بافت و به یارانش می‌گفت: «کدام یک از شما این را برایم می‌فروشند؟» و از پول آنها نان جو می‌خرید و می‌خورد.

و اگر بخواهی، از عیسی بن مریم علیه السلام برای می‌گویم که سنگ را بالش خود می‌کرد و جامه درشت می‌پوشید، و خوراک خشک می‌خورد، و خورش وی گرسنگی بود، و چراغش در شب، ماه، و پناهگاهش در زمستان، شرق و غرب عالم، و میوه و سبزیجاتش، علف‌هایی که زمین برای چارپایان می‌رویانده، نه همسری داشت که مایه گرفتاری او شود، نه فرزندی که غمش را بخورد، نه ثروتی که او را مشغول خود سازد، و نه طمع‌ی که موجب خواری او گردد. مرکبش دو پای او بود و خدمتکارش، دو دست او.

پس، به پیامبرت - که از همه پاک‌تر و وارسته‌تر است - تأسی بجوی که در او الگویی است برای هر که در پی الگوست، و مایه شکیبایی برای هر که خواهان

فَتَأْسُ بِنَبِيِّكَ الْأَطْيَبِ الْأَطْهَرِ ﷺ، فَإِنَّ فِيهِ أَسْوَأَ لِمَنْ تَأْسَى، وَعَزَاءٌ لِمَنْ تَعَزَى. وَأَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ الْمُتَأْسِي بِنَبِيِّهِ وَالْمُقْتَصِرُ لِأَثَرِهِ، قَضَمَ الدُّنْيَا قَضْمًا، وَلَمْ يُعْرِهَا طَرْفًا، أَهْضَمَ أَهْلُ الدُّنْيَا كَشْحًا^١، وَأَخْمَصُهُمْ^٢ مِنَ الدُّنْيَا بَطْنًا، عُرِضَتْ عَلَيْهِ الدُّنْيَا فَأَبَى أَنْ يَقْبَلَهَا، وَعَلِمَ أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَبْغَضَ شَيْئًا فَأَبْغَضَهُ، وَحَقَّرَ شَيْئًا فَحَقَّرَهُ، وَصَغَّرَ شَيْئًا فَصَغَّرَهُ.

وَلَوْ لَمْ يَكُنْ فِينَا إِلَّا حُبُّنَا مَا أَبْغَضَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَتَعَظِيمُنَا مَا صَغَّرَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، لَكَفَى بِهِ شِقَاقًا لِلَّهِ وَمُحَادَّةً عَنْ أَمْرِ اللَّهِ.

وَلَقَدْ كَانَ ﷺ يَأْكُلُ عَلَى الْأَرْضِ، وَيَجْلِسُ جِلْسَةَ الْعَبْدِ، وَيَخْصِفُ بِيَدِهِ نَعْلَهُ، وَيَرْقَعُ بِيَدِهِ ثَوْبَهُ، وَيَرْكَبُ الْجِمَارَ الْعَارِيَّ وَيُرِدِفُ خَلْفَهُ، وَيَكُونُ السِّتْرُ عَلَى بَابِ بَيْتِهِ فَتَكُونُ فِيهِ التَّصَاوِيرُ فَيَقُولُ: يَا فُلَانَةُ - لِإِحْدَى أَزْوَاجِهِ - غَيْبِي عَنِّي، فَإِنِّي إِذَا نَظَرْتُ إِلَيْهِ ذَكَرْتُ الدُّنْيَا وَزَخَارِفَهَا.

فَأَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيَا بِقَلْبِهِ، وَأَمَاتَ ذِكْرَهَا مِنْ نَفْسِهِ، وَأَحَبَّ أَنْ تَغِيبَ زِينَتُهَا عَنْ عَيْنِهِ، لِكَيْلَا يَتَّخِذَ مِنْهَا رِيَاشًا، وَلَا يَعْتَقِدَهَا قَرَارًا، وَلَا يَرْجُو فِيهَا مَقَامًا، فَأَخْرَجَهَا مِنَ النَّفْسِ، وَأَشْخَصَهَا عَنِ الْقَلْبِ، وَغَيَّبَهَا عَنِ الْبَصَرِ. وَكَذَا مَنْ أَبْغَضَ شَيْئًا أَبْغَضَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَيْهِ وَأَنْ يُذَكَّرَ عِنْدَهُ.

وَلَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ ﷺ مَا يَذُكُّكَ عَلَى مَسَاوِي الدُّنْيَا وَعُيُوبِهَا؛ إِذَا جَاعَ فِيهَا مَعَ خَاصَّتِهِ، وَزُوِيَتْ عَنْهُ زَخَارِفُهَا مَعَ عَظِيمِ زُلْفَتِهِ. فَلْيَنْظُرْ نَاطِرٌ بِعَقْلِهِ: أَكْرَمَ اللَّهُ مُحَمَّدًا بِذَلِكَ أَمْ أَهَانَهُ؟ فَإِنْ قَالَ: أَهَانَهُ، فَقَدْ كَذَبَ - وَاللَّهِ الْعَظِيمُ - بِالْإِلَافِكِ الْعَظِيمِ. وَإِنْ قَالَ: أَكْرَمَهُ، فَلْيَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهَانَ غَيْرَهُ حَيْثُ بَسَطَ الدُّنْيَا

١. الكشع: الخضر. وأهضم الكشخين: أي دقيق الغصن (النهاية: ج ٢ ص ١٧٥ «كشع»).

٢. الخمص: الجوع. ورجل خمصان وخميص: إذا كان ضامر البطن (النهاية: ج ٢ ص ٨٠ «خمص»).

شکیبایی [در برابر از دست دادن دنیا] است. محبوب‌ترین بندگان در نزد خداوند، کسی است که به پیامبرش تأسی بجوید و از او پیروی کند. او از دنیا چندان نخورده که دهان را پر کند، و بدان چندان ننگریست که [حتی] گوشه چشمی بدان افکند. پهلوهایش از همه لاغرتر و شکمش از همه تهی‌تر بود. دنیا به او پیشنهاد شد؛ اما از پذیرفتنش سر باز زد و دانست که خدای سبحان چیزی (علاقه‌مندی به دنیا) را دشمن می‌دارد، او هم آن را دشمن گرفت، و چیزی را خوار می‌دارد، او هم آن را خوار داشت، و چیزی را خرد می‌شمارد، او هم آن را خرد شمرد.

اگر در ماهیچ [عیبی] نبود، جز همین که آنچه را خدا و پیامبر او دشمن داشته‌اند، دوست داشته باشیم و آنچه را خدا و پیامبرش خرد شمرده‌اند، بزرگ شماریم، همین خود برای مخالفت ما با خدا و سرپیچی از فرمانش کافی بود.

او روی زمین [بدون فرش] غذا می‌خورد، و چون بردگان می‌نشست و با دست خود کفشش را می‌دوخت، و با دست خود جامه‌اش را وصله می‌زد، و بر الاغ برهنه سوار می‌شد و یک نفر را هم در ترک خود می‌نشاند. و [آن‌گاه که] پرده‌ای نگارین بر در اتاقش آویخته دید، به همسرش فرمود: «فلانی! این را از برابر چشم من دور کن؛ زیرا هر گاه چشمم به آن می‌افتد، به یاد دنیا و زیورهای آن می‌افتم»^۱.

آری! او از صمیم دل از دنیا روی برتافت، و یاد آن را در جان خویش میراند، و دوست داشت که زیب و زیور دنیا از برابر چشمش دور باشد تا از آن، جامه‌ای زیبا تهیه نکند، و دنیا را جای ماندن نداند، و به اقامت در آن، امیدوار نشود. پس، دنیا را از جان خویش به در کرد، و آن را از دل دور ساخت، و از چشمش پنهان داشت. آری! این چنین است کسی که چیزی را دشمن می‌دارد: از نگاه کردن به آن و از این که نام آن در حضور او برده شود، نفرت دارد.

راه و رسم پیامبر خدا، تو را به بدی‌ها و عیب‌های دنیا رهنمون می‌شود؛ چون او و نزدیکانش در دنیا همیشه گرسنه بودند، و با وجود آن منزلت بزرگی که [نزد خداوند] داشت، زیورهای دنیا از او دور داشته شدند. پس، هر بیننده‌ای باید با خرد خویش بنگرد و ببیند که: آیا خداوند با این کار، محمد را تکریم کرده است، یا خوارش داشته است؟ اگر بگوید: خوارش داشته، به خدای بزرگ، سوگند که دروغ

لَهُ، وَزَوَاهَا عَنْ أَقْرَبِ النَّاسِ مِنْهُ.

فَتَأْسَى مُتَأْسٍ بِنَبِيِّهِ، وَاقْتَصَصَ أَثَرَهُ، وَوَلَجَ مَوْلَجَهُ، وَإِلَّا فَلَا يَأْمَنُ الْهَلَكَةَ، فَإِنَّ اللَّهَ جَعَلَ مُحَمَّدًا ﷺ عَلَمًا لِلْسَّاعَةِ، وَمُبَشِّرًا بِالْجَنَّةِ، وَمُنْذِرًا بِالْعُقُوبَةِ، خَرَجَ مِنَ الدُّنْيَا خَمِيصًا، وَوَرَدَ الْآخِرَةَ سَلِيمًا. لَمْ يَضَعْ حَجَرًا عَلَى حَجَرٍ حَتَّى مَضَى لِسَبِيلِهِ، وَأَجَابَ دَاعِيَ رَبِّهِ. فَمَا أَعْظَمَ مِنَّةَ اللَّهِ عِنْدَنَا حِينَ أَنْعَمَ عَلَيْنَا بِهِ سَلَفًا نَتَّبِعُهُ، وَقَائِدًا نَطَأُ عَقْبَهُ.

وَاللَّهِ لَقَدْ رَفَعْتُ مِدْرَعَتِي هَذِهِ حَتَّى اسْتَحْيَيْتُ مِنْ رَاقِعِهَا، وَلَقَدْ قَالَ لِي قَائِلٌ: أَلَا تَنْبِذُهَا؟ فَقُلْتُ: أَغْرُبُ عَنِّي، فَعِنْدَ الصَّبَاحِ يَحْمَدُ الْقَوْمُ السُّرَى^١.

١١٦٦. عنه ﷺ - فِي ذِكْرِ النَّبِيِّ ﷺ -: قَدْ خَفَّرَ الدُّنْيَا وَصَغَّرَهَا، وَأَهْوَنَ بِهَا وَهَوَّنَهَا، وَعَلِمَ أَنَّ اللَّهَ زَوَاهَا عَنْهُ اخْتِيَارًا، وَبَسَطَهَا لغيرِهِ احْتِقَارًا، فَأَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيَا بِقَلْبِهِ، وَأَمَاتَ ذِكْرَهَا عَنْ نَفْسِهِ، وَأَحَبَّ أَنْ تَغِيْبَ زِينَتُهَا عَنْ عَيْنِهِ؛ لِكَيْلَا يَتَّخِذَ مِنْهَا رِيَاشًا، أَوْ يَرْجُوَ فِيهَا مَقَامًا. بَلَغَ عَنْ رَبِّهِ مُعْذِرًا، وَنَصَحَ لِأُمَّتِهِ مُنْذِرًا، وَدَعَا إِلَى الْجَنَّةِ مُبَشِّرًا، وَخَوْفَ مِنَ النَّارِ مُحَذِّرًا^٢.

١١٦٧. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ جَبْرَيْلَ ﷺ أَتَانِي بِخَزَائِنِ الدُّنْيَا عَلَى بَغْلَةٍ شَهْبَاءٍ^٣، فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، إِنَّ هَذِهِ خَزَائِنُ الْأَرْضِ وَلَا تَنْقُصُكَ مِنْ حَظِّكَ عِنْدَ رَبِّكَ تَعَالَى.

١. «عند الصُّبْحِ يَحْمَدُ الْقَوْمُ السُّرَى»: هُوَ مَثَلٌ يُضْرَبُ لَمَّا يُنَالُ بِالْمَشَقَّةِ، وَيُوَصَّلُ إِلَيْهِ بِالتَّغَبِّ (جِسمهرة الأمثال: ج ٢ ص ٣٨ الرقم ١٢٩٣).

٢. نهج البلاغة: الخطبة ١٦٠. بحار الأنوار: ج ١٦ ص ٢٨٢ ح ١٣٦ وليس فيه ذيل من «والله لقد رفعت مدرعتي...».

٣. نهج البلاغة: الخطبة ١٠٩، غرر الحكم: ح ٦٧٠٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٦٨ ح ٦٢٠٥ وفيهما صدره إلى «وبسطها لغيره احتقاراً» وفيهما «اختياراً» بدل «احتقاراً»، بحار الأنوار: ج ١٦، ص ٢٨٥، ر ١٣٦.

٤. الشَّهْبُ: هُوَ أَنْ يَغْلِبَ الْبَيَاضُ السَّوَادَ؛ بَقُلُّ أَشْهَبَ وَبَغْلَةٌ شَهْبَاءُ (المصباح المنير: ص ٣٢٤ «شهب»).

و بهتانی بزرگ بسته است، و اگر بگوید: او را تکریم کرده است، پس بداند که خداوند، دیگران را خوار داشته است؛ چرا که دنیایی را که از نزدیک‌ترین کسان خود گرفته، برای آنان گسترده است.

پس، آن که در پی الگوست، از پیامبر خویش الگو بگیرد و پیروی او نماید و هر جا که او در آمده است، در آید، و گرنه از تباه شدن، ایمن نخواهد بود؛ چرا که خداوند، محمد ﷺ را نشانه قیامت، و نوید دهنده بهشت، و بیم دهنده از کیفر قرار داد. او با شکم گرسنه از دنیا رفت، و با سلامت به آخرت در آمد. سنگی بر سنگ نهاد، تا آن که از دنیا رفت، و دعوتگر پروردگارش را اجابت کرد. پس، خداوند چه منت بزرگی بر ما نهاده که نعمت وجود او را به ما ارزانی داشت. پیروی است که ما پیروی‌اش می‌کنیم، و پیشوایی است که گام در جای گام او می‌نهیم.

به خدا سوگند، من این جامه پشمین خویش را چندان پینه کرده‌ام که از پینه‌دوزش خجالت می‌کشم. یکی به من گفت: نمی‌خواهی این را به دور بیندازی؟ گفتم: از من دور شو که در بامدادان، مردم، شبروان را می‌ستایند. ۱۱۶۶. امام علی علیه السلام - در یادکرد پیامبر ﷺ -: دنیا را خرد و کوچک شمرد، و آن را خوار و بی‌مقدار داشت، و دانست که اگر خداوند ﷻ دنیا را از او گرفت، از روی طیب خاطر بود، و اگر برای دیگران گسترده، از سر تحقیر است. پس، قلباً از دنیا روی گرداند، و نام و یاد آن را در جان خویش میراند، و دوست داشت که زیور دنیا از برابر چشمش دور شود تا مبادا از آن، جامه‌ای فاخر برای خویش برگیرد، یا به ماندن در دنیا امید ببندد.

پیام پروردگارش را رساند و حجت را تمام کرد، امت خویش را نصیحت کرد و هشدار داد، به بهشت خواند و بشارتش را داد، و از آتش ترساند و از آن بر حذر داشت.

۱۱۶۷. پیامبر خدا ﷺ: جبرئیل علیه السلام گنجینه‌های دنیا را بر قاطری خاکستری رنگ، نزد من آورد و گفت: ای محمد! اینها گنجینه‌های زمین‌اند و از سهم تو در نزد پروردگار بلندمرتبه‌ات چیزی کم نمی‌کنند.

فَقُلْتُ: حَبِيبِي جَبْرِئِيلُ، لَا حَاجَةَ لِي فِيهَا؛ إِذَا شَبِعْتُ شَكَرْتُ رَبِّي، وَإِذَا جُعْتُ سَأَلْتُهُ^١.

١١٦٨. سنن الترمذي عن أبي أمامة عن رسول الله ﷺ: عَرَضَ عَلَيَّ رَبِّي لِیَجْعَلَ لِي بَطْحَاءً^٢ مَكَّةَ ذَهَبًا، قُلْتُ: لَا يَا رَبِّ، وَلَكِنْ أَشْبَعُ يَوْمًا وَأَجُوعُ يَوْمًا - وَقَالَ ثَلَاثًا، أَوْ نَحْوَ هَذَا - فَإِذَا جُعْتُ تَضَرَّعْتُ إِلَيْكَ وَذَكَرْتُكَ، وَإِذَا شَبِعْتُ شَكَرْتُكَ وَحَمِدْتُكَ^٣.

١١٦٩. تنبيه الغافلين عن ابن عباس: بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ جَالِسٌ، وَقَدْ نَزَلَ مَلَكٌ وَمَعَهُ جَبْرِئِيلُ^٤، قَالَ جَبْرِئِيلُ: هَذَا مَلَكٌ قَدْ نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ، لَمْ يَنْزِلْ قَطُّ، اسْتَأْذَنَ رَبَّهُ فِي زِيَارَتِكَ.

فَلَمْ يَمْكُثْ إِلَّا قَلِيلًا حَتَّى جَاءَ الْمَلَكُ، فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ.

فَقَالَ: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ. قَالَ الْمَلَكُ: فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُخْبِرُكَ أَنَّهُ يُعْطِيكَ خَزَائِنَ كُلِّ شَيْءٍ، وَمَفَاتِيحَ كُلِّ شَيْءٍ، لَمْ يُعْطِهِ أَحَدًا قَبْلَكَ، وَلَا يُعْطِيهِ أَحَدًا بَعْدَكَ، مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَكَ مِمَّا آذَرَ لَكَ شَيْئًا، أَوْ يَجْمَعُهَا لَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؟

١. الأُمَالِي لِلطُّوسِي: ص ٥٣١ ح ١١٦٢، مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ: ج ٢ ص ٣٦٨ ح ٢٦٦١، تَنْبِيهِ الْخَوَاطِرِ: ج ٢ ص ٥٧ كُلُّهَا عَنْ أَبِي ذَرٍّ.

٢. الْأَبْطَحُ: مَسِيلٌ وَاسِعٌ فِيهِ دُقَاقُ الْحَصَى، وَالْبَطْحَاءُ مِثْلُ الْأَبْطَحِ، وَمِنْهُ بَطْحَاءُ مَكَّةَ (الصَّحَاحُ: ج ١ ص ٣٥٦ «بَطَحَ»).

٣. سنن الترمذي: ج ٤ ص ٥٧٥ ح ٢٣٤٧، مُسْتَدْرَكُ ابْنِ حَنْبَلٍ: ج ٨ ص ٢٨٠ ح ٢٢٢٥٢، الْمَعْجَمُ الْكَبِيرُ: ج ٨ ص ٢٠٧ ح ٧٨٣٥، الزَّهْدُ لِابْنِ الْمُبَارَكِ «الْمُلْحَقَاتُ»: ص ٥٤ ح ١٩٦، كُنُزُ الْعَمَالِ: ج ٣ ص ١٩٣ ح ٦١٢٠: الْكَافِي: ج ٨ ص ١٣١ ح ١٠٢ عَنْ عَبْدِ الْمُؤْمِنِ الْأَنْصَارِيِّ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ ع عَنْهُ السَّلَامُ. الْأُمَالِي لِلْمُعْتَمِدِ: ص ١٢٤ ح ١، عِيُونُ أَخْبَارِ الرِّضَا: ج ٢ ص ٣٠ ح ٣٦ كُلُّهُمَا عَنْ دَاوُدَ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنِ الْإِمَامِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ ع عَنْهُ السَّلَامُ، صَحِيفَةُ الْإِمَامِ الرِّضَا ع: ص ١١٦ ح ٧٦ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَامِرٍ الطَّائِنِيِّ عَنِ الْإِمَامِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ ع عَنْهُ السَّلَامُ وَكُلُّهَا نَعْوَاهُ.

گفتم: دوست من، جبرئیل! مرا به اینها نیازی نیست. هر گاه سیر شوم، پروردگارم را سپاس می‌گزارم، و هر گاه گرسنه شوم، از او درخواست می‌کنم.
 ۱۱۶۸. سنن الترمذی - به نقل از ابو امامه: فرمود پیامبر خدا فرمود: پروردگارم به من پیشنهاد کرد که وادی مکه را برایم طلا کند.

گفتم: نه، ای پروردگار من -؛ بلکه یک روز سیر می‌شوم و یک روز گرسنگی می‌کشم» و این را سه بار یا در همین حدود فرمود «و هر گاه گرسنه شدم، و به درگاه تو التماس می‌کنم و تو را یاد می‌کنم، و هر گاه سیر شدم، سپاست می‌گزارم و تو را می‌ستایم».

۱۱۶۹. تنبیه الغافلین - به نقل از ابن عباس: پیامبر خدا نشسته بود که فرشته‌ای همراه جبرئیل علیه السلام فرود آمد.

جبرئیل گفت: این، است که از آسمان فرود آمده و تاکنون هرگز فرود نیامده است. او از پروردگارش اجازه خواست که به دیدار تو بیاید.

لختی بعد، فرشته آمد و گفت: سلام بر تو، ای پیامبر خدا! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «و علیک السلام».

فرشته گفت: خداوند متعال به تو می‌گوید که: آیا گنجینه‌های همه چیز و کلیدهای همه چیز را - که پیش از تو به هیچ کس نداده و پس از تو نیز به هیچ کس نخواهد داد - بی آن که از آنچه برایت انداخته است، چیزی بکاهد عطایت کند، یا آنها را برای روز قیامت گرد آورد؟

فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: بَلْ يَجْمَعُهَا لِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ.^١

١١٧٠. رسول الله ﷺ: الدُّنْيَا تَطَاوَلَتْ إِلَيَّ بِعُنُقِهَا، فَقُلْتُ: إِلَيْكَ عَنِّي! فَقَالَتْ: أَمَا إِنَّكَ إِنْ لَمْ تَلْحَقْنِي فَسَيَلْحَقُنِي الَّذِي بَعْدَكَ.^٢

١١٧١. صحيح مسلم عن عائشة: كَانَ لَنَا سِتْرٌ فِيهِ تِمَثَالُ طَائِرٍ، وَكَانَ الدَّاخِلُ إِذَا دَخَلَ اسْتَقْبَلَهُ،

فَقَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: حَوِّلِي هَذَا، فَإِنِّي كُلَّمَا دَخَلْتُ فَرَأَيْتُهُ ذَكَرْتُ الدُّنْيَا.^٣

١١٧٢. صحيح البخاري عن ابن عمر: أَتَى النَّبِيُّ ﷺ بَيْتَ فَاطِمَةَ ؓ فَلَمْ يَدْخُلْ عَلَيْهَا، وَجَاءَ

عَلِيِّ ؓ فَذَكَرَتْ لَهُ ذَلِكَ، فَذَكَرَهُ لِلنَّبِيِّ ﷺ، قَالَ: إِنِّي رَأَيْتُ عَلَى بَابِهَا سِتْرًا

مَوْشِيًا^٤. فَقَالَ: مَا لِي وَلِلدُّنْيَا.

فَأَتَاهَا عَلِيُّ ؓ فَذَكَرَ ذَلِكَ لَهَا، فَقَالَتْ: لِيَأْمُرَنِي فِيهِ بِمَا شَاءَ. قَالَ: تُرْسِلُ بِهِ

إِلَى فُلَانٍ؛ أَهْلُ بَيْتٍ بِهِمْ حَاجَةٌ.^٥

١١٧٣. رسول الله ﷺ: مَا لِي وَلِلدُّنْيَا! إِنَّمَا مَثَلِي وَمَثَلُهَا كَمَثَلِ الرَّكِيبِ رُفِعَتْ لَهُ شَجَرَةٌ فِي

يَوْمٍ صَائِفٍ فَقَالَ^٦ تَحْتَهَا، ثُمَّ رَاحَ وَتَرَكَهَا.^٧

١. تنبيه الغافلين: ص ٢٢٥ ح ٣٠٥ وراجع المعجم الأوسط: ج ٧ ص ٨٨ ح ٦٩٣٧.

٢. الفردوس: ج ٢ ص ٢٣٣ ح ٣١٢٠ عن أبي بكر.

٣. صحيح مسلم: ج ٢ ص ١٦٦٦ ح ٨٨، سنن الترمذي: ج ٤ ص ٦٢٣ ح ٢٤٦٨، سنن النسائي: ج ٨ ص ٢١٣.

مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٣٠٣ ح ٢٤٢٧٣ و ص ٣١٢ ح ٢٤٣٢١، الزهد لابن المبارك: ص ١٣٥ ح ٤٠٠ كلها

نحوه، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٤٢ ح ٦٣٥٣.

٤. وَشِيَتْ التَّوْبَ: رَفَعَتْهُ وَنَقَشَتْهُ، فَهُوَ مَوْشِيٌّ (المصباح المنير: ص ٦٦١ «وشي»).

٥. صحيح البخاري: ج ٢ ص ٩٢٢ ح ٢٤٧١ وراجع سنن أبي داود: ج ٤ ص ٧٢ ح ٤١٤٩ و مسند ابن حنبل:

ج ٢ ص ٢٤٤ ح ٤٧٢٧.

٦. قَالَ: مَا لِي وَاسْتَرَاحَ (النهاية: ج ٤ ص ١٢٤ «قول»).

٧. الكافي: ج ٢ ص ١٣٤ ح ١٩ عن الحسن بن راشد عن الإمام الصادق ؓ، مشكاة الأنوار: ص ٤٦٢

ح ١٥٤٢ عن الإمام الصادق ؓ عنه ؓ، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٤٧، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٦٨ ح ٣٥؛ مسند

ابن حنبل: ج ٢ ص ١٤٦ ح ٤٢٠٨، المستدرک علی الصحیحین: ج ٤ ص ٣٤٥ ح ٧٨٥٩، الزهد لابن حنبل:

ص ١٣ كلها عن عبد الله بن مسعود نحوه.

پیامبر ﷺ فرمود: «آنها را برای روز قیامت گرد آورد».

۱۱۷۰. پیامبر خدا ﷺ: دنیا به سوی من گردن کشید. گفتم: از من دور شو!

گفت: اگر تو مرا نگیری، آن که بعد از تو می‌آید، مرا خواهد گرفت.

۱۱۷۱. صحیح مسلم - به نقل از عایشه - : پرده‌ای داشتیم که بر آن عکس پرنده‌ای بود و

هر کس وارد اتاق می‌شد، اول با آن رو به رو می‌شد. پیامبر خدا به من فرمود:

«این پرده را عوض کن؛ چون هر گاه وارد می‌شوم و آن را می‌بینم، به یاد دنیا

می‌افتم».

۱۱۷۲. صحیح البخاری - به نقل از ابن عمر - : پیامبر ﷺ به خانه فاطمه ﷺ رفت اما وارد

نشد. علی ﷺ که آمد، فاطمه ﷺ ماجرا را به او گفت. علی ﷺ موضوع را از

پیامبر ﷺ جویا شد. فرمود: «بر درِ اتاق، پرده‌ای نگارین دیدم». سپس فرمود:

«مرا چه به دنیا؟!».

علی ﷺ نزد فاطمه ﷺ آمد و موضوع را برایش گفت.

فاطمه ﷺ گفت: بفرمایید که با آن، چه کنم.

پیامبر ﷺ فرمود: «آن را برای فلان خانواده نیازمند بفرست».

۱۱۷۳. پیامبر خدا ﷺ: مرا چه به دنیا؟! همانا حکایت من و دنیا، حکایت سواری است

که در یک روز گرم تابستانی، درختی می‌بیند و زیر سایه آن استراحتی می‌کند

و سپس آن را ترک می‌کند و می‌رود.

١١٧٤ . الإمام الصادق عليه السلام: دَخَلَ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ رَجُلٌ وَهُوَ عَلَى حَصِيرٍ قَدْ أَثَرَفَ فِي جَسَدِهِ،
وَوِسَادَةٍ لَيْفٍ قَدْ أَثَرَتْ فِي خَدِّهِ، فَجَعَلَ يَمَسُّحُ وَيَقُولُ: مَا رَضِيَ بِهَذَا كِسْرَى
وَلَا قَيْصَرٌ، إِنَّهُمْ يَنَامُونَ عَلَى الْحَرِيرِ وَالذَّبْيَاجِ وَأَنْتَ عَلَى هَذَا الْحَصِيرِ؟!
قَالَ: فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَأَنَا خَيْرٌ مِنْهُمَا، وَاللَّهُ لَأَنَا أَكْرَمُ مِنْهُمَا، وَاللَّهُ مَا أَنَا
وَالدُّنْيَا، إِنَّمَا مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رَجُلٍ رَاكِبٍ مَرَّ عَلَى شَجَرَةٍ وَلَهَا فِيءٌ فَاسْتَظَلَّ
تَحْتَهَا، فَلَمَّا أَنْ مَالَ الظِّلُّ عَنْهَا ارْتَحَلَ فَذَهَبَ وَتَرَكَهَا.^١

١١٧٥ . المُسْتَدْرَكُ عَلَى الصَّحِيحَيْنِ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ: دَخَلَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ
وَهُوَ عَلَى حَصِيرٍ قَدْ أَثَرَفَ فِي جَنْبِهِ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، لَوْ اتَّخَذْتَ فِرَاشاً
أَوْثَرَ^٢ مِنْ هَذَا؟ فَقَالَ: مَا لِي وَلِلدُّنْيَا، وَمَا لِلدُّنْيَا وَمَا لِي! وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، مَا
مَثَلِي وَمَثَلُ الدُّنْيَا إِلَّا كَرَائِبٍ سَارَ فِي يَوْمٍ صَائِفٍ، فَاسْتَظَلَّ تَحْتَ شَجَرَةٍ سَاعَةً
مِنْ نَهَارٍ، ثُمَّ رَاحَ وَتَرَكَهَا.^٣

١١٧٦ . مجمع البيان عن عمر بن الخطاب: اسْتَأْذَنْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ فِي
مَشْرَبَةٍ^٤ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ، وَإِنَّهُ لَمُضْطَجِعٌ عَلَى خَصْفَةٍ^٥ وَإِنْ بَعْضُهُ عَلَى الثَّرَابِ،
وَتَحْتَ رَأْسِهِ وَسَادَةٌ مَحْشُوءَةٌ لَيْفًا، فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ ثُمَّ جَلَسْتُ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ
اللَّهِ، أَنْتَ نَبِيُّ اللَّهِ وَصَفْوَتُهُ وَخَيْرَتُهُ مِنْ خَلْقِهِ وَكِسْرَى وَقَيْصَرٌ عَلَى سُرَرِ الذَّهَبِ
وَقُرُشِ الذَّبْيَاجِ وَالْحَرِيرِ!

١ . الزهد للحسين بن سعيد: ص ٥٠ ح ١٢٤ عن عبدالله بن سنان، حلية الأبرار: ج ١ ص ٢٠٩ ح ٤، بحار الأنوار:
ج ٧٣ ص ١٢٦ ح ١٢٤ وراجع مشكاة الأنوار: ص ٤٦٣ ح ١٥٤٥.
٢ . أوتر: أي أوطأ وألين (النهاية: ج ٥ ص ١٥١ «وتر»).

٣ . المستدرک علی الصحیحین: ج ٤ ص ٣٤٥ ح ٧٨٥٨، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٦٤٦ ح ٢٧٤٤ نحوه، صحيح
ابن حبان: ج ١٤ ص ٢٤٥ ح ٦٣٥٢، المعجم الكبير: ج ١١ ص ٢٥٩ ح ١١٨٩٨، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٤٣
ح ٦٣٦١، مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٦٤ ح ٦٥ نحوه، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٧٨، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٢٣
ح ١١٢.

٤ . المَشْرَبَةُ: الغرفة (النهاية: ج ٢ ص ٤٥٥ «شرب»).

٥ . الْخَصْفَةُ: شيء يعمل من خوص النخل (مجمع البحرين: ج ١ ص ٥١٨ «خصف»).

۱۱۷۴. امام صادق علیه السلام: مردی بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد. دید که پیامبر صلی الله علیه و آله بر بوریایی خفته است و بالشی از لیف خرما زیر سر دارد که بر بدن و صورت ایشان جا انداخته است. شروع به دست کشیدن بر بوریا کرد و در این حال می‌گفت: کسرا و قیصر، به چنین چیزی رضایت نمی‌دهند. آنها بر حریر و دیبا می‌خوابند و شما بر این بوریا؟!

پیامبر خدا فرمود: «من از آنها بهترم. به خدا، من از آنها ارجمندترم. به خدا، مرا چه به دنیا؟! حکایت دنیا، در حقیقت، حکایت مرد سواری است که از درختی می‌گذرد که سایه‌ای دارد و در سایه آن می‌آرمد، و چون سایه بر می‌گردد، بار بر می‌بندد و درخت را ترک می‌کند و می‌رود».

۱۱۷۵. المستدرک علی الصحیحین - به نقل از ابن عباس - : عمر بن خطاب بر پیامبر صلی الله علیه و آله در آمد، در حالی که ایشان بر بوریایی خفته بود و بوریا بر پهلوش جا انداخته بود. گفت: ای پیامبر خدا! کاش تشکی نرم‌تر از این تهیه کنید!

فرمود: «مرا با دنیا چه کار، و دنیا را با من چه کار؟! سوگند به آن که جانم در دست اوست، حکایت من و دنیا، حکایت مسافری است که در یک روز تابستانی می‌رود و ساعتی از روز را در سایه درختی می‌آساید و سپس آن را ترک می‌کند و می‌رود».

۱۱۷۶. مجمع البیان - به نقل از عمر بن خطاب - : از پیامبر خدا که در بالاخانه امّ ابراهیم بود - اجازه خواستم و وارد شدم. دیدم بر بوریایی از لیف خرما، دراز کشیده و قسمتی از بدنش روی زمین است، و بالشی که از لیف خرما پر شده، زیر سرش قرار دارد. سلام کردم و نشستم و گفتم: ای پیامبر خدا! شما پیامبر و برگزیده خدا و بهترین آفریده او باشی و کسرا و قیصر بر تخت‌های زرین و فرش‌های دیبا و حریر بنشینند؟!

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أُولَئِكَ قَوْمٌ عَجَلَتْ طَبِيبَاتُهُمْ وَهِيَ وَشِيكَةُ الْإِنْقِطَاعِ،
وَإِنَّمَا أُخِّرَتْ لَنَا طَبِيبَاتُنَا.^١

١١٧٧. مسند ابن حنبل عن عبد الله [بن مسعود]: اضْطَجَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَى حَصِيرٍ فَأَثَرَ
فِي جَنْبِهِ، فَلَمَّا اسْتَيْقَظَ جَعَلْتُ أَمْسَحُ جَنْبَهُ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَلَا آذَنَّا
حَتَّى نَبْسُطَ لَكَ عَلَى الْحَصِيرِ شَيْئاً؟

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَا لِي وَلِلدُّنْيَا، مَا أَنَا وَالِدُنْيَا! إِنَّمَا مَثَلِي وَمَثَلُ الدُّنْيَا
كَرَاكِبٍ ظِلٌّ تَحْتَ شَجَرَةٍ، ثُمَّ رَاحَ وَتَرَكَهَا.^٢

١١٧٨. مسند ابن حنبل عن ابن عباس: قُبِضَ النَّبِيُّ ﷺ وَدِرْعُهُ مَرْهُونَةٌ عِنْدَ رَجُلٍ مِنْ يَهُودَ
عَلَى ثَلَاثِينَ صَاعاً مِنْ شَعِيرٍ، أَخَذَهَا رِزْقاً لِعِيَالِهِ.^٣

١١٧٩. صحيح مسلم عن عائشة: مَا شَبَّحَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ تَبَاعاً مِنْ خُبْرِ بُرٍّ حَتَّى
مَضَى لِسَبِيلِهِ.^٤

مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

١. مجمع البيان: ج ٩ ص ١٣٣؛ صحيح البخاري: ج ٥ ص ١٩٩٢ ح ٤٨٩٥ و ج ٢ ص ١١١٢ ح ٣٤، صحيح
مسلم: ج ٢ ص ١١٠٦ ح ٣٠، سنن الترمذي: ج ٥ ص ٢٢٣ ح ٣٣١٨، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٨٠ ح ٢٢٢
و ج ٤ ص ٢٨٠ ح ١٢٤٠، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٣٩ ح ٤١٥٣ كلها نحوه، كنز العمال: ج ٢ ص ٥٢٨
ح ٤٦٦٣.

٢. مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٤٠ ح ٣٧٠٩، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٢٧٦ ح ٤١٠٩، الزهد لابن حنبل: ص ١٨،
حلية الأولياء: ج ٤ ص ٢٣٤، مسند الطيالسي: ص ٣٦ ح ٢٧٧، البداية والنهاية: ج ٦ ص ٤٩ عن علقمة بن
مسعود نحوه.

٣. مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٥٠٨ ح ٢١٠٩، السنن الكبرى: ج ٦ ص ٦٠ ح ١١١٩٢، صفة الصفوة: ج ١ ص ٨٦،
صحيح البخاري: ج ٣ ص ١٠٦٨ الرقم ٢٧٥٩، سنن الترمذي: ج ٣ ص ٥١٩ الرقم ١٢١٤، سنن ابن ماجه: ج ٢
ص ٨١٥ الرقم ٢٤٣٩، المعجم الكبير: ج ١١ ص ٢١٥ الرقم ١١٦٩٧ والأربعة الأخيرة نحوه؛ مكارم الأخلاق:
ج ١ ص ٦٥ الرقم ٦٦، بحار الأنوار: ج ١٦ ص ٢٣٩.

٤. صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٢٨١ الرقم ٢١، سنن الترمذي: ج ٤ ص ٥٧٩ الرقم ٢٣٥٨، السنن الكبرى: ج ٧
ص ٧٤ الرقم ١٣٣٠٨ وفيهما «رسول الله ﷺ وأهله»، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١١١٠ الرقم ٣٣٤٣ كلها عن
أبي هريرة نحوه، مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٢٩١ الرقم ٢٤٢٠٦، كنز العمال: ج ٧ ص ١٨٧ الرقم ١٨٦٠٥.

پیامبر خدا فرمود: «آنان، مردمانی هستند که خوشی‌هایشان در همین دنیا به آنان داده شده و آنها به زودی از بین می‌روند؛ اما خوشی‌های ما برای آخرت‌مان قرار داده شده است».

۱۱۷۷. مسند ابن حنبل - به نقل از عبد الله [بن مسعود] -: پیامبر خدا بر بوریایی خوابید و آن بوریای بر پهلوی ایشان جا انداخت. چون بیدار شد، من شروع به دست کشیدن بر پهلوی ایشان کردم و گفتم: ای پیامبر خدا! اجازه می‌دهید که برایتان بر روی این حصیر، چیزی پهن کنیم؟

پیامبر خدا فرمود: «مرا چه به دنیا؟! مرا با دنیا چه کار؟! حکایت من و دنیا، چون مسافری است که زیر سایه درختی استراحت می‌کند و سپس آن را ترک می‌کند و می‌رود».

۱۱۷۸. مسند ابن حنبل - به نقل از ابن عباس -: پیامبر خدا، در حالی از دنیا رفت که زره ایشان به ازای سی صاع آرد، نزد مردی یهودی گرو بود. پیامبر ﷺ جوها را برای خوراک خانواده‌اش از آن مرد یهودی قرض کرده بود.

۱۱۷۹. صحیح مسلم - به نقل از عایشه -: پیامبر خدا، تا زمانی که از دنیا رفت، هرگز سه روز پیاپی از نان گندم، سیر نخورد.

٢٣٠ دنيا و آخرت از نگاه قرآن و حديث / ج ٢

١١٨٠ . صحيح مسلم عن عائشة: ما شبع آل محمد ﷺ من خبز شعير يومين متتابعين حتى قبض رسول الله ﷺ. ١

١١٨١ . صحيح مسلم عن عائشة: إنما كان فراش رسول الله ﷺ الذي ينام عليه أدمًا^٢ حسوه ليف. ٢

١١٨٢ . صحيح البخاري عن أبي بردة: أخرجت إلينا عائشة كساء وإزاراً غليظاً، فقالت: قبض روح النبي ﷺ في هذين. ٢

٢/٦

أَهْلُ الْبَيْتِ

١١٨٣ . رسول الله ﷺ: يا علي، إن الله ﷻ قد زينك بزينة لم يُزين العباد بزينة أحب إلى الله منها، زينتك بالزهد في الدنيا وجعلك لا ترزأ^٥ منها شيئاً ولا ترزأ منك شيئاً.

مرکز تحقیق کتب و تفسیر علوم اسلامی

١ . صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢٢٨٢ الرقم ٢٢، سنن الترمذي: ج ٤ ص ٥٧٩ الرقم ٢٣٥٧ وفيه «رسول الله ﷺ» بدل «آل محمد ﷺ»، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١١١٠ الرقم ٣٣٤٦ وليس فيه «يومين متتابعين»، مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٣٩٣ الرقم ٢٤٧١٩: مكارم الأخلاق: ج ١ ص ٧١ الرقم ٩٢ وفيه «رسول الله ﷺ» بدل «آل محمد ﷺ»، بحار الأنوار: ج ١٦ ص ٢٤٣ نحوه وراجع صحيح البخاري: ج ٥ ص ٢٠٥٥ الرقم ٥٠٥٩ وص ٢٠٦٧ الرقم ٥١٠٠.

٢ . الأديم: الجلد المدبوغ، وجمعها أدم (المصباح المنير: ص ٩ «أدم»).

٣ . صحيح مسلم: ج ٣ ص ١٦٥٠ الرقم ٣٨، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٣٩٠ الرقم ٤١٥١، مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٣١٧ الرقم ٢٤٣٤٧ وفيهما «ضجاع» بدل «فراش»، السنن الكبرى: ج ٧ ص ٧٦ الرقم ١٣٣١٧، صفة الصفوة: ج ١ ص ٨٥: المناقب لابن شهر آشوب: ج ١ ص ١٧١، دعائم الإسلام: ج ٢ ص ١٥٩ عن الإمام علي عليه السلام وليس فيه «الذي ينام عليه».

٤ . صحيح البخاري: ج ٥ ص ٢١٩٠ الرقم ٥٢٨٠، صحيح مسلم: ج ٣ ص ١٦٤٩ الرقم ٣٤، سنن أبي داود: ج ٢ ص ٤٥ الرقم ٤٠٣٦ كلاهما نحوه، سنن الترمذي: ج ٤ ص ٢٢٤ الرقم ١٧٣٣، مسند ابن حنبل: ج ٩ ص ٢٧٢ الرقم ٢٤٠٩٢، المستدرک علی الصحیحین: ج ٢ ص ٦٦٥ الرقم ٢٢٠٦ وفيها «كساء ملبدأ».

٥ . يرزأ: يأخذ (النهاية: ج ٢ ص ٢١٨ «رزأ»).

۱۱۸۰. صحیح مسلم - به نقل از عایشه -: تا زمانی که پیامبر خدا از دنیا رفت، خاندان محمد ﷺ هرگز دو روز پیاپی از نان جو، سیر نخوردند.

۱۱۸۱. صحیح مسلم - به نقل از عایشه -: بستر پیامبر خدا که بر آن می خوابید، چرمی پر شده از لیف خرما بود.

۱۱۸۲. صحیح البخاری - به نقل از ابو بکر - : عایشه یک پیراهن و شلووار زبر نزد ما آورد و گفت: پیامبر ﷺ در این دو، قبض روح شد.

۲/۶ اہل بیت

۱۱۸۳. پیامبر خدا ﷺ: ای علی! خداوند ﷻ تو را به زیوری آراسته که بندگان را به زیوری محبوب‌تر از آن در نزد خود، تیار آراسته است: تو را به زیور زهد آراسته و چنانست قرار داده که نه تو از دنیا چیزی بر می‌گیری و نه دنیا از تو چیزی

وَوَهَبَ لَكَ حُبَّ الْمَسَاكِينِ ١.

١١٨٣. عنه عليه السلام: يَا عَلِيُّ، إِنَّ اللَّهَ خَصَّكَ بِأَمْرِ وَأَعْطَاكَهُ، لَيْسَ مِنَ الْأَعْمَالِ شَيْءٌ أَحَبُّ إِلَيْهِ وَلَا أَفْضَلُ مِنْهُ عِنْدَهُ؛ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا، فَلَيْسَ تَنَالُ مِنْهَا شَيْئاً وَلَا تَنَالُ^٢ مِنْكَ، وَهِيَ زِينَةُ الْأَبْرَارِ عِنْدَ اللَّهِ تعالى يَوْمَ الْقِيَامَةِ^٣.

١١٨٥. الإمام علي عليه السلام: أَنَا الَّذِي أَهَنْتُ الدُّنْيَا^٤.

١١٨٦. عنه عليه السلام: أَنَا كَابُ الدُّنْيَا لَوَجْهِهَا، وَقَادِرُهَا بِقَدْرِهَا، وَنَاطِرُهَا بِعَيْنِهَا^٥.

١١٨٧. الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام أُتِيَ بِخَبِيصٍ^٦ فَأَبَى أَنْ يَأْكُلَهُ، فَقَالُوا لَهُ: أَتُحَرِّمُهُ؟ قَالَ: لَا، وَلَكِنِّي أَخْشَى أَنْ تَتَوَقَّ إِلَيْهِ نَفْسِي فَأَطْلُبُهُ. ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: ﴿أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَتَكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا﴾^{٧، ٨}.

١١٨٨. إرشاد القلوب عن سُويْدِ بْنِ غَفَلَةَ: دَخَلْتُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام دَارَهُ فَلَمْ أَرِ فِي

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

١. الأُمَالِي لِلطُّوسِي: ص ١٨١ ح ٣٠٣، بِشَارَةُ الْمُصْطَفَى: ص ٩٨ كلاهما عن عَمَّارٍ، الْمُحَاسِن: ج ١ ص ٢٥٤ ح ١٠٤٦ عن أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ نَحْوَهُ، بَحَارُ الْأَنْوَار: ج ٣٩ ص ٢٩٨ ح ١٠١، تَارِيخُ دِمَشْقَ: ج ٤٢ ص ٢٨١، حَلِيَّةُ الْأَوْلِيَاءِ: ج ١ ص ٧١، أَسَدُ الْغَلْبَةِ: ج ٤ ص ٩٦ الرِّقْمُ ٣٧٨٩ كُلُّهَا عَنْ عَمَّارٍ نَحْوَهُ، كَنْزُ الْعَمَلِ: ج ١١ ص ٦٢٦ ح ٣٣٠٥٢ وَرَاجِعُ الْعَمْدَةِ: ص ٢٩٧ ح ٤٩٥.

٢. فِي الْمَصْدَرِ «تَنَالَهُ» وَمَا أُثْبِتَنَاهُ هُوَ الْأَوْفَقُ كَمَا فِي بَحَارِ الْأَنْوَارِ.

٣. الْغُصَال: ص ٥٥٦ ح ٣١ عَنْ عَامِرِ بْنِ وَائِلَةَ عَنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عليه السلام.

٤. تَارِيخُ دِمَشْقَ: ج ٤٢ ص ٤٨٩، الْبَدَايَةُ وَالنِّهَايَةُ: ج ٨ ص ٥.

٥. نَهْجُ الْبَلَاغَةِ: الْخُطْبَةُ ١٢٨، غُرَرُ الْحِكْمِ: ج ٢٧٦٢ وَفِيهِ «وَرَادَهَا عَلَى عَقْبِهَا» بِدَلِّ «وَنَاطَرَهَا بِعَيْنِهَا»، بَحَارُ

الْأَنْوَار: ج ٤١ ص ٣٣٤ ح ٥٥ وَرَاجِعُ مَشَارِقِ أَنْوَارِ الْيَقِينِ: ص ٢٠٣.

٦. الْخَبِيصُ: الْمَعْمُولُ مِنَ التَّمْرِ وَالسَّمَنِ؛ خَلَوَاءٌ مَعْرُوفٌ يُخْبِصُ [أَيُّ يَخْلُطُ] بَعْضُهُ فِي بَعْضٍ (تَاجُ الْعُرُوسِ: ج ٩ ص ٢٦٥ «خَبِصَ»).

٧. الْأَحْقَافُ: ٢٠.

٨. الْأُمَالِي لِلْمُفِيدِ: ص ١٣٤ ح ٢ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عليه السلام، الْمُحَاسِن: ج ٢ ص ١٧٧ ح ١٥٠١

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ الْقَدَّاحِ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَنِ آبَائِهِ عليهم السلام، الْغَارَات: ج ١ ص ٩٠ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عليه السلام.

بَحَارُ الْأَنْوَار: ج ٦٦ ص ٣٢٣ ح ٣ وَرَاجِعُ الْمَنَاقِبِ لِابْنِ شَهْرَآشُوبَ: ج ٢ ص ٩٩.

بر می‌گیرد، و دوستی مستمندان را نیز به تو ارزانی داشته است.

۱۱۸۴. پیامبر خدا ﷺ: ای علی! خداوند، خصلتی به تو اختصاص داده و عطایت کرده است که هیچ عملی در نزد او محبوب‌تر و برتر از آن نیست: زهد در دنیا. نه تو از دنیا نوایی می‌گیری و نه دنیا از تو به نوایی می‌رسد. در روز قیامت، زهد، زیور نیکان در نزد خداوند ﷻ است.

۱۱۸۵. امام علی علیه السلام: من آنم که دنیا را بی مقدار شمردم.

۱۱۸۶. امام علی علیه السلام: من دنیا را به رو در افکندم، و به اندازه خودش بدان بها می‌دهم، و با نگاه خودش به آن می‌نگرم.

۱۱۸۷. امام باقر علیه السلام: مقداری افروشه^۱ برای امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام آوردند؛



اما ایشان از خوردن آن امتناع ورزید.

گفتند: حرامش می‌دانی؟

فرمود: «نه؛ اما می‌ترسم بدان عاقله مند شوم و خواهان آن گردم». سپس

این آیه را خواند: «نعمت‌های پاکیزه خود را در زندگی دنیایتان صرف کردید و از آنها برخوردار شدید».

۱۱۸۸. إرشاد القلوب - به نقل از سويد بن غفله -: وارد خانه امیر مؤمنان علیه السلام شدم و در

اتاق، چیزی ندیدم. گفتم: اثاثیه کجاست، ای امیر مؤمنان؟

۱. حلوایی تهیه شده از خرما و روغن.

الْبَيْتِ شَيْئاً، فَقُلْتُ: أَيْنَ الْأَثَاثُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟

فَقَالَ: يَا بَنَ غَفْلَةً، نَحْنُ أَهْلُ بَيْتٍ لَا تَنَاضُتُ فِي الدُّنْيَا، نَقْلُنَا أَجَلَ مَتَاعِنَا إِلَى الْآخِرَةِ، إِنَّ مَثَلَنَا فِي الدُّنْيَا كَرَائِبٍ ظَلَّ تَحْتَ شَجَرَةٍ، ثُمَّ رَاحَ وَتَرَكَهَا.^١

١١٨٩. الغارات عن أبي مطر: أتى [عليه السلام] سوق الكرايس^٢ فإذا هو برجلٍ وسيمٍ، فقال: يا هذا عندك ثوبان بخمسة دراهم؟ فوثب الرجل فقال: نعم يا أمير المؤمنين؛ فلما عرفه مضى عنه وتركه. فوقف على غلام فقال له: يا غلام عندك ثوبان بخمسة دراهم؟ قال: نعم عندي ثوبان؛ أحدهما أخير من الآخر، واحد بثلاثة والآخر بدرهمين، قال: هلمهما.

فقال: يا قنبر، خذ الذي بثلاثة، قال: أنت أولى به يا أمير المؤمنين؛ تصعد المنبر وتخطب الناس!

فقال: يا قنبر، أنت شابٌّ وَلَكَ شِرَّةٌ^٣ الشَّبابِ، وَأَنَا أَسْتَحْيِي مِنْ رَبِّي أَنْ أَتَفَضَّلَ عَلَيْكَ لِأَنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «الْبِسُوهُمْ مِمَّا تَلْبَسُونَ، وَأَطِيعُوهُمْ مِمَّا تَأْكُلُونَ».

ثُمَّ لَبَسَ الْقَمِيصَ وَمَدَّ يَدَهُ فِي رُودِيهِ فَإِذَا هُوَ يَفْضُلُ عَنْ أَصَابِعِهِ، فَقَالَ: يَا غُلَامُ اقْطَعْ هَذَا الْفَضْلَ، فَقَطَّعَهُ، فَقَالَ الْغُلَامُ: هَلُمَّ أَكْفُهُ يَا شَيْخُ، فَقَالَ: دَعَهُ كَمَا هُوَ، فَإِنَّ الْأَمْرَ أَسْرَعُ مِنْ ذَلِكَ.^٤

١١٩٠. المعجم الكبير عن أسماء بنت عُمَيْسٍ عن فاطمة ؓ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَتَاهَا يَوْمًا فَقَالَ: أَيْنَ ابْنَايَ؟ يَعْنِي حَسَنًا وَحُسَيْنًا، قَالَتْ: أَصْبَحْنَا وَلَيْسَ فِي بَيْتِنَا شَيْءٌ

١. إرشاد القلوب: ص ٢٠.

٢. الكرياس: فارسيّ معرب، والجمع كرايس؛ وهي ثيابٌ خشنة (الصحاح: ج ٣ ص ٩٧٠ «كربس»).

٣. الشِّرَّة: النشاط والرغبة (النهاية: ج ٢ ص ٤٥٨ «شرر»).

٤. الغارات: ج ١ ص ١٠٦، روضة الواعظين: ص ١٢١، المناقب لابن شهر آشوب: ج ٢ ص ٩٧ عن الأصمغ وأبي مسعدة والإمام الباقر ؑ نحوه، بحار الأنوار: ج ١٠٣ ص ٩٣ ح ٩.

فرمود: «ای پسر غفله! ما خاندانی هستیم که در دنیا اثاثی تهیه نمی‌کنیم و بهترین کالای خود را به آخرت منتقل کرده‌ایم. حکایت ما در دنیا، همچون مسافری است که زیر سایه درختی می‌آساید و سپس آن را ترک می‌کند و می‌رود».

۱۱۸۹. الغارات - به نقل از ابو مطر - : علی علیه السلام به بازار کرباس فروشان آمد و به مردی

خوش سیما برخورد و به او فرمود: «ای مرد! دو جامه به ارزش پنج درهم داری؟».

مرد از جا جست و گفت: بله، ای امیر مؤمنان!

چون مرد، امام علیه السلام را شناخت، ایشان او را رها کرد و رفت و نزد جوانی ایستاد و

فرمود: «ای جوان! دو جامه به ارزش پنج درهم داری؟».

گفت: آری، دو جامه دارم. یکی از آنها بهتر از دیگری است: یکی به سه درهم و

دیگری به دو درهم.

امام علیه السلام فرمود: «هر دو را بیاور». سپس فرمود: «ای قنبر! آن سه درهمی را تو

بردار».

قنبر گفت: ای امیر مؤمنان! شما بدان سزاوارترید، شما بالای منبر می‌روید و

برای مردم سخنرانی می‌کنید!

فرمود: «ای قنبر! تو جوان هستی و هوس جوانی داری، و من از پروردگارم شرم

دارم که بر تو برتری بجویم؛ زیرا از پیامبر خدا شنیدم که می‌فرماید: «از آنچه خود

می‌پوشید، به آنها بپوشانید، و از آنچه خود می‌خورید، به آنها بخورانید».

آن گاه امام علیه السلام پیراهن را پوشید و دستش را از آستینش بیرون آورد و دید از

انگشتانش بلندتر است. [به فروشنده] فرمود: «ای جوان! این اضافی را ببر» و او آن

را برد.

جوان گفت: ای پیر مرد! بده آستینت را سردوزی کنم.

فرمود: «رهاش کن، که کار، از این، شتابان‌تر است».

۱۱۹۰. المعجم الكبير - به نقل از اسماء بنت عمیس - : روزی، پیامبر خدا نزد فاطمه علیها السلام آمد و

فرمود: «پسرانم کجایند؟» و مقصودش حسن و حسین بود.

يَذُوقُهُ ذَائِقُ، فَقَالَ عَلِيُّ عليه السلام: أَذْهَبُ بِهِمَا، فَإِنِّي أَتَخَوَّفُ أَنْ يَبْكِيَا عَلَيْكَ وَلَيْسَ عِنْدَكَ شَيْءٌ؛ فَذَهَبَ إِلَى فُلَانٍ الْيَهُودِيِّ.

فَتَوَجَّهَ إِلَيْهِ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله فَوَجَدَهُمَا يَلْعَبَانِ فِي شَرَبَةٍ^١، بَيْنَ أَيْدِيهِمَا فَضْلٌ مِنْ تَمْرٍ، فَقَالَ: يَا عَلِيُّ، أَلَا تَقْلِبُ^٢ ابْنِي قَبْلَ أَنْ يَشْتَدَّ عَلَيْهِمَا الْحَرُّ؟ فَقَالَ عَلِيُّ عليه السلام: أَصَبَحْنَا وَلَيْسَ فِي بَيْتِنَا شَيْءٌ، فَلَوْ جَلَسْتُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ حَتَّى أَجْمَعَ لِفَاطِمَةَ تَمْرَاتٍ.

فَجَلَسَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله حَتَّى اجْتَمَعَ لِفَاطِمَةَ شَيْءٌ مِنْ تَمْرٍ، فَجَعَلَهُ فِي صُرَّتِهِ، ثُمَّ أَقْبَلَ، فَحَمَلَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله أَحَدَهُمَا وَعَلِيُّ عليه السلام الْآخَرَ حَتَّى أَقْلَبَهُمَا^٣.

١١٩١. الكامل في التاريخ عن غنّرة: دَخَلْتُ عَلَى عَلِيٍّ عليه السلام بِالْخَوَرَنَقِ^٤ وَهُوَ فَضْلُ شِتَاءٍ وَعَلَيْهِ خَلْقُ قَطِيفَةٍ^٥ وَهُوَ يَرْعُدُ فِيهِ، فَقُلْتُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ جَعَلَ لَكَ وَلِأَهْلِكَ فِي هَذَا الْمَالِ نَصيباً وَأَنْتَ تَفْعَلُ هَذَا بِنَفْسِكَ؟ فَقَالَ: وَاللَّهِ مَا أَرْزُوكُمْ^٦ شَيْئاً، وَمَا هِيَ إِلَّا قَطِيفَتِي الَّتِي أَخْرَجْتُهَا مِنَ الْمَدِينَةِ^٧.

١١٩٢. تاريخ دمشق عن مُدْرِك أَبِي زِيَاد: كُنَّا فِي حَيْطَانِ^٨ ابْنِ عَبَّاسٍ، فَجَاءَ ابْنِي^٩ عَبَّاسٍ

١. الشَّرَبَةُ: حَوْضٌ يَكُونُ فِي أَصْلِ النَّخْلَةِ وَحَوْلَهَا (النهاية: ج ٢ ص ٤٥٥ «شرب»).
٢. الانْقِلَابُ: الرَّجُوعُ. انْقَلَبَ: أَرْجَعَ إِلَى بَيْتِي (النهاية: ج ٤ ص ٩٦ «قلب»).
٣. المعجم الكبير: ج ٢٢ ص ٢٢٢ ح ١٠٤٠، ذخائر العقبى: ص ٩٦.
٤. الْخَوَرَنَقُ: مَوْضِعٌ بِالْكُوفَةِ (معجم البلدان: ج ٢ ص ٤٠١).
٥. الْقَطِيفَةُ: دَثَارُ لَهُ خَمَلٌ (المصباح المنير: ص ٥٠٩ «قطف»).
٦. يَقَالُ: مَا رَزَّأْتَهُ مَالَهُ؛ أَيْ مَا نَقَصْتَهُ (الصحاح: ج ١ ص ٥٣ «رزأ»).
٧. الكامل في التاريخ: ج ٢ ص ٤٤٢، صفة الصفوة: ج ١ ص ١٢٤، حلية الأولياء: ج ١ ص ٨٢: كَشَفَ الْغَمَّةَ: ج ١ ص ١٧٣ كُلُّهَا نَحْوَهُ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج ٤٠ ص ٢٣٤ ح ١٥ وراجع: موسوعة الإمام علي عليه السلام: الفصل الثاني: الخصائص الأخلاقية / زينة الزَّهْدِ.
٨. الْحَايِطُ: الْبَسْتَانُ مِنَ النَّخِيلِ (النهاية: ج ١ ص ٤٦٢ «حوط»).
٩. كَذَا، وَفِي الْمَخْتَصَرِ وَالْمَطْبُوعَةِ: ابْنِ عَبَّاسٍ (هامش المصدر).

فاطمه علیها السلام گفت: امروز چیزی در خانه برای خوردن نداشتیم، و علی گفت: من آن دو را بیرون می‌برم؛ زیرا می‌ترسم که گریه کنند و تو، چیزی نداری. و پیش فلان یهودی رفت.

پیامبر صلی الله علیه و آله به دنبال علی علیه السلام رفت. دید که حسن و حسین، در پای درخت خرما می‌بازی می‌کنند و جلوی آنها مقداری خرماست. به علی علیه السلام فرمود: «ای علی! نمی‌خواهی پیش از آن که هوا گرم‌تر شود و پسرانم اذیت شوند، آنها را به خانه برگردانی؟».

علی علیه السلام گفت: امروز صبح، چیزی در خانه نداشتیم. ای پیامبر خدا! اگر اندکی بنشینید، من مقداری خرما برای فاطمه جمع می‌کنم.

پیامبر صلی الله علیه و آله نشست، تا آن که مقداری خرما برای فاطمه جمع شد. علی علیه السلام، آنها را در کیسه‌اش ریخت و به راه افتاد. پیامبر صلی الله علیه و آله یکی از بچه‌ها را به دوش گرفت و علی علیه السلام نیز، دیگری را و آنها را به خانه بردند.

۱۱۹۱. **الکامل فی التاریخ** - به نقل از عترة - : در حُورنُق^۱ بر علی علیه السلام در آمد. فصل زمستان بود و ایشان مخمل کهنه‌ای به تن داشت و می‌لرزید. گفتم: ای امیر مؤمنان! خداوند برای تو و خانواده‌ات در این بیت المال سهمی قرار داده و تو با خودت چنین می‌کنی؟!

فرمود: «به خدا سوگند که من از آن، چیزی بر نمی‌دارم [که از سهم شما کاسته شود]. این مخمل را هم از مدینه با خود آورده‌ام».^۲

۱۱۹۲. **تاریخ دمشق** - به نقل از مُدرِک، ابوزیاد - : در باغ ابن عباس بودیم که دو فرزند عباس و حسن و حسین علیهم السلام آمدند و دور باغ گشتی زدند و نگاهی کردند.

۱. حُورنُق، جایی است در اطراف کوفه (معجم البلدان ج ۲ ص ۴۰۱).

۲. ظاهراً این برداشت راوی است، وگرنه طبق احادیث فراوانی، امام علی علیه السلام به دعای پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ‌گاه احساس سرما و گرما نمی‌کرد (ر.ک: دانش‌نامه‌امیرالمؤمنین علیه السلام: بخش دوم / فصل سیزدهم / خدا یا! گرما و سرما را از او دور کن).

وَحَسَنٌ وَحُسَيْنٌ عليهما السلام، فَطَافُوا فِي الْبُسْتَانِ فَنَظَرُوا، ثُمَّ جَاؤُوا إِلَى سَاقِيَةٍ فَجَلَسُوا عَلَى شَاطِئِهَا، فَقَالَ لِي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام: يَا مُدْرِكُ أَعِنْدَكَ غَدَاءٌ؟ قُلْتُ: قَدْ خَبَزْنَا، قَالَ: آيْتِ بِهِ.

قَالَ: فَجِئْتُهُ بِخُبْزٍ وَشَيْءٍ مِنْ مِلْحٍ جَرِيشٍ وَطَاقَتِي بَقْلٍ، فَأَكَلَ ثُمَّ قَالَ: يَا مُدْرِكُ أَبِي زِيَادٍ، مَا أَطْيَبَ هَذَا! ثُمَّ أَتَيْتُ بِغَدَائِهِ - وَكَانَ كَثِيرَ الطَّعَامِ طَيِّبُهُ - فَقَالَ: يَا مُدْرِكُ أَبِي زِيَادٍ، اجْمَعْ لِي غِلْمَانَ الْبُسْتَانِ، قَالَ: فَقَدَّمْتُ إِلَيْهِمْ فَأَكَلُوا وَلَمْ يَأْكُلْ، فَقُلْتُ: أَلَا تَأْكُلُ؟ فَقَالَ: ذَاكَ أَشْهُي عِنْدِي مِنْ هَذَا.^١

١١٩٣. عيون أخبار الرضا عن أبي عباد: كَانَ جُلُوسُ الرِّضَا عليه السلام فِي الصَّيْفِ عَلَى حَصِيرٍ وَفِي الشِّتَاءِ عَلَى مَسْحٍ^٢، وَلِبْسُهُ الْغَلِيظُ مِنَ الثِّيَابِ، حَتَّى إِذَا بَرَزَ لِلنَّاسِ تَزَيَّنَ لَهُمْ.^٣



مرکز تحقیقات اسلامی

١١٩٤. عِدَّةُ الدَّاعِي: تَحَسَّرَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ - رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ - عِنْدَ مَوْتِهِ، فَقِيلَ لَهُ: عَلَامَ تَأْسُفِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ؟ قَالَ: لَيْسَ تَأْسُفِي عَلَى الدُّنْيَا، وَلَكِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَهْدَ إِلَيْنَا وَقَالَ: «لِتَكُنْ بُلْغَةُ أَحَدِكُمْ كَزَادِ الرَّاحِبِ»، وَأَخَافُ أَنْ نَكُونَ قَدْ جَاوَزْنَا أَمْرَهُ وَحَوْلِي هَذِهِ الْأَسَاوِدُ - وَأَشَارَ إِلَى مَا فِي بَيْتِهِ، إِذَا هُوَ دَسْتُ^٤ وَسَيْفٌ وَجَفَنَةٌ!^٥

١. تاريخ دمشق: ج ١٣ ص ٢٣٨.

٢. المسح: ثوب من الشعر غليظ (تاج العروس: ج ٤ ص ٢٠٥ «مسح»).

٣. عيون أخبار الرضا: ج ٢ ص ١٧٨ ح ١، إعلام الوری: ج ٢ ص ٦٤، كشف الغمة: ج ٣ ص ١٠٦ كلاهما عن محمد بن أبي عباد، المناقب لابن شهر آشوب: ج ٤ ص ٣٦٠ عن محمد بن عباد.

٤. الدسْتُ من الثياب: ما يلبسه الإنسان ويكفيه لتردده في حوائجه (المصباح المنير: ص ١٩٤ «دست»).

٥. عِدَّةُ الدَّاعِي: ص ١٠٥، إرشاد القلوب: ص ١٨ نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ٥٤ ح ٨٥.

سپس کنار جویی رفتند و نشستند. حسن علیه السلام به من فرمود: «ای مُدرک! غذایی داری؟».

گفتم: نان پخته‌ایم.

فرمود: «بیاور».

من نانی و کمی نمک نیم کوفته و دو مشت سبزی برایش آوردم. ایشان خورد و آن گاه فرمود: «ای مُدرک! چه قدر خوش مزه بود».

سپس غذای خود او را - که زیاد و لذیذ بود - آوردند. فرمود: «ای مُدرک! غلامان باغ را صدا بزن» و غذا را به آنها داد و غلامان خوردند و خود ایشان، چیزی نخورد.

گفتم: خودتان نمی‌خورید؟

فرمود: «آن غذا [ی تو] را از این، بیشتر دوست دارم».

۱۱۹۳. عیون أخبار الرضا - به نقل از ابو عبّاد: امام رضا علیه السلام در تابستان، روی حصیر و در زمستان، روی پلاس می‌نشست، و جامه درشت می‌پوشید، و وقتی در برابر مردم ظاهر می‌شد، آراسته می‌گشت.

۳/۶

سلمان

۱۱۹۴. عده الداعی: سلمان فارسی - که خداوند از او خوشنود باد - در هنگام مرگ، اظهار تأسف کرد.

پرسیدند: ای ابو عبد الله! تأسف برای چیست؟

گفت: «تأسفم برای دنیا نیست - که پیامبر خدا به ما توصیه کرد و فرمود: "باید توشه شما مانند توشه مسافر باشد" - و می‌ترسم که با این افعی‌هایی که پیرامونم هستند، از دستور ایشان تخطی کرده باشم» و به آنچه در اتاقش بود، اشاره کرد. دیدم یک دست [پشتی] و یک شمشیر و یک قابلمه است!

١١٩٥ . المُسْتَدْرَكُ عَلَى الصَّحِيحَيْنِ عَنْ أَبِي سَفْيَانَ عَنْ أَشْيَاخِهِ: دَخَلَ سَعْدٌ عَلَى سَلْمَانَ يَعُودُهُ فَبَكَى، فَقَالَ لَهُ سَعْدٌ: مَا يُبْكِيكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، تُؤْفِي رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَهُوَ عَنْكَ رَاضٍ، وَتَرُدُّ عَلَيْهِ الْخَوْصَ وَتَلْقَى أَصْحَابَكَ؟! فَقَالَ سَلْمَانُ: أَمَا إِنِّي لَا أَبْكِي جَزَعًا مِنَ الْمَوْتِ، وَلَا حِرْصًا عَلَى الدُّنْيَا، وَلَكِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَهْدَ إِلَيْنَا عَهْدًا حَيًّا وَمَيِّتًا، قَالَ: «لِتَكُنْ بُلْعَةُ أَحَدِكُمْ مِنَ الدُّنْيَا مِثْلَ زَادِ الرَّائِبِ» وَحَوْلِي هَذِهِ الْأَسَاوِدُ. قَالَ: فَإِنَّمَا حَوْلُهُ إِجَانَةٌ وَجَفَنَةٌ وَمِطْهَرَةٌ!١

١١٩٦ . الاحتجاج عن سلمان - في جواب كتاب كتبه إليه عمر - : وأما ما ذكرت أنني أقبلت على سفّ^٢ الخوص وأكل الشعير، فما هما مما يُعَيَّرُ بِهِ مُؤْمِنٌ وَيُؤَنَّبُ عَلَيْهِ! وَإِيْمُ اللَّهِ يَا عُمَرُ، لَأَكُلُ الشَّعِيرَ وَسَفَّ الْخَوْصِ وَالْإِسْتِغْنَاءَ بِهِمَا عَنْ رَفِيعِ الْمَطْعَمِ وَالْمَشْرَبِ، وَعَنْ غَضَبِ مُؤْمِنٍ حَقَّهُ وَادِّعَاءِ مَا لَيْسَ لَهُ بِحَقٍّ، أَفْضَلُ وَأَحَبُّ إِلَى اللَّهِ ﷻ وَأَقْرَبُ لِلتَّقْوَى، وَلَقَدْ رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ إِذَا أَصَابَ الشَّعِيرَ أَكَلَهُ وَفَرَحَ بِهِ وَلَمْ يَسْخَطْهُ.٣

٤/٦

أَبُو ذَرٍّ

١١٩٧ . الإمام الكاظم ﷺ: قَالَ أَبُو ذَرٍّ: جَزَى اللَّهُ الدُّنْيَا عَنِّي مَذْمَةً بَعْدَ رَغِيفَيْنِ مِنَ الشَّعِيرِ: أَتَغْدِي بِأَحَدِهِمَا وَأَتَعَشِي بِالْآخَرِ، وَبَعْدَ شِمْلَتِي الصَّوْفِ؛ أَتَزِرُّ

١ . المُسْتَدْرَكُ عَلَى الصَّحِيحَيْنِ: ج ٤ ص ٢٥٢ ح ٧٨٩١، شُعَبُ الْإِيمَانِ: ج ٧ ص ٣٠٥ ح ١٠٣٩٥، حَلِيَّةُ الْأَوْلِيَاءِ:

ج ١ ص ١٩٥ عَنْ جَابِرِ نَحْوِهِ، تَنْبِيهِ الْغَافِلِينَ: ص ٢٤٤ ح ٣١٨، كُنُزُ الْعَمَالِ: ج ٢ ص ٧٢١ ح ٨٥٧٣؛ تَنْبِيهِ

الْخَوَاطِرِ: ج ٢ ص ٢١٥ نَحْوِهِ، رَوْضَةُ الْوَاعِظِينَ: ص ٥٣٨، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج ٢٢ ص ٢٨١ ح ١٤.

٢ . أَسْفَقْتُ الْخَوْصَ: إِذَا نَسَجْتَ بَعْضَهُ فِي بَعْضٍ (الْمَحِيطُ فِي اللُّغَةِ: ج ٨ ص ٢٥٢ «سَفَّ»).

٣ . الاحتجاج: ج ١ ص ٣١٧ ح ٥٤، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج ٢٢ ص ٢٦١ ح ٤.

۱۱۹۵. **المستدرک علی الصحیحین** - به نقل از ابو سفیان، از اساتیدش -: سعد به عیادت سلمان رفت. سلمان گریست.

سعد گفت: چرا گریه می‌کنی، ای ابو عبد الله؟ پیامبر خدا که از دنیا رفت، از تو راضی بود، و تو در کنار حوض [کوثر] بر او وارد خواهی شد و دوستانت را ملاقات خواهی کرد.

سلمان گفت: «من نه از ترس مرگ، گریه می‌کنم و نه به خاطر علاقه‌مندی به دنیا؛ بلکه پیامبر خدا برای زمان حیاتش و پس از مرگش به ما سفارش کرد و فرمود: "باید توشه هر یک از شما به مانند توشه مسافر باشد" در حالی که پیرامون من، این همه افعی است». در پیرامون او، فقط یک تشت و یک قابلمه و یک آفتابه بود!

۱۱۹۶. **الاحتجاج** - به نقل از سلمان، در پاسخ نامه‌ای که عمر به او نوشت -: اما این که نوشته‌ای که من به بافتن حصیر و خوردن نان جو روی آورده‌ام: اینها چیزی نیست که به سبب آن، مؤمن سرزنش و توبیخ شود!

ای عمر! به خدا سوگند که خوردن نان جو و بافتن حصیر و بی‌نیاز شدن از خوردنی‌ها و نوشیدنی‌های رنگارنگ و [بی‌نیاز شدن] از غصب حق مؤمن و مطالبه چیزی که حق نیست، در نزد خداوند، برتر و محبوب‌تر است و به پرهیزگاری نزدیک‌تر. من خود دیدم که پیامبر خدا، هر گاه نان جوینی به دست می‌آورد، با خوش حالی آن را می‌خورد و اظهار ناخرسندی نمی‌کرد.

۴/۶

البوذری

۱۱۹۷. **امام کاظم** علیه السلام: ابو ذر - که رحمت خدا بر او باد - گفت: از سوی من، پس از آن دو قرص نان جوین - که یکی را چاشت می‌خورم و دیگری را شام - و

بِإِحْدَاهُمَا وَأُتِرْدَى بِالْأُخْرَى.^۱

۱۱۹۸ . الزهد عن أبي بكر بن المنكدر: بَعَثَ حَبِيبُ بْنُ أَبِي سَلَمَةَ إِلَى أَبِي ذَرٍّ - وَهُوَ أَمِيرُ الشَّامِ - بِثَلَاثِمِئَةِ دِينَارٍ، قَالَ: اسْتَعِنَ بِهَا عَلَى حَاجَتِكَ. فَقَالَ أَبُو ذَرٍّ ﷺ [لِلرَّسُولِ]: إِرْجِعْ بِهَا إِلَيْهِ، أَمَا وَجَدَ أَحَدًا أَغْرَى بِاللَّهِ مِنَّا؟ مَا لَنَا إِلَّا ظِلُّ نَتَوَارَى بِهِ، وَثُلَّةٌ مِنْ غَنَمٍ تَرَوْحُ عَلَيْنَا، وَمَوْلَاةٌ لَنَا تَصَدَّقَتْ عَلَيْنَا بِخِدْمَتِهَا، ثُمَّ أَنَا أَتَخَوَّفُ الْفَضْلَ.^۲



۱ . الکافی: ج ۲ ص ۱۳۴ ح ۱۷، الأملی للطوسی: ص ۷۰۲ ح ۱۵۰۲، رجال الکشی: ج ۱ ص ۱۲۰ الرقم ۵۴ نحوه وکلها عن موسی بن بکر، بحار الأنوار: ج ۲۲ ص ۴۰۱ ح ۱۰.
۲ . الزهد لابن حنبل: ص ۱۸۳، حلیة الأولیاء: ج ۱ ص ۱۶۱.

پس از آن دو جامهٔ پشمین - که یکی را شلوار خویش می‌سازم و دیگری را ردای خویش -، نکوهش خدا بر دنیا باد!

۱۱۹۸. الزهد - به نقل از ابو بکر بن مُنکدر - : حبیب بن ابی سلَمه، امیر شام، سیصد دینار برای ابو ذر فرستاد و گفت: از اینها برای رفع نیازهایت استفاده کن.

ابو ذر - که رحمت خدا بر او باد - [به فرستاده] گفت: «آنها را به خودش برگردان. آیا کسی را از ما گستاخ‌تر به خدا نیافت؟ ما را همین سرپناهی که داریم، و همین چند گوسفندی که شب به نزد ما هستند، و بانویی که با خدمت‌گزاری خود، بر ما منت می‌نهد، بس است و از بیشتر از اینها می‌ترسم».



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

بخش چهارم

آفرت



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

شامل:

درآمد	
فصل یکم	: آفرت شناسی
فصل دوم	: اتمام به آفرت
فصل سوم	: یاد آفرت
فصل چهارم	: آباد کردن آفرت
فصل پنجم	: سودای آفرت



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

درآمد

آخرت، در لغت

واژه «آخرة» مؤنث «آخر» (بر وزن فاعل) و مقابل «اول» و «متقدم» است.

در العین آمده است:

الْآخِرُ وَالْآخِرَةُ: نَقِيضُ الْمَتَقَدِّمِ وَالْمَتَقَدِّمَةُ، وَمُقَدِّمُ الشَّيْءِ وَمُؤَخَّرُهُ.^۱

آخر و آخرة، نقیض متقدم و متقدمه هستند، و [گفته می‌شود: [مقدم (جلوی) یک چیز و مؤخر (عقب/ آخر) آن.

در المقایس نیز می‌خوانیم:

الْهَمْزَةُ وَالْخَاءُ وَالرَّاءُ أَصْلٌ وَاحِدٌ إِلَيْهِ تَرْجِعُ فُرُوعُهُ، وَهُوَ خِلَافُ التَّقَدُّمِ. وَهَذَا قِيَاسٌ أُخْذَ نَاهُ مِنَ الْخَلِيلِ....^۲

همزه و خا و را، یک اصل را تشکیل می‌دهند و فروعش به آن باز می‌گردند. و آن، خلاف «تقدم» است. این قیاس را ما از خلیل گرفته‌ایم.

آخرت، در قرآن و حدیث

قرآن کریم، زندگی پیش از مرگ را زندگی اول و زندگی پس از مرگ را زندگی آخر نامیده است، مانند:

۱. العین: ص ۳۹.

۲. معجم مقایس اللغة: ج ۱ ص ۷۰.

﴿لَهُ الْخَمْدُ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ﴾^۱

در این [سرای] نخستین و در آخرت، ستایش، از آن اوست ﴿.

﴿وَإِنْ لَنَا لِلْآخِرَةِ وَالْأُولَىٰ﴾^۲

و در حقیقت، دنیا و آخرت، از آن ماست ﴿.

﴿وَلِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ﴾^۳

و آخرت، برای تو، بهتر از سرای نخستین است ﴿.

در واقع، قرآن کریم و نیز احادیث اسلامی، کلمه «آخره» را در یکی از بارزترین مصادیق لغوی آن به کار می‌برند. از این رو، هنگامی که یزید بن سلام از پیامبر ﷺ می‌پرسد: «چرا آخرت را آخرت نامیده‌اند؟»، ایشان در جواب می‌فرماید:

لِأَنَّهَا مُتَأَخِّرَةٌ تَجِيءُ مِنْ بَعْدِ الدُّنْيَا، لَا تُوصَفُ سِنِيهَا، وَلَا تُحْصَى أَيَّامُهَا، وَلَا يَمُوتُ سُكَّانُهَا.^۴

چون آن متأخر است و پس از دنیا می‌آید. سال‌های آن وصف‌ناشدنی، و روزهایش ناشمردنی هستند و ساکنان آن، هیچ‌گاه نمی‌میرند.

و از امام علی علیه السلام در وجه تسمیه آخرت نقل شده که:

سُمِّيَتْ الْآخِرَةُ آخِرَةً، لِأَنَّ فِيهَا الْجَزَاءَ وَالْثَوَابَ.^۵

آخرت، آخرت نامیده شده است؛ چون سزا و پاداش در آن جاست.

همان‌طور که علامه مجلسی توضیح داده،^۶ مقصود، آن است که چون در

۱. قصص: آیه ۷۰.

۲. لیل: آیه ۱۳.

۳. ضحی: آیه ۴.

۴. ر.ک: ص ۲۵۶ ح ۱۱۹۹.

۵. ر.ک: ص ۲۵۶ ح ۱۲۰۰.

۶. ر.ک: بحار الأنوار: ج ۱۰ ص ۱۳.

آخرت، سزا و ثواب است و جزا متأخر از عمل است، زندگی پس از مرگ، آخرت نامیده شده است.

این واژه در قرآن، گاه صفت «النشأة» است (مانند: «ثُمَّ إِلَهُ يَنْشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ؛ پس خداوند است که نشأه آخرت را پدید می آورد»^۱)، گاه صفت «الدار» (مانند: «وَإِنَّ الْدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ؛ و زندگی حقیقی همان سرای آخرت است»^۲)، گاه مضاف الیه «دار» (مانند: «وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ؛ و سرای آخرت بهتر است»^۳) و گاه صفت «اليوم» (مانند: «مِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ؛ و برخی از مردم می گویند که به خدا و روز واپسین ایمان آوردیم»^۴) قرار گرفته است. البته در بیشتر موارد، موصوف، حذف گردیده و کلمه «آخرت» در مقابل «دنیا» و درباره زندگی پس از مرگ به کار رفته است.

در قرآن کریم، این کلمه در مجموع، ۱۴۳ بار تکرار شده است: چهار بار به معنای لغوی آن و ۱۳۹ بار به معنای «زندگی پس از مرگ»، و از این تعداد، ۸۸ بار به صورت «الآخرة» و ۲۲ بار به صورت «بالآخرة» و سه بار به صورت «لِلآخرة» و ۲۶ بار به صورت «الآخِر» (که صفت «اليوم» قرار گرفته است).

نکته قابل توجه، این که: در نگاه ابتدایی، ممکن است تصور شود که کلمه «آخرت» معادل کلمه قیامت (يوم الحساب) است؛ اما دقت در ریشه لغوی و کاربردهای آن در قرآن و حدیث به روشنی نشان می دهد که مقصود از کلمه آخرت، مقابل «دنیا» است و شامل همه منازل و مواقف پس از مرگ می شود. پس، قیامت، تنها یکی از منازل آخرت محسوب می گردد، چنان که پیامبر ﷺ قبر را نخستین منزل

۱. عنکبوت: آیه ۲۰.

۲. عنکبوت: آیه ۶۴ و ر. ک: قصص: آیه ۸۳.

۳. یوسف: آیه ۱۰۹.

۴. بقره: آیه ۸.

آخرت معرفی می کند:

الْقَبْرِ أَوَّلُ مَنَازِلِ الْآخِرَةِ؛ فَإِنْ يَنْجُ مِنْهُ فَمَا بَعْدَهُ أَيْسَرُ مِنْهُ، وَإِنْ لَمْ يَنْجُ مِنْهُ فَمَا بَعْدَهُ أَشَدُّ مِنْهُ.^۱

گور، نخستین منزلگاه آخرت است. اگر [انسان] از آن به سلامت بَرُهد، منزلگاه‌های پس از آن، آسان‌تر از آن است و اگر به سلامت نَرُهد، منزلگاه‌های پس از آن، سخت‌تر از آن خواهد بود.

بنا بر این، آنچه در این بخش مورد توجه است، ارائه متونی است که مجموع زندگی پس از مرگ را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ اما آنچه مربوط به هر یک از منازل و عوالم آخرت می‌شود (مانند: عالم برزخ، قیامت، حساب، میزان، صراط، بهشت و دوزخ) در عناوین مربوط به خود خواهد آمد، ان شاء الله.

مهم‌ترین نکاتی که در این بخش آمده‌اند، به طور خلاصه عبارت‌اند از:

۱. آخرت در مقایسه با دنیا

قلم و زبان، از تبیین عظمت آخرت در مقایسه با دنیا ناتوان است؛ چرا که فانی را نمی‌توان با باقی سنجید و «متاع قليل» با «مُلْك كَبِير»^۲ قابل مقایسه نیست. از این رو، هر توضیحی برای تفسیر ابدیت در برابر زندگی موقت، نارساست. در احادیث اسلامی با چند مثال به این حقیقت، اشاره شده است:

مثال اول:

مَا الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مِثْلُ مَا يَجْعَلُ أَحَدُكُمْ إِصْبَعَهُ هَذِهِ فِي الْيَمِّ، فَلْيَنْظُرْ بِمَ تَرْجِعُ!^۳

دنیا در مقایسه با آخرت نیست، مگر همانند این که یکی از شما این انگشتش را

۱. ر.ک: ص ۲۵۶ ح ۱۲۰۱.

۲. اشاره است به آیه ۲۰ از سوره انسان: ﴿وَإِذَا رَأَيْتَ ظَهْرَ نَسَاءٍ يَمْسُكُ الدُّنْيَا قَلِيلًا﴾ و آیه ۷۷ از سوره نساء: ﴿قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ﴾.

۳. ر.ک: ص ۲۵۸ ح ۱۲۰۶.

در دریا فرو ببرد. پس، بنگرد که انگشتش با چه [مقدار آب] باز می‌گردد! (دنیا در قیاس با آخرت، چونان نمی‌است در برابر دریا).

مثال دوم:

مَا أَخَذَتِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ إِلَّا كَمَا أَخَذَ مَخِيطٌ غُرْسَ فِي الْبَحْرِ مِنْ مَائِهِ.^۱
دنیا از آخرت بر نگرفته است، مگر آن سان که سوزنی فرو رفته در دریا از آب آن، بر گرفته است.

مثال سوم:

مَا الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ إِلَّا كَنَفْحَةٍ أَرْنَبٍ.^۲
دنیا در برابر آخرت نیست، مگر چونان یک نفس خرگوشی.
بدیهی است که این مثل‌ها تنها برای تقریب به ذهن است، وگرنه حقیقت آخرت، فوق این معانی است و با ابزار شناخت این جهان، قابل فهماندن و فهمیدن نیست و به بیان ژرف امیر مؤمنان علیه السلام:
كُلُّ شَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا سَمَاعَةٌ أُعْظَمُ مِنْ عِيَانِهِ، وَكُلُّ شَيْءٍ مِنَ الْآخِرَةِ عِيَانَةٌ أُعْظَمُ مِنْ سَمَاعِهِ.^۳
هر چیز دنیا، شنیدنش بزرگ‌تر از دیدن آن است، و هر چیز آخرت، دیدنش بزرگ‌تر از شنیدن آن است.

۲. ویژگی‌های آخرت

مهم‌ترین ویژگی‌های آخرت و برجسته‌ترین تفاوت‌های آن با دنیا از این قرار است:

۱. ر.ک: ص ۲۶۰ ح ۱۲۰۸.

۲. ر.ک: ص ۲۶۰ ح ۱۲۰۹.

۳. ر.ک: ص ۲۶۰ ح ۱۲۱۰.

الف - قرارگاه

دنیا محل عبور انسان است و از همین رو، از آن به «پل» تعبیر شده است؛ اما آخرت، جایی است که انسان در آن جا خواهد ماند. و هوشیار، کسی است که به فکر قرارگاه خود باشد.^۱

ب - خانه همیشگی

دنیا، مسافرخانه انسان، و آخرت، خانه همیشگی اوست، و هر انسان عاقلی به تأمین و تجهیز خانه همیشگی خود، بیش از مسافرخانه اهمیت می دهد.^۲

ج - خانه زندگی حقیقی

از منظر قرآن، زندگی دنیا در برابر زندگی آخرت، بازیچه ای بیش نیست، بدین معنا که انسان، تنها در آخرت می تواند طعم هشیاری و زندگی حقیقی را بچشد و بفهمد زنده بودن یعنی چه.^۳

مرکز تحقیقات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

د - حاکمیت مطلق حق

دنیا آزمایشگاه انسان است. از این رو، حق و باطل در آن آمیخته است؛ اما آخرت، جایگاه ظهور نتیجه آزمایش هاست و به همین جهت، در آن جا چیزی جز حق، حاکم نخواهد بود.^۴

ه - شهود حقایق غیبی

همه انسان ها حقایق غیبی را در آخرت می بینند و آنچه را خداوند متعال در دنیا

۱. ر.ک: ص ۲۶۷ (سرای ماندگاری).

۲. ر.ک: ص ۲۶۳ (سرای ماندن).

۳. ر.ک: ص ۲۷۱ (سرای زندگی حقیقی) و ص ۲۷۵ (سرای بیداری).

۴. ر.ک: ص ۲۷۳ (سرای حق).

به آنان وعده داده، بالعیان مشاهده می‌کنند. بنا بر این، آنچه در دنیا برای آنان غیب محسوب می‌شود، در آخرت به شهادت تبدیل می‌گردد و همه مردم به مرتبه یقین می‌رسند.^۱

و- خانه پاداش کردار نیک و بد

دنیا خانه کار است و آخرت خانه پاداش؛^۲ اما نه به صورت پاداش‌های دنیوی؛ بلکه بدین گونه که کار انسان در خانه دنیا، در خانه آخرت، به پاداش تبدیل می‌شود:

﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾.^۳

هر کس هم وزن ذره‌ای نیکی کند، [نتیجه] آن را می‌بیند، و هر کس هم وزن ذره‌ای بدی کند، [نتیجه] آن را می‌بیند.

مرکز تحقیات کتب و ترمیم و اسناد

ز- دشواری راه

یکی از خصوصیات مهم خانه آخرت، دشواری راه آن است که تا انسان از بخشی از خواسته‌ها و هوس‌های خود نگذرد، نمی‌تواند این راه را طی کند، به عکس راه دنیا که در جهت تمایلات نفسانی است. از این رو، احادیث اسلامی تأکید می‌کنند که راه آخرت را - که به بهشت منتهی می‌گردد - سختی و رنج، فرا گرفته است؛^۴ اما راه دنیا - که به دوزخ منتهی می‌گردد - در میان هوس‌ها و شهوات است.

۱. ر.ک: ص ۲۷۵ (سرای یقین).

۲. ر.ک: ص ۲۷۵ (سرای سزا).

۳. زلزله: آیه ۷ و ۸.

۴. ر.ک: ص ۲۷۷ (سرای محصور در ناملايمات).

ح - کامیابی شایستگان

کامیابی‌های دنیا لزوماً با شایستگی افراد، مرتبط نیست و چه بسا انسان‌های شایسته‌ای که عمر خود را در محرومیت به سر می‌برند و حقوق آنان به وسیله انسان‌های ناشایست، مورد تجاوز قرار می‌گیرد؛ اما کامیابی‌های آخرت، ویژه انسان‌های شایسته است و به فرموده امام علی علیه السلام:

أَحْوَالُ الدُّنْيَا تَتَّبِعُ الْإِتِّفَاقَ، وَأَحْوَالُ الْآخِرَةِ تَتَّبِعُ الْإِسْتِحْقَاقَ.^۱

احوال دنیا تابع اتفاق است و احوال آخرت تابع استحقاق.

ط - احاطه آخرت بر دنیا

آخرین ویژگی برجسته آخرت، احاطه آن بر دنیا است، بدین معنا که آخرت هم‌اکنون وجود دارد و دوزخ، هم‌اکنون بر انسان‌های ناشایست، و بهشت، هم‌اکنون بر انسان‌های شایسته احاطه دارد، و به تعبیر دیگر، دنیا نمادی از آخرت است.^۲ البته انسان تا وقتی که در نشئه دنیا قرار دارد، نمی‌تواند حقیقت آخرت و بهشت و دوزخ را بفهمد؛ لیکن با خروج از این نشئه، حقایق و منازل آخرت، یکی پس از دیگری برای او آشکار می‌گردد، چنان که امام علی علیه السلام فرموده است:

النَّاسُ نِيَامٌ، فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا.^۳

مردمان خوابند و زمانی که مردند، بیدار می‌شوند.

و قرآن نیز تصریح می‌کند که:

۱. ر. ک: ص ۲۷۹ (سرایی که احوال آن، تابع شایستگی است).

۲. ر. ک: ص ۲۷۹ (سرایی محیط بر دنیا).

۳. خصائص الأئمة علیهم السلام: ص ۱۱۲، عیون الحکم والمواعظ: ص ۶۶ ح ۱۶۷۳، عوالی اللاهی: ج ۴ ص ۷۳ ح ۴۸، بحار الأنوار: ج ۷۳ ص ۳۹؛ جواهر المطالب: ج ۲ ص ۱۵۰ ح ۶۰، منة کلمة، جاحظ: ص ۱۸ ح ۲، المناقب خوارزمی: ص ۳۷۵ ح ۳۹۵. نیز، ر. ک: تنبیه الخواطر: ج ۱ ص ۱۵۰، تفسیر الشعابی: ج ۵ ص ۲۸۶، إحياء علوم الدین: ج ۴ ص ۳۵.

﴿لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ﴾^۱

واقعاً که سخت از این حال در غفلت بودی. و ما پرده‌ات را از چشمانت برداشتیم و دیده‌ات امروز تیز است.﴾

۳. اهتمام به آباد ساختن خانه آخرت

در فصل دوم تا پنجم این بخش، با رساترین بیان‌ها و بلیغ‌ترین موعظه‌ها، بر چهار نکته تأکید شده است:

نکته اول. لزوم توجه تام به آبادسازی خانه آخرت و توصیه به کسب ارزش‌های معنوی برای تهیه امکانات لازم جهت تجهیز آن.

نکته دوم. بیان آنچه موجب یادآوری آخرت و نیز سرمایه‌گذاری برای دستیابی به آخرت و آبادانی آن می‌گردد.

نکته سوم. آثار و برکات آبادسازی خانه آخرت و تأکید بر این که آبادسازی خانه آخرت، به معنای تخریب خانه دنیا نیست؛ بلکه یکی از برکات آبادانی آخرت، آباد شدن دنیاست و اگر کسی با خدا و معنویت، پیوند برقرار کند، خیر دنیا و آخرت را برای خود فراهم کرده است:

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾^۲

هرکس پاداش دنیا می‌خواهد، پاداش دنیا و آخرت در پیشگاه خداست.﴾

نکته چهارم. بر حذر داشتن از: عدم اهتمام به آخرت، فراموش کردن آن، آنچه موجب فراموشی آخرت و ویرانی آن است، و آثار و مفسد ویران شدن خانه آخرت.

و اینک، توضیح این اجمال از متن قرآن و حدیث:

۱. ق: آیه ۲۲.

۲. نساء: آیه ۱۳۴.

الفصل الأول مَعْرِفَةُ الْآخِرَةِ

١/١

لِسَمِيَةِ الْآخِرَةِ

١١٩٩. علل الشرائع عن يزيد بن سلام - أَنَّهُ سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ لَهُ - : أَخْبِرْنِي لِمَ سُمِّيَتِ الْآخِرَةُ آخِرَةً ؟

قَالَ [ﷺ]: لِأَنَّهَا مُتَأَخِّرَةٌ تَجِيءُ مِنْ بَعْدِ الدُّنْيَا، لَا تَوْصَفُ سِنِينَهَا، وَلَا تُحْصَى أَيَّامُهَا، وَلَا يَمُوتُ سُكَّانُهَا. ١

١٢٠٠. الإمام علي عليه السلام: سُمِّيَتِ الْآخِرَةُ آخِرَةً؛ لِأَنَّ فِيهَا الْجَزَاءَ وَالْثَوَابَ. ٢

٢/١

أَوَّلُ مَنَازِلِ الْآخِرَةِ

١٢٠١. رسول الله ﷺ: الْقَبْرُ أَوَّلُ مَنَازِلِ الْآخِرَةِ؛ فَإِنْ يَنْجُ مِنْهُ فَمَا بَعْدَهُ أَيْسَرُ مِنْهُ، وَإِنْ لَمْ يَنْجُ مِنْهُ فَمَا بَعْدَهُ أَشَدُّ مِنْهُ. ٣

١. علل الشرائع: ص ٤٧٠ ح ٣٣، بحار الأنوار: ج ٥٧ ص ٣٥٦ ح ٢.

٢. علل الشرائع: ص ٢ ح ١ عن علي بن محمد، بحار الأنوار: ج ٥٧ ص ٣٥٥ ح ١.

٣. مسند ابن حنبل: ج ١ ص ١٤٠ ح ٤٥٤، المستدرک علی الصحيحین: ج ١ ص ٥٢٦ ح ١٣٧٣ كلاهما

عن عثمان، ربيع الأبرار: ج ٤ ص ٢٠٤، شرح نهج البلاغة: ج ١١ ص ١٥٩ وفيها «شر» بدل «أشد»؛

جامع الأخبار: ص ٤٨٥ ح ١٣٥١، روضة الواعظین: ص ٥٤٢، بحار الأنوار: ج ٦ ص ٢٤٢ ح ٦٤.

فصل یکم

آخرت شناسی



۱۱۹۹. علل الشرائع - به نقل از یزید بن سلام، در گفتگو با پیامبر خدا - : [گفتم:] مرا خبر دهید که چرا آخرت را آخرت نامیده‌اند؟

فرمود: «چون متأخر از دنیا است و پس از آن می‌آید. سال‌های آن به وصف نمی‌آید، و روزهایش شماره نمی‌شود و ساکنانش نمی‌میرند».

۱۲۰۰. امام علی علیه السلام: آخرت را به این دلیل آخرت نامیده‌اند که سزا و پاداش در آن جامست.

۲/۱

نخستین منزلگاه آخرت

۱۲۰۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گور، نخستین منزلگاه آخرت است. اگر [انسان] از آن به سلامت برهد، منزلگاه‌های پس از آن، آسان‌تر از آن است، و اگر از آن به سلامت نرهد، منزلگاه‌های پس از آن، سخت‌تر از آن خواهد بود.

١٢٠٢ . عنه عليه السلام : أَوَّلُ عَدَلٍ الْآخِرَةِ الْقَبُورُ ؛ لَا يُعْرَفُ فِيهَا شَرِيفٌ مِنْ وَضِيعٍ^١.

١٢٠٣ . الإمام علي عليه السلام : الْمَوْتُ أَوَّلُ عَدَلٍ الْآخِرَةِ^٢.

١٢٠٤ . عنه عليه السلام : الْمَوْتُ بَابُ الْآخِرَةِ^٣.

١٢٠٥ . الإمام الكاظم عليه السلام - مِنْ كَلَامِهِ عِنْدَ قَبْرِ حَضْرَةِ - : إِنَّ شَيْئاً هَذَا آخِرُهُ لِحَقِيقٍ أَنْ يُزْهَدَ فِي أَوَّلِهِ ، وَإِنَّ شَيْئاً هَذَا أَوَّلُهُ لِحَقِيقٍ أَنْ يُخَافَ آخِرُهُ^٤.

٣/١

الْمُقَارَنَةُ بَيْنَ الْآخِرَةِ وَالْأَوَّلِ

الكتاب

﴿فَلَاتَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءُ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾^٥.
﴿أَنْظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَلِلْآخِرَةِ أَكْبَرُ نَرَجُو أَنْ تُفَصِّلَ﴾^٦.
﴿وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا﴾^٧.

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

الحديث

١٢٠٦ . رسول الله صلى الله عليه وآله : وَاللَّهِ مَا الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مِثْلَمَا يَجْعَلُ أَحَدُكُمْ إصْبَعَهُ هَذِهِ^٨ فِي

١ . دعائم الإسلام: ج ١ ص ٢٣٣ ، الجعفریات: ص ٢٠٥ كلاهما عن الإمام علي عليه السلام ، بحار الأنوار: ج ٨١ ص ٢٨٣ ح ٤٠ وزاد في ذيله «وغيبي من فقير».

٢ . غرر الحكم: ح ١٤٣٥ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٨ ح ٣٨١.

٣ . غرر الحكم: ح ٣١٩ ، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٩ ح ٨٦٠.

٤ . معاني الأخبار: ص ٢٤٢ ، تحف العقول: ص ٤٠٨ كلاهما عن حفص بن غياث النخعي ، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٠٢ ح ٩١.

٥ . السجدة: ١٧.

٦ . الإسراء: ٢١.

٧ . الإنسان: ٢٠.

٨ . أي السبابة ، فقد جاء في المصدر بعد كلمة هذه: «وأشار يحيى بالسبابة» ويحيى هو ابن سعيد ، من رجال سند الرواية.

۱۲۰۲. پیامبر خدا ﷺ: نخستین مرحله عدالت آخرت، گورهایند که در آنها میان شریف و دون پایه، فرقی نهاده نمی شود.

۱۲۰۳. امام علی علیه السلام: مرگ، نخستین مرحله عدالت [و داوری] آخرت است.

۱۲۰۴. امام علی علیه السلام: مرگ، دروازه آخرت است.

۱۲۰۵. امام کاظم علیه السلام: در سخنانی بر سر قبری که بر آن حاضر شده بود: چیزی (دنیا و زندگی) که پایانش این است، سزاوار است که به ابتدای آن، دل بسته نشود، و چیزی (آخرت) که ابتدایش این جاست، سزاوار است که از پایان آن، ترسیده شود.



قرآن

«هیچ کس نمی داند چه چیز از آنچه روشنی بخش دیدگان است، به [پاداش] آنچه انجام می داده اند، برای آنان پنهان شده است».

«بنگر که چگونه بعضی از آنان را بر بعضی دیگر برتری داده ایم، و قطعاً درجات آخرت، بزرگ تر و برتر است».

«و چون بدان جا بنگری، [سرزمینی از] نعمت و کشوری پهناور می بینی».

حدیث

۱۲۰۶. پیامبر خدا ﷺ: به خدا سوگند که دنیا در مقایسه با آخرت، جز مانند این که فردی از شما این انگشتش^۱ را در دریا فرو ببرد، نیست. پس، بنگرد که

۱. یعنی انگشت نشانه اش را. در مأخذ، پس از کلمه «این» آمده است: «یحیی با انگشت نشانه اش، اشاره کرد». مقصود از یحیی، «یحیی بن سعید»، از رجال سند این روایت است.

الْيَمِّ، فَلْيَنْظُرْ يَمَّ تَرْجِعُ!١

١٢٠٧. المستدرك على الصحيحين عن المستورد^٢: كُنَّا عِنْدَ النَّبِيِّ ﷺ فَتَذَاكَرُوا الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ، فَقَالَ بَعْضُهُمْ: إِنَّمَا الدُّنْيَا بِلَاغٌ لِلْآخِرَةِ، فِيهَا الْعَمَلُ وَفِيهَا الصَّلَاةُ وَفِيهَا الزَّكَاةُ. وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ: الْآخِرَةُ فِيهَا الْجَنَّةُ، وَقَالُوا مَا شَاءَ اللَّهُ.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَا الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا كَمَا يَمْشِي أَحَدُكُمْ إِلَى الْيَمِّ فَأَدْخَلَ إصْبَعَهُ فِيهِ؛ فَمَا خَرَجَ مِنْهُ فَهِيَ الدُّنْيَا.٣

١٢٠٨. رسول الله ﷺ: مَا أَخَذَتِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ إِلَّا كَمَا أَخَذَ مَخِيطٌ عُرْسَ فِي الْبَحْرِ مِنْ مَائِهِ.٤

١٢٠٩. عنه ﷺ: مَثَلُكُمْ أَيُّهَا الْأُمَّةُ كَمَثَلِ عَسْكَرٍ قَدْ سَارَ أَوَّلُهُمْ وَنَوْدِي بِالرَّحِيلِ؛ فَمَا أَسْرَعَ مَا يَلْحَقُ آخِرُهُمْ بِأَوَّلِهِمْ! وَاللَّهِ مَا الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ إِلَّا كَنَفْحَةِ أَرْنَبٍ^٥، الْجِدِّ الْجِدِّ عِبَادَ اللَّهِ! وَاسْتَعِينُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ.٦

١٢١٠. الإمام عليّ عليه السلام: كُلُّ شَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا سَمَاعُهُ أَعْظَمُ مِنْ عِيَانِهِ، وَكُلُّ شَيْءٍ مِنَ الْآخِرَةِ

١. صحيح مسلم: ج ٤ ص ٢١٩٣ ح ٥٥، سنن الترمذي: ج ٤ ص ٥٦١ ح ٢٣٢٣، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٣٧٦ ح ٤١٠٨، مسند ابن حنبل: ج ٦ ص ٢٩٣ ح ١٨٠٣٠ كلها عن المستورد، كنز العمال: ج ٣ ص ١٩٥ ح ٦١٣٨؛ مشكاة الأنوار: ص ٤٦٧ ح ١٥٥٨، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٥٠، روضة الواعظين: ص ٤٨٢، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١١٩ ح ١١٠.

٢. هو المستورد بن شداد بن عمرو القرشي (انظر ترجمته في تهذيب الكمال: ج ٢٧ ص ٤٣٩).

٣. المستدرك على الصحيحين: ج ٤ ص ٢٥٥ ح ٧٨٩٨، كنز العمال: ج ٣ ص ١٩٥ ح ٦١٣٦.

٤. المعجم الكبير: ج ٢٠ ص ٣٠٨ ح ٧٣٣ عن المستورد، كنز العمال: ج ٣ ص ١٩٥ ح ١٦٣٧.

٥. كذا في المصدر بالحاء المهملة، والظاهر أنها مصحفة عن «نفجة» بالميم. قال ابن الأثير: كنفجة أرنب: أي كوئبته من مجتمه، يريد تقليل مدتها (النهاية: ج ٥ ص ٨٨ «نفج»).

٦. الفردوس: ج ٤ ص ١٤٨ ح ٦٤٥٦ عن عمر، كنز العمال: ج ١٥ ص ٧٩٧ ح ٤٣١٦٣.

انگشتش با چه [مقدار آب] باز می‌گردد (دنیا در برابر آخرت، به اندازه این نم است در برابر دریا).

۱۲۰۷. المستدرک علی الصحیحین - به نقل از مُستورد^۱ - : در خدمت پیامبر ﷺ بودم که حاضران، سخن از دنیا و آخرت به میان آوردند.

بعضی گفتند: دنیا، در حقیقت، جای توشه برداشتن برای آخرت است. در آن، عمل است و نماز است و زکات.

گروهی گفتند: در آخرت، بهشت است. و هر کس سخنی گفت. پیامبر خدا فرمود: «دنیا در برابر آخرت، جز به مانند این نیست که فردی از شما به کنار دریا برود و انگشتش را در آن فرو برد. آنچه از [نَم] دریا [با انگشتش] بیرون می‌آید، همان دنیا است».

۱۲۰۸. پیامبر خدا ﷺ: آنچه دنیا از آخرت گرفته است، جز به اندازه آبی که سوزنی فرو رفته در دریا به خود می‌گیرد، نیست.

۱۲۰۹. پیامبر خدا ﷺ: حکایت شما - ای مردم - همانند سپاهی است که ابتدای آن رفته و ندای کوچ [در آن]، سر داده شده است. پس، چه زود آخر آن سپاه به اوّلش می‌رسد! به خدا سوگند، دنیا در برابر آخرت، جز به مانند یک نَفَس (جهش)^۲ خرگوشی نیست. بکوشید، بکوشید - ای بندگان خدا - و از خداوند، پروردگارتان، کمک بجوید.

۱۲۱۰. امام علی علیه السلام: هر چیز دنیا [از خیر و شرّش]، شنیدنش بزرگ‌تر از دیدن آن است، و هر چیز آخرت [از پاداش‌ها و کیفرهایش]، دیدنش بزرگ‌تر از

۱. مراد، مستورد بن شداد بن عمرو قرشی است. برای دیدن شرح حال او، ر. ک: تهذیب الکمال: ج ۲۷ ص ۴۳۹.

۲. در مأخذ، «نفحة (با حاء) آمده است؛ ولی ظاهراً تصحیف شده «نفجة» (با جیم) باشد. ابن اثیر می‌گوید: «کنفجة أرنب؛ مانند یک جهش خرگوش. و مراد، کم بودن مدّت دنیا است» (النهاية: ج ۵ ص ۸۸، مادة «نفج»).

عِيَانُهُ أَعْظَمُ مِنْ سَمَاعِهِ، فَلْيَكْفِكُمْ مِنَ الْعِيَانِ السَّمَاعُ وَمِنْ الْغَيْبِ الْخَبَرُ.^١
 ١٢١١. عنه عليه السلام: ما المَعْرُورُ الَّذِي ظَفِرَ مِنَ الدُّنْيَا بِأَعْلَى هِمَّتِهِ، كَالْآخِرِ الَّذِي ظَفِرَ مِنَ
 الْآخِرَةِ بِأَدْنَى سُهُمَّتِهِ.^٢

١٢١٢. عنه عليه السلام - في تَمَجِيدِ اللَّهِ ﷻ -: سُبْحَانَكَ مَا أَعْظَمَ مَا نَرَى مِنْ خَلْقِكَ! وَمَا أَصْغَرَ
 كُلَّ عَظِيمَةٍ فِي جَنْبِ قُدْرَتِكَ! وَمَا أَهْوَلَ مَا نَرَى مِنْ مَلَكُوتِكَ! وَمَا أَحَقَّرَ ذَلِكَ
 فِيمَا غَابَ عَنَّا مِنْ سُلْطَانِكَ! وَمَا أَسْبَغَ^٣ نِعَمَكَ فِي الدُّنْيَا! وَمَا أَصْغَرَهَا فِي نِعَمِ
 الْآخِرَةِ!^٤

٤/١

جَنَّاتُ النَّارِ الْآخِرَةِ



أ - دارُ القَرَارِ

الكتاب

«يَقُومُ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ».^٥

الحديث

١٢١٣. الإمام علي عليه السلام: إِيَّاكَ أَنْ تُخَدَعَ عَنْ دَارِ الْقَرَارِ وَمَحَلِّ الطَّيِّبِينَ الْأَخْيَارِ وَالْأَوْلِيَاءِ
 الْأَبْرَارِ، الَّتِي نَطَقَ الْقُرْآنُ بِوَصْفِهَا وَأَسْنَى عَلَى أَهْلِهَا، وَذَلِكَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ
 عَلَيْهَا وَدَعَاكَ إِلَيْهَا.^٦

١. نهج البلاغة: الخطبة ١١٤، عذّة الداعي: ص ٩٩ عنهم عليه السلام وليس فيه ذيله من «فليكفكم...»، غرر الحكم:

ح ٦٩٠٨ وح ٦٩٠٧ وح ٧٣٤٠، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٩١ ح ١٦٨.

٢. نهج البلاغة: الحكمة ٣٧٠، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٧٩، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٢٤ ح ١١٢.

٣. سَبَغَتِ النِّعْمَةُ: اتَّسَعَتْ. وَأَسْبَغَ اللَّهُ عَلَيْهِ النِّعْمَةَ: أَيِ أَتَمَّتْهَا (الصحاح: ج ٤ ص ١٣٢١ «سبغ»).

٤. نهج البلاغة: الخطبة ١٠٩، بحار الأنوار: ج ٤ ص ٣١٨ ح ٤٣: المعيار والموازنة: ص ٢٥٧ نحوه.

٥. غافر: ٣٩.

٦. غرر الحكم: ح ٢٧٣٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٠٠ ح ٢٣٠٠.

پس، برای دیدن [امور آخرت] به شنیدن [اوصاف آنها] بسنده کنید و برای [آگاهی از] غیب، به خبر [ی که پیامبران و مُخبرانِ صادق دربارهٔ آن به شما داده‌اند]، اکتفا نمایید.

۱۲۱۱. امام علی علیه السلام: فریب [دُنیا] خورده‌ای که از دنیا به بالاترین خواست خویش رسیده، همانند کسی نیست که از آخرت به کمترین بهرهٔ خویش دست یافته است.

۱۲۱۲. امام علی علیه السلام: در تمجید خداوند: - منزهی تو، ای خداوند! وه که چه با عظمت است آنچه از آفرینش تو می‌بینیم! و چه خُرد و ناچیز است هر عظمتی در برابر قدرت تو! و چه هول‌انگیز است آنچه از ملکوت تو می‌بینیم! و چه حقیرند اینها در برابر آنچه از پادشاهی تو از ما پنهان است! و چه فراوان و فراگیر است نعمت‌های تو در دنیا! و چه خُرد و اندک‌اند اینها در برابر نعمت‌های آخرت!



۴/۱
ویژگی‌های آخرت

الف - سرای ماندن

قرآن

«ای قوم من! این زندگی دنیا، تنها، کالایی [ناچیز] است، و در حقیقت، آخرت است که سرای ماندن است».

حدیث

۱۲۱۳. امام علی علیه السلام: زنده‌ای که سرای ماندن و آن جایگاهِ پاکانِ نیک‌سرشت و اولیای نیکوکار را به فریب [شیطان] از کف بدهی؛ سرائی که قرآن آن را وصف کرده و اهلش را ستوده، و خداوند سبحان، تو را به آن رهنمون شده و تو را به سوی آن فرا خوانده است!

١٢١٤. عنه عليه السلام: إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارٌ مَجَازٍ وَالْآخِرَةُ دَارُ قَرَارٍ، فَخُذُوا مِنْ مَمَرِّكُمْ لِمَقَرِّكُمْ.^١
١٢١٥. عنه عليه السلام: إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارٌ مَمَرٌ وَالْآخِرَةُ دَارٌ مُسْتَقَرٌّ، فَخُذُوا مِنْ مَمَرِّكُمْ لِمُسْتَقَرِّكُمْ، وَلَا تَهْتَكُوا أَسْتَارَكُمْ عِنْدَ مَنْ يَعْلَمُ أَسْرَارَكُمْ.^٢
١٢١٦. عنه عليه السلام - فِي صِفَةِ أَهْلِ الْجَنَّةِ -: قَوْمٌ لَمْ تَزَلِ الْكَرَامَةُ تَتِمَادِي بِهِمْ حَتَّى حَلُّوا دَارَ الْقَرَارِ، وَأَمِنُوا نُقْلَةَ الْأَسْفَارِ.^٣
١٢١٧. عنه عليه السلام: الْآخِرَةُ دَارٌ مُسْتَقَرٌّكُمْ، فَجَهِّزُوا إِلَيْهَا مَا يَبْقَى لَكُمْ.^٤
١٢١٨. الإمام زين العابدين عليه السلام - مِنْ دُعَائِهِ يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ -: اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي؛ فَإِنَّهُ عِصْمَةُ أَمْرِي، وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي؛ فَإِنَّهَا دَارُ مَقَرِّي وَإِلَيْهَا مِنْ مُجَاوَرَةِ اللَّثَامِ مَقَرِّي.^٥
١٢١٩. عنه عليه السلام: مَعَاشِرَ أَصْحَابِي، الدُّنْيَا دَارٌ مَمَرٌ وَالْآخِرَةُ دَارٌ مَقَرٌّ، فَخُذُوا مِنْ مَمَرِّكُمْ لِمَقَرِّكُمْ.^٦
١٢٢٠. الإمام الباقر عليه السلام: الْآخِرَةُ دَارُ قَرَارٍ وَالْدُّنْيَا دَارُ فَنَاءٍ وَزَوَالٍ، وَلَكِنَّ أَهْلَ الدُّنْيَا أَهْلُ غَفْلَةٍ.^٧
- راجع: ج ١ ص ٢٨ (خصائص الدنيا / دار ممر).

١. نهج البلاغة: الخطبة ٢٠٣، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢١٨ نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٣٤ ح ١٣٨؛ تذكرة الخواص: ص ١٣٢ نحوه.

٢. غرر الحكم: ح ٣٨٩٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٧٧ ح ٣٦٣٩.

٣. نهج البلاغة: الخطبة ١٦٥، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٦٨، بحار الأنوار: ج ٨ ص ١٦٣ ح ١٠٤.

٤. غرر الحكم: ح ٢٠٥٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٦٢ ح ١٦١٦ وفيه «قراركم» بدل «مستقركم».

٥. البلد الأمين: ص ١٢٣، المصباح للكفعمي: ص ١٦٤، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ١٨٧ ح ٢٥.

٦. الأمالي للصدوق: ص ٢٨٩ ح ٣٢١ عن طاووس اليماني، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٤٧ ح ٧.

٧. الكافي: ج ٢ ص ١٣٣ ح ١٦، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٩٣ كلاهما عن جابر، تحف العقول: ص ٣٧٧ عن سفيان الثوري عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٣٦ ح ١٧.

۱۲۱۴. امام علی علیه السلام: دنیا، [در حقیقت،] سرای گذر است و آخرت، سرای ماندن. پس، از گذرگاه خود، برای قرارگاهتان توشه بردارید.

۱۲۱۵. امام علی علیه السلام: دنیا [در حقیقت]، سرای گذر است و آخرت، سرای ماندن. پس، از گذرگاه خود، برای قرارگاهتان توشه بگیرید و پرده‌هایتان را در نزد کسی که رازهای شما را می‌داند، ندرید.

۱۲۱۶. امام علی علیه السلام: در توصیف بهشتیان :- آنان گروهی هستند که همواره از کرامت [الهی] بهره‌مندند، تا آن گاه که در سرای ماندن فرود آیند و از جابه‌جایی سفرها آسوده گردند.

۱۲۱۷. امام علی علیه السلام: آخرت، سرای ماندن شماست. پس، آنچه را برای شما می‌ماند، برای آن سرا آماده سازید.

۱۲۱۸. امام زین العابدین علیه السلام: در دعای روز سه‌شنبه :- بارخدا! دینم را برایم درست گردان؛ چرا که آن، نگهبان امور من است، و آخرتم را برایم درست گردان؛ چرا که آن، سرای ماندن من و گریزگاه من از همسایگی با فرومایگان است.

۱۲۱۹. امام زین العابدین علیه السلام: ای گروه یاران من! دنیا سرای گذر است و آخرت، سرای ماندن. پس، از گذرگاه خویش برای اقامتگاهتان توشه بگیرید.

۱۲۲۰. امام باقر علیه السلام: آخرت، سرای ماندن است و دنیا سرای رفتن و نیست شدن؛ اما اهل دنیا اهل غفلت‌اند.

ب - دَارُ الْبَقَاءِ

الكتاب

﴿بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ خَيْرَ وَأَبْقَى﴾. ١

الحديث

١٢٢١ . رسول الله ﷺ : يَا أَهْلَ الْخُلُودِ ، يَا أَهْلَ الْبَقَاءِ ، إِنَّكُمْ لَمْ تُخْلَقُوا لِلْفَنَاءِ ٢ ، وَإِنَّمَا تُنْقَلَوْنَ مِنْ دَارٍ إِلَى دَارٍ ، كَمَا تُنْقَلُومَنْ الْأَصْلَابِ إِلَى الْأَرْحَامِ ، وَمِنْ الْأَرْحَامِ إِلَى الدُّنْيَا ، وَمِنْ الدُّنْيَا إِلَى الْقُبُورِ ، وَمِنْ الْمَوْقِفِ إِلَى الْخُلُودِ فِي الْجَنَّةِ أَوْ النَّارِ ٣ .
١٢٢٢ . الإمام علي عليه السلام : أَيُّهَا النَّاسُ ! أَلَا إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ فَنَاءٍ وَالْآخِرَةُ دَارُ بَقَاءٍ ، فَخُذُوا مِنْ مَمَرِّكُمْ لِمَمَرِّكُمْ ٤ .

١٢٢٣ . عنه عليه السلام : عَجِبْتُ لِعَامِرِ دَارِ الْفَنَاءِ ، وَتَارِكِ دَارِ الْبَقَاءِ ! ٥

١٢٢٤ . عنه عليه السلام : دَارُ الْبَقَاءِ مَحَلُّ الصَّادِقِينَ ، وَمَوْطِنُ الْأَبْرَارِ وَالصَّالِحِينَ ٦ .

١٢٢٥ . عنه عليه السلام - فِيمَا كَتَبَهُ إِلَى ابْنِهِ الْحَسَنِ عليه السلام - : إِعْلَمْ يَا بُنَيَّ ، أَنَّكَ إِنَّمَا خُلِقْتَ لِلْآخِرَةِ لَا لِلدُّنْيَا ، وَلِلْفَنَاءِ لَا لِلْبَقَاءِ ، وَلِلْمَوْتِ لَا لِلْحَيَاةِ ، وَإِنَّكَ فِي قُلْعَةٍ ٧ وَدَارٍ

١ . الأعلى : ١٦ و ١٧ .

٢ . في المصدر : «للقاء» ، والتصويب من المصادر الأخرى .

٣ . الفردوس : ج ٥ ص ٢٩٧ ح ٨٢٣٧ عن أبي هريرة ، تاريخ دمشق : ج ١٠ ص ٤٩٠ ، تهذيب الكمال : ج ٤ ص ٢٩٤ ح ٧٨٢ ، سير أعلام النبلاء : ج ٥ ص ٩١ كلها عن بلال بن سعد من دون إسناد إلى المعصوم .

٤ . عيون أخبار الرضا : ج ١ ص ٢٩٨ ح ٥٦ ، الأمالي للصدوق : ص ١٧٢ ح ١٧٤ كلاهما عن أحمد بن الحسن الحسيني عن الإمام العسكري عن آبائه عليه السلام ، مشكاة الأنوار : ص ٤٦٨ ح ١٥٦٧ ، روضة الواعظين : ص ٤٨٥ ، بحار الأنوار : ج ٧٣ ص ٨٨ ح ٥٦ .

٥ . نهج البلاغة : الحكمة ١٢٦ ، خصائص الأئمة عليه السلام : ص ١٠١ ، تنبيه الخواطر : ج ١ ص ٦٢ وفيه «لعامل» بدل «لعامر» ، غرر الحكم : ح ٦٢٥١ ، بحار الأنوار : ج ٧٢ ص ١٩٩ ح ٢٨ .

٦ . غرر الحكم : ح ٥١٢٦ ، عيون الحكم والمواعظ : ص ٢٥١ ح ٤٧٠٢ .

٧ . أي دار تحوّل وارتحال (النهاية : ج ٤ ص ١٠٢ «قلع»).

ب- سرای ماندگاری

۱۲۲۱. پیامبر خدا ﷺ: ای اهل جاودانگی، ای اهل ماندگاری! شما برای نابودی آفریده نشده‌اید؛ بلکه از سرایی به سرایی انتقال داده می‌شوید، همچنان که از پُشت‌ها به زهدان‌ها، و از زهدان‌ها به دنیا منتقل شدید و از دنیا به گورها، و از موقف (قیامت) به جاودانگی در بهشت یا دوزخ [انتقال می‌یابید].
۱۲۲۲. امام علی علیه السلام: ای مردم! بدانید که دنیا سرای نیستی است و آخرت، سرای ماندگاری است. پس، از گذرگاه خود، برای اقامتگاهتان توشه بگیرید.
۱۲۲۳. امام علی علیه السلام: در شگفتم از کسی که سرای نیستی را آباد می‌کند و سرای ماندگاری را فرو می‌گذارد!
۱۲۲۴. امام علی علیه السلام: سرای ماندگاری، جایگاه صدیقان و اقامتگاه نیکان و درستکاران است.
۱۲۲۵. امام علی علیه السلام: در نامه‌ای به پسرش حسن علیه السلام: بدان - ای پسر - که تو در حقیقت، برای آخرت آفریده شده‌ای نه برای دنیا، و برای رفتن نه برای ماندن [در این سرای خاکی]، و برای مُردن نه برای زیستن. تو در یک کوچگاه هستی، در سرایی که باید از آن [برای سفر آخرت]، توشه برداری و در راهی منتهی به آخرت.

بُلَغَةٌ^١ وَطَرِيقٌ إِلَى الْآخِرَةِ.^٢

١٢٢٦ . عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّكُمْ إِنَّمَا خُلِقْتُمْ لِلْآخِرَةِ لَا لِلدُّنْيَا ، وَلِلْبَقَاءِ لَا لِلْفَنَاءِ.^٣

١٢٢٧ . عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : غَايَةُ الْآخِرَةِ الْبَقَاءُ.^٤

١٢٢٨ . عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لِكُلِّ شَيْءٍ مِنَ الْآخِرَةِ خُلُودٌ وَبَقَاءٌ.^٥

١٢٢٩ . عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الدُّنْيَا أَمَدٌ ، الْآخِرَةُ أَبَدٌ.^٦

١٢٣٠ . عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَنْبَغِي لِمَنْ أَيْقَنَ بِبَقَاءِ الْآخِرَةِ وَدَوَامِهَا أَنْ يَعْمَلَ لَهَا.^٧

١٢٣١ . عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ - فِي ذِكْرِ حَدِيثِ مِعْرَاجِ النَّبِيِّ ﷺ - : قَالَ اللَّهُ ﷻ : ... يَا أَحْمَدُ ... إِنَّ أَهْلَ الْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ فِي أَجْوَافِهِمْ قَدْ قُرِحَتْ ، يَقُولُونَ : مَتَى نَسْتَرِيحُ مِنْ دَارِ الْفَنَاءِ إِلَى دَارِ الْبَقَاءِ؟^٨

١٢٣٢ . الْإِمَامُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عليه السلام - مِنْ دُعَائِهِ فِي صَلَاةِ اللَّيْلِ - : اللَّهُمَّ إِذَا سَرَرْتَنِي بِعَفْوِكَ ، وَتَعَمَّدْتَنِي بِفَضْلِكَ فِي دَارِ الْفَنَاءِ بِحَضْرَةِ الْأَكْفَاءِ ، فَأَجِرْنِي مِنْ فَضِيحَاتِ دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ ؛ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ ، وَالرُّسُلِ الْمُكْرَمِينَ ،

١ . البُلَغَةُ - بِالضَّمِّ - : الْكَفَايَةُ ؛ وَهُوَ مَا يَكْتَفَى بِهِ فِي الْعَيْشِ ؛ أَي دَارِ عَمَلٍ يَتَبَلَّغُ فِيهَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ وَيُسْتَرَوْدُ (مَجْمَعُ الْبَحْرَيْنِ : ج ١ ص ١٨٧ «بُلَغ»).

٢ . نَهْجُ الْبَلَاغَةِ : الْكِتَابُ ٣١ ، تَحْفُفُ الْعُقُولُ : ص ٧٦ ، كَشَفُ الْمَحْجَةِ : ص ٢٢٨ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبِي الْمَقْدَامِ عَنِ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، خَصَائِصُ الْأَنْعُمَةِ عليه السلام : ص ١١٧ نَحْوَهُ وَلَيْسَ فِيهِ «وَلِلْمَوْتِ لَا لِلْحَيَاةِ» ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج ٧٧ ص ٢٠٥ ح ١ : كَنْزُ الْعَمَالِ : ج ١٦ ص ١٧٣ ح ٤٤٢١٥ تَقْلًا عَنْ وَكِيعٍ وَالْعُسْكُرِيِّ فِي الْمَوَاعِظِ نَحْوَهُ وَلَيْسَ فِيهِ «وَلِلْمَوْتِ لَا لِلْحَيَاةِ».

٣ . غُرَرُ الْحِكْمِ : ح ٣٨٤٣ ، عَيُونُ الْحِكْمِ وَالْمَوَاعِظِ : ص ١٧٤ ح ٣٦٢٩.

٤ . غُرَرُ الْحِكْمِ : ح ٦٣٥٣ ، عَيُونُ الْحِكْمِ وَالْمَوَاعِظِ : ص ٣٢٨ ح ٥٩٠٨.

٥ . غُرَرُ الْحِكْمِ : ح ٧٢٩٨ ، عَيُونُ الْحِكْمِ وَالْمَوَاعِظِ : ص ٢٠٢ ح ٦٧٨٣.

٦ . غُرَرُ الْحِكْمِ : ح ٤ ، عَيُونُ الْحِكْمِ وَالْمَوَاعِظِ : ص ٣٦ ح ٧١٢.

٧ . غُرَرُ الْحِكْمِ : ح ١٠٩٣٤ ، عَيُونُ الْحِكْمِ وَالْمَوَاعِظِ : ص ٥٥٥ ح ١٠٢٢٩.

٨ . بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج ٧٧ ص ٢١ - ٢٥ ح ٦ تَقْلًا عَنْ إِرْشَادِ الْقُلُوبِ .

۱۲۲۶. امام علی علیه السلام: همانا شما برای آخرت آفریده شده‌اید، نه برای دنیا، و برای ماندگاری آفریده شده‌اید، نه برای نابودی.

۱۲۲۷. امام علی علیه السلام: پایان آخرت، ماندگاری است.

۱۲۲۸. امام علی علیه السلام: هر چیز آخرت، جاویدان و ماناست.

۱۲۲۹. امام علی علیه السلام: دنیا موقتی است و آخرت، ابدی.

۱۲۳۰. امام علی علیه السلام: کسی که به ماندگاری و پایداری آخرت یقین دارد، سزاوار است که برای آن کار کند.

۱۲۳۱. امام علی علیه السلام: در حدیث معراج: خداوند تعالی فرمود: «... ای احمد! ... همانا اهل آخرت، دل‌هایشان در درونشان مجروح گشته است و می‌گویند: کی از سرای نیستی آسوده می‌شویم و به سرای ماندگاری می‌رویم؟».

۱۲۳۲. امام زین العابدین علیه السلام: در دعایش در نماز شب: بار خدایا! همچنان که در این سرای رفتنی و در حضور همگان، با گذشت خودت [گناهان] مرا پوشاندی و مرا غرق در فضل و لطف نمودی، از رسوایی‌های سرای ماندگاری، در هنگام ایستادن در محضر فرشتگان مقرب و فرستادگان گرامی و شهدا و نیکان نیز پناهم ده.

وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ.^١

١٢٣٣ . الكافي عن علي بن أسباط عنهم عليه السلام: فيما وعظ الله ﷻ به عيسى عليه السلام : ... يَا بَنَ مَرِيَمَ ، لَوْ رَأَتْ عَيْنُكَ مَا أَعَدَدْتُ لِأَوْلِيَائِي الصَّالِحِينَ ذَابَ قَلْبُكَ وَزَهَقَتْ نَفْسُكَ شَوْقاً إِلَيْهِ ، فَلَيْسَ كَدَارِ الْآخِرَةِ دَارٌ تَجَاوَزُ فِيهَا الطَّيِّبُونَ ، وَيَدْخُلُ عَلَيْهِمْ فِيهَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ ، وَهُمْ مِمَّا يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ أَهْوَالِهَا آمِنُونَ ، دَارٌ لَا يَتَغَيَّرُ فِيهَا النَّعِيمُ وَلَا يَزُولُ عَنْ أَهْلِهَا.^٢

راجع: ج ١ ص ٢٤٠ (حقیقه الدنيا الذميمة / الاغترار بالدنيا).

ج - دَارُ الْحَيَوَانِ

الكتاب

﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَوةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوَ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾.^٣

مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

الحديث

١٢٣٤ . الإمام علي عليه السلام - مِنْ دُعَائِهِ يَوْمَ صَفِّينَ - : اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ ... نَشَاطاً لِذِكْرِكَ مَا اسْتَعْمَرْتَنِي فِي أَرْضِكَ ، فَإِذَا كَانَ مَا لَا بُدَّ مِنْهُ الْمَوْتُ فَاجْعَلْ مِيتَتِي قَتلاً فِي سَبِيلِكَ بِبِدِّ شَرِّ خَلْقِكَ ، وَاجْعَلْ مَصِيرِي فِي الْأَحْيَاءِ الْمَرْزُوقِينَ عِنْدَكَ فِي دَارِ الْحَيَوَانِ.^٤

- ١ . الصحيفة السجادية: ص ١٣١ الدعاء ٣٢ ، مصباح المتجبد: ص ١٩٠ ح ٢٧٢ ، المصباح للكفعمي: ص ٨٣ ، الإقبال: ج ٢ ص ١٥٤ عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢٦٥ .
- ٢ . الكافي: ج ٨ ص ١٣١ - ١٣٥ ح ١٠٣ ، تحف العقول: ص ٤٩٧ ، أعلام الدين: ص ٢٣٠ كلاهما من دون اسناد إلى المعصوم ، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٢٩٣ ح ١٤ .
- ٣ . العنكبوت: ٦٤ . وَالْحَيَوَانُ: الباقية ، أي ليس فيها إلا حياة مستمرة دائمة خالدة لا موت فيها ، فكانها في ذاتها حياة (مجمع البحرين: ج ١ ص ٤٨٣ «حي»).
- ٤ . مهج الدعوات: ص ١٣١ عن سعد بن عبد الله ، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢٣٩ ح ٩ .

۱۲۳۳. الکافی - به نقل از علی بن اسباط، از ائمه علیهم‌السلام :- از جمله اندرزهای خداوند تعالی به عیسی علیه‌السلام این بود که : « ... ای پسر مریم! اگر دیده‌ات آنچه را که برای دوستان در ستکارم آماده ساخته‌ام، می‌دید، دلت از شوق آنها آب می‌شد و جانت بر می‌آمد. سرایی چون سرای آخرت نیست. در آن سرای، پاکان، همسایه یکدیگرند و فرشتگان مقرب بر آنان وارد می‌شوند. آنان از هول و هراس‌های روز قیامت، در امان‌اند. آخرت، سرایی است که در آن، نعمت‌ها دگرگون نمی‌شوند و از کف صاحبان آنها نمی‌روند. »

و. ک. : ج ۱ ص ۲۲۱ (حقیقت دنیای نکوهیده / فریفته شدن به دنیا).

ج- سرای زندگی حقیقی



قرآن

«این زندگی دنیا، جز سرگرمی و بازی نیست و زندگی [حقیقی]، همانا [در] سرای آخرت است، اگر می‌دانستند.»

حدیث

۱۲۳۴. امام علی علیه‌السلام - از دعای ایشان در روز صفین :- بارخدا یا! از تو درخواست می‌کنم ... تا وقتی مرا در زمینت سکونت [و عمر] می‌دهی، همواره به یاد خودت کوشا [یم] بدارم. و هرگاه مرگ - که از آن گریزی نیست - مرا فرا می‌رسد، مردنم را کشته شدن در راه خودت به دست بدترین آفریده‌ات قرار بده، و در آن سرای زندگی [حقیقی]، مرا در میان زندگانی که نزد تو روزی می‌خورند، جای ده.

١٢٣٥ . الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام يَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ ...: أَعُوذُ بِكَ يَا إِلَهِي مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَشَرِّ مَا فِيهَا، لَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا عَلَيَّ سِجْنًا وَلَا فِرَاقَهَا عَلَيَّ حُزْنًا، أَخْرِجْنِي مِنْ فِتْنَتِهَا مَرْضِيًّا عَنِّي، مَقْبُولًا فِيهَا عَمَلِي إِلَى دَارِ الْحَيَوَانِ^١.

١٢٣٦ . عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَشَرِّ أَهْلِهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا، وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا عَلَيَّ سِجْنًا، وَلَا تَجْعَلِ فِرَاقَهَا لِي حُزْنًا، أَجْرِنِي مِنْ فِتْنَتِهَا، وَاجْعَلْ عَمَلِي فِيهَا مَقْبُولًا وَسَعْيِي فِيهَا مَشْكُورًا، حَتَّى أَصِلَ بِذَلِكَ إِلَى دَارِ الْحَيَوَانِ وَمَسَاكِينِ الْأَخْيَارِ^٢.

راجع: ج ١ ص ١٧٢ ح ٢٣١.

د - دَارُ الْحَقِّ

الكتاب

﴿ذَلِكَ أَلْيَوْمُ الْحَقِّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ مَلَابًا﴾^٣

الحديث

١٢٣٧ . رسول الله صلى الله عليه وآله - فِي خُطْبَةٍ لَهُ - : أَيُّهَا النَّاسُ ! إِنَّمَا الدُّنْيَا عَرَضٌ^٤ حَاضِرٌ يَأْكُلُ مِنْهَا الْبَرُّ وَالْفَاجِرُ، وَالْآخِرَةُ وَعْدٌ صَادِقٌ يَحْكُمُ فِيهَا مَلِكٌ عَادِلٌ، يُحَقِّقُ فِيهَا الْحَقَّ وَيُبْطِلُ الْبَاطِلَ^٥.

١ . الكافي: ج ٢ ص ٥٥٤ ح ١٣ عن أبي بصير، جمال الأسبوع: ص ٢٣٤، مصباح المتعبد: ص ٣٥١ ح ٤٦٦ كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٠ ص ٤٠١ ح ١.

٢ . الإقبال: ج ١ ص ١٣٤ عن هارون بن موسى التلعكبري، جمال الأسبوع: ص ٢٤١ عن أبي يحيى الصنعاني عن الإمام الباقر عن الإمام زين العابدين عليه السلام نحوه، مصباح المتعبد: ص ٣٩٤، البلد الأمين: ص ٧٦ وفيهما ذيله من «لا تجعل الدنيا ...» نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٧ ص ٣٣٨ ح ١.

٣ . النبأ: ٣٩.

٤ . العرض - بالتحريك -: متاع الدنيا وخطامها (النهاية: ج ٣ ص ٢١٤ «عرض»).

٥ . السنن الكبرى: ج ٣ ص ٢٠٦ ح ٥٨٠٧، المعجم الكبير: ج ٧ ص ٢٨٨ ح ٧١٥٨، حلية الأولياء: ج ١ ص ٢٦٤ ح ٤١ وفيهما «قادر» بدل «عادل» وكلها عن شذاد بن أوس، تاريخ دمشق: ج ٤٢ ص ٤٩٧ عن أوفى بن دهم عن الإمام علي عليه السلام نحوه، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٣٣ ح ٦٣١٠.

۱۲۳۵. امام صادق علیه السلام: علی بن الحسین (امام زین العابدین) علیه السلام این دعا را می‌خواند...:

«معبود من! از شر دنیا و از شر هر آنچه در دنیا است، به تو پناه می‌برم. دنیا را بر من، زندان مگردان و جدایی از آن را مایه اندوهم قرار مده. مرا از فتنه سرای دنیا چنان به سرای زندگی [حقیقی] ببر که از من خشنود باشی و اعمالم در آن، پذیرفته شده باشد».

۱۲۳۶. امام صادق علیه السلام: بارخدایا! از شر دنیا و شر اهل دنیا و شر آنچه در دنیا است، به تو

پناه می‌برم. بارخدایا! دنیا را بر من، زندان مگردان و جدایی از آن را مایه اندوهم مساز. از فتنه دنیا پناهم بده و اعمالم در آن را پذیرفته درگاهت و تلاش‌هایم را مورد قدردانی خود قرار بده تا بدین وسیله به سرای زندگی [حقیقی] و سکونتگاه نیکان، نایل آیم».



مرکز تحقیقات علوم دینی

د - سرای حق

قرآن

«آن [روز]، روز حق است. پس، هر که می‌خواهد، راه بازگشتی به سوی پروردگار خود بجوید».

حدیث

۱۲۳۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در یکی از خطبه‌هایش - ای مردم! دنیا متاعی نقد است که

نیک و بد، از آن می‌خورند، و آخرت، وعده‌ای راست است که در آن، پادشاهی دادگر، حکومت (/قضاوت) می‌کند و در آن، احقاق حق می‌نماید و بر باطل، مهر ابطال می‌زند.

١٢٣٨ . الإمام علي عليه السلام: الدُّنْيَا عَرَضٌ حَاضِرٌ يَأْكُلُ مِنْهُ الْبَرُّ وَالْفَاجِرُ، وَالْآخِرَةُ دَارُ حَقٍّ يَحْكُمُ فِيهَا مَلِكٌ قَادِرٌ.^١

هـ - دَارُ الْيَقَظَةِ

١٢٣٩ . الإمام زين العابدين عليه السلام: الدُّنْيَا سِنَةٌ^٢ وَالْآخِرَةُ يَقَظَةٌ، وَنَحْنُ بَيْنَهُمَا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ^٣.

و - دَارُ الْيَقِينِ

١٢٤٠ . دعائم الإسلام: رُوِيَ عَنْ بَعْضِ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: النَّاسُ فِي دَارِ غَفْلَةٍ يَعْمَلُونَ وَلَا يَعْلَمُونَ، وَيَكْسِبُونَ وَيَقْتَرِفُونَ مِنْ حَيْثُ لَا يَدْرُونَ، فَإِذَا صَارُوا إِلَى دَارِ الْآخِرَةِ صَارُوا إِلَى دَارٍ يَقِينٍ يَعْلَمُونَ وَلَا يَعْمَلُونَ.^٥

ز - دَارُ الْجَزَاءِ

١٢٤١ . رسول الله صلى الله عليه وآله: أَلَا وَإِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الدُّنْيَا دَارَ بَلْوَى، وَالْآخِرَةَ دَارَ عُقْبَى، فَجَعَلَ بَلْوَى الدُّنْيَا لِثَوَابِ الْآخِرَةِ سَبَبًا، وَثَوَابِ الْآخِرَةِ مِنْ بَلْوَى الدُّنْيَا عَوَضًا، فَيَأْخُذُ لِيُعْطِيَ، وَيَبْتَلِي لِيَجْزِيَ، وَإِنَّهَا لَسَرِيعَةُ الذَّهَابِ، وَوَشِيكَةُ الْإِنْقِلَابِ، فَاحْذَرُوا حَلَاوَةَ رِضَاعِهَا لِمَرَارَةِ فِطَامِهَا.^٦

١٢٤٢ . عنه عليه السلام: مَا جَعَلَ اللَّهُ ﷻ فِي الْآخِرَةِ غَيْرَ دَارَيْنِ: دَارَ الثَّوَابِ وَدَارَ الْعِقَابِ؛ الْجَنَّةُ

١. غرر الحكم: ج ١٩٣٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٨ ح ١٢٨٠.

٢. السُّنَّةُ: شِدَّةُ النَّوْمِ، أَوْ أَوَّلُهُ (القاموس المحيط: ج ٤ ص ٢٧٥ «وَسَن»).

٣. أَضْغَاثُ الْأَحْلَامِ: الرُّؤْيَا الَّتِي لَا يَصْحُ تَأْوِيلُهَا لِاخْتِلَاطِهَا (الصحاح: ج ١ ص ٢٨٥ «ضَغْث»).

٤. تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢٤؛ شرح نهج البلاغة: ج ٢٠ ص ٣٢٦ ح ٧٣٧ عن الإمام علي عليه السلام وفيه «حلم» بدل «سنة».

٥. دعائم الإسلام: ج ١ ص ١٦٨.

٦. أعلام الدين: ص ٢٤٤ عن ابن عمر، تحف العقول: ص ٤٨٣ عن الإمام الهادي عليه السلام وفيه صدره إلى «الدنيا عوضاً»، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٨٦؛ الفردوس: ج ٥ ص ٢٨١ ح ٨١٨٦ عن ابن عمر وليس فيه «وإنها لسريعة الذهاب، ووَشِيكَةُ الْإِنْقِلَابِ»، كنز العمال: ج ٣ ص ٢١١ ح ٦٢٠٣.

۱۲۳۸. امام علی علیه السلام: دنیا متاعی نقد است که نیک و بد، از آن استفاده می‌کنند، و آخرت، سرای حق است که پادشاهی مقتدر در آن حکم می‌راند.

هـ- سرای بیداری

۱۲۳۹. امام زین العابدین علیه السلام: دنیا خواب است و آخرت، بیداری، و ما [در فاصله] میان این دو، خواب‌هایی آشفته می‌بینیم.

و- سرای یقین

۱۲۴۰. دعائم الإسلام: از یکی از ائمه علیهم السلام روایت شده است که: «مردم در سرای غفلت به سر می‌برند؛ سرایی که در آن عمل می‌کنند، ولی [به حقایق آن و فرجام اعمال آن] علم ندارند و ندانسته عمل می‌کنند و مرتکب [هرکاری] می‌شوند. و چون به سرای آخرت روند، به سرای یقین رفته‌اند؛ سرایی که در آن، علم دارند، ولی [دیگر] عمل نمی‌توانند بکنند».

ز- سرای سزا

۱۲۴۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بدانید که خداوند تعالی دنیا را سرای گرفتاری و آخرت را سرای مُجازات قرار داد. گرفتاری دنیا را سبب پاداش آخرت کرد و پاداش آخرت، عوض گرفتاری دنیا است. می‌گیرد تا بدهد و گرفتار می‌کند تا جزا دهد. دنیا، زوال شتابانی دارد و به سرعت، دگرگونی می‌پذیرد. از شیرینی شیر آن، به خاطر تلخی جدایی‌اش بر حذر باشید.

۱۲۴۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند تعالی در آخرت، جز دو سرا قرار نداده است: سرای

وَالنَّارَ، وَهُمَا دَرَجَاتٌ.^١

١٢٣٣. الإمام علي عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - وَعَزَّ وَجَلَّ قَسَمَ الدُّنْيَا لِلْبَلَاءِ، وَقَسَمَ
الْآخِرَةَ لِلْجَزَاءِ.^٢

١٢٣٤. عنه عليه السلام: فِي الْآخِرَةِ حِسَابٌ وَلَا عَمَلٌ.^٣

١٢٣٥. عنه عليه السلام: - مِنْ كِتَابِهِ إِلَى مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي بَكْرٍ لَمَّا وَلَّاهُ مِصْرَ - : الدُّنْيَا دَارُ بَلَاءٍ،
وَالْآخِرَةُ دَارُ الْجَزَاءِ وَدَارُ الْبَقَاءِ؛ فَاعْمَلْ لِمَا يَبْقَى، وَاعْدِلْ عَمَّا يَفْنَى، وَلَا تَتَسَّ
نَصِيكَ مِنَ الدُّنْيَا.^٤

١٢٣٦. عنه عليه السلام: الدُّنْيَا مَنِيَّةُ الْأَشْقِيَاءِ، الْآخِرَةُ فَوْزُ السُّعَدَاءِ.^٥

١٢٣٧. الإمام العسكري عليه السلام: - فِي التَّفْسِيرِ الْمُنْسُوبِ إِلَيْهِ، فِي قَوْلِهِ تَعَالَى : «وَمَا كَانَ اللَّهُ
مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ»^٦ - : يُظْهِرُونَ التَّوْبَةَ وَالْإِنَابَةَ؛ فَإِنَّ مِنْ حُكْمِهِ فِي الدُّنْيَا
أَنْ يَأْمُرَكَ بِقَبُولِ الظَّاهِرِ وَتَرْكِ التَّفْتِيشِ عَنِ الْبَاطِنِ؛ لِأَنَّ الدُّنْيَا دَارُ إِمْهَالٍ
وإِنظَارٍ، وَالْآخِرَةُ دَارُ الْجَزَاءِ بِلا تَعَبُدٍ.^٧

ح - دَارٌ مُحَفَّوْفَةٌ بِالْمَكَارِهِ

١٢٣٨. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَلَا إِنَّ الْآخِرَةَ الْيَوْمَ مُحَقَّقَةٌ بِالْمَكَارِهِ، وَإِنَّ الدُّنْيَا مُحَقَّقَةٌ

١. دعائم الإسلام: ج ١ ص ٢٥.

٢. الجعفریات: ص ٢٤٠ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليه السلام.

٣. غرر الحكم: ح ٦٤٩٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٥٤ ح ٥٩٧٧.

٤. الأُمالي للمفيد: ص ٢٦٨ ح ٣، الأُمالي للطوسي: ص ٣٠ ح ٣١ بزيادة «ودار فناء» بعد «دار بلاء» وكلاهما عن
أبي إسحاق الهمداني، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٣٩٠ ح ١١.

٥. غرر الحكم: ح ٦٩٤ و ٦٩٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٤ ح ٢٣٣ و ٢٣٢ وفيه «فتنة» بدل «منية».

٦. الأنفال: ٣٣.

٧. التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص ٦٣٣، بحار الأنوار: ج ٤٢ ص ٢٢ ح ١٤.

- پاداش و سرای کیفر [یعنی] بهشت و دوزخ. و این دو، درجات دارند.
۱۲۴۳. امام علی علیه السلام: خداوند متعال تعالی دنیا را برای آزمایش، معین کرد و آخرت را برای سزا دادن.
۱۲۴۴. امام علی علیه السلام: در آخرت، حسابرسی است و عمل در کار نیست.
۱۲۴۵. امام علی علیه السلام: در نامه‌اش به محمد بن ابی بکر، آن‌گاه که او را به حکومت مصر گماشت: دنیا سرای آزمایش [و عمل] است و آخرت، سرای سزا دیدن و خانه ماندگاری است. پس برای آنچه ماندگار است، کار کن و از آنچه نابود می‌شود، روی بگردان و [در عین حال]، بهره‌ات از دنیا را فراموش مکن.
۱۲۴۶. امام علی علیه السلام: دنیا آرزوی تیره‌بختان است؛ آخرت، کامیابی نیک‌بختان است.
۱۲۴۷. امام عسکری علیه السلام: در تفسیر منسوب به ایشان درباره آیه شریف: ﴿وَتَأْتِيَ الْأَنْفُسَ زُجُجَهَا﴾: طلب آمرزش می‌کنند، خدا عذاب کننده آنان نخواهد بود: یعنی اظهار توبه و انابه می‌کنند؛ زیرا از احکام خداوند در دنیا، این است که تو را به پذیرفتن ظاهر و جستجو نکردن از باطن، امر می‌فرماید؛ چون دنیا سرای مهلت و فرصت است، و آخرت، سرای سزاست و نه عبادت و عمل.

ح- سرای محصور در ناملايمات

۱۲۴۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بدانید که آخرت، امروز، با ناملايمات در میان گرفته شده است

بالشَّهوات^١.

راجع: ج ١ ص ٥٤ (خصائص الدنيا / محفوفة بالشهوات).

ط - دَارُ أَحْوَالِهَا تَتَّبِعُ الْإِسْتِحْقَاقَ

١٢٣٩. رسول الله ﷺ: إِنَّهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى يُعْطِي الدُّنْيَا لِمَنْ يُحِبُّ وَيُبْغِضُ، وَلَا يُعْطِي الْآخِرَةَ إِلَّا أَهْلَ صِفَوَاتِهِ وَمَحَبَّتِهِ^٢.

١٢٥٠. الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ ﷻ يُعْطِي الدُّنْيَا مَنْ يُحِبُّ وَيُبْغِضُ، وَلَا يُعْطِي الْآخِرَةَ إِلَّا مَنْ أَحَبَّ^٣.

١٢٥١. الإمام علي عليه السلام: الدُّنْيَا بِالْإِتِّفَاقِ، الْآخِرَةُ بِالْإِسْتِحْقَاقِ^٤.

١٢٥٢. عنه عليه السلام: أَحْوَالُ الدُّنْيَا تَتَّبِعُ الْإِتِّفَاقَ، وَأَحْوَالُ الْآخِرَةِ تَتَّبِعُ الْإِسْتِحْقَاقَ^٥.

راجع: ج (ص ٢١٢) معرفة الدنيا الذميمة / إقبال الدنيا وإدبارها.

ي - دَارُ مُحِيطَةٍ بِالدُّنْيَا

١٢٥٣. الإمام علي عليه السلام - لِلْجَائِلِيقِ^٦ وَقَدْ سَأَلَهُ عَنِ الْجَنَّةِ أَفِي الدُّنْيَا هِيَ أَمْ فِي الْآخِرَةِ؟
وَأَيْنَ الْآخِرَةُ مِنَ الدُّنْيَا؟ -: الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ وَالْآخِرَةُ مُحِيطَةٌ بِالدُّنْيَا، إِذْ كَانَتْ

١. المعجم الكبير: ج ١٩ ص ٢٠٠ ح ٤٤٩، أسد الغابة: ج ٤ ص ٢٧٠ الرقم ٤٤٩٨ وفيه «النار» بدل «الدنيا» وكلاهما عن كليب بن حزن، كنز العمال: ج ١٥ ص ٩٣١ ح ٤٢٥٩٧ نقلًا عن الأمالي لابن صصري عن عبدالله بن جرّاد نحوه.

٢. أعلام الدين: ص ٢٧٧، بحار الأنوار: ج ٨١ ص ١٩٥ ح ٥٢.

٣. فضائل الشيعة: ص ٧١ ح ٣٢، التمهيد: ص ٥١ ح ٩٢ كلاهما عن محمد بن مسلم، المؤمن: ص ٢٧ ح ٤٧، بحار الأنوار: ج ٩٣ ص ٣٦٨ ح ٢.

٤. غرر الحكم: ح ٢٢٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٧ ح ٣٦٣ و ٣٦٤.

٥. غرر الحكم: ح ٢٠٣٦.

٦. الجائليق: رئيس النصاري في بلاد الإسلام (مجمع البحرين: ج ١ ص ٢٧٠ «جئلق»).

و دنیا با شهوات، احاطه گشته است.

ر. ک: ج ۱ ص ۵۵ (ویژگی های دنیا / احاطه شده به شهوات).

ط - سرایی که احوال آن، تابع شایستگی است

۱۲۴۹. پیامبر خدا ﷺ: خداوند پاکِ والا، دنیا را به دوست و دشمن می دهد؛ اما آخرت را جز به کسانی که برگزیده و محبوب او باشند، نمی دهد.

۱۲۵۰. امام باقر ع: خداوند، دنیا را به دوست و دشمنش می دهد؛ اما آخرت را جز به کسی که دوستش می دارد، نمی دهد.

۱۲۵۱. امام علی ع: دنیا بر حسب اتفاق است و آخرت بر حسب استحقاق (شایستگی) است.

۱۲۵۲. امام علی ع: احوال دنیا، تابع اتفاق است و احوال آخرت، تابع شایستگی است.

ر. ک: ج ۱ ص ۲۱۲ (شناخت دنیای نکو هیبه / اقبال و انبار دنیا).

ی - سرای محیط بر دنیا

۱۲۵۳. امام علی ع: در پاسخ جاثلیق^۱ که پرسید: آیا بهشت در همین دنیا است، یا در آخرت است؟ و آخرت در کجای دنیا است؟ - : دنیا در [دل] آخرت است و آخرت، محیط بر دنیا است؛ زیرا که انتقال از زندگی به مرگ، آشکار است

۱. رئیس مسیحیان در کشورهای اسلامی آن روزگار (مجمع البحرین: ج ۱ ص ۲۷۰).

النُّقْلَةُ مِنَ الْحَيَاةِ إِلَى الْمَوْتِ ظَاهِرَةٌ، وَكَانَتْ الْآخِرَةُ هِيَ دَارُ الْحَيَوَانِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ؛ وَذَلِكَ أَنَّ الدُّنْيَا نُقْلَةٌ وَالْآخِرَةُ حَيَاةٌ وَمَقَامٌ، مَثَلُ ذَلِكَ كَالنَّائِمِ؛ وَذَلِكَ أَنَّ الْجِسْمَ يَنَامُ، وَالرُّوحَ لَا تَنَامُ، وَالْبَدَنَ يَمُوتُ وَالرُّوحَ لَا تَمُوتُ^١، قَالَ اللَّهُ ﷻ: ﴿وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾^٢.

وَالدُّنْيَا رَسْمُ الْآخِرَةِ وَالْآخِرَةُ رَسْمُ الدُّنْيَا^٣، وَلَيْسَ الدُّنْيَا الْآخِرَةُ وَلَا الْآخِرَةُ الدُّنْيَا. إِذَا فَارَقَ الرُّوحُ الْجِسْمَ يَرْجِعُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا إِلَى مَا مِنْهُ بَدَأَ وَمَا مِنْهُ خُلِقَ، وَكَذَلِكَ الْجَنَّةُ وَالنَّارُ فِي الدُّنْيَا مَوْجُودَةٌ وَفِي الْآخِرَةِ؛ لِأَنَّ الْعَبْدَ إِذَا مَاتَ صَارَ فِي دَارٍ مِنَ الْأَرْضِ؛ إِمَّا رَوْضَةٍ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، وَإِمَّا بُقْعَةٍ مِنْ بَقَاعِ النَّارِ، وَرُوحُهُ إِلَى أَحَدِ دَارَيْنِ؛ إِمَّا فِي دَارِ نَعِيمٍ مُقِيمٍ لَا يَمُوتُ فِيهَا، وَإِمَّا فِي دَارِ عَذَابٍ أَلِيمٍ لَا يَمُوتُ فِيهَا، وَالرَّسْمُ لِمَنْ عَقَلَ مَوْجُودٌ وَاضِحٌ، وَقَدْ قَالَ اللَّهُ ﷻ: ﴿كَأَلَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ * لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ * ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ * ثُمَّ لَتَسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾^٤ وَعَنِ الْكَافِرِينَ، فَقَالَ: إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شُغْلٍ عَنِ ذِكْرِي، وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا^٥، وَلَوْ عَلِمَ الْإِنْسَانُ مَا هُوَ فِيهِ مَاتَ خَوْفًا مِنَ الْمَوْتِ، وَمَنْ نَجَا فَبِفَضْلِ الْيَقِينِ^٦.

راجع: ج ١ ص ٢٢ (خصائص الدنيا).

١. في المصدر: «يموت»، والتصويب من بحار الأنوار.

٢. العنكبوت: ٦٤.

٣. الرسم: تمثيل الشيء يطلق على ما يقابل الحقيقة كقول الشاعر: «أرى ودكم رسماً وودّي حقيقة» والظاهر أن المراد أن الدنيا تمثيل الآخرة والآخرة تمثيل الدنيا، فيكون مثل قوله سبحانه وتعالى: ﴿وَأَتُوا بِهِ مُسْتَشْنِيهَا﴾ (البقرة: ٢٥).

٤. التكاثر: ٥-٨.

٥. إشارة إلى الآية: ١٠١ من سورة الكهف.

٦. إرشاد القلوب: ص ٣٠٩ عن سلمان، بحار الأنوار: ج ٣٠ ص ٧٢ ح ١.

و در واقع، این آخرت است که سرای زندگانی است. ای کاش مردم می‌دانستند که دنیا گذرگاه است و آخرت، زندگی و اقامتگاه! حکایت آن، حکایت شخص خفته است: جسم می‌خوابد؛ اما روح نمی‌خوابد. [همین طور] بدن می‌میرد؛ اما روح نمی‌میرد. خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿و سرای آخرت، سرای زندگانی است. ای کاش می‌دانستند!﴾.

دنیا نمادِ (مثال) آخرت است و آخرت، نمادِ دنیا است. نه دنیا، [خود] آخرت است و نه آخرت، دنیا است. هرگاه روح از بدن جدا شود، هر یک از آن دو، به آن جایی که از آن شروع شده و آفریده شده است، باز می‌گردد.

بهشت و دوزخ نیز، هم در دنیا موجودند و هم در آخرت؛ زیرا که بنده، هرگاه بمیرد، به خانه‌ای در زمین می‌رود که یا باغی از باغ‌های بهشت است و یا سرزمینی از سرزمین‌های دوزخ. و روحش نیز به یکی از دو سرای می‌رود: یا به سرای پر نعمتِ مانا که در آن نمی‌میرد و یا به سرای عذابی دردناک که در آن [تیز] نمی‌میرد.

تمثیل (تشابه میان دنیا و آخرت)، برای کسی که خردمند است، موجود و آشکار است. خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿هرگز چنین نیست! اگر علم الیقین دارید، به یقین، دوزخ را می‌بینید. سپس آن را قطعاً به عین الیقین درمی‌یابید. سپس در همان روز است که از نعمت [روی زمین] پرسیده خواهید شد﴾.

و درباره کافران می‌فرماید: «آنان از یاد من غافل بودند و توانایی شنیدن [حق را] نداشتند.^۱ اگر انسان می‌دانست که پس از مرگ، چه خبر است، از ترسِ مرگ می‌مُرد، و هر کس نجات یابد، به برکت یقین است».

و.ک: ج ۱ ص ۲۲ (ویژگی‌های دنیا).

۱. اشاره است به آیه ۱۰۱ از سوره کهف.

الفصل الثاني

الإهتمام بالآخرة

١ / ٢

الحديث على الإهتمام بالآخرة

الكتاب

«وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا»^١.

الحديث

١٢٥٢ . رسول الله ﷺ : اجعلوا همّتكم الآخرة ، لا يتفقد فيها ثواب المرضي عنه ، ولا ينقطع فيها عقاب المسخوط عليه^٢.

١٢٥٥ . عنه ﷺ : اجعلوا آخرتكم لأنفسكم ، وسعيكم لمستقرّكم^٣.

١٢٥٦ . عنه ﷺ : اللهم لا عيش إلا عيش الآخرة^٤.

١ . الإسراء : ١٩ .

٢ . أعلام الدين : ص ٣٢٢ ح ٣٠ عن أنس ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ١٨٥ ح ١٠ .

٣ . أعلام الدين : ص ٣٤٠ ح ٢٦ عن أبي أيوب الأنصاري ، بحار الأنوار : ج ٧٧ ص ١٨٢ ح ١٠ .

٤ . صحيح البخاري : ج ٥ ص ٢٣٥٧ ح ٦٠٥٠ ، صحيح مسلم : ج ٣ ص ١٤٣١ ح ١٢٧ ، سنن الترمذي : ج ٥ ص ٦٩٤ ح ٣٨٥٧ ، مسند ابن حنبل : ج ٤ ص ٢٤٢ ح ١٢٧٥٧ كلها عن أنس ، كنز العمال : ج ٣ ص ٣٧٩ ح ٧٠٣٨ : المتألق لابن شهر آشوب : ج ١ ص ١٨٥ ، بحار الأنوار : ج ١٩ ص ١٢٤ ح ٩ .

فصل دوم

اهتمام به آخرت



قرآن

«و کسانی که خواهان آخرت باشند و نهایت کوشش را برای آن بکنند، در حالی که مؤمن‌اند، آنان‌اند که تلاششان مورد قدردانی واقع خواهد شد».

حدیث

۱۲۵۴. پیامبر خدا ﷺ: همت خود را آخرت قرار دهید؛ آخرتی که در آن، پاداش کسی که مورد رضایت [الهی] است، پایان نمی‌یابد و کیفر (مجازات) شخصی که مورد خشم [خداوند] است، قطع نمی‌گردد.

۱۲۵۵. پیامبر خدا ﷺ: آخرتتان را وجهه همت خود، و تلاشتان را برای محل استقرار [همیشگی]تان قرار دهید.

۱۲۵۶. پیامبر خدا ﷺ: به خدا که زندگی‌ای جز زندگی آخرت نیست.

١٢٥٧ . صحيح البخاري عن انس - في أحداث غزوة الخندق - : جَعَلَ الْمُهَاجِرُونَ وَالْأَنْصَارُ يَحْفِرُونَ الْخَنْدَقَ حَوْلَ الْمَدِينَةِ، وَيَنْقُلُونَ التُّرَابَ عَلَى مُتُونِهِمْ وَهُمْ يَقُولُونَ:

نَحْنُ الَّذِينَ بَايَعُوا مُحَمَّدًا عَلَى الْإِسْلَامِ مَا بَقِينَا أَبَدًا
قَالَ: يَقُولُ النَّبِيُّ ﷺ وَهُوَ يُجِيبُهُمْ: «اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا خَيْرَ إِلَّا خَيْرُ الْآخِرَةِ، فَبَارِكْ
لِلْأَنْصَارِ وَالْمُهَاجِرَةِ»^١.

١٢٥٨ . الإمام علي عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا دَنِيَّةٌ خُلِقَتْ لِلْفَنَاءِ، وَالْخَيْرُ خَيْرُ الْآخِرَةِ، فَإِنَّهَا خُلِقَتْ
لِلْبَقَاءِ^٢.

١٢٥٩ . عنه عليه السلام: إِنَّكُمْ إِلَى الْآخِرَةِ صَائِرُونَ، وَعَلَى اللَّهِ مَعْرُضُونَ^٣.
١٢٦٠ . عنه عليه السلام: إِنَّمَا الْحَازِمُ مَنْ كَانَ بِنَفْسِهِ كُلِّ شُعْلَةٍ، وَلِدِينِهِ كُلِّ هَمٍّ، وَلِآخِرَتِهِ كُلِّ
جِدٍّ^٤.

١٢٦١ . عنه عليه السلام: هُمُ الْمُؤْمِنِ لِآخِرَتِهِ، وَكُلُّ جِدٍّ لِمُنْقَلَبِهِ^٥.
١٢٦٢ . عنه عليه السلام: إِنَّكُمْ إِلَى الْإِهْتِمَامِ بِمَا يَصْحَبُكُمْ إِلَى الْآخِرَةِ أَحْوَجُ مِنْكُمْ إِلَى كُلِّ
مَا يَصْحَبُكُمْ مِنَ الدُّنْيَا^٦.

١ . صحيح البخاري: ج ٤ ص ١٥٠٤ ح ٢٨٧٤، صحيح مسلم: ج ٣ ص ١٤٣٢ ح ١٣٠، مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٢٣٩ ح ١٢٧٣٢، المصنف لابن أبي شيبة: ج ٧ ص ٥٤٣ ح ٢٢ كلها نحوه، المستدرک علی الصحیحین: ج ٤ ص ١٣١ ح ٧١٢٣، كنز العمال: ج ١٠ ص ٤٥٦ ح ٣٠١٠٤.

٢ . المناقب للخوارزمي: ص ٢٤٧.

٣ . غرر الحكم: ح ٢٨٢١، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٧٤ ح ٣٦١٥.

٤ . غرر الحكم: ح ٣٨٩٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٧٩ ح ٣٦٧٥.

٥ . غرر الحكم: ح ١٠٠٥٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥١١ ح ٩٣١٠.

٦ . غرر الحكم: ح ٣٨٣٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٧٤ ح ٣٦١٧.

۱۲۵۷. صحیح البخاری - به نقل از آنس، در رویدادهای جنگ خندق -: مهاجران و انصار، شروع به کندن خندق بر گرد مدینه کردند و خاک آن را بر پشت خود می بردند و در همان حال، این بیت را می خواندند:

ماییم آنان که با محمد بیعت کردند / بر اسلام، تا زنده ایم و تا ابد.
پیامبر ﷺ نیز در جواب آنان می فرمود: «به خدا که خیری جز خیر آخرت نیست. خدایا! به انصار و مهاجران، برکت بده».

۱۲۵۸. امام علی علیه السلام: دنیا پست است و برای نیست شدن آفریده شده است. و خیر، خیر آخرت است؛ زیرا که آخرت برای ماندگاری آفریده شده است.

۱۲۵۹. امام علی علیه السلام: شما به سوی آخرت ره سپارید و به پیشگاه خداوند بَرده می شوید.

۱۲۶۰. امام علی علیه السلام: دورانیش واقعی، کسی است که تمام مشغولیتش به [اصلاح] نفسش، تمام همتش برای دینش، و تمام تلاشش برای آخرتش باشد.

۱۲۶۱. امام علی علیه السلام: هم و غم مؤمن، برای آخرتش است و تمام کوشش او برای بازگشتگاهش است.

۱۲۶۲. امام علی علیه السلام: شما به اهتمام ورزیدن به آنچه تا آخرت همراهتان است، نیازمندترید تا به آنچه در دنیا با شماست.

١٢٦٣ . عنه عليه السلام: اجعل همك وجدك لآخرتك^١.

١٢٦٤ . عنه عليه السلام: اجعل همك لآخرتك و حزنك على نفسك؛ فكم من حزين وقد به حزنه على سرور الأبد، وكم من مهموم أدرك أمله^٢.

١٢٦٥ . عنه عليه السلام - في خطبة له -: أمّا بعد؛ فإن الدنيا أدبرت و آذنت بوداع، وإن الآخرة قد أقبلت و أشرفت بإطلاع، ألا وإن اليوم المضمار^٣ و غداً السباق ... ألا وإنكم في أيام أمل من ورائه أجل ... فمن عمل في أيام أمليه قبل حضور أجله؛ فقد نفعه عمله و لم يضره أجله، و من قصر في أيام أمليه قبل حضور أجله؛ فقد خسر عمله و ضره أجله^٤.

١٢٦٦ . عنه عليه السلام: أعرضوا عن كل عمل يكمل غنى عنه، و اشغلوا أنفسكم من أمر الآخرة بما لا بد لكم منه^٥.

١٢٦٧ . عنه عليه السلام - في قول الله تعالى: ﴿وَلَا تَنسَ نَفْسِكَ مِنَ الدُّنْيَا﴾^٦ -: لا تنس صحتك وقوتك و فراغك و شبابك و نشاطك أن تطلب بها الآخرة^٧.

- ١ . غرر الحكم: ج ٢٢٨٨، عيون الحكم و المواعظ: ص ٧٨ ح ١٨٧٩ و فيه هكذا «اجعل همك لمعادك تصلح».
- ٢ . غرر الحكم: ج ٢٤٥٣، عيون الحكم و المواعظ: ص ٧٦ ح ١٨٤٢.
- ٣ . أي اليوم العمل في الدنيا للاستباق في الجنة. و البضمار: الموضع الذي تضمر فيه الخيل، و تضمير الخيل: هو أن يظهر عليها بالعلف حتى تسمن، ثم لا تعلق إلا قوتاً لتخف (النهاية: ج ٣ ص ٩٩ «ضم»).
- ٤ . نهج البلاغة: الخطبة ٢٨، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٥١٦ ح ١٤٨٢ و فيه صدره إلى «السباق».
- الإرشاد: ج ١ ص ٢٣٥ كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٤١٧ ح ٣٩؛ مطالب السؤول: ص ٥٨، تاريخ دمشق: ج ٤٢ ص ٤٩٧ نحوه، كنز العمال: ج ١٦ ص ٢٠٢ ح ٤٤٢٢٥.
- ٥ . غرر الحكم: ج ٢٥٥٨، عيون الحكم و المواعظ: ص ٩٢ ح ٢١٥٨.
- ٦ . القصص: ٧٧.
- ٧ . معاني الأخبار: ص ٣٢٥ ح ١، الأمالي للصدوق: ص ٢٩٩ ح ٣٣٦، الجعفریات: ص ١٧٦ كلها عن إسماعيل عن أبيه الإمام الكاظم عن آياته عليه السلام، الدعوات: ص ١٢٢ ح ٢٩٩ بزيادة «و غناك» بعد «نشاطك»، روضة الواعظين: ص ٥١٨، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ١٧٧ ح ١٨.

۱۲۶۳. امام علی علیه السلام: همت و تلاشت را برای آخرت قرار بده.

۱۲۶۴. امام علی علیه السلام: همت خود را متوجه آخرت کن و اندوهت را بر خودت قرار ده؛ زیرا بسا اندوهناکی که اندوهش، او را به شادی ابد رساند و بسا [دلوپس و] غم زده‌ای که به آرزوی خود رسید.

۱۲۶۵. امام علی علیه السلام: در یکی از خطبه‌هایش: دنیا پشت نموده و اعلام بدرود کرده است و آخرت، روی آورده و در آستانه ورود است. بدانید که امروز، روز آماده شدن است و فردا هنگام مسابقه بدانید که شما در روزهای امید و آرزویی هستید که از پس آن، مرگ است پس، هر که در روزهای امیدواری‌اش، پیش از آن که مرگش فرارسد، کار کند، کارش او را سود می‌بخشد و مُردنش او را زیان نمی‌رساند، و هر کس در ایام امیدواری‌اش، پیش از فرارسیدن اجلش، کوتاهی ورزد، زیانکار می‌شود و مرگش به او زیان می‌رساند.

مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

۱۲۶۶. امام علی علیه السلام: از هر کاری که شما را بدان نیازی نیست، روی بگردانید و از کار آخرت، به آنچه شما را گزیری از آن نیست، بپردازید.

۱۲۶۷. امام علی علیه السلام: درباره آیه شریف: ﴿و بهره‌ات را از دنیا، فراموش مکن﴾:- بهره‌گیری از تن‌درستی و توانایی و فراغت و جوانی و نیرویت را در راه تحصیل آخرت، فراموش مکن.

١٢٦٨ . عنه عليه السلام: اجعل لآخرتك من دنياك نصيباً^١.

١٢٦٩ . عنه عليه السلام: طوبى لمن وفق لإطاعته، وحسنت خليفته، وأحرز أمر آخرته^٢.

١٢٧٠ . عنه عليه السلام: إن أفضل الناس عند الله من أحياء عقله، وأمات شهوته، وأتعب نفسه لإصلاح آخرته^٣.

١٢٧١ . عنه عليه السلام: كن في الدنيا بينك، وفي الآخرة بقلبك^٤.

١٢٧٢ . عنه عليه السلام - في الحكم المنسوبة إليه -: الذي يستحق اسم السعادة على الحقيقة سعادة الآخرة، وهي أربعة أنواع: بقاء بلا فناء، وعلم بلا جهل، وقدرة بلا عجز، وغنى بلا فقر^٥.

١٢٧٣ . الإمام زين العابدين عليه السلام - مخاطباً أصحابه يوماً -: إخواني، أوصيكم بدار الآخرة، ولا أوصيكم بدار الدنيا؛ فإنكم عليها خريصون وبها متمسكون^٦.

١٢٧٤ . الإمام الصادق عليه السلام - في وصيته لابن جندب -: يا بن جندب، الخير كله أمامك، وإن الشر كله أمامك، ولن ترى الخير والشر إلا بعد الآخرة؛ لأن الله - جل وعز - جعل الخير كله في الجنة، والشر كله في النار؛ لأنتهما الباقيان^٧.

راجع: ج ١ ص ٥٦ (معرفة الدنيا / خلقت لغيرها).

١. غرر الحكم: ح ٢٢٢٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ٨٥ ح ٢٠٥٧.

٢. غرر الحكم: ح ٥٩٦٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣١٤ ح ٥٤٨٤.

٣. غرر الحكم: ح ٣٥٧٩.

٤. حلية الأولياء: ج ٢ ص ٣٧ عن أبان بن الطفيل؛ كشف الغمة: ج ٢ ص ١٩٣، غرر الحكم: ح ٧١٦٤.

٥. شرح نهج البلاغة: ج ٢٠ ص ٣٠٦ ح ٥٠٩.

٦. الأمالي للمفيد: ص ٤٣ ح ١ عن أبي حمزة الثمالي، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٠٧ ح ١٠٧.

٧. تحف العقول: ص ٣٠٦، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٢٨٤ ح ١.

۱۲۶۸. امام علی علیه السلام: از دنیایت برای آخرت سهمی قرار بده.

۱۲۶۹. امام علی علیه السلام: خوشا به حال کسی که موفق به طاعت خداوند شود و اخلاقش نیکو گردد و کار آخرتش را پاس بدارد!

۱۲۷۰. امام علی علیه السلام: برترین مردم در نزد خداوند، کسی است که خردش را زنده گرداند و شهوتش را بمیراند و برای اصلاح آخرتش، خود را به زحمت اندازد.

۱۲۷۱. امام علی علیه السلام: با بدنت در دنیا باش و با قلبت در آخرت.

۱۲۷۲. امام علی علیه السلام: در گفتارهای کوتاه منسوب به ایشان -: آنچه حقیقتاً سزاوار نام سعادت است، سعادت آخرت است و آن، چهار نوع است: ماندگاری ای که فنا ندارد، علمی که با جهل همراه نیست، قدرتی که با عجز همراه نیست، و توانگری ای که با فقر همراه نیست.

۱۲۷۳. امام زین العابدین علیه السلام: روزی، خطاب به یارانش -: برادرانم! من شما را به سرای آخرت سفارش می‌کنم. و به سرای دنیا سفارشتان نمی‌کنم؛ زیرا که شما [خود به خود] به دنیا حریص هستید و به آن پایبندید.

۱۲۷۴. امام صادق علیه السلام: در وصیتش به پسر جندب -: ای پسر جندب، همه خوبی، فرا روی توست و همه بدی نیز فرا روی توست و تو خوب و بد را جز پس از آخرت نمی‌بینی؛ زیرا که خداوند تعالی تمام خوب را در بهشت، و تمام بد را در جهنم قرار داد؛ چرا که این دو، ماندگارند.

٢/٢

كُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الْآخِرَةِ

١٢٧٥. رسول الله ﷺ: أَيُّهَا النَّاسُ! كُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الْآخِرَةِ وَلَا تَكُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الدُّنْيَا؛ فَإِنَّ كُلَّ أُمَّ يَتَّبِعُهَا وَلَدُهَا... فَأَعْمَلُوا وَأَنْتُمْ مِنَ اللَّهِ عَلَى حَذَرٍ، وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مَعْرُوضُونَ عَلَى أَعْمَالِكُمْ وَأَنْتُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ لَا بَدَّ مِنْهُ ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ^١.

١٢٧٦. عنه ﷺ: إِنَّ لِلدُّنْيَا أَبْنَاءً وَلِلْآخِرَةِ أَبْنَاءً، فَكُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الْآخِرَةِ وَلَا تَكُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الدُّنْيَا؛ فَإِنَّ كُلَّ وَلَدٍ يَتَّبِعُ بِأَمِّهِ، وَإِنَّ الدُّنْيَا قَدْ تَرَحَّلَتْ مُدْبِرَةً، وَالْآخِرَةُ قَدْ تَجَمَّلَتْ مُقْبِلَةً^٢.

١٢٧٧. عنه ﷺ: هَذِهِ الدُّنْيَا قَدْ ارْتَحَلَتْ مُدْبِرَةً، وَهَذِهِ الْآخِرَةُ قَدْ ارْتَحَلَتْ مُقْبِلَةً، وَلِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا بَنُونَ؛ فَإِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَكُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الْآخِرَةِ وَلَا تَكُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الدُّنْيَا فَافْعَلُوا؛ فَإِنَّكُمْ الْيَوْمَ فِي دَارِ عَمَلٍ وَلَا حِسَابٍ، وَأَنْتُمْ غَدًا فِي دَارِ حِسَابٍ وَلَا عَمَلٍ^٣.

١. الزلزلة: ٧ و ٨.

٢. حلية الأولياء: ج ١ ص ٢٦٥، المعجم الكبير: ج ٧ ص ٢٨٨ ح ٧١٥٨ وفيه صدره إلى «يتبعها ولدها» وكلاهما عن شداد بن أوس، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٢٣ ح ٦٣١٠: غرر الحكم: ح ٧١٩٤ عن الإمام علي عليه السلام وفيه صدره إلى «يتبعها ولدها» نحوه.

٣. إرشاد القلوب: ص ٢١. أعلام الدين: ص ٢٤٥ ح ٣٩ عن أبي هريرة، اللغة المنسوبة للإمام الرضا عليه السلام: ص ٣٧٠ عن العالم عليه السلام وكلاهما نحوه وليس فيهما «فإن كل ولد يتبع بأمه».

٤. الخصال: ص ٥١ ح ٦٢ عن جابر بن عبد الله، الكافي: ج ٨ ص ٥٨ ح ٢١ عن سليم بن قيس عن الإمام علي عليه السلام، الأمالي للمفيد: ص ٩٣ ح ١ عن حبة العرنبي عن الإمام علي عليه السلام، نهج البلاغة: الخطبة ٤٢ عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١١٧ ح ١٣: المصنف لابن أبي شيبة: ج ٨ ص ١٥٥ ح ١ عن الإمام علي عليه السلام، تاريخ دمشق: ج ٤٢ ص ٤٩٤ عن أبي عبد الرحمن السلمي عن الإمام علي عليه السلام، شعب الإيمان: ج ٧ ص ٣٧٠ ح ١٠٦١٦ عن جابر بن عبد الله وكلها نحوه، كنز العمال: ج ٣ ص ٨١٩ ح ٨٨٥٦.

۲/۲ فرزند آخرت باشید

۱۲۷۵. پیامبر خدا ﷺ: ای مردم! از فرزندان آخرت باشید و از فرزندان دنیا نباشید؛ زیرا که هر بچه‌ای، دنبال مادرش حرکت می‌کند.... پس، عمل کنید، در حالی که از خدا بر حذرید. بدانید که به اعمال شما رسیدگی می‌شود و خواه ناخواه، خدا را ملاقات می‌کنید. «پس، هر که به وزن ذره‌ای نیکی کند، آن را می‌بیند و هر که به وزن ذره‌ای بدی کند، آن را می‌بیند».

۱۲۷۶. پیامبر خدا ﷺ: دنیا را فرزندان است و آخرت را نیز فرزندان. شما از فرزندان آخرت باشید و از فرزندان دنیا م باشید؛ زیرا که هر بچه‌ای، دنبال مادر خود حرکت می‌کند. همانا دنیا پشت کرده و می‌رود، و آخرت، روی کرده و می‌آید.

۱۲۷۷. پیامبر خدا ﷺ: این دنیا، پشت کرده و می‌رود و این آخرت، روی کرده و می‌آید، و برای هر یک از این دو، فرزندان است. پس چنانچه می‌توانید از فرزندان آخرت باشید و از فرزندان دنیا نباشید، چنین کنید. امروز، شما در سرایی هستید که جای عمل است و حسابرسی نیست، و فردا در سرایی خواهید بود که جای حسابرسی است و عمل نیست.

١٢٧٨ . الإمام علي عليه السلام: فَلْيَصْدُقْ رَائِدُ أَهْلِهِ، وَلْيَحْضِرْ عَقْلَهُ، وَلْيَكُنْ مِنْ أَبْنَاءِ الْآخِرَةِ؛ فَإِنَّهُ مِنْهَا قَدِيمٌ، وَإِلَيْهَا يَنْقَلِبُ.^٢

راجع: ص ٧٠ (البحث على الزهد).

ج ١ ص ٣٥٨ (التحذير من الإغترار بالدنيا / الدنيا سحارة).

٣/٢

خَصَائِرُ أَبْنَاءِ الْآخِرَةِ

الكتاب

«تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ».^٣

الحديث

١٢٧٩ . رسول الله صلى الله عليه وآله - فِي قَوْلِ اللَّهِ ﷻ: «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا» - : التَّحْذِيرُ فِي الْأَرْضِ وَالْأَخْذُ بِغَيْرِ الْحَقِّ.^٤

١٢٨٠ . الأُمَالِي عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ: نَعَى إِلَيْنَا حَبِيبُنَا وَنَبِيَّنَا ﷺ نَفْسَهُ - فَبِأَبِي وَأُمِّي وَنَفْسِي لَهُ الْفِدَاءُ! - قَبْلَ مَوْتِهِ بِشَهْرٍ، فَلَمَّا دَنَا الْفِرَاقُ جَمَعْنَا فِي بَيْتٍ فَنَظَرَ إِلَيْنَا فَدَمَعَتْ عَيْنَاهُ، ثُمَّ قَالَ: مَرَحَبًا بِكُمْ، حَيَّاكُمْ اللَّهُ، حَفِظَكُمْ اللَّهُ، نَصَرَكُمْ اللَّهُ، نَفَعَكُمْ اللَّهُ، هَدَاكُمْ اللَّهُ، وَفَقَّكُمْ اللَّهُ، سَلَّمَكُمْ اللَّهُ، قَبَّلَكُمْ اللَّهُ، رَزَقَكُمْ اللَّهُ، رَفَعَكُمْ اللَّهُ!

١. أصل الرائد: الذي يتقدم القوم يبصر لهم الكلاً ومساقط الغيث (النهاية: ج ٢ ص ٢٧٥ «رود»). ويحتمل أن يكون المراد بالرائد - هنا - الإنسان نفسه؛ فإنه كالرائد لنفسه في الدنيا يطلب فيه لآخرته ماءً ومرعى... أي لينصح نفسه ولا يغشها بالتسويق والتعليل. أو المعنى: ليصدق كل منكم أهله وعشيرته ومن يعنيه أمره، وليبلغهم ما عرف من فضلنا وعلو درجتنا (بحار الأنوار: ج ٢٩ ص ٦٠٣).

٢. نهج البلاغة: الخطبة ١٥٤، غرر الحكم: ح ٦٥٥٨، بحار الأنوار: ج ١ ص ٢٠٩ ح ١١.

٣. القصص: ٨٣.

٤. تاريخ دمشق: ج ٦٥ ص ١٢١، الأُمَالِي للمحاملي: ص ٢٢٩ كلاهما عن أبي هريرة.

۱۲۷۸. امام علی علیه السلام: پیشرو^۱ باید به کسان خود، راست بگوید و خردش را به کار بگیرد و فرزند [و اهل] آخرت باشد؛ زیرا که از آن جا آمده و به آن جا برمی گردد.

و.ک: ص ۷۱ (ترغیب به زهد).

ج ۱ ص ۲۵۹ (برحذر داشتن از فریفته شدن به دنیا / دنیا افسونگر است).

۳/۲

ویژگی های آخرت گرایان

قرآن

«آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که در زمین، خواستار برتری و فساد نیستند، و فرجام، از آن پرهیزگاران است».

حدیث

۱۲۷۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - درباره آیه شریف: «آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که خواستار برتری و فساد نیستند» :- [یعنی] گردنکشی در زمین [و جامعه] و گرفتن به ناحق.

۱۲۸۰. الأمالی طوسی - به نقل از عبد الله بن مسعود :- محبوب ما و پیامبر ما صلی الله علیه و آله - که پدر و مادرم و جانم فدایش باد - یک ماه پیش از مرگش، خبر رحلتش را به ما داد. و چون زمان فراق نزدیک شد، ما را در اتاقی جمع کرد و نگاهی به ما انداخت و چشمانش پر از اشک شد و سپس فرمود:
«خوش آمدید. خداوند شما را زنده بدارد. خداوند شما را حفظ کند».

۱. «رائد (پیشرو)» که در اصل عربی حدیث آمده، به معنای کسی است که جلوتر از کاروان حرکت می کند تا برای آنها چراگاه و آبگاه بیابد (النهاية: ج ۲ ص ۲۷۵ «رود»). احتمال دارد که مراد از «رائد (پیشرو)» در این جا خود انسان باشد؛ زیرا انسان در دنیا چونان پیشرو برای خویشتن است که در آن، برای آخرت خود، آب و چراگاه جستجو می کند...؛ یعنی انسان باید خیرخواه خویشتن باشد و با امروز و فردا کردن و تعلل ورزیدن، به خود، خیانت و ناراستی نکند. یا احتمال دارد معنای حدیث این باشد: هر یک از شما باید با خانواده و عشیره و افراد تحت تکفل خود، روراست و صادق باشد و حقیقت را به آنها بگوید و از فضایل و علو درجات ما، آنچه را می داند، به آنان نیز معرفی کند (بحار الأنوار: ج ۲۹ ص ۶۰۲).

أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ، وَأَوْصِي اللَّهَ بِكُمْ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ، أَلَّا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ لِي وَلَكُمْ: ﴿تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ وقال سبحانه: ﴿الْأَنسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ﴾ ١. ٢.

١٢٨١. المناقب عن زاذان - في ذكر سيرة أمير المؤمنين عليه السلام -: إِنَّهُ كَانَ ﷺ يَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ وَحَدَهُ، وَهُوَ ذَاكَ يُرْشِدُ الضَّالَّ وَيُعِينُ الضَّعِيفَ، وَيَمُرُّ بِالْبَيْعِ وَالْبَقَالِ فَيَفْتَحُ عَلَيْهِ الْقُرْآنَ وَيَقْرَأُ ﴿تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا﴾ الآية ٣.

١٢٨٢. الإمام علي عليه السلام: إِنَّ الرَّجُلَ لَيُعْجِبُهُ مِنْ شِرَاكِ نَعْلِهِ أَنْ يَكُونَ أَجُودَ مِنْ شِرَاكِ صَاحِبِهِ فَيَدْخُلُ فِي قَوْلِهِ: ﴿تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ ٤.

١٢٨٣. الإمام الصادق عليه السلام - في قوله تعالى: ﴿عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا﴾ ٥ -: الْعُلُوُّ: الشَّرْفُ. وَالْفَسَادُ: النَّسَاءُ ٦.

١٢٨٤. تفسير القمي عن حفص بن غياث: قال أبو عبد الله عليه السلام: يَا حَفْصُ، مَا مَنَزَلَةُ الدُّنْيَا مِنْ

١. الزمر: ٦٠.

٢. الأمالي للطوسي: ص ٢٠٧ ح ٣٥٤، بحار الأنوار: ج ٢٢ ص ٤٥٥ ح ١؛ المعجم الأوسط: ج ٤ ص ٢٠٨ ح ٣٩٩٦، حلية الأولياء: ج ٤ ص ١٦٨، الكامل في التاريخ: ج ٢ ص ٧، الطبقات الكبرى: ج ٢ ص ٢٥٦، المطالب العلية: ج ٤ ص ٢٦٠ ح ٢٣٩٢ كلها نحوه.

٣. المناقب لابن شهر آشوب: ج ٢ ص ١٠٤، بحار الأنوار: ج ٤١ ص ٥٤ ح ١؛ تاريخ دمشق: ج ٢٢ ص ٤٨٩ نحوه، كنز العمال: ج ١٣ ص ١٨٠ ح ٣٦٥٣٨.

٤. تفسير الطبري: ج ١١، الجزء ٢٠ ص ١٢٢ عن أبي سلمان الأعرج، تفسير ابن كثير: ج ٦ ص ٢٦٩ عن أبي سلام الأعرج، الكشف: ج ٣ ص ١٨٠؛ سعد السعود: ص ٨٨، مجمع البيان: ج ٧ ص ٤٢٠ عن أبي سلام الأعرج نحوه.

٥. القصص: ٨٣.

٦. تفسير القمي: ج ٢ ص ١٤٧.

خداوند شما را نصرت دهد. خداوند شما را نفع برساند. خداوند شما را هدایت فرماید. خداوند شما را توفیق بخشد. خداوند شما را به سلامت دارد. خداوند شما را بپذیرد. خداوند شما را روزی دهد. خداوند شما را رفعت بخشد.

شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم، و به خداوند نیز سفارش شما را می‌کنم، و آشکارا به شما هشدار می‌دهم که در میان بندگان خدا و در زمین او، بر خدا برتری نجوید؛ چرا که خداوند متعال، به من و به شما فرموده است: ﴿آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که در زمین، خواستار برتری و فساد نیستند و فرجام [نیک]، از آن پرهیزگاران است﴾ و نیز فرموده است: ﴿آیا جایگاه متکبران، در دوزخ نیست؟﴾.

۱۲۸۱. المناقب ابن شهر آشوب - به نقل از زاهدان، در بیان سیره امیر مؤمنان علیه السلام - ایشان در بازارها تنها می‌گشت و گم شده را راهنمایی می‌نمود و به ناتوان کمک می‌کرد. از فروشنده و بقال می‌گذشت و قرآن را برایش می‌گشود و این آیه را می‌خواند: ﴿آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم...﴾ تا آخر آیه.

۱۲۸۲. امام علی علیه السلام: آدمی را از این که بند کفشش نیکوتر از بند کفش دوستش باشد، خوش می‌آید و [بدین سبب]، مشمول این سخن خداوند می‌شود که: ﴿آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که در زمین، خواستار برتری (سرکشی) و فساد نیستند، و فرجام، از آن پرهیزگاران است﴾.

۱۲۸۳. امام صادق علیه السلام - درباره آیه شریف: ﴿در زمین، خواستار برتری (سرکشی) و فساد نیستند﴾ - مراد از «عُلُو»، بزرگی و برتری است، و مراد از «فساد»، زنا (زنیاری و فساد جنسی).

۱۲۸۴. تفسیر القمّی - به نقل از حفص بن غیاث - امام صادق علیه السلام فرمود: «ای حفص!

نَفْسِي إِلَّا بِمَنْزِلَةِ الْمَيِّتَةِ؛ إِذَا اضْطُرِرْتُ إِلَيْهَا أَكَلْتُ مِنْهَا.^١

يا حَفْصُ، إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - عَلِمَ مَا الْعِبَادُ عَامِلُونَ وَإِلَى مَا هُمْ صَائِرُونَ، فَحَلَمَ عَنْهُمْ عِنْدَ أَعْمَالِهِمُ السَّيِّئَةِ لِعِلْمِهِ السَّابِقِ فِيهِمْ، فَلَا يَغُرُّكَ حُسْنُ الطَّلَبِ مِمَّنْ لَا يَخَافُ الْقَوْتَ.

ثُمَّ تَلَا قَوْلَهُ: ﴿تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ وَجَعَلَ يَبْكِي، وَيَقُولُ: ذَهَبَتْ وَاللَّهِ الْأَمَانِيُّ عِنْدَ هَذِهِ الْآيَةِ.^٢

١٢٨٥. رسول الله ﷺ: مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ تَرَكَ زِينَةَ الدُّنْيَا؛ فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَقَدْ اسْتَحْيَا مِنْ اللَّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ.^٣

١٢٨٦. عنه ﷺ - فِي وَصِيَّتِهِ لِأَبِي ذَرٍّ -: يَا أَبَا ذَرٍّ، طُوبَى لِلزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا، الرَّاجِعِينَ فِي الْآخِرَةِ، الَّذِينَ اتَّخَذُوا أَرْضَ اللَّهِ بَسَاطًا، وَتُرَابَهَا فِرَاشًا، وَمَاءَهَا طَبِيبًا، وَاتَّخَذُوا الْكِتَابَ شِعَارًا، وَالْدُّعَاءَ لِلَّهِ دِئَارًا^٤، وَقَرَضُوا الدُّنْيَا

١. إِنَّ إعمار الدنيا من المسائل التي أوصى بها القرآن الكريم؛ قال الله تعالى: ﴿هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾، وبناءً على هذا فليس المراد في هذه الروايات وما يجري مجراها هو العزوف عن الدنيا وعدم إعمارها، بل المراد الإكفاء من إمكاناتها المادية بقدر الحاجة، وحينئذٍ ستكون الدنيا مقدّمة للآخرة وموجبة للشوَابِ الأُخْرَوِي.

٢. تفسير القمّي: ج ٢ ص ١٤٦، سعد السعود: ص ٨٧، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٩٣ ح ٧.

٣. سنن الترمذي: ج ٤ ص ٦٣٧ ح ٢٤٥٨، مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٢٣ ح ٢٦٧١، المستدرک علی الصحیحین: ج ٢ ص ٣٥٩ ح ٧٩١٥ كلّها عن عبد الله بن مسعود، كنز العمال: ج ٢ ص ١١٨ ح ٥٧٥٣؛ كنز الفوائد: ج ١ ص ٢١٧، الخصال: ص ٢٩٣ ح ٥٨ عن عبد الله بن ميمون القدّاح عن الإمام الصادق عن آبائه ﷺ عنه ﷺ، قرب الإسناد: ص ٢٣ ح ٧٩ عن عبد الله بن ميمون القدّاح عن الإمام الصادق عن أبيه ﷺ عنه ﷺ وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٦ ص ١٣١ ح ٢٥.

٤. الشُّعار: الثوب الذي يلي الجسد؛ لآته يلي شَعْرُهُ. والدُّنثار: الثوب الذي فوق الشُّعار (النهاية: ج ٢ ص ٤٨٠ «شعر»). قال العلامة المجلسي: أي يلازمون القرآن والدعاء كلزوم الدُّنثار والشُّعار للإنسان (بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٢٧٦).

دنیا در نزد من به منزله مُردار است، که در صورت اضطرار (ناچاری)، از آن می‌خورم.

ای حفص! خداوند متعال می‌داند که بندگان چه خواهند کرد و به کجا ره‌سپار خواهند شد. پس، به سبب علم قبلی‌ای که درباره آنان دارد، به هنگام اعمال بدشان، با آنها بردباری می‌ورزد. بنا بر این، حُسن تعقیب (عجله نکردن در مجازات) از جانب کسی که بیم از دست رفتن (فرار مجرم) را ندارد، تو را نفریبد.

امام علیه السلام سپس این آیه را تلاوت کرد: «آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که در زمین، خواستار برتری (سرکشی) و فساد نیستند، و فرجام، از آن پرهیزگاران است» و شروع به گریستن کرد و فرمود: «به خدا سوگند که با این آیه، آرزوها [برای ثواب بردن بدون عمل،] برباد رفت».

۱۲۸۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس خواستار آخرت است، زیور دنیا را وانهد، و هر کس چنین کند، به راستی که از خداوند، حیا کرده است.

۱۲۸۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در سفارش به ابوذر - : ای ابوذر! خوشا به حال بی‌رغبتان به دنیا و شیفتگان به آخرت! کسانی که زمین را بستر و خاک آن را فرش و آبش را گوارا و کتاب خدا را تن‌پوش و دعا را جامه خود کردند و از دنیا کاملاً بریدند.

قرضاً^١.

١٢٨٧. الإمام علي عليه السلام: إِنَّ عَلامَةَ الرَّاعِبِ فِي ثَوَابِ الْآخِرَةِ، زُهْدُهُ فِي عَاجِلِ زَهْرَةِ الدُّنْيَا، أَمَا إِنَّ زُهْدَ الزَّاهِدِ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَا يَنْقُصُهُ مِمَّا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ فِيهَا وَإِنْ زَهْدَ، وَإِنْ حِرْصَ الْحَرِصِ عَلَى عَاجِلِ زَهْرَةِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لَا يَزِيدُهُ فِيهَا وَإِنْ حَرَصَ، فَالْمَغْبُونُ مَنْ حُرِمَ حَظُّهُ مِنَ الْآخِرَةِ^٢.

١٢٨٨. عنه عليه السلام: إِنَّ الْآخِرَةَ لَهَا أَهْلٌ ظَلِفَتْ^٣ أَنْفُسُهُمْ عَنْ مُفَاخَرَةِ أَهْلِ الدُّنْيَا؛ لَا يَتَنَافَسُونَ فِي الدُّنْيَا، وَلَا يَفْرَحُونَ بِغَضَارَتِهَا^٤، وَلَا يَحْزَنُونَ لِئُوسِهَا^٥.

١٢٨٩. عنه عليه السلام - فِي ذِكْرِ حَدِيثِ مِعْرَاجِ النَّبِيِّ ﷺ - : قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ... يَا أَحْمَدُ، إِنَّ أَهْلَ الْخَيْرِ وَأَهْلَ الْآخِرَةِ رَقِيقَةٌ وَجُوهُهُمْ، كَثِيرٌ حَيَاؤُهُمْ، قَلِيلٌ حُمُقُهُمْ، كَثِيرٌ نَفْعُهُمْ، قَلِيلٌ مَكْرُهُمْ، النَّاسُ مِنْهُمْ فِي رَاحَةٍ، أَنْفُسُهُمْ مِنْهُمْ فِي تَعَبٍ، كَلَامُهُمْ مَوْزُونٌ، مُحَاسِبِينَ لِأَنْفُسِهِمْ مُتَعَبِينَ^٦ لَهَا، تَنَامُ أَعْيُنُهُمْ وَلَا تَنَامُ قُلُوبُهُمْ، أَعْيُنُهُمْ بَاكِئَةٌ

١. الأُمالي للطوسي: ص ٥٣٢ ح ١١٦٢، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٧٠ ح ٢٦٦١ كلاهما عن أبي ذر، نهج البلاغة: الحكمة ١٠٤، الأُمالي للمفيد: ص ١٣٣ ح ١، الخصال: ص ٣٣٧ ح ٤٠، خصائص الأئمة عليه السلام: ص ٩٧ كلها عن نوف البكالي عن الإمام علي عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٣١٦ ح ٢٢ وراجع الكافي: ج ٢ ص ١٣٢ ح ١٥ و تحف العقول: ص ٢٨١.

٢. الكافي: ج ٢ ص ١٢٩ ح ٦ عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام، مشكاة الأنوار: ص ٢٠٦ ح ٥٥٤ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٥٢ ح ٢٤.

٣. ظَلِفَتْ نَفْسِي عَنْ كَذَا: أَي كَفَّت (الصحيح: ج ٤ ص ١٣٩٩ «ظلف»).

٤. غَضَارَةُ الدُّنْيَا: أَي طَيِّبُهَا وَلَذَّتْهَا. يُقَالُ: إِنَّهُمْ لَفِي غَضَارَةِ مِنَ الْعَيْشِ: أَي فِي خُصْبٍ وَخَيْرٍ (النهاية: ج ٣ ص ٣٧٠ «غضر»).

٥. الأُمالي للصدوق: ص ٤٧٨ ح ٦٤٤، الأُمالي للطوسي: ص ٤٣٥ ح ٩٧٤ وفيه «طَلَفَتْ» بدل «ظَلَفَتْ» وكلاهما عن عبدالله بن بكر [بكران] المرادي عن الإمام الكاظم عن آبائه عليه السلام، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ١٧٣ عن الإمام زين العابدين عنه عليه السلام، مشكاة الأنوار: ص ٢٠٨ ح ٥٦٦، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ٨٩ ح ٥٧.

٦. فِي بَحَارِ الْأَنْوَارِ: «مُتَعَبِينَ لَهَا».

۱۲۸۷. امام علی علیه السلام: نشانه کسی که خواهان پاداش آخرت است، زهد و رزق او به زرق و برق این دنیای گذراست. بدانید که زهد زهد و رزق به این دنیا، چیزی از آنچه خداوند در دنیا قسمت او کرده است، نمی‌کاهد، هرچند به آن بی‌میل باشد، و آزمندی شخص آزمند به زرق و برق زندگی دنیایی، چیزی در آن، [افزون بر آنچه خداوند در دنیا قسمت او کرده است،] بر او نمی‌افزاید، هرچند حرص بورزد. زیان دیده، کسی است که از بهره آخرتش محروم گردد.

۱۲۸۸. امام علی علیه السلام: همانا آخرت را اهلی است که جان‌هایشان از فخر فروشی به اهل دنیا باز ایستاده است. [آنان،] نه درباره دنیا به رقابت برمی‌خیزند، نه به لذت‌ها و خوشی‌های آن شادمان می‌شوند، و نه از ناخوشی‌های آن اندوهگین می‌گردند.

۱۲۸۹. امام علی علیه السلام - در حدیث معراج - خدای متعال فرمود: «... ای احمد! همانا اهل خیر و اهل آخرت، کم‌رو و پُرحیا^۱یند، حماقتشان اندک و سودشان بسیار است، کمتر نیرنگ می‌زنند، مردم از آنان در آسایش‌اند، نفس‌هایشان از آنان در رنج است، گفتارشان سنجیده است، محاسبه نفس می‌کنند و بر آن خُرده می‌گیرند، چشمانشان می‌خواهد و دل‌هایشان نمی‌خواهد، دیدگان‌شان گریان است و دل‌هایشان به یاد خداست، آن‌گاه که مردم از غافلان نوشته می‌شوند، آنان از ذاکران قلمداد می‌شوند، در آغاز هر نعمتی حمد می‌گویند و در آخرش شکر به جا می‌آورند، دعای آنان به درگاه خداوند، بالا می‌رود و سخنشان [به نزد او] شنیده می‌شود، فرشتگان به آنان شاد می‌شوند و دعایشان در آن سوی حجاب‌ها^۱ می‌گردد، پروردگار دوست دارد که

۱. احتمالاً این جمله اشاره است به انعکاس دعای آنان در عوالمی که حجاب نامیده می‌شوند.

وَقُلُوبُهُمْ ذَاكِرَةٌ، إِذَا كُتِبَ النَّاسُ مِنَ الْغَافِلِينَ كُتِبُوا مِنَ الذَّاكِرِينَ، فِي أَوَّلِ النِّعْمَةِ يَحْمَدُونَ وَفِي آخِرِهَا يَشْكُرُونَ، دُعَاؤُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ مَرْفُوعٌ وَكَلَامُهُمْ مَسْمُوعٌ، تَفْرَحُ بِهِمُ الْمَلَائِكَةُ وَيَدُورُ دُعَاؤُهُمْ تَحْتَ الْحُجُبِ، يُحِبُّ الرَّبُّ أَنْ يَسْمَعَ كَلَامَهُمْ كَمَا تُحِبُّ الْوَالِدَةُ الْوَلَدَ وَلَا يُشْغَلُونَ عَنْهُ طَرْفَةَ عَيْنٍ، وَلَا يُرِيدُونَ كَثْرَةَ الطَّعَامِ وَلَا كَثْرَةَ الْكَلَامِ وَلَا كَثْرَةَ اللَّبَاسِ، النَّاسُ عِنْدَهُمْ مَوْتَى وَاللَّهُ عِنْدَهُمْ حَيٌّ كَرِيمٌ، يَدْعُونَ الْمُدِيرِينَ كَرَمًا وَيَزِيدُونَ الْمُقْبِلِينَ تَلَطُّفًا، قَدْ صَارَتِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَهُمْ وَاحِدَةً.^١

١٢٩٠. عنه عليه السلام - أيضاً - : قَالَ اللَّهُ ﷻ : ... يَا أَحْمَدُ، إِنَّ أَهْلَ الْآخِرَةِ لَا يَهْنَأُ لَهُمُ الطَّعَامُ مُنْذُ عَرَفُوا رَبَّهُمْ، وَلَا يَشْغَلُهُمْ مُصِيبَةُ مُنْذُ عَرَفُوا سَيِّئَاتِهِمْ، يَبْكُونَ عَلَى خَطَايَاهُمْ، يُتَعَبُونَ أَنْفُسَهُمْ وَلَا يُرِيحُونَهَا، وَإِنَّ رَاحَةَ أَهْلِ الْجَنَّةِ فِي الْمَوْتِ، وَالْآخِرَةِ مُسْتَرَاخُ الْعَابِدِينَ، مُؤْنِسُهُمْ دُمُوعُهُمُ الَّتِي تَفِيضُ عَلَى خُدُودِهِمْ، وَجُلُوسُهُمْ مَعَ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ عَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شِمَائِلِهِمْ، وَمُنَاجَاتُهُمْ مَعَ الْجَلِيلِ الَّذِي فَوْقَ عَرْشِهِ.^٢

١٢٩١. الإمام الباقر عليه السلام : إِنَّ أَبْنَاءَ الْآخِرَةِ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ الْعَامِلُونَ الزَّاهِدُونَ، أَهْلُ الْعِلْمِ وَالْفِقْهِ، وَأَهْلُ فِكْرَةٍ وَاعْتِبَارٍ وَاخْتِبَارٍ، لَا يَمَلُّونَ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ.^٣

١٢٩٢. الكافي عن علي بن عيسى رفعه: إِنَّ مُوسَى عليه السلام نَاجَاهُ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - فَقَالَ لَهُ فِي مُنَاجَاتِهِ : ... يَا مُوسَى، أَبْنَاءُ الدُّنْيَا وَأَهْلُهَا فَتَنٌ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ، فَكُلُّ مُزَيَّنٍ لَهُ مَا هُوَ فِيهِ، وَالْمُؤْمِنُ مَنْ رُئِنْتَ لَهُ الْآخِرَةُ فَهُوَ يَنْظُرُ إِلَيْهَا مَا يَفْتَرُ^٤، قَدْ حَالَتْ

١. إرشاد القلوب: ص ١٩٩-٢٠١، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٤ ح ٦.

٢. بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢١-٢٥ ح ٦ نقلاً عن إرشاد القلوب، والطبعة التي بأيدينا خالية منه.

٣. تحف العقول: ص ٢٨٧، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ١٦٥ ح ٢.

٤. الفترة: الانكسار والضعف، وقد فتر يفتتر فتوراً (الصحيح: ج ٢ ص ٧٧٧ «فتر»).

سخنشان را بشنود - چنان که مادر فرزند را دوست می‌دارد -، چشم بر هم زدن از او باز نمی‌مانند، علاقه‌ای به پر خوری و پر گویی و جامه زیاد ندارند، مردم در نظر آنان مردگان اند و خداوند در نظرشان زنده و کریم است، پشت‌کنندگان را از روی کرم فرا می‌خوانند و روی‌آوردگان را مهربانی می‌افزایند، و دنیا و آخرت در نزد آنان، یکی شده است.

۱۲۹۰. امام علی علیه السلام - در حدیث معراج - : خداوند تعالی فرمود: «... ای احمد! همانا اهل آخرت، از آن هنگام که پروردگارشان را شناختند، غذایی خوش از گلویشان پایین نرفت و از آن هنگام که گناهانشان را شناختند، هیچ مصیبتی آنان را به خود مشغول نساخت. بر گناهان خویش می‌گریند، نفس‌هایشان را به رنج می‌افکنند و آنها را آسوده نمی‌گذارند. آسایش اهل بهشت، در مردن است و آخرت، آسایشگاه عبادت‌پیشگان است. مؤمنان، اشک‌هایشان است که بر گونه‌هایشان سرازیر می‌شود، و همنشینی آنان، با فرشتگانی است که در راست و چپ آنان قرار گرفته‌اند، و راز و نیازشان با خداوند شکوهمندی است که بر فراز عرش خویش است».

۱۲۹۱. امام باقر علیه السلام : فرزندان آخرت، آنان‌اند که ایمان دارند و عمل می‌کنند و زهدپیشه‌اند، [و] اهل دانش و فقه‌اند و مرد اندیشه و عبرت‌آموزی و آزمون‌اند و از یاد خدا خسته نمی‌شوند.

۱۲۹۲. الکافی - به نقل از علی بن عیسی، که سند آن را به معصوم رسانده است - : خداوند متعال با موسی علیه السلام به نجوا سخن گفت و در نجوایش به او فرمود: «... ای موسی! فرزندان دنیا و اهل آن، مایه فتنه (فریب و گم‌راهی) یکدیگرند و هر یک، آنچه را که [از دنیا] دارد، در نظرش زیبا جلوه می‌کند؛ ولی مؤمن، کسی است که آخرت در نظرش آراسته و زیبا گردیده است و پیوسته به آن می‌نگرد، بی آن که از توجه به آن خسته شود. عشق به آخرت،

شَهْوَتُهَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ لَذَّةِ الْعَيْشِ فَأَدْلَجَتْهُ^١ بِالْأَسْحَارِ، كَفَعَلَ الرَّاكِبِ السَّائِقِ إِلَى غَايَتِهِ يَظَلُّ كَنِيباً وَيُمْسِي حَزِيناً، فَطَوْبَى لَهُ لَوْ قَدْ كُشِفَ الْغِطَاءُ مَاذَا يُعَايِنُ مِنَ الشُّرُورِ؟!^٢

راجع: ج ١ ص ٤١٦ (مضار حب الدنيا / الاستعلاء).

٢ / ٢

التَّحْذِيرُ مِنْ عَدَمِ الْإِهْتِمَامِ بِالْآخِرَةِ

١٢٩٣. رسول الله ﷺ: إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ كُلَّ جَعْظَرِيٍّ^٣ جَوَاطِ^٤ سَخَابٍ^٥ بِالْأَسْوَاقِ، جَيْفَةً بِاللَّيْلِ حِمَارٍ بِالنَّهَارِ، عَالِمٍ بِأَمْرِ الدُّنْيَا جَاهِلٍ بِأَمْرِ الْآخِرَةِ.^٦
١٢٩٤. الإمام علي عليه السلام: إِحْذَرِ كُلَّ قَوْلٍ وَفِعْلٍ يُؤَدِّي إِلَى فُسَادِ الْآخِرَةِ وَالَّذِينَ^٧.
١٢٩٥. عنه عليه السلام: لَيْسَ بِمُؤْمِنٍ مَنْ لَمْ يَهْتَمَّ بِإِصْلَاحِ مَعَادِهِ.^٨
١٢٩٦. عنه عليه السلام: إِنَّ مِنَ الشَّقَاءِ إِفْسَادَ الْمَعَادِ.^٩
١٢٩٧. عنه عليه السلام: مَنْ لَمْ يَعْمَلْ لِلْآخِرَةِ لَمْ يَنْتَلِ أَمَلُهُ.^{١٠}

١. الإدلاج: السير بالليل، وظاهر العبارة أنه استعمل هنا متعدياً بمعنى التسيير بالليل، ولم يأت فيما عندنا من كتب اللغة... ويمكن أن يكون على الحذف والإيصال: أي أدلجت الشهوة معه وسيّرت به بالأسحار كالراكب الذي يسابق قرنه إلى الغاية التي يتسابقان إليها (مرآة العقول: ج ٢٥ ص ١٠٢).
٢. الكافي: ج ٨ ص ٤٢-٤٧ ح ٨، تحف العقول: ص ٤٩٤ نحوه. بحار الأنوار: ج ١٣ ص ٣٣٦ ح ١٣.
٣. الجَعْظَرِيُّ: الفظ الغليظ المتكبر (النهاية: ج ١ ص ٢٧٦ «جعظري»).
٤. الجَوَاطِ: الجَمْعُ مِنَ التَّنَوُّعِ (النهاية: ج ١ ص ٣١٦ «جوط»).
٥. السَخَابُ وَالصُّخْبُ: الصياح (النهاية: ج ٢ ص ٣٤٩ «سخب»).
٦. صحيح ابن حبان: ج ١ ص ٢٧٤ ح ٧٢، السنن الكبرى: ج ١٠ ص ٣٢٧ ح ٢٠٨٠٤، موارد الظمآن: ص ٤٨٥ ح ١٩٧٥ كلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج ١٦ ص ٤ ح ٤٣٦٧٩.
٧. غرر الحكم: ح ٢٥٩٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٠٤ ح ٢٣٤٣.
٨. غرر الحكم: ح ٧٥٣١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤١٢ ح ٧٠١٢.
٩. غرر الحكم: ح ٣٣٩٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٤٣ ح ٣١٩٥.
١٠. غرر الحكم: ح ٨٩٩٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٢٧ ح ٧٢٤٦.

میان او و لذت زندگی مانع گشته و او را در سحرگاهان به تکاپو [و عبادت] کشانده است، همانند سواری که به سوی مقصدش می‌راند و شبش را به اندوه و روزش را به غمناکی سپری می‌کند. خوشا به حال او، که اگر پرده کنار برود، چه شادمانی‌ها که خواهد دید!».

و.ک: ج ۱ ص ۴۱۷ (زیان‌های دنیا دوستی / برتری جویی).

۴/۲ زنهار و بی‌ازبایی توجّهی به آخرت

۱۲۹۳. پیامبر خدا ﷺ: همانا خداوند، انسان‌های تندخوی گردن‌کلفت بی‌خیر را که در بازارها هیا هو به راه می‌اندازند و در شب، مُردار و در روز، الاغ و در کار دنیا دانا و در کار آخرت، نادان‌اند، دشمن می‌دارد.

۱۲۹۴. امام علی علیه السلام: پرهیز از هر گفتار و کرداری که به تباهی آخرت و دین، می‌انجامد.

۱۲۹۵. امام علی علیه السلام: مؤمن نیست کسی که به اصلاح معادش اهتمام نورزد.

۱۲۹۶. امام علی علیه السلام: تباه کردن معاد، از بدبختی است.

۱۲۹۷. امام علی علیه السلام: کسی که برای آخرت کار نکند، به آرزویش نمی‌رسد.

١٢٩٨ . عنه عليه السلام: ما أخسر من ليس له في الآخرة نصيب.^١

١٢٩٩ . عنه عليه السلام: ما بالكم تفرحون باليسير من الدنيا تدركونه ولا يحزنكم الكثير من الآخرة تحرمونه! ويقلقكم اليسير من الدنيا يفوتكم حتى يتبين ذلك في وجوهكم، وقلة صبركم عما زوي منها عنكم؛ كأنها دار مقامكم وكأن متاعها باق عليكم؟!^٢

١٣٠٠ . عنه عليه السلام: دعاكم الله سبحانه إلى دار البقاء وقرارة الخلود والنعماء ومجاورة الأنبياء والسعداء، فعصيتهم وأعرضتم، ودعتم الدنيا إلى قرارة الشقاء ومحل الفناء وأنواع البلاء والعناء، فأطعتم وبادرتم وأسرعتم.^٣

١٣٠١ . الإمام الصادق عليه السلام - في الدعاء - : رَبِّ دَعْنِي دَوَاعِي الدُّنْيَا فَأَجِبْتُهَا سَرِيعاً وَرَكَنْتُ إِلَيْهَا طَائِعاً، وَدَعْنِي دَوَاعِي الآخِرَةِ فَتَشَبَّطْتُ عَنْهَا وَأَبْطَأْتُ فِي الإِجَابَةِ وَالْمُسَارَعَةِ إِلَيْهَا، كَمَا سَارَعْتُ إِلَى دَوَاعِي الدُّنْيَا وَحُطِّمْتُهَا الْهَامِدِ^٤ وَهَشِيمَهَا^٥ الْبَائِدِ وَسَرَابَهَا الذَّاهِبِ.^٦

٥/٢

حَذَرُ الْإِهْتِمَامِ بِالْآخِرَةِ

١٣٠٢ . رسول الله صلى الله عليه وآله: اعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَداً، وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ

١ . غرر الحكم: ح ٩٦٢٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٨٠ ح ٨٨٢١.

٢ . نهج البلاغة: الخطبة ١١٣، غرر الحكم: ح ٩٦٥٢ وفيه صدره إلى «تحرّمونه».

٣ . غرر الحكم: ح ٥١٥٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٥٠ ح ٢٦٩٢ و ح ٢٦٩٣ نحوه.

٤ . الهامد: اليابس (النهاية: ج ٥ ص ٢٧٣ «همد»).

٥ . الهشيم: النبات اليابس المتكسر (النهاية: ج ٥ ص ٢٦٤ «هشم»).

٦ . الكافي: ج ٢ ص ٥٩١ ح ٣١ عن عبد الرحمن بن سيابة، مصباح المتجّد: ص ٢٧٦ ح ٢٨٣، جمال الأسبوع:

ص ١٤٣ وفيهما «نسيمها» بدل «هشيمها»، بحار الأنوار: ج ٨٩ ص ٣٠٢ ح ١٠.

۱۲۹۸. امام علی علیه السلام: چه زیانکار است کسی که او را در آخرت، بهره‌ای نیست!

۱۲۹۹. امام علی علیه السلام: شما را چه می‌شود که به اندک چیزی از دنیا که به دست می‌آورید، شادمان می‌شوید؛ ولی از دست دادن بسیاری از آخرت، شما را اندوهگین نمی‌سازد؟! و اندک دنیا که از دستتان می‌رود، شما را ناراحت و بی‌تاب می‌سازد، چندان که این بی‌تابی در چهره‌های شما و در ناشکیبایی‌تان بر آنچه از شما گرفته شده است، آشکار می‌گردد. گویی دنیا اقامتگاه دائمی شماست و کالایش برایتان ماندگار است!

۱۳۰۰. امام علی علیه السلام: خداوند سبحان، شما را به سوی سرای ماندگاری و اقامتگاه جاودانی و نعمت‌ها و همسایگی با پیامبران و نیک‌بختان فرا خواند و شما نافرمانی کردید و روی گردانیدید؛ اما دنیا شما را به اقامتگاه بدبختی و جایگاه نیستی و انواع گرفتاری‌ها و رنج‌ها فرا خواند و شما اطاعت کردید و از یکدیگر پیشی گرفتید و شتافتید!

۱۳۰۱. امام صادق علیه السلام: در دعا: پروردگارا! دعوتگران دنیا مرا فرا خواندند و من سراسیمه دعوت آنان را پذیرفتم و داوطلبانه اطاعتشان کردم؛ و دعوتگران آخرت مرا فرا خواندند و من درنگ کردم و در پذیرفتن دعوت آنان و شتافتن به سوی آنان کندی ورزیدم، چنان که [بر عکس] به سوی دعوتگران دنیا و خس و خاشاک و علف‌های خشکیده نابودشونده آن (متاع پوچ و بی‌ارزش دنیا) و سراب از بین رفتنی‌اش، شتاب کردم.

۵/۲

اندازه‌پرواضحتن به آخرت

۱۳۰۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برای دنیایت چنان کار کن که گویی تا ابد زنده می‌مانی، و برای

تَمُوتُ غَدًا. ١.

١٣٠٣. عنه عليه السلام: أَصْلِحُوا دُنْيَاكُمْ وَأَعْمَلُوا لِآخِرَتِكُمْ كَأَنَّكُمْ تَمُوتُونَ غَدًا. ٢.

١٣٠٤. عنه عليه السلام: اِعْمَلْ عَمَلًا مَن يَرْجُو أَن يَمُوتَ هَرِمًا، وَاحْذَرْ حَذَرَ مَن يَتَخَوَّفُ أَن يَمُوتَ غَدًا. ٣.

١٣٠٥. الإمام علي عليه السلام - مِمَّا أَوْصَى بِهِ ابْنَهُ الْحَسَنَ عليه السلام عِنْدَ وَفَاتِهِ -: إِذَا عَرَضَ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِ الْآخِرَةِ فَأَبْدَأْ بِهِ، وَإِذَا عَرَضَ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا فَتَأَنَّنْ حَتَّى تُصِيبَ رُشْدَكَ فِيهِ. ٤.

١٣٠٦. عنه عليه السلام: إِنَّمَا الدَّهْرُ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ أَنْتَ فِيمَا بَيْنَهُنَّ:

مَضَى أَمْسٍ بِمَا فِيهِ فَلَا يَرْجِعُ أَبَدًا؛ فَإِنْ كُنْتَ عَمِلْتَ فِيهِ خَيْرًا لَمْ تَحْزَنْ لِدَهَابِهِ وَفَرِحْتَ بِمَا اسْتَقْبَلَتْهُ مِنْهُ، وَإِنْ كُنْتَ قَدْ فَرَطْتَ فِيهِ فَحَسَرْتُكَ شَدِيدَةً لِدَهَابِهِ وَتَفَرِيطِكَ فِيهِ. وَأَنْتَ فِي يَوْمِكَ الَّذِي أَصْبَحْتَ فِيهِ مِنْ غَدٍ فِي غُرَّةٍ ٥ وَلَا تَدْرِي لَعَلَّكَ لَا تَبْلُغُهُ، وَإِنْ بَلَغَتْهُ لَعَلَّ حَظَّكَ فِيهِ فِي التَّفْرِيطِ مِثْلُ حَظِّكَ فِي الْأَمْسِ الْمَاضِي عَنْكَ.

فَيَوْمٌ مِنَ الثَّلَاثَةِ قَدْ مَضَى أَنْتَ فِيهِ مُفَرِّطٌ، وَيَوْمٌ تَنْتَظِرُهُ لَسْتَ أَنْتَ مِنْهُ عَلَى

١. تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢٣٣، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٣ ص ١٥٦ ح ٢٥٦٩ عن العالم عليه السلام، كفاية الأثر: ص ٢٢٧ عن جنادة بن أبي أميد (أمية) عن الإمام الحسن عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٤٤ ص ١٣٩ ح ٦.

٢. مسند الشهاب: ج ١ ص ٤١٧ ح ٧١٧، الفردوس: ج ١ ص ١٠١ ح ٢٣٢٤ كلاهما عن أبي هريرة، كنز العمال: ج ١٥ ص ٥٤٦ ح ٢٢١١١.

٣. الكافي: ج ٢ ص ٨٧ ح ٦ عن عمرو بن جميع عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٢١٤ ح ٨: السنن الكبرى: ج ٣ ص ٢٨ ح ٤٧٤٤، شعب الإيمان: ج ٣ ص ٤٠٢ ح ٢٨٨٦، تاريخ دمشق: ج ٣١ ص ٢٦٦ والثلاثة الأخيرة عن عبدالله بن عمرو بن العاص نحوه، كنز العمال: ج ٣ ص ٦٧٢ ح ٨٤١٨.

٤. الأمالي للمفيد: ص ٢٢١ ح ١، الأمالي للطوسي: ص ٧ ح ٨ كلاهما عن الفجيع العقيلي عن الإمام الحسن عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٢١٥ ح ١٦.

٥. الغرّة: الغفلة (النهاية: ج ٣ ص ٢٥٥ «غرر»).

آخرت چنان کار کن که گویی همین فردا خواهی مُرد.

۱۳۰۳. پیامبر خدا ﷺ: دنیایتان را آباد کنید، و برای آخرتتان چنان کار کنید که گویی همین فردا می میرید.

۱۳۰۴. پیامبر خدا ﷺ: عمل کن همانند عمل کردن کسی که امید دارد در پیری بمیرد، و حذر کن همانند حذر کردن کسی که می ترسد همین فردا بمیرد.

۱۳۰۵. امام علی علیه السلام - از سفارش های ایشان به فرزندش حسن علیه السلام، در هنگام وفاتش :-
هر گاه چیزی از کار آخرت برایت پیش آمد، [زود] آن را شروع کن، و هر گاه چیزی از کار دنیا برایت پیش آمد، درنگ کن تا راه درست را در آن بیابی.

۱۳۰۶. امام علی علیه السلام: روزگار، سه روز است و تو در میانه آنهایی:

دیروزی که با هر آنچه در آن بود، گذشت و هرگز برنمی گردد. پس، اگر در آن نیکی انجام داده ای، از رفتن اندوهی نداری و از آمدنش خوش حال گشته ای، و اگر در آن [در انجام دادن اعمال نیک] کوتاهی کرده ای، از رفتنش و کوتاهی کردنت در آن، سخت افسوس می خوری.

و تو، در امروزی که در آن به سر میبری، از فردایش خبر نداری، و نمی دانی، که شاید به آن نرسی و اگر هم برسی، شاید در آن، همان گونه کوتاهی ورزی که در دیروز گذشته کوتاهی کرده ای.

پس، از آن سه روز، یکی، روزی است که گذشته است و تو در آن، کوتاهی ورزیده ای، و دیگری، روزی است که چشم به راهش هستی و یقین

يَقِينٍ مِنْ تَرْكِ التَّفْرِيطِ، وَإِنَّمَا هُوَ يَوْمُكَ الَّذِي أَصْبَحْتَ فِيهِ، وَقَدْ يَنْبَغِي لَكَ إِنْ عَقَلْتَ وَفَكَّرْتَ فِيمَا فَرَّطْتَ فِي الْأَمْسِ الْمَاضِي مِمَّا فَاتَكَ فِيهِ مِنْ حَسَنَاتٍ أَلَّا تَكُونَ اكْتَسَبْتَهَا وَمِنْ سَيِّئَاتٍ أَلَّا تَكُونَ أَقْصَرْتَ عَنْهَا، وَأَنْتَ مَعَ هَذَا مَعَ اسْتِقْبَالِ غَدٍ عَلَى غَيْرِ ثِقَةٍ مِنْ أَنْ تَبْلُغَهُ وَعَلَى غَيْرِ يَقِينٍ مِنْ اكْتِسَابِ حَسَنَةٍ أَوْ مُرْتَدِّعٍ عَنْ سَيِّئَةٍ مُحِيطَةٍ^١، فَأَنْتَ مِنْ يَوْمِكَ الَّذِي تَسْتَقْبِلُ عَلَى مِثْلِ يَوْمِكَ الَّذِي اسْتَدْبَرْتَ.

فَاعْمَلْ عَمَلَ رَجُلٍ لَيْسَ يَأْمُلُ مِنَ الْأَيَّامِ إِلَّا يَوْمَهُ الَّذِي أَصْبَحَ فِيهِ وَلَيْلَتُهُ، فَاعْمَلْ أَوْ دَعْ وَاللَّهُ الْمُعِينُ عَلَى ذَلِكَ^٢.

٦/٢

إِحْصَاءُ طَالِبِ الْآخِرَةِ

أ - الرَّغْبَةُ

١٣٠٧. رسول الله ﷺ: خِيَارُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَرْهَدُكُمْ فِي الدُّنْيَا وَأَرْغَبُكُمْ فِي الْآخِرَةِ^٣.

١٣٠٨. الإمام علي عليه السلام: كُنْ فِي الدُّنْيَا زَاهِداً، وَفِي الْآخِرَةِ رَاغِباً^٤.

ب - الْوَلَةُ

١٣٠٩. الإمام علي عليه السلام: طُوبَى لِمَنْ رَكِبَ الطَّرِيقَةَ الْغَرَاءَ وَلَزِمَ الْمَحَجَّةَ الْبَيْضَاءَ، وَتَوَلَّاهُ^٥.

١. حَبِطَ عَمَلُهُ: بَطَلَ ثَوَابُهُ. وَأَحْبَطَهُ اللَّهُ تَعَالَى (الصَّحَاح: ج ٣ ص ١١١٨ «حبط»).

٢. الْكَافِي: ج ٢ ص ٤٥٣ ح ١ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنِ الْإِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عليه السلام.

٣. مُسْتَدْرَكُ الْوَسَائِل: ج ١٢ ص ٥١ ح ١٣٤٨٨ نَقْلًا عَنِ الْقُطْبِ الرَّائِدِيِّ فِي لَبِّ الْبَاب: جَامِعُ الْعُلُومِ وَالْحُكْم: ج ٢ ص ٢٠٤ عَنْ الْحَسَنِ نَحْوَهُ، شُعْبُ الْإِيمَان: ج ٧ ص ٣٧٧ ح ١٠٦٤٦ عَنْ أَبِي ذَرٍّ عَنْ إِسْنَادٍ إِلَى الْمُعْصُومِ، كِتَابُ الْعَمَال: ج ٣ ص ١٩٢ ح ٦١١٦.

٤. الْأَمَالِيُّ لِلْمُعِيد: ص ١١٩ ح ٣ عَنْ الْحَسَنِ الْبَصْرِيِّ، غُرَرُ الْحُكْم: ح ٢٨٢٧، بَحَارُ الْأَنْوَار: ج ٧ ص ٤٢٢ ح ٤١.

٥. الْوَلَةُ: ذَهَابُ الْعَقْلِ، وَالتَّحْيِيرُ مِنْ شِدَّةِ الْوَجْدِ، وَقَدْ وَلَّاهُ وَتَوَلَّاهُ وَاتَّلَّاهُ (الصَّحَاح: ج ٦ ص ٢٢٥٦ «وله»).

نداری که در آن، کوتاهی نمی‌کنی. تنها روز تو، آن روزی است که تو در آن به سر می‌بری، و تو را سِزَد که در کوتاهی کردن دیروز از دست رفته‌ات بیندیشی و فکر کنی که چه کارهای نیکی را از دست داده‌ای و در صدد کسب آنها برنیامده‌ای و چه بدی‌ها و گناهانی که در انجام دادنشان کوتاهی نکرده‌ای. و تو، با این حال، با فردایی روبه‌رو هستی که مطمئن نیستی بدان می‌رسی، و یقین نداری که در آن، کار نیکی (ثوابی) کسب می‌کنی و یا از بدی (گناهی) تباه‌کننده [ی اعمال نیک] باز می‌ایستی.

بنا بر این، حالتِ تو نسبت به روزی که پیش رو داری، همانند روزی است که پشت سر گذاشته‌ای. پس، همانند کسی عمل کن که از روزها امیدی ندارد، مگر به همان روز و شبی که در آن به سر می‌برد. پس، عمل کن یا وا گذار، و خدا بر این کار، یاور است.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

ویژگی‌های طالبان آخرت

الف - رغبت

۱۳۰۷. پیامبر خدا ﷺ: بهترین شما در نزد خداوند، زاهدترین شما به دنیا و راغب‌ترینتان به آخرت است.

۱۳۰۸. امام علی علیه السلام: به دنیا بی رغبت باش و به آخرت، راغب.

ب - شیفتگی

۱۳۰۹. امام علی علیه السلام: خوشا به حال کسی که راه روشن، در پیش گرفت و در مسیر

بِالْآخِرَةِ وَأَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيَا.^۱

۱۳۱۰ . عنه عليه السلام: كُونُوا عَنِ الدُّنْيَا نُزَاهًا، وَإِلَى الْآخِرَةِ وُلَاهًا.^۲

۱۳۱۱ . عنه عليه السلام: شَيْمَةٌ ذَوِي الْأَبَابِ وَالْتِهَى الْإِقْبَالُ عَلَى دَارِ الْبَقَاءِ، وَالْإِعْرَاضُ عَنْ دَارِ الْفَنَاءِ، وَالتَّوَلُّهُ بِجَنَّةِ الْمَأْوَى.^۳

ج - اِسْتِعْدَاد

۱۳۱۲ . الإمام علي عليه السلام: اِسْتَعِدُّوا الْيَوْمَ تَشْخُصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ، وَتَتَدَلَّلُ^۴ لِهَوْلِهِ الْعُقُولُ، وَتَتَبَلَّدُ^۵ الْبَصَائِرُ.^۶

۱۳۱۳ . عنه عليه السلام: خَيْرُ اِسْتِعْدَادٍ مَا أَصْلَحَ بِهِ الْمَعَادُ.^۷

د - الْجِدُّ وَالْإِجْتِهَاد

۱۳۱۴ . الإمام علي عليه السلام: إِنَّكَ فِي سَبِيلٍ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ، فَاجْعَلْ جِدَّكَ لِآخِرَتِكَ وَلَا تَكْتَرِثْ بِعَمَلِ الدُّنْيَا.^۸

۱۳۱۵ . عنه عليه السلام: عَلَيْكَ بِالْجِدِّ وَالْإِجْتِهَادِ فِي إِصْلَاحِ الْمَعَادِ.^۹

۱۳۱۶ . عنه عليه السلام: إِصْرِفْ إِلَى الْآخِرَةِ وَجْهَكَ، وَاجْعَلْ لِلَّهِ جِدَّكَ.^{۱۰}

۱ . غرر الحكم: ح ۵۹۷۲، عيون الحكم والمواعظ: ص ۳۱۴ ح ۵۴۸۷.

۲ . نهج البلاغة: الخطبة ۱۹۱، غرر الحكم: ح ۷۱۹۰.

۳ . غرر الحكم: ح ۵۷۹۱، عيون الحكم والمواعظ: ص ۲۹۷ ح ۵۳۰۵.

۴ . دَلَّةٌ عَقْلِيَّةٌ: حَيِّزٌ وَأَدَهَشَةٌ، وَقَدْ دَلَّهَ يَدْلُهُ (النهاية: ج ۲ ص ۱۳۱ «دله»).

۵ . تَبَلَّدَ: تَرَدَّدَ مَتَحَيِّرًا (الصحيح: ج ۲، ص ۴۴۹ «بلد»).

۶ . غرر الحكم: ح ۲۵۷۳، عيون الحكم والمواعظ: ص ۹۱ ح ۲۱۴۷ وفيه «وتزَلَّ» بدل «وتتدلَّه».

۷ . غرر الحكم: ح ۵۰۱۰، عيون الحكم والمواعظ: ص ۲۳۸ ح ۴۵۲۹.

۸ . غرر الحكم: ح ۳۷۸۶، عيون الحكم والمواعظ: ص ۱۷۱ ح ۳۵۸۰.

۹ . غرر الحكم: ح ۶۱۲۵، عيون الحكم والمواعظ: ص ۲۳۴ ح ۵۶۹۰.

۱۰ . غرر الحكم: ح ۲۴۰۷، عيون الحكم والمواعظ: ص ۸۲ ح ۱۹۶۳ وليس فيه ذيله.

درست، حرکت کرد و شیفته آخرت شد و از دنیا روی گرداند!

۱۳۱۰. امام علی علیه السلام: وارسته از دنیا و شیفته آخرت باشید.

۱۳۱۱. امام علی علیه السلام: خوی و خصلت صاحب دلانِ خردمند، روی آوردن به سرای

ماندگاری، روی گرداندن از سرای ناپایداری، و شیفتگی به قرارگاه بهشتی

است.

ج- آمادگی

۱۳۱۲. امام علی علیه السلام: خود را آماده سازید برای آن روزی که در آن، چشم‌ها خیره

می‌گردند و از هراس آن، خِرَد‌ها از کف می‌روند و دل‌ها سرگردان می‌شوند.

۱۳۱۳. امام علی علیه السلام: بهترین [بزار] آمادگی، آن است که با آن، معاد [انسان] آباد شود.



د- کوشش و تلاش

۱۳۱۴. امام علی علیه السلام: تو در همان راهی می‌روی که پیشینیان تو رفتند. پس، کوششت را

برای آخرت قرار بده و به کار دنیا اعتنا مکن.

۱۳۱۵. امام علی علیه السلام: بر تو باد تلاش و کوشش در راه آباد کردن معاد!

۱۳۱۶. امام علی علیه السلام: روی خویش را به سوی آخرت بگردان و کوششت را برای خدا

قرار بده.

١٣١٧ . عنه عليه السلام: جَاهِدْ نَفْسَكَ وَاعْمَلْ لِلْآخِرَةِ جَهْدَكَ.^١

١٣١٨ . عنه عليه السلام: عَزِيْمَةُ الْكَيْسِ وَجِدَّةُ لِإِصْلَاحِ الْمَعَادِ، وَالْإِسْتِكْنَارِ مِنَ الزَّادِ.^٢

هـ- الْعَمَلُ

١٣١٩ . رسول الله صلى الله عليه وآله: أَيُّهَا النَّاسُ! إِسْعَوْا فِي فِكَاكِ رِقَابِكُمْ، وَاعْمَلُوا الْخَيْرَ لِيَوْمِ فِقْرِكُمْ وَفَاقَتِكُمْ.^٣

١٣٢٠ . عنه عليه السلام: اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ مَطِيَّتَانِ، فَارْكَبُوهُمَا بَلَاغاً إِلَى الْآخِرَةِ.^٤

١٣٢١ . الإمام علي عليه السلام: إِنَّكَ مَخْلُوقٌ لِلْآخِرَةِ فَاعْمَلْ لَهَا.^٥

١٣٢٢ . عنه عليه السلام: سَالِمِ النَّاسِ تَسْلَمَ، وَاعْمَلْ لِلْآخِرَةِ تَغْنَمَ.^٦

١٣٢٣ . عنه عليه السلام: لَا يَشْغَلَنَّكَ عَنِ الْعَمَلِ لِلْآخِرَةِ شُغْلٌ، فَإِنَّ الْمُدَّةَ قَصِيرَةٌ.^٧

١٣٢٤ . عنه عليه السلام: لِرَجُلٍ سَأَلَهُ أَنْ يَعِظَهُ: لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُو الْآخِرَةَ بِغَيْرِ الْعَمَلِ، وَيُرْجَى التَّوْبَةُ بِطَوْلِ الْأَمَلِ.^٨

١٣٢٥ . الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: تَعْمَلُونَ لِلدُّنْيَا وَأَنْتُمْ

١. غرر الحكم: ح ٢٤٠٦.

٢. غرر الحكم: ح ٦٣٣٨. عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٣٢ ح ٤٤٥١ نحوه.

٣. تنبيه الغافلين: ص ٥٥٤ ح ٨٩٨ عن عبد خير عن الإمام علي عليه السلام.

٤. الأمالي للشجري: ج ١ ص ١٩٧. تاريخ دمشق: ج ٦١ ص ٢٥٥ ح ١٢٦٢٥ كلاهما عن ابن عباس، كنز العمال: ج ٣ ص ٣٧ ح ٥٣٥٩.

٥. غرر الحكم: ح ٣٨١٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٧٢ ح ٣٥٩٧.

٦. غرر الحكم: ح ٥٦٠٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٨٥ ح ٥١٤٨.

٧. غرر الحكم: ح ١٠٢٨٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٢٢ ح ٩٥٠٢ نحوه.

٨. نهج البلاغة: الحكمة ١٥٠، خصائص الأئمة عليه السلام: ص ١٠٩، تحف العقول: ص ١٥٧ وفيه «يرجو» بدل

«يرجى»، بحار الأنوار: ج ٦ ص ٣٧ ح ٦٠، تذكرة الخواص: ص ١٣٤ نحوه، كنز العمال: ج ١٦ ص ٢٠٥

ح ٤٤٢٢٩ نقلاً عن ابن النجار.

۱۳۱۷. امام علی علیه السلام: با نفس خود، مبارزه کن و با تمام توانت، برای آخرت کار کن.

۱۳۱۸. امام علی علیه السلام: تصمیم شخص زیرک و تلاش او، برای آباد کردن معاد و فراهم آوردن هر چه بیشتر توشه و زاد است.

هـ- عمل

۱۳۱۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای مردم! در آزادسازی خود بکوشید و برای روز ناداری و نیازمندی تان، کار نیک کنید.

۱۳۲۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شب و روز، دو مرکب اند. برای رسیدن به آخرت، بر آن دو، سوار شوید.

۱۳۲۱. امام علی علیه السلام: تو برای آخرت، آفریده شده‌ای. پس برای آن، کار کن.

۱۳۲۲. امام علی علیه السلام: با مردم در آشتی باش تا سلامت بمانی، و برای آخرت کار کن تا سود ببری.

۱۳۲۳. امام علی علیه السلام: مبادا هیچ کاری تو را از کار برای آخرت باز دارد؛ زیرا که فرصت، کم است.

۱۳۲۴. امام علی علیه السلام: - خطاب به مردی که از ایشان موعظتی خواست -: از آن کسانی مباش که بدون عمل، به آخرت چشم امید بسته‌اند و بر اثر آرزوی دراز، توبه را به تأخیر می‌افکنند.

۱۳۲۵. عیسی علیه السلام: برای دنیا کار می‌کنید، حال آن که در دنیا بدون کار، روزی شما

تُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ عَمَلٍ، وَلَا تَعْمَلُونَ لِلْآخِرَةِ وَأَنْتُمْ لَا تُرْزَقُونَ فِيهَا إِلَّا بِالْعَمَلِ!١

و - التَّزَوُّدُ

الكتاب

«وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى» ٢.

الحديث

١٣٢٦. الإمام علي عليه السلام: أَلَا مَتَزَوَّدٌ لِآخِرَتِهِ قَبْلَ أَزْوَفٍ ٣ رِحْلَتِهِ ٤.

١٣٢٧. عنه عليه السلام: تَفَكَّرُوا أَتَيْهَا النَّاسُ وَتَبَصَّرُوا وَاعْتَبَرُوا وَاتَّعِظُوا، وَتَزَوَّدُوا لِلْآخِرَةِ تَسْعَدُوا. ٥

١٣٢٨. عنه عليه السلام: اجْعَلُوا عِبَادَ اللَّهِ اجْتِهَادَكُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا التَّزَوُّدَ مِنْ يَوْمِهَا الْقَصِيرِ لِيَوْمِ
الْآخِرَةِ الطَّوِيلِ؛ فَإِنَّهَا دَارُ عَمَلٍ، وَالْآخِرَةُ دَارُ الْقَرَارِ وَالْجَزَاءِ. ٦

١٣٢٩. الإمام زين العابدين عليه السلام - في الدعاء -: وَاجْعَلْ تَقْوَاكَ مِنَ الدُّنْيَا زَادِي. ٧

١٣٣٠. لقمان عليه السلام - لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ -: يَا بُنَيَّ، مِنْ حِينَ سَقَطَتْ مِنْ بَطْنِ أُمِّكَ اسْتَدْبَرَتْ
الدُّنْيَا وَاسْتَقْبَلَتْ الْآخِرَةَ، وَأَنْتَ فِي كُلِّ يَوْمٍ إِلَى مَا اسْتَقْبَلْتَ أَقْرَبُ مِنْكَ إِلَى مَا

١. الكافي: ج ٢ ص ٣١٩ ح ١٣، الأمالي للطوسي: ص ٢٠٨ ح ٣٥٦ كلاهما عن حفص بن غياث، بحار الأنوار:

ج ٧١ ص ١٧٥ ح ١٣؛ سنن الدارمي: ج ١ ص ١٠٩ ح ٣٧٤، الزهد لابن حنبل: ص ٩٦ كلاهما عن هشام
صاحب الدستوائي.

٢. البقرة: ١٩٧.

٣. أَرْزَفَ: دَنَا وَقَرَّبَ (النهاية: ج ١ ص ٤٥ «أَرْزَفَ»).

٤. غرر الحكم: ح ٢٧٥٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٠٨ ح ٢٣٧٨.

٥. غرر الحكم: ح ٦٥٨٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٥٩ ح ٦٠٨٩.

٦. الكافي: ج ٨ ص ١٧٤ ح ١٩٤ عن محمد بن النعمان أو غيره عن الإمام الصادق عليه السلام. تنبيه الخواطر: ج ٢
ص ١٥٠، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٣٥١ ح ٣١.

٧. الصحيفة السجادية: ص ٩١، الدعاء ٢١، مهج الدعوات: ص ٤٠ وفيه «واجعل زادي من الدنيا تقواك»،
بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٣٣٤ ح ٥.

داده می‌شود، و برای آخرت که در آن جز با عمل، روزی داده نمی‌شوید، کار نمی‌کنید!

و - توشه برگرفتن

قرآن

«زاد و توشه فراهم سازید که بهترین زاد و توشه، پرهیزگاری است».

حدیث

۱۳۲۶. امام علی علیه السلام: آیا کسی نیست که پیش از نزدیک شدن زمان کوچیدنش [از دنیا،] برای آخرتش توشه بگیرد؟

۱۳۲۷. امام علی علیه السلام: ای مردم! بیندیشید و بینا شوید و درس عبرت بگیرید و پند بیاموزید و برای آخرت توشه بردارید تا سعادتمند شوید.

۱۳۲۸. امام علی علیه السلام: ای بندگان خدا! کوشش خود را در این دنیا صرف توشه برگرفتن از این چند روز کوتاه آن برای دوره طولانی آخرت کنید؛ زیرا که دنیا سرای کار است و آخرت، سرای اقامت و پاداش.

۱۳۲۹. امام زین العابدین علیه السلام: [خدایا!] پروای از خود را در دنیا ده توشه‌ام گردان!

۱۳۳۰. لقمان علیه السلام: در اندرز به فرزندش :- پسر من! از همان زمان که از شکم مادرت افتادی، دنیا را پشت سر خود نهادی و آخرت را پیش رویت قرار دادی، و تو در هر روز، به آنچه پیش رو داری، نزدیک‌تر می‌شوی تا به آنچه پشت سر

استدبرت، فتزود لدارٍ أنت مستقبلها، وعليك بالتقوى؛ فإنه أربح التجارات.^١

٧/٢

آثار الاهتمام بالآخرة

١٣٣١. رسول الله ﷺ: مَنْ كَانَتْ الْآخِرَةُ هَمَّهُ جَعَلَ اللَّهُ غِنَاهُ فِي قَلْبِهِ، وَجَمَعَ لَهُ شَمْلَهُ، وَأَتَتْهُ الدُّنْيَا وَهِيَ رَاغِمَةٌ، وَمَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا هَمَّهُ جَعَلَ اللَّهُ فَقْرَهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ، وَفَرَّقَ عَلَيْهِ شَمْلَهُ، وَلَمْ يَأْتِهِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مَا قُدِّرَ لَهُ.^٢

١٣٣٢. عنه ﷺ: مَنْ كَانَتْ الْآخِرَةُ هَمَّهُ وَسَدَمَهُ^٣، لَهَا يَشْخَصُ وَإِيَّاهَا يَتَوَي؛ جَعَلَ اللَّهُ ﷻ الْغِنَى فِي قَلْبِهِ، وَجَمَعَ عَلَيْهِ ضِيعَتَهُ^٤، وَأَتَتْهُ الدُّنْيَا وَهِيَ صَاغِرَةٌ.^٥

١٣٣٣. عنه ﷺ: مَنْ أَصْبَحَ وَأَمْسَى وَالْآخِرَةُ أَكْبَرُ هَمِّهِ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ الْغِنَى فِي قَلْبِهِ، وَجَمَعَ لَهُ أَمْرَهُ، وَلَمْ يَخْرُجْ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَسْتَكْمِلَ رِزْقَهُ.^٦

١٣٣٤. عنه ﷺ: تَقَرَّعُوا مِنْ هُمُومِ الدُّنْيَا مَا اسْتَطَعْتُمْ؛ فَإِنَّهُ مَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّهِ أَفْسَى اللَّهُ ضِيعَتَهُ، وَجَعَلَ فَقْرَهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ، وَمَنْ كَانَتْ الْآخِرَةُ أَكْبَرَ هَمِّهِ جَمَعَ اللَّهُ لَهُ

١. إرشاد القلوب: ص ٧٢، الاختصاص: ص ٣٣٨ عن الأوزاعي نحوه، بحار الأنوار: ج ١٣ ص ٤٢٩ ح ٢٣.
٢. سنن الترمذي: ج ٤ ص ٦٤٢ ح ٢٤٦٥ عن أنس، سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٣٧٥ ح ٤١٠٥، سنن الدارمي: ج ١ ص ٨٠ ح ٢٣٣، مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ١٤٠ ح ٢١٦٤٤ كلها عن زيد بن ثابت، المعجم الكبير: ج ١١ ص ٢١٣ ح ١١٦٩٠ عن ابن عباس وكلها نحوه، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٠٥ ح ٦١٨٦.
٣. السَّدَم: اللَّهَجُ وَالْوُلُوعُ بِالشَّيْءِ (النهاية: ج ٢ ص ٣٥٥ «سدم»).
٤. الضَّيْعَةُ: مَا يَكُونُ مِنْهُ مَعَاشُهُ، كَالصَّنْعَةِ وَالتَّجَارَةِ وَالزَّرَاعَةِ (النهاية: ج ٣ ص ١٠٨ «ضيع»).
٥. المعجم الأوسط: ج ٦ ص ١٢٣ ح ٥٩٩٠ و ج ٨ ص ٣٦٤ ح ٨٨٨٢ كلاهما عن أنس، شرح نهج البلاغة: ج ٦ ص ٢٣١ كلاهما نحوه، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٢٤ ح ٢٤٤.
٦. ثواب الأعمال: ص ٢٠١ ح ١ عن ابن أبي يعفور عن الإمام الصادق ﷺ، الكافي: ج ٢ ص ٣١٩ ح ١٥ عن عبد الله بن أبي يعفور عن الإمام الصادق ﷺ، مشكاة الأنوار: ص ٤٦٤ ح ١٥٤٦ عن الإمام الصادق ﷺ وليس فيهما ذيله، تحف العقول: ص ٤٨، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٠٤ ح ٩٦.

داری. پس، برای سرایی که پیش رو داری، توشه بگیر و بر توباد تقوا که آن سودمندترین سوداگری است.

۷/۲ آمار، همتِ اَدن به آخرت

۱۳۳۱. پیامبر خدا ﷺ: کسی که آخرتِ هم و غم او باشد، خداوند دلش را بی نیاز می گرداند و پریشانی اش را سامان می دهد و دنیا به رِغم میلش، به او روی می آورد؛ و کسی که دنیا هم و غم او باشد، خداوند فقر را در پریشانی او (در پیش چشمانش) قرار می دهد و خاطرش را آشفته می سازد و از دنیا جز همان که برایش مقدر شده است، نصیب او نمی شود.

۱۳۳۲. پیامبر خدا ﷺ: کسی که آخرت، هم و غم و وردش باشد و چشم به آن بدوزد و همواره اندیشه آن را در سر پیوراند، خداوند دلش را بی نیاز می گرداند و زندگی اش را سامان می بخشد و دنیا، با حالت زبونی و تسلیم، به او روی می آورد.

۱۳۳۳. پیامبر خدا ﷺ: کسی که شب و روز، بزرگ ترین هم و غمش آخرت باشد، خداوند دلش را بی نیاز می گرداند و کارش را سامان می بخشد و از دنیا نمی رود تا آن که روزی اش را کامل دریافت کند.

۱۳۳۴. پیامبر خدا ﷺ: تا می توانید، خویشتن را از هم و غم دنیا فارغ گردانید؛ زیرا هر کس که دنیا بزرگ ترین هم و غم او باشد، خداوند زندگی اش را نابسامان

أَمُورُهُ، وَجَعَلَ غِنَاهُ فِي قَلْبِهِ.^١

١٣٣٥ . عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْعَبْدَ إِنْ كَانَ هَمُّهُ الْآخِرَةُ كَفَّ اللَّهُ عَلَيْهِ ضِيعَتَهُ وَجَعَلَ غِنَاهُ فِي قَلْبِهِ، وَإِنْ كَانَ هَمُّهُ الدُّنْيَا أَفْشَى اللَّهُ عَلَيْهِ ضِيعَتَهُ وَجَعَلَ فَقْرَهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ؛ فَلَا يُمَسِّي إِلَّا فَقِيرًا وَلَا يُصْبِحُ إِلَّا فَقِيرًا.^٢

١٣٣٦ . الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَانَتْ الْفُقَهَاءُ وَالْحُكَمَاءُ إِذَا كَاتَبَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا كَتَبُوا بِثَلَاثِ لَيْسَ مَعَهُنَّ رَابِعَةً: مَنْ كَانَتْ الْآخِرَةُ هَمَّهُ كَفَاهُ اللَّهُ هَمَّهُ مِنَ الدُّنْيَا...^٣

١٣٣٧ . رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: يَا بَنَى آدَمَ، تَفَرَّغْ لِعِبَادَتِي أَمَلًا صَدْرَكَ غِنًى وَأُسَدَّ فَقْرَكَ، وَإِلَّا تَفَعَّلَ مَلَأْتُ يَدَيْكَ شُغْلًا وَلَمْ أُسَدِّ فَقْرَكَ.^٤

١٣٣٨ . عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ - عِنْدَ مَنْصَرَفِهِ مِنْ أَحَدٍ وَالنَّاسُ مُجِدِّقُونَ بِهِ -: أَتَيْهَا النَّاسُ! أَقْبِلُوا عَلَيَّ مَا كَلَّفْتُمُوهُ مِنْ إِصْلَاحِ آخِرَتِكُمْ، وَأَعْرِضُوا عَمَّا ضَمِنَ لَكُمْ مِنْ دُنْيَاكُمْ، وَلَا تَسْتَعْمِلُوا جَوَارِحَ غُذِّيَّتِ بِنِعْمَتِهِ فِي التَّعَرُّضِ لِمَسْخَطِهِ بِمَعْصِيَتِهِ، وَاجْعَلُوا شُغْلَكُمْ فِي التِّمَاسِ مَغْفِرَتِهِ، وَاصْرِفُوا هِمَّتَكُمْ بِالتَّقَرُّبِ إِلَى طَاعَتِهِ، مَنْ بَدَأَ بِنَصِيْبِهِ مِنَ الدُّنْيَا فَإِنَّهُ^٥ نَصِيْبُهُ مِنَ الْآخِرَةِ وَلَمْ يُدْرِكْ مِنْهَا مَا يُرِيدُ. وَمَنْ بَدَأَ

١ . المعجم الأوسط: ج ٥ ص ١٨٦ ح ٥٠٢٥، حلية الأولياء: ج ١ ص ٢٢٧ كلاهما عن أبي الدرداء، كنز العمال: ج ٣ ص ١٨٤ ح ٦٠٧٧.

٢ . الزهد لابن حنبل: ص ٤٢ عن الحسن، سنن الدارمي: ج ١ ص ١٠١ ح ٣٣٧ عن الحسن من دون إسناد إلى المعصوم، الزهد لهناد: ج ٢ ص ٣٥٤ ح ٦٦٧ عن أنس وكلاهما نحوه، كنز العمال: ج ٣ ص ١٩٠ ح ٦١٠٥.

٣ . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٩٦ ح ٥٨٤٥ عن إسماعيل بن مسلم، ثواب الأعمال: ص ٢١٦ ح ١ عن السكوني وكلاهما عن الإمام الصادق عن أبيه عن آياته عن علي عليه السلام.

٤ . سنن الترمذي: ج ٤ ص ٦٤٣ ح ٢٤٦٦، مسند ابن حنبل: ج ٣ ص ٢٧٩ ح ٨٧٠٤، المستدرک علی الصحیحین: ج ٢ ص ٤٨١ ح ٣٦٥٧، شعب الإيمان: ج ٧ ص ٢٨٩ ح ١٠٢٣٩ كلها عن أبي هريرة وفي الثلاثة الأخيرة «صدرك» بدل «يديك»، كنز العمال: ج ١٥ ص ٧٧٠ ح ٤٣٠٢٢.

٥ . في أعلام الدين: «فاته» بدل «فإنه»، وهو الأقرب للمعنى.

می سازد و فقر را پیش چشم او قرار می دهد؛ و هر کس که آخرت، بزرگ ترین هم و غم او باشد، خداوند امورش را سر و سامان می دهد و دلش را بی نیاز می گرداند.

۱۳۳۵. پیامبر خدا ﷺ: بنده اگر هم و غمش آخرت باشد، خداوند زندگی اش را برای او سامان می بخشد و بی نیازی اش را در دلش قرار می دهد؛ و اگر هم و غمش دنیا باشد، خداوند زندگی اش را برای او پریشان و پُر مشغله می سازد و فقر را پیش چشم او قرار می دهد. در نتیجه، شب و روزش را جز با نیازمندی سپری نمی کند (همیشه احساس فقر می نماید).

۱۳۳۶. امام علی ؑ: فقیهان و حکیمان هر گاه با همدیگر مکاتبه می کردند، سه چیز را می نوشتند که چهارمی نداشت: آن که همتش آخرت باشد، خدا کار دنیایش را کفایت می کند....

۱۳۳۷. پیامبر خدا ﷺ: خدای والامرتبه می فرماید: «ای فرزند آدم! خود را وقف عبادت من کن تا سینه ات را از بی نیازی پر کنم و فقرت را بزدایم. در غیر این صورت، دستانت را پر از کار [و مشغله] می گردانم و فقرت را برطرف نمی سازم».

۱۳۳۸. پیامبر خدا ﷺ: در بازگشتش از جنگ اُحُد، در حالی که مردم ایشان را در میان گرفته بودند: «ای مردم! به آباد کردن آخرتتان - که بدان مکلف شده اید - روی آورید و از دنیایتان که برای شما تضمین شده است [و روزی تان در آن، خواه ناخواه می رسد]، روی گردانید و اعضا و جوارحی را که به نعمت های او تغذیه شده است، در معصیت او - که موجب خشم خداوند می شود - به کار نگیرید و به طلب آمرزش از او بپردازید و همت خود را صرف تقرب به طاعت او کنید.

کسی که به بهره اش از دنیا آغاز کند، بهره اش از آخرت را از کف می دهد

بِنَصِيهِهِ مِنَ الْآخِرَةِ وَصَلَ إِلَيْهِ نَصِيهُهُ مِنَ الدُّنْيَا وَأَدْرَكَ مِنَ الْآخِرَةِ مَا يُرِيدُ.^١
 ١٣٣٩. الإمام علي عليه السلام: مَنْ أَصْبَحَ وَالْآخِرَةُ هَمُّهُ اسْتَغْنَى بِغَيْرِ مَالٍ، وَاسْتَأْنَسَ بِغَيْرِ أَهْلِ،
 وَعَزَّ بِغَيْرِ عَشِيرَةٍ.^٢

١٣٤٠. عنه عليه السلام: اجْعَلْ هَمَّكَ لِمَعَادِكَ تَصْلَحْ.^٣

١٣٤١. عنه عليه السلام: مَنْ كَانَتْ هِمَّتُهُ آخِرَتَهُ، كَفَاهُ اللَّهُ هَمَّهُ مِنَ الدُّنْيَا.^٤

١٣٤٢. عنه عليه السلام: مَنْ جَعَلَ كُلَّ هَمِّهِ لِآخِرَتِهِ، ظَفِرَ بِالْمَأْمُولِ.^٥

١٣٤٣. عنه عليه السلام: مَنْ كَانَتْ الْآخِرَةُ هِمَّتَهُ، بَلَغَ مِنَ الْخَيْرِ غَايَةَ أُمْنِيَّتِهِ.^٦

١٣٤٤. عنه عليه السلام: اسْتَغَالِكَ بِإِصْلَاحِ مَعَادِكَ يُنْجِيكَ مِنْ عَذَابِ النَّارِ.^٧

١٣٤٥. عنه عليه السلام - لجابر بن عبد الله الأنصاري -: يَا جَابِرُ، قِوَامُ الدِّينِ وَالْدُّنْيَا بِأَرْبَعَةٍ:
 عَالِمٍ مُسْتَعْمِلٍ عِلْمَهُ، وَجَاهِلٍ لَا يَسْتَنْكَفُ أَنْ يَتَعَلَّمَ، وَجَوَادٍ لَا يَبْخُلُ بِمَعْرُوفِهِ،
 وَفَقِيرٍ لَا يَبِيعُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا. فَإِذَا ضَيَّعَ الْعَالِمُ عِلْمَهُ اسْتَنْكَفَ الْجَاهِلُ أَنْ يَتَعَلَّمَ.

١. عدة الداعي: ص ٢٨٨، أعلام الدين: ص ٢٢٩ ح ٢٣ كلاهما عن أبي سعيد الخدري، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٨٢ ح ٢٣.

٢. الأمالي للطوسي: ص ٥٨٠ ح ١١٩٨ عن عبد الله بن محمد بن عبيد عن الإمام الهادي عن آبائه عن الإمام الصادق عليه السلام، تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٧١ عن محمد بن عجلان عن الإمام الهادي عن آبائه عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٣١٨ ح ٢٩.

٣. غرر الحكم: ح ٢٣٠٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٧٨ ح ١٨٧٩.

٤. الكافي: ج ٨ ص ٣٠٧ ح ٤٧٧ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٣٩٦ ح ٥٨٤٥ عن إسماعيل بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليه السلام، الخصال: ص ١٢٩ ح ١٣٣ عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ١٨١ ح ٣٦.

٥. غرر الحكم: ح ٨٥١٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٤٩ ح ٧٩٩١.

٦. غرر الحكم: ح ٨٩٠٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٣٤ ح ٧٤٨٩.

٧. غرر الحكم: ح ١٤٨٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ٧٠ ح ١٧٧٥ و ص ١٢٧ ح ٢٩١١ وليس فيهما «عذاب».

و به آنچه از آخرت می‌خواهد، نمی‌رسد؛ و کسی که به بهره‌اش از آخرت آغاز کند، سهمش از دنیا به او می‌رسد و از آخرت نیز به آنچه می‌خواهد، دست می‌یابد.

۱۳۳۹. امام علی علیه السلام: هر کس روز خود را آغاز کند، در حالی که هم و غم او آخرت باشد، در عین بی‌پولی، بی‌نیاز خواهد بود و در عین بی‌کسی، از تنهایی به در می‌آید و با وجود نداشتن قوم و قبیله، عزیز و قدرتمند خواهد بود.

۱۳۴۰. امام علی علیه السلام: همّت خود را صرف معادّات کن تا معادّات آباد شود.

۱۳۴۱. امام علی علیه السلام: کسی که همّتش آخرتش باشد، خداوند هم و غم دنیای او را برطرف می‌سازد.

۱۳۴۲. امام علی علیه السلام: هر کس تمام هم و غمش را برای آخرتش قرار دهد، به آرزو می‌رسد.

۱۳۴۳. امام علی علیه السلام: کسی که آخرت همّت او باشد، در خوبی، به نهایت آرزویش می‌رسد.

۱۳۴۴. امام علی علیه السلام: پرداختن تو به آباد کردن معادّات، تو را از عذاب آتش می‌رهاند.

۱۳۴۵. امام علی علیه السلام - خطاب به جابر - : ای جابر! سامان یافتن دین و دنیا، به چهار چیز است: عالمی که علمش را به کار می‌گیرد، جاهلی که از آموختن خودداری نمی‌کند، بخشنده‌ای که در بخشش خویش بخل نمی‌ورزد، و فقیری که آخرتش را به دنیایش نمی‌فروشد. پس هر گاه عالم، علم خود را تباه کند،

وَإِذَا بَخِلَ الْغَنِيُّ بِمَعْرُوفِهِ بَاعَ الْفَقِيرُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ.^١

١٣٣٦ . عنه عليه السلام: مَنْ حَرَصَ عَلَى الْآخِرَةِ مَلَكَ، مَنْ حَرَصَ عَلَى الدُّنْيَا هَلَكَ.^٢

١٣٣٧ . عنه عليه السلام: حَلَاوَةُ الْآخِرَةِ تُذْهِبُ مَضَاضَةَ^٣ شَقَاءِ الدُّنْيَا.^٤

١٣٣٨ . الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ كَانَتْ الْآخِرَةُ أَكْبَرَ هَمِّهِ، كَشَفَ اللَّهُ عَنْهُ ضِيقَهُ، وَجَمَعَ لَهُ

أَمْرَهُ، وَأَتَتْهُ الدُّنْيَا وَهِيَ رَاغِمَةٌ.^٥

راجع: ص ٣٣٦ (آثار ذكر الآخرة)
و ٣٣٦ (بركات عمارة الآخرة)،
ج ١ ص ٤١٢ (فساد النفس / الهلاك).



مرکز تحقیقات کتب و تراث اسلامی

١ . نهج البلاغة: الحكمة ٣٧٢، نزهة الناظر: ص ٧٠ ح ٦٦ عن ابن عباس نحوه وفيه «قيام الدنيا» بدل «يا جابر».
قوام الدين والدنيا»، الدعوات: ص ٢٢٩ ح ٦٣٧ عن جابر، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص ٢٠٢ ح ٢٧٤ نحوه وليس فيه ذيله من «فإذا ضيغ العالم...» وليس في الأخيرين «الدين»، بحار الأنوار: ج ٧٤ ص ٤١٧ ح ٣٩.

٢ . غرر الحكم: ح ٨٤٤١ و ٨٤٤٢.

٣ . مَقْضُوتٌ مِنَ الشَّيْءِ: تَأَلَّمْتُ (المصباح المنير: ص ٥٧٤ «مضض»).

٤ . غرر الحكم: ح ٤٨٨٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٣٢ ح ٤٢٣٥.

٥ . الزهد للחסين بن سعيد: ص ٤٩ ح ١٣٢ عن أبي هاشم، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٢٦ ح ١٢٢.

جاهل [نیز] از آموختن، خودداری خواهد کرد و هر گاه توانگر در بخشش خود بخل ورزد، فقیر [نیز] آخرتش را به دنیايش خواهد فروخت.

۱۳۴۶. امام علی علیه السلام: هر کس حریص آخرتش باشد، آن را به دست می آورد؛ و هر کس برای دنیا حرص بزند، نابود می شود.

۱۳۴۷. امام علی علیه السلام: شیرینی آخرت، رنج و درد گرفتاری دنیا را می برد.

۱۳۴۸. امام صادق علیه السلام: کسی که آخرت، بزرگ ترین هم و غم او باشد، خداوند سختی و تنگنایی را از او برطرف می سازد و امورش را سامان می بخشد و دنیا به رغم میلش، به او روی می آورد.

ن.ک: ص ۳۳۷ (آثار یاد کردن آخرت)

و ۳۴۷ (برکات آباد کردن آخرت).

ج ۱ ص ۲۱۵ (تباهی جان / هلاکت).



مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

الفصل الثالث

ذكر الآخرة

١/٣

الحث على ذكر الآخرة

١٣٣٩ . رسول الله ﷺ: يَكْفِيكُمْ مِنَ النَّفْلِ ذِكْرُ الْآخِرَةِ.^١

١٣٥٠ . عنه عليه السلام - لِعَلِّيٍّ عليه السلام - : يا عَلِيُّ، مَثَلُ الْآخِرَةِ فِي قَلْبِكَ وَالْمَوْتُ نَصَبٌ عَيْنَيْكَ، وَلَا تَنْسَ مَوْقِفَكَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ، وَكُنْ مِنَ اللَّهِ عَلَى وَجَلٍ، وَادْكُرْ نِعَمَ اللَّهِ، وَاكْفُفْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ، وَنَابِذْ^٢ هَوَاكَ.^٣

١٣٥١ . عنه عليه السلام: رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا اسْتَحْيَا مِنْ رَبِّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ؛ فَحَفِظَ الرَّأْسَ وَمَا خَوَى، وَالْبَطْنَ وَمَا وَعَى، وَذَكَرَ الْقَبْرَ وَالْبَلَى، وَذَكَرَ أَنَّ لَهُ فِي الْآخِرَةِ مَعَادًا.^٤

١ . الفردوس: ج ٥ ص ٥٤٢ ح ٩٠٣٨ عن أسماء بنت أبي بكر: جامع الأخبار: ص ٣٥٩ ح ١٠٠٠ وفيه «التفكير» بدل «النفل».

٢ . نَابِذَ: خَالَفَ (انظر المصباح المنير: ص ٥٩٠ «نابذ»).

٣ . الفردوس: ج ٥ ص ٣١٧ ح ٨٣٠٧ عن الإمام علي عليه السلام.

٤ . الاختصاص: ص ٢٢٩، مشكاة الأنوار: ص ٤١٢ ح ١٣٧٦ عن الإمام الصادق عليه السلام. بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٣٣٦ ح ٢١.

فصل سوم

یاد آخرت



۱۳۴۹. پیامبر خدا ﷺ: برای تفکر، همین شما را بس که به یاد آخرت باشید.

۱۳۵۰. پیامبر خدا ﷺ - خطاب به علی علیه السلام :- ای علی! آخرت را در دلت مجسم کن [و همواره به یاد آن باش] و مرگ را پیش چشم خود قرار بده و ایستادنت را در پیشگاه خداوند [در روز رستاخیز برای داوری و رسیدگی به اعمال]، فراموش مکن و از خدا بیمناک باش و نعمت‌های خدا را [همواره] به یاد داشته باش و از حرام‌های خدا باز ایست و با هوس خود، مخالفت کن.

۱۳۵۱. پیامبر خدا ﷺ: رحمت خدا بر آن بنده‌ای که از پروردگارش، چنان که می‌باید، شرم کرد؛ پس، سر و آنچه را در سر است، و شکم و آنچه را [از خوراک] در شکم قرار می‌گیرد، [از ناپاکی و حرام] نگه داشت و قبر و پوسیدن را [همواره] یاد کرد و به یاد داشت که او را در آخرت، بازگشتی است!

١٣٥٢. عنه عليه السلام: يَسِسُ الْعَبْدُ عَبْدًا سَهَا وَلَهَا وَنَسِيَ الْمَقَابِرَ وَالْبِلَى، يَسِسُ الْعَبْدُ عَبْدًا عَتَا وَطَغَى وَنَسِيَ الْمُبْتَدَأَ وَالْمُنْتَهَى.^١

١٣٥٣. الإمام علي عليه السلام: ذِكْرُ الْآخِرَةِ دَوَاءٌ وَشِفَاءٌ، ذِكْرُ الدُّنْيَا أَدْوَاءُ الْأَدْوَاءِ.^٢

١٣٥٤. عنه عليه السلام: لَقَدْ رَأَيْتُ أَصْحَابَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله، فَمَا أَرَى أَحَدًا يُسَبِّحُهُمْ مِنْكُمْ! لَقَدْ كَانُوا يُصْبِحُونَ شُعْنًا غُبْرًا، وَقَدْ بَاتُوا سُجْدًا وَقِيَامًا يُرَاحُونَ بَيْنَ جِبَاهِهِمْ وَخُدُودِهِمْ، وَيَقِفُونَ عَلَى مِثْلِ الْجَمْرِ مِنْ ذِكْرِ مَعَادِهِمْ.^٣

١٣٥٥. عنه عليه السلام - من خُطْبَةٍ يَصِفُ فِيهَا زَمَانَهُ بِالْجَوْرِ وَيُقَسِّمُ النَّاسَ فِيهِ خَمْسَةَ أَصْنَافٍ، ثُمَّ يُزَهِّدُ فِي الدُّنْيَا -: وَبَقِيَ رِجَالٌ غَضَّ أَبْصَارَهُمْ ذِكْرُ الْمَرْجِعِ، وَأَرَاقَ دُمُوعِهِمْ خَوْفُ الْمَحْشَرِ، فَهُمْ بَيْنَ شَرِيدٍ نَادٍ^٤، وَخَائِفٍ مَقْمُوعٍ^٥، وَسَاكِتٍ مَكْعُومٍ^٦، وَدَاعٍ مُخْلِصٍ، وَتَكْلَانٍ مَوْجِعٍ، قَدْ أَخْمَلَتْهُمْ^٧ التَّقِيَّةُ، وَشَمِلَتْهُمْ الدَّلَّةُ، فَهُمْ فِي بَحْرِ أَجَاجٍ، أَفْوَاهُهُمْ ضَامِرَةٌ^٨، وَقُلُوبُهُمْ قَرِخَةٌ، قَدْ وَعَظُوا حَتَّى مَلَّوْا، وَقُفِّرُوا حَتَّى ذَلَّوْا، وَقُتِلُوا حَتَّى قَلَّوْا.^٩

١. سنن الترمذي: ج ٤ ص ٦٣٢ ح ٢٤٤٨، المستدرک علی الصحیحین: ج ٤ ص ٢٥١ ح ٧٨٨٥، المعجم الكبير:

ج ٢٤ ص ١٥٦ ح ٤٠١، شعب الإيمان: ج ٦ ص ٢٨٧ ح ٨١٨١ كلها عن أسماء بنت عميس، الفردوس: ج ٢ ص ٢٢ ح ٢١٤٤ عن أسماء بنت عمر وكلها نحوه، كنز العمال: ج ١٦ ص ٩٧ ح ٤٤٠٥٤.

٢. غرر الحكم: ح ٥١٧٥ و ٥١٧٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٥٦ ح ٤٧٤٨ و ص ٢٥٥ ح ٤٧٢١.

٣. نهج البلاغة: الخطبة ٩٧، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٣٠٧ ح ٢٩.

٤. نَدَّ: أي شرد وذهب على وجهه (النهاية: ج ٥ ص ٣٥ «ندد»). وفي بحار الأنوار: «نا».

٥. قَمَعَتْهُ: قَهَرَتْهُ (المحيط في اللغة: ج ١ ص ٢٠٤ «قمع»).

٦. مكعوم: من كَعَم البعير؛ وهو أن يشد فمه إذا هاج (النهاية: ج ٤ ص ١٨٠ «كعم»).

٧. خَمَلَ ذِكْرُهُ وصوته: خفي. وَأَخْمَلَهُ الله تعالى، فهو خامل ساقط لا نباهة له (القاموس المحيط: ج ٢ ص ٣٧١ «خَمَلَ»).

٨. الضَامِرُ: المُمِيسُ (النهاية: ج ٣ ص ١٠٠ «ضمز»).

٩. نهج البلاغة: الخطبة ٣٢، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٥٤ ح ٥٤: مطلب السؤل: ص ٣٢ نحوه.

۱۳۵۲. پیامبر خدا ﷺ: بد بنده‌ای است آن بنده‌ای که دچار سرگرمی و غفلت است و قبرستان و پوسیده شدن را از یاد برده است! بد بنده‌ای است آن که نافرمانی و سرکشی کرده و آغاز و فرجام را به فراموشی سپرده است!

۱۳۵۳. امام علی علیه السلام: یاد آخرت، دارو و درمان است. یاد دنیا، بدترین دردهاست.

۱۳۵۴. امام علی علیه السلام: من یاران محمد ﷺ را دیده‌ام و هیچ یک از شما را شبیه آنان نمی‌بینم! آنان صبح می‌کردند، در حالی که موهایشان ژولیده و چهره‌هایشان غبارآلود بود و شب را تا صبح به سجده و قیام می‌گذرانیدند و پیشانی‌ها و گونه‌هایشان را [در پیشگاه خداوند] به خاک می‌ساییدند و از یاد معادشان چنان ناآرام بودند که گویی بر روی آتش ایستاده‌اند.

۱۳۵۵. امام علی علیه السلام: بخشی از خطبه ایشان که در آن، از جور زمانه‌اش می‌گوید و مردم روزگارش را به پنج گروه تقسیم می‌کند و سپس به زهد (بی‌رغبتی به دنیا) فرا می‌خواند: - و [معدود] مردانی باقی مانده‌اند که یاد بازگشتگاه (قیامت)، دیدگان آنان را [بر هر حرام و ناروایی] فرو بسته است و ترس رستاخیز، اشک‌هایشان را جاری ساخته است.

برخی از آنان رانده و آواره شده‌اند، برخی ترسان و مقهور گشته‌اند، برخی خاموشی اختیار کرده و لب فرو بسته‌اند، برخی مخلصانه همچنان [به حق و حقیقت] دعوت می‌کنند، برخی گریان و دردمند و تقیه آنها را به گم‌نامی کشانده و ناتوانی، وجودشان را فرا گرفته است، چنان که گویی در دریایی تلخ فرو رفته‌اند. دهان‌هایشان بسته و دل‌هایشان جریحه‌دار است. آن قدر نصیحت کرده‌اند که خسته شده‌اند، و چندان مقهور [و سرکوب] گشته‌اند که به خواری و ناتوانی درافتاده‌اند، و چندان کشته داده‌اند که شمارشان اندک گشته است.

٢/٣

ما يذكركم الآخرة

١٣٥٦ . رسول الله ﷺ: عودوا المَرْضَى وَاتَّبِعُوا الْجَنَائِزَ تُذَكِّرْكُمْ الْآخِرَةَ.^١

١٣٥٧ . عنه ﷺ: - فِي حِكْمَةِ زِيَارَةِ الْقُبُورِ - : فَرُورُهَا ؛ فَإِنَّهَا تُزْهَدُ فِي الدُّنْيَا وَتُذَكِّرُ الْآخِرَةَ.^٢

١٣٥٨ . عنه ﷺ: - أَيْضاً - : زُورُهَا ؛ فَإِنَّهَا تُرْقِي الْقَلْبَ ، وَتُدْمِعُ الْعَيْنَ ، وَتُذَكِّرُ الْآخِرَةَ.^٣

١٣٥٩ . عنه ﷺ: زُورُوا الْقُبُورَ ؛ فَإِنَّهَا تُذَكِّرْكُمْ الْآخِرَةَ.^٤

١٣٦٠ . عنه ﷺ: إِذَا دُعِيتُمْ إِلَى الْجَنَائِزِ فَاسْرِعُوا ؛ فَإِنَّهَا تُذَكِّرُ الْآخِرَةَ.^٥

١٣٦١ . عنه ﷺ: - لِأَبِي ذَرٍّ - : زُرِ الْقُبُورَ تُذَكِّرُ بِهَا الْآخِرَةَ ، وَاغْسِلِ الْمَوْتَى ؛ فَإِنَّ مُعَالَجَةَ جَسَدٍ خَاوٍ مَوْعِظَةٌ بَلِيغَةٌ ، وَصَلِّ عَلَى الْجَنَائِزِ لَعَلَّ ذَلِكَ يَحْزُنُكَ ؛ فَإِنَّ الْحَزِينَ

١ . مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٩٦ ح ١١٤٤٥ ، الأدب المفرد: ص ١٥٨ ح ٥١٨ ، صحيح ابن حبان: ج ٧ ص ٢٢١ ح ٢٩٥٥ ، السنن الكبرى: ج ٣ ص ٥٣٢ ح ٦٥٧٨ كلها عن أبي سعيد الخدري ، كنز العمال: ج ٩ ص ٩٥ ح ٢٥١٤٢: الدعوات: ص ٢٢٧ ح ٦٣٥ ، إرشاد القلوب: ص ١٢ ، بحار الأنوار: ج ٨١ ص ٢٢٤ ح ٣٢ .

٢ . سنن ابن ماجه: ج ١ ص ٥٠١ ح ١٥٧١ ، السنن الكبرى: ج ٤ ص ١٢٩ ح ٧١٩٧ كلاهما عن ابن مسعود ، مسند ابن حنبل: ج ١ ص ٣٠٦ ح ١٢٣٥ عن ربيعة بن النابغة عن أبيه عن الإمام علي عليه السلام وليس فيه «تزهّد في الدنيا» كنز العمال: ج ١٥ ص ٦٤٦ ح ٤٢٥٥٤ .

٣ . السنن الكبرى: ج ٤ ص ١٢٩ ح ٧١٩٨ ، المستدرک علی الصحيحين: ج ١ ص ٥٣٢ ح ١٣٩٣ ، نحوه وكلاهما عن أنس ، كنز العمال: ج ١٥ ص ٦٤٦ ح ٤٢٥٥٥ .

٤ . سنن ابن ماجه: ج ١ ص ٥٠٠ ح ١٥٦٩ ، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٣ ص ٢٢٣ ح ٤ كلاهما عن أبي هريرة ، كنز العمال: ج ١٥ ص ٦٤٦ ح ٤٢٥٥١ .

٥ . قرب الإسناد: ص ٨٦ ح ٢٨١ عن مسعدة بن زياد عن الإمام الصادق عن أبيه عليه السلام ، الجعفریات: ص ٣٣ عن الإمام الكاظم عن أبيه عليه السلام ، دعائم الإسلام: ج ١ ص ٢٢٠ عن الإمام الصادق عن أبيه عليه السلام ، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ٢٩٦ ح ٢٠ .

۲/۳ عوامل یادآوری آخرت

۱۳۵۶. پیامبر خدا ﷺ: از بیماران، عیادت کنید و در تشییع جنازه‌ها شرکت نمایید، که اینها آخرت را به یاد شما می‌آورند.
۱۳۵۷. پیامبر خدا ﷺ: در بیان حکمت زیارت قبور :- آنها را زیارت کنید؛ زیرا که این کار، موجب بی‌ رغبتی به دنیا و یادآوری آخرت می‌شود.
۱۳۵۸. پیامبر خدا ﷺ: در روایتی دیگر :- به زیارت قبور بروید؛ زیرا که این کار، دل را نازک می‌کند و چشم را اشکبار می‌سازد و آخرت را به یاد می‌آورد.
۱۳۵۹. پیامبر خدا ﷺ: به زیارت قبور بروید که این کار، شما را به یاد آخرت می‌اندازد.
۱۳۶۰. پیامبر خدا ﷺ: هر گاه به تشییع جنازه دعوت شدید، شتاب کنید؛ زیرا که شما را به یاد آخرت می‌اندازد.
۱۳۶۱. پیامبر خدا ﷺ - خطاب به ابوذر :- به زیارت قبور برو و از این طریق، یاد آخرت کن. مردگان را غسل بده؛ زیرا که زیر و رو کردن یک جسد بی‌جان،

فِي ظِلِّ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ^١.

١٣٦٢ . عنه عليه السلام: كَفَى بِالْمَوْتِ مُرْهُدًا فِي الدُّنْيَا وَمُرْغَبًا فِي الْآخِرَةِ^٢.

١٣٦٣ . الإمام علي عليه السلام: عودوا مَرْضَاكُمْ وَاشْهَدُوا جَنَائِزَكُمْ وَزُورُوا قُبُورَ مَوْتَاكُمْ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ يُذَكِّرُكُمْ الْآخِرَةَ^٣.

٣/٣

فَايُنْسِي الْآخِرَةَ

أ - طَوْلُ الْأَمَلِ

١٣٦٤ . رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْهَوَى وَطَوْلُ الْأَمَلِ؛ أَمَّا الْهَوَى فَإِنَّهُ يَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ، وَأَمَّا طَوْلُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ^٤.

١٣٦٥ . الإمام علي عليه السلام: إِنَّمَا أَهْلَكَ النَّاسَ خَصْلَتَانِ؛ هُمَا أَهْلَكْتَا مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ وَهُمَا مُهْلِكَتَانِ مَنْ يَكُونُ بَعْدَكُمْ: أَمَلٌ يُنْسِي الْآخِرَةَ، وَهَوًى يُضِلُّ عَنِ السَّبِيلِ^٥.

١ . المستدرک علی الصحیحین: ج ٤ ص ٢٦٦ ح ٧٩٤١ وج ١ ص ٥٢٣ ح ١٣٩٥، شعب الإيمان: ج ٧ ص ١٥ ح ٩٢٩١ وفيهما «يتعرض كل خير» بدل «يوم القيامة» وكلها عن أبي ذر، كنز العمال: ج ١٥ ص ٦٤٩ ح ٤٢٥٦٨: تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٢٨٨ عن أبي ذر نحوه وراجع الدعوات: ص ٢٧٧ ح ٨٠١.

٢ . المصنف لابن أبي شيبة: ج ٨ ص ١٢٩ ح ٢٨ عن الربيع، كنز العمال: ج ١٥ ص ٥٢٧ ح ٤٢١١٧.

٣ . مسند زيد: ص ١٨٠ عن الإمام زين العابدين عن أبيه عليه السلام.

٤ . الخصال: ص ٥١ ح ٦٢ عن جابر بن عبد الله، الكافي: ج ٢ ص ٣٢٥ ح ٣ عن يحيى بن عقیل عن الإمام علي عليه السلام، الأمالي للمفيد: ص ٩٣ ح ١ عن حبة العرنبي عن الإمام علي عليه السلام، نهج البلاغة: الخطبة ٤٢ عن الإمام علي عليه السلام وكلها نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٦٢ ح ١٦، شعب الإيمان: ج ٧ ص ٢٧٠ ح ١٠٦١٦ عن جابر بن عبد الله، الزهد لابن المبارك: ص ٨٦ ح ٢٥٥ عن الإمام علي عليه السلام، تاريخ دمشق: ج ٤٢ ص ٤٩٤ عن أبي عبد الرحمن السلمي عن الإمام علي عليه السلام وكلاهما نحوه، كنز العمال: ج ١٦ ص ٢٢ ح ٤٣٧٦٤.

٥ . الفارات: ج ٢ ص ٥٠١ عن يحيى بن سعيد عن أبيه، بحار الأنوار: ج ٧٣ ص ١٦٧ ح ٣٠.

اندرزی مؤثر است، و بر جنازه‌ها نماز بخوان؛ باشد که این کار، تو را اندوهگین سازد، که شخص اندوهناک، روز قیامت در سایه [و پناه] خداست.

۱۳۶۲. پیامبر خدا ﷺ: مرگ، بهترین عامل بی‌ رغبتی به دنیا و شوق به آخرت است.
۱۳۶۳. امام علی علیه السلام: از بیماران عیادت کنید و در تشییع جنازه‌هایشان شرکت نمایید و به زیارت قبور مردگانتان بروید؛ زیرا که این کارها شما را به یاد آخرت می‌اندازد.

۳/۳

عوامل از یاد بردن آخرت



الف - آرزوی دراز

۱۳۶۴. پیامبر خدا ﷺ: ترسناک‌ترین چیزهایی که از آنها بگرامتم می‌ترسم، هوای نفس و آرزوی دراز است. هوای نفس، از حق باز می‌دارد و آرزوی دراز، آخرت را از یاد [انسان] می‌برد.

۱۳۶۵. امام علی علیه السلام: در حقیقت، دو خصلت، مردم را به نابودی کشانده است. این دو، کسانی را که پیش از شما بوده‌اند، نابود کرده و همین دو، کسانی را که بعد از شما نیز می‌آیند، نابود خواهد کرد: آرزو که آخرت را از یاد [انسان] می‌برد، و هوای نفس که [انسان را] گم‌راه می‌سازد.

١٣٦٦ . عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ خَيْرًا حَالَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ مَا يَكْرَهُ، وَوَفَّقَهُ لِمَا يَرْضَاهُ، وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ سُوءًا أَغْرَاهُ بِالدُّنْيَا وَأَنْسَاهُ الْآخِرَةَ، وَبَسَطَ لَهُ أَمَلَهُ، وَعَسَاةً عَمَّا فِيهِ صَلَاحَةٌ.^١

ب - كَثْرَةُ الْمَالِ

١٣٦٧ . رسول الله صلى الله عليه وآله: إِحْذَرُوا الْمَالَ، فَإِنَّهُ كَانَ فِيهِمَا مَضِي رَجُلٌ قَدْ جَمَعَ مَالًا وَوَلَدًا، وَأَقْبَلَ عَلَى نَفْسِهِ وَوَعِيَالِهِ وَجَمَعَ لَهُمْ فَأَوْعَى، فَأَتَاهُ مَلَكُ الْمَوْتِ فَقَرَعَ بَابَهُ وَهُوَ فِي زِيٍّ مُسْكِينٍ، فَخَرَجَ إِلَيْهِ الْحُجَابُ فَقَالَ لَهُمْ: أَدْعُوا إِلَيَّ سَيِّدُكُمْ. قَالُوا: أَوْ يَخْرُجَ سَيِّدُنَا إِلَى مِثْلِكَ! وَدَفَعُوهُ حَتَّى نَحْوَهُ عَنِ الْبَابِ.

ثُمَّ عَادَ إِلَيْهِمْ فِي مِثْلِ تِلْكَ الْهَيْئَةِ^٢. وَقَالَ: أَدْعُوا إِلَيَّ سَيِّدُكُمْ وَأَخْبِرُوهُ أَنِّي مَلَكُ الْمَوْتِ، فَلَمَّا سَمِعَ سَيِّدُهُمْ هَذَا الْكَلَامَ قَعَدَ خَائِفًا فَرَقًا^٣، وَقَالَ لِأَصْحَابِهِ: لِينُوا لَهُ فِي الْمَقَالِ، وَقُولُوا لَهُ: لَعَلَّكَ تَطْلُبُ غَيْرَ سَيِّدِنَا - بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ!

قَالَ لَهُمْ: لَا، وَدَخَلَ عَلَيْهِ وَقَالَ لَهُ: قُمْ فَأَوْصِ مَا كُنْتَ مُوصِيًا؛ فَإِنِّي قَابِضُ رَوْحَكَ قَبْلَ أَنْ أَخْرُجَ. فَصَاحَ أَهْلُهُ وَبَكَوْا.

فَقَالَ: افْتَحُوا الصَّنَادِيقَ وَاكْتُبُوا (أَكْبُوا) مَا فِيهِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ، ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى الْمَالِ يَسُبُّهُ وَيَقُولُ لَهُ: لَعَنَكَ اللَّهُ يَا مَالُ! أَنْسَيْتَنِي ذِكْرَ رَبِّي وَأَغْفَلْتَنِي عَنْ أَمْرِ آخِرَتِي حَتَّى بَغْتَنِي مِنْ أَمْرِ اللَّهِ مَا قَدْ بَغْتَنِي؟!^٤

راجع: ج ١ ص ٢٣٤ (مضار حب الدنيا / الشغل عن الآخرة).

١. شرح نهج البلاغة: ج ١٦ ص ١٥٣؛ بحار الأنوار: ج ٣٣ ص ٩٧ ح ٤٠٣.

٢. في المصدر: «الهيئة». والتصويب من بحار الأنوار.

٣. الفرق: الخوف والفرع (النهاية: ج ٣ ص ٢٢٨ «فرق»).

٤. عدة الداعي: ص ٩٥، بحار الأنوار: ج ١٠٣ ص ٢٤ ح ٢٧.

۱۳۶۶. امام علی علیه السلام: خدای متعال هر گاه خیر بنده‌ای را بخواهد، میان او و آنچه ناخوش می‌دارد، حائل می‌شود و او را به طاعت خودش موفق می‌دارد؛ و خدا هر گاه برای بنده‌ای بدی اراده کند، او را فریفته دنیا می‌گرداند و آخرت را از یادش می‌برد و آرزویش را دراز می‌سازد و او را از آنچه صلاح او در آن است، باز می‌دارد.

ب - دارایی بسیار

۱۳۶۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از ثروت حذر کنید؛ زیرا که در گذشته مردی بود که مال و اولاد گرد آورد و به خود و خانواده‌اش پرداخت و برای آنان جمع کرد و اندوخت. ملک الموت در هیئت شخصی فقیر به نزد او آمد و در خانه‌اش را کوبید. دربانان بیرون آمدند. ملک الموت به آنان گفت: خواجه خویش را صدا بزنید که نزد من بیاید. دربانان گفتند: «خواجه ما برای چون تو کسی، بیرون آید؟!» و او را عقب راندند و از در خانه دورش کردند.

ملک الموت دوباره با همان هیئت به سوی آنان آمد و گفت: خواجه خویش را صدا بزنید و به او بگویید من ملک الموت هستم.

خواجه، چون این سخن را شنید، از ترس و هراس نشست و به یارانش گفت: با او به نرمی سخن بگویید و به او بگویید: خدا خیرت دهد! شاید دنبال کس دیگری غیر از خواجه ما هستی!

ملک الموت به آنان گفت: خیر. و نزد خواجه رفت و به وی گفت: برخیز و آنچه می‌خواهی، وصیت کن؛ زیرا پیش از آن که بیرون روم، جانم را خواهم گرفت.

اهل خانه فریاد زدند و گریستند.

خواجه به آنان گفت: صندوق‌ها را باز کنید و آنچه را از زر و سیم در آنهاست، بنویسید (/بریزید). آن گاه رو به پول‌ها کرده و به دشنام دادن به آنها پرداخت و گفت: لعنت خدا بر شما پول‌ها! پروردگارم را از یاد من بردید و مرا از کسار آخرتم غافل ساختید تا آن که فرمان خدا چنین مرا غافلگیر کرد!

ج - الحرص على الدنيا

١٣٦٨ . الإمام علي عليه السلام: إِيَّاكَ أَنْ تَغْتَرَّ بِمَا تَرَى مِنْ إِخْلَادِ أَهْلِ الدُّنْيَا إِلَيْهَا، وَتَكْأَلِيهِمْ عَلَيْهَا؛ فَقَدْ نَبَأَكَ اللَّهُ عَنْهَا، وَنَعَتْ هِيَ لَكَ عَنْ نَفْسِهَا، وَتَكَشَّفَتْ لَكَ عَنْ مَسَاوِيئِهَا؛ فَإِنَّمَا أَهْلُهَا كِلَابٌ عَاوِيَّةٌ، وَسِبَاعٌ ضَارِيَّةٌ، يَهْرُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ، وَيَأْكُلُ عَزِيزُهَا ذَلِيلَهَا، وَيَقْهَرُ كَبِيرُهَا صَغِيرَهَا، نَعَمْ مُعَقَّلَةٌ^١، وَأُخْرَى مُهْمَلَةٌ، قَدْ أَضَلَّتْ عُقُولُهَا، وَرَكِبَتْ مَجْهُولُهَا، سُرُوحُ عَاهَةٍ^٢ بِوَادٍ وَعْثٍ^٣، لَيْسَ لَهَا رَاعٍ يُقِيمُهَا، وَلَا مُسِيمٌ يُسَيِّمُهَا^٤، سَلَكَتْ بِهِمُ الدُّنْيَا طَرِيقَ الْعَمَى، وَأَخَذَتْ بِأَبْصَارِهِمْ عَنْ مَنَارِ الْهُدَى، فَتَاهُوا فِي حَيْرَتِهَا، وَغَرَقُوا فِي نِعَمَتِهَا، وَاتَّخَذُوهَا رَبًّا، فَلَعَبَتْ بِهِمْ وَلَعِبُوا بِهَا، وَنَسُوا مَا وَرَاءَهَا، رُويْدًا يُسْفِرُ الظَّلَامُ كَأَن قَدْ وَرَدَتْ الْأَطْعَانُ، يُوْشِكُ مَنْ أَسْرَعَ أَنْ يُلْحَقَ^٥.

١٣٦٩ . الإمام الباقر عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مَقَاتِيحَ الْخَيْرِ وَخَوَاتِيمَهُ ... اللَّهُمَّ انْهَجْ إِلَيَّ أَسْبَابَ مَعْرِفَتِهِ، وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَهُ، وَغَشِّنِي بِبَرَكَاتِ رَحْمَتِكَ، وَمُنَّ عَلَيَّ بِعِصْمَةٍ عَنِ الْإِزَالَةِ عَنْ دِينِكَ، وَطَهِّرْ قَلْبِي مِنَ الشُّكِّ، وَلَا تَشْغَلْ قَلْبِي بِدُنْيَايَ، وَعَاجِلِ مَعَاشِي عَنْ آجِلِ ثَوَابِ آخِرَتِي^٦.

١٣٧٠ . الإمام الصادق عليه السلام: كَمْ مِنْ طَالِبٍ لِلدُّنْيَا لَمْ يُدْرِكْهَا، وَمُدْرِكٍ لَهَا قَدْ فَارَقَهَا، فَلَا

١. المعقلة: المشدودة (النهاية: ج ٣ ص ٢٨١ «عقل»).

٢. العاهة: الآفة، وأعاة القوم: أصابت ما شئيتهم العامة (الصالح: ج ٦ ص ٢٢٤٢ «عوه»).

٣. الوعث: الرمل، والمشي فيه يشتد على صاحبه ويشق (النهاية: ج ٥ ص ٢٠٦ «وعث»).

٤. السائمة من العاشية: الراعية: يقال: سامت تسوم سؤماً، وأسفتها أنا (النهاية: ج ٢ ص ٤٢٦ «سوم»).

٥. نهج البلاغة: الكتاب ٣١، كشف المحجبة: ص ٢٢٩ عن عمر بن أبي المقدام عن الإمام الباقر عنه عليه السلام،

تحف العقول: ص ٧٦ نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٢٤ ح ٢.

٦. الكافي: ج ٢ ص ٥٨٨ ح ٢٦، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٧٦ ح ٢٣٤، منهج الدعوات: ص ٢١٧ كلها عن

أبي حمزة الثمالي، المقنعة: ص ١٧٨ من دون إسناد إلى المعصوم، بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ٢٦٩ ح ٣.

ج- آزمندی به دنیا

۱۳۶۸. امام علی علیه السلام: مبادا چسبیدن دنیاپرستان به دنیا و حرص و آزمندی شان به آن، تو را بفریبد؛ چرا که خداوند تو را از حال دنیا آگاه ساخته، و دنیا، خود نیز از حقیقت خویش، پرده برداشته و بدی هایش را برای تو آشکار ساخته است.

همانا دنیاپرستان، [چونان] سگان پارس کننده و ددان درنده اند که بر یکدیگر خرناس می کشند. نیرومندان ناتوانشان را می خورد و بزرگ ترهایشان کوچک ترهایشان را مغلوب می کنند، [یا چونان] اشرانی (/چارپایانی) هستند، برخی پای بسته و برخی دیگر رها شده [در بیابان] که خیزدهایشان را از دست داده اند و راه بیابان خشک در پیش گرفته اند، [یا چونان] رمه هایی آفت زده که به صحرائی شنزار رو کنند، نه چوپانی دارند که آنها را سر و سامان دهد و نه چراننده ای که به چراگاهشان برد.

دنیا آنان (دنیاپرستان) را به راه کوری (بیراهه) کشانده و دیدگانیشان را از مناره هدایت فرو پوشانده است. از این رو، در خیرانی های دنیا سرگردانند و در ناز و نعمت های آن غرقه گشته اند و آن را به پروردگاری گرفته اند. دنیا آنها را به بازی گرفته است و آنان نیز با دنیا بازی می کنند و فراسوی دنیا (آخرت) را از یاد برده اند. مشتاب، که به زودی، تاریکی برطرف می شود، گویا مسافران به منزل رسیده اند و آنان که می شتابند، به زودی [به کاروانیان] می پیوندند.

۱۳۶۹. امام باقر علیه السلام: بارخدایا! من از تو آنچه را نیکی با آن آغاز می شود و پایان می یابد، درخواست می کنم

بارخدایا! اسباب شناخت خیر (خوبی) را برایم روشن بگردان و درهای آن را به رویم بگشای و مرا غریق برکات رحمتت بگردان و با مصون داشتنم از انحراف از دینت، مرا رهین منتت ساز و قلبم را از تردید، پاک بگردان و دلم را با مشغول کردن به دنیایم و معاش این جهان گذرا، از پاداش آینده آخرتم باز مدار.

۱۳۷۰. امام صادق علیه السلام: چه بسیار دنیاطلبانی که به آن نرسیدند و چه بسیار کسانی که به

يَسْغَلَنَّكَ طَلَبُهَا عَنْ عَمَلِكَ، وَالتَّمِسْهَا مِنْ مُعْطِيهَا وَمَالِكِهَا، فَكَمْ مِنْ حَرِيصٍ عَلَى الدُّنْيَا قَدْ صَرَعَتْهُ، وَاشْتَغَلَ بِمَا أَدْرَكَ مِنْهَا عَنْ طَلَبِ آخِرَتِهِ، حَتَّى فَنِيَ عُمْرُهُ وَأَدْرَكَهُ أَجَلُهُ.^١

راجع: ج ١ ص ٢١٠ ح ٢٨٦.

د - مُجَالَسَةُ أَهْلِ الْمَعَاصِي

١٣٧١. عيسى عليه السلام: لَا تُجَالِسُوا أَهْلَ الْمَعَاصِي! فَيَرْغَبُوكُمْ فِي الدُّنْيَا وَيُنْسُوْكُمْ الْآخِرَةَ.^٢

هـ - سَمَاعُ اللَّهِ

١٣٧٢. لقمان عليه السلام - فِي وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ -: لَا تَسْمَعْ الْمَلَاهِي؛ فَإِنَّهَا تُنْسِيكَ الْآخِرَةَ، وَلَكِنْ احْضُرِ الْجَنَائِزَ، وَزُرِ الْمَقَابِرَ، وَتَذَكَّرِ الْمَوْتَ وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الْأَهْوَالِ؛ فَتَأْخُذَ حِذْرَكَ.^٣

مرکز تحقیقات کتب و ترمیم کتب

٤/٣

آثار ذکر الآخرة

١٣٧٣. الإمام علي عليه السلام - فِي وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ الْحَسَنِ عليه السلام -: أَكْثَرُ ذِكْرِ الْآخِرَةِ وَمَا فِيهَا مِنَ النَّعِيمِ وَالْعَذَابِ الْأَلِيمِ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ يُزَهِّدُكَ فِي الدُّنْيَا وَيُصَغِّرُهَا عِنْدَكَ.^٤

١٣٧٤. عنه عليه السلام: مَنْ أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ الْآخِرَةِ قَلَّتْ مَعْصِيَتُهُ.^٥

١. الكافي: ج ٢ ص ٢٥٥ ح ٩، مشكاة الأنوار: ص ٢٦٤ ح ١٥٢٩ نحوه.

٢. نثر الدر: ج ٧ ص ٢٦.

٣. إرشاد القلوب: ص ٧٢.

٤. تحف العقول: ص ٧٦، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٠٥ ح ١ نقلاً عن كشف المحجّة.

٥. غرر الحكم: ح ٨٧٦٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٢٧ ح ٧٥٦٢.

دنیا رسیدند و از آن جدا شدند [و رفتند]! پس مبادا که طلب دنیا، تو را از عمل کردن [برای آخرت] باز بدارد. و دنیا را از دهنده آن و مالکش (خداوند) بخواه. ای بسا آزمند به دنیا که دنیا او را به خاک افکند و به جهت آنچه از دنیا به دست آورد، از طلب آخرتش باز ماند، تا آن که عمرش سپری شد و مرگش فرارسید!

و.ک: ج ۱ ص ۲۱۱ ح ۲۸۶.

د- همنشینی با گنه پیشگان

۱۳۷۱. عیسی علیه السلام: با اهل معاصی، همنشینی نکنید که شما را به دنیا علاقه مند می سازند و آخرت را از یادتان می برند.



ه- گوش سپردن به آلات لهو و لعب

۱۳۷۲. لقمان علیه السلام: در سفارش به فرزندش: «به آلات لهو و لعب، گوش مکن؛ زیرا که اینها آخرت را از یاد تو می برند؛ بلکه در تشییع جنازه ها شرکت کن، به زیارت قبور برو و مُردن و هول و هراس های پس از آن را یاد کن تا همواره هشیار و آماده باشی.»

۴/۳

آثار یاد کردن آخرت

۱۳۷۳. امام علی علیه السلام: در سفارش به فرزندش حسن علیه السلام: «آخرت و نعمت ها و عذاب دردناک آن را بسیار یاد کن؛ زیرا که این کار، تو را به دنیا بی رغبت می سازد و آن را در نزد تو کوچک می گرداند.»

۱۳۷۴. امام علی علیه السلام: هر کس بسیار یاد آخرت کند، کمتر مرتکب گناه می شود.

١٣٧٥ . عنه عليه السلام: طوبى لمن ذكر المعاد فاستكثر من الزاد.^١

١٣٧٦ . عنه عليه السلام: طوبى لمن ذكر المعاد فأحسن.^٢

راجع: ص ٣١٦ (آثار الاهتمام بالآخرة)
و ٣٢٨ (ما يذكر الآخرة)
و ٣٤٢ (عمارة الآخرة).

٥/٣

آثار نسيان الآخرة

الكتاب

﴿وَنَادَىٰ أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى الْكَافِرِينَ﴾ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَغَرَّتْهُمْ الْخَيَوةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنَسُّهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَٰذَا وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ^٣.

﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا رُءُوسِهِمْ عِندَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ﴾ وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدًى وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ^٤.

﴿وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنَسِسْكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ نَّاصِرِينَ﴾ ذَلِكُمْ بِأَنكُم اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَغَرَّتْكُمْ الْخَيَوةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يَخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَغْتَبُونَ^٥.

١. غرر الحكم: ح ٥٩٥٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣١٤ ح ٥٤٩٤.

٢. غرر الحكم: ح ٥٩٨٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣١٢ ح ٥٢٧٨.

٣. الأعراف: ٥٠ و ٥١.

٤. السجدة: ١٢-١٤.

٥. الجاثية: ٣٤ و ٣٥.

۱۳۷۵. امام علی علیه السلام: خوشا آن که به یاد معاد بود و در نتیجه، توشه افزود!

۱۳۷۶. امام علی علیه السلام: خوشا آن که به یاد معاد بود و در نتیجه، کار نیک کرد!

ر.ک: ص ۳۱۷ (آثار اهمیت دادن به آخرت)

و ۳۲۹ (عوامل یادآوری آخرت)

و ۳۴۳ (آباد کردن آخرت).

۵/۳

آثار زیاد بودن آخرت

قرآن

«و دوزخیان، بهشتیان را آواز می دهند که: از آن آب، یا از آنچه روزی شما کرده است، بر ما فرو ریزید. [بهشتیان] می گویند: «خدا آنها را بر کافران، حرام کرده است». همانان که دین خود را سرگرمی و بازیچه گرفتند و زندگی دنیا فریشان داد. پس، همان گونه که آنان دیدار امروز خود را از یاد بردند و آیات ما را انکار می کردند، ما نیز امروز، آنان را از یاد می بریم».

«و کاش هنگامی را که مجرمان، سرهایشان را پیش پروردگارشان به زیر افکنده اند، می دیدی [که می گویند]: «پروردگارا! دیدیم و شنیدیم. پس، ما را بازگردان تا کار شایسته کنیم؛ چرا که ما یقین داریم». و اگر می خواستیم، حتماً به هر کسی به اجبار، هدایتش را می دادیم؛ لیکن سخن من، محقق گردیده که: «هر آینه جهنم را از همه جنیان و آدمیان خواهم آکنده». پس به [سزای] آن که دیدار این روزتان را از یاد بردید، [عذاب را] بچشید و به [سزای] آنچه انجام می دادید، عذاب جاودان را بچشید».

«و گفته [می] شود: «همان گونه که دیدار امروزتان را فراموش کردید، امروز، شما را فراموش خواهیم کرد، و جایگاهتان در آتش است و شما را یاورانی نخواهد بود». این، بدان سبب است که شما آیات خدا را به ریشخند گرفتید و زندگی دنیا فریتان داد. پس، امروز، نه از این [آتش،] بیرون آورده می شوند و نه عذرشان پذیرفته می گردد».

﴿يَذَاوُرْدُنَا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْجِسَابِ﴾^١.

الحديث

١٣٧٧. الإمام علي عليه السلام - في ذم عمرو بن العاص -: عَجَباً لِبَيْنِ التَّابِغَةِ! يَزْعُمُ لِأَهْلِ الشَّامِ أَنْ فِيَّ دُعَابَةً وَأَنِّي امْرُؤٌ تَلْعَابَةٌ^٢، أَعَافِسُ^٣ وَأُمَارِسُ! لَقَدْ قَالَ بَاطِلاً وَنَطَقَ أَثِمًا. أما - وَشَرُّ الْقَوْلِ الْكَذِبُ - إِنَّهُ لَيَقُولُ فَيَكْذِبُ، وَيَعِدُ فَيُخْلِفُ، وَيُسْأَلُ فَيَبْخُلُ، وَيُسْأَلُ فَيُلْحِفُ^٤، وَيَخُونُ الْعَهْدَ وَيَقْطَعُ الْإِلَّ^٥؛ فَإِذَا كَانَ عِنْدَ الْحَرْبِ فَأَيُّ زَاجِرٍ وَأَمْرٍ هُوَ مَا لَمْ تَأْخُذِ السُّيُوفُ مَا خَذَهَا، فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ كَانَ أَكْبَرَ مَكِيدَتِهِ أَنْ يَمْنَحَ الْقَرَمَ^٦ (الْقَوْمَ) سُبَّةً^٧، أما - وَاللَّهِ - إِنِّي لَيَمْنَعُنِي مِنَ اللَّعِبِ ذِكْرُ الْمَوْتِ، وَإِنَّهُ لَيَمْنَعُهُ مِنْ قَوْلِ الْحَقِّ نِسْيَانُ الْآخِرَةِ، إِنَّهُ لَمْ يُبَايِعْ مُعَاوِيَةَ حَتَّى شَرَطَ أَنْ يُؤْتِيَهُ أَيْتَةً، وَيَرْضَخَ لَهُ عَلَى تَرْكِ الدِّينِ رَضِيخَةً^٨.

راجع: ص ٢٣٠ (ما ينسي الآخرة).

١. ص: ٢٤.

٢. التَّلْعَابَةُ: الكثير اللعب والمرح. والتاء زائدة (النهاية: ج ١ ص ١٩٤ «تلعب»).

٣. الْمُعَافَسَةُ: المعالجة والممارسة والملاعبة (النهاية: ج ٣ ص ٢٤٣ «عفس»).

٤. يقال: آلَحَفَ في المسألة يُلْحِفُ إلحافاً: إذا أَلَحَّ فيها ولزمها (النهاية: ج ٤ ص ٢٣٧ «لحف»).

٥. الْإِلَّ: النسب والقرابة (النهاية: ج ١ ص ٦١ «أل»).

٦. الْقَرَمُ من الرجال: السيد المعظم (لسان العرب: ج ١٢ ص ٤٧٣ «قرم»).

٧. السُّبَّةُ: الاست؛ أي العجز أو حلقة الدبر. والمراد به كشفه سواته شاغراً برجليه لتألقه أمير المؤمنين عليه السلام في بعض أيام صفين وقد اختلطت الصفوف واشتعل نار الحرب (بحار الأنوار: ج ٢٣ ص ٢٢٢).

٨. الرِّضْخُ: العطية القليلة (النهاية: ج ٢ ص ٢٢٨ «رضخ»). والمراد بالآتية والرضيخة ولاية مصر. ولعل التعبير عنها بالرضيخة لقلتها بالنسبة إلى ترك الدين (بحار الأنوار: ج ٢٣ ص ٢٢٢).

٩. نهج البلاغة: الخطبة ٨٤، الاحتجاج: ج ١ ص ٤٣٣ ح ٩٦، بحار الأنوار: ج ٢٣ ص ٢٢١ ح ٥٠٩.

«ای داوود! ما تو را در زمین، خلیفه (جانشین) قرار دادیم. پس، میان مردم به حق داوری کن و زنها را از هوس، پیروی مکن که تو را از راه خدا به در می‌کند. در حقیقت، کسانی که از راه خدا به در می‌روند، به [سزای] آن که روز حساب را فراموش کرده‌اند، عذابی سخت خواهند داشت».

حدیث

۱۳۷۷. امام علی علیه السلام - در نکوهش عمرو بن عاص - : شگفتا از پسر نابغه! ^۱ به اهل شام گفته است که من مردی لوده و بازیگوشم، و [مدام] شوخی و بازیگری می‌کنم!

حقاً که یاوه گفته است و زبان به گناه آلوده است. بدانید که او - در حالی که بدترین سخن، [سخن] دروغ است - کارش دروغ گفتن است، کارش خُلف وعده است، کارش بخل ورزیدن است، و در خواستن، سماجت می‌کند. عهدشکن و بُرنده پیوند خویشاوندی است.

در هنگام جنگ، تا شمشیرها به حرکت درنیامده‌اند، چه امر و نهی کننده‌ای است؛ اما همین که شمشیرها سرها را نشانه می‌روند، بزرگ‌ترین نیرنگش این است که ما تحتش (عورتش) را برای بزرگ‌مرد (/جماعت) نمایان می‌سازد!

هان که به خدا سوگند، یاد مرگ، مرا از پرداختن به سرگرمی و بازیچه، باز می‌دارد، و از یاد بردن آخرت، او را از گفتن حق، مانع می‌شود. او با معاویه بیعت نکرد، مگر آن گاه که با او شرط نمود عطیه‌ای به او بدهد و در قبال دست برداشتن از دینش، آن دِهیش ناچیز (حکومت مصر) را عطایش کند.

و. ک: ص ۲۳۱ (عوامل از یاد بردن آخرت).

۱. نابغه، نام مادر عمرو بن عاص است که زنی بد نام بود.

الفصل الرابع عمارة الآخرة

١ / ٢

الْحَرْثُ عَلَى حَرْثِ الْآخِرَةِ وَنَمَائِهَا

الكتاب

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ﴾. *مرکز تحقیق کتب و تفسیر علوم اسلامی*

الحديث

١٣٧٨ . الإمام علي عليه السلام: مَنْ عَمَرَ دُنْيَاهُ خَرَبَ مَالَهُ، مَنْ عَمَرَ آخِرَتَهُ بَلَغَ آمَالَهُ.^٢
١٣٧٩ . عنه عليه السلام: يُنَادِي مُنَادٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: أَلَا إِنَّ كُلَّ حَارِثٍ مُبْتَلَى فِي حَرِّهِ وَعَاقِبَتِهِ عَمَلِهِ
غَيْرَ حَرْثَةِ الْقُرْآنِ؛ فَكُونُوا مِنْ حَرَّتِيهِ وَأَتْبَاعِيهِ، وَاسْتَدِلُّوهُ عَلَى رَبِّكُمْ،
وَاسْتَنْصِحُوهُ عَلَى أَنْفُسِكُمْ، وَاتَّهِمُوا عَلَيْهِ آرَاءَكُمْ، وَاسْتَغْشُوا^٣ فِيهِ أَهْوَاءَكُمْ.^٤

-
١. الشورى: ٢٠. والحَرْث: الزرع، والمراد به: نتيجة الأعمال التي يؤتاها الإنسان في الآخرة على سبيل الاستعارة، كأن الأعمال الصالحة بذور وما تنتجها في الآخرة حَرْث. والمراد بالزيادة له في حَرثه: تكثير ثوابه ومضاعفته. قال تعالى: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا﴾ الأنعام: ١٦٠. وقال: ﴿وَاللَّهُ يُضْعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ﴾ البقرة: ٢٤٦ (الميزان في تفسير القرآن: ج ١٨ ص ٤٠).
 ٢. غرر الحكم: ح ٨٣٤٧ وح ٨٣٤٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٥٥ ح ٨٢٠٢ وح ٨٢٠٣.
 ٣. اسْتَغْشَى: ضَدَّ انتصحه واستنصحه، أو ظَنَّنْ بِهِ الْغِشَّ (القاموس المحيط: ج ٢ ص ٢٨١ «غش»).
 ٤. نهج البلاغة: الخطبة ١٧٦، بحار الأنوار: ج ٩٢ ص ٢٤ ح ٢٤.

فصل چهارم

آباد کردن آخرت

۱/۴



قرآن

«کسی که کشت آخرت بخواهد، برای وی برگشته اش می افزایم، و کسی که کشت دنیا بخواهد، به او از آن می دهیم، و [لی] در آخرت، او را نصیبی نیست».

حدیث

۱۳۷۸. امام علی علیه السلام: آن که دنیایش را آباد می کند، بازگشتگاهش را ویران می کند؛ [و] آن که آخرتش را آباد می کند، به آرزوهایش دست می یابد.

۱۳۷۹. امام علی علیه السلام: روز قیامت، منادی ای بانگ می زند: «هان! امروز، [هر کشتگری گرفتار [و در گرو] کشته خویش و فرجام کار خود است، بجز کشتگران قرآن».

پس، شما از کشتگران قرآن و پیروان آن باشید و از آن به پروردگارتان راه ببرید و آن را مشاور خود قرار دهید و آرایتان را با آن بسنجید و خواست‌ها (عقاید و کیش‌ها) یتان را در برابر آن، ناخالص بدانید.

١٣٨٠ . عنه عليه السلام: إِنَّ مِنْ أَبْغَضِ الرِّجَالِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى لَعَبْدًا وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى نَفْسِهِ، جَائِرًا عَنْ قَصْدِ السَّبِيلِ سَائِرًا بِغَيْرِ دَلِيلٍ، إِنْ دُعِيَ إِلَى حَرْبِ الدُّنْيَا عَمِلَ، وَإِنْ دُعِيَ إِلَى حَرْبِ الْآخِرَةِ كَسِلَ! كَأَنَّ مَا عَمِلَ لَهُ وَاجِبٌ عَلَيْهِ، وَكَأَنَّ مَا وَنَى^١ فِيهِ سَاقِطٌ عَنْهُ^٢.

١٣٨١ . عنه عليه السلام: سَارِعُوا إِلَى مَنَازِلِكُمْ - رَحِمَكُمُ اللَّهُ - الَّتِي أُمِرْتُمْ بِعِمَارَتِهَا، الْعَامِرَةِ الَّتِي لَا تَخْرُبُ، الْبَاقِيَةِ الَّتِي لَا تَنْفَدُ، الَّتِي دَعَاكُمْ إِلَيْهَا وَحَضَّكُمْ عَلَيْهَا وَرَغَّبَكُمْ فِيهَا، وَجَعَلَ الثَّوَابَ عِنْدَهُ عَنْهَا^٣.

١٣٨٢ . عنه عليه السلام: إِنَّكُمْ إِلَى عِمَارَةِ دَارِ الْبَقَاءِ أَحْوَجُ مِنْكُمْ إِلَى عِمَارَةِ دَارِ الْفَنَاءِ^٤.

١٣٨٣ . عنه عليه السلام: يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يُقَدِّمَ لِآخِرَتِهِ وَيَعْمُرَ دَارَ إِقَامَتِهِ^٥.

١٣٨٤ . لقمان عليه السلام - فِي وَصِيَّتِهِ لِوَلَدِهِ - : اَعْلَمْ يَا بُنَيَّ، أَنَّ مِنْ حِينِ نَزَلْتَ مِنْ بَطْنِ أُمِّكَ اسْتَدْبَرْتَ الدُّنْيَا وَاسْتَقْبَلْتَ الْآخِرَةَ، فَأَصْبَحْتَ بَيْنَ دَارَيْنِ: دَارٍ تَقْرُبُ مِنْهَا وَدَارٍ تَبَاعَدُ عَنْهَا، فَلَا تَجْعَلَنَّ هَهُنَا إِلَّا عِمَارَةَ دَارِكَ الَّتِي تَقْرُبُ مِنْهَا وَيَطُولُ مُقَامُكَ بِهَا؛ فَلَهَا خُلِقْتَ وَبِالسَّعْيِ لَهَا أُمِرْتَ، ثُمَّ أَطِيعِ اللَّهَ بِقَدْرِ حَاجَتِكَ إِلَيْهِ، وَاعَصِهِ بِقَدْرِ صَبْرِكَ عَلَى عَذَابِهِ^٦.

راجع: ص ١٣٤ ح ١٠٢٠.

ج ١ ص ١٠٦ (الدنيا مزرعة الآخرة)

وص ٢٠٨ ح ٢٨٤ و ٢٨٥.

١. وَنَى: فَتَرَ وَقَصَّرَ (النهاية: ج ٥ ص ٢٣١ «ونا»).

٢. نهج البلاغة: الخطبة ١٠٣، بحار الأنوار: ج ٢ ص ٥٨ ح ٣٧.

٣. الكافي: ج ٨ ص ٣٦١ ح ٥٥١ عن الأصمعي بن نباته، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٣٦٤ ح ٣٣.

٤. غرر الحكم: ح ٢٨٣٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٧٣ ح ٣٦١١.

٥. غرر الحكم: ح ١٠٩٣٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٥٥ ح ١٠٢٣١.

٦. أعلام الدين: ص ٩٣.

۱۳۸۰. امام علی علیه السلام: از منفورترین مردمان در نزد خدای متعال، بنده‌ای است که خداوند او را به خود وا گذاشته، از راه راست به در رفته و بی‌راهنما حرکت می‌کند. اگر به کشت دنیا فراخوانده شود، عمل می‌کند و اگر به کشت آخرت دعوت شود، تنبلی می‌ورزد! تو گویی آنچه برای آن عمل می‌کند (کار دنیایی)، بر او واجب است و آنچه در آن سستی و کوتاهی می‌ورزد (کار آخرت)، از او برداشته است.

۱۳۸۱. امام علی علیه السلام: خدایتان رحمت کند! به سوی منزلگاه‌هایتان که به آباد کردن آنها مأمور شده‌اید، بشتابید؛ منزلگاه‌های آبادی که [هرگز] خراب نمی‌شوند و منزلگاه‌های ماندگاری که [هیچ‌گاه] از بین نمی‌روند؛ منزلگاه‌هایی که [خداوند] شما را به سوی آنها فرا خوانده و به آنها تشویقتان کرده و پاداش خود را در آنها قرار داده است.

۱۳۸۲. امام علی علیه السلام: شما به آباد کردن سرای ماندن، نیازمند ترید تا به آباد کردن سرای رفتن.

۱۳۸۳. امام علی علیه السلام: سزاوار است که خردمند، آخرت خویش را مقدم بدارد و سرای اقامتش را آباد سازد.

۱۳۸۴. لقمان علیه السلام - در سفارش به فرزندش - : بدان - ای فرزندم - از همان زمان که از شکم مادر افتادی، دنیا به تو پشت کرد و آخرت به تو روی نمود و تو، در میان دو سرای، قرار گرفتی: سرایی که به آن نزدیک می‌شوی و سرایی [دیگر] که هماره از آن دور می‌گردد.

پس، زنهار که هم و غم خود را جز برای آباد کردن آن سرایت قرار ندهی که به آن نزدیک می‌شوی و در آن، اقامت به درازا می‌کشد؛ زیرا تو برای آن سرا آفریده شده‌ای و به تلاش برای آن، مأمور گشته‌ای.

دیگر، آن که: از خداوند، به اندازه‌ای که به او نیاز داری، اطاعت کن و به اندازه‌ای که تحمل عذابش را داری، از او نافرمانی کن.

و.ک: ص ۱۲۵ ح ۱۰۲۰،

ج ۱ ص ۱۰۷ (دنیا، کشتزار آخرت)

و ص ۲۰۹ ح ۲۸۴ و ۲۸۵.

٢/٣

بَرَكَاتُ عِمَارَةِ الْآخِرَةِ

الكتاب

«مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ»^١

الحديث

١٣٨٥. رسول الله ﷺ: مَنْ أَصْلَحَ أَمْرَ آخِرَتِهِ، أَصْلَحَ اللَّهُ لَهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ.^٢
١٣٨٦. عنه ﷺ: إِنَّ اللَّهَ يُعْطِي الدُّنْيَا عَلَى نِيَّةِ الْآخِرَةِ، وَأَيُّ أَنْ يُعْطِيَ الْآخِرَةَ عَلَى نِيَّةِ الدُّنْيَا.^٣

١٣٨٧. عنه ﷺ: ثَلَاثَةٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ يَسْتَكْمِلُ إِيْمَانَهُ: رَجُلٌ لَا يَخَافُ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَائِمَةً، وَلَا يُرَائي بِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِهِ، وَإِذَا عُرِضَ عَلَيْهِ أَمْرَانِ؛ أَحَدُهُمَا لِلدُّنْيَا وَالْآخَرُ لِلْآخِرَةِ، اخْتَارَ أَمْرَ الْآخِرَةِ عَلَى الدُّنْيَا.^٤

١٣٨٨. عنه ﷺ: إِنَّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ إِذَا كَانَ فِي انْقِطَاعٍ مِنَ الدُّنْيَا وَإِقْبَالٍ مِنَ الْآخِرَةِ نَزَلَ إِلَيْهِ مَلَائِكَةٌ مِنَ السَّمَاءِ، بِيضُ الْوُجُوهِ كَأَنَّ وُجُوهُهُمُ الشَّمْسُ، مَعَهُمْ كَفَنٌ مِنْ أَكْفَانِ الْجَنَّةِ، وَخُنُوطٌ مِنْ خُنُوطِ الْجَنَّةِ، حَتَّى يَجْلِسُوا مِنْهُ مَدَّ الْبَصَرِ، ثُمَّ يَجِيءُ مَلَكُ الْمَوْتِ حَتَّى يَجْلِسَ عِنْدَ رَأْسِهِ، فَيَقُولُ: أَيَّتُهَا النَّفْسُ الطَّيِّبَةُ، أَخْرِجِي إِلَى

١. الشورى: ٢٠.

٢. عدة الداعي: ص ٢١٦، نهج البلاغة: الحكمة ٨٩، غرر الحكم: ح ٨٨٥٧ كلاهما عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٢ ص ٢٠٥ ح ٥١.

٣. الزهد لابن المبارك: ص ١٩٣ ح ٥٤٩، مسند الشهاب: ج ٢ ص ١٦٤ ح ١١٠٨، الفردوس: ج ١ ص ١٥١ ح ٥٤٦ كلها عن أنس، كثر العمال: ج ٣ ص ١٨١ ح ٦٠٥٦؛ إرشاد القلوب: ص ١٨٦ وفيه «ولا» بدل «وأبى أن»، بحار الأنوار: ج ١٠٣ ص ٢٥ ح ٢٩ نقلاً عن عدة الداعي وفيه «بعمل» بدل «على نية» في كلا الموضعين.

٤. تاريخ دمشق: ج ٣٨ ص ١٣ ح ٧٥٧٧ عن أبي هريرة، كثر العمال: ج ١٥ ص ٨١٧ ح ٤٣٢٤٧.

۲/۴

برکات آباد کردن آخرت

قرآن

«کسی که کشت آخرت را بخواهد، برای وی بر کشته اش می افزایم، و کسی که کشت این دنیا را بخواهد، به او از آن می دهیم؛ ولی در آخرت، او را نصیبی نیست».

حدیث

۱۳۸۵. پیامبر خدا ﷺ: هر کس کار آخرتش را درست کند، خداوند ﷻ کار دنیایش را برای او درست می نماید.

۱۳۸۶. پیامبر خدا ﷺ: خداوند، دنیا را با انگیزه آخرت می دهد و امتناع دارد که آخرت را با انگیزه دنیا بدهد.^۱

۱۳۸۷. پیامبر خدا ﷺ: سه چیز است که هر کس آنها را دارا باشد، ایمانش را کامل گردانیده است، این که: در راه خدا از سرزنش هیچ سرزنشگری نهراسد، و در هیچ کارش ریا نکند، و هر گاه دو کار برایش پیش آید که یکی برای دنیا و دیگری برای آخرت است، کار آخرت را بر دنیا برگزیند.

۱۳۸۸. پیامبر خدا ﷺ: بنده مؤمن، هر گاه در حال جدا شدن از دنیا و روی آوردن به آخرت باشد، فرشتگانی سپیدروی، چنان که گویی چهره هایشان آفتاب درخشان است، از آسمان با کفنی از کفن های بهشت و حنوطی از حنوط های بهشت نزد او فرود می آیند و در فاصله یک چشم رس، نزدش می نشینند. آن گاه ملک الموت می آید و کنار سر او می نشیند و می گوید: «ای نفس پاک!

۱. مقصود، آن است که اگر کار با انگیزه خدایی و برای اصلاح آخرت باشد، خداوند، دنیای انسان را نیز اصلاح می کند؛ اما اگر کسی کاری را با انگیزه مادی انجام دهد، پاداشی در آخرت نخواهد داشت.

مَغْفِرَةٍ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ.^١

١٣٨٩. عنه عليه السلام: الدُّنْيَا طَالِبَةٌ وَمَطْلُوبَةٌ، وَالْآخِرَةُ طَالِبَةٌ وَمَطْلُوبَةٌ؛ فَمَنْ طَلَبَ الْآخِرَةَ طَلَبَتْهُ الدُّنْيَا حَتَّى يَسْتَوْفِيَ مِنْهَا رِزْقَهُ، وَمَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا طَلَبَتْهُ الْآخِرَةُ حَتَّى يَأْتِيَهُ الْمَوْتُ فَيَأْخُذَهُ بَغْتَةً.^٢

١٣٩٠. عنه عليه السلام: أَلَا إِنَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ طَالِبَتَانِ وَمَطْلُوبَتَانِ؛ فَطَالِبُ الْآخِرَةِ تَطْلُبُهُ الدُّنْيَا حَتَّى يَسْتَكْمِلَ رِزْقَهُ، وَطَالِبُ الدُّنْيَا تَطْلُبُهُ الْآخِرَةُ حَتَّى يَأْخُذَ الْمَوْتُ بِعُنُقِهِ.^٣
١٣٩١. عنه عليه السلام: مَا تَرَكَ عَبْدٌ لِلَّهِ أَمْرًا لَا يَتْرُكُهُ إِلَّا لِلَّهِ تَعَالَى، إِلَّا عَوَّضَهُ اللَّهُ مِنْهُ مَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ مِنْهُ فِي دِينِهِ وَدُنْيَاهُ.^٤

١٣٩٢. الإمام علي عليه السلام: لَا يَتْرُكُ النَّاسُ شَيْئًا مِنْ دُنْيَاهُمْ لِإِصْلَاحِ آخِرَتِهِمْ إِلَّا عَوَّضَهُمُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ خَيْرًا مِنْهُ.^٥

١٣٩٣. عنه عليه السلام: الرِّزْقُ رِزْقَانِ: طَالِبٌ وَمَطْلُوبٌ؛ فَمَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا طَلَبَتْهُ الْمَوْتُ حَتَّى يُخْرِجَهُ عَنْهَا، وَمَنْ طَلَبَ الْآخِرَةَ طَلَبَتْهُ الدُّنْيَا حَتَّى يَسْتَوْفِيَ رِزْقَهُ مِنْهَا.^٦

١. مسند ابن حنبل: ج ٦ ص ٤١٣ ح ١٨٥٥٩، المصنّف لابن أبي شيبة: ج ٣ ص ٢٥٦ ح ١، شعب الإيمان: ج ١ ص ٣٥٦ ح ٣٩٥، الزهد لهناد: ج ١ ص ٢٠٥ ح ٢٣٩، المستدرک علی الصحیحین: ج ١ ص ٩٤ ح ١٠٧، مسند الطيالسي: ص ١٠٢ ح ٧٥٣ كلاهما نحوه وكلّهما عن البراء بن عازب، كنز العمال: ج ١٥ ص ٦٢٧ ح ٤٢٤٩٥.
٢. تنبيه الغافلين: ص ٢٤٤ ح ٣١٧ عن أبي عبيدة الأسدي، المعجم الكبير: ج ١٠ ص ١٦٣ ح ١٠٣٢٨، حلية الأولياء: ج ٨ ص ١٢٠ كلاهما عن ابن مسعود نحوه وليس فيهما «والآخرة طالبة ومطلوبة»، كنز العمال: ج ٣ ص ٢٢٥ ح ٦٢٤٦، الكافي: ج ١ ص ١٨ ح ١٢ عن هشام بن الحكم عن الإمام الكاظم عليه السلام، تحف العقول: ص ٢٨٧ عن الإمام الكاظم عليه السلام وفيهما «يفسد عليه دنياه وآخرته» بدل «فيأخذه بغتة»، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٤٠٩ ح ٥٨٨٦ عن هشام بن سالم عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٣٠٢ ح ١.
٣. أعلام الدين: ص ٣٤٥ ح ٢٨ عن ابن عباس، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٢٩ نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٨٨ ح ١٠.

٤. تاريخ دمشق: ج ١٠ ص ٢٧٢ ح ٢٥٨٨ عن عبدالله بن عمر، كنز العمال: ج ٣ ص ٤٢٨ ح ٧٢٨٧.

٥. غرر الحكم: ح ١٠٨٣٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٤١ ح ١٠٠٤١.

٦. نهج البلاغة: الحكمة ٤٣١، بحار الأنوار: ج ١٠٣ ص ٣٨ ح ٨٦.

به سوی آمرزش و رضوان خداوند، بیرون شو».

۱۳۸۹. پیامبر خدا ﷺ: دنیا طالب است و مطلوب، و آخرت [نیز] طالب است و مطلوب. پس، هر کس آخرت را طلب کند، دنیا در طلب او برمی آید تا او روزی اش را از آن به تمام و کمال دریافت کند؛ و هر کس دنیا را طلب کند، آخرت در طلب او برمی آید تا مرگ به سراغش آید و ناگهان او را بگیرد.

۱۳۹۰. پیامبر خدا ﷺ: آگاه باشید که دنیا و آخرت، هر دو، طالب اند و مطلوب. دنیا طالب آخرت را طلب می کند تا این که او روزی خویش را به تمام و کمال دریافت نماید؛ و [نیز] آخرت، در طلب طالب دنیا است تا این که مرگ، گردن او را بگیرد.

۱۳۹۱. پیامبر خدا ﷺ: هیچ بنده ای به خاطر خداکاری را - کاری که انجام دادن آن، نزد خدا ناپسند است - مگر آن که خداوند، چیزی را که برای دین و دنیای او بهتر از آن است، به او عوض داد؛ بزرگترین کمین مردم، سودی

۱۳۹۲. امام علی علیه السلام: مردم، چیزی از دنیایشان را برای اصلاح آخرتشان فرو نگذاشتند، مگر آن که خداوند سبحان، بهتر از آن چیز را عوضشان داد.

۱۳۹۳. امام علی علیه السلام: روزی، دو گونه است: روزی ای که طالب توست و روزی ای که تو طالب آنی. پس هر که طالب دنیا باشد، مرگ، او را خواهد طلبید تا از دنیا بیرونش کند، و هر که طالب آخرت باشد، دنیا او را خواهد طلبید تا روزی اش را به تمامی به او برساند.

١٣٩٤ . عنه عليه السلام: أَلَا وَإِنَّهُ لَا يَضُرُّكُمْ تَضْيِيعُ شَيْءٍ مِنْ دُنْيَاكُمْ بَعْدَ حِفْظِكُمْ قَائِمَةَ دِينِكُمْ، أَلَا وَإِنَّهُ لَا يَنْفَعُكُمْ بَعْدَ تَضْيِيعِ دِينِكُمْ شَيْءٌ حَافِظُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاكُمْ.^١

١٣٩٥ . عنه عليه السلام: أَلَا وَإِنَّهُ لَا يَضُرُّكُمْ تَوَاضُعُ شَيْءٍ مِنْ دُنْيَاكُمْ بَعْدَ حِفْظِكُمْ وَصِيَّةَ اللَّهِ وَالتَّقْوَى، وَلَا يَنْفَعُكُمْ شَيْءٌ حَافِظُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاكُمْ بَعْدَ تَضْيِيعِ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ مِنَ التَّقْوَى.^٢

١٣٩٦ . سعد السعود نقلاً عن الزبور: بَنِي آدَمَ رِهَانٌ^٣ الْمَوْتِ! إِعْمَلُوا لِآخِرَتِكُمْ وَاشْتَرَوْهَا بِالدُّنْيَا، وَلَا تَكُونُوا كَقَوْمٍ أَخَذُوا لَهَا وَلِعِبَاءً، وَاعْلَمُوا أَنَّ مَنْ قَارَضَنِي نَمَتِ بِضَاعَتُهُ وَتَوَفَّرَ رَبْحُهَا، وَمَنْ قَارَضَ الشَّيْطَانَ [قَرْنَ] مَعَهُ.^٥

١٣٩٧ . الإمام علي عليه السلام: عَلَيْكَ بِالْآخِرَةِ تَأْتِكَ الدُّنْيَا صَاحِرَةً.^٦

١٣٩٨ . عنه عليه السلام: طَالِبُ الْآخِرَةِ يُدْرِكُ مِنْهَا أَمَلَهُ، وَيَأْتِيهِ مِنَ الدُّنْيَا مَا قُدِّرَ لَهُ.^٧

١٣٩٩ . عنه عليه السلام: إِنَّكَ إِنْ عَمِلْتَ لِلْآخِرَةِ فَازَ قَدْ حُكَّ.^٨

١٤٠٠ . عنه عليه السلام: مَنْ عَمِلَ لِدِينِهِ كَفَاهُ اللَّهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ.^٩

١٤٠١ . عنه عليه السلام: مَنْ عَمِلَ لِلْمَعَادِ ظَفَرَ بِالسَّدَادِ.^{١١}

١٤٠٢ . عنه عليه السلام: مَنْ أَصْلَحَ الْمَعَادَ ظَفَرَ بِالسَّدَادِ.^{١٢}

١. نهج البلاغة: الخطبة ١٧٣.

٢. تحف العقول: ص ١٨٤، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٩٦ ح ١؛ المعيار والموازنة: ص ١١٢ نحوه.

٣. في الطبعة المحققة (بتحقيق فارس الحسون): ص ٩٨ «رهائن» بدل «رهان».

٤. ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار.

٥. سعد السعود: ص ٤٩، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٤٦.

٦. غرر الحكم: ح ٦٠٨٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٣٥ ح ٥٧١١.

٧. غرر الحكم: ح ٦٠١٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣١٧ ح ٥٥٢١.

٨. قَدْ حُكَّ - بالكسر -: أي نصيبك، مأخوذ من قِدَاح الميسر (بحار الأنوار: ج ١٠١ ص ٢٥١).

٩. غرر الحكم: ح ٢٨١٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٧١ ح ٣٥٧١.

١٠. نهج البلاغة: الحكمة ٤٢٣، روضة الواعظين: ص ٤٠٧، بحار الأنوار: ج ٧١ ص ٣٦٧ ح ١٧.

١١. غرر الحكم: ح ٨٠٤٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٣١ ح ٧٤١٨.

١٢. غرر الحكم: ح ٨٣٦٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٤٧ ح ٧٩٠١ وفيه «بالرشاد» بدل «بالسداد».

۱۳۹۴. امام علی علیه السلام: بدانید که با وجود حفظ بنیان دینتان، هر چه از دنیایتان از دست بدهید، زیانی به شما نمی زند. بدانید که در صورت ضایع کردن دینتان، هر آنچه از دنیایتان حفظ کنید، سودی به شما نمی رساند.

۱۳۹۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بدانید که با وجود پایبندی تان به سفارش خداوند و تقوا، فرو نهادن چیزی از دنیایتان، به شما زیانی نمی زند؛ و در صورت فرو نهادن تقوا که بدان فرمان داده شده اید، آنچه از امور دنیایتان حفظ کنید، به شما سودی نمی رساند.

۱۳۹۶. سعد السعود - به نقل از زبور -: بنی آدم در گرو مرگ اند! برای آخرتتان کار کنید و آن را با [دادن] دنیا بخرید، و چونان مردمانی نباشید که آخرت را سرگرمی و بازی گرفتند.

بدانید که هر کس به من قرض دهد، کالایش رشد می کند و سود آن کالا فراوان می شود؛ و هر کس به شیطان قرض دهد، با او قرین می گردد.

۱۳۹۷. امام علی علیه السلام: به آخرت چنگ در زن تا دنیا زبونانه، خود، نزد تو آید.

۱۳۹۸. امام علی علیه السلام: طالب آخرت، به آرزوی خود از آن می رسد و از دنیا، [همه] آنچه برایش مقدر شده، به او می رسد.

۱۳۹۹. امام علی علیه السلام: تو اگر برای آخرت کار کنی، به نصیبت دست می یابی.

۱۴۰۰. امام علی علیه السلام: هر که برای دینش کار کرد، خداوند، کار دنیایش را کفایت کرد.

۱۴۰۱. امام علی علیه السلام: هر که برای معاد کار کرد، به راه درست دست یافت.

۱۴۰۲. امام علی علیه السلام: هر که معاد را آباد کرد، به راه درست دست یافت.

١٢٠٣ . عنه عليه السلام: أَرَبُحُ النَّاسِ مَنْ اشْتَرَى بِالدُّنْيَا الْآخِرَةَ.^١

١٢٠٤ . عنه عليه السلام: الرَّابِحُ مَنْ بَاعَ الْعَاجِلَةَ بِالْآجِلَةِ.^٢

راجع: ص ٣١٦ (آثار الإهتمام بالآخرة)
و ٣٣٦ (آثار ذكر الآخرة)
و ٣٦٢ (الحث على تجارة الآخرة).

٣/٤

فَايَعْمُرُ الْآخِرَةَ

١٢٠٥ . رسول الله صلى الله عليه وآله: لِكُلِّ خَرَابٍ عِمَارَةٌ، وَعِمَارَةُ الْآخِرَةِ الْعَقْلُ.^٣

١٢٠٦ . عنه عليه السلام: مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ فَلْيَدْعَ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا.^٤

١٢٠٧ . عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى دِينِي بِدُنْيَا، وَعَلَى آخِرَتِي بِتَقْوَى.^٥

١٢٠٨ . عنه عليه السلام: لَا تَتَاَلَوْنَ الْآخِرَةَ إِلَّا بِتَرْكِكُمُ الدُّنْيَا وَالتَّعَرِّي مِنْهَا، أَوْصِيَكُمْ أَنْ تُحِبُّوا مَا أَحَبَّ اللَّهُ وَتُبْغِضُوا مَا أَبْغَضَ اللَّهُ.^٦

مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی اسلامی

١. غرر الحکم: ح ٣٠٧٦، عیون الحکم و المواعظ: ص ١٢٠ ح ٢٧٢٩.

٢. غرر الحکم: ح ١٤٨٨، عیون الحکم و المواعظ: ص ٢٨ ح ٣٧٠.

٣. کنز الفوائد: ج ١ ص ٥٦، بحار الأنوار: ج ١ ص ٩٥ ح ٣٤.

٤. الخصال: ص ٢٩٣ ح ٥٨، الأمالی للصدوق: ص ٧١٤ ح ٩٨٣ کلاهما عن عبد الله بن میمون عن الإمام الصادق عليه السلام، قرب الإسناد: ص ٢٣ ح ٧٩ عن عبد الله بن میمون عن الإمام الصادق عليه السلام عن أبيه عليه السلام عنه عليه السلام، روضة الواعظین: ص ٥٠٥، بحار الأنوار: ج ٦ ص ١٣١ ح ٢٥: مسند ابن حنبل: ج ٢ ص ٣٣ ح ٣٦٧١، المستدرک علی الصحیحین: ج ٤ ص ٢٥٩ ح ٧٩١٥ کلاهما عن عبد الله بن مسعود نحوه، کنز العمال: ج ٣ ص ١١٨ ح ٥٧٥٣.

٥. تاریخ دمشق: ج ١٨ ص ٨٧ الرقم ٢١٥٩ عن الربیع بن یونس عن الإمام الصادق عليه السلام عن آبائه عليهم السلام، تهذیب الکمال: ج ٥ ص ٩٦ الرقم ٩٥٠، سیر أعلام النبلاء: ج ٦ ص ٢٦٧ الرقم ١١٧ کلاهما عن الربیع عن الإمام الصادق عليه السلام، الفردوس: ج ١ ص ٤٧٠ ح ١٩١٣ عن الإمام علی عليه السلام عنه عليه السلام، مصباح المتهجد: ص ١٧٢ ح ٢٥٩ من دون إسناد إلى المعصوم وفيه «ودنیای» بدل «بدنیای»، العدد القویة: ص ١٥٧ ح ٨٨ عن الربیع عن الإمام الصادق عليه السلام عن آبائه عليهم السلام عنه عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٢٩٨ ح ٨٥.

٦. مستدرک الوسائل: ج ١٢ ص ٥٤ ح ١٣٤٩٦ نقلًا عن القطب الراوندي فی لبّ اللباب.

۱۴۰۳. امام علی علیه السلام: سود کننده ترین مردم، کسی است که آخرت را به دنیا خرید.

۱۴۰۴. امام علی علیه السلام: سود برنده، کسی است که این جهان را با آن جهان، سودا کرد.

و.ک: ص ۳۱۷ (آثار اهتیت دادن به آخرت)

و ۳۳۷ (آثار یاد کردن آخرت)

و ۲۶۲ (تشویق به سودای آخرت).

۳/۴

آنچه آخرت آباد می کند

۱۴۰۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر خرابی را آباد کننده ای است و آباد کننده آخرت، عقل است.

۱۴۰۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس آخرت را می خواهد، باید زیور زندگی دنیا را رها کند.

۱۴۰۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! مرا با دنیا به دینم، و با تقوا به آخرتم، کمک کن.

۱۴۰۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به آخرت دست نمی یابید، مگر با رها کردن [علاقه به] دنیا و

برهنه شدن از آن. به شما سفارش می کنم که دوست بدارید آنچه را خدا

دوست می دارد و دشمن بدارید آنچه را خدا دشمن می دارد.

۱۴۰۹. عنه علیه السلام: إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا أَغْلَقَ عَلَيْهِ أُمُورَ الدُّنْيَا، وَفَتَحَ لَهُ أُمُورَ الْآخِرَةِ.^۱
۱۴۱۰. الإمام علی علیه السلام: لَا يُدْرِكُ أَحَدٌ رِفْعَةَ الْآخِرَةِ إِلَّا بِإِخْلَاصِ الْعَمَلِ، وَتَقْصِيرِ الْأَمَلِ، وَلُزُومِ التَّقْوَى.^۲
۱۴۱۱. عنه علیه السلام: مَنْ عَمَرَ دَارَ إِقَامَتِهِ فَهُوَ الْعَاقِلُ.^۳
۱۴۱۲. عنه علیه السلام: الْعَاقِلُ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ، وَلَمْ يَبِعْ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ.^۴
۱۴۱۳. عنه علیه السلام: الْعَاقِلُ مَنْ هَجَرَ شَهْوَتَهُ، وَبَاعَ دُنْيَاهُ بِآخِرَتِهِ.^۵
۱۴۱۴. عنه علیه السلام: مَنْ لَمْ يُؤْثِرِ الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا فَلَا عَقْلَ لَهُ.^۶
۱۴۱۵. عنه علیه السلام: مَنْ أَحَبَّ فَوْزَ الْآخِرَةِ فَعَلَيْهِ بِالتَّقْوَى.^۷
۱۴۱۶. عنه علیه السلام: مَنْ سَعَى لِدَارِ إِقَامَتِهِ، خَلَصَ عَمَلُهُ وَكَثُرَ وَجَلُّهُ.^۸
۱۴۱۷. عنه علیه السلام: مَنْ سَلِمَ مِنَ الْمَعَاصِي عَمَلُهُ، بَلَغَ مِنَ الْآخِرَةِ أَمَلُهُ.^۹
۱۴۱۸. عنه علیه السلام: إِنْ رَغِبْتُمْ فِي الْفَوْزِ وَكَرَامَةِ الْآخِرَةِ، فَخُذُوا فِي الْفَنَاءِ لِلْبَقَاءِ.^{۱۰}
۱۴۱۹. عنه علیه السلام: عَوَّدَ نَفْسَكَ فِعْلَ الْمَكَارِمِ وَتَحَمَّلَ أَعْيَاءَ الْمَغَارِمِ؛ تَشْرُفْ نَفْسُكَ، وَتُعَمَّرْ آخِرَتُكَ، وَيَكْثُرْ حَامِدُوكَ.^{۱۱}

۱. كنز العمال: ج ۳ ص ۲۰۴ ح ۶۱۸۱ نقلاً عن الفردوس عن أنس.
 ۲. غرر الحكم: ح ۱۰۸۶۴، عیون الحكم والمواعظ: ص ۵۴۳ ح ۱۰۰۹۵.
 ۳. غرر الحكم: ح ۸۲۹۸، عیون الحكم والمواعظ: ص ۴۴۶ ح ۷۸۴۵.
 ۴. غرر الحكم: ح ۱۹۸۳، عیون الحكم والمواعظ: ص ۵۹ ح ۱۵۱۱ وفيه «العالم» بدل «العاقل».
 ۵. غرر الحكم: ح ۱۷۲۷، عیون الحكم والمواعظ: ص ۵۲ ح ۱۳۵۲.
 ۶. غرر الحكم (طبعة طهران، ترجمة: محمد علي الأنصاري): ص ۶۹۹ ح ۱۳۰۱.
 ۷. غرر الحكم: ح ۸۹۰۶، عیون الحكم والمواعظ: ص ۴۳۴ ح ۷۴۹۲.
 ۸. غرر الحكم: ح ۸۵۹۹، عیون الحكم والمواعظ: ص ۴۵۹ ح ۸۳۳۵.
 ۹. غرر الحكم: ح ۸۸۳۴، عیون الحكم والمواعظ: ص ۴۳۶ ح ۷۵۳۲.
 ۱۰. غرر الحكم: ح ۳۷۴۶، عیون الحكم والمواعظ: ص ۱۶۳ ح ۳۴۸۰.
 ۱۱. غرر الحكم: ح ۶۲۳۲، عیون الحكم والمواعظ: ص ۳۴۱ ح ۵۸۱۷.

۱۴۰۹. پیامبر خدا ﷺ: خداوند هر گاه بنده‌ای را دوست بدارد، امور دنیا را بر او می‌بندد و امور آخرت را بر او می‌گشاید.
۱۴۱۰. امام علی علیه السلام: هیچ کس به جایگاه رفیع آخرت نمی‌رسد، مگر با اخلاص در عمل، کوتاه کردن آرزو و در پیش گرفتن تقوا.
۱۴۱۱. امام علی علیه السلام: کسی که سرای اقامتش را آباد کند، خردمند است.
۱۴۱۲. امام علی علیه السلام: خردمند، کسی است که بر هوس خویش چیره شود و آخرتش را به دنیایش نفروشد.
۱۴۱۳. امام علی علیه السلام: خردمند، کسی است که از شهوتش دوری کند و دنیایش را به آخرتش بفروشد.
۱۴۱۴. امام علی علیه السلام: کسی که آخرت را بر دنیا ترجیح ندهد، از خرد، بی‌بهره است.
۱۴۱۵. امام علی علیه السلام: هر کس رستگاری آخرت را دوست دارد، باید تقوا پیشه کند.
۱۴۱۶. امام علی علیه السلام: کسی که برای سرای اقامتش بکوشد، عملش خالص می‌گردد و بیمش فزونی می‌گیرد.
۱۴۱۷. امام علی علیه السلام: هر کس اعمالش از معصیت به سلامت مآند، به آرزویش از آخرت، دست می‌یابد.
۱۴۱۸. امام علی علیه السلام: اگر خواهان رستگاری و عزتمندی آخرت هستید، در این سرای فانی، برای سرای باقی [، توشه] بگیرید.
۱۴۱۹. امام علی علیه السلام: خود را به انجام دادن [و کسب] خصلت‌های والای انسانی و به دوش کشیدن بار غرامت‌ها و بدهی‌ها [ی دیگران و پرداختن از طرف آنها] عادت بده تا جانت شریف گردد و آخرت آباد شود و ستاینده‌گانت فزونی گیرند.

- ١٢٢٠ . عنه عليه السلام: حَصَلُوا الْآخِرَةَ بِتَرْكِ الدُّنْيَا، وَلَا تُحْصَلُوا بِتَرْكِ الدِّينِ الدُّنْيَا.^١
- ١٢٢١ . عنه عليه السلام: مَنْ رَغِبَ فِي نَعِيمِ الْآخِرَةِ قَنَعَ بِسِيرِ الدُّنْيَا.^٢
- ١٢٢٢ . عنه عليه السلام: مَنْ أَيْقَنَ بِالْآخِرَةِ سَلَا^٣ عَنِ الدُّنْيَا.^٤
- ١٢٢٣ . عنه عليه السلام: مَنْ أَيْقَنَ بِالْآخِرَةِ أَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيَا.^٥
- ١٢٢٤ . عنه عليه السلام: ذَلَّ فِي نَفْسِكَ وَعِزَّ فِي دِينِكَ، وَضُنَّ آخِرَتَكَ وَابْذَلَ دُنْيَاكَ.^٦
- ١٢٢٥ . عنه عليه السلام: لَا يُدْرِكُ أَحَدٌ مَا يُرِيدُ مِنَ الْآخِرَةِ إِلَّا بِتَرْكِ مَا يَشْتَهِي مِنَ الدُّنْيَا.^٧
- ١٢٢٦ . عنه عليه السلام: مَنْ أَحَبَّ الدَّارَ الْبَاقِيَةَ لَهِيَ^٨ عَنِ اللَّذَاتِ.^٩
- ١٢٢٧ . الإمام الكاظم عليه السلام - لِهِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ - : يَا هِشَامُ، إِنَّ الْمَسِيحَ عليه السلام قَالَ لِلْحَوَارِيِّينَ : ... يَا عَبْدَ الدُّنْيَا، بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ : لَا تُدْرِكُونَ شَرَفَ الْآخِرَةِ إِلَّا بِتَرْكِ مَا تُحِبُّونَ، فَلَا تُتَطَرَّوْا بِالتَّوْبَةِ غَدًا؛ فَإِنَّ دُونََ غَدٍ يَوْمًا وَلَيْلَةً وَقَضَاءَ اللَّهِ فِيهِمَا يَغْدُو وَيَرُوحُ.^{١٠}
- ١٢٢٨ . عيسى عليه السلام: مِنْ خُبَّتِ الدُّنْيَا أَنَّ اللَّهَ عَصِي فِيهَا، وَأَنَّ الْآخِرَةَ لَا تُنَالُ إِلَّا بِتَرْكِهَا.^{١١}
- ١٢٢٩ . عنه عليه السلام - مِنْ مَوَاعِظِهِ فِي الْإِنْجِيلِ وَغَيْرِهِ - : بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ يَا عَبْدَ الدُّنْيَا، كَيْفَ

١ . غرر الحكم: ح ٤٩١١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٢٣ ح ٤٤٧٦.

٢ . غرر الحكم: ح ٨٥٠٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٤٩ ح ٧٩٨٦.

٣ . سَلَا عَنْهُ: تَسَيَّه (لسان العرب: ج ١٤ ص ٣٩٤ «سلا»). أَي تَسَيَّ ذِكْرَهَا وَذَهَلَ عَنْهَا.

٤ . غرر الحكم: ح ٨٦٦٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٤١ ح ٧٦٦٢.

٥ . غرر الحكم: ح ٨٤٢١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٤٨ ح ٧٩٤٧ وفيه «آمن» بدل «أيقن».

٦ . غرر الحكم: ح ٥١٩٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٥٦ ح ٤٧٢٩.

٧ . غرر الحكم: ح ١٠٨٢٢.

٨ . لَهَيْتُ عَنْ الشَّيْءِ: إِذَا سَلَوْتُ عَنْهُ وَتَرَكْتُ ذِكْرَهُ وَأَضْرَبْتُ عَنْهُ (الصحاح: ج ٦ ص ٢٢٨٧ «لها»).

٩ . غرر الحكم: ح ٨٥٩٣، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٥٩ ح ٨٣٣٠.

١٠ . تحف العقول: ص ٣٩٢ و ص ٥٠٨ عن عيسى عليه السلام، بحار الأنوار: ج ١ ص ١٤٥ ح ٣٠.

١١ . ربيع الأبوار: ج ١ ص ٩٢: تنبيه الخواطر: ج ١ ص ١٢٩ نحوه، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٣٢٧ ح ٤٩.

۱۴۲۰. امام علی علیه السلام: با ترک [علاقه به] دنیا، آخرت را تحصیل کنید و با ترک دین، دنیا را تحصیل نکنید.

۱۴۲۱. امام علی علیه السلام: کسی که به نعمت‌های آخرت راغب باشد، به اندک دنیا قناعت می‌ورزد.

۱۴۲۲. امام علی علیه السلام: کسی که به آخرت یقین داشته باشد، دنیا را فراموش می‌کند.

۱۴۲۳. امام علی علیه السلام: کسی که به آخرت یقین داشته باشد، از دنیا روی می‌گرداند.

۱۴۲۴. امام علی علیه السلام: در نفست خوار و در دینت عزیز باش و آخرت را حفظ کن و دنیايت را ببخش.

۱۴۲۵. امام علی علیه السلام: هیچ کس به آنچه از آخرت می‌خواهد، نمی‌رسد، مگر با رها کردن آنچه از دنیا می‌خواهد.

۱۴۲۶. امام علی علیه السلام: هر که سرای ماندگار را دوست دارد، از لذت‌ها روی می‌گرداند.

۱۴۲۷. امام کاظم علیه السلام - خطاب به هشام بن حکم -: ای هشام! مسیح علیه السلام به حواریان فرمود: «... ای بندگان دنیا! حقیقتی را به شما بگویم: به شرافت آخرت نمی‌رسید، مگر با و نهادن آنچه دوست می‌دارید. پس، کار توبه را به فردا می‌فکنید؛ زیرا که قبل از فردا [ای قیامت]، روز و شبی است و قضای (حکم) خداوند در آن روز و شب، آمد و شد می‌کند».

۱۴۲۸. عیسی علیه السلام: از پلیدی دنیا، این است که خداوند در آن معصیت می‌شود، و آخرت به دست نمی‌آید، مگر با ترک دنیا.

۱۴۲۹. عیسی علیه السلام - از اندرزهایش در انجیل و جز آن -: حقیقتی را به شما بگویم:

يُدْرِكُ الْآخِرَةَ مَنْ لَا تَنْقُصُ شَهْوَتُهُ مِنَ الدُّنْيَا وَلَا تَنْقَطِعُ مِنْهَا رَغْبَتُهُ؟^١

راجع: ص ١١٤ ح ٩٨٠

و ١١٨ ح ٩٩٧

و ١٩٦ ح ١١٣٤

و ٢٣٠ (أمانتل الزهاد / أهل البيت).

٣/٤

مَا يَحْزِبُ بِالْآخِرَةِ

الكتاب

﴿فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ ۖ وَءَاثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ۖ فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ﴾.^٢

﴿وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ﴾.^٣

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَلَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ ۖ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبِطِلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾.^٤

الحديث

١٤٣٠. رسول الله ﷺ - في وصاياه لابن مسعود -: يَا بْنَ مَسْعُودٍ ... إِتَّقِ اللَّهَ فِي السِّرِّ

١. تحف العقول: ص ٥١١. بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٣١٥ ح ١٧.

٢. النازعات: ٣٧-٣٩. و الهون: أي الهوان، يريد العذاب المتضمن لشدة وإهانة (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٨٨٧ «هون»).

٣. الأحقاف: ٢٠.

٤. هود: ١٥ و ١٦.

ای بندگان دنیا! کسی که دنیاخواهی او کم نمی شود و رشته رغبتش به دنیا قطع نمی گردد، چگونه به آخرت دست یابد؟!

ر.ک: ص ۱۱۵ ح ۹۸۰

و ۱۱۹ ح ۹۹۷

و ۱۹۷ ح ۱۱۳۴

و ۲۳۱ (نمونه های زهد / اهل بیت).

۴/۴

آنچه آخرت را ویران می کند

قرآن

«اما هر که طغیان کرد و زندگی دنیوی را برگزید، پس، جایگاه او همان آتش است».
 «و روزی که آنانی که کفر ورزیده اند، بر آتش عرضه می شوند، [به آنان می گویند:] نعمت های پاکیزه خود را در زندگی دنیا پتان صرف کردید و از آنها برخوردار شدید. پس، امروز به سزای آن که در زمین، به ناحق سرکشی می نمودید و به سبب این که نافرمانی می کردید، به عذاب خفت آور، کیفر داده می شوید».
 «کسانی که زندگی دنیا و زیور آن را بخواهند، [جزای] کارهایشان را در آن به طور کامل به آنها می دهیم و به آنان در آن جا کم داده نخواهد شد. اینان، کسانی هستند که در آخرت، جز آتش برایشان نخواهد بود و آنچه در آن جا (دنیا) کرده اند، به هدر رفته و آنچه انجام می داده اند، باطل گردیده است».

حدیث

۱۴۳۰. پیامبر خدا ﷺ - در سفارش هایش به ابن مسعود -: ای پسر مسعود! ... در نهان و آشکار از خدا بترس ...؛ زیرا که خدای متعال می فرماید: «و برای کسی که

وَالْعَالَيْنِيَّةِ ... فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: ﴿وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٌ﴾^١. وَلَا تُؤْثِرَنَّ
الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ بِاللَّذَاتِ وَالشَّهَوَاتِ؛ فَإِنَّهُ تَعَالَى يَقُولُ فِي كِتَابِهِ:
﴿فَأَمَّا مَنْ طَغَى* وَءَاثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا* فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى﴾ يَعْنِي الدُّنْيَا
الْمَلْعُونَةُ، وَالْمَلْعُونَ مَا فِيهَا إِلَّا مَا كَانَ لِلَّهِ^٢.

١٤٣١. الإمام علي عليه السلام: زيادة الدنيا تُفسد الآخرة^٣.

١٤٣٢. عنه عليه السلام: مَنْ رَضِيَ بِالدُّنْيَا فَاتَتْهُ الْآخِرَةُ^٤.

١٤٣٣. عنه عليه السلام: مَا ظَفِرَ بِالْآخِرَةِ مَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا مَطْلَبَةً^٥.

١٤٣٤. عنه عليه السلام: مَا زَادَ فِي الدُّنْيَا نَقَصَ فِي الْآخِرَةِ^٦.

١٤٣٥. عنه عليه السلام: حَلَاوَةُ الدُّنْيَا تَوْجِبُ مَرَارَةَ الْآخِرَةِ وَسُوءَ الْعُقْبَى^٧.

راجع: ج ١ ص ٤١٤ (فساد النفس / الهلاك)

و ٤٥٠ (مضار حب الدنيا / سوء العاقبة)

و ٢٥٢ (مضار حب الدنيا / عذاب جهنم).

١. الرحمن: ٤٦.

٢. مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٥٤ ح ٢٦٦٠ عن عبد الله بن مسعود، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٠٥ ح ١.

٣. غرر الحكم: ح ٥٤٩٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٧٥ ح ٥٠٠٠ وفيه «التقصان في» بدل «تفسد».

٤. غرر الحكم: ح ٨٢٧٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٤٨ ح ٧٩٢٣.

٥. غرر الحكم: ح ٩٥٥٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٧٧ ح ٨٧٤٨.

٦. غرر الحكم: ح ٩٦١٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٨٠ ح ٨٨١٧.

٧. غرر الحكم: ح ٤٨٨١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٢٢ ح ٤٤٣٦.

از مقام پروردگارش بترسد، دو بهشت است) و با در پیش گرفتن لذات و شهوات، زندگی دنیا را بر آخرت برمگزین؛ زیرا که خدای متعال در کتابش می فرماید: ﴿وَمَا هِيَ إِلَّا هِيَ طُغْيَانٌ كَرِهَ اللَّهُ مُقْتَصِدًا﴾. مقصود، دنیای لعنت شده است. هر آنچه در دنیاست، لعنت شده است، مگر آنچه برای خدا باشد.

۱۴۳۱. امام علی (ع): فزوننی دنیا، آخرت را تباه می کند.

۱۴۳۲. امام علی (ع): کسی که به دنیا رضایت بدهد، آخرت از دستش می رود.

۱۴۳۳. امام علی (ع): کسی که دنیا مقصود او باشد، به آخرت دست نمی یابد.

۱۴۳۴. امام علی (ع): آنچه بر دنیا بیفزاید، از آخرت می کاهد.

۱۴۳۵. امام علی (ع): شیرینی دنیا، موجب تلخی آخرت و بدی عاقبت می شود.

و.ک: ج ۱ ص ۴۱۵ (تباهی جان / ملاکت)

و ۲۵۰ (زیان های دنیا دوستی / بدی قرجام)

و ۲۵۲ (زیان های دنیا دوستی / عذاب دوزخ).

الفصل الخامس

تجارة الآخرة

١/٥

الحديث في تجارة الآخرة

الكتاب

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورَ﴾^١
﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ﴾^٢
﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾^٣
﴿فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَن يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾^٤
﴿رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ﴾^٥
﴿وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِن حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾^٦

١. فاطر: ٢٩. ولن تبور: لن تكسد (مجمع البحرين: ج ١ ص ٢٠٣ «بور»).

٢. التوبة: ١١١.

٣. البقرة: ٢٠٧.

٤. النساء: ٧٤.

٥. النور: ٣٧.

٦. الطلاق: ٢ و ٣.

فصل پنجم

سودای آخرت

۱/۵



قرآن

﴿کسانی که کتاب خدا را می خوانند و نماز را برپا می دارند و از آنچه روزی شان کرده ایم، پنهانی و آشکارا انفاق می کنند، به سودایی امید بسته اند که هرگز کساد نمی شود﴾.

﴿همانا خدا از مؤمنان، جان و مالشان را به [بهای] این که بهشت برای آنان باشد، خریده است﴾.

﴿و از میان مردم، کسی است که جان خود را برای طلب خشنودی خدا می فروشد؛ و خدا به بندگان، مهربان است﴾.

﴿پس باید کسانی که زندگی دنیا را به آخرت سودا می کنند، در راه خدا بجنگند، و هر کس در راه خدا بجنگد و کشته یا پیروز شود، به زودی مزدی بزرگ به او خواهیم داد﴾.

﴿مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات، غافل نمی سازد و از روزی که در آن، دل ها و دیده ها دگرگون می شود، می هراسند﴾.

﴿و هر کس از خدا پروا کند، خدا برای او برون شدی قرار می دهد و از جایی که گمان نمی برد، روزی اش می دهد﴾.

الحديث

١٣٣٦ . رسول الله ﷺ - فِي مَوْعِظَتِهِ لِابْنِ مَسْعُودٍ -: يَا بْنَ مَسْعُودٍ، وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا، إِنَّ مَنْ يَدْعِ الدُّنْيَا وَيُقْبِلَ عَلَى تِجَارَةِ الْآخِرَةِ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَتَجَرُّ لَهُ مِنْ وَرَاءِ تِجَارَتِهِ وَيُربِحُ اللَّهُ تِجَارَتَهُ، يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: «رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ»^١.

١٣٣٧ . المعجم الكبير عن معاذ بن جبل: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ، اتَّخَذُوا تَقْوَى اللَّهِ تِجَارَةً يَأْتِكُمْ^٢ الرِّزْقُ بِلاِ بِضَاعَةٍ وَلَا تِجَارَةٍ، ثُمَّ قَرَأَ: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ^٣.

١٣٣٨ . رسول الله ﷺ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي وَعَظَمَتِي وَقُدْرَتِي وَعِلَائِي وَارْتِفَاعِ مَكَانِي، لَا يُؤْتِرُ عَبْدٌ هَوَايَ عَلَى هَوَايَ إِلَّا جَعَلْتُ غِنَاهُ فِي نَفْسِهِ، وَكَفَيْتُهُ هَمَّهُ، وَكَفَفْتُ عَلَيْهِ ضِيعَتَهُ، وَضَمَنْتُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ رِزْقَهُ، وَكُنْتُ لَهُ مِنْ وَرَاءِ تِجَارَةِ كُلِّ تاجِرٍ^٤.

- ١ . مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٢٥٦ ح ٢٦٦٠ عن عبد الله بن مسعود، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٠٦ ح ١.
- ٢ . في المصدر: «يَأْتِيَكُم»، والتصويب من المصادر الأخرى.
- ٣ . المعجم الكبير: ج ٢٠ ص ٩٧ ح ١٩٠، مستند الشاميين: ج ١ ص ٢٣٤ ح ٤١٥، حلية الأولياء: ج ٦ ص ٩٦، الفردوس: ج ٥ ص ٢٧٠ ح ٨١٥٤، كنز العمال: ج ٣ ص ٩٦ ح ٥٦٦٦.
- ٤ . المحاسن: ج ١ ص ٩٧ ح ٦٢ عن أبي حمزة الثمالي عن الإمام الباقر ﷺ، الكافي: ج ٢ ص ١٣٧ ح ٢، الزهد للحسين بن سعيد: ص ٢٥ ح ٥٦ كلاهما عن أبي حمزة الثمالي عن الإمام الباقر ﷺ، الخصال: ج ٣ ص ٥ عن أبي عبيدة الحذاء عن الإمام الباقر ﷺ، تحف العقول: ص ٣٩٥ عن الإمام الكاظم ﷺ، وكلها نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ٧٥ ح ٢: المعجم الكبير: ج ١٢ ص ١١٣ ح ١٢٧١٩ عن ابن عباس نحوه، كنز العمال: ج ١ ص ٢٣٢ ح ١١٦١.

حدیث

۱۴۳۶. پیامبر خدا ﷺ - در اندرز به ابن مسعود - : ای پسر مسعود! سوگند به آن که مرا به حق به پیامبری برگزید، کسی که دنیا را وا نهد و به سودای آخرت روی آورد، خداوند متعال از پس سوداگری اش، برای او تجارت می‌کند و سوداگری اش را سودآور می‌گرداند. خدای متعال می‌فرماید: «مردانی که نه تجارتی و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا و بر پا داشتن نماز و دادن زکات، غافل نمی‌سازد و از روزی که در آن، دل‌ها و دیده‌ها دگرگون می‌شود، می‌هراسند».

۱۴۳۷. المعجم الکبیر - به نقل از معاذ بن جبل - : از پیامبر خدا شنیدم که می‌فرماید: «هان، ای مردم! تقوای الهی را تجارت بگیرید تا بی هیچ کالا و تجارتی، به شما روزی برسد». ایشان سپس این آیه را خواند: «و هر کس از خدا پروا کند، خدا برای او برون شدی قرار می‌دهد و از جایی که گمان نمی‌برد، روزی اش می‌دهد».

۱۴۳۸. پیامبر خدا ﷺ: خدای متعال می‌فرماید: «به عزّت و جلالم و عظمت و قدرتم و بلندی و رفعت مقامم سوگند، هیچ بنده‌ای دلخواه مرا بر دلخواه خودش ترجیح نمی‌دهد، مگر آن که جانش را بی‌نیاز می‌گردانم و خواستش را برمی‌آورم و معاش او را سامان می‌بخشم و آسمان‌ها و زمین را ضامن روزی او می‌گردانم و از پس تجارت هر تاجری، هوای او را دارم».

١٣٣٩ . عنه عليه السلام: مَنْ خَافَ أَدْلَجَ^١، وَمَنْ أَدْلَجَ بَلَغَ الْمَنْزِلَ، أَلَا إِنَّ سِلْعَةَ اللَّهِ غَالِيَةً، أَلَا إِنَّ سِلْعَةَ اللَّهِ الْجَنَّةُ^٢.

١٣٤٠ . سعد السعود نقلًا عن الزبور: يَا دَاوُدُ، مَنْ تَاجَرَ نِي فَهُوَ أَرْبَحُ الْمَتَاجِرِ^٣.

١٣٤١ . الإمام علي عليه السلام: مَنْ تَاجَرَ اللَّهُ رَبِحَ^٤.

١٣٤٢ . عنه عليه السلام: تَاجَرَ اللَّهُ تَرَبَّحَ^٥.

١٣٤٣ . عنه عليه السلام - فِي وَصْفِ الْمُتَّقِينَ - : صَبَرُوا أَيَّامًا قَصِيرَةً أَعْقَبَتْهُمْ رَاحَةٌ طَوِيلَةٌ، تِجَارَةٌ مُرَبِّحَةٌ يَسَّرَهَا لَهُمْ رَبُّهُمْ^٦.

١٣٤٤ . عنه عليه السلام: إِنِّي لَمْ أَرِ مِثْلَ الْجَنَّةِ نَامَ طَالِبُهَا، وَلَا كَالنَّارِ نَامَ هَارِبُهَا، وَلَا أَكْثَرَ مُكْتَسِبًا مِمَّنْ كَسَبَهُ الْيَوْمُ^٧ تُذْخِرُ فِيهِ الذَّخَائِرُ وَتُبْلِي فِيهِ السَّرَائِرُ^٨.

١٣٤٥ . عنه عليه السلام: يَبْعُوا مَا يَفْنَى بِمَا يَبْقَى، وَتَعَوَّضُوا بِتَنْعِيمِ الْآخِرَةِ عَن شَقَاءِ الدُّنْيَا^٩.

مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

١ . يقال: أدلج - بالتخفيف - إذا سار من أول الليل، وادلج - بالتشديد - إذا سار من آخره... ومنهم من يجعل الإدلاج ليل كله (النهاية: ج ٢ ص ١٢٩ «دلج»). قال الشيخ البهائي: ربما يطلق الإدلاج على العبادة في الليل مجازاً؛ لأن العبادة سير إلى الله تعالى (بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ١٨٩).

٢ . سنن الترمذي: ج ٤ ص ٦٣٣ ح ٢٤٥٠ عن أبي هريرة، المستدرک علی الصحیحین: ج ٤ ص ٣٤٣ ح ٧٨٥٢ عن أبي بن كعب، كنز العمال: ج ٣ ص ١٤٢ ح ٥٨٨٥.

٣ . سعد السعود: ص ٤٩، بحار الأنوار: ج ١٤ ص ٤٦.

٤ . غرر الحكم: ح ٧٨٧٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٥٢ ح ٨١٣١.

٥ . غرر الحكم: ح ٤٤٦١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٠١ ح ٤٠٦٦.

٦ . نهج البلاغة: الخطبة ١٩٣، الأمالي للصدوق: ص ٦٦٧ ح ٨٩٧ عن عبد الرحمن بن كثير الهاشمي عن الإمام الصادق عن أبيه عنه عليه السلام، تحف العقول: ص ١٥٩ وليس فيه «تجارة»، كنز الفوائد: ج ١ ص ٩٠ عن نوف البكالي نحوه، بحار الأنوار: ج ٦٧ ص ٣١٥ ح ٥٠.

٧ . في بحار الأنوار: «ليوم»، والظاهر أنه هو الصواب.

٨ . تحف العقول: ص ١٥٢، غرر الحكم: ح ٢٧٦١ وفي صدره إلى «هاربها»، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٩٣ ح ٢.

٩ . غرر الحكم: ح ٤٤٥٥، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٩٦ ح ٤٠١٧.

۱۴۳۹. پیامبر خدا ﷺ: آن که ترسید، سرِ شب راه پیمود و آن که سرِ شب راه پیمود، به منزل رسید. بدانید که کالای خدا گران است؛ بدانید که کالای خدا بهشت است.

۱۴۴۰. سعد السعود - به نقل از زُئور -: ای داوود! کسی که با من سودا کند، سودای او سودآورترین تجارت‌هاست.

۱۴۴۱. امام علی علیه السلام: آن که با خدا سودا کرد، سود بُرد.

۱۴۴۲. امام علی علیه السلام: با خدا سودا کن تا سود ببری.

۱۴۴۳. امام علی علیه السلام - در توصیف تقوای پیشگان -: چند روزی کوتاه، شکیبایی کردند و در پی آن، به آسایش طولانی دست یافتند؛ سودایی سودآور که پروردگارشان برایشان فراهم آورد.

۱۴۴۴. امام علی علیه السلام: چیزی چون بهشت ندیدم که طالب آن خفته باشد؛ و چیزی همانند آتش ندیدم که گریزان از آن، در خواب رفته باشد؛ و سود برنده‌تر از کسی ندیدم که برای روزی، کسب کند که در آن روز، اندوخته‌ها اندوخته می‌شود و نهان‌ها آشکار می‌گردد.

۱۴۴۵. امام علی علیه السلام: آنچه را که از بین می‌رود، به آنچه می‌ماند، بفروشید و سختی و رنج دنیا را با ناز و نعمت آخرت، عوض کنید.

١٣٣٦ . عنه عليه السلام: إَعْلَمُوا أَنَّ مَا نَقَصَ مِنَ الدُّنْيَا وَزَادَ فِي الْآخِرَةِ خَيْرٌ مِمَّا نَقَصَ مِنَ الْآخِرَةِ

وَزَادَ فِي الدُّنْيَا، فَكَمْ مِنْ مَنْقُوصٍ رَابِعٍ وَمَزِيدٍ خَاسِرٍ^١.

١٣٣٧ . عنه عليه السلام: أَلَا حُرٌّ يَدْعُ هَذِهِ اللَّمَاطَةَ^٢ لِأَهْلِهَا؟ إِنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ؛ فَلَا

تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا^٣.

١٣٣٨ . عنه عليه السلام: إِنَّ مَنْ بَاعَ نَفْسَهُ بِغَيْرِ الْجَنَّةِ فَقَدْ عَظُمَتْ عَلَيْهِ الْمِحْنَةُ^٤.

١٣٣٩ . عنه عليه السلام: أَلَا إِنَّهُ قَدْ أَدْبَرَ مِنَ الدُّنْيَا مَا كَانَ مُقْبِلًا وَأَقْبَلَ مِنْهَا مَا كَانَ مُدْبِرًا، وَأَزْمَعَ^٥

التَّرْحَالَ عِبَادُ اللَّهِ الْأَخْيَارُ، وَبَاعُوا قَلِيلًا مِنَ الدُّنْيَا لَا يَبْقَى بِكَثِيرٍ مِنَ الْآخِرَةِ لَا

يَفْنَى^٦.

١٣٥٠ . عنه عليه السلام - فِي يَوْمٍ صَفَيْنَ - : أَلَا رَجُلٌ يَشْرِي نَفْسَهُ لِلَّهِ وَيَبِيعُ دُنْيَاهُ بِآخِرَتِهِ؟^٧

١٣٥١ . عنه عليه السلام: لَيْسَ مَنْ ابْتَاعَ نَفْسَهُ فَأَعْتَقَهَا كَمَنْ بَاعَ نَفْسَهُ فَأَوْبَقَهَا^٨.

١٣٥٢ . عنه عليه السلام: الرَّابِحُ مَنْ بَاعَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ، وَاسْتَبْدَلَ بِالْآجِلَةِ عَنِ الْعَاجِلَةِ^٩.

١. نهج البلاغة: الخطبة ١١٤.

٢. اللماظة: ما يبقى في الفم من أثر الطعام (النهاية: ج ٤ ص ٢٧١ «لمظ»). والمراد بها الدنيا؛ أي: ألا يوجد حرٌّ يترك هذا الشيء الدنيء لأهله.

٣. نهج البلاغة: الحكمة ٤٥٦، تحف العقول: ص ٣٩١ عن الإمام زين العابدين عليه السلام، تنبيه الخواطر: ج ١ ص ٦٨، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٣٠٦ وراجع الكافي: ج ١ ص ١٩ ح ١٢ و غرر الحكم: ح ٣٢٧٣.

٤. غرر الحكم: ح ٣٢٧٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٥٠ ح ٣٣٠٩.

٥. أزمع الأمر وبه وعليه: مضى فيه وثبت عليه عزمه (لسان العرب: ج ٨ ص ١٤٣ «زمع»).

٦. نهج البلاغة: الخطبة ١٨٢، غرر الحكم: ح ٢٧٨١ و ٢٧٨٢، بحار الأنوار: ج ٣٤ ص ١٢٦ ح ٩٥٣.

٧. وقعة صفين: ص ٣٠٨ عن عمر بن سعد، الغارات: ج ٢ ص ٤٧٩، بحار الأنوار: ج ٣٢ ص ٤٨٣ ح ٤١٩: شرح نهج البلاغة: ج ٥ ص ٢٤٣.

٨. الإرشاد: ج ١ ص ٢٩٨، كشف اليقين: ص ١٨١ ح ٢٢٣، معدن الجواهر: ص ٢٦ نحوه، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٤١٩ ح ٢٠.

٩. غرر الحكم: ح ١٨٧٩، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٦ ح ١٤٤٢ نحوه.

۱۴۴۶. امام علی علیه السلام: بدانید که آنچه از دنیا می‌کاهد و به آخرت می‌افزاید، بهتر است از آنچه از آخرت می‌کاهد و به دنیا می‌افزاید؛ زیرا چه بسیار اندکی که سود کرد و [چه بسیار] افزونی که زیان کرد!

۱۴۴۷. امام علی علیه السلام: آیا آزاده‌ای یافت نمی‌شود که این ته مانده غذا در دهان را برای کسی که در خور آن است، وا نهد؟^۱ به راستی که جان‌های شما را بهایی جز بهشت نیست. پس، آنها را جز به بهشت بفروشید.

۱۴۴۸. امام علی علیه السلام: هر کس خود را به چیزی جز بهشت بفروشد، رنج بسیار می‌کشد.

۱۴۴۹. امام علی علیه السلام: آگاه باشید که آنچه از دنیا روی آورده بود، پشت کرده است و آنچه از آن پشت کرده بود، روی آورده است و بندگان نیک خدا، بار کوچیدن بر بستند و این دنیای اندکِ نامان را به آخرتِ بسیارِ مانا فروختند.

۱۴۵۰. امام علی علیه السلام: در روز صفین :- آیا مردی نیست که جان خویش را به خدا بفروشد و آخرتش را به دنیایش بخرد؟

۱۴۵۱. امام علی علیه السلام: آن که جان خویش را خرید و آزادش ساخت، همانند آن کسی نیست که جانش را فروخت و به هلاکتش افکند.

۱۴۵۲. امام علی علیه السلام: سود برنده، کسی است که دنیا را به آخرت فروخت و این جهان را به آن جهان، عوض کرد.

۱. مقصود از ته مانده غذا، دنیا است. معنای عبارت، این است که: آیا آزادمردی پیدا نمی‌شود که این دنیای پست و بی‌ارزش را به اهلش واگذارد؟

١٢٥٣. عنه عليه السلام: بِضَاعَةُ الْآخِرَةِ كَاسِدَةٌ^١، فَاسْتَكْثِرْ مِنْهَا فِي أَوَانٍ كَسَادِهَا^٢.
١٢٥٤. عنه عليه السلام: مَنْ اتَّخَذَ طَاعَةَ اللَّهِ بِضَاعَةً أَتَتْهُ الْأَرْبَاحُ مِنْ غَيْرِ تِجَارَةٍ^٣.
١٢٥٥. عنه عليه السلام: لَا رِبْحَ كَالثَّوَابِ^٤.
١٢٥٦. عنه عليه السلام: اِكْتِسَابُ الثَّوَابِ أَفْضَلُ الْأَرْبَاحِ، وَالْإِقْبَالُ عَلَى اللَّهِ رَأْسُ النَّجَاحِ^٥.
١٢٥٧. عنه عليه السلام: اِكْتِسَابُ الْحَسَنَاتِ مِنْ أَفْضَلِ الْمَكَاسِبِ^٦.
١٢٥٨. عنه عليه السلام: الدُّنْيَا دَارُ صِدْقٍ لِمَنْ عَرَفَهَا، وَمِضْمَارُ الْخَلَاصِ لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا، هِيَ مَهْبِطٌ وَحْيِ اللَّهِ وَمَتَجَرُّ أَوْلِيَائِهِ، اتَّجَرُوا فَرَبُّحُوا الْجَنَّةَ^٧.
١٢٥٩. عنه عليه السلام: مَنْ ابْتَعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ رَبِحَهُمَا^٨.
١٢٦٠. عنه عليه السلام: صُنْ دِينَكَ بِدُنْيَاكَ تَرَبِّحَهُمَا، وَلَا تَضُنْ دُنْيَاكَ بِدِينِكَ فَتَخْسِرَهُمَا^٩.
١٢٦١. الإمام زين العابدين عليه السلام: مَنْ تَعَزَّى عَنِ الدُّنْيَا بِثَوَابِ الْآخِرَةِ فَقَدْ تَعَزَّى عَنْ حَقِيرٍ بِخَطِيرٍ، وَأَعْظَمُ مِنْ ذَلِكَ مَنْ عَدَّ فَائِثَتَهَا سَلَامَةً نَالَهَا وَغَنِيمَةً أُعِينَ عَلَيْهَا^{١٠}.

١. كَسَدَ الشَّيْءُ: لَمْ يَنْفُقْ؛ لِقُلَّةِ الرِّغْبَاتِ (المصباح المنير: ص ٥٢٣ «كَسَدَ»).

٢. كنز الفوائد: ج ١ ص ٢٧٩، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٩٠ ح ٩٥.

٣. غرر الحكم: ح ٨٨٦٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٥٨ ح ٨٢٨٩.

٤. نهج البلاغة: الحكمة ١١٣، غرر الحكم: ح ١٠٤٦٧، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٤٠٩ ح ١٢٢؛ مطالب السؤول: ص ٥٧.

٥. غرر الحكم: ح ١٩٧١.

٦. غرر الحكم: ح ١٥٧٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ١٢٥ ح ٢٨٦٠.

٧. الإرشاد: ج ١ ص ٢٩٦، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٤١٨ ح ٤٠؛ تاريخ دمشق: ج ٤٢ ص ٤٩٨ عن عاصم بن ضمرة وكذلك عن محمد بن معروف المكي عن أبيه وكلاهما نحوه، كنز العمال: ج ٣ ص ٧٣٢ ح ٨٦٠٣.

٨. غرر الحكم: ح ٨٢٣٦، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٢٥ ح ٧٨١٧.

٩. غرر الحكم: ح ٥٨٦١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٠٣ ح ٥٣٧٨.

١٠. الأمالي للطوسي: ص ٦١٣ ح ١٢٦٦ عن زيد بن علي عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٨٢ ص ١٣١ ح ١٤.

۱۴۵۳. امام علی علیه السلام: [بازار] کالای آخرت، کساد است. پس، در زمان کساد آن، از این کالا بسیار فراهم آور.

۱۴۵۴. امام علی علیه السلام: کسی که طاعت خدا را کالا (سرمایه تجارت) قرار دهد، بی آن که تجارتی کند، سودها به سوی او سرازیر می شوند.

۱۴۵۵. امام علی علیه السلام: هیچ سودی چون ثواب نیست.

۱۴۵۶. امام علی علیه السلام: کسب کردن ثواب، برترین سود است، و روی آوردن به خدا، اساس کامیابی است.

۱۴۵۷. امام علی علیه السلام: کسب کردن حسنات، از برترین درآمدهاست.

۱۴۵۸. امام علی علیه السلام: دنیا سرای راستی است برای آن کس که آن را شناخت، و میدان رهایی است برای آن کس که از آن توشه برداشت. دنیا فرودگاه وحی خداوند و تجارتخانه اولیای اوست. [آنان] تجارت کردند و بهشت را سود بردند.

۱۴۵۹. امام علی علیه السلام: کسی که آخرتش را به دنیایش بخرد، هر دو را سود می برد.

۱۴۶۰. امام علی علیه السلام: دینت را با دنیایت نگو دار تا هر دو را سود ببری، و دینت را ابزار نگهداری دنیایت قرار مده که هر دو را از کف می دهی.

۱۴۶۱. امام زین العابدین علیه السلام: کسی که به خاطر ثواب آخرت، در برابر [از دست دادن]

دنیا شکیبایی ورزد، هر آینه به خاطر امر مهمی، در برابر چیزی حقیر، شکیبایی ورزیده است. از این مهم تر، کسی است که آنچه را از دنیا از دستش رفته، سلامتی می داند که به آن دست یافته و غنیمتی می شمارد که برای [به دست آوردن] آن، یاری شده است.

١٤٦٢. عنه عليه السلام - في الدعاء -: اللَّهُمَّ وَمَتْنِي وَقَفْنَا بَيْنَ نَقْصَيْنِ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَأَوْقِعِ النِّقْصَ بِأَسْرَعِهِمَا فَنَاءً، وَاجْعَلِ التَّوْبَةَ فِي أَطْوَلِهِمَا بَقَاءً. وَإِذَا هَمَمْنَا بِهَمِّينِ يُرْضِيكَ أَحَدُهُمَا عَنَّا وَيُسْخِطُكَ الْآخَرُ عَلَيْنَا، فَمِلْ بِنَا إِلَى مَا يُرْضِيكَ عَنَّا، وَأَوْهِن قُوَّتَنَا عَمَّا يُسْخِطُكَ عَلَيْنَا، وَلَا تُخَلِّ فِي ذَلِكَ بَيْنَ نَفْسِنَا وَاخْتِيَارِهَا؛ فَإِنَّهَا مُخْتَارَةٌ لِلْبَاطِلِ إِلَّا مَا وَقَفْتَ، أَمَارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمْتَ.^١

١٤٦٣. عنه عليه السلام - في مُنَاجَاةِ الْعَارِفِينَ -: إِلَهِي فَاجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ تَوَشَّحَتْ^٢ أَشْجَارُ الشُّوقِ إِلَيْكَ فِي خَدَائِقِ صُدُورِهِمْ ... وَاسْتَقَرَّ بِإِدْرَاكِ السُّؤُولِ وَنِيلِ الْمَأْمُولِ قَرَارُهُمْ، وَرَبِحَتْ فِي بَيْعِ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ تِجَارَتُهُمْ.^٣

١٤٦٤. عنه عليه السلام - مِنْ دُعَائِهِ فِي وَدَاعِ شَهْرِ رَمَضَانَ -: وَأَنْتَ الَّذِي زِدْتَ فِي السُّومِ عَلَى نَفْسِكَ لِعِبَادِكَ، تُرِيدُ رِبْحَهُمْ فِي مُتَاجَرَتِهِمْ لَكَ وَفُوزَهُمْ بِالْوِفَادَةِ عَلَيْكَ وَالزِّيَادَةَ مِنْكَ فَقُلْتَ تَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَيْتَ: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يَجْزِي إِلَّا مِثْلُهَا﴾^٤، وَقُلْتَ: ﴿مِثْلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمِثْلِ حَبَّةٍ أَكُنْتُ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُدُجَلَةٍ مِائَةِ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ﴾^٥، وَقُلْتَ: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفُهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً﴾^٦، وَمَا أَنْزَلْتَ مِنْ نَظَائِرِهِنَّ فِي الْقُرْآنِ مِنْ تَضَاعِيفِ الْحَسَنَاتِ.^٧

١. الصحيفة السجادية: ص ٢٧ الدعاء ٩.

٢. الوشاح: شيء يُسج من أديم عريضاً، ويرصع بالجواهر، وتشده المرأة بين عاتقها. توشحت هي: أي لبسته (الصحيح: ج ١ ص ٤١٥ «وشح»). والكلام هنا على سبيل الاستعارة.

٣. بحار الأنوار: ج ٩٤ ص ١٥٠.

٤. الأنعام: ١٦٠.

٥. البقرة: ٢٦١.

٦. البقرة: ٢٤٥.

٧. الصحيفة السجادية: ص ١٧٢ الدعاء ٤٥. المصباح للكفعمي: ص ٨٤٦، مصباح المتهجد: ص ٦٤٢ ح ٧١٨.

الإقبال: ج ١ ص ٢٢٣ كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ١٧٣ ح ١.

۱۴۶۲. امام زین العابدین (علیه السلام) - در دعا: بارخدا یا! هرگاه میان دو نقصان، یکی در دین و یکی در دنیا، قرار گرفتیم، نقصان را در همانی قرار بده که زودگذرتر است و توبه را در همانی قرار بده که ماندگارتر است. و هرگاه میان دو خواست قرار گرفتیم که یکی از آن دو، تو را از ما خشنود می سازد و آن دیگری، تو را بر ما خشمگین می نماید، ما را به آنی متمایل گردان که تو را از ما خشنود می سازد و نیروی ما را به آن یک که تو را بر ما خشمگین می نماید، سست بگردان و در آن، ما را به اختیار خودمان وا مگذار؛ زیرا که نفس های ما، اگر توفیق خود را یا رشان نگردانی، باطل را برمی گزینند و در صورتی که تو رحم نکنی، به بدی فرمان می دهند.

۱۴۶۳. امام زین العابدین (علیه السلام) - در مناجاة العارفين -: معبود من! ما را از کسانی قرار بده که باغ های سینه های آنان، کمر بند مرصع نشان شوق به تو را بر کمر بسته اند... و نهاد آنان با رسیدن به خواسته شان و نیل به آرزویشان آرام گرفته است و با فروختن دنیا به آخرت، تجارتی سودآور کرده اند.

۱۴۶۴. امام زین العابدین (علیه السلام) - از دعای ایشان در وداع با ماه رمضان -: و تو کسی هستی که در معامله با بندگان، همواره به سود آنان، بر بها می افزایی و می خواهی که در سودای با تو، آنان سود برند و کامیاب و با دست پُر از جانب تو، به پیشگاهت در آیند. پس، تو - که خجسته نام و بلند مرتبه ای - فرمودی: ﴿هر کس کار نیکی بیاورد، ده برابر به او پاداش داده می شود و هر که بدی بیاورد، تنها همانند آن کیفر می بیند﴾ و نیز فرمودی: ﴿مَثَلِ آنان که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، مَثَلِ دانه ای است که هفت خوشه برآورد و در هر خوشه ای، صد دانه باشد. خدا پاداش هر کس را که بخواهد، چند برابر می کند﴾ و نیز فرمودی: ﴿کیست که به خدا قرض الحسنه بدهد تا خدا بر آن، چند برابر بیشتر بيفزايد؟﴾ و امثال این آیات که در قرآن درباره چند برابر کردن حسنات، فرو فرستاده ای.

١٤٦٥. الإمام الصادق عليه السلام: تَقُولُ إِذَا أَصْبَحْتَ وَأَمْسَيْتَ : ... اللَّهُمَّ إِنَّ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خَلْقَانِ مِنْ خَلْقِكَ فَلَا تَبْتَلِيَنِي فِيهِمَا بِجُرْأَةٍ عَلَى مَعَاصِيكَ، وَلَا رُكُوبٍ لِمَحَارِمِكَ، وَارْزُقْنِي فِيهِمَا عَمَلًا مُتَقَبَّلًا وَسَعِيًّا مَشْكُورًا وَتِجَارَةً لَنْ تَبُورَ.^١

١٤٦٦. الإمام الكاظم عليه السلام - مِنْ دُعَائِهِ عَقِيبَ الْفَرِيضَةِ -: اللَّهُمَّ بِيَرِّكَ الْقَدِيمِ ... أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، لَقَدْ فَازَ مَنْ وَالَاكَ، وَسَعَدَ مَنْ نَاجَاكَ، وَعَزَّ مَنْ نَادَاكَ، وَظَفِرَ مَنْ رَجَاكَ، وَغَنِمَ مَنْ قَصَدَكَ، وَرَبِحَ مَنْ تَاجَرَكَ.^٢

١٤٦٧. عنه عليه السلام: لَا رِبْحَ إِلَّا لِمَنْ بَاَعَ اللَّهَ نَفْسَهُ.^٣

١٤٦٨. لقمان عليه السلام - لِابْنِهِ يَعْظُمُهُ -: يَا بُنَيَّ، اتَّخِذْ تَقْوَى اللَّهِ تِجَارَةً تَأْتِيكَ الْأَرْبَاحُ مِنْ غَيْرِ بِضَاعَةٍ.^٤

راجع: ص ١٣٨ (مبادئ الزهد / معرفة الدنيا)،

ج ١ ص ٢٨ (الدنيا / دار ممر)

و ٣٩٠ (التحذير من حب الدنيا / لا يجتمع مع حب الآخرة).

٢/٥

تَفْسِيرُ تِجَارَةِ الْآخِرَةِ

الكتاب

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا هَلْ أَذِلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ * تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ

١. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ١ ص ٣٣٧ ح ٩٨٢ عن عمار بن موسى، مصباح المتهجد: ص ٢٠٦ ح ٢٩٩ نحوه، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٢٨٧ ح ٤٨.

٢. مصباح المتهجد: ص ٥٩ ح ٩٢، البلد الأمين: ص ١٣، المصباح للكفعمي: ص ٢٥ وفيه «وَرَجِمَ» بدل «وَرَبِحَ» من دون إسناد إلى المعصوم، بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ٥٣ ح ٥٨ نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي.

٣. أعلام الدين: ص ١٢٠.

٤. تنبيه الخواطر: ج ٢ ص ٢٣١، بحار الأنوار: ج ١٣ ص ٤٢٦ ح ٢١.

۱۴۶۵. امام صادق علیه السلام: در هر بام و شام می‌گویی: «... بار خدایا! شب و روز، دو آفریده از آفریده‌های تو هستند. پس، در آنها مرا گرفتار گستاخی بر معاصیات و ارتکاب حرام‌های مگردان، و در آنها مرا عملی پذیرفته، تلاشی در خور تقدیر، و تجارتی که هرگز کساد نمی‌شود، روزی فرما.

۱۴۶۶. امام کاظم علیه السلام - از دعای ایشان در تعقیبات نماز -: بار خدایا! به حق احسان دیرین و ازلیات...؛ تویی آن خدایی که معبودی جز تو نیست. هر آینه رستگار شد آن که پیروی تو کرد، و نیک‌بخت شد آن که با تو به راز و نیاز پرداخت، و عزتمند شد آن که تو را صدا زد، و کامیاب شد آن که به تو امید بست، و غنیمت بُرد آن که آهنگ [کوی] تو کرد، و سود بُرد آن که با تو سودا کرد.

۱۴۶۷. امام کاظم علیه السلام: سود بُرد، مگر آن کس که خویشتن را به خدا فروخت.

۱۴۶۸. لقمان علیه السلام - در اندرز به فرزندش -: فرزندم! پروا از خدا را تجارت خود گردان تا بی هیچ سرمایه‌ای، سودها به سوی تو سرازیر شوند.

ر.ک: ص ۱۳۹ (زمینه‌های زهد / شناخت دنیا).

ج ۱ ص ۳۹ (ویژگی‌های دنیا / گذرگاه)

و ۳۹۱ (برحذر داشتن از دنیادوستی / دنیادوستی با آخرت دوستی جمع نمی‌شود).

۲/۵

معنای سوداگری آخرت

قرآن

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آیا شما را رهنمون شوم به تجارتی (سودایی) که شما را

وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ^١.
 «إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ
 تَجَارَةً لَّنْ تَبُورَ»^٢.

الحديث

١٣٦٩ . الإمام الباقر (ع) - في قوله تعالى: «يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا هَلْ أَذُكُم عَلَى تَجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ
 مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ» - : فَقَالُوا: لَوْ نَعْلَمُ مَا هِيَ لَبَدَلْنَا فِيهَا الْأَمْوَالَ وَالْأَنْفُسَ وَالْأَوْلَادَ،
 فَقَالَ اللَّهُ: «تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ - إِلَى
 قَوْلِهِ - ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»^٣.

١٣٧٠ . فتح الباري عن سعيد بن جبیر - أيضاً - : لَمَّا نَزَلَتْ قَالَ الْمُسْلِمُونَ: لَوْ عَلِمْنَا هَذِهِ
 التَّجَارَةَ لَأَعْطَيْنَا فِيهَا الْأَمْوَالَ وَالْأَهْلِينَ، فَتَزَلَتْ: «تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ
 وَرَسُولِهِ»^٤.

١٣٧١ . رسول الله (ص) - في وصاياه لابن مسعود - : يَا بَنَ مَسْعُودٍ، كُلُّ مَا أَبْصَرْتَهُ بِعَيْنِكَ
 وَاسْتَخْلَاهُ^٥ قَلْبُكَ فَاجْعَلْهُ لِلَّهِ، فَذَلِكَ تِجَارَةُ الْآخِرَةِ ؛ لِأَنَّ اللَّهَ يَقُولُ: «مَا عِنْدَكُمْ
 يَنْفَقُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ»^٦.

١. الصف: ١٠ و ١١.

٢. فاطر: ٢٩.

٣. تفسير القمي: ج ٢ ص ٣٦٥ عن أبي الجارود.

٤. فتح الباري: ج ٦ ص ٦، زاد المسير: ج ٨ ص ١٧، الدر المنثور: ج ٨ ص ١٤٩ نقلاً عن ابن أبي حاتم وكلاهما نحوه.

٥. في بحار الأنوار: «واستخلاه».

٦. النحل: ٩٦.

٧. مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٥٧ ح ٢٦٦٠ عن عبد الله بن مسعود، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٠٦ ح ١.

از عذاب‌های دردناک می‌رهاند؟ به خدا و رسول او ایمان آورید و در راه خدا با اموال و جان‌هایتان جهاد کنید. این برای شما بهتر است، اگر بدانید.

«کسانی که کتاب خدا را می‌خوانند و نماز را بر پا می‌دارند و از آنچه روزی‌شان کرده‌ایم، پنهانی و آشکارا انفاق می‌کنند، به تجارتی امید بسته‌اند که هرگز کساد نمی‌شود».

حدیث

۱۴۶۹. امام باقر علیه السلام - درباره آیه شریف: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آیا شما را رهنمون شوم به تجارتی که شما را از عذاب‌های دردناک می‌رهاند؟» :- [مؤمنان] گفتند: اگر بدانیم که آن تجارت چیست، جان و مال و فرزندانمان را در راه آن می‌بخشیم.

پس خداوند فرمود: «به خدا و رسول او ایمان آورید و در راه خدا با اموال و جان‌هایتان جهاد کنید..... این است رستگاری بزرگ».

۱۴۷۰. فتح الباری - به نقل از سعید بن جبیر، درباره آیه شریف: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آیا شما را رهنمون شوم به تجارتی که...» :- چون این آیه نازل شد، مسلمانان گفتند: اگر بدانیم این تجارت کدام است، مال و خانواده خود را در راه آن می‌دهیم.

پس [دنباله آیه] نازل شد: «به خدا و رسول او ایمان آورید».

۱۴۷۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - از سفارش‌های ایشان به ابن مسعود :- ای پسر مسعود! هر آنچه را چشم‌ت دید و دلت هوس کرد، برای خدا قرار بده که این، تجارت (سوداگری) آخرت است؛ زیرا که خداوند می‌فرماید: «آنچه نزد شماست، رفتنی است و آنچه نزد خداست، ماندنی است».

١٣٧٢ . عنه عليه السلام: لَيْسَ شَيْءٌ أَطْيَبَ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ رِيحٍ فَمِ صَائِمٍ تَرَكَ الطَّعَامَ وَالشَّرَابَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَآثَرَ اللَّهِ عَلَى مَا سِوَاهُ، وَابْتِغَاءَ آخِرَتِهِ بِدُنْيَاهُ، فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ يَأْتِيَكَ الْمَوْتُ وَأَنْتَ جَائِعٌ، وَكَبِدُكَ ظَمَانٌ فَافْعَلْ؛ فَإِنَّكَ تَنَالُ بِذَلِكَ أَشْرَفَ الْمَنَازِلِ، وَتَحُلُّ مَعَ الْأَبْرَارِ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ^١.

١٣٧٣ . مكارم الأخلاق: قَالَ ابْنُ مَسْعُودٍ [الرَّسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله]: يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ، كَيْفَ لِي بِتِجَارَةِ الْآخِرَةِ؟

فَقَالَ صلى الله عليه وآله: لَا تُرِيحَنَّ لِسَانَكَ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ، وَذَلِكَ أَنْ تَقُولَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» فَهَذِهِ التِّجَارَةُ الْمُرِيحَةُ . وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ* لِيُؤْفِقَهُمْ أَجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ﴾^٢.

١٣٧٤ . الإمام الرضا عليه السلام - فِي تَفْسِيرِ قَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى...﴾^٣ -: إِنَّ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ كَانَ لِرَجُلٍ فِي حَائِطِهِ نَخْلَةٌ وَكَانَ يَضُرُّ بِهِ، فَشَكَا ذَلِكَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله، فَدَعَاهُ، فَقَالَ: أُعْطِي نَخْلَتَكَ بِنَخْلَةٍ فِي الْجَنَّةِ! فَأَبَى.

فَبَلَغَ ذَلِكَ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ يُكْنَى أَبَا الدَّحْدَاحِ، فَجَاءَ إِلَى صَاحِبِ النَّخْلَةِ، فَقَالَ: بِعْنِي نَخْلَتَكَ بِحَائِطِي^٤، فَبَاعَهُ، فَجَاءَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَدْ اشْتَرَيْتُ نَخْلَةً فَلَانٍ بِحَائِطِي.

قَالَ: فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: فَلَكَ بِدَلُّهَا نَخْلَةٌ فِي الْجَنَّةِ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ - تَبَارَكَ

١. التحصين لابن فهد: ص ٢٠ ح ٣٩ عن سعيد بن زيد بن عمرو بن نفيل، مستدرک الوسائل: ج ٧ ص ٤٩٩ ح ٨٧٤١.

٢. فاطر: ٢٩ و ٣٠.

٣. مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣٥٦ ح ٢٦٦٠، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ١٠٦ ح ١.

٤. الليل: ١.

٥. الحائط: البستان من النخيل إذا كان عليه حائط؛ وهو الجدار (النهاية: ج ١ ص ٤٦٢ «حوط»).

۱۴۷۲. پیامبر خدا ﷺ: نزد خداوند، چیزی خوش تر از بوی دهان روزه داری نیست که به خاطر خدای پروردگار جهانیان، از خوردن و آشامیدن، خودداری ورزیده و خدا را بر ماسوای او برگزیده و آخرتش را به دنیایش خریده است.

پس، اگر می توانی کاری کنی که وقتی مرگ تو را در می رسد، گرسنه باشی و جگر تشنه باشد، چنین کن؛ زیرا که با این کار، به عالی ترین منازل می رسی و با نیکان و شهیدان و شایستگان، همنشین می شوی.

۱۴۷۳. مکارم الأخلاق: ابن مسعود [به پیامبر خدا] گفت: پدر و مادرم به فدایت، ای پیامبر خدا! چگونه تجارت آخرت کنم؟

پیامبر ﷺ فرمود: «هرگز زیانت را از یاد خدا میاسای، یعنی این که [پیوسته] بگویی: "سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله أكبر". این است تجارت سودآور. خدای متعال می فرماید: «به تجارتی امید بسته اند که هرگز کساد نمی شود، تا مُزدهای آنان را به تمام و کمال، به آنان بدهد و از فضل خویش بر آنان بیفزاید».

۱۴۷۴. امام رضا ع: در تفسیر آیه شریف: «و سونکند به شب، آن گاه که فرو پوشد...»:- مردی در باغ یکی از انصار، درخت خرمایی داشت و این امر موجب آسیب رسانی [و مزاحمت] وی برای مرد انصاری شده بود. مرد انصاری، از این موضوع به پیامبر خدا شکایت کرد.

پیامبر ﷺ او را فرا خواند و فرمود: «درخت خرمایت را به درخت خرمایی در بهشت به من بفروش!»، و [لی] مرد نپذیرفت.

این خبر به گوش مردی دیگر از انصار (معروف به ابو الدحداح) رسید. پس، نزد صاحب نخل آمد و گفت: درخت خرمایت را به باغ خرمایم می خرم. او بدین صورت، باغش را فروخت و سپس نزد پیامبر خدا آمد

وَتَعَالَى - عَلَى نَبِيِّهِ ﷺ ﴿وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى﴾ إِنَّ سَفْيَكُمْ لَشَتَّى ﴿فَأَمَّا مَنْ
أَعْطَى﴾ يَعْنِي النَّخْلَةَ ﴿وَأَنْفَى﴾ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى ﴿يُوعِدُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ﴾ ﴿فَسَنُيَسِّرُهُ
لِلْيُسْرَى﴾ ١. ٢

١٢٧٥ . مسند ابن حنبل عن أنس: إِنَّ رَجُلًا قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ لِفُلَانٍ نَخْلَةً وَأَنَا أَقِيمُ
حَائِطِي بِهَا، فَأَمْرُهُ أَنْ يُعْطِيَنِي حَتَّى أَقِيمَ حَائِطِي بِهَا.

فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ﷺ: أَعْطِهَا إِيَّاهُ بِنَخْلَةٍ فِي الْجَنَّةِ! فَأَبَى.

فَأَتَاهُ أَبُو الدَّحْدَاحِ، فَقَالَ: بِعْنِي نَخْلَتَكَ بِحَائِطِي، فَفَعَلَ، فَأَتَى النَّبِيَّ ﷺ
فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي قَدْ ابْتَعْتُ النَّخْلَةَ بِحَائِطِي، فَاجْعَلْهَا لَهُ فَقَدْ أُعْطِيَتْكَهَا.
فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «كَمْ مِنْ عَذَقٍ رَاحَ لِأَبِي الدَّحْدَاحِ فِي الْجَنَّةِ!» قَالَهَا
مِرَارًا.

قَالَ: فَأَتَى امْرَأَتَهُ فَقَالَ: يَا أُمُّ الدَّحْدَاحِ اخْرُجِي مِنَ الْحَائِطِ: فَإِنِّي قَدْ بَعْتُهُ
بِنَخْلَةٍ فِي الْجَنَّةِ.

فَقَالَتْ: رَبِّحَ الْبَيْعُ - أَوْ كَلِمَةً تُشَبِّهُهَا - ٣.

١٢٧٦ . الإمام علي عليه السلام - فِي تَحْرِيزِهِ النَّاسَ بِصِفَتَيْنِ - : إِنَّ اللَّهَ ﷻ دَلَّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ
مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ وَتُشْفِي ٤ بِكُمْ عَلَى الْخَيْرِ: الْإِيمَانُ بِاللَّهِ، وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ،

١. الليل: ٣-٧.

٢. قرب الإسناد: ص ٣٥٥ ح ١٢٧٣ عن البرزطي وراجع تفسير القمي: ج ٢ ص ٢٥٥ ومجمع البيان: ج ١٠
ص ٧٥٩.

٣. مسند ابن حنبل: ج ٤ ص ٢٩٣ ح ١٢٤٨٤، صحيح ابن حبان: ج ١٦ ص ١١٣ ح ٧١٥٩، المستدرک علی
الصحيحين: ج ٢ ص ٢٤ ح ٢١٩٤، موارد الظمآن: ص ٥٦٤ ح ٢٢٧١، المعجم الكبير: ج ٢٢ ص ٣٠٠ ح ٧٦٣
كلها نحوه.

٤. أشفى على الشيء: أشرف عليه (الصحيح: ج ٦ ص ٢٣٩٤ «شفى»).

و گفت: ای پیامبر خدا! نخل فلانی را به [بهای] باغم خریدم.
پیامبر خدا به او فرمود: «به جای آن، یک نخل در بهشت از آن توست».
پس، خداوند متعال، این آیه را بر پیامبرش ﷺ نازل فرمود: ﴿وَسَوْفَ كُنْتُمْ بِهِ
كَرِيمًا﴾ که نرو ماده را آفرید، همانا تلاش شما پراکنده است. اما آن که عطا کرد... یعنی
درخت خرما را ﴿...و پروا داشت و پاداش نیکوتر را تصدیق کرد...﴾ یعنی
وعدۀ پیامبر خدا را ﴿...به زودی راه آسانی را پیش پای او خواهیم گذاشت﴾.
۱۴۷۵. مسند ابن حنبل - به نقل از آنس - : مردی گفت: ای پیامبر خدا! فلانی درخت
خرمایی [در باغ من] دارد و من می‌خواهم باغم را با آن، دیواربندی کنم.
دستور دهید درختش را به من بدهد تا با آن، باغم را دیواربندی کنم.
پیامبر ﷺ به او فرمود: «نخلت را، در ازای نخلی در بهشت، به او بده».
آن مرد نپذیرفت.
ابو دحداح نزد آن مرد آمد و گفت: نخلت را به باغ خرمایم بفروش.
مرد فروخت.

ابو دحداح، نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: من آن نخل را به [بهای] باغم
خریدم. آن نخل را به آن مرد (صاحب باغ) بدهید؛ زیرا که من آن را به شما
[هدیه] می‌دهم.

پیامبر خدا چند بار فرمود: «چه بسیار خرمائنهایی که در بهشت، از آن
ابو دحداح شد!».

ابو دحداح، نزد همسرش آمد و گفت: ای اُمّ دحداح! باغ را ترک کن؛ زیرا
که من آن را به نخلی در بهشت فروختم.

همسرش گفت: سودای سودآوری است (یا جمله‌ای شبیه به این).

۱۴۷۶. امام علی علیه السلام - در تحریک و ترغیب لشکریان در جنگ صفین - : خداوند ﷻ
شما را به تجارتی رهنمون شده که شما را از عذابی دردناک می‌رهاند و شما

وَجَعَلَ ثَوَابَهُ مَغْفِرَةً لِلذَّنْبِ، وَمَسَاكِينَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ، وَقَالَ ﷺ: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقْنِتُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَأَنَّهُمْ بُنِينَ مَرْصُوصٌ»^١.

١٤٧٧. عنه ﷺ: لَا تِجَارَةَ كَالْعَمَلِ الصَّالِحِ^٢.

١٤٧٨. عنه ﷺ: الْأَعْمَالُ فِي الدُّنْيَا تِجَارَةٌ الْآخِرَةِ^٣.

١٤٧٩. عنه ﷺ: الْعَمَلُ بِطَاعَةِ اللَّهِ أَرْبَحُ، وَلِسَانُ الصَّدَقِ أَزِينُ وَأَنْجَحُ^٥.

١٤٨٠. عنه ﷺ: فِي الطَّاعَةِ كُنُوزُ الْأَرْبَاحِ^٦.

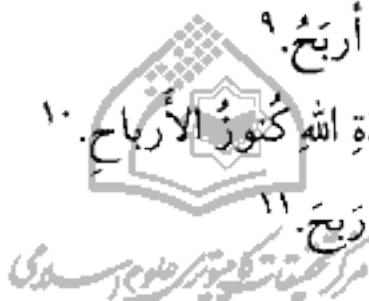
١٤٨١. عنه ﷺ: الطَّاعَةُ وَفِعْلُ الْبِرِّ هُمَا الْمَتَجَرُّ الرَّابِعُ^٧.

١٤٨٢. عنه ﷺ: أَطْعَ تَرْبَحَ^٨.

١٤٨٣. عنه ﷺ: الْعَمَلُ بِطَاعَةِ اللَّهِ أَرْبَحُ^٩.

١٤٨٤. عنه ﷺ: فِي الْإِنْفِرَادِ لِعِبَادَةِ اللَّهِ كُنُوزُ الْأَرْبَاحِ^{١٠}.

١٤٨٥. عنه ﷺ: مَنْ عَمِلَ بِالْحَقِّ رَبِحَ^{١١}.



١. الصف: ٤.

٢. الكافي: ج ٥ ص ٣٩ ح ٤ عن مالك بن أعين، الإرشاد: ج ١ ص ٢٦٥، وقعة صفين: ص ٢٣٥ عن عبد الرحيم بن عبد الرحمن عن أبيه وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج ٢٢ ص ٥٦٢ ح ٤٦٨؛ تاريخ الطبري: ج ٥ ص ١٦ عن أبي عمرة الأنصاري نحوه.

٣. نهج البلاغة: الحكمة ١١٣، مشكاة الأنوار: ص ٢٠٧ ح ٥٦٣، روضة الواعظين: ص ٤٧٥، غرر الحكم: ح ١٠٥٤٥، بحار الأنوار: ج ٦٩ ص ٤٠٩ ح ١٢٢؛ مطالب السؤل: ص ٥٧.

٤. غرر الحكم: ح ١٣٠٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٧ ح ١١٩٣.

٥. غرر الحكم: ح ١٨٦٢، عيون الحكم والمواعظ: ص ٥٥ ح ١٤٣١ وفيه «أرجح» بدل «أنجح».

٦. غرر الحكم: ح ٦٤٤٧، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٥٣ ح ٥٩٥٤.

٧. غرر الحكم: ح ٢١٥٨، عيون الحكم والمواعظ: ص ٦٨ ح ١٧١٨.

٨. غرر الحكم: ح ٢٢٤١، عيون الحكم والمواعظ: ص ٧٨ ح ١٨٩٨.

٩. غرر الحكم: ح ١٣٢٠، عيون الحكم والمواعظ: ص ٢٩ ح ٤١٢.

١٠. غرر الحكم: ح ٦٥٠٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ٣٥٤ ح ٥٩٧٩.

١١. غرر الحكم: ح ٧٦٩٤، عيون الحكم والمواعظ: ص ٤٢٣ ح ٧١٢٧.

را به خیر، نزدیک می‌سازد: ایمان آوردن به خدا و جهاد کردن در راه خدا. او پاداش آن را آمرزش گناه و سکونتگاه‌هایی خوش و پاک در باغ‌های بهشت قرار داد، و خداوند ﷻ فرمود: ﴿همانا خدا دوستدار کسانی است که در راه او، صف در صف، جهاد می‌کنند، چنان که گویی بنایی سُرّبی‌اند﴾.

۱۴۷۷. امام علی ﷺ: هیچ تجارتی چون کار نیک نیست.

۱۴۷۸. امام علی ﷺ: اعمال در دنیا، تجارت آخرت اند.

۱۴۷۹. امام علی ﷺ: عمل کردن به طاعت خداوند، سودمندتر، و زبان راستی (نام نیک)، زینت‌بخش‌تر و موفقیت‌آمیزتر است.

۱۴۸۰. امام علی ﷺ: در طاعت [خداوند]، گنج‌های سود، نهفته است.

۱۴۸۱. امام علی ﷺ: طاعت [خداوند] و انجام دادن کار نیک، تجارت‌هایی سودآورند.

۱۴۸۲. امام علی ﷺ: اطاعت [خدا] کن تا سود ببری.

۱۴۸۳. امام علی ﷺ: عمل کردن به طاعت خداوند، سودمندترین [تجارت] است.

۱۴۸۴. امام علی ﷺ: در تنهایی عبادت خداوند، گنج‌های سود، نهفته است.

۱۴۸۵. امام علی ﷺ: هر که به حق عمل کند، سود می‌برد.

۱۳۸۶. عنه علیه السلام: إِذَا أَمَلَقْتُمْ^۱ فَتَاجِرُوا اللَّهَ بِالصَّدَقَةِ^۲.

۱۳۸۷. عنه علیه السلام: أَزَكَّى الْمَالِ مَا اشْتَرِيَ بِهِ الْآخِرَةُ^۳.

۱۳۸۸. عنه علیه السلام: الصَّدَقَةُ أَعْظَمُ الرَّبْحَيْنِ^۴.

۱۳۸۹. عنه علیه السلام: عَلَيْكَ بِالْإِحْسَانِ؛ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ زِرَاعَةٍ وَأَرْيَحُ بِضَاعَةٍ^۵.

۱۳۹۰. الإمام الصادق علیه السلام: إِنِّي لَأَمْلِقُ أحياناً فَتَاجِرُ اللَّهُ بِالصَّدَقَةِ^۶.

۱۳۹۱. الإمام المهدي علیه السلام - فِي الدُّعَاءِ الْمَعْرُوفِ بِدُعَاءِ الْعُلَوِيِّ الْمِصْرِيِّ - : اللَّهُمَّ بِكَ أَعُوذُ

وَبِكَ الْوَدَّ ... وَمِنْكَ أَسْأَلُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ لَا تُرَدِّدَنِي إِلَّا

بِذَنْبٍ مَغْفُورٍ وَ سَعْيٍ مَشْكُورٍ وَ تِجَارَةٍ لَنْ تَبُورَ^۷.



الكتاب

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يَخَفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ

يُنصَرُونَ﴾^۸.

۱. الإملاق: الافتقار (الصحيح: ج ۴ ص ۱۵۵۷ «ملق»).

۲. نهج البلاغة: الحكمة ۲۵۸، عدة الداعي: ص ۶۰ عن الإمام الصادق علیه السلام، غرر الحكم: ج ۴ ص ۴۰۱۹، بحار الأنوار:

ج ۹۶ ص ۱۳۳ ح ۶۶؛ المنة كلمة للجاحظ: ص ۱۰۴ ح ۸۸، المناقب للخوارزمي: ص ۲۷۶ ح ۳۹۵.

۳. غرر الحكم: ج ۳ ص ۳۰۴۰، عيون الحكم والمواعظ: ص ۱۱۹ ح ۲۶۹۹.

۴. غرر الحكم: ج ۱ ص ۱۶۷۳.

۵. غرر الحكم: ج ۶ ص ۶۱۱۲، عيون الحكم والمواعظ: ص ۳۳۴ ح ۵۷۰۴.

۶. كشف الغمة: ج ۲ ص ۴۱۷، بحار الأنوار: ج ۷ ص ۷۸ ح ۲۰۶ ص ۵۴.

۷. مهج الدعوات: ص ۳۴۹ عن محمد بن علي العلوي المصري، بحار الأنوار: ج ۹ ص ۲۷۸ ح ۳۴ وراجع الفقه

المنسوب للإمام الرضا علیه السلام: ص ۴۰۴.

۸. البقرة: ۸۶.

۱۴۸۶. امام علی علیه السلام: هر گاه فقیر شدید، به وسیله صدقه دادن، با خدا سودا کنید.
 ۱۴۸۷. امام علی علیه السلام: پاک ترین (ببالنده ترین) مال، مالی است که با آن، آخرت خریده شود.

۱۴۸۸. امام علی علیه السلام: صدقه، بزرگ ترین سوداست.
 ۱۴۸۹. امام علی علیه السلام: احسان کنید که آن، برترین کشت و سودآورترین کالا (سرمایه) است.

۱۴۹۰. امام صادق علیه السلام: من گاهی اوقات، تنگ دست می شوم و [برای رفع تنگ دستی خود،] با صدقه دادن، به تجارت با خداوند می پردازم.

۱۴۹۱. امام مهدی علیه السلام: در دعای معروف به دعای علوی مصری -: بارخدا یا! به تو پناه می برم و دست به دامن تو می شوم... و از تو درخواست می کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و مرا از درگاهت برگردانی، مگر با آمرزش گناهم و پذیرفته شدن تلاشم و [نیز با] تجارتی که هرگز کساد نمی شود.

۳/۵

زنهار دهبی از سودا کردن آخرت به دنیا

قرآن

«آنان، کسانی هستند که زندگی دنیا را به جهان دیگر خریدند. پس نه عذابشان سبک می گردد و نه آنان یاری می شوند».

الحديث

١٣٩٢. رسول الله ﷺ: بَشَّرَ هَذِهِ الْأُمَّةَ بِالسَّنَاءِ وَالرُّفْعَةِ وَالذِّينِ وَالنَّصْرِ وَالتَّمَكِينِ فِي الْأَرْضِ؛ فَمَنْ عَمِلَ مِنْهُمْ عَمَلًا آخِرَةً لِلدُّنْيَا لَمْ يَكُنْ لَهُ فِي الْآخِرَةِ نَصِيبٌ.^١

١٣٩٣. الإمام علي عليه السلام: إِيَّاكَ أَنْ تَبِيعَ حَظَّكَ مِنْ رَبِّكَ وَرُفَّتَكَ^٢ لَدَيْهِ بِحَقِيرٍ مِنْ حُطَامِ الدُّنْيَا.^٣

١٣٩٤. عنه عليه السلام: لَا يَتْرُكُ النَّاسُ شَيْئًا مِنْ أَمْرِ دِينِهِمْ لِاسْتِصْلَاحِ دُنْيَاهُمْ، إِلَّا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُوَ أَضَرُّ مِنْهُ.^٤

١٣٩٥. عنه عليه السلام: لَا تَبِيعُوا الْآخِرَةَ بِالدُّنْيَا، وَلَا تَسْتَبْدِلُوا الْفَنَاءَ بِالْبَقَاءِ.^٥

١٣٩٦. عنه عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّكُمْ إِنْ آثَرْتُمُ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ أَسْرَعْتُمْ إِجَابَتَهَا إِلَى الْعَرَضِ الْأَدْنَى، وَرَحَلَتْ مَطَايَا آمَالِكُمْ إِلَى الْغَايَةِ الْقُصْوَى، تَوَرَّدُ مَنَاهِلَ عَاقِبَتِهَا التَّدْمُ، وَتُذَيِّقُكُمْ مَا فَعَلَتْ بِالْأُمَمِ الْخَالِيَةِ وَالْقُرُونِ الْمَاضِيَةِ؛ مِنْ تَغْيِيرِ الْحَالَاتِ وَتَكُونِ الْمَثَلَاتِ.^٦

١٣٩٧. عنه عليه السلام: لَيْسَ عَنِ الْآخِرَةِ عَوَاضٌ، وَلَيْسَتْ الدُّنْيَا لِلنَّفْسِ بَثْمَنٍ.^٨

١. مسند ابن حنبل: ج ٨ ص ٤٤ ح ٢١٢٧٨، المستدرک علی الصحیحین: ج ٤ ص ٢٤٦ ح ٧٨٦٢، شعب الإيمان: ج ٥ ص ٣٣٤ ح ٦٨٣٣، حلیة الأولیاء: ج ١ ص ٢٥٥ نحوه وکلها عن أبي بن کعب، کنز العمال: ج ١٢ ص ١٥٧ ح ٣٤٤٦٥؛ إعلام الوری: ج ١ ص ٨٩ عن أبي بن کعب، مجمع البیان: ج ٥ ص ٢٢٤ نحوه.

٢. الزُّلْفَةُ وَالزُّلْفَى: الْقُرْبَةُ وَالْمَنْزِلَةُ (الصحاح: ج ٤ ص ١٣٧٠ «زلف»).

٣. غرر الحکم: ح ٢٧٠١، عیون الحکم والمواعظ: ص ٩٨ ح ٢٢٦٣.

٤. نهج البلاغة: الحکمة ١٠٦، خصائص الأئمة علیهم السلام: ص ٩٧، بحار الأنوار: ج ٧٠ ص ١٠٧ ح ٥.

٥. غرر الحکم: ح ١٠٣٣٥، عیون الحکم والمواعظ: ص ٥٢٤ ح ٩٥٤٥ وفيه «البقاء بالفناء» بدل «الفناء بالبقاء».

٦. المَثَلَات: عقوبات أمثالهم من المکذبین. يقال: المَثَلَات: الأشباه والأمثال ممّا يعتبر به (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٦٧١ «مثل»).

٧. تحف العقول: ص ٢٢١، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٦٠ ح ١٣٧.

٨. غرر الحکم: ح ٧٥٠٢، عیون الحکم والمواعظ: ص ٤١١ ح ٦٩٩٩.

حدیث

۱۴۹۲. پیامبر خدا ﷺ: بشارت باد این امت را به بلندی و عظمت و دین و پیروزی و قدرت یافتن در زمین! پس، هر که از آنان کار آخرت را برای دنیا انجام دهد، در آخرت، او را نصیبی نخواهد بود.

۱۴۹۳. امام علی علیه السلام: زنده‌ای که به‌رهات از پروردگارت و قرب و منزلت در نزد او را به متاع کوچک دنیا بفروشی!

۱۴۹۴. امام علی علیه السلام: مردم، امری از امور دین خود را به خاطر آباد کردن دنیایشان فرو نمی‌گذارند، مگر آن که خداوند، زیانبارتر از آن را برایشان می‌گشاید.

۱۴۹۵. امام علی علیه السلام: آخرت را به دنیا بفروشید و بقا (آخرت) را با فنا (دنیا) عوض نکنید.

۱۴۹۶. امام علی علیه السلام: ای مردم! شما اگر دنیا را بر آخرت برگزینید، در [قبول] کالای پست و بی‌ارزش آن، به آن، زود پاسخ داده‌اید و مرکب آرزوهایتان را تا دورترین مقصد تازانده‌اید، و آن، شما را به آب‌شخورهایی می‌برد که فرجامش پشیمانی است و طعم دگرگونی حالات و کیفرهایی را که به امت‌های پیشین و نسل‌های گذشته چشانید، به شما نیز می‌چشانند.

۱۴۹۷. امام علی علیه السلام: آخرت، عوض ندارد و دنیا، بهای جان [آدمی] نیست.

- ۱۴۹۸ . عنه علیه السلام: اسْتَغْرِغْ جَهْدَكَ لِمَعَادِكَ تُصْلِحْ مَثْوَاكَ، وَلَا تَبِعْ آخِرَتَكَ بِدُنْيَاكَ.^۱
- ۱۴۹۹ . عنه علیه السلام: أَصْلِحْ مَثْوَاكَ، وَلَا تَبِعْ آخِرَتَكَ بِدُنْيَاكَ.^۲
- ۱۵۰۰ . عنه علیه السلام: لَيْسَ الْمَتَجَرُّ أَنْ تَرَى الدُّنْيَا لِنَفْسِكَ ثَمَنًا وَمِمَّا لَكَ عِنْدَ اللَّهِ عَوَضًا.^۳
- ۱۵۰۱ . عنه علیه السلام: مَنْ أَغْبَنُ مِمَّنْ بَاعَ الْبَقَاءَ بِالْفَنَاءِ؟^۴
- ۱۵۰۲ . الإمام علي علیه السلام: مَنْ أَخْسَرُ مِمَّنْ تَعَوَّضَ عَنِ الْآخِرَةِ بِالدُّنْيَا؟^۵
- ۱۵۰۳ . عنه علیه السلام: أَخْسَرُ النَّاسِ مَنْ رَضِيَ الدُّنْيَا عَوَضًا عَنِ الْآخِرَةِ.^۶
- ۱۵۰۴ . عنه علیه السلام: مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ خَسِرَهُمَا.^۷
- ۱۵۰۵ . الإمام الصادق علیه السلام: «وَلَيْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ» بِالْعَذَابِ، إِذْ بَاعُوا الْآخِرَةَ بِالدُّنْيَا وَرَهَنُوا بِالْعَذَابِ الدَّائِمِ أَنْفُسَهُمْ «لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»^۸ أَنَّهُمْ قَدْ بَاعُوا أَنْفُسَهُمْ بِالْعَذَابِ وَلَكِنْ لَا يَعْلَمُونَ ذَلِكَ لِكُفْرِهِمْ بِهِ، فَلَمَّا تَرَكُوا النَّظَرَ فِي حُجَجِ اللَّهِ حَتَّى يَعْلَمُوا، عَذَّبَهُمْ عَلَى اعْتِقَادِهِمُ الْبَاطِلَ وَجَحْدِهِمُ الْحَقَّ.^۹
- ۱۵۰۶ . عنه علیه السلام - فِي زِيَارَةِ إِمَامِ الْحُسَيْنِ علیه السلام يَوْمَ الْأَرْبَعِينَ -: اللَّهُمَّ، إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ ... بَدَلْ

۱. غرر الحكم: ح ۲۴۱۱، عیون الحكم والمواعظ: ص ۸۵ ح ۲۰۵۲.

۲. نهج البلاغة: الكتاب ۳۱، تحف العقول: ص ۶۹، كشف المحجّة: ص ۲۲۲ عن عمر بن أبي المقدام عن الإمام الباقر عنه علیه السلام، بحار الأنوار: ج ۷۷ ص ۲۱۷ ح ۲.

۳. نهج البلاغة: الخطبة ۳۲، غرر الحكم: ح ۷۳۵۵ وفيه «ليس» بدل «لینس»، عیون الحكم والمواعظ: ص ۴۰۴ ح ۶۸۴۵.

۴. غرر الحكم: ح ۸۵۰۸، عیون الحكم والمواعظ: ص ۴۴۹ ح ۷۹۸۷.

۵. غرر الحكم: ح ۸۵۰۹، عیون الحكم والمواعظ: ص ۴۴۹ ح ۷۹۸۸.

۶. غرر الحكم: ح ۳۰۷۷، عیون الحكم والمواعظ: ص ۱۲۰ ح ۲۷۳۰.

۷. غرر الحكم: ح ۸۲۳۷، مطالب السؤل: ص ۴۸.

۸. البقرة: ۱۰۲.

۹. عیون أخبار الرضا: ج ۱ ص ۲۶۹ ح ۱ عن محمد بن زیاد ومحمد بن سیار عن الإمام العسكري عن آبائه علیهم السلام، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري علیه السلام: ص ۴۷۵ ح ۳۰۴، بحار الأنوار: ج ۵۹ ص ۳۲۱ ح ۳.

۱۴۹۸. امام علی علیه السلام: نیرویت را صرف معادت کن تا جایگاه [ابدی] خود را آباد کنی، و آخرت را به دنیایت بفروشی.

۱۴۹۹. امام علی علیه السلام: اقامتگاه [ابدی] خویش را آباد کن و آخرت را به دنیایت بفروشی.

۱۵۰۰. امام علی علیه السلام: بد تجارتی است این که دنیا را بهای جانت و عوضی که نزد خدا داری، بدانی!

۱۵۰۱. امام علی علیه السلام: کیست مغبون تر از کسی که بقا [و آخرت جاویدان] را به فنا [و دنیای گذرا] بفروشد؟

۱۵۰۲. امام علی علیه السلام: کیست زیان دیده تر از کسی که آخرت را با دنیا عوض کرد؟!

۱۵۰۳. امام علی علیه السلام: زیانکارترین مردم، کسی است که به جای آخرت، به دنیارضايت داد.

۱۵۰۴. امام علی علیه السلام: کسی که آخرتش را به دنیایش بفروشد، هر دو را باخته است.

۱۵۰۵. امام صادق علیه السلام: «چه بد است آنچه جان‌هایشان را به آن فروختند»، یعنی به عذاب؛ زیرا که آخرت را به دنیا فروختند و جان‌هایشان را به گرو عذاب همیشگی دادند. (ای کاش می‌دانستند) که جان‌هایشان را به عذاب فروخته‌اند؛ اما به دلیل کافر بودنشان به آن (عذاب)، این را [که جان خود را به بد چیزی فروخته‌اند،] نمی‌دانند.

پس، چون اندیشیدن در حجت‌های خدا را فرو نهادند تا [در نتیجه این اندیشه و تأمل، این حقیقت را] بدانند، خداوند آنان را به سبب اعتقاد باطلشان و انکار حق، عذاب کرد.

۱۵۰۶. امام صادق علیه السلام: در زیارت امام حسین علیه السلام در روز اربعین: - بارخدا یا! من گواهی می‌دهم که آن بزرگوار... خون خود را در راه تو نثار کرد تا بندگان را از

مُهَجَّتُهُ فِيكَ لَيْسَتْ نَقْدَ عِبَادِكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ، وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَن
غَرَّتُهُ الدُّنْيَا وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأَرْذَلِ الْأَدْنَى.^١

١٥٠٧. عنه عليه السلام - في زيارة الإمام الحسين عليه السلام -: فَأَعْذَرَ فِي الدُّعَاءِ، وَبَذَلَ مُهَجَّتَهُ
فِيكَ... حَتَّى نَارَ عَلَيْهِ مِنْ خَلْقِكَ مَن غَرَّتَهُ الدُّنْيَا، وَبَاعَ الْآخِرَةَ بِالثَّمَنِ
الْأَوْكَسِ^٢.

١٥٠٨. الإمام الكاظم عليه السلام: مَن رَضِيَ مِنَ اللَّهِ بِالدُّنْيَا فَقَدْ رَضِيَ بِالْخَسِيسِ.^٣

١٥٠٩. الكافي عن علي بن عيسى رفعه: إِنَّ مُوسَى عليه السلام نَاجَاهُ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - فَقَالَ لَهُ فِي
مُنَاجَاتِهِ: ... يَا مُوسَى، الدُّنْيَا نُطْفَةٌ^٤ لَيْسَتْ بِثَوَابٍ لِلْمُؤْمِنِ وَلَا نَقْمَةٍ مِنْ فَاجِرٍ؛
فَالْوَيْلُ الطَّوِيلُ لِمَنْ بَاعَ ثَوَابَ مَعَادِهِ بِلَعْقَةٍ لَمْ تَبْقَ، وَبِلَعْسَةٍ^٥ لَمْ تَدُمَ.^٦

راجع: ج ١ ص ٢٢٤ (حقيقة الدنيا الذميمة / إشار الدنیا علی الآخرة)
و ٢٢٤ (مضار حب الدنيا / خسران الدنيا والآخرة).

مرکز تحقیقات کتب و نشر علوم اسلامی

١. تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ١١٣ ح ٢٠١، مصباح المتعجل: ص ٧٨٨ ح ٨٥٧ كلاهما عن صفوان بن مهران.
بحار الأنوار: ج ١٠١ ص ٣٣١ ح ٢.

٢. الثمن الأوكس: الأنقص (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٩٦٩ «وكس»).

٣. كامل الزيارات: ص ٤٠١ ح ٦٣٩ عن أبي حمزة الثمالي، تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ٥٩ ح ١٣١، المزار الكبير:
ص ٣٧٦ كلاهما من دون إسناد إلى المعصوم نحوه، بحار الأنوار: ج ١٠١ ص ١٧٧ ح ٣٠.

٤. تحف العقول: ص ٣٩١، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٣٠٦ ح ١.

٥. الدنيا نُطْفَةٌ: أي ماء قليل مكدر. قال في القاموس: النُطْفَةُ - بالضم - الماء الصافي قَلَّ أو كثر، أو قليل ماء يبقى
في دلو أو قربة. أي الدنيا شيء قليل لا يصلح نعمتها - لحقارتها - أن تكون ثواباً للمؤمن، ولا بلاؤها وشذتها
- لقلتها - أن تكون عذاباً وانتقاماً من فاجر (مرآة العقول: ج ٢٥ ص ١٠٣).

٦. اللُّغْسُ - بالفتح -: العَضُّ، والمراد هنا ما يقطعه بأسنانه من شيء مأكول مرة واحدة (مرآة العقول: ج ٢٥
ص ١٠٣).

٧. الكافي: ج ٨ ص ٤٢-٤٧ ح ٨، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٢٧ ح ٧.

جهالت و سرگشتگی گمراهی برهاند، در حالی که آنان که دنیا فریشان داد و بهره خود [از آخرت] را به [دنیای] پست فروختند، علیه او همیار شدند.

۱۵۰۷. امام صادق علیه السلام - در زیارت امام حسین علیه السلام :- پس، با دعوت [مردم به حق]، حجت را تمام کرد و خون و جان خود را در راه تو بخشید... تا آن که کسانی از خلق تو که دنیا فریشان داد و آخرت را به کمترین بها فروختند، بر او شوریدند.

۱۵۰۸. امام کاظم علیه السلام : کسی که از خداوند به دنیا رضایت دهد، به پست، رضایت داده است.

۱۵۰۹. الکافی - به نقل از علی بن عیسی، از معصوم علیه السلام :- خداوند متعال با موسی نجوا کرد و در نجوایش با او گفت : «... ای موسی ! دنیا، اندک آبی تیره است ؛ نه پاداشی [در خور] برای مؤمن و نه کیفری [مناسب] برای بی ایمان است. پس، وای و صد وای بر کسی که پاداش معادش را به لیسیدنی ناماندگار و گاز زدنی ناپایدار فروخت!

ر.ک: ج ۱ ص ۲۲۵ (حقیقت دنیای نکوهیده / ترجیح دنیا بر آخرت) و ۲۴۵ (زیان های دنیا دوستی / باختن در دنیا و آخرت).

٤/٥

ذَمُّ مَنْ بَايَعَ الْآخِرَةَ بِدُنْيَا غَيْرِهِ

١٥١٠. رسول الله ﷺ: شَرُّ النَّاسِ مَنْ بَايَعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ، وَشَرُّ مَنْ ذَلِكَ مَنْ بَايَعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ.^١

١٥١١. عنه ﷺ: إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ نِدَامَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ، رَجُلٌ بَايَعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ.^٢

١٥١٢. عنه ﷺ: شَرُّ النَّاسِ مَنْ تَأَذَّى بِهِ النَّاسُ، وَشَرُّ مَنْ ذَلِكَ مَنْ أَكْرَمَهُ النَّاسُ اتِّقَاءَ شَرِّهِ، وَشَرُّ مَنْ ذَلِكَ مَنْ بَايَعَ دِينَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ.^٣

١٥١٣. الإمام علي عليه السلام: قِوَامُ الدُّنْيَا بِأَرْبَعَةٍ: بِعَالِمٍ مُسْتَعْمِلٍ لِعِلْمِهِ، وَبَغْنِيِّ بَاذِلٍ لِمَعْرُوفِهِ، وَبِجَاهِلٍ لَا يَتَكَبَّرُ أَنْ يَتَعَلَّمَ، وَبِفَقِيرٍ لَا يَبِيعُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ.

وَإِذَا عَطَّلَ الْعَالِمُ عِلْمَهُ، وَأَمْسَكَ الْغَنِيُّ مَعْرُوفَهُ، وَتَكَبَّرَ الْجَاهِلُ أَنْ يَتَعَلَّمَ، وَبَايَعَ الْفَقِيرُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ فَعَلَيْهِمُ الثُّبُورُ.^٤

١. كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٢٥٣ ح ٥٧٦٢ عن حماد بن عمرو وأنس بن محمد عن أبيه جميعاً عن الإمام الصادق عن آبائه عليه السلام، مكارم الأخلاق: ج ٢ ص ٣١٩ ح ٢٦٥٦ عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار: ج ٧٧ ص ٤٦ ح ٣.

٢. التاريخ الكبير: ج ٦ ص ١٢٨ عن أبي هريرة، كنز العمال: ج ٣ ص ٥١٠ ح ٧٦٦٠.

٣. الاختصاص: ص ٢٤٣، بحار الأنوار: ج ٧٥ ص ٢٨١ ح ٧ وراجع كتاب من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٢٥٣ ح ٥٧٦٢ ومستطرفات السرائر: ص ١١١ ح ١.

٤. الثُّبُور: الهلاك (النهاية: ج ١ ص ٢٠٦ «ثبر»).

٥. تحف العقول: ص ٢٢٢، بحار الأنوار: ج ٧٨ ص ٦٢ ح ١٤٣.

۴/۵

کنویش آن که آخرتش را به دنیای دیگران بفروشد

۱۵۱۰. پیامبر خدا ﷺ: بدترین مردم، کسی است که آخرتش را به دنیایش بفروشد، و بدتر از او، کسی است که آخرت خویش را برای دنیای دیگری بفروشد.

۱۵۱۱. پیامبر خدا ﷺ: پرندامت‌ترین مردم در روز قیامت، مردی است که آخرتش را برای دنیای دیگری بفروشد.

۱۵۱۲. پیامبر خدا ﷺ: بدترین مردم، کسی است که مردم از او آزار ببینند، و از او بدتر، کسی است که مردم از بیم گزندش، به او احترام بنهند، و از او بدتر، کسی است که دینش را برای دنیای دیگری بفروشد.

۱۵۱۳. امام علی علیه السلام: استواری دنیا، به چهار چیز است: عالمی که علمش را به کار می‌گیرد، توانگری که نیکی (بخشش) می‌کند، نادانی که از آموختن تکبر نمی‌ورزد، و ناداری که آخرتش را برای دنیای دیگری نمی‌فروشد.

هر گاه عالم، علمش را به کار نبندد و توانگر، از نیکی (بخشش) دریغ کند و نادان از آموختن تکبر ورزد و نادار، آخرتش را برای دنیای دیگری بفروشد، نابودی گریبانگیرشان می‌شود.

۱۵۱۴. عنه عليه السلام - لَمَّا قِيلَ لَهُ: أَيُّ الْخَلْقِ أَشْقَى؟ - مَنْ بَاعَ دِينَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ.^۱

۱۵۱۵. عنه عليه السلام: يَبْسُ الرَّجُلُ مَنْ بَاعَ دِينَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ.^۲

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْآخِسِينَ أَعْمَالُ الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيهِمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ
أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صِنْعًا.



مرکز تحقیقات و پژوهش در علوم اسلامی

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۴ ص ۳۸۳ ح ۵۸۲۳. معانی الأخبار: ص ۱۹۸ ح ۴. الأمالی للصدوق: ص ۴۷۸ ح ۶۴۴. الأمالی للطوسی: ص ۴۲۵ ح ۹۷۴ کلها عن عبد الله بن بکر [بکران] المرادی عن الإمام الکاظم عن آبائه عليهم السلام، تنبيه الخواطر: ج ۲ ص ۱۷۴ عن الإمام زين العابدين عنه عليه السلام وفيه «آخرته» بدل «دينه»، بحار الأنوار: ج ۷۵ ص ۳۰۱ ح ۱.

۲. غرر الحکم: ح ۴۴۰۳، عیون الحکم والمواعظ: ص ۱۹۳ ح ۳۹۶۹.

۱۵۱۴. امام علی علیه السلام - در پاسخ این پرسش که: شقاوتمندترین مردم کیست؟ - کسی که دینش را برای دنیای دیگری بفروشد.

۱۵۱۵. امام علی علیه السلام : بد مردی است کسی که دینش را برای دنیای دیگری می فروشد!

پروردگارا! به ما در دنیا نیکی عطا کن؛ و در آخرت نیز نیکی مرحمت فرما؛ و ما را از عذاب آتش، نگاه دار.
پروردگارا! ما را از زیانکارترین مردم، قرار مده؛ آنها تلاش هایشان در زندگی دنیا گم شده است و با این حال، می پندارند که کار نیک انجام می دهند.



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

فهرست



۱. فهرست آیات ۳۹۹
۲. فهرست اشخاص ۴۱۲
۳. فهرست گروه‌ها ۴۱۷
۴. فهرست مکان‌ها ۴۱۸
۵. فهرست منابع و مآخذ ۴۱۹
۶. فهرست تفصیلی ۴۲۸



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

(۱) فهرست آیات

آیه شماره آیه شماره صفحه



سورة بقره

۲۴۹/۲	۸	«مِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللّٰهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ»
۹۶/۱	۳۶	«وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ»
۲۸۴/۲: ۴۵۲/۱	۸۶	«أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يَخَفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ»
۲۸۸/۲	۱۰۲	«وَلَيْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»
۹۶/۱	۱۳۰	«وَمَن يَرْغَبْ عَن مِّلَّةِ إِبْرٰهِيْمَ إِلَّا مَن سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدِ...»
۳۱۴/۲: ۱۰۶/۱	۱۹۷	«وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوٰى وَاتَّقُوا يٰٓأُولٰٓئِكَ»
۱۶۴، ۲۰/۱	۲۰۱	«وَمِنْهُمْ مَّن يَقُولُ رَبَّنَا ءَاتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ...»
۳۶۲/۲	۲۰۷	«وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ...»
۳۷۲/۲	۲۴۵	«مَن ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللّٰهَ قَرْضًا... كَثِيرَةً»
۳۷۲/۲	۲۶۱	«مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ... لِمَن يَشَاءُ»
۱۸۴/۱	۲۶۹	«يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَن يَشَاءُ وَمَن يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ...»

سورة آل عمران

۲۶۴/۱	۱۴	﴿رُئِيَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ...﴾
۳۴۴/۱	۱۴۱	﴿وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ﴾
۹۴/۱	۱۴۸	﴿فَاتَّسَلَهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ...﴾
۲۶۲/۱	۱۸۰	﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا ءَاتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...﴾
۲۶۴/۱	۱۸۵	﴿وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ﴾

سورة نساء

۳۶۲/۲	۷۴	﴿فَلْيَقْتُلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْكُرُونَ... عَظِيمًا﴾
۲۵۵/۲: ۹۴/۱	۱۳۴	﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا...﴾
 سورة مائدة		
۱۳۲، ۱۲۶/۱	۸۷	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَحْرِمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ﴾
۱۳۴/۱	۸۹	﴿لَا يُوَاجِدُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُوَاجِدُكُمْ بِمَا عَقَدْتُمْ...﴾

سورة انعام

۲۷۲/۱	۳۲	﴿وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ﴾
۱۳۸/۲	۱۲۵	﴿فَمَنْ يَرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ﴾
۱۵۰/۱	۱۴۱	﴿إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾
۳۷۲/۲	۱۶۰	﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ... مِثْلَهَا﴾

سورة اعراف

۳۸۲/۱	۱۹	﴿فَكُلًّا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنْ...﴾
۶۴/۲: ۱۲۶، ۱۰۰/۱	۳۲	﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنْ...﴾

۱۲۶/۱	۳۳	﴿قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمَ...﴾
۲۳۸/۲	۵۰	﴿وَنَادَىٰ أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا...﴾
۲۳۸/۲	۵۱	﴿الَّذِينَ اتَّخَذُوا بَيْنَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَغَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا...﴾
۲۷۸/۱	۱۴۵	﴿سَأُرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ﴾
۲۷۸/۱	۱۴۶	﴿سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ...﴾
۱۶۴/۱	۱۵۶	﴿وَأَكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُنَا مُنْكَ﴾
۲۰/۱	۱۶۹	﴿فَخَلَفَ مِنْ أَغْيَابِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ...﴾

سورة انفال

۲۷۶/۲	۳۳	﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾
-------	----	--



سورة توبه

۴۳۸/۱	۳۸	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنَا قُلْتُمْ...﴾
۳۶۲/۲	۱۱۱	﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ﴾
۱۵۸/۲	۱۱۹	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾

سورة يونس

۲۳۰/۱	۷	﴿إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا...﴾
۲۳۲/۱	۸	﴿أُولَٰئِكَ مَأْوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾
۵۸/۱	۲۴	﴿إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أُنْزِلَتْ مِنَ السَّمَاءِ فَخَلَّتْ بِهِ﴾
۱۰۲، ۱۰۰، ۹۴/۱	۲۶	﴿لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ﴾
۲۰۸/۲	۳۰	﴿هُنَالِكَ تَبْلُو كُلُّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ وَرُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ...﴾
۹۴/۱	۶۳	﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ﴾

۹۴، ۱۸/۱ ۶۴ ﴿لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ﴾

سورة هود

۱۹۰/۱ ۳ ﴿وَأَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ ...﴾

۲۲/۱ ۷ ﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ...﴾

۳۵۸/۲، ۴۵۲، ۲۲۶/۱ ۱۵ ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوفِ إِلَيْهِمْ أَعْمَلَهُمْ فِيهَا﴾

۳۵۸، ۴۵۴/۲ ۱۶ ﴿أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ﴾

۱۹۰/۱ ۵۲ ﴿وَيَقُومُوا اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ ...﴾

۱۰۰/۱ ۱۱۴ ﴿إِنِ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السُّيَّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَىٰ لِلذَّكِّرِينَ﴾



سورة يوسف

۴۰، ۲۶/۲ ۲۰ ﴿وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ﴾

۱۵۸/۱ ۵۵ ﴿قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ﴾

۹۴/۱ ۵۶ ﴿وَكَذَٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ ...﴾

۱۶۰/۱ ۷۶ ﴿وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ﴾

۲۴۹/۲ ۱۰۹ ﴿وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ﴾

سورة رعد

۳۴/۱ ۲۶ ﴿وَفَرَحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ﴾

سورة ابراهيم

۴۲۸/۱ ۲ ﴿وَوَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ﴾

﴿الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ...﴾ ۳ ۴۲۸/۱

سورة حجر

﴿لَا تَعْمَدُنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعَنَا بِهِ زُجْجًا مِّنْهُم وَلَا تَحْزَنَ عَلَيْهِمْ﴾ ۸۸ ۷۰/۲

سورة نحل

﴿وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرٌ الَّذِينَ أَحْسَنُوا...﴾ ۳۰ ۹۸/۱

﴿وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا...﴾ ۴۱ ۹۴/۱

﴿مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ﴾ ۹۶ ۳۷۶/۲

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أَنَّىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ...﴾ ۹۷ ۹۴/۱

﴿مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ...﴾ ۱۰۶ ۴۲۸/۱

﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ...﴾ ۱۰۷ ۴۲۸/۱

سورة اسراء

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ﴾ ۱۸ ۲۰، ۱۵/۱

﴿وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ...﴾ ۱۹ ۲۸۲/۲

﴿أَنْظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ وَلِلْآخِرَةِ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ...﴾ ۲۱ ۲۵۸/۲: ۳۷۸/۱

﴿وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ...﴾ ۲۹ ۱۵۰/۱

﴿كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا﴾ ۹۷ ۱۸۰/۱

سورة كهف

﴿إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ ۷ ۲۲/۱

﴿وَأَضْرِبْ لَهُم مَّثَلَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ...﴾ ۲۵ ۶۰/۱

۶۰/۱ ۲۵ ﴿هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا﴾

۲۳۲/۱ ۸۲ ﴿وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا﴾

سورة مريم

۸۴/۲ ۱۲ ﴿وَأَتَيْنَاهُ الْخُكْمَ صَبِيًّا﴾

سورة طه

۱۷۴/۲: ۲۲/۱ ۱۳۱ ﴿وَلَا تَمُدَّنْ عَيْنُكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ...﴾

سورة حج

۱۰۴/۱ ۲۸ ﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ﴾

۸۶/۱ ۴۷ ﴿وَلَإِنْ يَوْمًا عِندَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ﴾

مرکز تحقیقات قرآنی و حدیثی
سورة نور

۳۶۲/۲ ۳۷ ﴿رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ... وَالْأَبْصَارُ﴾

سورة فرقان

۱۵۰/۱ ۶۷ ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾

سورة شعراء

۱۰۲/۲ ۸۹ ﴿إِلَّا مَنْ أَتَىٰ اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾

سورة نمل

۴۰۰/۱ ۴ ﴿أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ﴾

۲۲۳/۱ ۸۱ ﴿وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَىٰ عَنْ ضَلَالَتِهِمْ﴾

سورة قصص

۲۱۶/۲	۲۴	﴿رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ﴾
۳۴/۱	۶۰	﴿وَمَا أُوْتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَّعُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنْتُهَا وَمَا﴾
۲۴۸/۲: ۲۰، ۱۵/۱	۷۰	﴿لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ﴾
۲۸۶/۲: ۱۶۰، ۱۰۸/۱	۷۷	﴿وَأَتَّبِعْ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا﴾
۲۹۴، ۲۹۲، ۳۶/۲: ۴۱۶/۱	۸۳	﴿بَلَّغْ الدَّارَ الْآخِرَةَ نَجَّعِلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا...﴾

سورة عنكبوت

۲۴۹/۲	۲۰	﴿ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ...﴾
۹۶/۱	۲۷	﴿وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ﴾
۱۰۰/۱	۲۷	﴿وَأَتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ﴾
۲۸۰، ۲۷۰، ۲۴۹/۲: ۲۷۲/۱	۶۴	﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ...﴾

سورة روم

۱۵/۱	۷	﴿يَعْلَمُونَ ظَهْرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَفِلُونَ﴾
------	---	--

سورة سجده

۳۳۸/۲	۱۲	﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾
۳۳۸/۲	۱۳	﴿وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدًى وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ﴾
۳۳۸/۲	۱۴	﴿فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ﴾
۲۵۸/۲	۱۷	﴿فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءُ بِمَا كَانُوا...﴾

سورة احزاب

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّتْهَا﴾ ۲۸ ۲۲۶/۱

سورة سبأ

﴿فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضَّعِيفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرُفَاتِ ؕ آمِنُونَ﴾ ۳۷ ۱۰۰/۱

سورة فاطر

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا﴾ ۵ ۲۴۰/۱

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ...﴾ ۲۹ ۳۶۲/۲

﴿يَرْجُونَ بَٰعِزَةً لَّن تَبُورَ﴾ ۲۹ ۳۷۸، ۳۷۶، ۳۶۲/۲

﴿لِيُؤْفِقَهُمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ﴾ ۳۰ ۳۷۸/۲



مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی اسلامی

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ﴾ ۲۶ ۳۴۰/۲

سورة زمر

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا﴾ ۱۰ ۱۰۰/۱

﴿أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ﴾ ۶۰ ۲۹۴/۲

سورة غافر

﴿يَنْقُومُ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتْنَعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ﴾ ۳۹ ۲۶۲/۲، ۳۴/۱

سورة شوری

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ﴾ ۲۰ ۳۴۶، ۳۴۲/۲

﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِّن مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ﴾ ۳۰ ۱۶۸/۲

سورة زخرف

۳۲۸/۱	۳۳	﴿وَلَوْلَا أَن يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَّجَعَلْنَا لِمَن يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ...﴾
۳۲۸/۱	۳۴	﴿وَلِيُبَيِّنَ لَهُم أَلْوَنَآ وَسُرْرَآ عَلَيْهَا يَتَّكُونَ﴾
۳۲۸/۱	۳۵	﴿وَزُخْرَفَآ وَإِن كُلَّ ذَٰلِكَ لَمَّا مَتَّعُ الْحَيَوةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾

سورة دخان

۱۹۴/۲	۲۹	﴿فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَآءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنظَرِينَ﴾
-------	----	---

سورة جاثية

۳۲۸/۲	۳۴	﴿وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنسِفُكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا﴾
۳۲۸/۲	۳۵	﴿ذَٰلِكُمْ بِأَنكُم أَنَاخَذْتُمْ ءَايَتِ اللَّهِ هُرُوءَآ وَعَزَّيْتُمْ الْحَيَوةِ الدُّنْيَا﴾

سورة احقاف

۳۵۸، ۳۳۲/۲ : ۴۵۴/۱	۲۰	﴿وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَمْ تَكُنْ تُبَيِّنُكُم فِي...﴾
۷۴/۱	۳۵	﴿كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّن نَّهَارٍ﴾
۲۷۲/۱	۳۶	﴿إِنَّمَا الْحَيَوةِ الدُّنْيَا لَعِبٌّ وَلَهُوَ وَإِن تَوَّابُونَ وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أَجُورَكُمْ...﴾

سورة فتح

۲۰۲/۱	۶	﴿الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنُّ السُّوءِ عَلَيْهِمْ نَابِرَةٌ السُّوءِ وَغَضِبَ اللَّهُ...﴾
-------	---	--

سورة ق

۲۵۵/۲	۲۲	﴿لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَٰذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ...﴾
-------	----	--

سورة طور

۱۹۲/۱	۱	﴿وَالطُّورِ﴾
-------	---	--------------

سورة نجم

۱۸/۲	۲۹	﴿فَاعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا﴾
۱۸/۲	۳۰	﴿ذَٰلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ﴾
۱۱۰/۱	۳۱	﴿لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسْتَوُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا...﴾

سورة رحمان

۳۶۰/۲	۴۶	﴿وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٌ﴾
-------	----	---

سورة حدید

۱۳۸/۲: ۲۷۴/۱	۲۰	﴿أَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ...﴾
۱۶۸، ۱۶۶/۲	۲۲	﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي...﴾
۱۶۸، ۱۶۶، ۶۲، ۴۰/۲	۲۳	﴿لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ﴾
۱۲۶/۱	۲۷	﴿ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَرِهِمْ بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ...﴾
۱۲۸، ۱۲۶/۱	۲۷	﴿وَرَهَبَانِيَّةً ابْتَدَعُوا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ﴾

سورة حشر

۱۴۸/۱	۹	﴿وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ...﴾
-------	---	---

سورة صف

۳۸۲/۲	۴	﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُنِينَ...﴾
۳۷۶/۲	۱۰	﴿يَنَاقِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا هَلْ أَذِلُّكُمْ عَلَىٰ بَجْرَةٍ تُنَجِّيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ﴾
۳۷۶/۲	۱۱	﴿تَوَّابُونَ بِاللَّهِ... تَعْلَمُونَ﴾

سورة ملك

۲۲/۱	۲	﴿الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ...﴾
۷۲/۱	۲	﴿لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾

سورة نوح

۱۹۰/۱	۱۰	﴿فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا﴾
۱۹۰/۱	۱۱	﴿يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا﴾
۱۹۰/۱	۱۲	﴿وَيُمِدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا﴾

سورة انسان

۱۲۸/۱	۸	﴿وَيُطْعَمُونَ الْطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾
۲۵۸/۲	۲۰	﴿وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا﴾

سورة نبا

۱۰۰/۱	۳۶	﴿جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءٌ حِسَابًا﴾
۲۷۲/۲	۳۹	﴿ذَلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَن شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ مَآبًا﴾

سورة نازعات

۲۵۸/۲ : ۴۵۲/۱	۳۷	﴿فَأَمَّا مَن طَغَىٰ﴾
۲۵۸/۲ : ۴۵۲/۱	۳۸	﴿وَهُوَ آثَرُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾
۲۵۸/۲ : ۴۵۲/۱	۳۹	﴿فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ﴾

سورة انفطار

۲۴۲/۱	۶	﴿يَأْتِيهَا الْإِنْسَنُ مَا عَزَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ﴾
-------	---	---

سورة مطلقين

۳۹۸/۱	۱۴	﴿كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ﴾
-------	----	---------------------------------------

۳۹۸/۱	۱۵	﴿كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ﴾
-------	----	---

سورة طلاق

۳۶۴/۲	۲	﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا﴾
-------	---	--

۳۶۴/۲	۳	﴿وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾
-------	---	---



۲۶۶/۲ : ۲۲۴/۱	۱۶	﴿بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا﴾
---------------	----	--

۲۶۶/۲ : ۲۲۴/۱	۱۷	﴿وَالْآخِرَةَ خَيْرَ وَأَبْقَى﴾
---------------	----	---------------------------------

سورة لیل

۳۷۸/۲	۱	﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى﴾
-------	---	-----------------------------

۳۸۰/۲	۳	﴿وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى﴾
-------	---	--------------------------------------

۳۸۰/۲	۴	﴿إِنْ سَعَيْكُمْ لَسَنِّي﴾
-------	---	----------------------------

۳۸۰/۲	۵	﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى﴾
-------	---	-----------------------------------

۳۸۰/۲	۶	﴿وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى﴾
-------	---	--------------------------

۳۸۰/۲	۷	﴿فَسَنِّيْسِرُّهُ لِيُسرِّي﴾
-------	---	------------------------------

۲۴۸/۲	۱۳	﴿وَإِنْ لَنَا لِلْآخِرَةِ وَالْأُولَى﴾
-------	----	--

سورة ضحیٰ

۲۴۸/۲	۴	﴿وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ﴾
-------	---	--

سورة زلزله

۲۹۰، ۲۵۳/۲	۷	﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾
------------	---	--

۲۹۰، ۲۵۳/۲ : ۲۶۲/۱	۸	﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾
--------------------	---	---

سورة قارعه

۱۶۸/۱	۱	﴿الْقَارِعَةُ﴾
-------	---	----------------

۱۶۸/۱	۲	﴿مَا الْقَارِعَةُ﴾
-------	---	--------------------

۱۶۸/۱	۱۱	﴿نَارُ حَامِيَةٍ﴾
-------	----	-------------------



سورة تکاثر

۲۸۰/۲	۵	﴿كَلَّا لَوْ نَعْلَمُونَ عَلَّمَ الْبَقِيَّةَ﴾
-------	---	--

۲۸۰/۲	۶	﴿لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ﴾
-------	---	--------------------------

۲۸۰/۲	۷	﴿ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْبَقِيَّةِ﴾
-------	---	--

۲۸۰/۲	۸	﴿ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾
-------	---	--

سورة عصر

۲۶۴/۱	۱	﴿وَالْعَصْرِ﴾
-------	---	---------------

۲۶۴/۱	۲	﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَقَبِ خُسْرٍ﴾
-------	---	------------------------------------

۲۶۴/۱	۳	﴿إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ...﴾
-------	---	---

سورة اخلاص

۱۹۲/۱	۱	﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾
-------	---	----------------------------

(٢)
فهرست اشخاص



عنوان	شماره صفحه
آدم ﷺ: ٣٨٢، ٩٣، ٩١، ٨٤/١	أبو أمامة: ٢٢٢/٢
إبراهيم ﷺ: ٣٢٢، ١٣٢، ١٠٠/١	أبو بريدة الأسلمي: ١٦٦/١
إبراهيم بن محمد: ٢١٠/١	أبو بكر: ١٥٢/١
ابن النابغة - عمرو بن العاص	أبو بكر بن أبي قحافة: ١٢٠/٢، ٣٠٦، ١٦٨/١
ابن أم عبد - ابن مسعود	أبو بكر بن المنكر: ٢٤٢/٢
ابن دلوود ﷺ: ٤٦/١	أبو جعفر الباقر ﷺ: ١١٦، ١٠٢، ٧٩، ٦٦/١
ابن عباس: ٣٣٨، ٣١٢، ٣٠٨، ١٣٤/١	١٢٢/٢
٢٣٦، ٢٢٨، ٢٢٦، ٢٢٢، ١٧٠/٢	أبو حمزة الثمالي: ١٧٢/١
ابن عمر: ٢٢٤، ١٧٨/٢، ٢٥٦/١	أبو ذر: ٣٩٤، ٢٨٤، ١٥٤، ١٠٨، ٨٤، ٨٠/١
ابن فارس: ٢٥/٢، ١٤/١	٢٢٨، ٢٤٢، ٢٤٠، ٢٠٢، ١٧٦، ١٠٢، ٥٠/٢
ابن مسعود: ٧٢/٢، ٢٣٦، ١٢٨، ١٢٦/١	أبو سعيد الخدري: ٢٥٤، ٢٤٢/١
٣٧٨، ٣٧٦، ٢٦٤، ٣٥٨، ١٣٨	أبو سفيان: ٦٥/٢
أبو إبراهيم = موسى بن جعفر الكاظم ﷺ	أبو عقاد: ٢٣٨/٢
أبو الحسن = علي ﷺ	أبو عبد الله = سلمان الفارسي
أبو الحسن = علي بن مهدي الطبري	أبو عبد الله = عمرو بن العاص
أبو القحاح: ٣٨٠، ٣٧٨/٢	أبو عبد الله الأزدي: ١١٨/١

أبو عبد الله = الحسين بن علي عليه السلام	٢٢٢، ٢٢٠، ١٨٤، ٥٤/٢
أبو عبد الله الصادق عليه السلام = جعفر بن محمد الصادق عليه السلام	جرب: ٢٥٢/١
أبو عبيدة الحذاء: ١٥٠/٢	جعفر بن محمد الصادق عليه السلام: ١٠٢، ٩١، ٢٨/١
أبو عبيدة بن الجراح: ٢٥٠/١	١١٦، ١٤٦، ١٦٢، ١٦٤، ١٧٦، ٢٠٠، ٢٨٨
أبو قلابه: ١٣٦/١	٣٠٠، ٣٠٦، ٤٦٠، ٢٧/٢، ٤٢، ٤٤، ٤٦، ٥٨
أبو مالك: ١٦٨/١	٢٩٤، ١٨٦، ١٦٦، ٨٨، ٨٠، ٦٨، ٦٤، ٦٢
أبو مطر: ٢٣٤/٢	جميل بن نزاج: ١٣٤/٢
أبو هريرة: ١٢٢/٢، ٢٩٦، ١٦٦/١	الجوهري: ٢٥/٢
أبو الجلد: ١٩٠/١	حبیب بن أبي سلعة: ٢٤٢/٢
إدريس عليه السلام: ١٥٦/٢، ٣٦٣/١	حزقييل: ١٥٢/٢
أروى بن سلم: ١٥٢/٢	الحسن: ٢٩٤/١
أسماء بنت عميس: ٢٣٤/٢	الحسن بن أبي رزين: ١٩٢/١
الأصبغ بن نباتة: ٣٤٨/١	الحسين بن علي عليه السلام: ١١٨، ٧٨، ٦٨، ٣٦/١
أم إبراهيم: ٢٢٦/٢	٢٥٦، ٢٣٨، ٧٨/٢، ٢٢٦، ٢٢٦
أم الدحداح: ٢٨٠/٢	الحسين بن علي عليه السلام: ٢٨٦، ١٨٦، ١٧٦/١
أمير المؤمنين عليه السلام = علي عليه السلام	٣٠٨، ٣٣٦، ٩٤/٢، ١٦٦، ٢٠٢، ٢٣٨، ٣٩٠
أنس: ١٦٤، ١٦٨، ٣٨٠، ٩٠/٢، ٩١، ١٤٢	حفص بن غياث: ٢٩٤، ٤٢/٢
٣٨٠، ٢٨٤	حمران بن أعين: ١٢٢/٢
الأوزاعي: ٧٢/١	حمزة بن عبد المطلب: ١٨٠/١
بثينة بنت عامر الجمحي: ٣١٠/١	حنظلة الأسدي: ١٢٢/٢
بلال الحبشي (بلال بن رباح): ١٢٢/١	الخصر: ٧٠، ٤٨/٢
ثعلب: ١١٨/١	الخليل الفراهيدي: ٢٢٧/٢
ثوبان: ٤٤٠، ٤٣٨/١	خولة بنت حكيم: ١٣٦/١
جابر الجعفي: ١٨٦/٢	خولة بنت قيس: ١٨٠/١
جابر بن عبد الله الأنصاري: ١٢٠، ١٢٢، ١٢٤/١	داوود: ١٥٨، ٤٦/١، ١٩٠، ٢٩٢، ٣٧٨
١٧٩، ١٦٤/٢، ١٨٢	٣٩٨، ١٥٠/٢، ١٥٢، ٢١٤، ٢١٦، ٣٦٦
الجالقي: ٢٧٨/٢	داوود بن فرقد: ١٦٦/٢
جبرئيل عليه السلام: ٢٨٤/١، ٣٢٠، ٤٣٤، ٤٣٦، ٤٣٨	نو القرنين: ١٥٨/١

الْمُسْكُونِي: ٤٤/٢	الراغب الأصفهاني: ٢٦/٢
سَكِينُ النَّخَعِي: ١٤٢/١	الرَّبِيعُ بْنُ خَيْثَم: ١٠٢/١
سَلَامُ بْنُ الْعَسْتَنِي: ١٢٢/٢	الرَّسُولُ الْأَكْرَم ﷺ - رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
سَلْمَانُ الْفَارَسِي: ١٥٤/١، ٢٧٩، ٢٢٨/٢، ٢٤٠	رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (وَانْظُرِ النَّبِيَّ ﷺ - مُحَقِّدٌ ﷺ):
سَلِيمَانُ ﷺ: ١٥٨، ٤٦/١، ٣٠٧، ٢١٤/٢	١، ٦٤، ٧٤، ١٢٦، ١٢٨، ١٣٠، ١٣٢، ١٣٤،
سَلِيمَانُ بْنُ دَاوُدَ ﷺ: ١٥٨، ٤٦/١، ٣٧٨	١٣٦، ١٣٨، ١٤٠، ١٤٢، ١٤٦، ١٥٠، ١٥٢،
٢١٤/٢	١٥٤، ١٦٤، ١٦٦، ١٦٨، ١٧٠، ١٧٦، ١٧٨،
السَّنْدِي: ١٤٨/٢	١٨٠، ١٨٨، ١٩٠، ١٩٦، ٢٠٢، ٢٤٢، ٢٥٠،
سَوِيدُ بْنُ غَفَلَةَ: ٢٣٢/٢	٢٥٢، ٢٥٤، ٢٥٦، ٢٧٠، ٢٨٠، ٢٨٦، ٢٨٨،
صَاحِبُ الزَّمَانِ ﷺ: ١٢٤/٢	٢٩٢، ٢٩٤، ٢٩٦، ٣٠٦، ٣٢٠، ٣٢٢، ٣٥٢،
صَفْوَانُ الْجَقَال: ٨٠/٢	٣٥٦، ٣٦٤، ٣٧٨، ٣٨٠، ٣٨٢، ٣٨٨، ٣٩٦،
الضَّحَّاكُ بْنُ سَفْيَانَ الْكَلَابِي: ٢٩٤/١	١٠/٢، ١٢، ٢٠، ٥٠، ٥٦، ٦٤، ٧٤، ٧٨، ٩٠،
ضَرَّارُ بْنُ ضَمْرَةَ النَّهْشَلِي: ٢٤٨، ٢٤٦/١، ٣٥٠	٩٢، ١٠٠، ١٠٦، ١١٦، ١٢٠، ١٢٢، ١٢٤،
طَلْحَةُ: ٢٧٠/١	١٣٨، ١٤٢، ١٥٤، ١٥٦، ١٥٨، ١٦٠، ١٧٠،
عَائِشَةُ: ١٣٢/١، ١٣٤، ١٣٦، ٢٧٠، ٢٢٤/٢، ٢٢٨	١٧٤، ١٧٨، ١٨٢، ١٨٤، ٢١٦، ٢١٨، ٢٢٠،
٢٣٠، ٢٢٨	٢٢٢، ٢٢٤، ٢٢٦، ٢٢٨، ٢٣٠، ٢٣٤، ٢٣٦،
عَاصِمُ بْنُ زِيَاد: ١٤٤/١	٢٣٨، ٢٤٠، ٢٥٦، ٢٦٠، ٢٨٤، ٢٩٨، ٣٠٠،
العَالِمُ = مُوسَى بْنُ جَعْفَرِ الْكَاطِمِ ﷺ	٣٦٤، ٣٧٨، ٣٨٠
عَامِرُ بْنُ وَاثِلَةَ: ١٥٨/٢	الرَّضَا ﷺ: ٢٣٨/٢
عَبَادُ بْنُ كَثِيرٍ الْبَصْرِي: ٦٨/٢	رُوحُ اللَّهِ = عِيسَى ﷺ
عَبْدُ الْحَمِيد: ٧٠/١	الرُّبَيْعُ: ٢٧٠/١، ٣٥٦
عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ سَيَابَةَ: ١٧٦/١	زَيْدُ بْنُ ثَابِت: ٣٢٠/١
العَبْدُ الصَّالِحُ = مُوسَى بْنُ جَعْفَرِ الْكَاطِمِ ﷺ	زَيْنُ الْعَابِدِينَ = عَلِيٌّ بْنُ الْحُسَيْنِ ﷺ
عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي يَعْفُور: ١٦٢/١	سَعْدُ: ٤٣٤/١، ٤٣٦، ٤٣٨،
عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَنْدَب: ١٣٠/٢	سَعْدُ بْنُ أَبِي وَقَّاص: ١٣٨/١، ١٥٦/٢، ٢٤٠،
عَبْدُ اللَّهِ بْنُ رِبْعَةَ الْمُتَمَلِّي: ٣٢٤/١	سَعِيدُ بْنُ جَبْرِ: ٣٧٦/٢
عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَلَام: ٣٩٨/١	سَفْيَانُ الثَّوْرِي: ١٤٦/١، ٦٢، ٦٤،
عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَلِيمَانَ الثَّوْفَلِي: ٣٠٦/١	سَفْيَانُ بْنُ عَيْنَةَ: ١٠٢، ٩٤/٢

عبد الله بن سنان: ١٦٦/١	عمرو بن العاص: ١/٢٣٤: ٢/٩٠، ٩٢
عبد الله بن عمرو بن العاص: ٢/٩٠، ٩٢	عمرو بن عوف الأنصاري: ١/٢٥٠
عبد الله بن القاسم: ٢/٨٨	عنبرة: ٢/٢٣٦
عبد الله بن مسعود: ١/١٢٦، ١٢٨، ٢٣٦	عيسى بن أبي حمزة: ١/٩١
٢٢٨، ١٣٨، ٧٢/٢	عيسى بن مريم (المسيح): ١/٦٢، ٦٦، ١٢٨
عبد الله النجاشي: ١/٣٠٧، ٣٠٦	١٣٢، ٢١٦، ٢٣٦، ٢٣٨، ٢٧٠، ٢٨٨، ٣٠٤
عبدة الحذاء: ٢/١٥٠	٣٠٦، ٣٥٨، ٣٧٥، ٣٨٨، ٣٩٦، ٤١٢، ٤١٨
عثمان بن حنيف: ١/٢٤٤	٤٢٠، ٤٥٠، ٤٥٦، ٤٥٨، ٨٠/٢: ١١٨، ١٧٢
عثمان بن مظعون: ١/١٣٢، ١٣٦، ١٣٨: ٢/٩٦	٢١٢، ٢١٦، ٢٧٠، ٣١٢، ٣٢٦
عروة: ١/١٣٦	فاطمة (ع): ١/٣٠٨: ٢/٢٢٤، ٢٣٤، ٢٣٦
العلاء بن الحضرمي: ١/٢٥٠	فرعون: ١/٢٣٨
العلاء بن زياد الحارثي: ١/١٤٤	قارون: ١/٣١٠
العلامة الطباطبائي: ١/٩١	قنبر: ٢/٢٣٤
العلامة المجلسي: ٢/٢٤٨	قيصر: ١/٣٢٠: ٢/٢٢٦
علي بن أبي طالب (ع): ١/٨٦، ١٢٠، ١٤٤، ٢/٢٠٤	كسرى: ١/٣٤٠: ٢/٢٢٦
٢٥٢، ٢٤٤، ٣٤٦، ٣٥٦، ٤١٢: ٢/٣٤، ٣٥	كعب الأحبار: ١/٢٤٠
٣٧، ٣٨، ٣٩، ٥٦، ٦٨، ١٦٤، ٢٠٤، ٢٢٤	كليم الله = موسى (ع)
٢٣٠، ٢٣٢، ٢٣٤، ٢٣٦، ٢٤٨، ٢٥٤، ٢٩٤	لقمان الحكيم: ١/٣٦، ٦٤، ٧٠، ٧٢، ١٦٢، ٤٠٦
٣٢٤	١٨٦، ١٧٢/٢: ٤٤٤
علي بن أسباط: ٢/٨٠، ٢٧٠	ماروت: ١/٣٥٨
علي بن الحسين (ع): ١/١٧٠: ٢/٩٣، ١٥٨	مالك بن نبتار: ١/٦٢
١٦٨، ١٧٢، ٢٧٢	مجاهد: ٢/١١٦، ١٤٠
علي بن الحسين بن رباط: ١/٢٥٢	المجلسي = محمد باقر المجلسي
علي بن عيسى: ١/٢٧٦	محمد بن إبراهيم: ١/١٧٦
علي بن مهدي الطبري: ١/١١٨	محمد بن أبي بكر: ٢/٢٧٦
علي بن مهزيار: ١/١٧٦	محمد الجعفي: ١/١٧٦
عمر بن الخطاب: ١/١٦٨: ٢/٢٢٦، ٢٤٠	محمد بن الحسين بن سفيان البزوفري: ٢/١٢٤
عمر بن عبد العزيز: ١/١١٦	محمد بن سابق بن طلحة الأنصاري: ١/٢٧٨

محمد بن عبدالله ﷺ = رسول الله ﷺ	ابراهيم ﷺ : ۱/۷۰، ۱۰۷، ۱۷۸، ۲۰۲.
محمد بن عجلان : ۲۸۸/۱	۲۷۸ : ۲/۴۴
محمد بن علي (ابن الحنفية) : ۲۰۲/۲	النبي ﷺ = رسول الله ﷺ
محمد بن علي الباقر ﷺ : ۱/۳۰۸، ۲/۶۲، ۲۰۲	نوح ﷺ : ۱/۳۶، ۵۰، ۵۲، ۱۳۲، ۲/۲۱۶
مدرك أبي زياد : ۲/۲۳۶، ۲۳۸، ۲۳۴	الوليد بن صبيح : ۲۸/۱
مرازم : ۱۹۶/۱	وهب بن منبه : ۱/۳۳۶، ۲/۸۴
المستورد بن شداد : ۱/۳۲۴، ۲/۲۶۰	هاروت : ۱/۲۵۸
المسيح = عيسى بن مريم ﷺ	هارون ﷺ : ۱/۳۳۶
المصطفى ﷺ = رسول الله ﷺ	هارون الرشيد : ۱/۲۷۸
معاذ بن جبل : ۲/۷۴، ۲۶۴	هشام بن الحكم : ۱/۲۷۹، ۲/۲۰، ۱۳۴، ۲۵۶
معاوية بن أبي سفيان : ۱/۱۱۴، ۱۱۵، ۳۴۶	هلقام بن أبي هلقام : ۱/۱۷۸
۳۴۸، ۴۰۸، ۱۷۲/۲	يحيى بن زكريا ﷺ : ۱/۳۳۲، ۳۳۶
المعلی بن خنيس : ۱/۲۸	يزيد بن سلام : ۲/۲۴۸، ۲۵۶
ملك مصر : ۱/۱۵۸	يزيد بن معاوية : ۲/۱۶۶
موسى ﷺ : ۱/۸۴، ۱۳۲، ۱۷۹، ۲۴۰، ۲۷۶	يوسف ﷺ : ۱/۱۵۸
۲۷۹، ۳۸۶ : ۲/۴۵، ۷۰، ۸۴، ۱۳۰، ۱۴۲	يونس : ۲/۱۶۶
۲۱۲، ۲۱۶، ۲۱۷، ۳۰۰، ۳۹۰	يونس بن عمار : ۱/۱۷۴
موسى بن جعفر الكاظم - أبو الحسن - أبو	

(٣)
فهرست کروه ها

عنوان	شماره صفحه
آل محمّد ﷺ :	١٥٨/٢ : ٢٥٠ ، ١٩٦ ، ١٧٦/١
٢٨٤ ، ٢٢٠	التابعون : ٣٠٨/١
الأنفة ﷻ - الأنفة المعصومون - أنفة أهل البيت ﷻ	الجبايرة : ١٢٨ ، ٩٨/١
٢٧٤/٢	الجن : ٢٦/١
أنفة الإسلام :	١٦٧/٢
أصحاب رسول الله ﷺ :	١٢٣/١ ، ١٣٤ ، ١٤٠ ، ١٦/٢
٣٢٦ ، ١٢٢/٢ : ١٤٨	الروهبان : ١٢٦/١ ، ١٢٧ ، ١٣٠ ، ١٣٤
أصحاب محمّد ﷺ - أصحاب رسول الله ﷺ	الصحابه : ١٣٨/١ ، ٢٢٦/٢
أصحاب النبي ﷺ - أصحاب رسول الله ﷺ	عباد بني إسرائيل : ٢٦/١
الأنبياء ﷺ :	٢٠٤ ، ٢١٢/٢ : ٣٨٤ ، ٧١ ، ٥٠/١
الإنس :	٢٦/١
الأنصار :	٩٠/٢ : ٤٣٠ ، ٢٥٢ ، ١٦٨ ، ١٤٠/١
٣٧٨ ، ٢٨٤	قریش : ٣١٠/١
أهل الإسلام :	١٦٥/١
أهل الصفّة :	٢٣٤/١
أهل البحرين :	٢٥٠/١
أهل البيت ﷻ - الأنفة ﷻ	٣٠٠ ، ٢٧٠ ، ٢٦٨
أهل الشام :	٢٤٠/٢ : ٤٤٠/١
أهل مصر :	٩٨/١
بنو إسرائيل :	١٧٢/٢ : ٣٣٦ ، ١٢٦ ، ٤٦ ، ٢١/١
بنو عبد المطلب :	١٨٠ ، ١٤٠ ، ٩٦/١
المشركون :	١٥٦/١
الملاحكة :	٣٩٠/١ : ٧٢/٢ ، ١٢٠ ، ١٢٢ ، ١٢٤
الملوك :	١٢٨/١ : ٤٤٨ ، ٣١٤
المنافقون :	٢٥٢/١ ، ٢٦٠ ، ٢٦٠
المهاجرون :	٢٨٤/٢ : ٤٣٠/١

(٤)
فهرست مکان ها

عنوان	شماره صفحه
الأمواز: ٣٠٨،٣٠٦/١	فدك: ٣٠٨/١
البحرين: ٢٥٠/١	كربلاء: ٢٠٢/٢
البصرة: ١٢٠/١، ١٤٤، ٢٧٠، ٣٢٨، ٣٤٤	الكعبة: ١٠٢/٣
٣٥٦	الكوفة: ٣٠٨، ٢٨٨/١
الحجر الأسود: ١٦٦/١	كومليس: ٧٢/١
الخورنق: ٢٣٦/٢	المدينة: ٢٨٤، ٢٣٦/٢، ٢٩٦/١
ذي قار: ٣٣٨/١	المسجد الحرام: ٦٢/٢
الزُبدة: ٣٣٨/١	مسجد رسول الله ﷺ: ٧٨/٢
الرُكن اليماني: ١٦٦، ١٠٤/١	مصر: ٢٧٦/٢
سوق الكرابيس: ٢٣٤/٢	مكة: ٢٢٢/٢
الشّام: ٢٩٦/١، ١٦/٢، ٥٨، ٢٤٢	الموصل: ٧٢/١
الطّف: ٣٠٨/١	اليمن: ٧٤/٢، ٥٨/١
طور سيناء: ١٣٠/٢	

(٥)

فهرست منابع و مآخذ

- ١ . الاختصاص ، المنسوب إلى محمد بن محمد بن النعمان العكبرى البغدادي (الشيخ المفيد) (م ٤١٣ ق) ، تحقيق : علي أكبر الغفاري ، قم : مؤسسة النشر الإسلامي ، ١٤١٤ ق ، چهارم .
- ٢ . الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد ، محمد بن محمد بن النعمان العكبرى البغدادي (الشيخ المفيد) (م ٤١٣ ق) ، تحقيق : مؤسسة آل البيت ع ، قم ، مؤسسة آل البيت ع ، ١٤١٣ ق ، أول .
- ٣ . أعلام الدين في صفات المؤمنين ، الحسن بن محمد الديلمي (م ٧١١ ق) ، تحقيق : مؤسسة آل البيت ع ، قم : مؤسسة آل البيت ع .
- ٤ . إلام الوري بأعلام الهدى ، الفضل بن الحسن الطبرسي (م ٥٤٨ ق) ، تحقيق : مؤسسة آل البيت ع ، قم : مؤسسة آل البيت ع ، ١٤١٧ ق ، أول .
- ٥ . الإقبال بالأعمال الحسنة في ما يعمل مرة في السنة : علي بن موسى الحلّي (السيد ابن طاووس) (م ٦٦٤ ق) ، تحقيق : جواد القيومي ، قم : مكتب الإعلام الإسلامي ، ١٤١٤ ق ، أول .
- ٦ . الأمالي (الأمالي الخميسية) ، يحيى بن الحسين الشجري (م ٤٩٩ ق) ، بيروت : عالم الكتب ، ١٤٠٣ ق ، سوم .
- ٧ . الأمالي ، محمد بن الحسن الطوسي (م ٤٦٠ ق) ، تحقيق : مؤسسة البعثة ، قم : دار الثقافة ، ١٤١٤ ق ، أول .

٨ . الأمالی، محمد بن محمد بن النعمان العکبری البغدادی (الشيخ المفيد) (م ٤١٣ ق)، تحقيق: حسين أستاذ ولي وعلى أكبر الغفاري، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ١٤٠٤ ق، دوم.

٩ . بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، محمد باقر بن محمد تقی المجلسی (العلامة المجلسی) (م ١١١١ ق)، بيروت: مؤسسة الوفاء، ١٤٠٣ ق، دوم.

١٠ . البلد الأمين والدرع الحصين، إبراهيم بن زين الدين الكفعمي (م ٩٠٥ ق).

١١ . تاج العروس من جواهر القاموس، السيد محمد بن محمد الحسيني الزبيدي (م ١٢٠٥ ق)، تحقيق: علي شيري، بيروت: دار الفكر، ١٤١٤ ق، أول.

○ . تاريخ الأمم والملوك = تاريخ الطبري.

١٢ . تاريخ دمشق (ترجمة الإمام علي عليه السلام)، علي بن الحسن بن هبة الله (ابن عساكر الدمشقي)، تحقيق: محمد باقر محمودي.

○ . تاريخ مدينة دمشق = تاريخ دمشق.

١٣ . تاريخ الطبري (تاريخ الأمم والملوك)، محمد بن جرير الطبري (م ٣١٠ ق)، تحقيق: محمد أبو الفضل إبراهيم، مصر: دار المعارف.

١٤ . التاريخ الكبير، محمد بن إسماعيل البخاري (م ٢٥٦ ق)، بيروت: دار الفكر.

١٥ . التحصين، علي بن موسى الحلبي (السيد ابن طاووس) (م ٦٦٤ ق)، قم: مؤسسة دار الكتاب، ١٤١٣ ق.

١٦ . تحف العقول عن آل الرسول عليه السلام، الحسن بن علي الحراني (ابن شعبة) (م ٣٨١ ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ١٤٠٤ ق، دوم.

١٧ . تفسير ابن كثير (تفسير القرآن العظيم)، إسماعيل بن عمر البصري الدمشقي (م ٧٧٤ ق)، تحقيق: عبد العزيز غنيم ومحمد أحمد عاشور ومحمد إبراهيم البنا، قاهره: دار الشعب.

١٨ . تفسير القمي، علي بن إبراهيم القمي (م ٣٠٧ ق)، به كوشش: السيد الطيب الموسوي الجزائري، مطبعة النجف الأشرف.

١٩ . جامع البيان عن تأويل آي القرآن (تفسير الطبري)، محمد بن جرير الطبري (م ٣١٠ ق)، بيروت: دار الفكر، ١٤٠٨ ق، أول.

۲۰. التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام، تحقيق: مدرسة الإمام المهدي (عج)، قم: مدرسة الإمام المهدي (عج)، ۱۴۰۹ ق، أول.
۲۱. تنبيه الخواطر ونزهة النواظر (مجموعة ورام)، ورام بن أبي فراس الحمدان (م ۶۰۵ ق)، بيروت: دار التعارف ودار صعب.
۲۲. تنبيه الغافلين، نصر بن محمد السمرقندي (م ۳۷۲ ق)، تحقيق: يوسف علي بدوي، بيروت: دار ابن كثير، ۱۴۱۳ ق، أول.
۲۳. تهذيب الأحكام في شرح المقنعة، محمد بن الحسن الطوسي (الشيخ الطوسي) (م ۴۶۰ ق)، بيروت: دار التعارف، ۱۴۰۱ ق، أول.
۲۴. تهذيب «تاريخ دمشق» الكبير، علي بن الحسن بن هبة الله الدمشقي (ابن عساكر) (م ۵۷۱ ق)، تحقيق: عبد القادر بدران، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۷ ق.
۲۵. تهذيب الكمال في أسماء الرجال، يونس بن عبد الرحمن المزني (م ۷۴۲ ق)، تحقيق: بشار عواد معروف، بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ ق، أول.
۲۶. ثواب الأعمال وعقاب الأعمال، محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، تهران: مكتبة الصدوق.
۲۷. جامع الأخبار أو معارج اليقين في أصول الدين، محمد بن محمد الشعيري السبزواري (ق ۷ ق)، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ۱۴۱۴ ق، أول.
۲۸. الجعفریات (الأشعثات)، محمد بن محمد بن الأشعث الكوفي (ق ۴ ق)، تهران: مكتبة نينوى (طبع شده در ضمن: قرب الإسناد).
۲۹. حلية الأولياء وطبقات الأصفياء، أحمد بن عبد الله الإصبهاني (أبو نعيم) (م ۴۳۰ ق)، بيروت: دار الكتاب العربي، ۱۳۸۷ ق، دوم.
۳۰. خصائص الأئمة عليهم السلام (خصائص أمير المؤمنين عليه السلام)، محمد بن الحسين الموسوي (الشریف الرضي) (م ۴۰۶ ق)، تحقيق: محمد هادي الأميني، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية التابع للحضرة الرضوية المقدسة، ۱۴۰۶ ق.
۳۱. الخصال، محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق)، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۴۱۴ ق، چهارم.

- ٤٢٢ دنيا و آخرت از نگاه قرآن و حديث / ج ٢
٣٢. الدرّ المثور في التفسير المأثور، عبد الرحمان بن أبي بكر السيوطي (م ٩١١ ق)، بيروت: دار الفكر، ١٤١٤ ق، أول.
٣٣. ربيع الأبرار ونصوص الأخبار، محمود بن عمر الزمخشري (م ٥٣٨ ق)، تحقيق: سليم النعيمي، قم: منشورات الشريف الرضي، ١٤١٠ ق، أول.
٣٤. روضة الواعظين، محمد بن الحسن الفتال النيسابوري (م ٥٠٨ ق)، تحقيق: حسين الأعلمي، بيروت: مؤسسة الأعلمي، ١٤٠٦ ق، أول.
٣٥. زاد المسير في علم التفسير، عبد الرحمان بن علي القرشي البغدادي (ابن الجوزي) (م ٥٩٧ ق)، تحقيق: محمد عبد الله، بيروت: دار الفكر، ١٤٠٧ ق، أول.
٣٦. الزهد، أحمد بن محمد الشيباني (ابن حنبل) (م ٢٤١ ق)، بيروت: دار الكتب العلمية.
٣٧. الزهد، أبو عبد الرحمان بن عبد الله الحنظلي المروزي (م ١٨١ ق)، تحقيق: حبيب الرحمان الأعظمي، بيروت: دار الكتب العلمية.
٣٨. الزهد، حسين بن سعيد الكوفي الأهوازي (ق ٣ ق)، قم: المطبعة العلمية.
٣٩. سعد السعود، علي بن موسى الحلبي (ابن طاووس) (م ٦٦٤ ق)، قم: مكتبة الشريف الرضي، ١٣٦٣ ش، أول.
٤٠. سنن الترمذي (الجامع الصحيح)، محمد بن عيسى الترمذي (م ٢٩٧ ق)، تحقيق: أحمد محمد شاكر، بيروت: دار إحياء التراث.
٤١. سنن الدارمي، عبد الله بن عبد الرحمان الدارمي (م ٢٥٥ ق)، تحقيق: مصطفى ديب البغا، بيروت: دار القلم، ١٤١٢ ق، أول.
٤٢. السنن الكبرى، أحمد بن الحسين البيهقي (م ٤٥٨ ق)، تحقيق: محمد عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٤ ق، أول.
٤٣. السنن الكبرى، أحمد بن شعيب النسائي (م ٣٠٣ ق)، تحقيق: عبد الغفار سليمان البنداري، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١١ ق، أول.
٤٤. سير أعلام النبلاء، محمد بن أحمد الذهبي (م ٧٤٨ ق)، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤١٤ ق، دهم.
٤٥. شرح نهج البلاغة، ميثم بن علي البحراني (م ٦٨٩ ق)، بيروت: دار الآثار للنشر، ١٤٠٢ ق.

۴۶. شعب الإيمان، أحمد بن الحسين البيهقي (م ۴۵۸ ق)، تحقيق: محمد السعيد بسيوني زغلول، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۰ ق، أول.
۴۷. الصحاح ناج اللغة وصحاح العربية، إسماعيل بن حماد الجوهري (م ۳۹۸ ق)، تحقيق: أحمد بن عبد الغفور عطار، بيروت: دار العلم للملايين، ۱۴۱۰ ق، چهارم.
۴۸. صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، علي بن بلبان الفارسي (م ۷۳۹ ق)، تحقيق: شعيب الأرناؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۴ ق، دوم.
۴۹. صحيح البخاري، محمد بن إسماعيل البخاري (م ۲۵۶ ق)، تحقيق: مصطفى ديب البغا، بيروت: دار ابن كثير، ۱۴۱۰ ق، چهارم.
۵۰. صحيح مسلم، مسلم بن الحجاج القشيري النيسابوري (م ۲۶۱ ق)، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، قاهره: دار الحديث، ۱۴۱۲ ق، أول.
۵۱. الصحيفة السجادية، المنسوب إلى الإمام علي بن الحسين عليه السلام، تصحيح: علي أنصاريان، دمشق: المستشارية الثقافية للجمهورية الإسلامية الإيرانية، ۱۴۰۵ ق.
۵۲. الطبقات الكبرى، محمد بن سعد (كاتب الواقدي) (م ۲۳۰ ق)، بيروت: دار صادر.
۵۳. عدة الداعي ونجاح الساعي، أحمد بن محمد الحلبي الأسدي (م ۸۴۱ ق)، تحقيق: أحمد الموحدى، تهران: مكتبة وجداني.
۵۴. العين، خليل بن أحمد الفراهيدي (م ۱۷۵ ق)، تحقيق: مهدي المخزومي، قم: دار الهجرة، ۱۴۰۹ ق، أول.
۵۵. عيون الحكم والمواعظ، علي بن محمد الليثي الواسطي (ق ۶ ق)، تحقيق: حسين الحسنی البيرجندی، قم: دار الحديث، ۱۳۷۶ ش، أول.
۵۶. الغارات، إبراهيم بن محمد (ابن هلال الثقفي) (م ۲۸۳ ق)، تحقيق: مير جلال الدين المحدث الأرموي، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۹۵ ق، أول.
۵۷. غرر الحكم ودرر الكلم، عبد الواحد الأمدي التميمي (م ۵۵۰ ق)، تحقيق: مير جلال الدين محدث أرموي، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۰ ش، سوم.
۵۸. فتح الباري شرح صحيح البخاري، أحمد بن علي العسقلاني (ابن حجر) (م ۸۵۲ ق)، تحقيق: عبد العزيز بن عبد الله بن باز، بيروت: دار الفكر، ۱۳۷۹ ق، أول.

٥٩. الفردوس بمأثور الخطاب، شيرويه بن شهر دار الديلمي الهمداني (م ٥٠٩ ق)، تحقيق: محمد السعيد بسيوني زغلول، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٠٦ ق، اول.
٦٠. كتاب من لا يحضره الفقيه، محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، دوم.
٦١. القاموس المحيط، محمد بن يعقوب الفيروز آبادي (م ٨١٧ ق)، بيروت: دار الفكر.
٦٢. قرب الإسناد، عبدالله بن جعفر الجفيري القمي (م بعد از ٣٠٤ ق)، تحقيق: مؤسسة آل البيت (عليه السلام)، قم: مؤسسة آل البيت (عليه السلام)، ١٤١٣ ق، اول.
٦٣. الكافي، محمد بن يعقوب الكليني الرازي (م ٣٢٩ ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، بيروت: دار صعب ودار التعارف، ١٤٠١ ق، چهارم.
٦٤. كامل الزيارات، جعفر بن محمد بن قولويه (ابن قولويه) (م ٣٦٧ ق)، تحقيق: جواد القمي، قم: نشر الفقاهة، ١٤١٧ ق، اول.
٦٥. الكامل في التاريخ، علي بن محمد الشيباني الموصلي (ابن الأثير) (م ٦٣٠ ق)، تحقيق: علي شيري، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ١٤٠٨ ق، اول.
٦٦. الكشف، محمود بن عمر الزمخشري (م ٥٣٨ ق)، بيروت: دار المعرفة.
٦٧. كشف الغمّة في معرفة الأئمة، علي بن عيسى الإربلي (م ٦٨٧ ق)، تصحيح: السيد هاشم الرسولي المحلاتي، بيروت: دار الكتاب، ١٤٠١ ق، اول.
٦٨. كشف المَحَجَّة لِشجرة المَهْجَة، علي بن موسى الحلّي (ابن طاووس) (م ٦٦٤ ق)، تحقيق: محمد الحسون، قم: مكتب الإعلام الإسلامي، ١٤١٢ ق، اول.
٦٩. كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين (عليه السلام)، الحسن بن يوسف الحلّي (العلامة) (م ٧٢٦ ق)، تحقيق: علي آل كوثر، قم: مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، ١٤١١ ق، اول.
٧٠. كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال، علي المتقي بن حسام الدين الهندي (م ٩٧٥ ق)، تصحيح: صفوة السقا، بيروت: مكتبة التراث الإسلامي، ١٣٩٧ ق، اول.
٧١. لسان العرب، محمد بن مكرم المصري الأنصاري (ابن منظور) (م ٧١١ ق)، بيروت: دار صادر، ١٤١٠ ق، اول.

٧٢. مائة كلمة للإمام أمير المؤمنين علي، عمرو بن بحر الكنانى (الجاحظ) (م ٢٥٥ ق)، تحقيق: رياض مصطفى العبدالله، دمشق: دارالحكمة، ١٤١٦ ق.
٧٣. مجمع البحرين، فخر الدين الطريحي (م ١٠٨٥ ق)، تحقيق: السيد أحمد الحسينى، تهران: مكتبة نشر الثقافة الإسلامية، ١٤٠٨ ق، دوم.
٧٤. مجمع البيان فى تفسير القرآن (تفسير مجمع البيان)، الفضل بن الحسن الطبرسى (أمين الإسلام) (م ٥٤٨ ق)، تحقيق: السيد هاشم الرسولى المحلاتى والسيد فضل الله اليزدى الطباطبائى، بيروت: دار المعرفة، ١٤٠٨ ق، دوم.
٧٥. المحاسن، أحمد بن محمد البرقى (م ٢٨٠ ق)، تحقيق: السيد مهدي الرجائى، قم: المجمع العالمى لأهل البيت (ع)، ١٤١٣ ق، أول.
٧٦. مرآة العقول فى شرح أخبار آل الرسول، محمد باقر بن محمد تقى المجلسى (العلامة المجلسى) (م ١١١١ ق)، تحقيق: السيد هاشم الرسولى المحلاتى، تهران: دار الكتب الإسلامية، ١٣٧٠ ش، سوم.
٧٧. المزار الكبير، محمد بن جعفر المشهدى (ق ٦ ق)، تحقيق: جواد القيومى الإصفهانى، قم: قىوم، ١٤١٩ ق، أول.
٧٨. المستدرک على الصحيحين، محمد بن عبد الله الحاكم النيسابورى (م ٤٠٥ ق)، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١١ ق، أول.
٧٩. المسند، أحمد بن محمد الشيبانى (ابن حنبل) (م ٢٤١ ق)، تحقيق: عبد الله محمد الدرويش، بيروت: دار الفكر، ١٤١٤ ق، دوم.
٨٠. مسند أبى داود الطيالسى (مسند الطيالسى)، سليمان بن داود البصرى (أبو داود الطيالسى) (م ٢٠٤ ق)، بيروت: دار المعرفة.
٨١. مسند الشاميين، سليمان بن أحمد الطبرانى (م ٣٦٠ ق)، تحقيق: حمدى عبد المجيد السلفى، بيروت: مؤسسة الرسالة.
٨٢. مسند الشهاب، محمد بن سلامة (القاضى القضاعى) (م ٤٥٤ ق)، بيروت: مؤسسة الرسالة.

٨٣. مشكاة الأنوار في غرر الأخبار، على بن الحسن الطبرسي (ق ٧ ق)، تحقيق: مهدي هوشمند، قم: دار الحديث، ١٤١٨ ق، أول.
٨٤. المصباح في الأدعية والصلوات والزيارات، إبراهيم بن علي العاملي الكفعمي (م ٩٠٠ ق)، قم: منشورات الشريف الرضي.
٨٥. مصباح المنتهجد، محمد بن الحسن الطوسي (الشيخ الطوسي) (م ٤٦٠ ق)، تحقيق: علي أصغر مرواريد، بيروت: مؤسسة فقه الشيعة، ١٤١١ ق، أول.
٨٦. المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي، أحمد بن محمد الفيومي (م ٧٧٠ ق)، قم: مؤسسة دار الهجرة، ١٤١٤ ق، دوم.
٨٧. المصنّف في الأحاديث والآثار، عبد الله بن محمد العباسي الكوفي (ابن أبي شيبة) (م ٢٣٥ ق)، تحقيق: سعيد محمد اللحام، بيروت: دار الفكر.
٨٨. مطالب السؤول في مناقب آل الرسول، محمد بن طلحة الشافعي (م ٦٥٤ ق)، قم: النسخة المخطوطة في مكتبة آية الله المرعشي.
٨٩. معاني الأخبار، محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ١٣٦١ ش، أول.
٩٠. المعجم الأوسط، سليمان بن أحمد اللخمي الطبراني (م ٣٦٠ ق)، تحقيق: طارق بن عوض الله وعبد الحسن بن إبراهيم الحسيني، قاهره: دار الحرمين، ١٤١٥ ق.
٩١. المعجم الكبير، سليمان بن أحمد اللخمي الطبراني (م ٣٦٠ ق)، تحقيق: حمدي عبد المجيد السلفي، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ١٤٠٤ ق، دوم.
٩٢. معجم مقاييس اللغة، أحمد بن فارس (م ٣٩٥ ق)، مصر: شركة مكتبة مصطفى البابي وأولاده.
٩٣. معدن الجواهر ورياضة الخواطر، محمد بن علي الكراجكي (م ٤٤٩ ق)، تحقيق: السيد أحمد الحسيني، تهران: المكتبة المرتضوية، ١٣٩٤ ق، دوم.
٩٤. مكارم الأخلاق، الفضل بن الحسن الطبرسي (م ٥٤٨ ق)، تحقيق: علاء آل جعفر، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ١٤١٤ ق، أول.

۹۵. مناقب آل أبي طالب (المناقب لابن شهر آشوب)، محمد بن علي المازندراني (ابن شهر آشوب) (م ۵۸۸ ق)، قم: المطبعة العلمية.
۹۶. المناقب (المناقب للخوارزمي)، الموفق بن أحمد المكي الخوارزمي (م ۵۶۸ ق) تحقيق: مالك المحمودي، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۴۱۴ ق، دوم.
۹۷. المنجد في اللغة، لويس معلوف، بيروت: دار المشرق، ۱۹۷۳ م، بيست و يكم.
- . من لا يحضره الفقيه = كتاب من لا يحضره الفقيه
۹۸. موارد الظمآن إلى زوائد ابن حبان، نور الدين علي بن أبي بكر الهيثمي (م ۸۰۷ ق)، تحقيق: عبدالرزاق حمزة، بيروت: دار الكتب العلمية.
۹۹. مهج الدعوات ومنهج العبادات، علي بن موسى الحلبي (السيد ابن طاووس) (م ۶۶۴ ق) تحقيق: حسين الأعلمي، بيروت: مؤسسة الأعلمي، ۱۴۱۴ ق، أول.
۱۰۰. نثر الدر، منصور بن الحسين الآبي (م ۴۲۱ ق)، تحقيق: محمد علي قرنة، مصر: الهيئة المصرية العامة، ۱۹۸۱ م، أول.
۱۰۱. النهاية في غريب الحديث والأثر، مبارك بن مبارك الجوزي (ابن الأثير) (م ۶۰۶ ق)، تحقيق: طاهر أحمد الزاوي، قم: مؤسسة إسماعيليان، ۱۳۶۷ ش، چهارم.
۱۰۲. نهج البلاغة [من كلام الإمام أمير المؤمنين عليه السلام]، گردآوری و انتخاب: محمد بن الحسين الموسوي (الشریف الرضی) (م ۴۰۶ ق)، تصحيح: كاظم المحمدي و محمد الدشتي، قم: مؤسسة أمير المؤمنين عليه السلام، ۱۴۱۶ ق.
۱۰۳. وقعة صفين، نصر بن مزاحم المنقري (م ۲۱۲ ق)، تحقيق: عبد السلام محمد هارون، قم: مكتبة آية الله المرعشي، ۱۳۸۲ ق، دوم.

فهرست تفصیلی

فصل پنجم: ریشه‌های دنیا دوستی	۷
۱/۵ نادانی	۷
۲/۵ کم خردی	۷
۳/۵ درازی آرزو	۹
	
فصل ششم: نشانه‌های بندگان دنیا و روش رویارویی با آنان	۱۱
۱/۶ ویژگی‌های اهل دنیا	۱۱
۲/۶ مثل بندگان دنیا	۱۵
۳/۶ نهی از بزرگداشت دنیا دار	۱۷
۴/۶ دستور به روی گرداندن از فرزندان دنیا	۱۹
۵/۶ دعای بایسته در هنگام دیدن دنیا داران	۲۱

بخش سوم: زهد به دنیا

درآمد	۲۵
زهد، در لغت	۲۵
زهد، در قرآن و حدیث	۲۶
یک. تعریف زهد	۲۷

فهرست تفصیلی	۴۲۹
الف. بی میلی طبیعی	۲۸
ب. بی میلی قلبی	۲۸
دو. نشانه‌های زهد	۳۰
سه. مراتب زهد	۳۱
چهار. تفاوت زهد اسلامی و رهبانیت مسیحیت	۳۲
پنج. حکمت زهد	۳۴
شش. راه تحصیل زهد	۳۶
۱. تقویت بنیادهای معرفتی	۳۷
۲. تقویت ارزش‌های دینی	۳۷
۳. تقویت شخصیت اخلاقی	۳۷
۴. ساده‌زیستی	۳۸
۵. استمداد از خداوند	۳۹
 مرکز تحقیقات کفایت‌آموز اسلامی	
فصل یکم: تعریف زهد و تحریف آن	۴۱
۱/۱ بی رغبتی	۴۱
۲/۱ تعریف زهد	۴۱
۳/۱ نشانه‌های زهد	۴۵
الف - دوری کردن از حرام	۴۵
ب - کوتاهی آرزو	۴۷
ج - مخالفت با هوای نفس	۴۹
د - راضی بودن به قضای الهی:	۴۹
هـ - مجموعه این صفات	۵۱
۴/۱ درجات زهد	۶۱
۵/۱ هشدار درباره تحریف زهد	۶۳
۶/۱ برحذر داشتن از زهد ریایی	۶۷

فصل دوم: ارزش زهد ۷۱

۱/۲ ترغیب به زهد ۷۱

۲/۲ ارزش زهد ۸۱

الف - ارزشمندترین سفارش ۸۱

ب - ریشه دین و کمک آن: ۸۳

ج - سخت‌تر از جهاد ۸۳

د - برترین عبادت ۸۳

ه - زیباترین زیور ۸۵

و - جمال و زیبایی حکمت ۸۷

ز - اوج سخاوت ۸۷

ح - سودایی سودآور ۸۷

ط - کلید خوبی‌ها ۸۷

ی - خوی پرهیزگاران ۸۹

ک - خصلت بندگانِ ناب الهی ۹۱

۳/۲ ارزش زاهد ۹۱

۴/۲ سودمندترین زهد ۹۷

فصل سوم: برکت‌های زهد ۹۹

۱/۳ کمال یافتن شناخت ۹۹

الف - نگهداری خِرد ۹۹

ب - شناخت عیب‌های دنیا ۹۹

ج - دانش، بدون آموختن ۹۹

د - حکمت ۱۰۱

۲/۳ خالی شدن دل از اغیار ۱۰۳

۳/۳ دوستی و پاکی نفس ۱۰۳

فهرست تفصیلی ۴۳۱

۴/۳ چشیدن شیرینی ایمان ۱۰۵

۵/۳ درستی دین ۱۰۷

۶/۳ آسایش زندگی ۱۰۹

الف - آسایش جان و تن ۱۰۹

ب - فرمانبری دنیا ۱۰۹

ج - سازگاری دنیا ۱۱۱

د - خدمت‌گزاری دنیا ۱۱۳

۷/۳ آسان شدن مشکلات ۱۱۵

۸/۳ نزدیک شدن به خدا ۱۱۵

۹/۳ راه رفتن بر آب ۱۱۹

۱۰/۳ دیدار فرشتگان ۱۲۱

۱۱/۳ مفتخر شدن به وحی ۱۲۵

۱۲/۳ کرامت دنیا و آخرت ۱۲۷

الف - عزتمندی ۱۲۷

ب - نیک‌بختی ۱۲۷

ج - کامیابی ۱۲۹

د - رحمت دیدن ۱۲۹

ه - غنیمت بردن ۱۲۹

و - رسیدن به همه درجات بالا ۱۲۹

ز - اقامت در بهشت ۱۳۱

فصل چهارم: زمینه‌های زهد ۱۳۳

۱/۴ خِرد ۱۳۳

۲/۴ شناخت خدا ۱۳۵

۳/۴ شناخت دنیا ۱۳۹

۴/۴	شناخت آخرت	۱۴۵
۵/۴	یقین	۱۴۷
۶/۴	دین	۱۴۷
۷/۴	اخلاص	۱۴۹
۸/۴	یاد مرگ	۱۴۹
۹/۴	کرامت نفس	۱۵۵
۱۰/۴	دوراندیشی	۱۵۵
۱۱/۴	خود را به زهد ورزی و داشتن	۱۵۵
۱۲/۴	یاری جستن از خدا	۱۵۷

فصل پنجم: رهنمودهایی برای رسیدن به زهد

۱/۵	دنیا چیست و چه می تواند باشد؟	۱۶۳
۲/۵	بر آنچه از دست داده اید، افسوس نخورید و برای آنچه [خداوند]	
	به شما داده است، شادمانی نکنید	۱۶۷
۳/۵	به دنیا عاشقانه منگرید	۱۷۵
۴/۵	دل هایتان را به ذکر دنیا مشغول نسازید	۱۷۷
۵/۵	آرزوهای خود را در دنیا کوتاه کنید	۱۷۷
۶/۵	در دنیا خود را میهمان بدانید	۱۷۹
۷/۵	در دنیا غریب وار زندگی کنید	۱۷۹
۸/۵	دل هایتان را از دنیا بیرون ببرید	۱۷۹
۹/۵	از فزونی های دنیا بگریزید	۱۸۱
۱۰/۵	دنیا را بوته خاری بدان	۱۸۳
۱۱/۵	دنیا را به سان چیزی بدان که در رؤیا به آن، دست می یابی	۱۸۳
۱۲/۵	دنیا را به سان پلی بدان	۱۸۷
۱۳/۵	دنیا را زندان خود بشمار	۱۸۹

فهرست تفصیلی ۴۳۲

۱۴/۵ در دنیا چون مسافران باشید ۱۸۹

۱۵/۵ از دنیا وارسته باشید ۱۹۱

۱۶/۵ دنیا، در چشمتان، خُردتر از تفالهٔ برگ درخت قَرَظ باشد ۱۹۵

۱۷/۵ این دنیای نکوهیده را رها کنید! ۱۹۵

۱۸/۵ از جاذبه‌های دنیا روی گردانید ۱۹۷

۱۹/۵ از دنیا، با شدّت تمام، دوری کنید ۱۹۹

۲۰/۵ دنیا را سبک بگیرید که این، گواراتر است ۱۹۹

۲۱/۵ دنیا را سه طلاقه کنید ۲۰۱

۲۲/۵ گویی هرگز دنیایی نبوده است! ۲۰۱

۲۳/۵ حلال دنیا حساب دارد و حرامش کیفر ۲۰۵

۲۴/۵ خوشی دنیا، با رنج آمیخته است ۲۰۵

۲۵/۵ شیرین دنیا، تلخ است ۲۱۱



مرکز تحقیق و پژوهش علوم اسلامی

فصل ششم: نمونه‌های زهد ۲۱۳

۱/۶ پیامبران ۲۱۳

۲/۶ اهل بیت ۲۳۱

۳/۶ سلمان ۲۳۹

۴/۶ ابوذر ۲۴۱

بخش چهارم: آخرت

درآمد ۲۴۷

آخرت، در لغت ۲۴۷

آخرت، در قرآن و حدیث ۲۴۷

۱. آخرت در مقایسه با دنیا ۲۵۰

۲. ویژگی‌های آخرت ۲۵۱

الف - قرارگاه	۲۵۲
ب - خانه همیشگی	۲۵۲
ج - خانه زندگی حقیقی	۲۵۲
د - حاکمیت مطلق حق	۲۵۲
ه - شهود حقایق غیبی	۲۵۲
و - خانه پاداش کردار نیک و بد	۲۵۳
ز - دشواری راه	۲۵۳
ح - کامیابی شایستگان	۲۵۴
ط - احاطه آخرت بر دنیا	۲۵۴
۳. اهتمام به آباد ساختن خانه آخرت	۲۵۵



فصل یکم: آخرت شناسی	۲۵۷
۱/۱ نام گذاری آخرت	۲۵۷
۲/۱ نخستین منزلگاه آخرت	۲۵۷
۳/۱ مقایسه میان آخرت و دنیا	۲۵۹
۴/۱ ویژگی های آخرت	۲۶۳
الف - سرای ماندن	۲۶۳
ب - سرای ماندگاری	۲۶۷
ج - سرای زندگی حقیقی	۲۷۱
د - سرای حق	۲۷۳
ه - سرای بیداری	۲۷۵
و - سرای یقین	۲۷۵
ز - سرای سزا	۲۷۵
ح - سرای محصور در ناملايمات	۲۷۷
ط - سرائی که احوال آن، تابع شایستگی است	۲۷۹

فهرست تفصیلی	۴۲۵
ی- سرای محیط بر دنیا	۲۷۹
فصل دوم: اهتمام به آخرت	۲۸۳
۱/۲ تشویق به آخرت گرایی	۲۸۳
۲/۲ فرزند آخرت باشید	۲۹۱
۳/۲ ویژگی های آخرت گرایان	۲۹۳
۴/۲ زینهار دهی از بی توجهی به آخرت	۳۰۳
۵/۲ اندازه پرداختن به آخرت	۳۰۵
۶/۲ ویژگی های طالبان آخرت	۳۰۹
الف- رغبت	۳۰۹
ب- شیفتمگی	۳۰۹
ج- آمادگی	۳۱۱
د- کوشش و تلاش	۳۱۱
ه- عمل	۳۱۳
و- توشه برگرفتن	۳۱۵
۷/۲ آثار اهمیت دادن به آخرت	۳۱۷
فصل سوم: یاد آخرت	۳۲۵
۱/۳ تشویق به یادآوری آخرت	۳۲۵
۲/۳ عوامل یادآوری آخرت	۳۲۹
۳/۳ عوامل از یاد بردن آخرت	۳۳۱
الف- آرزوی دراز	۳۳۱
ب- دارایی بسیار	۳۳۳
ج- آزمونندی به دنیا	۳۳۵
د- همنشینی با گناه پیشگان	۳۳۷

۴۳۶ دنیا و آخرت از نگاه قرآن و حدیث / ج ۲

۳۳۷ هـ - گوش سپردن به آلات لهو و لعب

۴/۳ آثار یاد کردن آخرت

۵/۳ آثار از یاد بردن آخرت

فصل چهارم: آباد کردن آخرت ۳۴۳

۱/۴ تشویق به کشتن و آباد کردن آخرت

۲/۴ برکات آباد کردن آخرت

۳/۴ آنچه آخرت را آباد می‌کند

۴/۴ آنچه آخرت را ویران می‌کند

فصل پنجم: سودای آخرت ۳۶۳

۱/۵ تشویق به سودای آخرت

۲/۵ معنای سوداگری آخرت

۳/۵ زنده‌اردهی از سودا کردن آخرت به دنیا

۴/۵ نگوشتش آن‌که آخرتش را به دنیای دیگران بفروشد



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی